



مؤلفه معاسترانه

جلد پنجم کتاب مرآت البلدان نامی بنا بر پنج شهر  
بیسویع الثانی سنه هزار و شصت و نود و شش

هجری مطابق سنه ۱۸۲۹ مسیحی

قیمت کتاب شش هزار

دینار





خلد بن زيد  
 شيخنا  
 اكرموا وانبئ جميع الناس  
 منكم  
 ارحم الراحمين



<p>           ارحم الراحمين            منكم            اكرموا وانبئ جميع الناس            شيخنا            خلد بن زيد         </p>	<p>           ارحم الراحمين            منكم            اكرموا وانبئ جميع الناس            شيخنا            خلد بن زيد         </p>
--	--





۱۳۸۲

۱۲۸  
ب-۱۳



جلد سوم کتاب  
 مرآت البلدان فی مصر  
 اثر مؤلفات ضمیمه الدوله  
 محمد حسن خان  
 باب سنه ۱۲۹۵

والتحریر  
 دفتر مکتب شایسته  
 در امر مبارک  
 ۱۳۸۲  
 ۱۲







مقدم سال از سنین  
سلطنت جاوید مدت اعلی حضرت  
افدس خیر صاحب از شاهنشاهی  
جمعی از ملوک و رعیت

بسم الله الرحمن الرحیم  
بمطالعه کنندگان پوشیده نیست که قصد مؤلف در ابتدای سنه ما ضمیمه و در پیل این بود که  
جلد دوم کتاب مرآت البلدان نامری حاوی تاریخ بقرن سلطنت معدلت آیت اعلی حضرت اقدس  
همایون شهریار صاحبقران و نیکارش نجامد و ما اثر وجود مسعود خسر و کسری نشان شاهنشاه  
کل مالک محروسه ایران ناصرالدین شاه قاجار ادام الله ملکه و سنین سلطنته و شرح حال  
شاهنشاهزادگان عظام و صدور صاحب مقام و وزرا و رجال و اعیان و برآوردگان این آستان  
اسنان جاه و مطیفین این درگاه خلائق پناه و سایر وجوه اهل مملکت باشد ولی از آنجا که در بیشتر  
از شهروان سال خبرها در جمع اوردی اسباب اسناد صحیح لازم از قبیل کتب دفاتر مستوفین این  
عهد فرخنده عهد و روزناجات و اوراق پاداشتهای نویسدگان و ارقام و فراین قضا این  
بذل مساعی و جهد مینمود بعد از اقدام ضیق بحال انجام مرام داد خاتمه سنه مسعوده در چتر حال  
گذشت و چون در اوایل سال فروردی مثال بارس پیل موکب اعلی غارم سفر خجسته اثر نکشا  
بود و چاکر آستان مقدس را بشراف الترام و کاب معالی امر و اشارت رفت جلد دوم کتاب مرآت البلدان

۱۱۵۴

D SR

۱۱۵۴

۲

شرح سال یا نزد هم سلطنت با سعادت همایون که مطابق سنه هزار و دو بیت و هفتاد و هشت  
ختم و بطالین و راعین تقسیم شد عرفت الله بفتح العزائم و بنقض المسم کوبان از مطالعه کنندگان  
عذر خواستم و با مثال مثال قدر مثال پادشاهی دینا چه خلوص چاکری و ابغوا و شایسته را  
بعد از آنکه بمن الله دعوت انما فرت صورت اختتام یافت و معاودت داعی اهتمام بر پیل بقیه مرام  
آمد مجدداً شروع بمقصود نمود و جلد سیم کتاب مرآت البلدان نامری را ابتدا شرح سال شانزدهم  
سلطنت با مینت شاهنشاهی صان الله تعالی ملکه عن التاهی که مطابق با سنه هزار و دو بیت و هفتاد  
و نه هجری میناشد کرد و بعینه چون سال گذشته در خاتمه هر سنه وقایع معظمه حادثه در تمام روی دیوار  
ببارق دنی و مختصر مدبیل داشت و منتهی ساخت بنکارش وقایع سال خبر اشتغال بارس پیل سنه هزار  
و دو بیت و نود و پنج هجری و در حصول این مقصد مستطاب و شمول کتاب بر نواید کبیره و منافع عظیمه  
و اجتناب از وقایع ذلل و امر از از موارد خطر رجاء و اتق بمظاہرت خالق بیچون و چند و حضرت قیوم  
بمثال و مانند است حسنا الله و نعم الوکیل و توکلت علیه و هو خیر الدلیل علی کل سبیل

شرح سال شانزدهم سلطنت اعلی حضرت اقدس همایون  
شاهنشاه صاحبقران از امر الله تعالی با امر ملکه  
و در اوله مطابق سنه هزار و دو بیت  
و هفتاد و نه هجری  
ابتدئ بیل  
ترجمه

از بدو این سال خبر مال و وجه همت خسروانه انتظام نمالک و امور و توجیه مصالح حال جمهور و رعیت و  
توفیه عباد و تمیشت بلاد بود تقریر خواند دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد و ابراست بنا بر خدایت  
صادقانه جناب پیرزاد سعیدخان و ذر امور خارجه با عطای بگوشته شراب مرصع بجوهر نمنه جناب معری  
مفتخر فرمودند تا الصیحات و در این و نظم و نسق آن بلوک بر حمت الله خان ساری اصلان و اگذار شد  
حاجی میرزا بزرگ تاجر شیرازی چون تقریباً یکصد باب کارخانه شالیبافه در شیراز دایر کرده که شالهای  
بسیار ممتاز در آن بافته میشود توسط نواب الاعضاد السلطنه و ذر علوم و صنایع و تجارت بمنصب  
ملک التجاری شیراز سرافراز شد مشهد افزاسباب تجار و تجانی ساکنین بزرگ نیز در این بلد شصت باب  
کارخانه شالیبافه دایر کرده است بنا بر اهتمامات نواب الاعضاد السلطنه در مشاغل و خدمات



بکلیه انکستری الماس بسیار ممتاز نواب عظیم الهی را مفتخر فرمودند ضیاء الملك والد مؤلف چون در امور وزارت عدلیه مساعی چهله نموده بود بقیه جناح سر بلند کردید جناب نایب الدوله محمد ناصر انشیک آقاسی باشی حاکم استرآباد و شاهزاده و بسطام و غیره بیکقبضه قهر مرصع میبایستند حکومت بند بوشهر باجد خان نواز موقوف شد میرزا حسین وزیر سابق دارالخلافه بمنصب استیفای دیوان هاپون نایل گردید میرزا محمد ولد مرحوم میرزا بابای حکیم باشی بمنصب استیفای دیوان هاپون و میرزا علی برادر معزیه الهی بمنصب لشکر نویسی برقرار گردیدند بعضی از ریش سفیدان ترا که ساروق و سالور بارخو اقدس خدمت نواب الاحسام السلطنه حکمران خراسان آمد بر حسب استدعای آنها ایشانرا در ذیل سواره خراسان ثبت و اسبهای آنها را داغ کردند محمد قاسم خان والی حکمران کگلان در امور آن سامان مساعی چهله مینماید دیوان تحقیق در کگلان برقرار است

اسامی

مؤکب هاپون روز چهارم محرم از قصر سلطنت آباد تشریف فرمای مقررستانک گردید بعد از ده روز توقف در اینجا بکجور عزیمت فرموده از کجور بیاحت کار و دیوهای مازندان روانه شدند و پس از باز دید انصافات از اربلک لار معاودت بقصبه بناوران فرمودند جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار و سفیر مخصوص دولت علیه ایران مقیم در بار دولت عثمانیه بکقطعه نشان تمثال بهمثال مبارک مکمل بالماس مفتخر گردید ضیاء الملك والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی بقیه نایل اعتماد السلطنه ملقب آمد حاجی میرزا محمد خان دبیر محام خارجیه وزارت و ظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزا علیخان ولد معزیه الهی (جناب امین الملك) بنیابت اول وزارت امور خارجه برقرار گردید خط تلکرافت از دارالخلافه باهره با اهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه تا کگلان امتداد یافت و نواب معظم الهی باعطای بکقطعه کل مرصع مفتخر فرمودند اردوی بزرگی در چین اوجان زده اند این

نوره

سلطان مظفر الدین میرزا

اوقات حضرت شاهنشاهزاده اعظم والا و لیسعهد دولت ایران باغیر بزخان سردار کل دبیر کتبی اردو در وقت روز بیست و یکم محرم در استرآباد از سمت قبله ابری ظاهر شد بزین میباید بعد جو صعود میکند و در بین صعود صداهای مهبلی و بیهمه مبرسد و پس از یکساعت از هم پاشید آتشی از او تابان میگردد و از دوهوای استرآباد بطوری گرم میشود که اغلب زکرا بچال میشوند جشن مولود هاپون را شب ششم ماه صفر در تمام بلاد ممالک محروسه با شکوهی تمام گرفتند جناب مسجودتی وزیر مختار دولت ابطال حاصل نامه مودت علامه حضرت پادشاه ابطال بان نشان درجه اول سلطنتی آن دولت این اوقات وارد دارالخلافه شد روز بیست و نهم ربیع الاول باهراهان خود بمحضور مظهر و مبارک مشرف گردید

در هر یک بقدر مرتبه خود مورد تفقدات خروانه گردیدند میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان بیاد قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و دیانت دفتر لشکر آذربایجان سرافراز شد مؤکب هاپون روز بیست و نهم ربیع الاول بنا بر اعتدال هوا از سیلاب شمیران تشریف فرمای شهر گردید فرج فراغانی مامور ساحلوی فارس را بنصر الله خان سرتیپ سپردند محمد رحیم خان سرتیپ سواره اپلا قزوین بمنصب سرتیپی اول سرافراز شد آب قنات دروشان تیره جاری و در باچه بسیار بزرگی در برابر دروشان تیره بنا میکنند حاجی قوام الملك شیرازی بکقطعه نشان از مرتبه اول امیر قومانده با خیابان مخصوص آن سرافراز شد آقا محمد ابراهیم معیار باشی بکقبضه کار در مرصع و لقب خان نایل گردید محمد اسماعیل خان و کجل دره معیار کومان و شهر و بلوک و باطوحهاهای خوب کار و انتر و از امر پستاد و در آبادی آن ولایت نهایت شاهی است این اوقات باهم هفته را تقسیم کرده ذات ملکوتی صفت در هر روزی مقدس بعراض یکی از و در رسیدگی سپهر پابند و مطلب فوری که پیدا شود همان وقت بعرض میرسد و روز دوشنبه که روز تعطیل است محض آنکه هیچ امری معوق نماند احکام و بروات و فراین بعضی هاپون میرسد میرزا هدایت پسر مرحوم نصیر الملك بمنصب ستوفیگری سرافراز شد محمد اسماعیل خان و کجل الملك باعطای بکقطعه نشان تمثال بهمثال هاپون مفتخر گردید حاجی میرزا علی بیخچمدت بلقب مشکوئ الملك ملقب شد جهانبگیر خان سرتیپ و جنرال اجودان مخصوص بریاست قورخانه مبارکه سرافراز گردید علیقلی خان نایب اول اجودان باشی بکقطعه نشان از مرتبه سرتیپی و حاجی مخصوص آن مفتخر گردید علی آقا نایب و هم اجودان باشی بنیابت اول نایل آمد علیقلی خان سرتیپ ملکر افغانه (جناب مجرای الدوله) که در امتداد سیم تلکراف کگلان خدمت کرده بمنصب سرتیپی سیم و دوست تومان اضافه مواجب سرافراز شد حاجی کاظم تاجر تبریزی بمنصب ملک التجاری آذربایجان منصوب گشت میرزا هادی کارگذار خارجه کرانتهان بنشان از درجه اول سرتیپی و حاجی ان نایل آمد نواب الاحامی محمد ولی میرزا بمنصب وزارت دارالشوری گبری سرافراز گردید شاهزاده ستم سرتیپی سواره گرد و ترک برقرار و یکصد نفر سواره عبد الملکی و این معزیه الهی سپردند ستم مؤلف بمنصب جنرال اجودان و تشریف هاپون سر بلند آمد جناب ناصر الملك محمود خان مشیر خاص هاپون که از اجرای شورای وزارت برسم وزیر مختاری مامور با قامت و بار دولت انگلیس شد امان الله خان سرتیپ مستشاری سفارت فرجورده و باعطای بکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با حاجی مخصوص ان قرین افتخار آمد محمد علی آقا نایب اول اجودان باشی و مترجم اول وزارت خارجه بلقب خان و بنیابت

در هر روزی

حضور



اول سفارت مزبور مباحی کردید محمد مهد بخان سرکشکی باشی بیکقطعه نشان تمثال بهمانها  
 مفتخر کردید عبدالعلی خان ادیب الملک بشیخته قطعه حکومت قم سرافراز شد میرزا احمد منته  
 سهام سارجه مازندران بیکقطعه نشان سرهنکی از وجه اول باجمابل مخصوصان سرافراز آمد  
 چون اغابشر سرهنک سبازان حبشی کوچک وفات نمود فوج مزبور را بابو الفتح خان ولد مرحوم  
 خانبا باخان سپردند سواره مقدم مراغه سپرده بحسام الدوله شدند ابو الفتح خان پسر مرحوم  
 عبدالحمین خان جوانشیر بمنصب سرهنکی فوج اول خاصه سرافراز کردید توابعان سرهنک سابق  
 سواره نظام بمنصب نیابت اول اجودا باشی مفتخر کردید چون ابو الفتح خان سرتیپ فوج شقایق مامور  
 ساخلو فارس مرحوم شد باقرخان خوزی که منصب سرهنکی خارج از فوج داشت برهنکی فوج مزبور  
 سرافراز و مامور فارس کردید باقرخان که در کارخانه شماعی خدمات کرده بود بمنصب سرهنکی مفتخر  
 کردید آقا محمد حسن خواهرزاده مرحوم آقا علی اصغر معین التجار بلقب معین التجاری نایل کردید  
 نواب علیقلی پسر ولد نواب والاعمال الدوله ملقب بضارم الدوله کشت در باستان کل قشون کرمانها  
 نیز نواب معزی البه واکذا فرموده باعطای بکقبضه شمشیر کل مرصع او را مفتخر فرمودند  
 جناب میرزا فتحعلی خان صادیق پوان بیکقطعه نشان امیرتومانان و بگوشته جمابل مخصوصان سرافراز  
 شدند میرزا احمد خان ناعدا الملک ولد مرحوم امیراتابیک اعظم باعطای بیکقطعه نشان تمثال بهمانها  
 هابون کلل بالماس سرافراز کردید حاجی اسماعیل خان سرتیپ ماکو بیکقطعه نشان و جمابل سرتیپ  
 سرافراز کردید ابو الفتح خان سرهنک سربندی مرحوم شد مصطفی خان ولدا و بمنصب سرهنکی  
 فوج مزبور برقرار کردید جعفرخان باورکل بمنصب سرهنکی خارج از فوج برقرار کردید محمد کاظم  
 خان سرکره بکشلو باعطای بیکقطعه نشان سرهنکی مفتخر آمد فوج جدید کرمان بلقب شوکت سرافراز  
 آمد در کارخانه شماعی دارالخلافه چند قسم شمع در کمال خود بیک شمعهای فرنگی میفرستند حاجی محمد  
 صادق تاجو طهرانی ساکن بزد بمنصب ناظم التجاری سرافراز شد این اوقات کتابچه دستورالعمل بحکم  
 هابون برای دیوانخانه عدلیه عظمی نوشته و صدر آن موشح بدستخط هابون شده صورت کتابچه  
 از قرار ذیل است

اذا نجا که نشر عدل و انصاف و دفع ظلم و اعتساف همواره منظور نظر معدلت انصاف هابون است که  
 سب نظام از تعدی بر مظلوم کوتاه کرد و اساس ظلم و فساد تباه شود و حصول این مأمول بخت و در نظر افرد  
 هابون باستحکام عمل دیوان عدلیه اعظم منوط و مر بوط آمد لهذا حکم هابون بدین منوال  
 برتر

بشرف نفاذ مقررن کردید که چون احکام دیوان عدلیه اعظم عموماً از لحاظ نظر انور هابون میگذرد  
 با بحکم هابون صادر میشود علیهذا میباید کافر مردم از حکام و اعالی و ادانی احکام دیوان عدلیه  
 اعظم را که در طی دعاوی عارضین صادر میشود اعم از دار الخلافه و سایر ممالک محروسه معتبر و تالی  
 فرامین مبارکه بدانند و از ان عدول و انحراف نورزند و حکام عموماً اجرائی از فرض شمارند و همچنین  
 تمسکات و شیخ واکه در معاملات و داد و ستد بیکدیگر میسندند بهر دیوان عدالت برسانند و در هر  
 وزارتخانه که فیما بین ابواب محکم آنها کنگوئی بهم برسد هر یک سند و تمسک بهر دیوانخانه عدالت داشته  
 باشند معتبر شمارند و مرجع دارند و اگر چه در نفس الامر وضع دیوانخانه کجی مطلق و جواز است حکم نباید  
 بران مقرر شود لکن برای اینکه در وزارتخانهها و ممالک محروسه کار با اشکال نکشد برای دیوانخانه عدلیه  
 باین نحو امر مقرر فرمودند که در ضمن دو فصل مرقوم میشود

**فصل اول** در تکلیف سایر وزارتخانهها با دیوان عدلیه اعظم و وزارت امور خارجه نظر باینکه  
 بکلیه مدعی یا مدعی علیه از تبعه خارجه خواهد بود باید کار بکنه فیما بین تبعه این دولت و اتباع خارجه اتفاقاً  
 میافتد بگذرد باین جهت از وزارت عدلیه مداخله در آن جایز نیست مگر اینکه تبعه خارجه نیز با اطلاع مقام  
 اندولت و وزیر امور خارجه خود رجوع بدیوان عدالت نمایند البته باید رسیدگی و احقاق حق بعمل آید  
 توضیح آنکه اگر از مستداین یکی از تبعه خارجه باشد این خالی از دو صورت نیست با عارض اعم از داخله  
 و خارج بصراحت طبع خود بوزارت عدلیه رجوع خواهد کرد و وزارت خارجه کاد بکر درین مبنای خواهد  
 داشت فرستادن و کجلی است بوزارت عدلیه که از بد و تا ختم کتکو مستحضر شد مراتب بوزارت خود  
 اطلاع دهد و اگر بعکس باشد از وزارت عدلیه همین و کجلی در روزی خارجه لابد حاضر خواهد شد برای  
 ختم کار و کسب استحضار این دو وزارت درین دو قسم محاکمات که یکی خارجه باشد و دیگری داخله است  
 او ختم کتکو باید بگذرد بکلیه اطلاع دهند و با استحضار هم قطع و فصل کتکو را نمایند سایر وزارتخانه  
 نظر باینکه لفظ عارض مخصوص است باینکه در دیوانخانه عدالت رسیدگی و احقاق حق بشود ابتدا احد  
 از مستدین سایر وزارتخانهها را از عرض بدیوان عدلیه اعظم نباید مانع کنند فرضاً اگر در نفر تاجر  
 باد و نفر از اهل نظام با از دفتر استیفا و غیر اینها رجوع بدیوانخانه عدالت نمایند بدقت خود روی  
 نموده احقاق حق بعمل آورد و اگر مدعی یکی از وزارتخانه باشد که مدعی علیه هم از ابواب محکم آن وزارت  
 باشد مثل تاجر یا سرتیپ از سرهنک و بالعکس و کذا آنکه مدعی علیه حضور نداشته باشد از  
 دیوانخانه عدالت مدعی بهر ایوان مدعی بان و وزارتخانه خواهند فرستاد که در هاتجا بر این وزارتخانه



بالاطلاع آن مامور دیوان عدالت رسیدگی و احقاق حق نماید و کیفیت قطع و فصل مابین مدعی و مدعی علیه را از آن وزارتخانه بدیوان عدالت خواهد فرستاد که بعرض حضورها یون برسد و اگر مدعی ازینک وزارتخانه و مدعی علیه از وزارتخانه دیگر باشد که مدعی بدیوان عدالت آمده عارض شود و زبرد دیوان عدلیه میباشد طرفین را حاضر نموده غوررسی و احقاق حق را بعمل آورده مثلا با تاجر یا بزاز و بقال و کاسبی از یکطرف صاحب منصب یا تاجران قشون ادعای طلبی یا اظهار نظری نماید یا بعکس بدیوان عدالت عارض شود و زبرد دیوان عدالت میباشد نوشته در کمال ادب معروض عنبر از وزارتخانه متعلقه باین مطالبه نماید که در دیوان عدلیه حاضر شود از وزارتخانه که مدعی علیه بواجب است میباشد فوراً بلا تأمل هر کس باشد روانه دیوان عدلیه نموده ادعی هم از خود همراه نماید که با اطلاع آدم آن وزارتخانه امانی و دیوان عدالت با کمال دقت رسیدگی نموده و تفکیک عمل و تحقیقات لازمه نموده احقاق حق نمایند و الا اگر مدعی علیه در حاضر شدن استکفاف و تعلل و تأمل نماید و زبرد دیوان عدالت حق خواهد داشت که بعرض خاکپای مبارک رسانند محصل مامور شده حکام مدعی علیه را در دیوان عدالت حاضر سازد و همچنین از وزارتخانهها حق نخواهد داشت که غیر از ابواب جمعی خود مداخله در ابواب جمعی دیگری نماید مگر وزارت عدلیه که حق دارد در هر وزارتخانه و هر جا و هر کس عارض میسر شود غوری نموده احقاق حق بعمل آورده بشرایط معلومه معینه که مرقوم شد و در هر دایره وزارتخانه گفتگو که منتهی بروجوع شرع باشد رسیدگی و اجرای آن بالاخص در مخصوص وزارت عدلیه اعظم خواهد بود

**فصل در تکالیف دیوان عدلیه اعظم با حکام ممالک محروسه** شق اول در تکالیف ضابطین وزیر عدلیه اعظم با خاک در اختلاف است ساکنین و مستوطنین و متوطنین دار الخلافه اعم از غیره یا بومی یا قبا مختلفه میباشد نوکر تاجر تبعه خارجه کسبه خوشنشین رعیت زارع ارضه متعلق بسا بوزارتخانهها باشد از قبیل نوکر تاجر و تبعه خارجه و غیره حکم آنها بضمیمه است که در فوق مرقوم شد آنچه کسبه و رعیت زارع است موافق قاعده کلیه که دیوان عدالت مدعی حق است و رسیدگی عراض و احقاق حق کافه ناس همین حق دارد رسیدگی عموم اهالی دار الخلافه و توابع نیز دارد لکن محض ملاحظه تقویت خاک دار الخلافه از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر میشود که اهالی دار الخلافه و توابع مختار هستند در اینکه عرض خود را بدیوان عدالت بیاورند یا نزد خاک و زبرد دار الخلافه ببرند خاک و زبرد دار الخلافه طهران میباشد احد بر امانت زعمای دیوان عدالت نماید و در دیوان عدالت هم اگر عارضی از اهالی و توابع عرض کند انهم برود قسم است اگر عارض از دست کما شکان خاک و زبرد و مباشرین دار الخلافه و توابع باشد

بر ذمه امنای دیوان عدالت فرض است که عرض عارض را بخاکپای همایون رسانند بنحویکه از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر میشود معروض عنبر را حاضر نموده با کمال دقت و غوررسی رسیدگی نمایند و بعد از عرض حضور ساطع التور همایون احقاق حق نمایند درینصورت اگر از جانب امنای دیوان عدلیه معروض عنبر را احضار نمایند اگر چه شخص خاکه با وزیر باشد یا بدیوان عدالت بدون عنبر حاضر کرده و از عهد جواب مدعی بطور حساب برآید و هیچ کاری را بر این مقدم ندارد و الا اگر مدعی از کسان و بستگان خاکه دار الخلافه باشد از جانب امنای دیوان عدالت ادعی همراه مدعی مامور شده نزد خاکه و وزیر دار الخلافه ببرد خاکه نیز مدعی علیه را حاضر نموده در حضور مامور دیوان عدالت با کمال دقت و بیغرضی غوررسی و احقاق حق نماید و مامور دیوان عدالت کیفیت دانوشته بوزیر دیوان عدلیه اعظم بدهد تا بنظر انوراقدس همایون برسانند و اگر خاکه و وزیر دار الخلافه در رسیدگی عارض طرف و غرضی منظور کنند که مدعی غرضی و طرف داری آنها را در دیوان عدالت برسانند یا خاکه و وزیر بیده اعتناء و احوال و طفره بگذرانند و بعرض عارض رسیدگی نمایند و ادعی که از دیوان عدلیه مامور میشود معطل دارند که از پنج روز بگذرد و درینصورت وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که مدعی علیه در هر جا و هر کس باشد در دیوان عدلیه با مدعی حکما حاضر ساخته رسیدگی نموده و احقاق حق نماید و بعرض خاکپای همایون برسانند و نیز اگر مدعی مزبور بسبب موتهی که در دیوان عدالت نماید نکار از ترافع و تخاکه در نزد خاکه و وزیر دار الخلافه نموده بسببی موجب وحشت نماید از دیوان عدالت بخاکه و وزیر دار الخلافه مینویسند که مدعی علیه را با ادعی از خود بدیوان عدلیه بفرستند تا با اطلاع آدم خاکه و وزیر بطری دعوی طرفین بختی بشود و خاکه و وزیر دار الخلافه نیز مدعی علیه بلا تأمل یا بفرستند بدیوان عدالت محض تقویت خاکه و وزیر دار الخلافه و وزیر دیوان عدلیه اعظم رجوع بخاکات و کفر تکوی فیما بین اهالی دار الخلافه را که در تحت حکومت مندرج هستند هم امکان بخودشان خواهند نمود لکن خاکه و وزیر دار الخلافه میباشد در اجرای اوامر و نواهی احکام دیوان عدلیه اعظم بچگونگی مختار و احوال جایز دارند و هیچ حکمی را از دیوان عدالت عمل و متروک نکنند و امر عارض را بجمعی جانشینی کردند بوزارتخانه عدلیه اطلاع دهند که بواسطه وزارتخانه مزبور مراتب با عرض حضورها یون برسانند زیرا که احکام دیوان عدلیه اعظم راجع بوجود مسعودها یون و با عرض خاکپای مبارکت و تخلف از آن خلاف رای معدلت رای همایون است شق ثانیه در تکالیف دیوان عدلیه اعظم با حکام و لایات ممالک محروسه نظر باینکه اجرای حقوق ذوی الحقوق و رفع ظلم و دفع جور پیوسته



مرکز منصب مینر هابون است لازم بود مانند دار الخلافه در هر ولایتی نیز دیوانخانه یا اجزای استانیان  
 از جانب دیوان عدلیه اعظم مقرر گردد که طی دعای مردم با تمام در آنجا بشود و همیشه روزنامه کل بدیوان  
 عدلیه اعظم برسد که امنای دیوان عدالت ثبت ضبط کنند تا پس ازین دعای گذشته را در هر جا که  
 باشد دوباره نتوانند از سر بگیرند و مزاحمت و لبای دولت با بطن منازع برسانند لکن چون حکام ممالک  
 معروفه مستک باین هستند که برقرار نمودن دیوانخانه یا اجزای لوازم آن ظاهر اختلال امر حکومت میشود  
 لهذا بملاحظه تقویت حکام عجاله ازین منظور بزرگ هجسته صرف نظر فرموده امر مقرر داشتند که از  
 دیوان عدلیه اعظم بجز ولایتی بکنفر ادم عاقل ارام در داعیه با عرض خاکپای مبارک مامور گردد و محض از جهت  
 اینکه اشخاص بیکدیگر بارها بون آمدند بدیوان عدلیه اعظم غرض میشود برای اجرای هر حکمی محصل  
 مخصوص مامور نشود و احکام بیکدیگر از دیوان عدالت بحکام صادر میشود ان شخصیکه ان جانب دیوان  
 عدلیه مامور است ناظر اجرای آن حکم باشد که خاک آن ولایت چگونگی با عرض رفتار نمود بجز نوع در اجرای  
 حکم دیوان عدالت رفتار نمود مراتب را کما هو حق بدیوان عدالت نوشته عرض نماید اگر حکام اجرای احکام  
 دیوان عدلیه را از روی بیغرضی درستی جاری نمودند که در خاکپای مبارک ممدوح و مستحق خواهد بود  
 والا که به اعتناء کردند با بعضی و طبع حق ذی حق را پایمال کردند بدیهت چنین حاکی ظاهر خواهد بود  
 و رفع ظلم بر نعمت ملوکانه فرزند است در آن صورت واجب میشود که از دیوان عدالت مامورین بزرگ مامور  
 شوند و رسیدگی بعرض و داد مردم مخصوص با آنها شود و برای خاکرم ان اعتبار و اعتماد در حضور بصر  
 ظهور و مابون نخواهد بود و نیز مامور بیکدیگر از جانب دیوان عدلیه بجای منصوب بیکدیگر از مظلومین رعایا  
 کسی از بستگان و کاشتگان حکام شکایت و عرض داشته باشد که بخاک عرض کرده و خاک بجهت طبع باطل  
 کبری مدعی علیه اعتنا بعرض مدعی ننموده غوررسی و احقاق حق نکرده باشد ماذون خواهد بود که عرض  
 عارض را مخفی بدیوان عدالت برسانند که از دیوان عدلیه معروض خاکپای مبارک افتد بجز چه افتند  
 رای جهان از ای هابون باشد حکم حکم جهات مطاع از مصدر خلافت کبری صادر خواهد کرد و اگر  
 مامور بیکدیگر از جانب دیوان عدلیه بجای منصوب میشود دروغ و افتراء در حق کسی از خاک و غیره بنویسد یا  
 بخلاف واقع عرض کند و در وقت غوررسی و تحقیق نتواند از عهد اجرای عرض خود براید هم مورد تنبیه  
 خواهد شد و هم معزول از شغل و منصب واجب بیکدیگر و ابدا بیکدیگر درین دولت هیچ خدمتی مامور  
 و منصوب نخواهد شد و در هیچ وزارتخانه او را نباید بخدمت دیگر و دارند اینست دستور العمل  
 دیوان عدلیه اعظم که بر حسب امر داده رای بیضاضی هابون اقدس مرقوم کردید

سواد دستخط مبارک

چون خدمت و نظم عارضین دیوان عدلیه را از شخص اعتماد السلطنه و ذریعه عدلیه خواستند  
 و باید درین فقرات کمال سعی را بکنند لهذا اینکتابچه دستور العمل دیوانخانه عدلیه  
 اعظم بروفق حکم و فرمانش مانوشته شد و صحیح است  
 امنای دیوانخانه و سایر روز را و حکام و  
 غیر بنیاد ازین تحلف نمایند  
 ۲۲ جاری الثانیه پتیل

میرزا غفار خان صدیق الملک که چندی مامور باقامت سنت پترزبورغ بود این اوقات معاودت  
 بدار الخلافه نموده با کمال احترام او را در نمودند کتاب ستر الحکمه در تشریح و تخریح اجزاء صلبه اجزای  
 سبانه بدن انسان و کتاب زینت الابدان در امراض جلدیه از مصنفات حکیم شلبر فلهمنکی معام قد  
 علم طبه مدو طبع شد و بفروش میرسد حاجی آقا بابای حکیم باقی بلقب ملک الاطیبانی و بکقطعه  
 نشان از درجه دوم سرتیپی با حایل مخصوص ان سرافراز کردید میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک  
 با عطای بکقطعه نشان سرتیپی و حایل ان مباهی آمد معدن فیروزچی در زردند و ساوه با اهتمام  
 حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شد که فیروزه ان در کمال صفاست در شیراز ده روز زلزله ها  
 متوالی شده است کلیه عمارات مبارکات دولتی و باجی محمد خان حاجب الدوله سپردند محض  
 نظم و انتظام امر قشون دستخطی مبارک با افتخار جناب سپهسالار شرف صدور یافت که صورت  
 ان از قرار ذیل است

سواد دستخط مبارک

اولا اطینان کامل باعمال و افعال سپهسالار داشته و داریم در باب عزل و نصب و جرح و تعدیل  
 تصدیق و تکذیب احکام و اوامر در کل عمل قشون مابدون صوابد بد و صلاح سپهسالار بجز  
 حکمی نخواهیم فرمود و آنچه سپهسالار عرض بکنند همانرا مضا و مجری خواهیم داشت در باب  
 مواجب و تدارک نوکر که بجزج و لا بات مباد باید سپهسالار شرحی بنویسد هر طور بیک صلاح  
 میداند که مواجب جبهه درست و بجهت عیب در وقت و موقع بنوکر برسد بعرض برساند و از  
 آن قرار حکم صادر شود باید طوری باشد که مواجب سرنازی با سواری را که در اقصی بلاد  
 ایران است بدون که وزباد و دباب اینک هر ولایت رئیس از وزارت جنگ بر سر قشون انجا

اولا اطینان کامل باعمال و افعال سپهسالار داشته و داریم در باب عزل و نصب و جرح و تعدیل تصدیق و تکذیب احکام و اوامر در کل عمل قشون مابدون صوابد بد و صلاح سپهسالار بجز حکمی نخواهیم فرمود و آنچه سپهسالار عرض بکنند همانرا مضا و مجری خواهیم داشت در باب مواجب و تدارک نوکر که بجزج و لا بات مباد باید سپهسالار شرحی بنویسد هر طور بیک صلاح میداند که مواجب جبهه درست و بجهت عیب در وقت و موقع بنوکر برسد بعرض برساند و از آن قرار حکم صادر شود باید طوری باشد که مواجب سرنازی با سواری را که در اقصی بلاد ایران است بدون که وزباد و دباب اینک هر ولایت رئیس از وزارت جنگ بر سر قشون انجا



از همه بخت بد بخواخته نظامی است اما منتظم با این طور بکه شفاها به سپهسالار فرموده ام اگر غیر منتظم باشد به مصرف است باید سپهسالار همیشه بکنوع مواظبت خاصی در دفتر دیوانخانه هاداشته باشد و از التفات ظاهری و باطنی ما بالمره خاطر جمع باشد

جناب سپهسالار را با عطای بکفطعه کل کر مکلل بالماس مفتخر فرمودند صبح شنبه شهر شوال المکرم پنجماعت بطلوع آفتاب مانند نتر اعظم از برج حوت بجل تجویبل نمود و سلام خاص در پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید روز یکشنبه دویم سلام عام در تالار تخت مرمرینبارکی اتفاق افتاد

پاشا خان امین شوری بکفطعه نشان از درجه امیر تومانی مفتخر گردید حاجی میرزا عبد الله خان مستوفی بکفطعه نشان سر تیپ سرفراز شده و حکومت همدان را نیز بمعری الهیه واگذار فرمودند بعضی از طوایف ترا که درم از خود سری میزدند ظهیر الدوله حکمران استرآباد آنها را تسبیح کاملی نمود همچنین

جهد قلخان خاکه بجنورد نیز طوایف دیگر ترا که را که مسکدر شرارت بودند تا دیکه منقاد کرده است کلب حسینخان امین نظام بر ناست قشون خراسان و منصب سر تیپ اول سرفراز شد محمد باقر خان سرهنک بمنصب سر تیپ سیم نایل گردید کارخانه بلور سازی از حسن مراقبت نواب الاعضاد السلطنه

دونق کاملی دارد میرزا عبدالرحیم کاد پر در اول و مخصوص دولت علیه مقیم تفریس بمنصب شاذر دافری و امانت در بار دوس مفتخر گردید برای مراکب بحریمه تبعه دولت علیه وضع علم مخصوصی نمودند که اسباب امتیاز و تشخیص آنها باشد حکومت استرآباد و ماژند را نیز ابعده کفایت عین الملک

خوانسار و اگزار فرمودند و محمد علیخان برادر مغزی الهیه بنیابت حکومت و میرزا مصطفی خان بهاء الملک بمناسرتی مورد ماژند را در سرفراز شد دوست علیخان معبر الممالک را با عطای بکفطعه نشان از درجه امیر تومانی قرین مفاخرت فرمودند میرزا رضای مستوفی خاصه پسر معین الملک

بکفطعه نشان سر تیپ با خاها بل مخصوص آن سر بلند آمد عمارات دیوانی سبز میدان کلانرا حسب امرت می نمایند نواب الاحسام السلطنه حکمران خراسان که بجهت بعضی عراض لازم بدار الخلافه آمد بجل عکرا فی خود معاودت نمودند حضرت شاهنشاهزاده امجد والایمین الدوله (ظل السلطان)

دام اقباله بیکمرا فی مملکت فارس منصوب و ظهیر الدوله بوزارت معظم الهیه مفتخر گردید حیدر قلخان ابلخانی و حکمران بجنورد بکفطعه نشان تمثال هابون مکلل بالماس سرفراز آمد امیر حسینخان ابلخانی و غفران لو که در غناب نواب الاحسام السلطنه در خراسان مامور سرحد دار

بود و اشرار ترا که را بجنوبی تدبیر و تنبیه نموده بتوسط نواب معظم الهیه بکفطعه شمشیر کل و کمرکد مرصع میبای شد محمد علی خان ابلخانی فانس بکفطعه نشان تمثال هابون مکلل بالماس سر بلند

کشت حاجی قوام الملک بمنصب متولیا شیکری آستان حضرت تامن الاثم علیه السلام و لقب جناب ب مفتح گردید زین العابدین خان سر تیپ سواره شاهسون در برن که در خراسان خدمت کرده بود به اعطای نشان و جامه از درجه اول سر تیپ اختصاص یافت سپه علی خان سر تیپ پسر و زکوهی نیز چون

در خراسان خدمت کرده بود بکفطعه نشان از درجه دویم سر تیپ نایل آمد میرزا جعفر خان سرهنک توپخانه که در عربستان خدمت کرده بود نشان و جامه سرهنکی درجه امتیاز حاصل نمود میرزا عبد الله خان مستوفی حاکم همدان ملقب بعلاء الملک شد آقا حسن نایب فرانشان مینار که نشان و جامه سرهنکی

سرفراز کشت نواب والاعضاد الدوله حکمران عربستان و لرستان بکفطعه نشان تمثال هابون میناهی گردیدند و سلطان او پس میرزا ولد نواب معظم الهیه رئیس دیوان نظامی لرستان بکفطعه نشان از درجه اول سرهنکی نایل آمد جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله ملقب باحتشام الملک

شد و کلاب ملا بر و توپسراکان را بنواب والاعضاد السلطنه و ذر علوم واگذار فرمودند که آنچه خارج مدرسه مبارک دار الفنون است از مالیات این ولایات اخذ و فاضل را بدیوان هابون مامور

دارند چراغ علی خان سر اج الملک بمنصب بیکلیک

و در باست دیوان نظامی

اصفهان بقرار

گردید

و قابع و سوا بجهت که در این سال در تمام روی زمین واقعات که ارض

واقع و سانج گردید

اتا توفی بنکی دنیا

جنگ ابالات جنوبی و شمالی در کمال سختی است اگر چه فتح غالباً با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه که فایده ازان بر واردند حاصل نشد خیرالگران سردار شمالی دوسه قلعه معتبر از جنوبها بزور

اسلحه گرفته و متصرف شده است لکن رئیس جمهور دی اتانوفی که حالا بواسطه این اختلاف کرده میان شمالی و جنوبی است فقط در باست ابالات شمالی را دارد حکم با حضار صد و بیست هزار قشون

علاق بر قشون معمولی خود میکنند دولت فرانسه در صد دینا بیکری است که در میان ابالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت این دولت بیفایده میماند کما باطنی انگلیس با ابالات جنوبی شورش سخت در نو برک که سبب چندین قتل و حرق عظیم میشود تقریباً معادل چهار هزار و تومانی پول ایران ابالات جنوبی تا اینوقت استقرار نموده و بمضاد جنگ رسانیده اند عدد کشتهای



جنک طرفین به پانصد و هشتاد و هشت رسیده با سه و چهار هزار و عساکر بحری

### اسپانیا

ژان پسر د نیکارلس ابراهیل ملکه اسپانیا بول را بسلطنت اسپانیا شناخته و حقوقی که پدرش و طاقت این در سلطنت اسپانیا داشته ژان دست از آن حقوق میبکشد زلزله سخت مایبل که مورث خرابی زیاده نزع مابین سباهها و سفید فادرها بقی باغبانها بر تپه کانا داد و هابقی سوزانند

### افریقا

ماداکاسکار شورش اهالی بر ضد وزرا و خواص پادشاه و بعد از چند وقت قتل پادشاه و نصب زوجه اش بجای او

### افغانستان

فوت امیر دوست محمد خان در بهار نصب امیر شیره علی خاوند ولد انور سوم بجای پدر و نقاد مابین امیر شیره علی خان و برادر او محمد شیره خاوند جنک داخله و شورش در هرات و کابل

### المان

اتفاق آزاد را بجماد مجلس پارلمان واحد در تمام مملکت ملاقات اعلام حضرت امپراطور اطریش و اعلمیت پادشاه پروس در گاسین در سرحد اطریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش پادشاه پروس که يك مجلس شورای مرکب از سلاطین و ولایة المان در فرانک فر منعقد شود که درین مجلس محل و عقدا مورثه کلمه المان بشود پادشاه پروس قبول حضور انجمن را نمیکند لیکن مجلس مزبور در او افر تا بستان اینال منعقد شد سلاطین جزو با وزیرای خارجه که دارند حضور بهم میرسانند این مجلس انطوریکه مقصود بود فایده بخشید افتتاح مجلس پارلمان پروس که در تابستان اینال شد و از مضمون خطبه که در افتتاح این مجلس مسیو بیزارک صدر اعظم قرائت کرد معنی صلح و سلامت مفهوم نمیکرد و در پروس بواسطه تباین رانی که مابین مسیو بیزارک و وزرا و کلای ملت است مجلس و کلا عزل شد و کلای جدید منصوب میشوند افتتاح مجلس جدید را اعلام حضرت پادشاه پروس بخصمه نمودند استقراض وجه معتد به برای تهیه جنک در مملکت پروس بر ضد داتمارک در اطریش شخصی کوت نام از اهالی مجارستان ازادی مجارستان را از تحت سلطنت اطریش طالب است و جمعی باید و در خود جمع میکنند مجلس پارلمان اطریش هم مساعد است از برای اینکه دولت داتمارک جنک کند فوت فیلسوف معروف ژاکوب کیرنر شروع گفتگو مابین دول اطریش و پروس از یک طرف

دولت داتمارک از طرف دیگر راجع بمشله اهلالتین ایشلیونیک و هلینتن که این دو دولت معظله اهلالتین مذکور در اجز و مالک المان دانسته و تصرف داتمارک را درین دو ایالت بحق میدانند و استرداد اهلالتین را بمخالفت المان طلب میکنند و در صورت مضایقه در استرداد اهلالتین مذکور بتوسط داتمارک در تهیه جنک هستند که بزور اسلحه بکینند

### انگلین

از خارج وزارت جنک ده کرد در بره کرم بشود توپ جدیدی که آرم این توپ نام اختراع کرده بود دولت قبول میکند جنک در نول زلاند با طایفه ما اوری مایلات دولت دو هند وستان بواسطه توپاک و نمک زیاده از سال قبل است در هند وستان فی شکر و پنیر را آفت ملخ خادکی منزه زیاده رسانیده است این ملخها از سمت سندامک و بیشتر از زانات سواحل رودخانه کنک و انراب کرده اند جنک دولت با طایفه کوهستان لاهور نصب سیرژان لا ورائش بفرمانفرمان هند وستان فوت خاک سابق لرڈالژن ایجاد راه آهن در زمینی در شهر لندن بقیه منازعه مابین برزبل و انگلیس بواسطه ندادن توضیحات دولت برزبل انگلیس را در قتل و غصب اهالی کشی موسوی پیرن گال که در سواحل برزبل طوفانی شده بود قطع مراد مابین برزبل و انگلیس حکم قرار دادن دوتین مذکور پادشاه بلجیک را و حق دادن پادشاه بلجیک بدولت برزبل

### برزبل

بروز و بای سخت در اغلب محالک برزبل

### پرتوغال

توک قتل مقصرین یعنی دولت ازین ببعدا شخاصی را که واجبا قتل هستند بقتل میبرسانند بلکه بجای کشتن جس مؤبد میکنند

### چین

شانپا نو سر در چینی که با باغبانها در جنک بود متهم باین شد که شکستی که یافته است از راه حیانت بوده و با وجود خد مات چندین ساله که بدولت کرده بود او را مجوس نمودند و حکمی با و صادر شد که در مجلس خود را بکشد بعد از صد و رانجکم او خود را بدست خود کشت بنیاد این کلپا کاتولیکی در شهر کانتون

### داتمارک



در دمانارک و لیبهد اندولت فریدیک فریدریش پادشاه پروسی سادتا وضع کردن قشون از اهالی لهستان  
چندی پادشاه دمانارک فریدریش هفتم بسن پنجاه و پنجسالگی پسر وفات مینماید که سیزدهمین نمم که  
از اقوام پادشاه مزبور بود بجای او جلوس میگردد پادشاه تازه چهل و پنجسال داشت یکی از صیایای  
ایشان زوجه نواب و لیبهد دولت انگلیس است و پسر بزرگ ایشان ژرژ اول پادشاه یونان میشود  
شورش در ابات هلتن که محترمی از دمانارک بشود دولتین پروسی و اطریش همت روز بدمانارک  
معلت میدهند که عساکری بجهت تنبیه باغبان هلتن فرستاده است مضار نماید و الا شروع بجنک  
خواهد شد دولت اطریش و پروسی و ساکن رها نور در جنک با دمانارک متفق اند دولت انگلیس  
بنا بر دول تکلیف میکند که باین مجلس کنکره تشکیل یابد که در آن مجلس دعاوی دول المان با دمانارک  
مرتفع بشود

### روس

شورش در لهستان نرتهاد در ورشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز قطع سیم تلکراف و خط راه آهن  
شورشیان ریاست خود را بر می میرا فضکی و اگذار میکنند دولتین پروسی و روس معاهده میکنند  
که باغبانهای لهستانی اگر بجا که پروسی پناه بچوبند عساکر روس تحلی نموده در خاک پروسی آنها را تعاقب  
نمایند نوشتجات منفی که دولت فرانسه بدولتین پروسی و روس در این فقره مینویسد ببقایده مینماید  
صد و در فرمان اعلمحضرت امپراطور روس که هر کس در طرف بستاند و زاز باغبان اسلحه خود را از زمین گذارند  
قبول خدمت کند دولت روس از جریمه و جرم او خواهد گذشت فرادها لهستان که با بطلان او فرانسه  
رفته بودند بوطن مراجعت نموده با باغبان شریک و همدست میشوند فی الواقع جمیع لهستان در شورش  
ژنرال بروک سردار روس مامور تنبیه اشرار است و همچنین ژنرال مرافیه و جمعیت زیادی که از جنباد کیشها  
و کسبه و غیره که در زمره باغبان بودند و سرداران مزبور آنها را بچینک آوردند باین مجلس گشتند با سبک  
بجس فرستادند بنای شویس در ابات ایملنک بالاخره دول فرانسه و انگلیس و اطریش متفق شده  
پاداشتی که شش تکلیف در او مرقوم بود و راجع بمملکت لهستان بدولت روس میفرستند و آن  
شش تکلیف این بود اولاً اعلمحضرت امپراطور روس تقصیرات باغبانرا کلبه معفو دارد ثانیاً چنانکه  
در کابسی که یکی از قسمتهای ثلثه لهستان و سهم دولت اطریش است مجلس شورای ملیتی برپاست و در  
در شوشن برقرار باشد ثالثاً قبول نمودن اهالی لهستان را در خدمات دیوان راجعاً از ادبی عقاید  
با این معنی که هر ملتی که در لهستان سم روس است هر مذهب می را که داد اشکارا بتواند بسبک آن مذهب  
عبادت کند علی الخصوص رعایت زیاد با اهالی که طریقه کاتولیکی دارند خامساً زبانه که در عدالتخانه

دعایان تکلم میشود زبان لهستانی باشد در روسی سادتا وضع کردن قشون از اهالی لهستان  
از روی عدل و انصاف باشد دولت روس قبول هیچیک از این تکالیف را نمیکند و عقیده اشرانست  
که ابتدا باید رفع شورش و شرارت را کرد و باغبان و اشرار را تنبیه نمود بعد بمیل و رضایت خود قرار  
که لازم است برای رعایت اهالی لهستان خواهد داد حکم امپراطور روس باعضای قشون زیاد که تقریباً  
سیصد هزار باشد برای دفع باغبان زستان قطع جنک نکرد گرانند و کسطنطنین برادر اعلمحضرت  
امپراطور روس که بنایت سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف میدارد ژنرال بروک سردار  
از طرف اعلمحضرت امپراطور روس فرمائند نمای لهستان میگردد در قفقاز مختصر شورش در میان کاک  
از کی سفایر جنکی روس در بنسال صد و بیست و دو و فرزند است که در آن کشتیها دو هزار و دویست  
و چهل و شش توپ و بیست هزار و پانصد نفر قشون بحری بودند

### ژاپن

تجدید نام انگلیس با این دولت بجهت استرغای قتل جمعی از انگلیسها در ژاپن ببقایده مینماید امپراتور  
انگلیس کیریک از شهرهای ساحل کاک ز با ضرب کلوله توپ مهدم مینماید

### عثمان

اعلمحضرت سلطان از وزرای خود در مسائلی که راجع بسروستان و قریای بود نارضانی حاصل نموده قشون  
و بتدبیر کلی در داپره و وزیران شده فواد پاشا از صدارت عزل و رئیس مجلس شوری و وزیر مالیه کردید  
ولیکن بعد از دو ماه باز بصدارت منصوب شد فوت سعید پاشا والی مصر در زستان و نصب اسمعیل پاشا  
برادرش بجای او سفر سلطان بمصر در بهار اول خمر بر کتایپ جمع و خرج دولت در ایسال که مالیات دولت  
شست و نه کرد و صد هزار تومان معین کرده اند و مخارج را شست و هشت کرد و در وقت شش هزار تومان

### فرانسه

درود سفرای نام حاجین بیار پس افتتاح مجلس دارالشوری فرانسه در خطبه که اعلمحضرت ناپلیون  
خود قرائت مینماید اظهارات ساف از بیچارگی اهالی لهستان و مظلومی آنها میکند و ظننا از دول فرانک  
انفقاد مجلس کنکره در یکی از نقاط اروپا را طالب است که درین مجلس کنکره مسائل لایحلی که در تبعیض  
حدود دول و بعضی مطالب عمده که از چند سال قبل تا بحال باقی مانده حل شود لیکن جمیع دول در  
این خواست را نموده اند دولت فرانسه برای مضارف جنک مکزیک و ماچین معادل شست کرد و در

وجه استقراض مجاهد فوت نقیاش معروف هراس و وزیر جنک عساکر فرانسه در حوالی شهر باهوخواهان ژوآرد  
فوابلای مکزیک و فراد ژوآرد باشش هزار قشون بینالوی مجلس شورای مکزیک که تازه در  
در و در سر در فرانسه بیکر بگو  
بای تخت مکزیک



مکزیب پای تخت تشکیل یافته است بالاتفاق ارشید و دناکب میبایست برادر اعلی حضرت امیرطورا طریر  
بامراطوری خود منتخب بنمایند و درین مجلس ذکر میشود که چنانچه مشارالیه قبول سلطنت این  
نمایند هر که را که اعلی حضرت امیرطور فرانس را بلیون سیم انتخاب کند آنها باتفاق او را قبول خواهند نمود

### ماچین

دبای سخت در هوشیه

### یونان

دول فرنگ در صدر تقیین پادشاهی از برای یونان هستند و بچند نفر از شاهزادگان المان که تکلیف  
نمودند آنها را ذکر کند بالاخر زور پسر و بعد داتمار که در بنوقت هفتاد ساله بود قبول نمود و  
سلطنت یونان با اسم ذرژ اول برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریق و مذهب یونان را  
اختیار کنند با وجود تقیین پادشاه باز در آتن فرقی مختلفه در شورش و با هم مشغول منازعه میباشند  
درین مورد دولت انگلیس و عدل میدهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت بدولت جدید  
یونان رد کند پادشاه تازه یونان بلندن و از اینجا بیاید و از اینجا بویسند بعد آتن پای تخت یونان  
ورود میکند

و قایع سال مقدمه سلطنت تاجدار علی حضرت اقدس خسرو

صاحبقران امر الله تعالی ایا مملکت مطابق

سند فرمودت و بت و بتا

هجری سنکوز سید

ترکی

در این سال خبر مال امور کشور و لشکر و مهمان ملکی بتوجهات خاطر خطر هابون و اهتات اولیای و  
توشوکت دوز افزون اعلی درجه نظم و انتظام را دارد تقریبه دولتی را در تکیه مبارکه سلطنت آباد  
میخوانند حکومت لرستان ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان و نهاوند و سرحد ذاری عراقین فرموده به  
نواب عماد الدوله و اگزار فرمودند حکمران عربستان و انبواب و الاحتمه الدوله تقویض داشتند

عبدالله خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه و اکرم چون در حکومت خود کمال کفایت را بکار برده بود  
باعطای بقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با خا بل مخصوص آن سرفراز شد محمد یوسف خان سرتیپ  
بمنصب سرتیپی اول سرفراز گردید و دو قوج مراغه را با خان سرتیپ اول سپردند قوج پانزدهم شقایق را  
علاوه بر قوج خیران شقایق محمد قاسم خان سرتیپ با واجمع فرمودند اقاخان کجور کجور محمد  
افشار بمنصب سرتیپی سیم نایل گردید و در باست دیوانخانه نظامی مازندران و انبواب مشارالیه موقوف  
فرمودند نظر بحسن سلوک عسکر خان سرهنگ در سرپرستی او امنه ادومی و سلیمان و محمد انداز  
سفرای دول متحابه مشارالیه را بمنصب سرتیپی سیم سرفراز فرمودند نظر با اتحاد دولتین علیتین  
ایران و عثمانی از جانب دولت علیه با معین افتد نایب اول سفارت عثمانی نشان از درجه دوم  
و بناطلم افتد نایب دوم سفارت عثمانی نشان از درجه سیم نیز بخلع افندی حکم سفارت مزبوره  
نشان از درجه سیم مرمت شد سجدت سوار ترا که سالور و ساروق که بتاقت نواحی خراسان آمده بود  
قتون نظیر نمون خراسان که بر سر راهی مظفر الدوله دران سامان مینباشند آنها را تهنیه و تدمیر نمودند  
و چون باباخان پسر یوسف خان سرتیپ هزاره در بیفوق خدمت کرده بود بتوسط نواب و الاحصام السلطنه  
حکمران خراسان با عطای بقطعه شمشیر براق طلا مفتخر گردید و سارین نشان طلا سر بلند گردیدند  
موکب همایون در ماه صفر مظفر تشریف فرمای نور و کجور است میرزاها شهنان امین خلوت با عطای  
بقطعه نشان تمثال همایون مکتل بالماس سرفراز و میرزا محمد خان پسر مشارالیه بمنصب نایب است  
خلوت برقرار آمد رباست امور نظامی عربستان بعهد عماد الله میرزا جنرال اجوان و اگزار شد  
حاجی محمد بیک قهوهچی باشی با عطای بقطعه نشان شیره خورشید از درجه سرتیپی سرفراز آمد  
حبیبه الله خان شکافی بمنصب سرتیپی اول مفتخر گردید قوج اردبیل و مشکین ابو الجبجی حسنعلی  
افشار شد ده هزار تنگ خاندان که جناب حسنعلیخان وزیر مختار در بیار پس تمام کرده اند متذکر  
طرا بوزن و تبریز میشود عمارات مبارکات سلطنتی و از اخلا فدر احب الامر مرتب نموده برفضت و  
و نزوت آنها میفرمایند میرزا احمد خان ساعد الملک سرتیپ اول بر تبه امیر تومانی سرفراز گردید  
اقا خان سرتیپ اول سرتیپ دو قوج مراغه میبایستی گردید محمد حسینخان صدر الدوله ایشیک اقا سرتیپ  
حضرت مستطاب اعظم و اولاد بعهد دولت ایران بقطعه نشان و خا بل سرتیپ مفتخر گردید میرزا احمد  
نوائی که در اداره وزارت علوم پیوسته مصدر خدمات بوده این اوقات که حکومت ملا پرورد توییرکان را  
بنواب و الاعضا و السلطنه و ذر علوم و اگزار فرمودند مشارالیه بلقب خانی و بنایب حکومت و ملا پر  
و توییرکان سرفراز شد حاجی غلامعلی خان خونی بمنصب توییرکان و لیا شکر حضرت اجل اعظم و اولاد بعهد

سلطان مظفر الدوله میرزا



دولت علیه ایران مفتخر و عسکر خان ولد مشارا لیه بمنصب پناخت سیم اجودا سبانی نابل آمد محمد علیخان  
 برادر عین الملک بمنصب بیکر سبکی گری استرا با در قرین افتخار کردید حضرت امجد اکرم والا نایب القلطنه  
 العلیه العالمه چون در قواعد نظامی درجه کمال را یافته اند در نظام دارای منصب سرهنگی از درجه اول گردیدند  
 محمد مهدیخان کشتیچی باشی باعطای بکفطعه نشان امیر تومانی و بگوشته جامبل مخصوص ان مفتخر گردید  
 امیرزاده انوشیروان میرزا جنرال اجوان خاصه سرتیپی فوج سرتیپ عراق سرفراز شد و آلبان پیشرو  
 پسر مرحوم سهرانجان باعطای بکفطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با جامبل مخصوص ان منبای آمد شاکردان  
 ابراز که در مدارس پاریس مشغول تحصیل علوم متنوعه بودند بموجب راپورتها مسوور و در معلم کینجا  
 حسنعلیخان وزیر مختار دولت علیه مقیم پاریس نوشته ترحم کامل کرده اند نواب الامتعالی الدوله را در  
 جزو اجزای محترم دارالشوری گیری منسلک فرمودند محمدقلیخان شاطر باشی بکفطعه نشان از درجه سرتیپی  
 و جامبل مخصوص ان سرفراز آمد محمدابراهیمخان معمار باشی بکفطعه نشان از درجه اول سرهنگ با جامبل آن  
 نابل آمد امیرالامراء العظام محمد قاسم خان والی کیلان باعطای بکفطعه نشان بهمان حال همانون قرین افتخار  
 کامل آمد حقیققلیخان سرتیپی اول بمنصب امیر تومانی نابل گشت میرزا نصرالله نایب لشکر نوبنیان  
 میدر کرکانه های ممالک محروسه بکفطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با جامبل مخصوص ان سرفراز گردید  
 محمد اسمعیلخان وکیل الملک در کرمان و توابع ریاطات و حشاهها و اقبیه بیبا خوب بنا نموده از جمله بازار  
 جدیدی است که در شهر کرمان دواخر بازار کجیلخان که متصل میشود بمیدان خیابان ساخته و مسجد جامع  
 بسیار خوبی نیز در کمال وسعت بنا میکنند و قریب با تمام است در دارالخلایفه باهره در خارج دروازه دولت  
 در جنب میدان مشق جنبه خانه بسیار خوبی بنا میکنند میرزا ظاهر سر رشته دارکاشان بمنصب استیفای  
 دفتر خانه مبارکه از درجه چهارم نابل گردید از ولایات ممالک محروسه باشاه علیه سواره در پیف اخذ و  
 انتصاب میشود و درین اوان امیرالامراء العظام محمد قاسم خان والی کیلان دو سب نفر سوار و در پیف سیر کردی  
 علیخان نایب الحکومه پسر خود بر کاب مبارک فرستاده است فوج خود که ابواب جمع بمشهدخان سرتیپی بود  
 سبب الامر بمجه قراولی مخصوص بعلیقعلیخان اجودا باشی سپرده شد و جمشیدخان را بمنصب سرتیپی توجیحان  
 مبارکه سرفراز فرمودند سیم تلکراف از دیباچانرا صاحب الامر تا سرحد اس امتداد دادند نیز مقررات که سیم  
 تلکراف از دارالخلایفه تا بندر بوشهر بکشند و صاحب منصبان مامور و مشغول این خدمت اند حاجی حسن خان  
 سرهنگ مستشار سفارت دولت علیه مقیم پاریس باعضای جناب حسنعلیخان وزیر مختار بمنصب سرتیپی از  
 درجه سیم و نشان و حجاب این رتبه سرفراز شد و در زدم جادی اثنایه انبسال با اتفاق بنده مؤلف که در

انوقت بیانات دقیم سفارت برقرار شده بود و زانه یار بس کردیم میرزا موسی ماه و در کار برد  
 مصر نشان از درجه سیم سرهنگی سرفراز گردید بعد از آنکه حکومت لرستان نیز منبیه مکران کرمانشاهان  
 و اگزار بنواب و الاعمار الدوله گردید چون امیرزاده صارم الدوله ولد نواب معظم انبه در تدمیر و تلبه طایفه  
 شریر سکوند لرستان که تقریباً چهار هزار خانوار میباشند مجاهدات نموده بود باعطای بکفطعه شمشیر برات  
 مفتخر گردید و نواب و الاعمار الدوله را نیز بکثوب جنبه ترمه شمس مرصع درجه اختصاص مرحمت فرمودند  
 آثار رضای پیشخدمت حضورها چون در فن عکاسی بدرجه کمال رسید بلقب عکاسباشی سرفراز گردید  
 پوشید نماند که یکی از صنایع جدید متعلق و منسبت از علوم طبیعی که در زمان سلطنت این شاهنشاه  
 رواج گرفته و ترقی حاصل کرده عکاسی است هر چند بسیاری از مردم میدانند که باآلات و ادویه عکس تمام  
 اشیاء موجوده در کره ارض برداشته میشود و کتر کسی است که معاینه ندیده باشد و باوجود این از اسرار  
 حکمتی و تاریخ این صنعت بسیاری غافل اند اکنون بر سبیل اجمال شرحی تاریخ ما نشانند از این صنعت جدید  
 الاحداث ذکر میکنیم باید دانست که اجسام بر دو قسمند یا مادامی هستند یعنی دارای وزنی اند مانند  
 جامدات و ما بینات و بخارات یا غیر مادی و بی وزن هستند مانند حرارت و نور و الکتریکیت و مقناطیس  
 و هر یک از این دو جسم دارای دو رشته خواصند که یکی را خواص ظاهری یا فیزیکی گویند و دیگری خواص  
 باطنی یا شیمیائی مانند نور که یکی از اجسام غیر مادیست نیز دارای خواص ظاهری از قبیل انعکاس و انکسار  
 و انتشار میباشد و این معنی حکما و سلف مصر و یونان در کتب خویش باجمال یا تفصیل ذکر کرده اند و کتب  
 متعدده در مناظر و مریا نوشته اند ولی خواص باطنی نور یا معروف حکمای سلف نبوده با در کتب خود مندرج  
 نساخته اند و نمیتوان گفت اهل مصر که رعلو طبیعی مهارت داشته از اثر باطنی نور و دخالت ان در شیمی و  
 تغذیه آنها بی اطلاع بودند بلکه بعضی از یونانیان در کتب خود ذکر و ثبت کرده اند اختلاف لونی را که بعضی اجسام  
 و جواهر آلات از مجاورت متمادی آفتاب پیدا میکنند و مجاران رومیه قدیم عمارات منقوشه را در سمت  
 شمال مینساخته اند تا از اثر اشعه آفتاب ناسد نشود ولی قرون متواله گذشته که حقیقه کسی از خواص نور  
 مستحضر نبود بعضی از کیمیاگران سبصد سال قبل ازین ملتفت شدند که نقره را سب با نمک طعام بخجارت  
 اشعه شمس اختلاف لون پیدا میکنند صد سال قبل ششل نام حکیم طبیعی ثابت نمود که بر توتاج و بنفش آفتاب  
 ان نقره را زودتر سبنا میکند در ان ایام بسیاری از علماء و عمال در تکمیل تحصیل آثار نور در اجسام ادویه بر آن  
 و پنهال گرفتن عکس اشیاء بر آمدند ولی اول کسی که توانست عکس صورتی را بر دار درینلس نام فرانسوی بود و  
 تهرجد و جوهر اسطوخودوس را در صحنی مس مفضض میکشید و هشت ساعت آن صحنه را در حجره مظلم مجاور



نور عدسی اسبابی مبرک و بعد با مخلوطی دیگر از امینت و منجست کابند مر جالی روشن صفتی برده حساب را میجوید  
 و جای سپاه و سایر بجات خود باقی میماند پس از تجارب متکاثره نیلیس با شکر و دیگر نام در رشته مسی  
 اشکال برادر صفحہ نقره نمودار کرد و شعبه تازه در علوم طبیعی احداث شد و سی و هفت سال قبل ازین در لندن  
 عکس در روی کاغذ انداختند و تلونام مخترع این کاغذ با این عمل صور معکوس را بدست میآورد یعنی مواضع نور  
 در کاغذ مظلّم میشدند و مواضع مظلم روشن مینمود و این کاغذ را منقبه مینامیدند و از روی این کاغذ  
 عکسهای صحیح بر میداشت و آنها را موجیه نامیدند و همین آباء حکما را باب صنایع در تکمیل این بقاعه برآمدند  
 و ادویه مناسب این اعمال از قبیل قلبا نبات و املاح فضی و ذهبی و جوهریات ماخوذه از ناز و و سرکه و لیمو  
 بکثرت ساختند و عدد فضه فا و غاملین و قوا عدد زیاده شد و رفته رفته هشت ساعت زمان عکاسی  
 بچند ثانیه رسید و نه سال قبل برادر زاده نیلیس مذکور داشت در مجلس علما که اگر پرده از سفید تخم مرغ  
 که مزوج با ادویه عکاسی باشد در صفحه شیشه بکشند و مجاور رو شانی نمایند صورتهای عکاسی بجز از  
 کاغذ برداشته میشود بیست و شش سال قبل لکوی نام ثابت نمود که استعمال کلدیون در عکاسی مناسب است  
 هم سرعت عمل بیشتر میشود و هم صورت کامل تر و دقیق تر منعکس میشود. بالجملة آغاز ترقی عکاسی زمان کشف  
 کلدیون است و اکنون اینقا عکاسی معکول مکانان جمیع روی زمین است و تقریباً سابر قواعد متر کند و اینگونه  
 عکاسی خواهد کلیه برای غامه ناس پیدا کرده بلکه در علوم طبیعی و جغرافیا و سپاحت نجوم در کسب خانه هاخذ ما  
 کلیه کرد و موجب ترقی آنها و سبب منقطع فکرانی از اینبه و اشخاص تاریخی حقیقی و یاد کاری بجا گذارند  
 که غالب خلق با شکل مطبوعه عکس از دوری با مرکز خودشان و دوستان خود را تسلی مینمایند داد و در اول  
 عهد شاهنشاه میر محمد شاه غازی البسه الله ثوب النور مسبور بشا که اکنون زبان انگلیسی میگذرسه  
 بهار الفنون را معلم است با زحمات زیاد بر روی صفحه نقره عکس میانداخت و در او ابل سلطنت شاهنشاه  
 دو حنفاده که بنای مدرسه دارالفنون شد مسبوک پیش منادی معلم تو چنانچه قدری در روی کاغذ امتحان  
 عکاسی نمود مسبوک فنی معلم طبیعی اول کسی است که در مدرسه طهران کلدیون استعمال نمود و مسبوک کار  
 که برای انتشار علم و عمل عکاسی با فرخ خان امین الدوله از پاریس طهران آمد عکس کلدیون را شایع کرد و چون  
 خاطر خطیر همایون بر ذابج و ترقی این علم تعلق گرفت خود ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی بر این علم اطلاع یافت  
 پانزدهم بران شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان خلوت همایون نیز درین فن مهارت  
 تمام با بد که سفرگ و حضرت بموجب امر قد و ملوکانه آشنا و غریب و انبیه و آثار قدیمه عکس بردارد و خاطر مبارک  
 همایون در اوقات فراغت بدان مشغول سازد پس قارضا پیشخدمت خاصه که امر و زاجو را مخصوص حضور

همایون و خازن صرف جیب مبارک اعلم حضرت شاهنشاهی و محل وثوق و اعتماد ذات کامل الصفات خسروانی  
 و از خاندان حقیقی در تربیت یافتگان ایندولت قوی شوکت است با موختن اینعلم شریف بر مسام  
 همایون مامور گشت چند بر نهاد که ازین توجهات ملوکانه درین علم تکمیل یافت و شناسائی کامل حاصل  
 نمود خاطر مبارک خسروانی ازین معنی فرسندگشته مشارالیه را بعواطف ملوکانه مقرر ساختند و از برای انتشا  
 اینعلم و وسعت درین عمل یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را مخصوصاً عکاسخانه مبارک فرموده که گاهی که  
 از کارها فراغت حاصل میفرمودند برای تماشا و ترقی اینعلم با نجاشریف میرند در اسفار بزرگ مثل سفر خراسان  
 و مان ندران و کربلائی معنی جمیع اماکن و انبیه قدیم و آثار بعد از عکس برداشته مرع ساخته بحضور مبارک  
 تقدیم مینمودند که الان هم در حضور همایون است

ز نام الملک

هم در اینسال بعد از آنکه نریمان خان مستشار سفارت بعنوان شاور و دافری در اسلامبول ماند و میرزا ملک خان  
 بهمت قونول جنرالی بمصر رفت در بیستم جمادی الثانیه جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار دولت علیه  
 مقیم دربار دولت عثمانی با میرزا حسن نایب دویم سفارت از اسلامبول عازم دار الخلافه باهر شد و در بیست  
 و یکم رجب در طهران و مورد مرادم خاصه ملوکانه گردیده در سلك امیرای دار الشوری ملک کردید و میرزا  
 حسن نایب دویم سفارت بکفطعه نشان شهر و خورشید از درجه سیم و لقب خانی و نایب اول سفارت و خلعت  
 همایون سرافراز شد و دو بیت تومان بر سهند تومان مواجب سابق مشارالیه افزودند و میرزا حسین  
 کار برد از طرازان بلقب خانی ملقب و بجزرال قونولی سرافراز آمد

هم درین اوان نظر بکمال مودت و اتحاد بین دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانبنا اعلم حضرت همایون شاهنشاهی  
 بکفطعه نشان شهر و خورشید مکمل بالماس کرانها با جا بل آبی که از اعلام اولیه خاصه سلطنتی و امتیازات مخصوصه  
 این دولت جاوید شوکت است محض اظهار تود و دوستی کامل برای اعلم حضرت سلطان عبدالعزیز پسران سلطان  
 عثمانی هدیه و انفاذ فرمودند و برای جناب فواد پاشا وزیر چکن و صدر اعظم دولت عثمانی و جناب عالی  
 پاشا وزیر امور خارجه اندولت نیز نشان تمثال همایون مکمل بالماس ارسال داشتند و در هشتم ذی قعد  
 جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار مجدداً با اجزای سفارت کبری از راه بغداد و دیار بکر روانه اسلامبول  
 شدند سیرت محمد علیخان سر رشته دار تو چنانچه بمنصب لشکر نویسی سرافراز کردید میرزا قاسمخان فیر و زکوه  
 بمنصب ریاست دیوانخانه نظامی کرمان بر فرار آمد

موجب همایون اعلم حضرت شاهنشاهی در هفتم شعبان عزیمت شکارگاه مسبله فرمود میرزا نصر الله مستوفی  
 پیشکار صفهان با عظامی بکفطعه نشان از مرتبه اول سر تیر و بکرشته جناب بل مخصوص القمقر کردید میرزا مسطی  
 خان



بجاء الملك و ذرمان و استرآباد بکفقطه نشان تمثال هابون سرافراز آمد عبدالحسین خان غلامیست  
تخولدار و تحصیلدار کل مالیات اصفهان بنشان و جمایل از مرتبه اول سرهنکی نابل کشت در آواخورد  
زلزله های شدید در توشیز و تربت و کوه سرخ شده است

در ماه رمضان اینسال وزارت مالیه را مستقلاً بعهده جناب اجل آقای مستوفی الممالک و اگذار و پاشا سرا  
مخاطب بوزیر مالیه فرموده دو سه شنبه هشتم اینماه در مجلس شورای دولتی قلمدان که مجری آن مکمل الممالک  
بود از جانب سنی الجواب هابون بجناب معظم الشریعت شد و دستخط هابون درین باب شرفیصله و دریافت

سوائی دستخط هابون

از قدیم الایام یعنی از ابتدای دولت قاجاریه الی شش سال قبل ازین که در امورات و زاراتخانه های و دیاری  
تغییرات عمده قرار فرمودیم اداره عمل مالیات و جمع و خرج دولتی در دست بکنفران پیشکاران معتبره و دیاری  
بود که او را وزیر مالیه خطاب میکردند در آنوقت که نظر ملاحظه و وقت در امورات دولتی مباحثه  
از همه امور بی نظمی ترا در معامله مالیات و جمع و خرج دولتی را ملاحظه فرمودیم و بیقین حاصل شد  
که هیچ نظمی بکارهای دولتی داده نخواهد شد مگر اینکه در ابتدا مالیات و جمع و خرج بحالت نظمی درآید  
این بود که بنفس خودمان در اینمدت خواستیم نظم کاملی در بکار بدیم و بجدالله تعالی منظور بیکر معصوم  
و منظور ما بود اینکار منظم شد درین اوقات چون کارهای عمدتاً ازین برای خواهد بود دولت ایران  
در نظر داشتیم دیگر لازم نبود اوقات شریف خود را مشغول اینکارها کنیم و اینکار هم مختص وزیر  
مالیه بود لهذا بموجب این دستخط جمع نظم امور مالیات و جمع و خرج دولت را بکلیت بعهده میرزا یوسف  
مستوفی الممالک که از نوکران معتبره بزرگ صادره در دیاریست محول و موکول فرمودیم که بیشتر از پیشتر  
منظم دارد بتاریخ سال تنگوز نیل شهر

رمضان المبارک ۱۲۸۰

هم در ماه رمضان اینسال انوشیروان خان بن الملك خوانسار و حکمران مازندران و استرآباد بمنصب  
الطابنکری و ریاست نابل جلیل قاجار سرافراز کردید چون در اوایل اینسال حسب الامر مقرر شد که سیم  
تکرار از دار الخلافه نمایند و بوشهر امتداد یابد و بعد هانیز قرارداد دادند که خطی هم از خانقین و کرمانشان  
کشید و بسیم تکرار دار الخلافه وصل شود تا بلا واسطه با دول خارجه مخابره نمایند لهذا این اوقات  
از سه نقطه که بند بوشهر و اصفهان و کرمانشان باشد شروع نموده مشغول انجام این خدمت میباشدند  
و نظر بمودت دولت انگلیس با ایندولت ابد آبت کاشتکان اندولت نیز در تقدیم این امر مهم معاونت

و مظهرت تمام دارند مفران الله خان سرهنک فوج شوکت کرمان بیکقطه نشان و بکرشته جمایل از مرتبه  
سرهنکی سرافراز آمد غلامحسین خان پسر علیقلیان نایب اول اجود ایناشی بمنصب نیابت اجود ایناشی  
سرافراز شد سرهنکی فوج خوی را بشخصه خان ماکوئی مرحمت فرمودند جناب فرخ خان امین الدوله  
باعطای بکفقطه نشان امیر نوپانی قرین مفاخرت کامل کردید جناب میرزا بن الغابدین ولد مرحوم میرزا  
ابوالقاسم انام جمعه دار الخلافه که بعد از فوت معزی الیه اعلی الله مقام الی الان مشغول تحصیل علوم  
دینی بود چون درین اوان بد رجعت شد و لیاقت و سبک و از نامه او آثار زهد و ورع آشکارا میباشد  
بمنصب انام جمعه کی دار الخلافه بقرار کردید باعطای بکفقطه عصای مرصع قرین مباحثات آمد و جناب  
میرزا مرتضی عموی جناب معزی الیه ملقب بصکد و العلماء کردید میرزا علی اکبر منشی بلقب ناظم مهای  
خارجه بند رعیناسی و بکفقطه نشان سرهنکی از درجه سیم سرافراز و روانه محل ماموریت خود کردید

شب بیست و یکم شعبان اینسال زلزله شدیدی در شیراز شد و بی بخت آسبی بجای نرسانیده است  
دیوان اشعار و منشیات مرحوم قاسم مقام بطبع رسیده و مینفروشند چون جناب محمد ناصر خان ظهیر الدوله  
ایشک آقاسی ناشی اغلب در ایالات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی بزرگ میباشد ایشک آقاسی ناشی  
کری را با میر الامراء العظام امیر اصلاخان مجد الدوله مرحمت و بیکفقطه عصای مرصع و خلعت هابون  
ایشانرا سر بلند فرمودند سیم تلکراف آذربایجان بر جدارس واصل و بنیابین جانشین مملکت قفقاز و  
اعلیحضرت هابون شاهنشاهی و بنیابین اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت هابون شاهنشاه مخبرات  
تخصیص آفریدند نیز جناب مسیو کرس که بیعت وزیر مختاری ایلیچیکری مخصوص از جانب دولت روس مامور  
اقامت در بار ایران شد بود از روز و روز دیگر در ایران هر جا با تقدیم شرایط کامله مغوله و مهماندار  
مخصوص مسافرت نموده و در چهاردهم رجب او در دار الخلافه کردید و شرایط بد برای دوباره جناب معزی  
بوجه کل بعمل آمد میرزا محمد علیخان کار گذار خارجه فارس باعطای بکفقطه نشان شرف و خود شیدا از  
اول سرهنکی با جمایل مخصوص آن مباحثی کردید یا نصد نفر سوار تر که بموت اتابای و جعفرهای استرآباد  
که بنای خود سری گذاشته بودند باهتیمام محمد علیخان بیکلریکی و خاک استرآباد نهبیه شده مشارالیه  
بیکقطه نشان از درجه اول سرهنکی سرافراز شد و چون عباسقلیان سرتیب لاریجانی نیز در بنیابین  
کرده بود بیکفقطه شمشیر سرورنه خلاف طلا مفتخر کردید و بعد ها جعفرقلیان امیر تومان مامور شد که  
بوجه کل طوایف طایفه راند میرزا باید نواب الاحشمة الدوله حکمران عربستان و بختیاری بکطور کر مکل  
بالماس بسیار ممتاز قرین مفاخرت آمد اعتماد السلطنه حاجی علیخان چون در امورات وزارت عدلیه عظمی



مناجی که پیشه نموده بود بیکبضه عنای مرتجع سر بلند حاجی رحمتخان پیشخدمت خاصه منصب جلیل مند و  
 داری که جوهر دانی و درخت داری ملبوس تن پوش مبارک باشد برقرار و بیکقطعه کلک الماس و بیکتوبه جبه  
 تومر سرفراز کشت اقا علی پیشخدمت خاصه خاکه و لایات ساوه و اهل شاهسون بغداد بیکطوق کر مکل  
 بالماس میناهی کردید شب هفتم ماه شعبان بکساعت بطلوع فجر مانده در کرمان ذلزله بسیار شد  
 شد و تا چند روز بعد ذلزله <sup>هفتم</sup> خفیف بنزمتواتر بود در ماه ذیحجه الحرام هوای شهر دار الخلافه بافتنقا  
 فصل گرم شد موکب ها بون تشریف فرمای سلطان شهبان و قصر بناوران کردید امیر الامراء العظام  
 مجد الدوله بر پیشکاری اصفهان و میرزا محمد قوام الدوله بر پیشکاری فارس مامور شدند حاجی محمد  
 حسین تاجر کاشانی بتوسط نواب والا اعتقاد السلطنه و ذریه علوم بمنصب ملک التجاری کاشان سر  
 افزا شد میرزا صادق خان کادکدار خارجه سابق کلان بکار کداری خارجه استرا با مامور شد چون  
 نظم کلیه سرحدات استرا با منظور نظر هما بون بود اردوئی بر کردی جناب میرزا محمد خان سپهسالار کل  
 عساکر منصوب نظام و غیر نظام ماموران انسان کردید هنگام روانگی جناب سپهسالار با عطای بکراس  
 اسب از اسبهای خاصه اصطبل مبارک یازین و براق مرتجع مقفر و میناهی شد و جعفر قلیخان امیر تومان  
 که مامور تدبیر تراکیه طاعنه انصفاست بود تنبیه کاملی از اشرار آن نواحی نموده مورد مرام کامله  
 شاهانه آمد قشون ظفر نمون که مینابست باردوی جناب سپهسالار ملحق شوند مستد بجا روانه  
 میگردند در غیاب جناب سپه سالار با شاهان امین شوری و محمد خان امیر تومان با مود قشون رسیده  
 مینابند میرزا محمد حسین دیکبر الملک با عطای بگوشته شرابه بند کافذ مرتجع سرفراز کردید چون  
 اقرب طرق از دار الخلافه بجزر خطی است که از کوه البرزد در مقابل دار الخلافه میگذرد و از بیلافا  
 انصفاست عبور نموده از کجور بکار در با مبرودوسی و در فرسخ مسافت است ولی بجهت قتل صعب المسالك  
 موجب خطر غایب است لهذا مسو کاستگ مهندس منسوی که در خدمت این دولت جاوید شوکت  
 مامور شد که راه مزبور را در کال خوبی بنازد که از طرق سهل المسلك گردد صادقان هوز باشی برادر  
 شهاب الملک با عطای منصب سر تپچی از درجه سیم سرفراز شد

وقایع عهد و سوانح معظمه که در این سال در ایران و زمین و اقطار کره ارض  
 اتفاق افتاد  
 اتفاق جنگی بینا

رئیس جمهوری کنگلن بک کرد و قشون از برای جنگ با ابالات جنوبی حاضر مینماید جنگ سخت  
 مابین ابالات شمالی و جنوبی جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دو پست و بیست هزار قشون در  
 مقابل هم داشتند سردار شمالی ژنرال گرانند و سردار جنوبی ژنرال لای با بکد بکر محاصره نمودند  
 و جهت فزادی بکشتن دادند بدون اینکه شمری بخشد مگر در سواحل رودخانه جس مختصر شکسته  
 بعنا که جنوبی داده شد چون موعده پیمانال ریاست لنگان منقضی شده بود در انتخاب رئیس تان  
 جنگ او را برقرار کردند محارج ابالات شمالی از برای این جنگ هزار دو پست کرد و تومان پول  
 ایران شده است تا بحال ابالات شمالی یکی دینا از سلطنت مانگه پهلین را در اعلحضرت امیراطور  
 اطربش در مرکز بک رعنا تب ندادند فوت ژنرال دامن در سن بود و سه سالگی این شخص یکی از آن  
 اشخاص بود که منتهای جد و جهد داد و آزادی آقا ثوئی نمود و از تبعیت انگلیس و دولت دیگر این  
 ابالات را خارج و مخفی نموده دولت مستغلی کرد

اسپانیا

چهل و چهار هزار ذرع راه آه که وصل میکنند راه آهمن اسپانیا را براه آهمن فرانسه از دوه های کوی  
 پیرینه امسال با تمام رسید و منافز میبستواند از پاریس با داید پای تحت اسپانیا مستقیما سفر نماید

آلمان

فوت پادشاه باویریا که پهلین دریم در سن پنجاه و دو سالگی و جلوس پسرش لوی دوم در سن هجده سالگی  
 فوت پادشاه وورتن بزرگ که اول و جلوس پسرش شارل نجای او ایجاد تفنگ سوزنی جدید در مملکت  
 پروس معروف بتفنگ دیزل که بواسطه اختراع این تفنگ اول امبد بفتح و غلبه بر دشمن میدهد  
 شورش و بی نظمی در مجارستان در غالب ممالک اطربش مسافرت اعلحضرت امیراطور اطربش و شاهزاده  
 خانواده سلطنت مجار و نظم دادن آنها را بشخصه و کلامی ملک اطربش بدولت بیوفائی دولت پروس  
 اثبات میکنند که چون جهان دولت پروس بزرگ شدن است لهذا بدوستی او نیاید اعتماد نمود اما  
 در فقره ابالتین ایلینویک و هلستن که مقدمات آن در ذیل سال قبل ذکر شد بعضی از دول معظه  
 المان از قبیل باویریا که مایل بر این بودند که از سلطنت دانا مارک مخفی شد پرنس آگوست بودک  
 که ادعای بر مملکت ابالتین داشت داده شود اما جزه دولتین پروس و اطربش نشود دولتین اطربش  
 پروس بدون مشاوره با سایر دول المان و بدون وساطت دولت انگلیس متون خود را بر داری  
 پرنس فردرک شارل برادر زاده اعلحضرت پادشاه پروس و ولیعهد پروس فراد ابالتین مزبور تین



نموده هفتاد هزار قشون مسلح دولتین که بهترین اسلحه مسلح بودند باجهل هزار قشون دامنارکی که اسلحه  
 ممتازی نداشتند مقابلی نموده در ظرف هشت روز با لبتین مزبور تین دستمصرف شدند و هر قدر  
 دولت دامنارک بدول انگلیس و روس و فرانسه ملتی شد فایده بخشید و قشون پروس و اطربش متفک  
 قلعه جات که دولت دامنارک در بالبتین داشت تصرف شدند دولت دامنارک که همه چیز بیخ کرد  
 و وقت داشت دو کروز را در غای او از و مجری شدند اعلمحضرت پادشاه پروس با مشهور بارکند  
 اعظم خود بجهت ملاقات اعلمحضرت امپراطور اطربش بونه و از اینجا بمشک پای تخت با و بر سفر ضعیف  
 مشهور بارک بجهت اظهار حضور و صفت با اعلمحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه دو مرتبه بفرانسه سفر کرده  
 در پاریس و در بیارپس با اعلمحضرت ناپلیون ملاقات میکنند و آخر الام تمام بلاد و اراضی که در سمت  
 جنوب ژولند واقع شده بعد ازین جنگ از دامنارک مجری شد پروس و اطربش و اگزار میشود و بعد  
 از امضای عهدنامه دولت پروس بدون شراکت اطربش که بدو با اومع بود در مسند تصرف بالبتین  
 مذکور تین است

### انگلیس

تولد پسر نواب ولعهد در زمستان و در وگا پتالادی بمملکت انگلیس با شرفیات کاملی که برای او فرما  
 آوردند بطوریکه نواب ولعهد انگلیس بمنزل او رفته و از ملاقات نمود ملت انگلیس ابراهامی  
 سخت بوزد گرفته اند که چرا در فقره دامنارک بسکوت گذرانیده اند صد و پنجاه هزار نفر از عمده  
 انگلیس بواسطه نرسیدن پنبه از بنکی دنیا بیکار مانده اند از آنها جز انگلیس در ظرف اینسال تنها بود  
 و چهار هزار و صد و چهل و هفت نفر با تانوی بنکی دنیا بفرستند در حوالی شهر شفیلد از بلاد انگلیس  
 سدی که جلورودخانه بسته بودند خراب شد و دویست و پنجاه نفر آدم بواسطه طغیان آب هلاک گردید  
 و زیاده از سه کروز بر عین خسارت وارد آمد در نول زلاند شرارت باغبان و متمرکین بمنحصا  
 درجه است در هندوستان یعنی در کلکتة بواسطه طغیان آب بدرجه که سالها بود باند وجه دبد  
 نشد پنجاه هزار نفر آدم و معادل هشتاد کروز تومان پول ایران مکت مردم تلف میشود اتفاقا کجاسر  
 در بار و دلاهور توسط سپر کورنر فرما فرمای هند که شصت نفر از سلاطین راجه و نواب و لایه  
 هند و افغانستان حتی از خوقند حضور بیکر نمایند اقتتاح راه آهن از بمبئی بداخله هند ابتدا  
 تلکراف بحری از خلیج فارس که سواحل هند و ستا و عربستان را بهم وصل میکند چیت پنبه که از کار  
 خانجیات انگلیس در ظرف اینسال بخارج برده اند معادل پن کروز و دویست و شصت هزار لیره انگلیس  
 و هر لیره معادل دو تومان و پنجاه هزار ایران میباشد

### ابطالیا

منافرت کاری بالدی بار و پیر خود بانگلیس خیال تغییر نای تخت و نقل ان از تورن بفلورانس تقار آشکار  
 نماین پاپ و دولت معاهده نماین اعلمحضرت پادشاه ابطالیا و اعلمحضرت امپراطور فرانسه که دولت فرانسه  
 عا که خود را که بجهت حفظ سلطنت ظاهری باید در رومه گذاشته بود از ان تاریخ بعد از انقضای دو سال  
 بر دارد و پادشاه ابطالیا متعهد است که هیچ وجه در صدد تصرف رومه و حد و معینته سلطنت  
 ظاهری نیاب بر نیاید شورش و تغییر اهالی تورن که چرا باید پای تخت از اینجا عوض شود دو روز و در شب  
 قتل و غارت و جنگ در تورن تغییر اغلبی از وکلای ملت ابطالیا بدولت فرانسه که بجهت منافع است که  
 که رومه جز و ابطالیا بشود

### بلژیک

مغادر بلژیک که در توماس پول ابران دولت بلژیک از اهالی مملکت خود ماخوذ داشته که بند را نورس  
 معکم نموده قلعه جات در اینجا بنا نمایند

### چین

غدغن سخت در بنادر چین که کشتیهای اتانوفی بنکی دنیا عبور نکنند چینی ها عساکر فرانسه ملتی  
 شده باغبانهای تایی پیک را شکست دادند شهر نانکن را که مرکز باغبانها بود قشون زیاد چینی فتح کرد

### دامنارک

نامزد نمودن پرنس داکار دختر پادشاه دامنارک را برای کراندوک نیکلا پیر اعلمحضرت امپراطور  
 روس و ولعهد ایندولت

### روس

شورش سخت و خونریزی زیاد در لهستان پناه ندادن دول پروس و اطربش باغبانهای لهستان را  
 که درت نماین دول روس و فرانسه که اهالی فرانسه باغبانهای لهستان را اغوا میکنند جلادان اغلب  
 باغبانهای لهستان را بگیری و سبست سخت آنها نمودن پای در خطبه ها و مواعظها نسبت بدولت  
 روس بسیار بد میگوید بواسطه بی رحمی که بجهت آنها میشود و غایبای لهستان کمال رضایت از اعمال  
 روس دارند که نفع شرملاکین و نجبا و اعتدالی که با آنها میشود شده در اپالت تا زان بعضی تلاب  
 مدارس نسبت بدولت بنای شورش را گذاشته مقصرین قتل و تانیه شدند طبقه نپهلیستیک طبقه  
 تازه هستند و بر ضدین و دولت و نظم عقیدت دارند سبب حرق شهر سابرینک شدند طایفه  
 چاکسبواسطه قحط و غلای که مبان آنها بر و ز کرده و روی داده هزار هزار دسته شد با ابل و الوس



بنام عثمانی پناه میبرند و در بهین راه جمعیت زیادی از آنها تلف میشود فوجات قشون روس در خوقند و فتح شهر قیمن از شهرهای خوقند نامزد نمودن دختر پادشاه دامنارک را برای نواب و لیکند دولت روس آغاغت باطنی دولت روس بدولت دامنارک

شرایین

عهدنامه های دوستی و تجارتی ایندولت با دول فرنگ و بنکی دنیا با مضای میگرد که پادشاه روختا و حقیقت سلطنت با اوست اما مرئی نمیشود و بطبقون پادشاه جنمانی که فی الواقع مکر را عظم مستقل است بدون امضای میگرد نمیشود اند عهدنامه را امضا نماید رفتن اغلبی از اعیان مملکت و رجال دولت بشهر کیشو که مسکن میگرد بود مجبور شدن طبقون که او نیز از پای تخت که بد باشد محاجرت کرده با بخار و درو با بن واسطه هرچ و مرچ در امور دولت و مخصوصا در کار تجارت منازعه سفاین جنگی انگلیس و فرانسه در جزیره بنقین که متعلق بزاین است و بعد از جنگ و شکست دادن شاهزاده که والی آنجری بود دولت متحده سر کرد و در سصد هزار تومان پول ایران بطور ترضیه و خسارت از دولت ژاین مطالبه میکند

معادل

سویس

انجاد مجلس معظمی در ژنیو و حضور مامورین اغلب دول فرنگ در آن مجلس مقصود از انعقاد این مجلس انجاد بعضی از قوانین و قواعد لازمه بجهت پرستاری و رعایت زخم داران و مرضی قشون دول فرنگ که از ظلمت و ملتی باشند که با هم در صدد محاصره و مقاتله بر میآیند

عثمانه

در انقلاق بغداد علاون بر حق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا قشون میگرد شورش و انقلاب در ابلت تونس نارضانی رعیت از والی بواسطه انجاد بعضی مالیات فوق العاده بر قرار داشتن دوازده هزار قشون همیشه ز پر برق و بجهت نرسیدن مواجب باغبگری همین دوازده هزار قشون بر شد والی شورش و انقلاب بحدت که کشتنهای جنگی انگلیس و فرانسه و ابطالیا بجهت حفظ تبعه خود از شر اعراب در سواحل تونس لنگر انداخته اند طغیان رو و بیل در مصر و خسارت ز بار بترمت امتداد خط لنگراف از مصر بیهروت نیز امتداد خط لنگراف از بغداد به بمبئی و از بغداد باسلامبول تغییر خطا بلغارستان از ورود طوایف چرکس با ابلت آنها و سکنی دادن دولت عثمانی اینطوایف داد و بدین ابلت شورش اعراب در بغداد و شامات تحطی پول در اسلامبول

فرانسک

جلس چهار نفر از اهالی ابطالیا که قصد قتل اعلمحضرت امپراطور فرانسه را داشتند در مفره فرستادن قشون بمکزیک در مجلس پادمان فرانسه ابرادات سختی بدولت وارد آورده اند ملاقات و لیکند هلاند و لیکند بلژیک با اعلمحضرت امپراطور فرانسه در قصر فونتن بل و ملاقات پادشاه بلژیک در ویشی آمدن و زین جنگ پروس و روس در اردوی شان نزد اعلمحضرت امپراطور فرانسه حکومت مارشال ما کاهون بالجزایر شورش و باغبگری بعضی شهرها الجزایر بخصوص در میان تباهل عرب تحطی و کادیری سخت در ملچین متصرف فرانسه و زود سفرای ژاین بیادرس فوت مارشال پلی سبه ملقب بر دوک دمالاکف بر قرار شدن ژنرال بازن سرپاد فرانسه که در مکزیک بوده بمنصب مارشالی قوت بمنزله معلم معروف علم موسیقی و فوت هاس خیلو جنگ ما بین عساکر فرانسه و ملت مکزیک با نهایت تشدد بر قرار است ارشید وک ما کسپیلین برادر اعلمحضرت امپراطور اطرش بعد از رفتن با نکلیس و فرانسه و بلژیک مراجعت بقصر امپراتور مسکن خود میآید و در انجا قبول سلطنت و امپراطوری مکزیک را نموده احکام صادر مینماید که معادل شصت کرد و یکصد و شصت هزار تومان پول ایران از قرار صدشش منفعت در سال و ز پرمالیه برای مخارج لازمه مکزیک استقراض نماید در اواخر بخار همانسال بر واکر و زیند مکزیک وارد میشود ژنرال ژرینس جمهوریی مکزیک فرار بر قرار اختیار میکند و بعد از زود و در بفاصله قلبی حکم با انجاد مدادس در اغلب شهرهای مکزیک شده و میزان و مقادیر ارباب سک فرانسه مینماید ملاقات اعلمحضرت امپراطور فرانسه با اعلمحضرت امپراطور روس در شهر پتس از بنا در خوانسه

مکریش

مکر و خب طایفه بنی اسرپیل در اغلب شهرهای مریش مراده تجارتی ایندولت با تمام دول فرنگ

هلاند

در جزایر سوماترا و برونه قو زراعت تنباکونی شکر و قهق ز ابدالوصف بد شد است بروز و بای شد بد و دبتا

بنکی بنای جنوچ

در مملکت شبلی شهرک پناپ بواسطه زلزله سختی معدوم میشود بروز کوه آتش نشان جدید ما بین شبلی و بولوبوی منازعه ما بین دولت بوزیل و اردوگای

پونان

شورش در اغلب شهرها علی الخصوص در پای تخت ناخرمانی اغلب افواج قشون بصناحبه صیبنان کرد و بعضی شهرها ساخلو بودند انخدام قلعه جزین کرفو رفتن عساکر انگلیس از انجا و ورود عساکر پونان



و تهرن نمودن آن جزیره دول پورس و اطربس دولت جدید بونان و باسلطنت رتو اول شناخته

را و زنی و شرارت قلعان طریق

در اغلب نقاط بی تو

شرح قایع سال هجدهم سلطنت علی محمد شاه افشاری شاهنشاهی ایران  
صاحب فرزند شیدا الله تعالی ملکه مطابون شاهزادگی  
و هشتمین یک هجری  
سپتامیل  
زنگ

در تمام این سال خبرهای خاطر خطرهای چون منوجه کلبه امور و رعایت حال جمهور و زنی و آبادی ممالک محروسه  
دولت با مشغول و زنی در عیایا و ترضیه بر ایای بود تفریح و در وضع و لتی در تکب مبارکه سلطنت با خوانده  
میشود محمد و لجان سردار که نامور سرداری قشون خراسان بود بجز آن استرآباد سردار از کردید میرزا علی محمد خان و کپل  
فارس سپهر حاجی نوام الملک بکفطعه نشان از درجه و تهم سر نیی نظام بگوشه حامل مخصوصان مباحی امد میرزا علی  
اکبر هشتاد کارخانه مبارکه با سند عا عین الملک خوانسار را بنیاد نظارت خانه سردار از کردید چون سها  
الدوله جدید و لجان ایلخانی رعفران لوباسواره و جمعی مجبور که خراسانی حسب الامر یار دوی استرآباد و کنگ  
امده بود امیر حسنخان ایلخانی را با چند عراده توپ جمعیت شایسته مقرر فرمودند بنواحی مجبور در فتنه بجا است اسامان  
مشغول باشد قلعه ابرافشان از فلاح بلوچستان چون استحقاقی داشت و اهالی بسبب اعتمادی که بحصانتان  
داشتند همیشه دم از خود سری میزدند ناچندی منبلکه و کپل الملک ابراهیمخان سرهنک بلوچ را با میرزا مهدی خان  
سهند سرخ قشون مامور کرده قلعه مزبور را تصرف و خراب نمودند و بندر طبرستان که آن حسب الامر آبادیها نمودند  
محمد اسماعیلخان و کپل الملک و زبر کرمان بلفج جنابی مقرر کردید با شاهان امین شور و مقلب این الملک شد  
موکبها چون در این اوان که ابتدای که های از الخلفه است شریف فرمای بلاق شهر سناتک و شکرابی باشد  
ششم شهر صفر عید ولود مسعودها چون را در تمام بلاد ممالک محروسه باشکوهی تمام گرفتند جناب پهلای که  
با قشون ظفر بنون مامور بنیب نرا که کلان و بیوت بودند چون بچین کاپیوش سید ندر که کلان که دو  
سه سال بود دم از خود سری میزدند مضطرب شده پنجاه و شش نفر از دوسای آنها بار دو خدمت جناب عزیزی  
امده اظهار عجز و طلب عفو نمودند و منقبیل شدند که آنچه مال ایشانشان عقیبتان داده با آنچه در راه خراسان از

عابری بنسبت نقدیم نمایند حکومت بزرگ را بد و شیط خان معبر المالك و اكنار فرمودند و معزى له بچرخان سپهر  
والی کلان را بحکومت میرزا محمد حسین نفرشی را بوزارتانجا معین نمود محمد خان امیر نوامان بکفطعه نشان عا  
همایون سردار از کردید عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه حاکم فرینا بر خدما تک بکفطعه نشان از درجه  
دویم سر نیی مقرر گشت صند و فی عدالت حسب الامر وضع و در میدان ارک قرار دادند که هر کس عرضیه مخصوصها  
دارد در آن صند و فی بیندازد خانق خان سر نیی بحکومت در جزین و سر نیی فوج مخبران فرآ کوز لوسرا فرآ شد  
امیرزاده انوشیروان میرزا بسر نیی سواره باجلان و مخپاری و فوج سیلا خوری نابل امد عزیز خان سردار کلان پشکا  
ازر با لجان بقیه عین علی زین علی را حسب الامر مپسازد بقیه شیخ شمسیر برانتر مرهت بکشد چون جناب ناصر الملک  
مشیر خاص حضورها چون وزیر مختار و ایلچی خاص دولت علیه مقیم در بار دولت انکلسین سابقا محمد علیخان نایب اول  
سفارت را روانه دار الخلفه کرده و از حسن خدمات مشارالیه اظهار رضامندی نموده بولهدا معزى له ایلخانی  
منصب سر نیی از درجه سیم مقرر کردید میرزا محمد خان کارکنار خارجه سابقا استرآباد بکارکناری خارجه کلان سر  
افراز شد محمد حسن خان پیشخدمت خاصه بحکومت کلیا بکان و خواستار بر فرار امد جناب سپهسالار و سردار اینکه  
بالیشان همراهند چنانکه ذکر شد متوجه نظم صفحان کرکان و بنیب طوایف نرا که بیوت و کلان که دم از خود  
سری میزدند مپساشند این اوقات جدید و لجان سهام الدوله ایلخانی و سلیمانخان افشار سر نیی اول و مصطفی  
قلخان فرآ کوز لوسر نیی اول و حبیب الله خان تکابنی (ساعدا الدوله) سر نیی اول و صفر علیخان سر نیی شمسیر  
اینانورا از اردوی بزرگ خود جناب سپهسالار مامورند بر بعضی طوایف نموده در سنکرغانی که بسپا جای سخنی  
است فتح نمایان کرده اند و طوایف غانی را بنیب کامل نموده طوایف بکر یا بنیر سرداران دیگر مخلوب ساختند  
خود جناب سپهسالار بنیر بعضی از طوایف بیوت را محول کرده اند سپهسالار بکر بنیر سرداری سپهر محمد  
شیخ و دو سه نفر سر دار دیگر بنیاد محال با جزین خراسان امده بودند آنها بنیر منکوب قشون ظفر بنون ساقو  
خراسان و منیزم شده اند افا رجب غیبی رخ داری البسه خاصه سردار از کردید عبدالعلی خان ادیب الملک  
پیشخدمت خاصه بنیایب وزارت عدلیه عظمی مقرر امد حسب نیی افا بنشان از درجه اول سرهنک مباحی  
کشته راه مازندران را که مسپوکا استرک مهندس عساری مشغول ساختن آن بو با تمام رسیده و از طریق محل  
السالک و سپهسالار کرده است و کبها چون در ماه ربیع الثانی نشریه فرمای صفحات کجور و سواحل بحر خزر  
شدند و در مراجعت از راه کلاردشت که راه مسپوکا استرک با خفا نفاطع منیا پلاز کناره رودخانه چالوس  
قطع منازل فرموده هشتم ماه جمادی الاولی قصر سلطنت با محل نزول احوال خسران که بدید را بچه رسیدا  
نویخانه قدیم حسب الامر ساختند و اب فنانکه بنوجه خاطر خطر مبارک احوال شده و از عمارت سلطنتی



میکند و تمام اجزای آن را داخل پیشو و از آنجا جلالت شهر و محض مغربان میرد و بعد هاد تمام فضای  
 این میدان با شنشای راه عبور و مرور با نغمه ها طرح و اشجار غرس و کلکاری پیشو چون جناب میرزا علی خان  
 سپهسالار در سرحد کران چنانکه ذکر نمودیم خدمات شایان کرده بود یک حلقه انگشتری الماس بر لبیان  
 بسیار کران بها برای جناب معری المپا نفاذ فرمودند میرزا مصطفی خان بهاء الملک بوزارت بوزارت عدالت  
 منصوب گردیده میرزا مصطفی وکیل لشکر بیکفطعه نشان از درجه سرنپه سرافراز شد مستخان سرنپه فوج منصوب  
 فراگز لو بیکفطعه نشان از درجه سیم سرنپه و حامل مخصوص آن مفتخر گردید میرزا غفار خان صدوق الملک  
 که بعد از امر اجتناب منکوبین از جانب سنی الجوانب هاون بجهت ادای شهنش و تبریک نفویض منصبی جانشینی  
 ممالک خفقان بنواب جانشین مامور تظلم شده بود خدمات خود را در محل مامور پنا انجام داده مر جف  
 ببار الحلافه نمود جناب محمود خان ناصر الملک وزیر مختار دولت علیه مقیم لندن موقتا اجازه شرفیابی بدین  
 هابون حاصل نموده میرزا سلیمان خان مستشار سفارت پاریس برسم شارژ داری مقیم پاریس بقدر  
 مؤلفیست بنایب ویم سفارتخانه دولت علیه مقیم دربار دولت فرانسه خواهد بود سیم تلکراف که با  
 از بند بوشهر الی خان نقین امشاد پایدار الحلافه وصل شده و از دار الحلافه با اصفهان و شیراز و بوشهر  
 و بمبئی مجامره دایر است همچنین سیم تلکراف که از طهران با ستراباد میکشیدند بمجله مقصود یعنی استرآباد رسیده  
 است نواب والا ملک را بکوشه بر جرد بر فرار و هوشنگ میرزا پیر نواب معری الهه بنیاب حکومت  
 میرزا پوسفغان که در ماموریت کار پربازی حاجی نر خان و شارژ داری بطرز بوق و خیزال فونسلوگری  
 (یعنی کار پربازی اول) تظلم خدمات لایق کرده بود بیکفطعه نشان از درجه دوم سرنپه و حامل مخصوص  
 ان سرافراز شد حاجی محمد بن آدم ساکن میاب بند عباسی لقب ناظم التجاری بند عباسی و نشان از درجه  
 چهارم شیر و خورشید سرافراز گردید میرزا خان سردار کل پیشکار از دریاچان در زمین کاوکان که از بلوکا  
 مراغه است آمد و در ترکیب از شش هفت هزار نفر سرباز منعقد نموده حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده  
 والا و لعهده دولت علیه ایران حکمران ادر باچان با کارکنانان فلیح نظامی ان مملکت باردوی میرزا پور  
 فرما کرده فریب بکاه در ان اردو تعلیم و مشغول بود ندانند بکتاب فیای نظامی سرودست  
 مراد بد از ملا بس بن پویش مبارک با فتح سردار کل از جانب سنی الجوانب هاون انفاذ زادگان شد و  
 بعد از انفضای اردو و مرضی افواج حضرت مستطاب شاهنشاهزاده معظ ادم الله اقباله العالی  
 بشهر شیراز مراجعت فرمودند شب ششم جمادی الاول در رشتن بادی سخت و زدن گرفت و رعده بی  
 شد بعضی اینسینه کهنه را خراب و اشجار فویه را از پای در انداخت بلکه موجب جدو شامراض غیره نیز گردید

سلطان نظر البیرونی

سرافراز کرد و در وی جناب سپهسالار بودند و مامور بند میرزا علی طایفه ترک که با نرک رسیده جمعی از اشراف و اعیان  
 و پادشاه ششصد خانوار از ملو ابقاشان نشین که سابقا از دریا طاعت در بنامه بودند در سرفه مطاوعت و تمکین نهاد  
 و سایرین که در مقام مقابل و مقابل بودند نیز ای خود رسیده اند مد رسه بسیار نرک مستحکم که در نرک و مامور طاعت  
 بود و از یکر ده هشت هزار فزون زیده نیز مامور کش پشه شده کا و انجارا نیز منظم و مدرسه کش پشه را که بطور  
 قلعه محکم بنا شده بود یکسان نموده و اهل کش پشه بر او فرار رفتند بعد از آنکه تمام ان حدود مصفا کردید جناب  
 سپهسالار بدار الحلافه با هر معاودت نموده شرف اندوز حاکمای مبارک کشته با عطا بیکفطعه نشان از درجه  
 مکمل الماس با حامل ان رتبه سر بلند و اختصاص یافتند و مخاطب بخطاب سپهسالار اعظم گردیدند سیم  
 داو خان سرنپه مترجم اول دولت علیه بیکفطعه نشان از درجه اول سرنپه با حامل مخصوص ان سرافراز  
 پسرهای اردشیر و اناپول بلقب خانی نابل گردیدند چون از خدمات میرزا معصوم منشی مهم خارج ادر باچان  
 میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله) اظهار رضامندی نمودند با عطا بیکفطعه نشان از درجه  
 از درجه دوم سرافراز گردیدند میرزا انای منشی و امین ندکده که در شان بیکفطعه نشان از درجه سیم سرهنکی  
 مفتخر آمد چون اغلب خطوط تلکرافی شده از بند بوشهر الی سرحد خاقین بمحبت استاد و مهر شامپین  
 و سایر صاحب منصبان انکلیس با تمام رسیده و بهم وصل شده فرار نامه مشتمل بچهار فصل بیا ریخ شهر جاری  
 التائیه با مضای وزارت علوم و سفارت انکلیس بین طرفین مبادله شده که صورت ان از فرار ذیل است  
**صورت قرار نامه مابین وزارت امور خارجه و سفارت  
 دولت انکلیس**

قرار داد برای تکمیل فصل چهارم قرار نامه مورخه ماه و سیم ۱۸۶۲ مطابق شهر جمادی الثانی ۱۲۷۰ فصل اول  
 عالیه عادت همراه مهجر شامپین با بیست هشت نفر از اجزای حاضر خود با کثرت از دریا و انفاخ تلکراف ایران  
 نامدیت پنجاه بصواب بد نواب مستطاب اعضاد السلطنه وزیر علوم با کسی که بجای ایشان باشد مشغول  
 نظم و تعلیم تلکراف دولت ایران از خاقین الی دار الحلافه و از دار الحلافه الی بوشهر خواهد بود فصل دوم  
 بعد از انقضای مدت پنجاه عالیه عادت همراه مهجر شامپین و اجزای و تلکراف مابین بوشهر و خاقین را  
 بصاحب منصبان دولت ایران و انکار و بکلی تحلیف خواهند کرد فصل سیم بیکفطه صاحب منصبان انکلیس بعد از مراجعت  
 اجزای میر بوره از سر تلکراف ایران با در و نقر از ابتاع خود نامدیت ده ماه در دار الحلافه طهران منوقت مواظب  
 حفظ نظم تلکراف که در مدت پنجاه سیمی و هفتم عالیه عادت همراه مهجر شامپین اجزای و حاصل شده بود خواهد شد  
 و عند لزوم باطلاع نواب مستطاب اعضاد السلطنه وزیر علوم از ابتاع میر بوره با احکام لازم دولت ایران



برای رکنی نکران بطول امتدادان هر جا که ضرورت نظم اقتضا نماید مامور خواهد کرد و باز مراجعت مدار  
 الخلافه خواهد نمود و اگر دولت انکلیس قبل از تکمیل ده ماه مزبور صلاح بداند که ان صاحب منصب با او  
 ابداع خود از ایران بردارد بخار خواهد بود فصل چهارم بشرطیکه برای عالیجاه مهجر شامپین در مدینه  
 مزبور معین بشود از فرافصول این خواهد بود اولاً نواب مستطاب اعضاد السلطنه و زبیر علوم باهر  
 کس را که حکم هابون بجای ایشان باشد باید رئیس کل نکرانهای ایران دانست و امر مزبور را سپرده با ایشان  
 تا با ججهتیکه رکنه سیم نکران بندر بوشهر دار الخلافه طهران و خافین در سبک بکار ببقند سیرکاری و  
 صواب بدعالیجاه بخند و مجد شهمه مهجر شامپین مهندس خاصه علیحضرت پادشاه انکلیستان و انکار شده  
 است تا تاهر حکم که نواب مستطاب اعضاد السلطنه و زبیر علوم در باب حفظ سیم و استعمال ان و مامورین این  
 ان صادر مینمایند بنوسط و صواب بدعالیجاه مهجر شامپین صادر خواهند کرد و با بعد در باب حفظ سیم باید تمام  
 مسافت از سرحد دولت عثمانی الی بندر بوشهر شهر شهمه بدین موجب شش قسمت تقسیم شود از سرحد دولت عثمانی  
 الی همدان از همدان الی دار الخلافه از دار الخلافه الی کاشان از کاشان الی اصفهان از اصفهان الی شیراز از  
 شیراز الی بندر بوشهر نواب مستطاب اعضاد السلطنه برای هر قسمی یک صاحب منصب ایرانی مامور خواهند کرد  
 و او با بدان عهد حفظ انقدر رسمی که در ضمنش واقع شده است در خدمت نواب مستطاب اعضاد السلطنه  
 برآید و ججهتیکه صاحب منصب این مذکور با یا در درستان عهد همیمان خود برآید عهد معینه از سوار کرد  
 حکم او باشد در عرض راه معین خواهند شد و با و رمد کور البته صواب بدان صاحب منصب انکلیس مباشرت نظم را که  
 در باره محافظت سیم اظهار نماید قبول خواهد نمود و مبنای کار در این مواد با مکان و عادت ایران خواهد بود  
 خامساً نظم و تعلیم نکرانها فقط سپرده بصاحب منصب مباشرت انکلیس خواهد بود و کار کردن نکرانها با این  
 نظم و تعلیم در عهد آنها خواهد بود بلکه انچنان ایرانی باید خدمت شود که بدستور العمل صاحب منصب مباشرت  
 انکلیس که در ان خصوص مبدعند اطاعت تمام نمایند و چون بعد از باز شدن سیم دستور العمل برای ان نظام  
 کار و تقسیم تکالیف نکران عموماً لازم خواهد بود لهذا مادام که عهد نامه نکران مابین دولت ایران و انکلیس  
 مبادله نشده است موقتاً رجوع خواهد شد بقواعد دولت ایران با دولتهای دیگر از روی قرار نام بر  
 و کمال مضاکرده در عهد دولتهای معمولت با استثنای قیمت بخرات دایره بین دولتین که برای هر بیست کلمه  
 بالکثر از خافین الی بوشهر از بوشهر الی خافین بکثومان و پنجاه و چهار صد پناز برای با چهارده تن  
 انکلیس حساب خواهد شد و بشهرهای واقع در مسافت مزبوره نیز همین نسبت شمرده خواهد شد و دولت  
 علیه ایران بجهت ان انعقاد معاهده نکران مابین خود و دولت انکلیس در قیمت بخرات مساز بوشهر خواهند

و از خافین

و از نظایرین با اسلامبول و اروپا فقط در خیرات دایره مابین دولتین قرار داد اخیر نقره را که مابین دولتین انکلیس و عثمانی  
 عهداً برقرار شده است امضا خواهد نمود و در مدینه بنجاه رواج پوند از فرابسیست و هزار دینار و ده پول رایج ایران  
 خواهد بود و سادسماً مامورین ایرانی نکرانها در صورتیکه مناسب نماید و مقصد خلاف شوند نواب مستطاب اعضاد السلطنه  
 چنانکه در فصل پنجم مراد شد بعهده میکنند که حداقل در هابون اختیار صاحب منصب مباشرت انکلیس هابون کوشش نمایند و از ان  
 طرف عالیجاه مهجر شامپین بعهده میکنند که بجهت ان اداره ان اختیار بجای می شود تا بصاحب منصب انکلیس  
 در اخذ رومانی کاری نماید که کمترین از در نکرانها بدین واسطه نواب مستطاب اعضاد السلطنه حساب سومان  
 خواهد داد در دار الخلافه طهران بنا بر پنج پانزدهم شهر حیا الحریه ۱۲۱۱ مطابق با ترمه ماه و سیم ۱۸۶۳  
 حضرت شاهنشاه زاده اعظم و الامین الدوله حکمران فارس بکفایت و کرامت معصوم و در نظام منصب نشان  
 سرهنگ مخصوص میرزا محمد قوام الدوله پیشکار حضرت معظم البه و الامام اقباله العالی بلب و خطاب بجای میرزا کریم  
 میرزا عبدالوهاب مستحق کلات منصب شفا می توان هابون بر فرار آمدن مزبور با صبح و زبیر مازندران با عطا یک قطعه  
 سرخ با جامه ان مباحی کشت فئات جبهه که شهر را مشروب میداشت چندی بود بواسطه خرابی ان شهر نماید بخوانند  
 با این زاده سلطان او برین حال که همهمان و کوهکلو بهرعت شد که ان فئات را نشین نموده مجدداً جاری کنند تا تاریخ بیست  
 چهارم شهر شوال رای صوابهای ملوکانه بعضی غیران در مورد دولت داده و مستحق افتاب نمط حاوی ان مطالب بشرف صدق  
 یافت که صورتان بنماد برنخل درج میشود

صورتک منخط جاهان طاع ملک

اصول عام دولتی عبارت از وزارتخانههای سه گانه عسکریه و مالیه و خارجه است که اگر ان نظام آنها بر وجه کمال باشد باقی  
 امور دولت بر خود صواب خواهد بود و امر و اداره مهم وزارت نهی ملک در دست یکدیگر از چاکران بزرگ دربار شوکتند از هابون  
 که بحسن کتابت و دلخواهی هر کدام از آنها بفضل الله تعالی و ثوق و اعتماد داداریم و مراد بن عقل و دانش آنها را بفرستند  
 و اکنون بجای الله از نظم و پیشرفت هم مزبوره کمال اطمینان برای خاطر هابون ما حاصل است چون با اینهمه باز و وسیع ملک  
 از امور وزارتخانهها و غیره از چند سال بحال نظر صالح ملک بنسب نفیس هابون خود منفرمودیم دیگر برای ما فرض ان باقی بود  
 که انکار عالیهلوی کند و در هم خطره دیگر که خاصه شئون سلطنتی مستحق دریم با اینجمله سبب از خیالات نکران عالی جاه  
 نظیر میباید و الحی در بیخ دانسیم که اوقات کربهای مان با در برانها در اشتغال بان امور که بعون الله در حوزة فوائدهای  
 بزرگ نیز قرار میباید یافت صرف شوق لهذا در ابتدای این سال بختند اول و دپیل از ده فرمودیم که وقت هابون خود را بیشتر  
 آنکه بود برای خصایص شئون سلطنتی که شهادتین اقتدار سلطنت منصور است خالص داریم بطوریکه ملاحظه فرمودیم اصول این  
 معنی و زمین و فرار حیدر منفرمودیم که بر نشان استقلال این سر و زار رعای که دارای مهمانان مورد دولتین میباشند

دکته



بزرگ

در کفالت نمود و دولت و اجرای خدمات ملک و ملت منقو و معین بکبر فراردهم بطوریکه از نفاذ اتفاق شخص واحد استند بک  
 با وجود این از مزبور بر یک از آنها ان فتنه را که موقنا در پداختن خودمان گرفته بودیم یکی از آنها محول فرمایم که آن بکفر  
 علاوه بر این نکالیف مخصوص خود با داشتن ان امین از نیز مخصوص محل امید و بیم و مرجع تمکین و تسلیم خلا بقی نواند بودی  
 در موارد رجوع با و تکلیف خود شانرا از هر چه معلوم نواست نمود و هیچ وجه من الویوه نفضی را نظام کلیه امور دولت  
 و نظیر در ظاهر بهام ملک و مملکت باقی ماند و از طرف دیگر زمینها من نوجها مالو کانه که انا فانا بعبون عنا بخت خدا و تکمیل شانه  
 کلیات امور دولت مبد و خواهیم فرمود روزی ز بر شکوه و افتاد و شرفیانه دولت و امید واری که نوکهای ز  
 و کوهلین از هر سلك و درجه بفرایند و انشاء الله تعالی بجای برسد که در این مدت همیشه که از طبع من و پیشینها خاطر  
 ما بوده است باین علیهم السلام از و نواست و الهم بوجوب صد و این دستخطها باین کمال استغفار و تسلط و در مشاغل  
 مفر و مرحت بفرمایم بطوریکه صواب بدی انهارا پیش از پیش موقوف قبول ارزانی خواهیم فرمود و مع هذا شخص و جوجنا  
 سپسها لا را عظم را بنفوس شعبه امور یک ما خود موقنا و ارسى توجهها باین بر نهاد استنیم مخصوص و مباحی فرموده از تاریخ  
 صد و این دستخطها باین امر و مفر بفرمایم که در کمال استغفار و ابرام ما و کانه و عواطف متامله ما مشغول و ارسى امور و بهام  
 ملکه شده حسن ارادت و بندگی و کمال کفالت و بران نیک خود را در نظر ما ظاهر سازد و در آبادی و مملکت و نظام امور سپاهی  
 و رعیت و اصلاح احوال حاکم و محکوم و بالجلد در ترمیم آنچه عقل و شرح انها داعی و دلالت مجاهده و فوره بنفیدم رسانند و انما  
 از برای هیچ بیک و بد جانزند بسیار بد شاهزادگان عظام و وزراء کرام و عوم چاکران درباری و بید لول این دستخط مبارک  
 مضمون صلاح دولت و مملکت است و زادهها باین مابان نعلق گرفته است عمل نمایند و در عهد شناسند ۲۴ شهر شوال ۱۲۸۱  
 بعد از آنکه امر و ذراتهای ثلاثه است حکام یافت و آنچه را از مشاغل دولتی بنفس نفیسها باین موجه بودند بجهت کفالت جناب  
 سپسها لا را عظم و کذا فرمودند بکوش بجهت ترمیم و در بار بد شمس صبح جناب سپسها لا را عظم مرحت فرمودند و جناب پیشو  
 المالک و جناب وزیر امور خارجه نیز هر یک با عطای بکوش بجهت ترمیم و در شمس مرصع و بگرفته بشرا به مکل بالماس لخصاص یافتند  
 حضرت شاهنشاه زاده اجل و الا جلاله و له و از حکومت صفهان حاضر و بکبرانی مملکت خراسان بر فرار فرمودند و نواب و الا  
 مؤیدالد و لیکار کداری سرپرستی ان سرحد و شعور و ان نظام بهام حضرت شاهنشاه زاده معظم امور کردیدند حاجی رحمان سند  
 دار با عطای بقطعه نشان تمثالها باین مرفرا زنگ بد بفرستند از افعول خان صاحب جوان که از اجل چاکران ایند و نشان ابد افرا  
 تکبوت عربستان بر مزار کردید و بفرستند از افعول خان سراج الملک بر با ست حساب در الحلافه ما و رادمه بر حسن بک فرستند و بفرستند  
 سراج از شد معابر و کوهیهای دار الحلافه و اسراج الملک بر بفرستند حساب بد سنورا العمل جناب سپسها لا را عظم نظیف بفرستند  
 سر رفته داری کل معاملات خراسان را بعهده کفایت حاجی میرزا محمد رضای سنوفی دیوان اعلی و کذا فرمودند

و قایع و سوا آنچه که در این سال در تمام ممالک مکه زمین و افطار عا شایخ و باغ

منته

شده

انانوی بی بنکی دنیا

بفرار بودن جنگ مابین پالین جنوب و شمالی هم نفاذ و جنگ با دولت تکلیس فتوحات خیرال کراند سردار ابالات شمال  
 و سخن اغلب از ابالات و قلعه جان جنوب لیکن رئیس جمهوری در روز چهارم ماه اوریل که نفر سیاه بیست  
 دو روز از عهد خود و کشته شد یکی از غماشاخانه های دانشکده ن پای تخت بدست کفر از باز بکرهای سابق  
 نماشاخانه کشته شده های او نیز میباشند در همین جنرال کراند سردار کل را بقتل رسانند و بحال نکردند ناله  
 و انوس جمع مردمان بر مندیچه در بنکی بناچه در فرنگستان از بنفیره زنگر که در عفوان جوانی بصنعت جنایات  
 مشهور بود رئیس جدید شد جنگ سختی بین طرفین بدست آوردن ز فرسند و پس از این بنوی که باغی  
 بر ابالات شمالی شده بودند فتناختن دولت انانوی ماکسی میلین برادر اعلی حضرت امیر اطوار بر با امیر اطوری  
 ملک انام جنگ بین ابالات جنوبی شمالی مخص کردن لشکر بی و بحری ابالات شمالی در این جنگ چه  
 صد جنگ و چند از امرض مختلفه صید و دبیب بخیر انقرادم بکشتن داده بودند منازعه مابین سپاهها و  
 سفیدها در اغلب نقاط باغوی بعضی شرا حین قبیل شلید فرسند و پس از این ابالات جنوبی بقار دولت  
 انانوی با تکلیس بواسطه اعانتی که با ابالات جنوبی شده است فتون که در اوایل این سال بد و کمر و نفس  
 مرسیده و اواسط سال زباده از دو پیشه هزار نفر نبود و هشتاد و پنجاه هزار از پن عدد سپاه بودند نیز در  
 سال پانصد و سی کشتی جنگی بود که در انها سه هزار توپ و پنجاه هزار فتون بحری بود و در اواسط سال این  
 علام رسیده بود و هفتاد کشتی جنگی و هشتصد و سی توپ و در زاده هزار فتون بحری فتون انانوی  
 بواسطه این جنگ نفر سباده هزار و هفتصد که در پراشت افتتاح مجلس پارلمان انانوی در زمستان و اول مسئله که  
 طرح شد قبول نکردن مداخله بکی زد و ل فرنگ در نقطه از نقاط بنکی دنیا بود و مقصود از این مسئله فتون فرستادن  
 فرانس در مرکز و تقویت از سلطنت کسی مین امیر اطور مرکز میبود

اسپانیا

در پوی دولت در نهایت شدت استفساض اجباری از رعیت که سبک و در عا باشد است ملکه سه قیمت از  
 چهار قیمت املاک خاص خود را بملت و کذا می کنند که بفرستند و حاصل از این فرزند و می بدهند شورش  
 در مادرید و در ابان و الا نر جلای وطن دامن زوال برین و دوباره او را الحار کردن مسافر ملکه و ابالات  
 شمالی خوب نیفتد نیز رعیت او را بای سخت و جزیره مادید

افریقا

منته



صفت از بنسبت بطایفه بود در ملک فرست شود و شش در جزیره مادا کاسکار و اورس پادشاه حلیه  
کارن تو شول انگلیس و جمعی از شعبه انگلیس را که در حبشه بودند مجوس و مغلول پنا بد

### المان

بواسطه دولتین اطریش و پروس و نهر فالتین اسلویک و هلن که نازمان نام دارد نزد کره اند باید که در مقام منازعه شد  
نصف پروس خیال دارد که تمام خود منصرف شود اطریش بواسطه بعد مسافران ملک خود چون نمیتواند کند با این خیال  
که باالنسین مذکورین یکی از دول مستقله المان محسوب بود بر قس فریدرک شارت و ژنرال ملک از طرف دولت  
پروس برای مدارا بنظره بون بای فخر اطریش میروند گمانیک از بنا را باالنسین مذکورین است بنده نظامی پروس  
مسئوبین مارک و ژنرال رون مجلس شورای پروس بطور صراحت میگویند باید که در تصرف دولت پروس باشد و حفظ  
حدود و نفوذ المان را دولت پروس از این جهت نماید و دولت پروس با عضا بنسبت حاصل که از نامدارک بالشر که  
با اطریش برده تمام خود منصرف شود و چون دولت اطریش تمکین با بنسبت نمیکند پروس نه چاره میداند که با او جنگ  
کند عبادت و ساطت میبایستی کرد و ساکن با او بر غیرها عهدنامه کاستن منعقد میشود و در سالس بورد  
سلاطین اطریش پروس با یکدیگر ملاقات نموده مفردا شد که باالنسین را با این قسم تقسیم کنند باالنسین اسلویک  
تمام از پروس و هلن از اطریش باشند و الواقع بعد از این تقسیم منافع کلیه را دولت پروس بر مسیوبین مارک ملایف  
بکشد (کت بمنزله خان است) و بغیر از سفر کرده با اعلم حضرت ناپلئون سیم ملاقات نمود و بر جنگ پروس عدت شود  
بد و بیست دو دوازده هزار نفر رسانید بنای ساختن کشتیهای جنگی در کپل توسط پروس دولت اطریش چینه و ششی  
از پروس در اهالی مجارستان و بعضی ایالات بکر که المان نیستند و در تحت سلطنت اطریش میباشد از آنها خدیب  
ملویه بنیاید که در پرم اعلم حضرت پادشاه انگلستان پرنس آلبرت که بیست کیسال از سنش نرفته است و بیست و یک سال  
ساکن بورد که عودت پروس را بجا و الی است اولادی ندارد منصوب بکرد دکترا بارت که از مسافران المانست که بر اکثر  
افزونی فتنه بود در برین فتنه میکند

### انگلیس

در مجلس پارلمان بدولت تکلیف میکند که مداخله در امور فرنگ و سیک دنیا بچیچه نکند از باد عده سفایر جنگی  
انگلیس مختصر شورش را براند مآل هر که در انگلیس بطور سخت که از نیت روسیه مجارستان سران کرده است  
زراعت و اغلب نقاط بر دظایفه فتنان در این که بمنزله کوششها و یا به با باشد حلیس اکثری از ایشان و فصل بعضی  
فوت پالرسین صدراعظم در سن هشتاد سالگی صدراعظم در سن هشتاد و سه سالگی وزارت امور خارجه  
لژ کلا ریندن و حش و لک انگلیس که مبادا کانا که از منصرفات دولت و سیک دنیا بر او بشورند شورش سیاه  
پوسنان در دژ مایک منصرف انگلیس حلیس قتل اغلب از سپاهها ایجاد چراغ کاز در کوچه های میخی جنگ در پالک

یونان هند شورش مردم در نول زک اند اینا ملکه جزایر پساند هیچ مسافرین با انگلیس میباشد

### ایتالیا

نهر پای تخت و فیلان از نون فیلو را من خلی سبب که درت اهالی نون شده است افتتاح راه آهن از نون مستقیم  
بمینه بر بند پروس میروند و بزوباد طرف شرق و جنوب ایتالیا

### پروغالی

ایجاد اسپوزیسیون عمومی را برین یکی از شهرها  
برنیل (بنکی د بنای جنو)

اتحاد دولت برنیل و جمهوری و دو گای بر ضد لویزی و رئیس جمهور و پارا گای که این چند پنا بندای جنگ پنا بند  
جنگ سخت بین طرفین امپراطور برنیل داماد خود کنت د نوه لوی طیب پادشاه ساو فرانسه را سردار کل پنا بند  
شورش اهالی مملکت پروس بر رئیس خود و عزل او جنگ اند و لک با اسپانیا اتحاد اغلبی از اهالی بنکی د بنای جنو  
بر ضد اسپانول

### بلژیک

مابین و زبیر جنگ و یکی از وکلای بر مسئله اختلاف شده کار بجزیک طیانچ رسیده و دولت هر دو را بجز و فیله  
بنیست میباشد ناخوشی سختی و لپک پادشاه و فوت او در سن هفتاد و پنج سالگی جلوس لاپک و پیر پیرش در  
سن بیست سالگی بروز ناخوشی طیفوس بطور و بانی و شیوع در این مملکت و سرانیش از هلاکند

### چین

بر این کنگ از اقوام سلطنت که سمت صدارت داشت در مدت شش ماه معضوب میگردد باغی گری سخت  
شمال چین قلعه ناکو که عساکر انگلیس فرارند و خسارت جنگ نکاه داشته بودند نظیر می کنند

### دانمارک

ملاقات سلاطین دانمارک و روسه با یکدیگر اهالی دانمارک پادشاه سوید انطوری که باید و شاید هر بانی نمی کنند  
هیچیک نکردن در جنگ اطریش و پروس است

### روس

شورش طمسنان مایل بنظم کردید و از ان بعد جمیع امورات که راجع به طمسنان است از مالیه و غیره بجای نیکنه مثل  
سابق در ورش و مجلس معینی از برای تحقیق و اجرای مطالب باشد در پتر بزوغ مرکز دولت روس خواهد بود  
مسافران اعلم حضرت امپراطور پروس بنسبت فرارنده فوت گراند و سکلا پیر اعلم حضرت امپراطور که سمت و بیجهت



دوسه بیست سه سالگی

دولت زاد داشت در این بند رفو جان عساکر روس در سمت خوفند که جزای تخت خان خوفند سایر بلاد را در آورده اند فتح ناکند و سمرقند منازعه عساکر روس با امر بخارا مراد نه نکران از نغلابین با برکن و نخجوان و ایران برودن میسخت و باقی در سمت سپهر برود و با در سمت جنوب خفقاز

ژاپن

سفری انگلیس فرانس و هلا نند و انا نون بطیفون امراری میمانند که امضای عهدنامه کرده سال قبل از این دولت مذکوره با ژاپن بسته اند از مباد پادشاه حقیقی و جان مطالبه نماید و چون عهد بد شری بنشیند سفری مذکوره با کشتیهای جنگی خود شان بندر آزا کارا معسکر فرار داده نیز در اسلحه عهد نامه مبر برونه را مطالبه نمودند بطیقون جمعی از نجبای اهل بلد را که از محارم میگرد و مانع امضای عهدنامه بودند گرفتند و باقی در سمت سپهر برود و با در سمت جنوب خفقاز

عثمانی

شورای خاصی از وزیران که در هر هفت روز یکبار اجزای این شورا در حضور اعلیحضرت سلطان حاضر شوند و در این واسطه در روز و در مکر در تمام ممالک عثمانی و سرانیش از راه بغداد ایران فقط در اسلامبول در طرف هفتاد روزی و پنجاه نفر تلف میشوند و بواسطه بافتن دو هزار و پانصد خانه طهارت میشود و الی منتهی که بوی سفر نموده دوستی دولت اطرش را برای خود میطلبند

فرانس

طبع جلد اول تاریخ دولت سرافق روم از نا ایفات اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانس امپل اولی و پیر که یکی از وکلای دستچوب و بر صند و لنت بود مایل بطرفداری دولت میشود گفتگوی سخن مسبو طبر در مجلس پادمان ضد دولت که چرا احسان از ابطال نمود فریضت نهادی از جنگهای فرانس که متعلق بد دولت بود چنان دولت یک آکسیون دستچوب برای دو سال بعد مسافرت اعلیحضرت امپراطور با الجزایر و بنایت سلطنت امپراطور در جزایر و در دایم عبدالقادر و الی سابق الجزایر که در شان مسکن داشت بمملکت فرانس مسافرت اعلیحضرت امپراطور الجزایر چهل و ز طول کشید مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطور بسوی ملاقات خانواده سلاطین فرانس و اسپانیا در سنت سباستین ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امپراطور در بیارنس برود و با در مارسیل که از اسکندریه مصر آمده بود در طرف پیکاه در پاریس بشهر و چهار صد نفر مردند و لنت فرانس در لنت فرنگ داد عوٹ میکند که در اسلامبول مجلس شورای لنت تشکیل دهند برای حفظ صحت باقی بماند که چون برود و با در این سنوات غالباً از سمت حجاز میبشود و بواسطه زار سران پیکره با اغلب بلاد در معسکون میسرید فراری برای

در ایجاد

بیداد پس

تصفی و آنچه بجهت عدم سرایت و بروز این مرض لازم است را بنحیث داده شود در الجزایر طبعان سبیل در بعضی از نقاط جزایر کلی در ساسند فوٹ مارشال ماپانان از سر راهای فرانس

مکزیک (از بنکی دنیا)

ایجاد نشانی و رسوم بعقاب مکزیک ایجاد بکند مشغول داوطلب اطرش و بکند مشغول داوطلب بکند مکزیک جنگ و خواهان ثوارس در شین جمهوری سابق مکزیک با امپراطور مکزیک در اغلب نقاط ژاپن اعلان رسمی میکند و خود را همیشه در شین جمهوری میبندد و وضع سلطنتی مکزیک را قبول ندارد تا آنکه تمام ملت بدون استثنا تصدیق وضع سلطنتی او را بنمایند مالیات مکزیک در این سال صد و دوازده ملیان فرانک که معادل بیست و دو کرو در دو بیست هزار تومان باشد و خارج دو بیست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل و پنج کرو تومان ایران باشد و انا نون و ساطت فرانس را هیچ وجه قبول نمیکند که وضع سلطنتی را در مکزیک دیشناسد

بنکی دنیا مرکزی

شورش سخت در ساسنال و آدر و هند و راس

یونان

یک از اعام پادشاه پرتوغال بواسطه بد رفتار یکدیگر کرده بود دولت او از پای تخت جلای وطن میباید و بندل و ز را بیکدیگر دولت فرانک یونان را تهدید کرد تا آنکه اگر انقراض فرانک نکند در امور داخله و مداخله خواهند ایجاد اول کلیسای کاتولیکی در پای تخت

وقایع سال نو در سلطنت شهریار اعلیحضرت آفرین شاهنشاهی اخیر صاحب فرزند خلد الله طاکم سلطان و سلطان بنو سنه در دو بیست و هشتاد و دو هجری و در ایل

ترکی

در این سال فرخنده مال کلیه امور سلطنت و تر فیه حال رعیت با صواب دای مملکت از ای شاهانه ز پور کمال داشته و خزان دولتی در رنگه مبارکه سلطنت آباد شد چون بازار آکسپوزیشن در بندر بمبئی افتتاح میباید و لنت غلبه در این باب استقامت میمانند و لنت مرد و سر اشغال نموده و بواسطه نگرانی اعلیحضرت هاپون اعلیحضرت امپراطور روس را تسلیم گفته و از جانب اعلیحضرت امپراطور جوابهای هودت منرا ظاهر میشود علینقی خان سر تپ فوج سیم کرازی ممبیک سندی و هم سرافراز کرد بد افواج کردی مقرر شد محضر یکفوج تمام باشد که عبادت از یک هزار و صد نفر است و آنچه علاوه بر این عده است معاف باشند و بعضیهای ظهور و وحوش که در باغ لاله زار ساخته بودند افزوده و رونق دارد و پانصد سوار از ترک که مردی بجزم ناخست صحافت خراسان آمده بودند و یکی از فرای این را

برای تعلیم و تعالیم علوم طبیعی



ناخدا سردار عبدالباقی خان که شهباب الملک و با مسند قزوین و اورجا است هر حدات جام فرستاده بود جز شده آنها  
 تا کنار رود هرات نصاب کرده آنها آنچه را بگارت برده با اموال خود بکار رود خانه گذاشته خود بآب زدند و چون  
 اب در خانه طغیان کلی داشته عرف و روانه دربار عدم کردید نمودند و کاشانها بصرف عساکر منصوره در آمدن سواران  
 شاهبختی ایتانلو و خراسانی نیز از آنکه فریاد و سایر اشراکات را ندیدند بر سر نیز آمده اند در فریب فرار اولی که در سنان  
 از فرار مذکور مرغابی عظیم الجثه با کوله زده اند که بیخ من ارد در پوست سران و مجده من در پوست بدن آن جای داده اند  
 در نصر شایا در کرمان زلزله شدید شده قلعه فخریم بخارا از همدم ساخته ولی قلعه جدید بنا بر دانی که در محفوظ  
 مانده است و کوهها بون روز بسینه بیخیم محرم چون هوای این صفحات کرم شده بود بطرف لار و فرزند کوه انقراض فرمود  
 نواب و الاغصدالدوله را بگویند فرزندین مامور فرمودند میرزا موسی زبیر دار الخلافه که هشتاد و چهار سال عمر کرده  
 بود شب فرزند هم محرم شد این اوقات دستخطی با فتحارجانب سپهسالار اعظم میرزا محمدخان شرف صد و پانزده  
 که سوادان از نظر این است

صورتی که خط جها نطاع مبارک

نظم دار الخلافه طهران و نوابان از علی خالصجات دیوانی و غیره از تاریخ بسینه بیخیم محرم الحرام شده او در این  
 بعد با سپهسالار اعظم محول و موکول فرمودیم و بنک و بدکل مورد الخلافه را از ایشان بخواهیم  
 چون حاجی فوام الملک مولی باشی سرکار فیض آثار امام نام علیه السلام در شانزد هم محرم داعی حقی الیک اجابت  
 گفت میرزا محمد حسین عضد الملک که این خدمت بسوف بود بمنصب مولی باشی کرمان استان بفرستد که در جباب میرزا  
 حسینخان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه مقیم در بار عثمانی بلیغ نبیل شیرالدوله ملقب فرمودند این اشخان  
 امین الملک و میرزاها اشخان امین خلوت را از خلوت خاص خارج فرمودند بخوبی داری و جوهر خاص صرف جیب مبارک بخواهی  
 خلوت اجودان مخصوص حضورها بون مرحمت شد تفکداری در پیش سبقت و ریاست خاص علاوه منصب مهرباری هم مبارک  
 با اعتماد الملک افامو حسن صدوق و سابق اختصاص یافت اسلحه خانه و کمانخانه مبارک که حاجی و چرخان سند و فدار  
 حالیه رسیده شد بخوبی داری و در دولتی مخصوص فاعلی (اسپه نوری) پیشخدمت خاص کردید سر بیخ سوار الملائقه و برین  
 سابقا به عهد محمد و چرخان سر بیخ زنده محول بود و چندی از این منصب عاقل در تانی بمبارا اله محول کردید راه کلان  
 و بیلهای عزیز و چایا پارتیهای جدید را که حسابا امر سپهسالار انجام رسیده موکبها بون که کثرت بیخهای لار و  
 فرزند کوه بود پانزدهم سید اول عود بنیان و ران فرمود نواب و الا اعضاد السلطنه و زیر علوم بکفایت ششم صبح  
 مقرر کردید در حکومت خوئی با اسکندر خان سردار مرحمت فرمودند از او و هشتاد و نه سواران را که در مزارع و مزارع  
 حدات خراسان آمده بودند و از استعنا سپهسالار منصوره که در آن ثغور ساخلو میباشند خبر شد و بیل مفضوبان  
 کردید در جباب مبارک کالسه که جعفر علی پیک نایب کالسه خانه دولتی از مملکت روس خرابداری نموده وارد سردار ایران

کرده است جناب علاءالدوله در امور حکمرانی و کاپان خمسه شای اند و نسق خالص بخارا در کما لغوی و وقت  
 مهمانند نواب و الاحسام السلطنه و امور حکمرانی مملکت فارس کردید و حضرتنا جل افخم شاهنشاهزاده و الا امین  
 الدوله بجهت عروسی و انجام امر خیر ایشان احضار مبارک الخلافه فرستادند امیر الامراء لعظام حاجی محمد طلیحان فاجار بندگی  
 حضورها بون مباحی کردید در پیش سبقت عمل خلوت خاصها بون بجای محمدخان حاجی الدوله فرستادند این اختصاص  
 یافت منصب امام جمعه که شهید مقدس با میرزا هدا بنی الله ولد مرحوم حاجی میرزا عسکری امام جمعه مرحمت فرمودند و  
 میرزا اسدالله برادر کوچکتر معزی الیه بنیابنشا و برقرار کردید امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب و الا اعضاد الدوله از جباب  
 نواب اعظم الیه حکومت لرستان رفت کتاب بکنجه مرحوم میرزا عبدالواهاب عمادالدوله طبع شده بفرمودند میرزا کاتب  
 فانوق برای نظام نظام ظفر فخریم حسابا امر جناب سپهسالار اعظم وضع و ترتیب داده مقرر فرمودند که طبع شود  
 و از همان فرار رفتار کند موکبها بون روز ششم شهر ربیع الثانی بجهت حکمرانی شمران کثرت بیخهای بیلان شهر سنان  
 شده روز بیست و نهم این ماه معاودت بسطنت آباد فرمودند حکومتا روی نواب شاهزاده معین الدوله و گذار  
 نمودند محمد اسماعیل خان و کچل الملک وزیر کرمان بلیغ جلیل سرداری ملقب کردید بجای خان اجودان مخصوص حضور  
 ها بون با عطای بکفایت فشان از درجه اول سر بیخ سرفرازا آمد میرزا فخرمان مستوفی نظام اذر با بجان بلیغ شپه  
 لشکری معین کردید میرزا اسدالله خان نایب الحکومه ملا بر تو بیکران بمنصب بیابان دوم و زیر علوم و لقب فخر الحجاب  
 مباحی آمد نور و بر بچان کرمان با چهار هزار نفر جمعیت فضا ناخ و ناز دره جزو اتحاد و در آمده بود و  
 استعنا فشان ظفر فخریم مانع بنیل مرام آنها شده منفرد کردید در ملایز بادی بکرمان آمده او را از اشجار با بکی خود  
 و بکجابانکه در خفهای کرمان دوباره برک و شکوفه آورده موکبها بون روز سیم شهر جمادی الاخره از بیلان شمران  
 کثرت بیخهای دار الخلافه کردید بعلماز وضع میدان ارک و طرح حوضی وسیع در آن و غرس و باغ در در طرف جنوب  
 و نصب شونهای سنگی بفاصله چهار ربع جلو با اعضا و حجر چوبی در فواصل شونها محض اینکه ساحل چنین میدان  
 از آمد و شد و اب که حمل اجناس میکتد مصوب باشد حکم شد در جانب شرقی ارکها بون دروازه از خارج محمل  
 بشهر قرار دهند و خندق شرقی ارک را بنا کنند با سطح زمین برابر کنند و جبابی عربی ناد هند با زار و شکر دهند  
 این اوقات این جمله صورت انجام یافت است جناب خیر الله افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که در بیلان  
 مامور اقامت برارها بونست از اول ورود در جسد پذیرا بتهای کامله معموله از جناب معزی الیه نموده با کثرت بیخهای لایفه  
 وارد دار الخلافه با هر که در بیل بجای خان اجودان مخصوص حضورها بون با عطای بکفایت کل مصلح مقرر کردید در راه  
 چمانندان که از سالک صعبه بود و در سال گذشته کاسنکرخان مهندس سناری شیاختران راه مامور  
 شده بود این اوقات این خدمت را با انجام رسانیده و نهایتا ما به اسایش عابرین کردید حاجی میرزا بجای خان نا



بلای نور و کجور نیز در امداد کاستنک خان با نظام خدمت مزبور مساعی یافته نموده است مصطفی خان سرنپس اول که در سفر کرکان خدمت کرده بود بمنصب جلیل امر نومی سرافراز شد نواب شاهزاده عضدالدوله حکمران فرزند بیک قطعه نشان از درجه دوم سرنپس نایل گردید محمد صالح خان سرنپس هم چون در ماموریت سپستان خدمت نموده بمنصب سرنپس دوم سواره بر فراز آمد علیخان پسر نظام الدوله بمنصب سرنپس هم مقرر گردید چون سابقا ایجاوی در شهر رشت نبوده االی بدینجهت کفر عسرت بودند این اوقات امیرالامراء العظام محمد قاسمخان والی کلان برای عارت مبارکه ناصری هندی حفر نموده محض اسایش در راه حالی اهلای نیز با چند شعبه مشعب ساخته هر یک شعبه تجاری ساخته است میرزا نیرنگ خان بکار پر بازی عباد مامور گردید با اعتماد السلطنه حاجی علیخان را بوزارت موفوفات و وظایف مالک محمد سرسرافراز و منصوب فرمودند محمد ابراهیمخان سهام الملک بمنصب سرنپس اول مقرر گردید پوهنخان سرنپس اول که در سفر کرکان خدمت کرده بود طبق استیجاب الدوله شده باعطای نشان و جامه نپس اول مباحی گردید محمد حسنخان سرهنک فوج کلهر بمنصب سرنپس نایل آمد احمد میرزا پسر امیرتپور میرزا بمنصب نایب اجودان مرتبه دوم مقرر گشت رستمخان پسر جوم میرزا که پسر خان نیز بهین منصب سرافراز شد علی اکبرخان پسر حسینخان سرنپس فوج منصوب بمنصب نایب اجودان از درجه سیم بر فراز گردید بطوایف کرد در عراق زنی مولود آورده که دو سر دارد یکی بجای خود و دیگری از بازوی چپ برآمده هم چیز هر دو بجای و زباده از فاعه مودارد و عند التولد هر دو سر دندان داشته و علاوه بر دوسنی که در پیش داشت یکدست نیز بر بازوی مولود بود و این دستان ساعتی پان دو دست شده که در واقع چهار دست میباشد و هر دو صورت زباده شبیه بیکدیگر مگر آنکه یک سر کوشش زرد گزاشد و مکران و جالقی و طیس و بای شد یکدیگر ذکر کرده است جناب سبکوکت دماسناک که بر سر و زنجاری و پلچیکی مخصوص از جانب دولت فرانس مامور اقامت در بارها پون شده بود از اول و اول نیرنگان ورود در الخلافه هر جا مراسم اعزاز و تشریفات معموله لایف در باره جناب معزی الیه بعمل آمد و در غرض شهرت و جبار دار الخلافه گردید مجلس تحقیق دیوان نظام بر فراز و نواب و لامعز الدوله بهرام میرزا بریاست این مجلس منتخب گردید که مطابق مقررات کتابچه قانون نظامی مامور نظامی سپید گردیدند و اختصار مفصله ذیل از اجراء عهد این مجلس میباشد (حاجی پوهنخان مستشار لشکر) (میرزا عباسخان معاون الملک) (میرزا جلیل الله لشکر نویس) (میرزا فضل الله خان نولق) (جهانگیرخان سرنپس) (میرزا ابوالقاسمخان علی آبادی) (میرزا نیرنگخان که در ایام ماموریت بکار پر بازی سابق ارزنده الرزم و بغداد صدر خدمات شده باعطای نشان سرنپس اول با جامه نپس ان سرافراز شد عسکرخان که در لوازم مهمانداری سفرای دولت رفیق نموده و حسن رفتار او مشهود گردید باعطا یکقطعه نشان سرنپس از درجه سیم با جامه نپس سرافراز شد میرزا صادقخان کارکنان خارجیه استرآباد یکقطعه نشان

از درجه سیم سرنپس و جامه نپس نایل گردید حسینخان پسر جناب سپهسالار اعظم بنیاب جناب معظم بریاست توپخانه و مقرر بر فراز آمد نصرالله خان سرنپس هم بمنصب سرنپس دوم سرافراز گشت حاجی میرزا پوهنخان نایب الحکومه بلده نور دیکور باعطای یکقطعه نشان از درجه سیم سرنپس مباحی گردید بمنصب سرهنکی فوج ششم شفاقی با یکقطعه نشان و جامه نپس مرتبه دوم سرنپس علیخان پسر جوم میرزا حسنخان بمنصب سرهنکی توپخانه مبارکه بر فراز آمد و ماه شنبان منغلتر مدرسه مبارکه دارالفتون افتخالی مفصل نموده مدایج ترفیفات شاکران و اهتمائات نواب االاعضاد السلطنه و نیز علوم درجه سنیان فوق العاده یافت و بهر یک از فرار تفصیل ذیل بدین مرام فرمودند (میرزا رضای مستوفی پسر معین الملک نشان سرنپس اول) (جعفر قلیخان رئیس مدرسه نشان و جامه نپس سیم و خلعت ها پون) (محمد حسینخان ناظم مدرسه نشان و جامه نپس سرهنکی و خلعت ها پون و پنجاه تومان انعام) (مسبو نیرنگ ناظم علوم مدرسه نشان از درجه دوم خارجیه) (میرزا عبدالغفار معلم ریاضی نشان سرهنکی و پنجاه تومان اضافه و واجب خلعت ها پون) (زوالفقار خان سرهنک هندی نشان و جامه نپس سرهنکی) (میرزا نصرالله خان نشان و جامه نپس سرهنکی) (میرزا عباس اولی حاجی و نایب اجودان نشان و جامه نپس سرهنکی و لقب خان) (مصطفی قلیخان سرهنک توپخانه نشان و جامه نپس سرهنکی) (محمد تقی میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا اجودان مدرسه نشان طلا و نیش تومان اضافه و واجب) (مسبو کابان معلم در سر زبان نشان از درجه سیم خارجیه) (میرزا کاظم معلم طبیعی خلعت ها پون و نیش تومان انعام) سایر نیز هر یک بقدر تشریف و فراخ مرتبه خود ببولج نشان و انعام و مرام ملوکانه مقرر گردیدند معین الملک خواصا لار بمنصب درازی مقنن و از اول و کلان سرافراز شد حسینخان شهاب الملک بمنصب جلیل امر نومیان تشریف افخار آمد میرزا عبدالله مستوفی اول و نایب سیم سفارت پارسی باعطای یکقطعه نشان سرهنکی از درجه دوم نایل آمد میرزا ابوالقاسم پسر میرزا محمد مستوفی بمنصب استیقا دیوان اعلی سرافراز گردید مصطفی قلیخان عرب غلام بشیخ منتهی ایشاد رسان بر فراز گشت و باطاعت عرض ده که مان را حسب الامر تقیر می نمایند و مقرراتی که هر جا با طاعت بد لازم باشد از نوبت استند حاجی شهاب الملک امر نومیان بریاست فستون خراسان مامور گردید در همدان حسب الامر شد در جانی غیرت کلی از مساجد و مدارس سایر این بنی نموده اند همچنین در شوش و دزفول و سایر صحافت عربستان تعمیر نموده و این بنی جدید بنا کرده اند نواب و الاعباد الصمد میرزا اعزالدوله را بحکومت همدان منصوب فرمودند و میرزا زکی مستوفی بوزارت ابنو له پسر بر فراز گردید جناب حسنعلیخان وزیر مختار و ایلی مخصوص دولت علیه کبری اصغای و امر ملوکانه انحصار بدینار معدن معاد شده بود اجازه انصاف ماموریت خود حاصل نموده که در اخر ماه شوال روانه کرد و باعطا یکبنیضه مشرف بر بن افتخار امد نصرالله خان زینور کچی باشی بمنصب سرنپس سرافراز شد میرزا تقی لشکر نویس تفریق بمنصب لشکر نویسان خراسان مامور گشت الله و در پان سرنپس توپخانه مبارکه بمنصب سرنپس اول



واعطای نشان و جامه از درجه مزبوره میاھی که بدینجا خان حاکم بکسکه قطع نشان از درجه سر نیی با جامه  
 مخصوصان فخر آمد اگر خان سر هک فوج بقاوندی منصب سر نیی از درجه سیم سر افراز شد بر زاعلی نفر ششم منصب لشکر  
 نویی نابلگشت در الحکومه مستند و سایر انبیه و غیره شهر صاحب امر سر نکند اند  
 شپهار شنبه سیم ذبقعه الحرام پنجم اعزاز شیکند شنه فتاب جهاننا با زبرج حوت مجل بخوبی نموده سلام  
 در پیشگاه حضورها بون منعقد کرد بدو روز دوم عید نوروز در بالار تخت مر سلام عام انعقاد یافت چو حضرت  
 اجل افرا شاهنشاه زاده والا پیا السلطنه در فون نظامی مرتبت واستدراکی بکمال حاصل نموده اند با مضای  
 شپسالا راعظم سبک قطع نشان از درجه سر نیی اول و جامه مخصوصان درجه مرتبه اختصاص یافتند و نیز  
 استکجاب سپهسار اعظم منصب جلیل کشکی باشکری دیوانها بون را بجه بر زایر محمد مهدیخان مفوض  
 ومصطفی خان امیر تومان برادر جناب سپهسالار اعظم بنیاب محمد بزایا مورثه عاقبت کشیکانه مبارکه رسیدگی  
 میباید محمد حسن خان پیشین منصب خولیدای جنس دیوانی کل و لا با ت ممالک بحر و سه بر فرار کرد بدین الفی  
 میرزا مصطفی و کمال لشکر منصب لشکر نویی دیوانها بون سر افراز شد رجم دل خان لپرخان زاده مرحوم جعفر  
 خان امیر تومان لپرخانکی فوج ایلان فرجداغ بر فرار آمد ابوان ناصر که در روضه مفلسه ضوی حسی لپرخان  
 باهنام عضد الملک مولیباشی زهور تمام یافته و معزی لپرخان زای اینجده مشربک باعطای بکسکه عسای مرصع  
 مکلان جوهر نفیسه معجز فرمودند محمود خان لپرخان افضل الله خان وزیر نظام منصب سر نیی از درجه سیم سر افراز  
 شد جان محمد خان سر نیی سیم فوج خلیج درازا اخذ ماینگه در کلات کرده بود منصب سر نیی دوم نابل آمد حسنقلی  
 سر نیی سواره فورن بیکو دوازا هدایت کرکان نشان و جامه سر نیی دوم سر افراز کرد بدو کبها بو او ششم  
 ذبقعه الحرام بقیم سفر خیر پیا شمان ندان داده از دار الحکله باهره انفاض و روز عید اضحی در شهر سادی  
 اجلا فرمودند و روز سیزدهم شهر پنج شرفهای بلده اشرف کرد بدیندیباغ شاه که از بناهای شاه عباس پیا  
 بنای معزی میباشد از کاه موکب علی کرد بدو روز بعد بنامشای صفی آباد که شاه صفی در بالای کوه منصفی  
 و عبارات از عمارت حکم خوبی که بر اشرف و جمیع صفحات بازندان مشرفت شرف بر ندایر آهنگان قیر حوم  
 صد اصفا منصبت بکل سبکی کی اصفهان سر افراز فرمودند فاقا میرزا محمود ولد مرحوم حاج میرزا علی اصغر شپسالا  
 اند با بجان منصب شیخ الاسلامی آن مملکت بر فرار کرد بدو روز شازدهم ذبقعه الحرام و کبها بون بنامشای عباس  
 آباد که در چهار فرسخی اشرف واقع است شرفهای کرد بدو عباس را با عیادت از سدیش که شاه عباس در میان  
 دره نزدیک آینه که در با چهره بزرگ مملو از ایاست و این ابصه فریبر امشرو به بنامید و اطراف آن هم جنگل است  
 و سالی لوا بفرکان بیوت و ککلا و غیره در اشرف و بجا کجای میبارد مشرف و هر یک علی قد مرتبه هم مجلا

مرام ملوکا نرسرا فرزند کرد بدیند بعد از آن موکب علی از اشرف بنامر آباد نهضت فرما کرد بدو از نامر آباد معینی کرد  
 میان کاله میباشد شرف بر ندان میان کاله همان ایگون معرقت و ماسرح ازاد رخلدا و کتابه لانا اللبدان ذکر نموده ایم  
 و ذبقعه سیم ذبقعه موکبها بون شرفهای فرج آباد کرد بدو در کنار در با تزلله اجلال فرمودند و چهار فرزند کشی  
 دولت در عیادت ازاد رویها بون لشکر انداخته بشر ابط نغمات مقدم مبارک اقدام نمودند و ادبیا الملک پیشین  
 خاصه از جانب صنی الجواب خروانه با بلوغ مرام بادشاهی نسبت اور لپها نفرت سنده جناب جانشین افغان  
 و سایر صاحبمنصبان و معارف مامورین دولت روس مامور کرد بدو روز بعد مشارالهم با شرایط اعزاز و نیز  
 حضورها بون شرف جسد و عمر نیز و سرکار اعلم حضرتها بون و ملتزمین رکاب معولی در باقیها شنه بنامشای  
 سفان و جهازان روسی شرفهای فرما کرد بدیندیباغ از چهار فرزند جهان موسوم بجهان حاجی طرخان بود و چو اعلم حضرت  
 ها بون مخصوصا با بزجه شرف و رودار زانی فرمودند بعد از جانب دولت شرف اسم انجها در انقبیر داده و نام  
 ها بون نامیدند با کمال در ذبقعه سیم ذبقعه از طرف غربین الشرف ملوکا نرسرا شرفهای مامورین دولت روس فرستاد  
 و بجهان اجودن مخصوصان نشانها با فرامین و احکام میان سفان برده ابلاغ نمود و همانروز پنجاع غز و به ملان جمیع  
 مامورین و صاحب منصبان دولت روس را اعتماد السلطنه العلیه از جانب دولت با بابت عودت کرده مهانی بسیار  
 از آنها نمود و ناعز و غیره معالی بودند آن وقت سفان خود معاودت نمودند و ذبقعه چهارم ذبقعه موکب علی از  
 فرج آباد بمشک آباد و ذبقعه نهضت فرمای بندر مشهد سر شد چون بارهای تجارون تجار کز در با با سفان بلانجا  
 آورده اند محل محفوظی ندارد میرزا سیم و زهرمان ندان حکم شد اما در ولی محکم در مشهد سر بسیار در ذبقعه ششم  
 فرمای بار فرود شد در ذبقعه هشتم امل علینا اجلال اردویها بون کرد بدو روز غره محرم بسوله که سر  
 بجای میرزا بچی خان نوربشت شرف بر ندان

**و با بیکدیگر از این سال همه تمام کرده از ضرب افطار عالم اتفاق افتاد  
 و واقع شد است  
 انا تونی بیکدیگر**

نفرین سپهسالاری کل عساکر اند و لشکر زال گران بر فراری شزال شرفان منصب سرداری کل آن دو نفر  
 در جنگ شمالی جنوبی جنمات نمایان کردند رئیس ایلان جنوبی فرسند و پس که عدالت خان حکم قتل و راضا  
 کرده در پس محمودی انا تونی از حبس و قتل و کشته فقط بحسب نظر و بیرون رفتن از شهر زن آلفا نمودند  
 فرزند دولت در این سال معادل و هزار و ششصد و چهل کرد پول برافراشته و در سنی امین دولت با انگلیس  
 بزافرا نشه هایت منززل است بر خلافتا ناد انا تونی با دولت روس طغیان سپهها و در خانها

**اسپانیا**



شودش در اغلب فوج نظامی علی الخصوص در فوج سواره ساخو آران و آذربایجان برین ذوال بریم که محرک نشو  
است فراد بملکت پر توغال شورش سخت در ماد و دیپای تختا بند و گند و نا جستان زخم برداشتن نادر دلاز را  
دولت که در مقام اطعام ناپره نزارنا شراب بود شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیره کو با افتتاح راه آهن از شهر  
مادر بدین شهر کرد و و آمدند دخط راه آهن از مادر بد به لیزین پای تخت پر توغال حسین مارشال سزانو

### المان

بنابر عهدنامه گاستر و ولش پریم حکمران با ان اسلویک و دولت اطریش حکمران با کلسن را بر عهد میگرد  
ابتدای مختار ما بین دولتین اطریش و پریم در همین نفره در شورای خاصه مملکت پریم حکم بنیاد کرد و نتیجه جنگ بشود  
بالاخر دولت پریم با الصواعده میل خود را در تصرف خا با این بدون شرکت اطریش اشکار مینماید و دولت اطریش  
اشکارا نتیجه جنگ می بیند دولتین با پریم ساکن میخواهند طرف دولت پریم را منظور دارند اتحاد مخفی دولت  
ایطالیا با دولت پریم بر ضد اطریش شورش و انقلاب در دین کران و فن مغلق بدولت اطریش بود میل اهل  
و نیز اینست که جزو ایطالیا شوند دولت ایطالیا نتیجه جنگ می بیند و در ذوال مانوخل سردار پریم با عساکر  
ان دولت با ان هلشن که متعلق با اطریش بود ابتدای جنگ دولت پریم با دول ساکن و هانور و اطریش در دو  
فزون پریم پای تخت هانور و ساکن در نا جستان دولت اطریش سرداری بنیاد سپید و شصت هزار فزون در  
مقابل پریم در دول با و پریم و در فیرک که منهدم یک با اطریش شده بود ندرت جای خود حرکت نمیکند و در فزون  
پریم سرداری نقاب و لپعهد و پریم فرزند بلن عارل برادر زاده پادشاه پریم سوم حاکم اطریش سرداری کل فزون  
را اعلم حضرت پادشاه پریم کلوم شخصی قبول مینماید از طرف دیگر دولت ایطالیا سرداری خود اعلم حضرت پادشاه ایطالیا  
در حدان شمالی شرقی ایطالیا اردوی میزند متاز غرضشون ایطالیا با ارشد و ان این سردار اطریش شکست  
فزون ایطالیا لیکن سردار اطریش بعد از این فتح بواسطه جنگی که پریم در بوم میگردانید و در جنگ ایطالیا  
مینماید جنگ سخت ما بین عساکر پریم و اطریش در بوم مقبول شد جمعیت پادری از فزون اطریش بواسطه شکست  
سوزن جدید یک عساکر پریم را استعمال ان مسلط بودند فتح تمامان فزون پریم بعد از جنگ سخت در سادوا  
در این جنگ از طرفین دو سب هزار نفر مقبول میشوند فزون اطریش هزار بطرف و پنجاهی تخت پریم در این بین بود  
اعلم حضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه بالت و نیز را اطریش از خود مجزی نمود جزو دولت ایطالیا مینماید  
و دولت فرانسه ما بین دولتین پریم و اطریش مباحی میشود حاصل این جنگ این شد که دولت پریم و ان این  
هلشن و اسلویک را منصرف و مملکت هانور را نیز ضمیمه نمود و اقتدار سابق دولت اطریش در تمام ممالک  
المان پست نمود و گفتند را سپوز شمالی که عبارت از ایالات و دول واقع در المان با شد فی الحقیقه بر ما خود  
برقرار ساخت و از ایالات جنوبی خسارت کلی مطالبه نمود و دولت اطریش در الواضع از ممالک وسیع المان

باز مسلح

خلیج

خارج و غریب محسوب شد و این بین و بای سخت در بوم و در مروری خا لک اطریش بر ذکر و همین نفره سید شد  
گفتون پریم را بجای خالی نموده با وطن خود مراجعت نمودند ساری جنگی که در این جنگ پریم و اطریش کرد  
بپنج هزار صاحب منصب سوسی و پنجاه تا ناپین بود پناه حبش پادشاه هانور بجای اطریش جمعیت ایطالیا بعد از اتحاد پریم  
و بعضی قطعات دیگر که تازه از اطریش منصرف شده بودند در این سال به پنجاه کرد و رسید عدد فزونیکه پریم در  
بجهت جنگ با اطریش حاضر کرده بود شصت و پنجاه هزار فزون نظامی و هفتاد و چهار هزار چریک و هزاران  
فوتی مخراند و در این بود مرا حبیب پادشاه ساکن از وسیله مملکت خود بعد از شریک که تماماً با غیر پریم مینماید بود  
نفسین سپه و کتب صدر اعظم سابق مملکت ساکن بود از راه مورخا رجا اطریش

### انگلین

اشنداد مال پریم در مملکت انگلیس بد رجته که در طرف مدت یکا و بلینت هزار و هفتصد و چهل تا سکا و و کو  
تلف میشود شورش و انقلاب طایفه فنیسان در این زمان افتتاح مجلس پارلمان انگلیس بعد از فوت پریم الیزابت  
اعلم حضرت پادشاه انگلیس پادشاه معظم الهی تا افتتاح این مجلس در افتتاح مجالس شخصی حضور به منبر سپانده بود  
صدارت و وزارت طایفه بودی و ریاست در در می بقویض وزارت امور خارجه در استالنی سپر بود و در  
و انقلاب پریم شهر لندن و اغلب نقاط ایتنای صمد و پنجاه هزار فضا نیک نه پریم و فضا نیک شیند و بای  
سخت در لیبوریل و در لندن شورش االی فنیسان در اینر لند سید جیسر چندین هزار نفر میشدند و در  
جری که سال گذشته ممکن نشده بود امسال منتهیما از اینر لند مملکت انگلیس پریم نو و مملکت سکی دنیا ممالک  
در هند و سنان بواسطه مباریدن باران در اغلب نقاط خطی سخت شده و در ایالت اریسا که مشرک در جمعیت داشت  
بواسطه خطی هفتصد و پنجاه هزار نفر ناف شدند در همیشه تبعه ما مورین انگلیس نه ادرس پادشاه این مملکت  
نیابت ظلم و تعدی را مینماید

### ایطالیا و روس

فرانسه دولت فرانسه با ایطالیا در باب وجود دولت مستقل در ان مملکت که یکی سلطنت پایه در روسیه  
با حدود معینه و دیگری ایطالیا معاهده مخفی ایطالیا با پریم در مجبه جنگ با اطریش جنگ در کومنت با اطریش و  
شکست ایطالیا در این جنگ جنگ مجزی ایطالیا با دولت اطریش در لیبنا که در این جنگ نیز برای عساکر ایطالیا  
نیمایند و همین مجبه با وجود فتوحات پریم در سادوا و دولت اطریش ضایقه دارد که و نیز با نظر ایطالیا  
عهدنامه و بنه ما بین پریم و ایطالیا و اطریش در اینر ایطالیا منعقد شده بموجب این عهدنامه و نیز با جمیع طلاع  
و اکتار ایطالیا میشود بمال المصلحه و دولت پنجاه ملیان فرانک که معادل پنجاه کره تومان ایران باشد محتاج ایطالیا

درجی



در جنگ با اطریش هفتصد و چهارده کمر در فرانت که معادل هفتاد کمر و دو سبب هزار تومان ایران باشد رسیده است عدل لشکر پاپی هفتاد و نوزده هزار نفر است که بعضی از آنها اهالی خارجه می باشند در روزی که در ناپل در شهر بیارم بواسطه مراد هفتون

### بلژیک

اهالی بلژیک کال و حشمت از عظمت و شوکت پرورس اند و ازین شهر رسیده اند که فرانسویان بواسطه هم چینی با روس در مقام توسعه مملکت خود بر اید و بلژیک را ملحق مملکت خود نماید

### چین

جنگ سخت با باغبان نیان فی عزال فرمان فرمای نان کن که با فرنگیان عداوت داشت بنای معبد کاتولیکی بنویسند فرانسویان در یکین پایتخت

### دانمارک

از دواج پرنس دانمارک شاهزاده حاکم این مملکت با نواب ولعهد دولت روس در پایتخت این سال

### روس

نادیده کردن دولت روس کشیدند که کاتولیکی را در پتسنا و حرفهای سخت پایتخت این موضع کشیدند و چون بخارا دولت و قطع نمودن و زخم بخار مراده را با پاپ و غریبها و از رومه یکی از نجیب ادکان روسی موسوم بکارا گرفت پس بدین چنانکه در شهر سنت پترزبورگ در بهار فضاقتل اعلیحضرت امیر اطور را مینماید و در عقب خود نرسید مجلسی برای تحقیق این عمل برپاست و زغال مواد و نف منقذ و گفتگوهای طولانی میشود و حدس کلی میزنند در شرکط سنا پناه را بنوعی آما هم نشانده فضای بسیار از این مفسر بدست میآیند که همگونیست فارسی میباشد بر آن کار هم برپاست مجلس اخیری بن تحقیق بر فرار شده حکم قتل این مفسر صادر و در پایتخت هم ماه سپتامبر قبیل میرسد حرکت ناگهانی چرا که و تصرف نمودن آنها سخوم قلعه حاجک روس با امپراتور باجهان اینکه یکی از سر عمل بندوک را نکند داشته و غلبه دولت روس بواسطه از دست آمدن مخد بخارا از خود جدا میشود و قوت دولت روس و اید سرار مروز و فترت و اید نواب ولعهد دولت روس با پرنس دانمارک و از آنجا که پرنس شارلوتها نامزد ولعهد مروجوم برادر موزه ولعهد حالیه بود که سال قبل وفات نمود محض اینکه اینرا و جنباستون باشد صدقاً بسیار از قبیل بخشیدن مفسرین و گفتگو از بقایای و لاپات بنال نمودند و آن لغت سپهکاری بکن برگه آفتاب چوای کا ز در شهر مسکو در قلعه ارک کرمان و تقدیم نشینات مذهبی

### ژاپن

باز شدن

باز شدن بنا در اسکا و هیک بری اهالی خارجه موجب عهد نامه ها از فرار نر خنامه حالیه مامورین دولت فرانس و در بدای سخت در کال الحزام پذیر شد خرا نامه است دولت با دول انگلیس و فرانسه و ناتوف و بی با در باب و با صد و پنج از قیمت اجناس فراده آنها بر این و در دیاب نمین نرخ مسکوکات دولت فرانس و تعیین چگونگی اهالی ژاپن در دولت خارجه معاهده بخاری با ایتالیا جنگ داخله فرانس و این دو مو سها که عبارت از اعطای مملکت باشد جنگ مابین طیفون پادشاه جمائی و شاهزاده شوچو فوت طیفون و بر فرار شدن شاهزاده مناسبی بجای او زلزلهها نمین در بوکو هو ما

### سوئیس

در نواز جانب یکصد و شصت هزار نفر علیه مجلسی از وکلا برای بعضی مذاکرات منعقد شده و اغلب اجزای مجلس فرانسه و انگلیس هستند و کمترینان و ابطال این وکلا شکایت از آنها از بابت کار کردن آنها در کارخانه ها و مدعیگری آنها بامر هاد این باب دارند

### عثمانی

شورش طایفه مارینت در حال دهن در سمت جنوب شرقی تریپلی در داری قسطنطنیه کارام داود پاشا حاکم عیسیو لبنان لشکر آمدادی با جان بیروت گرفته با وجود این نمیتوانند این طغیان را رفع نمایند بواسطه کارام فرار می نماید ولی باز طغیان را محرز است امتداد میدهد و ایندانیاه بجاکه شام که با داود پاشا عداوت دارد در مبروت و بخر است بعد ملحق بقونسولهای اروپائی میشود انهم معیند فایده نمیکرد اخرا لامر با تجار پرمیر و مدتی در آنجا اقامت میکنند در تونس علی بن غدام رئیس شورش طغیان اخیری که خوار و مجبور میشود و مالیات پس افتاده برود اسلحه دریافت میکنند و در مصر از اعلیحضرت سلطان عثمانی اجازه حاصل میگماید که بعد از رسیدن مستقیماً وارث و جانشین او باشد چونکه در دولت عثمانی و خانواده و لاه مصر سلطنت و لاپات با شد طایفه میرنده مستقیماً با ولاد بر فرار شدن مجلس کلای ملت در مصر قسطنطنیه سلطان عثمانی فرار داد اخیری خدیو مصر با کمپانی نهر جمیع البحرین سوز سرکش و طغیان مجلس شورای سمند و افلاقی بغداد بر ضد پرنس کوزای ولی و مغز ولی و زدامیل و خواهر اغلب امنا و ملت با اتحاد مملکتین افلاقی و بغداد بر فراری و کلای ملت دولتی که عهدنامه رسیده و هشتصد و پنجاه و هشت یار پرنس امضا کرده بودند از دهم ماه مارس و کلا مجلس منعقد و یار پرنس میفرستند و هر سوای دولت روس مصر قبول و بر فرار شدن اتحاد اطلاق و بغداد میباشند در ژانسی اهالی بخارستان و ارمنه و روس بر خلاف این اتحاد حرکت میکنند ولی شمر تری نمیشود و لشکر مخصوص ملادوی آنها مطیع میسازد پرنس شارل همین زلزله بسین بدینت هفت سالگی که سلطان فوجی از افواج پرنس یکی از اقوام نزد پنا اعلیحضرت پادشاه پرنس محل و توفی مملکتین افلاقی و بغداد و بوالکری

مخبر



منجبت میشود و در این حال برین شادول دارد و بخار استیای تحت افلاق بغداد میشود برقرار شدن و کلای  
 ملتی در رسم نظمان نشان کند و در افلاک بغداد و سوکد برین شادول بقای و برقرار شدن این رسم و قانون مسافر بر  
 شادول و مالک افلاق بغداد و توسط برین شادول در بار علی از برین شادول در فتن برین شادول با بار علی در یافت  
 نمودن از دست اعلی حضرت سلطان عثمانی امضای الی کری خود را و بدین ترتیب قبول روس از برین شادول هنگام مرگ  
 در کمال خسر و افتخار و زاری آنها و نظری برین شادول بزبان فرانسه و عربی و محبت جمع دول نسبت با و امتنا  
 و از نامه ما بین دولت طرین روس و ما با مد شد سفایر در دو دهانه پروت عثمانی در بلغارستان بمجلس ازاد  
 و گذاشتن دولت عثمانی با هالی قرا داغ مرتعی که از سنه هزار و هشتصد و پنجاه و نه متنازع شد بود اغتشاش و جز  
 کون و رعیتا طویف کوشید در شمال کانه بمجهت افزونن مالکات و عوارض سفاد مجالس علمیه در ولایات غیر  
 بمجهت تشکی از دولت عثمانی را بر امر در وصول بمقاصد منظوره خوشان و عربی در آن مجلس مرکزی بار علی  
 از جانب طایفه یونان در بعضی چند فقره عرض مندج است اول زبانی مالکات عثمانی تعدد عدالتها عثمانی نشا  
 عدم مساوات مذاهب و بجان بعضی بر بعضی رایع نظلم از نشان از این شخه انتخاب برای حکومت اعلان هالی کرت  
 بقلن و لهای و پانی در با صیاح و خود و فراتن علمهای یونانی و اظهار میل بر عیبه یونان هالی سفاد آنها  
 مهمل با اتحاد و اتحاد بدولت یونان مینمایند سفاد مجالس متعدد در کل بمالک یونان بمجهت معاونت بهم و طنان و  
 بزادان پس خود که بقدر عثمانی هستند تکلیف نمودن بر غیر ال کار برین کرد و در کون متولد شده است با است و نواح  
 کردن پادشاه یونان او را از قبول بنیاست بچند آوردن باغبان اسلحه متفرقه از راه سامات جز بر قبرین و شوی  
 مملکت پر زلزله واضطراب است و لغت عثمانی نشون ز یاد که اغلب آنها مکرر مینباشند جمع اوری مینمایند نفاذ  
 سردار سیم پاشای مصر با اسمعیل پاشا حکمران جزیره سفار و غیره مصطفی پاشا که قدم گذاشت از اسلامبول  
 بمجهت دلائی باغبان مصلح و مامور شده پس سفر کرد که قشور حاکم سفری بخار فرانسه و انگلیس از سفر عثمانی  
 در اتن بای تخت یونان در بخار در روس مقیم اتن بحمله از سفر جزیره حاکم مینمایند سفر فرانسه موسوم بمبارک و قو  
 مقیم در اسلامبول که بعدها امور و مانع اتفاق یونانها است از راه استپا مبره و در ولایات آنها که چکما و خود  
 در بنام میجو چندین هزار از خا نوادها بونانی بواسطه سفایر روسی انگلیسی از وطن خود که خاک عثمانیست نهایت  
 کرده بجزا بر و بلاد یونان میزند و در اینجاها با کمال عسر و محسبیل معاش خود مینمایند بسیار بنظر اکتفا  
 متحمل گرسنگی سزاوارت میشوند جنگ با سر امیر نانیهای کرت با عثمانی دولت انگلیس و فرانسه قابل بجزا که رفتن یا عیان  
 بلکه برصند آنها مینباشند کشتی بخار یونانی موسوم بیانهلین در فقه هفتم است که از سفایر بن عثمانی که در وجود  
 گرفته کشته اند و قهر و ماکولان یونانها مینمایند اتفاق دولت فرانسه دولت روس و قسری بر پانمون کبند موسو

بمقبر حضرت عیسی در اورشلیم بی بولی خوانه عثمانی که بدین واسطه ضایع قروض ششماهه که باید در ماه ژوئیه از کشته  
 از عهد بونیا مندند صدات محمد رشید پاشا بجای نواد پاشا منعقد شدن مجلس حفظ الصحه در اسلامبول که اجری  
 این مجلس از دول خارجه باشند یکی از مذاکره قرادادهای این مجلس بر آنست که حاج در صورتیکه و باد و مینا آنها باشد  
 مرخصت زاده در بنام نمایند بروز و نواد پاشا عثمانی و سرایبان بار و نواد تمام مرکز و شمال بن اقلیم ناهلانند بار  
 و فرانسه انگلیس و اسپانیا با تاتاریون جزا بر اینست

### فرانسه

در افتتاح مجلس شورایی بطور و عده مهمل که بمجهت دفع مغایرت ما بین فرانسه و انا تونی عساکر خود از امر کبک  
 احتضار نماید و مجلس و کلای دولت پرستی که یکی از وزرات بالصرحه تکلیف میکند از طرف اعلی حضرت با هر طور که از برای  
 نظم و اموری که ملت اقتدار کامل و بکس دولت لازم است آنها را اتحاد باطنی برین و باطالی با فرانسه و بصد دولت طرین  
 که در عوض دولت پرور از سرحدات المان که طرف در دهانه زرات بعضی دولت فرانسه دهد با کرد دولت فرانسه  
 بلزیک را بخواد منتصر کرد دولت پرور باطالی باطین بود سکوت کند نطق معروض و سبوط بر این موقع  
 که با کمال سختی مدنت پرور و اطریش را میکند که این دولت قوی بجز حق بدولت انا را که ضعیف تر بود دولت  
 فرانسه حمله بردند تکلیف بدولت فرانسه میکند که در همان الوجوه ظاهر از نه باطناد در مناظره ما بین پرور و اطریش  
 مذاخله نماید بعضی وز نامها که بمجهت سبوط پرور در این موقع نموده اند حکم بمنع انتشار آنها صادر کرد بمجهت اعلی حضرت  
 امیر طور نا پلین بوزیر امور خارجه فرانسه را بهر در معرفت خلاصان این است که ما مستقیما در صدالحاق  
 بعضی ایالات که سجد بملکت خود نینبیم لیکن اگر تغییرت در نقشه اروپا و دهانه در هتایک مالک دولت معظنی  
 ایجاد شود ما مجبوریم این هتیم که امتدادی در حدود و نفوس خود هم علی الخصوص اگر شهرها باشد که منظور است  
 فرانسه شوند هالی اینجا بطریقا طریقت ما را کنند و این موقع طریقی خواست بدهد که او را منع کردند عثمان  
 سختی از طرف دولت پرور نامهای مملکت شد که در این جنگی که اعلان شد ما بین پرور و ابطال باطریش از یکتر  
 و ابطال باطریش از نهمش بکواظها را ای کرده بنما و قایع نگاری گفتا کنند تا اینکه بعد از شکست سار و اگر در اول  
 نابینار و داد دولت اطریش باطبع بخاک و ساطح دولت فرانسه را طالی که خیزد و بتلافی این وساطت انا است  
 نیز که از زمان جزو دولت اطریش بود و هنوز ضمیمه دولت ابطال باطریش بود اعلی حضرت امیر طور اطریش بدولت  
 فرانسه و اگر کند که بعد دولت فرانسه مهمل خاطر بدولت ابطال باطریش است انتشار این خبر بسیار خوشحالی و شغف  
 در تمام مملکت فرانسه کردند لیکن این خوشحالی شغف و ذامی نبود بعد از چند روزی که خیال دولت پرور واضح  
 شد و دانستند که مقصودش خارج کردن دولت اطریش از مجمع دول المان و بزور نمودن خود از طرف انا را درون



و هیچ ندانند بفرانسه استخوانی و کت فرانسه ملقب شد که کاری از دست رفته و علاج ندارد بفرانسه خطبه هفتم  
مسبو طر و همراهان او فوت معلوم شد

بنابرین که سفر کبیر فرانسه است در برلین با مسبو پتر هارلد صدر اعظم ملاقات نموده برای دولت فرانسه حقیقتاً  
میکند و جواب باس باو میدهند استعفا در روان دولت پس روزارن خارج و نصب مکرکب و پسر کبیر  
دولت فرانسه را اسلامبول بوزارت امور خارجه ناخوشی سخت اعلم حضرت امیراطور که سه ماه منوالا باقی  
بود مسلح نمودن قشون فرانسه را بنفک جدید که مسمی بنفک ستاسپواست عده قشون فرانسه را اسما ایله  
اعلان نموده اند و در وقت سی و دو هزار و دویست و پنجاه نفر بود مکرکب غیر از فوج حاد و حوی  
که دولت در جبهه های متعدد داشت چه نقلی که بمباران قشون رسید معادل شش کرد و ثومان پول  
ایران بود جمعیت فرانسه و بجهت تعداد نفوس این سال معناد و شش کرد و شصت هفت هزار و نود و چهار نفر بود  
برقذوبای سخت در یار پس در نقاط دیگر طغان غلب و در خانه هادر داخله مملکت و خرابی ساندن انها  
و در سفرای مکرکب یار پس شورش سپید او در الجزایر مایع خوارکی سخت در الجزایر فوج های اصلی بوجه  
لوی طلب یاد شاه سابق فرانسه را تکلیس فوج توپل از معارف رجال دولت صد و هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
انکلیس و ربا و علام مخصوصه الوان بر فوجها بجهت تکمیل در دریا و قبول فوری دولت از اسپم تلکرافت بحری خط  
مخاطره مابین ایران و فرانس را معین مینماید بنا بر این افتتاح سپم تلکرافت بحری از بنای مینماید بدینای جدید که از  
پنورد پای فوجها تا فوج در ظرف هشت ساعت مخاطره یار پس میرسد

### مکرکب (انزبکی دینا)

در دیگران که سرحد نا توفی و مکرکب است سرداران جمهوری طلب که هواخواهان ژوارس و پسر کبیر سابق  
مکرکب می باشند جماعی کرده از عساکر نا توفی با خود شریک نموده بر ضد ماکسی میلبین امیراطور حیدر دود و اولاد  
و زبیر امور خارجه فرانسه در بین متوسط سفر نا توفی از دولت مشارالیه نمائند که دولت نا توفی بطرف  
بماند و مدخله در امور مکرکب نکلند این ثمنای جواب مانده دولت نا توفی تمکین نمیکند بنا بر این نوشته رسمی از  
طرف وزارت امور خارجه فرانسه بسفر فرانسه متوقف مکرکب فرستاده میشود که از بن بعد و همزمان  
صرف خومان را در حمایت ظاهر و مکرکب نمیدانیم و بجهت مکرکب که عساکری باک امیراطور ماکسی میلبین شریک  
بودیم احضار کنیم بعد از انستار این خبر در مکرکب سردارهای جمهوری طلب فوی ل شده بیشتر از پیش در صد  
بهم زدن دولت امیراطور ماکسی میلبین پناهند و ابالات تمام بلکه بعضی ابالات مکرکی بلنبر فوری او  
ژنرال دو سردار فرانسه نیز در سمت شمال حمله بانهای او دولت نا توفی یاد داشت رسمی یار پس میفرستند که  
اگر فرانسه عساکر خود را کلنه از مکرکب احضار نماید و نیز بطرف خواهد بود و کل ظاهر جمهوری طلب مکرکب

خواهد

خواهد نمود قشون شخصی ماکسی میلبین که مکرکب از اهالی لژ بلن و اطرفش بودند و عدد اجندان زیاد نشد در پرت  
خواستند که بعد از رفتن قشون فرانسه کارهای پیش بر ندا ما جنک و حملات ایشان بی نتیجه و فایده ماند امیراطور  
ماکسی میلبین از هر چه خود را بدین جهت چنانکه دوستان و هواخواهان او را میکشند و کت فرانسه با امیراطور  
مکرکب از هر چه بی ثمر بود و تمام مکرکب یکم نیز بنای شورش بی نظمی شد حتی از محارم و نوکرهای شخصی امیراطور  
باو شورش پیدا و وجه امیراطور مزبور امیراطور مشارالیه که در فرانسه بود بجهت اسعانت بدر بار جمع و لفریک  
سفر نموده همپسگرا و ارباری مکرکب بعد از بچارکی و پانس بر همه سفر کرد و در آنجا ناخوشی صرع عارض او کرد و بعد  
ژنرال کاسل از طرف اعلم حضرت امیراطور فرانسه بموریت محقی نسبت مکرکب حرکت نمود و رضاع اعلم حضرت امیراطور  
ناپلیون سپم را با امیراطور مکرکب رسانید که در این وقت جز استعفا از سلطنت چاره ندارد ولی او قبول نکرد  
دولت نا توفی بالصر اصرار در روزنامه ها رسمی و غیر رسمی اعلان میکند که ما جز دولت جمهوری مکرکب باقی نمانیم  
ژوارس و وضع دیگر در دولت مکرکب بمشنا سپم مانع از آکر و زرا که دولت فرانسه در عوض خارج و طلب سابق  
خود از دولت مکرکب مطالب میکند سبب کدورت محدودیت فرانسه و مکرکب

### هلاند

شورش اهالی شهر استر دام نسبت با جزای حکومتی در اوقات شوع ناخوشی و با مال مری شد بدین مرکز را  
وهلاند و سویس

### هابنی (انزبکی دینا)

دولت جمهوری سنت و میبیک که سابقاً جز د هابنی بود و در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار ان  
هابنی جدا شده دولت نا توفی تاکنون او را نشناخته در این سال شناخت بکشمنا از شهر گنا پتورا باغبان  
اشن زدند با نقین های شد بدین در پرت

### بنکی دینای جنوبی

سروزیل جنک مابین برزیل و لوپز رئیس جمهوری پاراگای با کمال شدت است با وجود  
زبادی قشون سروزیل ژنرال لوپز با نهایت شادت جنک کرده جمعیت زبادی از انها  
راهلاک مسبازد در پوز پتروپای فوجت برزیل افتتاح اکپوزیسیون  
صنای اختاد شبلی با سپر و بر ضد اسپانیا و مباحی شدن دولت فرانسه  
انکلیس در این فقره

### یونان







وزارت امور خارجه و ماموران الخی (انتظام خدمات و مهمات مفصله مسطوره بعهده مشایخ الملک است میباشد که مرافق بجا آورده بخوبی که در طبع مبارک باشد منظم سازد

وزارت عاوم و صنایع (بخارت) (مدرسه دارالفنون لکراختاها) (معادن) (روزنامه دولتی و علمی) (باسمه حفاظی دارالخلافه و ولايات) (کارخانجات) (حکومت ملایر و نوبکران) (وزارت امور مفصله که از امور مهمه و لفتش برعهده اعضاد السلطنه مفوض و موقوف خواهد بود بسیار به معنی انچه انتظام امور مزبور و برینت خود فرض بماند و احتیاجات لازم را معول دارد

عظیم مرزا

وزارت امور خارجه (اداره حکومت و ولايات مفصله) (کرامت شاهان) (الرشکان) (فهاوند) (خرقان) (نگر کره سرحد) (راه سازی) (حفظ و اسایش ملل مختلفه که در ایران در خیز رعایای امپد ولت علیه هستند) (وزارت امور خارجه که کان و اداره امور و ولايات و مهمات مزبور بعهده وزیر و کارخانه است بسیار به انتظام و انضباط سایر مهمات امور مزبور نیز بیشتر ابط کفایت و کفالت را امر می دارد

میرزا سیدخان

وزارت حضورها بون (حکومت کاشان) (اداره حکومت و ولايات مفصله) (اصمیان) (فارس) (فطن) (اداره که کتبا و ولايات ممالک محروسه) (اداره امور مسطوره فوق محول با مینالد و له خواهد بود میباشد در انتظام خدمات مزجوعه لازم اهتمام را مبذول دارد

وزارت علمیه بعهده حاجی محمد علیخان محول و مفوض خواهد بود بسیار با اجراء و اشخاص که مقرر است رسیدگی با نمود عارضین و مله و بقیه نماید و عرایض و نذورات را بخوبی که معولت سپدگی نموده در هفت روز یکبار و مذکوره مخصوصا او کتبا مهابون را برای اصغای عرایض بون عدالت مصرف می نماید در این روز معین عرایض یکبار در هفت روز یکبار است با اتفاق صدور بر او کتبا بجز و آورده در عرض برساند و جواب حاصل از آن قرار حکم صادر نموده بوزیر و ولايات بفرستد بزم و در است که تمام عمل باید بواجبانه عدلیت اظهار سازند تا بفرم حضورها بون برسد

وزارت دربار و علاقه منصب اشیاک فاسی باشی کرمی) (شاهزادگان درباری و ولايات) (علماء و سادات ذوالخلافه و ولايات) (اعیان و اشراف ذوالخلافه و ولايات) (عزیزا و مهمانان و ولايات در دیار) (انتظام امور خادمان عزم و خواجیه سرایان) (علما و شایخ) (چاپارخانها) (مواظبت رساندن غله دیوان ذوالخلافه) (حکومت جوشقان) (حکومت کلیان و خوانسار) و ذوات دربار و انجام خدمات مفصله مزبور بعهده محمد ناصر خان ظهیرالدوله خواهد بود می باید در انتظام خدمات مزجوعه کمال مواظبت بعمل آورده از این امور هرگز در وزارتخانه راجع است همان وزیر اعلام بموده افشام عمل و مطالبه جواب از ازان وزیر نماید

(الهی فابکر خوانین و اقبان فاجار) (دارالنظاره) (حکومت سرداری فوشون مازندران) (اداره حکومت مزبور)

عربستان (حکومت بخارت) خدمات مزبور بعهده اعضاد الدوله خواهد بود که در انتظام حکومتها مسطوره انوشهر و بخارت و خدمات مزجوعه نهایت سعی و جهد مبذول داشته بخوبی که در خاطر هر مظاهر مهابونست و انتظام امور مزبور قریب تمام بعمل آورده جاهد و سعی باشد

(طهران و نواح و خالصیات و ایالات و اجارات و غیره) (اداره حکومت علمانی و در جزین) (اداره حکومت کرمان) (چاپار خانهای راه اندر باجیان) خدمات مزبور را بعهده وزارت دارالانشاء بعهده دبیر الملک محول و مفوض مزجوعه که با کمال تقم را بریزد و بخوبی که در اول مزبور شد رفتار نماید

حاجی علیخان

(وزارت وظایف) (وزارت اوقاف) (اداره حکومت همان) انجام خدمات مسطوره بعهده اعضاد السلطنه است می باید در انتظام و انضاط خدمات مزجوعه سعی و جاهد باشد

(نظم خزانه و ممالک عایدی خزانه) (جمع اوری و جوه مخصوص خزانه اندرون) (وصول مایات و اقساط) (رساندن و خوبان) (وزارت حواله دیوان) (ضرایحانهای ممالک محروسه) (کالسکه خانه) (زبورخانه) (حکومت کلان و جزیر که جزو حکومت است) (بعضی بنای فرما بستی مخصوص) خدمات مزبور بعهده دبیر الملک محول است بسیار کمال اهتمام در انتظام خدمات مزجوعه بعمل آورد

نهر داری هر مبارک) (اداره حکومت مزجوعه) (اداره حکومت غسه) خدمات مفصله بعهده اعضاد وزراء و رساندن اخبار از جانب سنی الجواب مهابون بعهده امین الملک پاشا خان محول است بسیار در خدمات مزجوعه سعی باشد و بعد از این نیز در وفرا مین را بدو و صحیح دستخط مبارک بزم رساند

(ریش سفیدی خلوت) و با استغناء داران سرکاری چون خدمات مزجوعه سابقا نیز بعهده میرزاها شمشان امین خلوت بود که کان بار و مرخص و مرجوع کرد پد

برای انتظام امور وزارتخانه های مفصله که هیچکس موجب تطل امر دیگری در عرض عرایض متعلقه بخود نشود تا بام هفته بزرگ عرض مطالباتها منضم بقسم مفصله بفرمودند که هر یک در روز معلوم شرعا بحضورها بون گردیده مطالبات عرایض متعلقه بخود را در عرض حاضر رسانند و بعد از آنکه انتظام امور دارالخلافه و وزارتخانه بانهاست تعیین وقت برای آنها مناسبست و وقت مزجوعه عرایض خود را خواهند رسانید و کدالک سایر وزراء هم هر یک عرض و مطالبه فوری و فوری داشته باشند در وقت مازون بفرم خواهند بود البته بدون تخلف بسیار همگی از همین قرار رفتار نمایند (شنبه و زجر چنگ) (یکشنبه و زجر علیها) (دوشنبه و زجر ماله) (سه شنبه و زجر دول خارجی و زجر وظایف) (چهارشنبه امین الدوله و ظهر الدوله) (پنجشنبه اعضاد السلطنه و اعضاد الدوله) (جمعه تعطیل خواهد بود) هر روز در دفتر صفر المظفر است



لوان نوضه موکب هاپون درم از نذران عمارات و باغ شهر را دخلدا اشپان افاموش شاه طاب نراه را که واقع در طبقه ساد  
مفره هونده ناصح و زهرمان نذران مرهت نماید و در غرس اتجار و نظیفه افاموش کمال داشته باشد چو این  
الک خواسن لار و ایلخانی ایل جلیل قاجار در ساحل راه های سخت و صعب از نذران اهتمامان کافیه نموده بود و در  
نشریه ان موکب هاپون نیز در منازل سفرمان نذران زخات کشیده بلفج جلیل اعضا الدوله ملقب گردید و محمد علی خان برادر  
مغزی الیه که نیز در اوان نشریه فرمائی موکب هاپون با فضیلت خدمات کرده بود بمنصب سقا از درجه چهارم و خلف  
هاپون نابل که بدین حبیب الله شریف که در کجور و کلاردشت در بعضی منازل دیگر که منعلق با و بود واقع در عرض راه  
خبرپا نذران خدمات نمایان نموده بنشان و جمایل از مرتبه اول سرشوی مغزی کرد بدین حفظه افاموش و نذران مو  
خارج که سبک کارکنان و بیام خارج کلان مامور شده بود و بخوبی از عهد خدمت مرجمه برآمده با اعطای نشان سقا  
از درجه اول و جمایل مخصوصان سرفراز کرد بدین محمد علی خان ساطر باشی بنشان و جمایل از درجه دوم سیرت مغزی آمد

چون جمعی که از طوایف آنکه در درون و حومه و لچه قلعه و اطراف آن که مساحت آن اراضی نهر با شانه دره فرخ و خوش  
مصلح بود در طرز مینشود سکون گرفته و ذوات نموده بودند و بواسطه قرب بکلا شایسته برای نکران الامان که بنشان  
و ناز مرفشد شده و بسبب نور جمعی از برای کلا شایسته خالی از اسب و نهر و شهاب الملک امیر نومان با جمعی از فسون  
ظفر خون و نوجوانه از ارض اظرف مامور شده انجمن اول و منفره نمود و چهار محله که انهارا خراب و منهدم ساخته بود  
هاپون بسبب کرمی هوا و از ریح اول شریف فرمای شکراب و از انجا بشهر نشان نکران اجلا فرمودند و نوار و الا  
حشمه الدوله حکمران بر وجه و عریض بنان منصوب فرمودند و نذران سرادک را برای کل فسون ظفر خون و نذران  
جنگ برادر کردید و دستخط افتاب منظر دین باب شرف صدر یافت که صورتان بنماد و در نیک گاشته میشود

صورت دستخط جهانمطاع ملک

چون هوا به خاطر ما انستک فسون و نظام و نورخانه و نذران منظم بوده و در نهر و در نهر باشد نذران است  
کلیه فسون نظام و غیر نظام و نوجوانه و نورخانه و حیاطخانه کل بران را به نذران سرادک محول فرمودیم با بدکال کل  
و ان شاء الله تعالی در نظم فسون و غیره اول و اصل بنیان نظم فسون را که از کار وانی و نوجوانه و با بدکال آورد انرا بشهر نشان  
که مختصر در این دستخط نوشته میشود

هر کس چنانست و تقصیر در فسون بکند از صاحب منصبان الی احاد و افراد فسون با نمان از خدمت و نذران نمانند الفود  
نسبیه سبب است شوق ابد کن شد و اعراض از تقصیر و نیا بدکرد  
علی نورخانه و حیاطخانه با بدکال مضبوط باشد انشاء الله تعالی  
موجب مرسم و جیره کل سوار و پیاده که از دیوان هم ساله داده میشود تمام و کمال بدون عیب و نقص در وقت

نذران موکب هاپون

محمد میرزا

و موع برساند

لباس و اسلحه فسون همیشگی است و نهر با شد با فضای تابستان و زمستان لباس فسون بدهد که در هر فصلی لباس  
معینی داشته باشد و بهر چه در اسلحه باشد

التفات و منصب از نذران و موکب فسون نهر اخور خدمت نمایان فسون باشد نه بواسطه و راه های دیگر  
ششم شهر ریح الاول ششم

محمد میرزا که یکی با شوق قبل از سفرمان نذران در عمل کشیکانه بسید خلیفه بود محمد با منصب فرمود و مستقل  
و انکار فرمودند حفظه نوز و سرحدات مملکت خراسان چون در جرایم ارتکاب انجمنه با عدل و حکم و اجرای خار و  
و دامغان و شاه رود و سیطام و اسرا بادر و سپستان بیهله که با نهر سبب ساسا و موکول فرمودند و بعد از چند  
روزی جناب مغزی الیه و انجمن مامور شد خود کرد بدین بعضی معادن خوب در این نهر و نیا با دکل و سنان و  
دوای نور پیدا شده میرزا کاظم حلاف معلم علم فزیلیت و شیمی مامور و مشغول تحقیق و انکشاف اراضی باشد و در نهر  
ناخوشی با بر مذکرده و چند روز شد داشته است و همین جهت حضرت مستطاب اجل اعظم و لعل و نذران  
نشریه برده اند روز دهم جمادی الثانیه موکب هاپون از بیلاق مشیران نشریه فرمائی با اختلافه با هر که بدین نهر  
کلیه امور در اختلافه بر عهد افاموش المملکت معوضه موکول فرمودند و بصوابه جناب عظیم جناب علی الدوله  
به بیگلری که در طهران و میرزا عیسی بیگ حرم میرزا موسی را بمقتدی کرمی کل خالصه حیات طهران انتخاب نمودند بسیار  
از اجناس که کرمی برانها بشده میشود و سالی چندین هزار تومان کرمی داشت محض رفاه خلق کرمی انهارا معاف کردند  
نظر بانحداد و نذران بران و در سر این اوقات بعضی نشانها از جانب دولت روس بر حال و نذران و اکابر این دولت  
شد و با اجازه اعظم فسون هاپون قبول و زور بیکر خود نمودند و تفصیل آن از فرار در نذران است

(جناب علاء الدوله سنت اسنا بنسلا از درجه اول) (میرزا عبدالوهاب جان نایب الوزان سنت اسنا بنسلا از درجه اول)  
(محمد میرزا که یکی با شوق سنت اسنا بنسلا از درجه اول) (علیقلی خان رئیس لکر خانة ممالک محروسه سنت اسنا نا از درجه  
دوم) (اناج امیر اطوری) (جعفر قلچان رئیس مدرسه از فسون سنت اسنا بنسلا از درجه دوم) (میرزا جواد خان  
میرزا و نذران و در طهران سنت اسنا بنسلا از درجه دوم) (میرزا صادق خان مباشر امور خارجه در اسرا بادر  
سنت اسنا بنسلا از درجه دوم) (میرزا اسد الله منقر اول و نذران امور خارجه سنت اسنا بنسلا از درجه دوم)  
(میرزا عبدالغفار معلم علم هندسه سنت اسنا بنسلا از درجه دوم) (میرزا کاظم معلم علم طبیعی سنت اسنا بنسلا از درجه دوم) (محمد  
اسمه سلطان وکیل الملک مراد با عملی و محضار مع مجاور اسرا از و مستفلا بحکومت کرمی و بلوچستان معفر آمد و در نهر  
قلچان هر شک فوج ملا بر و لد مغزی الیه در نهر و نوج کرمی نابل کردید حاجی و شید خان که در وزارتخانه خزان خدمت

منظر الدین میرزا

محمد صمیم خان



کرده بود بمصیبت پیشوا از درجه سیم فرین مفاخرت کشت بعد از انصال سیم نکران دولت علیه چون عجاوین  
داخل و خارجه زیاد شده بنواب والا اعضاد السلطنه و نیز حکم فرمودند بکبر ششم دیگر از سرحد بو شهر الی سرحد بلقا  
بر همان نبرهای سابق امتداد دهند چون بکصد و بجاه نفرس باز بک حساب مرزوب والا اعضاد السلطنه از ملا کرمانه  
بمشاق و تپان ذوالفقار خان سرهنگ مهندس و قلیات و فون جدیده از قبیل قلعه سازی و نقاشی و قلعه فوری و غیره  
خاصه و ساحین و کار که عیارشان بخیاره زمین است و انش زدن ان با فوه الکتر بینه نهان با هر شده اند بحد احکم  
شده بکصد فرید بکر از علامه سوزا کرمانه که مشغول در یافت فون و قلیات مسطوره باشند در این بام سیم نکران  
دولت علیه با سیم نکران دولت انگلیس انصال یافت

نظرا اتحاد و پیش علی بن ایران و عثمانی اعلم حضرت سلطان عثمانی این وفات نشان سلطنتی دولت خودشان را که مکل  
بللاس میباشد برهم هدیه مصوب جامی عصمت آندی مین با شش بلی اعلم حضرت شاهنشاهی پادکافر رساندند

این وفات سیم نکران دولت علیه با سیم نکران دولت روس انصال یافت بنده مؤلف که سه سال بود نسبت بنیاب سیم  
سفارت در پاریس مشغول تحصیل بود در ماه رمضان اینسال معاودت بدار الخلافه نمود حکم ای استر اید و انبوا  
والا حاجی کوپورت میرزا ملک امر محبت فرمودند بعضی از آنکه نکره می که در سرحدات خراسان شراوت میکند  
خان سر ندره جزی با فون ظفر غون انهارا نیند و ندره نمودند چون میرزا ابراهیم خان مظفر الدوله سر ندره اول  
نسبت شاد شکره بود او را منصب بر تومانی مخفر فرمودند لطف الله میرزا پیر مرحوم عبدالله میرزا منصب سرهنکی  
فوج ششم سرافراز کرد بدین علی خان برادر مرحوم خانبابا خان سردار منصب سرهنکی فوج سیم بر فرار آمد

شششنبه چهاردهم ذی قعدة الحرام ده ساعت بجاه و سه دقیقه بیست و هشت ثانیه ان شب گذشت فتاب عالمنا بادی بر حوت  
بجل تجویب کرد و سلام خاص در حضور باهرا نور مبارک منعقد شد و در جمیع روز هم نیز سلام عام در نال انسخه نهاد  
بافت خشنهای طلا که برای کینا ما بین ما بین عسکرین علیها السلام حساب الامرها چون ساختند و از هدایا و نقدیست  
که مخصوص ازان ملکوتی صفات مقدس فرموده در ماه ذی قعدة با ما مورث علی رضا خان پیشیند مخلصه (حیا) عضد

اللائق جل بر از عرب شد نواب والا محمد تقی پیرا حکمران ولایت خنده با بلیغ کن الدوله ملقب فرمودند میرزا زکی  
مشغول و نیز سابق همدان به پیشکاری خسته سرافراز شد و در پانزدهم ذی قعدة الحرام موکبها چون بعزم سفر سعادت  
اثر خراسان و ذی قعدة الحرام سرکشی ان مملکت از دار الخلافه با هر بقصر ووشان بنده نقل مکان فرموده و در  
بیشتر سیم روانه مفسد شدند و شرح این سفر خبر پیشا در نکارش و فایع سال بعد با بد میرزا علی پیر مرحوم میرزا  
موسی بو ذار الخلافه و پیشکاری و مخصوص حضرت اجل فخر والا نایب السلطنه دام امیناله العالی مخفر کرد بدین میرزا  
محمد توام الدوله با عطاء منصب و ذار که کانه های مالک محرم و سرافراز آمد علی خان نایب اول اجودینا منصب  
سیرت و ویم میاهمی شد غلام علیخان سر ندره نشان و حجاب سر ندره قریب افتخار کشت حاجی حسینخان شهاب الملک امر نوه

دو پیشیند و حضور  
حاجون سرافراز شد

بکفطعه

بکفطعه نشان امیر تومانی و حجاب مخصوص ان سیرتند کرد بدین میرزا ابراهیم خان نایب و پوزر شخارجه با عطاء و در خند  
اول نشان و حجاب سر ندره و ویم و کفالت تمام خارجه از با بجان سر فراز و ما مورث میرزا محمد علیخان کادپر از اول دولت  
علیه مقیم بندر عسبی با عطاء منصب سر ندره و ویم و نشان و حجاب مخصوص ان سیرتند کرد بدین میرزا معصوم خان کادپر از  
مخصوص دولت علیه مقیم حاجی فرخان با عطاء نشان سر ندره سیم و حجاب مخصوص ان سیرتند کرد بدین میرزا معصوم خان کادپر از  
خارجه نشان ان درجه اول سرهنکی و حجاب مخصوص ان نایب شد سید سلطان محمد ملقب بشاهزاده جهان برادر حکمران  
جزیره کرد که جزیره اینست بک بک آباد کاسک واقع در جنبه فرقه بدربارها چون آمده مفارن اشخاص موکبها چون  
بفر خراسان شرفیاب حضور مبارک و مورد تعقدات ملوکا نکره بده از جانب دولت علیه برای مشارالیه منزل و محار  
منزل معین شد چون امامت حسن علیخان و ذریه بخار و ایلی مخصوص دولت علیه مقیم در پاریس و میرزا سلیمان خان شازده  
و نظرا ان نایب اول و سایر صاحب منصبان سفارتان مملکت طول کشیده بود احضار بدربارها چون شده میرزا بو سفان  
سر ندره که مادام ما مورث حاجی طرخان و نظیرین و بطن بوع مراسم کفالت خود را مشهود نموده بود بمصیبت شازده ذری  
عامور سفارت پاریس کرد بدین و علیخان سر ندره پیر مرحوم حسینخان نظام الدوله که پیشتر بر سیم بنیاب سفارت و بلدان  
و بعد هادر سفارت پاریس مشغول خدمت بود بر سیم کادپر از ذری اول ما مورث امامت نظیرین کرد بدین حاجی حسینخان شازده  
اول که بر سیم بنیاب و مستشاری در سفارت نکره می ما مورث بطن بوع و نیز در سفارت مخصوصه پاریس بعد ها مستشار  
بود بر سیم شازده ذری ما مورث سفارت لندن شد در اوان عینت موکبها چون و امتداد مدت سفر خراسان بنیاب  
شخص اعلم حضرت شاهنشاهی نام ملکه مخصوص حضرت اجل فخر شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه العلیه می باشد

و فایع معظمه که در این سال تمام مرتکبین و افطار غالمواقیع و منافع

کردید است  
انا توفی سنکله دنیا

انقباع دولت تانوفی بعضی را خنی را که در حوالی ان مملکت دولت روس تصرف بود کسر عدد عشون بری و مجری  
و کسورت ظاهری و باطنی با انگلیس بواسطه حجاب ان ابا ان جنوبی که باغی بودند امتداد سیم نکران بحری از نظر بدین

اسپانیا

کوبا

شورش ابلت کاتر و سارا کس ملان فانت پادشاه پرتغال با ملکه

اطریش

ملان فانت اعلم حضرت امیر اطو و اطو در سال س بود که بنیچ ملان فانت اسباب جمال و سوه وطن

عربی



عرب نامه و لشکر بر سر کردید صد آرزو مسیو بن شدن اعلم حضرت امیر طور و داد ایلان ایشان خبر فرمود بر خود ماکس علی بن  
امیر طور مکرک را که بدست چو پریان در کمر ز مکرک بک بقتلید سید ملافا تا اعلم حضرت امیر طور با پادشاه با و بر ملافا تا اعلم  
امیر طور با اعلم حضرت پادشاه پروس و مملکت با و بر و مسافر نش با و بر و لندن

### المکن

دولت جنوری خصوصاً با و بر با پادشاه پروس و مملکت با و بر و مسافر نش با و بر و لندن  
دور در تبرک هم با و بر در این مسئله بخندید و اعلم حضرت پادشاه پروس را بعین مراد اعظمی که عساکر المان اع از دول شمالی و  
جنوبی پشنا سید ملافا تا اعلم حضرت پادشاه پروس با پادشاه ساکن در روزهای تخت پادشاه ساکن افتتاح مجلس پادشاه  
کنند را مسیون شمالی بدست اعلم حضرت پادشاه پروس شخصه با حضور جمع شاه زادگان و بعضی سلاطین و وزیران علم الا  
فرهنا بود که چنین مجلسی از برای هیچیک از سلاطین المان دست نداده بود و المان بوحشت اینکه عباد الوکسان نورک بدست  
بقتلید بالا نشان با و بر و سازش باطنی نمودند و این دو سنی سازش باطنی که سالها مخفی بود آشکار کردید و برای جنگ افروخته  
بافرانکه فریب الظهور میدیدند مدبر عساکر پروردگار ملک و زوال و فتنه و در جنگ بعضی قواعد و قوانین جدید  
بجاء میکنند بعد نفوس و دل شمالی که خود را در تحت سلطنت اعلم حضرت پادشاه پروس قرار داده بودند بقتل کردند و رسیده  
است در هنگام صلح این شخصه که در ضمن باید سپه صمد فرار فرستون مستعد و آماده داشته باشند اعلم حضرت پادشاه پروس  
و دلعهد و مسیو بن مارت صدراعظم مجتهد مائسای اکیو و پستیو و ملافا تا اعلم حضرت پادشاه پروس امیر طور فرانس را سپارید  
اعلم حضرت امیر طور و پروس هنگام مراجعت با و بر که از برین عبور نمودند با اعلم حضرت پادشاه پروس ملافا تا کردند و نفوس را  
کله و شمالی مسیو بن مارت مجمع سنک سوزن مر و در بر نام که نفک او در جنگ ساد و اچانکه مذکور شد سید علی  
فتون پروس بر عساکر اطرش شد در این سال فوت نمود

### انگلیس

بره و فخط و غلا در اغلب شهرهای این مملکت بیبایی و اضطراب حاصل شدن در این فتره ندارد جنگ بدین دولت انگلیس  
بر ضد پادشاه حبشه تا دروس که با وجود شورش و اختلان مملکت مصرم مظاهر با عساکر انگلیس است برای ندارد این جنگ  
معادل ده که در فو همان ایران دولت اسفراخ می کند سپر و بر سپر سپهسالاران فتون است نظر کاران این جنگ از هر جنب  
کمال اشکال را دارد زیرا که حمل و نقل از فو و قورخانه را بواسطه چهارپایان باید حله حبشه نمود و خود اعلم حضرت عبد  
العزيز خان سلطان عثمانی و والی مصر با انگلیس در ایشان

### ایتالیا

عروس و وله داوسته پروم اعلم حضرت پادشاه در سن بیست و دو سالگی از عواج او با یکی از نجبای اهل مملکت

### چین

با وجود صفت علمای مذهبی ایجاد مدرسه بجهت تعلیم و تعلم الشرفین در یک نای تخت

### روس

استغفای پرین دانان از ولای کریم مالک منکرین و دادن حقوق خود با اعلم حضرت امیر طور و پروس بر سر کجا کف  
بلقب صدراعظمی لقب که در نماز دواج دختر کراندن قطنین الکاپیشاه پونان بخت تو ساد زنجارا

### ژاپن

فرستادن برادر طه قون بین پانزده سالگی با جمعی از معان بجهت سفارت در دیار دول فرنگ استغفار مجلس  
سوری میزان مملکت

### عثمانی

بعضی جوانها که از نجبای مملکت بودند و نجبا از ادی خاندانند که اغلب بنا زاد و استخوس کرد و جلای وطن  
داد صدراعظمی عالی نایب و از رتبه خواجه پادشاه مدینه بک اعلم حضرت سلطان که بفرستاد رفته بود چهل روز شد  
شورش سخت هالی شد و جاپان شکارای دولت پونان از آنها مسافر عالی پادشاه صدر اعظم بقتل برای استمک  
با عتبار ساری عیاشا بجهت ندهر با عتبار تقوی بقتل بوی بوالی مصر عبور سفار بن تجار فغانه هر روز شورش  
اهالی بلغارستان و آرام کردید آنها برداشتن در ک عثمانی فتون خود از فله بکار و برهنا

### فرانسه

اعلم حضرت امیر طور و ناپلیون از برای جذب قلوب هالی فرانسه بواسطه خطی که از رجال دولت در مسئله مکرک  
بظهور رسید بود مسو امیل الیوی که یکی از کلای سچی بود بجهت خود استمالت داده و در وزارت ناپولین  
از ادی و زمانه فادراتیاج مجلس پارلمان اعلم حضرت امیر طور در خطبه خود استمالت افوا و کلای ملک ای حفظ  
و حراست خود نمود مملکت فرانسه مطبک با خطا اینکه عباد دولت عبور بنا از عه با پروس شود هفتاد هزار فتون عالی  
بر معکوف حاضر نمود و بعد از جنگ که اطینا حاصل شده خص خانه شد و بقار و صد کلای عتبار و کلای ملت ناپولین  
در فتره مکرک در فتره سال که دولت فتون بکریک فرستاد سید و سید سلطان فرانسه که مثال هفتاد و دو کور و تو ما  
از آن خارج نمیدان برای دولت هر چند مسو طر مخصوصاً با کمال نشدند و فاحش نمک دولت اشکارا استناد  
افتتاح اکیو و پستیو عوامی صنایع در پارین در و داغلیان سلاطین اروپا اعلم حضرت سلطان عثمانی پاریس از برای  
نمایش اکیو و پستیو از سلاطین که بیایند و بیایند با اعلم حضرت پادشاه انگلیس تا پادشاه اسپانیا  
و پادشاه ایتالیا بودند هنگام بودن اعلم حضرت امیر طور و پروس در پارین و مذاق فتون که اعلم حضرت امیر طور  
بجهت تسهیلات سلاطین حاضر پارین که از جمله اعلم حضرت پادشاه پروس بود در حوالی پارین ابتدا قبل از وصول



مشو شخصی از اهل هستان طبایخه بطرف اعلحضرت امیر طود روس حالی میکند بدون اینکه کولر با اعلحضرت معظم بخورد  
 اعلحضرت امیر طور با یون بفرست بمملکت اطریش علت فرج اعلحضرت امیر طور با یون و رفتن ایشان به بسیار یکن  
 از بنادر فرانسه معاجبه شهرت بخاد دولت بطالبا با پروس غلا و شعیران در پا و پس ساها بلاد دیگر و شکایت فرست  
 مردم از دولت را اغلب نفاط دولت فرانسه بواسطه عطف پروس کمال محتررا دارد و در صدد اینست که ایالت لوکسانور  
 که جزو ایالات المان محسوب شد و لیکن سلطنت انجا با پادشاه هلانداست منصرف کرد و در اجرای این عمل در صحت پادشا  
 هلانداست پادشاه هلانداست محسب ظاهر تکیه نموده اما باطن اعلحضرت پادشاه پروس را ازین ماجرا اطلاع میدهد  
 تغییر سخن اعلحضرت پادشاه پروس را ازین مسئله و اتخاذ دول جنوبی شمالی المان بیکدیگر بر صدف فرانسه چنانچه  
 طرف دولت فرانسه و چه از طرف دولت المان علی الخصوص پروس با آخرو بواسطه دولت تکلیف بواسطه انعقاد مجلس  
 مشاوره در لندن که از جمیع دول فرنگ باستقنای اسپانیا مامور در انجا حضور بهم رسانند فرار بر این شد که ایالت  
 لوکسانور که بطرف بود نه جزو فرانسه باشد و نه جزو پروس همان قسم که در تحت سلطنت هلانداست بحال خود بماند  
 لیکن قلعه مستحکم انجا که تهدید بر جد فرانسه میباشد بازمین مساوی کرد و در همین نحو مقرر شد بین دولتین کار  
 بمصالحه انجا پیدا حضار تمام فئون فرانسه از مرکز مارتال بازن که از طرف اعلحضرت امیر طور فرانسه مامور بود  
 که بکند بتواند ماکسی میلین امیر طور مرکز بلژیکان ببارد که از سلطنت اسنفا و مر جیب غیرتک نمایان عهد مامورین  
 خود بر پانده فئون ژانرا از طرف افسر ماکسی میلین را محصور نموده نادرنا بستان او را بدست آورده مقبول معینانند  
 ژانرا بعد از چهار سال و جهل و بجز و عینت با فتح و فیر و زی دارد پای تخت کرده به منفلا بر اینست شعول بکرد

هلاند

وای سخن در اغلب بلاد

یونان

غزایه و کتختیا و اشکارا اهل جزیره قلدی با شورش نسبت بدولت عثمانی مسافر اعلحضرت پادشاه بفرنگ و  
 از دلبش با یکی از شاهزاده خانهای روس

ذایع سال بسنی یک سلطنت نا حد اعلحضرت شاهنشاه صاحبزاد شید  
 تقالی عیال ملک و سلطنت طابو هزار و دویست و شصت  
 و چهار هجرتی ثوقی بل  
 نرجی

ابتدای این سال خبر ما انجا که در شرح خانه سنماضیه مسطور شد موکب فرخنده کوکب هاپون بزم ز بارش ارض

افلاس و مشهده مقدس باز دید ملک و سپه خراسان وحد و دشو را اشامان انفاض فرموده بود توضیح آنکه  
 در پانزدهم ماه بجز سال قبل موکب اعلی از شهر دار الخلافه بفرست و نشان پنه نقله کان کرده و روز بیست و سیم از دست  
 پنه بجز اخوانیون اباد نشرف فرما شدند

حضرت شاهنشاه زاده امجد اکرم و الانایا سلطنت اعلحضرت حکمران دار الخلافه در غیاب موکب هاپون بنیابن کبری مخصوص  
 فرموده جا با فای مشو الماک بو زارت و نظام خزانه و وصول و ایصال مالیات بفرزند وزارت علیه و تجارت و  
 نگرانی های الماک مخصوص فریب و الا اعضاد السلطنه و ذر علوم است و زارت جنگ و نظام عمل نظام  
 با تمام بعهده عزیز خان سردار کل اسناداره خارجه سپرده بمیرزا سعید خان مؤمن الملک و ذر امور خارجه می باشد  
 محمد علیخان و ذر عدلیه است اما مورث هم جهان و ملز مین رکاب علی از فرار د پلا است

نواب مستطاب علیا و خادمان حیر جلالک

(نواب مستطاب مهد علیا و تمام خدمه) (خادمان حیر جلالک و شاهزادگان عظام که ششک لشکر کشش امیر محل ایشان  
 بود و هزار و چهار صد مال از برای بنه ایشان معین شده بود) (نواب علیه غز الدوله با تمام خانه زادان و عیال و خدام)  
 (نواب علیه عصمت الدوله و دروس معیر الماک با اولاد امیر و مستخدمان و خدام ایشان) (حاجی غا پوسف خواجده باشی و  
 تمام خواجدهای حیر از پشوا و سفید) (مهد علیخان غلام بچه باشی و تمام خانه شاکردان و غلام بچه)

شاهزادگان عظام

(ملک منصور میرزا) (سلطان احمد میرزا) (عبدالودوله) (تیمور میرزا پسر مرحوم فرما خرها) (محمد کریمخان پسر مرحوم مهدی میرزا)

وزیرای عظام

(فرخ خان امین الدوله و ذر دیار و در رئیس ملز مین رکاب حضرت نایب هاپون) (انوشیروانخان و انضاد الدوله و ذر  
 و ایالتی قاجار و حکمران و سردار مازندران و اسرا باد و غیره) (حاجی علیخان اعفاد السلطنه و ذر و نظایف) (محمد ناصر خان  
 ظهیر الدوله ایشلیک قاسمی باشی) (میرزا محمد حسین و میر الماک) (پاشا خان امین الملک و کمل مملکت خراسان و غیره)

ایمان و شوقیای غیر

(حاجی میرزا محمد خان دبیر تمام خارجه و ذر و نظایف سابقه) (میرزا نصر الله مستور کانی) (میرزا مصطفی و کمال لشکر) (فانم  
 جارچی باشی) (محمد علیخان شاطر باشی) (عبدالله خان پسر شیخی باشی) (محمد رحیم خان سر نیغی ند) (محمد علی خان صاحب جمع و  
 پیچندت خاصه) (محمد نظر خان) (ابوالحسن خان) (موسی خان و صاف) (محمد فی خان نایب ذر امور خارجه) (رضا علیخان  
 نایب ایشلیک قاسمی) (میرزا طاهر مستور) (علی خان نایب اول شاطر خانه مبارکه) (محمد هاشم نایب جارچی باشی) (محمد حسن خان  
 پسر جارچی باشی) (محمد حسین خان و ندا بضا) (میرزا اسد الله غنچه رسائل) (حاجی میرزا عبداله مشق ایض) (میرزا اسمعیل

سلطنت



مفتی احمد (میرزا محمد حسین رئیس کتاب) (امام علی خان قشیرالدوله) (میرزا سید کاظم مستوفی اصلان)

سرکردهگان

مستوفی خان امیرنومان و کشیکباشی (علیق خان اجودا باشی کل افواج قاهره) (محمد علیخان سرنوب حسام الدوله) (رحم الله خان ساری اصلان) (حاجی حسین خان شهاب الملک امیرنومان) (حاجی میر علی خان سعد الملک) (کاظم خان سرنوب) (الله یار خان سرنوب) (جانی محمد خان سرنوب) (کلیه حسین خان سرنوب امین نظام) (زین العابدین خان سرنوب) (مصر علیخان پرنس) (محمد صادق خان سرنوب) (مصطفی علیخان سرمنک نونجان) (عبد القادر خان) (محمد امانی سرمنک) (حسین علی خان سرنوب برادر سار اصلان)

بوزباشان

(علیق خان) (چندر علیخان) (صادق خان) (ابراهیم خان) (علیق خان) (نصر الله خان) (مصطفی علیخان) (کلیه علیخان) (هاشم خان) (محمد حسین خان) (رضا علیخان)

افواج قاهره

(فوج خاصه) (فوج دوم نصرت) (فوج علی) (نصفه فوج سواد کوه) (فوج امیریه) (موزکا چبان مخصوص)

غلامریشخدهان

(میرزا عبدالله خان غوث) (حاجی محمد علیخان) (ابراهیم خان) (زین العابدین خان) (محمد علیخان حسه) (حاجی ابوالفتح خان) (انابان فاجار هشت نفر) (فتح الله خان) (محمد علیخان) (محمد حسنخان ابنا) (طهاسب علیخان) (حاجی زالیخان) (میرزا) (میرزا حسینعلیخان) (علی محمدخان) (علی آقا) (میرزا اجواد خان شغری)

سواران

(غلامان کشیکخانه مبارکه ششصد نفر) (غلام نصرین چهار صد نفر) (غلام درین کرد و بیست نفر) (سواره نظام دولتش) (غلام ابانلو چهار صد نفر) (سواره شاهسون دویست و شصت نفر) (سواره شاهنوا ابانلو ششصد نفر) (سواره ایلان فرزندین چهار صد نفر)

(علیق خان سرکرده سوار نصرت) (سوک خان) (علیق خان) (ابراهیم آقا) (میرزا حسن سرهنگدار) **فرزانه مبارکه** (فرزینور کخانه کالسکه خانده ساپرا ابو اجمعی فرزند امیرهاون) (امیر دوست محمدخان داماد علیحضرت شاهنشاهی) (دوستعلیخان مقبر الممالک حاکم نبرد و کبلان) (نصر الله خان سرنوب) (فرزانه مبارکه باکبند و بیست نفر) (نور علی) (حاجی عبدالرشیدخان مستوفی فرزند مبارکه) (امامی فرزند از سران و بیست نفر) (غلام کالسکه خانده مبارکه باهشتاد کالسکه) (علی محمد خان مبارکه با بیست و شش) (محمد تقی خانده هابونی) (انامهدی ساعت ساز)

توخانه مبارکه  
با پانزده عماره  
و غیره

سندخانه مبارکه

(حاجی رحیم خان سند و وثا دار) (انام حسن رخدار باشی) (احمد خولیدار سند و نخانه) (استاد عبدالله خا طباشی و خا طان) (علی ان سند و نخانه مبارکه)

پیشخدمت

(میرزا هاشم خان امین خلوت و دیگر تفنگداران خاصه) (حاجی خان اجودان مخصوص و خولیدار صر و چند هابون) (انام علی امین خن) (حاکم ساوه و شاهسون بغدادی غیره) (عبد القلی خان ادب الملک) (محمد علی خان افشار) (میرزا علی خان ناسا اول و زینر و جواهر و منشی حضور هابون) (محمد تقی خان طهرانی) (میرزا مهدی خونی) (الله علیخان پسر مرحوم اعظم الدوله) (انام رضای عکاشا) (محمد حسنخان محقق) (حاجی محمد حسن خان) (علی خان کریمی) (اسدالله خان) (محمد علی خان) (غلام حسین خان مشهور و بیست نفر) (حسین خان پسر امیران) (نصرت الله خان) (محمد حسن خان پسر امین خلوت) (نور محمد خان محصل امور دیوانخانه مبارکه) (رحیم خان پسر مرحوم بیضا الملک) (احمد خان) (وجیه الله میرزا) (ابراهیم خان محمّد) (محمد خان) (محمد باقر خان پسر بیضا الملک) (انام یحییوب حافظ شاکل و دستخط مبارک حضرت ولایت مبارک علیه السلام) (حسن آقا) (انام حسن) (حاجی علیفران خلوت) (انام محمد علی نقیبباشی) (انام عرب) (حاجی میرزا بیک فرزند خلوت) (غلام علیخان دربان خاص هابونی) (پاشا بیک فرزند خلوت)

اطباء

(حکیم باشی طکران فرانسوی) (حاجی آقا بابای ملک الاطباء) (میرزا حسین دکنر) (انام میرزا سید علی) (میرزا عبدالعلی) (میرزا حسینعلی) (میرزا مسیح) (میرزا سید حسین) (میرزا حسین دواسان)

نظارخانه مبارکه

(نورالدهر میرزای نابیناظر) (میرزا علی اکبر شرف کارخانه) (حاجی قاسم شریف دار و ناظم البکاه) (حاجی حسین اشرفباشی) (شرفدار و طبایع)

ابدالخان مبارکه

(انام ابراهیم ابدار باشی و ابدال بیک عمر بیست و نه) (انام ابو صفی شفا باشی) (انام محمد تقی باشی که دوستان پند و بعضی از عمارت هابونی سپرد و باوست) (انام رضای ده باشی و ابدال علی خلوت) (انام حسینعلی) (حاجی حسن) (حاجی بیک) (ابدال اول و بیست نفر)

فخوه خان مبارکه

(حاجی محمدخان فخوه چی باشی و خولیدار کشیکخانه مبارکه) (انام حسن نایب) (فخوه چبان)

تفنگداران مبارکه



اناکشی خان (فهر ماخان) (حاجی فرج خان) (محمد حسن خان) (رضا تلخان) (مصطفی نعل پیک) (حیدر الله پیک) (ابوالقاسم)  
(محمد رفان پیک کلهر) (محمد حسن پیک) (سایر هفتاد نفر)

اصحاب شکار

(مصطفی تلخان) (محمد حسن پیک) (حیدر الله خان) (ابو پیک) (سایر شکارچیان چهل نفر)

اصطبل خاصه

(محمد حسن پیک) (ابراهم خان) (حاجی محمد علی نایب) (نایبان جزو دوازده نفر) (جلو وارد صدف) (مهر خیز)  
(سپه صدف)

فرانشخان مبارک

(حاجی محمد خان حاجی الدوله) (محمد حسن خان) (محمد علی نایب) (شیر محمد پیک)  
(نایب) (پوزباشیان و ده باشیان صدف) (کر بلائی رمضان نایب) (نایبان جزو ده نفر) (فرانشخان)  
(صفه صدف)

منه مؤلف که درین وقت منصب پیشخدمتی خاصه داشته و بالقرام رکاب ظفر انساب همایون سرافراز بود و در بیست  
نیم دیکه شریف با دالین و السعاده والا قبا شریف فرما کرد بدندان خوانون اباد تا شریف اباد و فرسنگ و نیم است و در  
بیست ششم همایون که کفک انهای خاک و در این است نزول اجلال فرمودند از شریف اباد با بون کفک بخیر فرسنگ است  
روز بیست هفتم فتلا فزای خوار مضرب جام کردن احشام معلی کرد بدندان همایون کفک بفتلاق شش فرسخ است و در  
بیست هشتم پاده منزلگاه اردوی همایون بود از فتلاق پیاده سه فرسنگ است پاده نیز از فرای معبر خوار است در این منزل  
مهر اعلی فی طریقت پیشخدمت خاصه و لقب حکیم الممالک کرد بدین راه فتلاق و پاده با پیک و فرمان پیک لوفی شش و ستاد  
بهادر اتمش و بعضی که خدا بان و در پیش سفیدان دیگر از طواغیر که مردی با عرضیه چاکری و پیشکشیته چاک پای مبارک  
مشرق و بعد در شبهه مورد عواطف ملوکانه شدند روز بیست نهم بدین ملک نزول اجلال فرمودند از پاده ناده ملک سه  
فرسنگ است

دو شب عزم محرم الحرام این سال مکه و حضور و شریف فرمای لا محجر کرد بدندان پاده نالا محجر هفت فرسنگ است از پاده  
گذشته اول خاک سمنان می باشد و کلک جید بار لغان همی که مانند خند طبیعی در میان خاک خوار و سمنان واقع  
(بار لغان لغت ترکی می باشد و عبارت از نهرهای عمیق و غیر است که بشیر و از آب سبیل و غیره پدیدار شده باشد) فضا  
لا محجر فری پیک و پنجاه خانوار رعیت دارد

روز دوم محرم مکه و شرفی شهر سمنان شرف و در اوزان فرمود از لا محجر نام سمنان شش فرسخ است شهر سمنان

از بلاد خراسان و جغتای و بیست و نوزده و هوای آن طریقی از سر در ناز دار الحلال فرست خانان سلاشبان فضل شاه  
طالب الله شاه مسجد شاه در این شهر نایز بوده اند که از این شهر بسیار عالی محسوب میشود در بنوخت صیقلان در حجاب  
سپه سالار حاکم سمنان است و انشاء الله تعالی در حرف سبب تبصیل شرح جغرافیای این بلاد نکاشته خواهد شد در کتب  
و چهارم محرم نیز اردوی همایون در سمنان متوقف بود و بعد از آن سمنان اشخاص فرموده و شریف فرمای هوای کرد بدندان  
از سمنان با هوای شش فرسنگ است و بعد ششم محرم از هوای نفضت فرموده و بنوشه ترول اجلال فرمودند از هوای  
بنوشه هفت فرسنگ می باشد در بعضی نواح مسطور است که شهر نوس در صحرای فوشه بوده و روز هفتم از پاده نالا  
مکب همایون کرد بدندان فوشه تا امیر اباد و فرسخ است و در هشتم شهر دامغان بمقدم هجده ششم مبارک که درین کرد بدندان  
بلامغان چهار فرسنگ است و در نهم و دهم و یازدهم بلاد دامغان متوقف فرموده کلمه اردوی که بون سکوه مشغول است  
دری و مفضیات روز ناسوعا و عاشورا بودند و روز یازدهم را ذات ملکوت صفات همایون بنام شای چشمه علی است  
که مسافت آن تا شهر دامغان چهار فرسنگ می باشد شریف فرما کرد بدندان چشمه علی ما پس مغرب و جنوب و در این فصل که در  
بهار است پاده از بیست و یک بار در خانان مغفور النبی الله خلیل النور (محمول شاه) عمارت و بنای عالی در حقیقت  
علی باقی گذاشته اند و ناریج بنا در سینه بکفر اردو و بیست هفده می باشد و چندی قبل جناب سپه سالار حکم همایون  
این بنیه عالی را مرمت نموده حال اچنان نظری ای که بنای جدید است چون این عمارت و مفضوت صلح الامر  
عجل الله تعالی فرجه منی باشد صورت و وقف نامه از این نیز در انجیل مینگارند و همی هذا

صورت و فضاه و بنا عمارت

در جنی که در این نظر ایات والویر حضرت علامت پادشاه علا لک پناه و شاهنشاه کردند و ناکاه فهران الماء  
والظن ظل الله فی الارضین الموقد بنای پادشاه ملک الحیار ابوالنصر فغلی شاه فاجار خلد الله ملکه بفرم شریف و در  
فره او فیکه ما و راه النهران دار الحلال فظهران شرفه کتاکر دیده این مکان دلفر و در نیم خیم خیم ظفر انجام پادشاه  
سندرای صوابهای پادشاهی معلق بدین کرد بدندان در بنی ارم مماثل عمارت ساخته اند که راهروان را از نایب  
افتاب پناه و از پنج راه از یکا باشد و وقف صحیح شرعی نمودند این عمارت و لکن کار فیض انا حضرت حنا  
الامر صلوات الله علیه علی ابان الطاهر بنی سنده را درود و بیست هفده

بالجمله شهر دامغان از شهر هکاتم ابواست و قلعه نزل عالی باشد و شرح جغرافیای آن در حرف دال انشاء الله  
غالی نکاشته خواهد شد روز دوازدهم محرم شریف فرمای فریه مهمان دوست که بدندان دامغان نامهمان در  
نیم فرسنگ است و در سیزدهم فریه ملامضرب خیم سلطنتی کرد بدندان مهمان دوست فاده ملا چهار فرسخ می باشد  
روز چهاردهم ساحه بسطام منزلگاه مکه همایون امدا زده ملا بشاه و چهار فرسنگ و از شاه مرد بسطام از  
بنی فرسنگ قدری بیشتر است شرح جغرافیای بسطام و شاه مرد در حرف باء در جلد اول مرآت البلدان مسطور

مهر زاهدان



شد و بنوقت نواب جهاننور پسران حکومت شاه مرد و در بیستام منصوب شد و پس راه ده مل و بیستام نواب ملک اراک  
 استرآباد و عباسقلخان سزنی که در بجای شرفیاب کجای مبارک شدند روز پانزدهم و شانزدهم موکب علی در بیستام  
 متوقف بود و میرزا سید کاظم شرفیاب صاحب بیستام منصب شوکری سرفراز شد و جلال خان سهام الد و ابوالفتح  
 طایفه شاه لو و خاکر مجبور و نواب با یانصه سوار در بیستام بزبان خاکیهای هابون مشرف کردند و روز هفدهم از بیستام  
 بخبر باد نشرفیاب فرما کرد بپند در بین راه نواب ملک اراک را مرخص فرموده مجامع حکم را که خود با او گشت عیال  
 با اجازه هابون با نواب عزیزی که همراه شد از بیستام تا خرابار سرفراز شد است از آنجا بملاحظه کرد و میان دشت نصف  
 اهالی اردو را فرمودند بر باستان حاجی شهاب الملک امیر تومان بگردن پیشتر از موکب سعود از راه معمول بر روند  
 و از میان دشت بگذرند و نصف پیکر یار دوی هابون که از راه ارمیا عازم است همراه باشند روز هفدهم فریاد مهابان کجا  
 موکب علی بود از خرابار تا در مهابان بیستام است چنانچه در این خبر است عقیده اهالی مکه اینکه حضرت شاه پسر  
 در وسط این چهار مد فونت لهذا از محرم دارند و از شاخ و برگ آن نبرد و عظمت کهنه گمان چنانچه نظر بجای شرفیاب  
 می باشد میان این چهار مد فونت در قدم الا بام سوخته و از اصل سازه در حث جز پوست سطر می نماید است در اینجا پنجاه نفر از  
 و پیش سفیدان طایفه کوکلان بنوسط سهام الدوله شرفیاب خاکیهای مبارک شدند روز نوزدهم شرفیاب فرما میزد  
 مهابی که در بند ناز و مهابان مهابی فرسخ است در مهابی برادران و برادران دادگان ایلخانی چون سبحان قلخان و شرفیاب محمد خان  
 و غیره مجرای هابون بفرستند سایر مردم که در آن شاد و همچنین ده نفر از جوانان ترکمان بجله های درخورد و انعامات  
 نابل که بپدید روز بیستم منزل میان دشت مضرب چناب معلی که در میان مهابی است در دشت پاره از شرفیاب است در  
 میان راه حاجی مصطفی قلخان حاکم کلان که از ارض قدس اعرضه جناب پسر سکار با استقبال موکب هابون می آمدند  
 پای مبارک مشرف سفایان دیوانی زیاده از پنجاه باراب و راهی همایرداشند که در بین راه هجوم اهالی اردو و زوار  
 مسافرن و پیاده که آن می دادند و حکم هابون شد که در منزل میان دشت غوات عدیه احداث نمایند که عابریان از آن  
 دست نداشتند باشند و بیست یکم از میان دشت عبس با دشت بقیه فرما شدند سفر بیخ عبس اباد ماند فریاد  
 واقع استای این طبع نیز در عهد قاجان مغفور شده است در بین راه هر نیم شکار خاصه کور و فاضل از میان دشت عبس  
 اباد شرفیاب است و بیست و دوم استرید مضرب چناب اردوی هابون شد و در بین راه ذات عدلک صفات  
 هابون بقلعه سد راباد که در میان راه واقع است نده بعد از آنجا با شرفیاب فرما شدند از عبس با استرید بخت  
 مستقیم بخبر سنک است که از راه سد راباد زیاده از هفت فرسنگ می باشد استرید جزه پشیا و راست پنجاه خان  
 و بیست و چهارم معده دارد روز بیست و سوم منزل داووزن نزول اجلال فرمودند از استرید بدو روز از راهی که موکب  
 سعود حرکت فرمود شرفیاب است از دوزن اول حال سبزواری است شاهزاده پسر پسران حاکم سبزواری با سوار

سبزواری و پسران و بجای مبارک مشرف شد بیست و چهارم در دوزن اول و در دوزن اول و در دوزن اول و در دوزن اول  
 روز بیست و پنجم از دوزن منزل نوه فرمودند از دوزن نام شرفیاب سنک است و بیست و ششم فریاد سبزواری  
 موکب هابون کرد پلان هزار پید سرفر سنک است و بیست و هفتم سبزواری و پسران قدوم ملوکانه زمین کردید سبزواری  
 جناب پسران حکمران مملکت خراسان و پسران ایلخانی و عفران و اولاد با در خان حاکم دره بخود بوستان هزاره با کرا  
 و سواران خراسانی و ترکمانان سارونی و کنگ و شبر که زیاده از سه هزار نفر بود و موکب علی را استقبال کرد و بزبان  
 و کابا علی مهابی کرد و پند از رسیدن سبزواری بخبر سنک است شرح جغرافیای سبزواری در جلد اول کتاب در حرف باد  
 در لغت به غنی مسطور شد و بجله روز بیست و هشتم و بیست و نهم در لایه سبزواری و اقامت با علمای ایند با خاصه جناب  
 حاجی ملاهادی سبزواری که از اجله حکای اهل سبزواری و مفاد و صفات فرمودند و آثار ضایع کاساسی شرفیاب  
 خاصه (اجودان عضو و خان شرفیاب هابون) حسب الامر عکس از جناب حاجی ملاهادی برداشتند چو جناب حاجی  
 تا اینوقت عمل عکاسی بلدیده بلکه از مخالف قانون و برهین علمیه حکای سلف پدیدند نهایت تعجب شدند و چون از  
 شهر سبزواری برود و هو خرابه پسران بود جناب پسران امر فرمودند که از امر نماید روز غر شهر سبزواری  
 هابون از سبزواری بر طایفه عفران که در سبزواری و ایلخان شرفیاب سنک است در باطن قدیم  
 و بخیر الان اباد است با علی است که حکم حکم شاهنشاهی حاجی مصطفی قلخان نوری را با حکومت سبزواری بنام نموده و  
 نواب و الاحسام السلطنه حکمران خراسان بنمایند علی چا پارخانه و لایه و مهابان و با بنا و پنجاه و پنج  
 اند روز دوم صفران و عفران بزبان اباد توجه فرمودند در بین راه حاجی پسران خان قاجار حاکم پشیا و بجای  
 مبارک مشرف شد از عفرانی تا زمان اباد شرفیاب سنک است و بیست و نهم صفر پشیا بود و در دوزن  
 شهر ریاض رضوان که از بناهای امام و پسران پشیا و پشیا و اول اجلال فرمودند از دوزن اباد به پشیا و چهار  
 فرسنگ است شرح جغرافیای شهر پشیا و در حرف نون با پند روز چهارم و پنجم و ششم و هفتم ماه را در پشیا بود  
 توقف فرمودند علمای این بلد ببارت جمال مهر مثال مبارک فایز کرد بدین مسجد علی که در آن ابنه عالی پشیا نوشت و  
 محتاج بر شد امر علی بن سبزواری شرفیاب صد و بیست و روز هشتم صفران پشیا بود و موکب منصور بقدمگاه شرفیاب فرما  
 کرد پند سبزواری و پنجاه اطراف شرفیاب پشیا بود بقدمگاه بخبر سنک است چون قدمگاه را کندی است سبزواری بکاشی  
 معرفت بناهای سلطان صفوی و باغی متصل یکدیگر با اصف با چنانی مطول که بعضی استیجاز از امر و رکنه و  
 برده اند حکم بن سبزواری آثار نیز فرمودند از قدمگاه شهر شهله قدس و راه است یکی از راه در رود که از پنهان  
 دوه در دو و کلستان و فرقیه میرود و راه پیلان و پشیا و داراشلما کاسک و بیست و یکم راه معمول طرفی و در  
 است که دوزن و کم سبزواری چون راه را ساختند و مخصوصا امثال جناب پسران و غیره که کاسک از آن

سلطان سبزواری



عبور نماید و معر دایمی قوافل و زوار است و خلاصه در چهاردهم صفر شریف فرمایند و نیز یاد شد که از فداگاه ناد بر آباد  
 چهار فرسخ است در روز دهم شریف با در تزیین اجلاس فرمودند از در با دنا شریف با چهار فرسخ است و در پنجم  
 بجای سبزه حضرت فرما شد در این راه در محل موسوم به بینه سلام حضرت شاهنشاهی فراده اجل و الاحلال الله و لسه  
 فرما سبزه های مملکت خراسان و حاجی طباء الدوله و حاجی شریف خان بیکر میک و حاجی میرزا محمد رضای سنوفی با سوار  
 شاهسون افشار و غیره بر رسم استقبال بقبیل کا با علی نایب که در بند و اجازه مراجعت شهر یافتند که پذیرای مفد  
 مبارک باشند از شریف با در نا طرف چهار فرسخ است روز چهاردهم صفر موکب سعود مشهد مقدس و در روز نهم  
 طرف نا شهر مشهد بکفر سنگ و نیم است راه به نهایت صاف و مسطح و کالسه که روی با شل از هنگام اشخاص موکب  
 از طرف نا شهر علی الاضلال در خارج حجابان توپچیان بشلیک توپ مشغول گشتند مستقبلین هر جا از پیاپه  
 و سواره صف کشیده بودند همه جا جمعیت از دهام زباده از جرد و صلاهای شادی و ذکر صلوات بلند بود  
 از آستینای حجابان خارج شهر یاد رسید و از سرایان و ملتزم که با ساز و سمنا شنیده از دروازه در بخت مقدس  
 افواج متوقف ارض اقدس حاضر شده بودند که کابین و اطراف حجابان را اصناف و کسیند بنیت بشهر بود در تقاره خانه  
 حضرت خضرتا را رهنمواختند ناظر بحال و خدام حضرت رضوی با علما و بیدهای زکار و موکبها چون در استقبال کردند  
 در وقت ورود بعضی مطهر محض احترام امام هام و حومت بعزت سیدانام علی حضرتها چون جفته مکمل بالاسر  
 که از علائم خاصه سلطنت ایشان تارک مبارک بر داشتند و هم پیشکش در آستان حضرت رضوی سلام الله علیه نهادیم  
 فرمودند و با کمال ادب و خضوع از سخن شریف گذشتند و داخل در وضو و منوره شدند و بار وقت قلب زیارت خوانند بعد  
 نوازم زیارت و دعای شریف مسجد کوه شاد شریف بیده و لیس رضوی مرحوم مغفور و بعد میرزا عباس پیرنا طاب الله  
 شاه فاضل خوانده از در بالا حجابان سپردن آمده سوار شده از باغات محله مراب گذشتند و از کوهها پویف شریف در درگاه  
 داشتند و در روی معلی در خارج اوله سکنی گرفت و زرا و اعیان داخل شهر منزل نمودند  
 شهر مشهد را حیدان فدائی نیست و از هنگامیکه مفتح حضرت مقدس رضوی شده و در جلیله آبادی نهاده و پیش از آن  
 طوس که مسافت آن نا این شهر چهار فرسخ است آباد بود و چون شرح جغرافیای مشهد مقدس سا بر بلاد و فضیلت و  
 فرای خراسان بر تلبیس حرف نیمی هر یک بجای خود براد میشود درین محل فقط بیکر ابنیه مطهره متعلقه حرم و سخن و در  
 منوره می یازیم و آن از فرار بدست

سخنهای مبارکه

سخن بزرگ که در طرف شمال و پشت سر حضرت واقع است و در بعضی جیشی بصفان که در سمت کیند طلا شد بناها  
 شریف علی وزیر شاه سلطان حسین باقر است نصف بیکر که سمنایوان شاه عباسی است سا بقا مدارس اجل مذت  
 بوده و مرحوم شاه عباس تاق بر سخن افزوده و این سخن را چند است در حجابان بالا و دردی پانین حجابان و در  
 جازار

بیازان بزرگ دردی بیازان بزرگان که از اقبه میرزا فضل الله وزیر نظام است در می شمن قتلکه که در بدرباز و افاضه معروف است  
 حجرات و اذنه در بخت قوافل و تخانی است و اینچنان بناهای آن که با سم و رسم است از بنفر است  
 ایوان طلای نادری که بنای آن از امیر علی شیر است و طلای نادری شاه از این ایوان دردی بدار السپاده و دردی بوجدها  
 میرود و کما بجانده مبارک که در این ایوان است در جنبین این ایوان در کفش کن است یکی کفش کن بالا که بسفا خان و در آن  
 میرود در راهی بکلبه طلای عباسی دارد و دیگری کفش کن پانین بکیند الله و بر دی حجابی که در بد و امر بجای کراس و صند  
 مطهره بوده است منتهی میشود

ایوان شاه عیسی مقابل ایوان طلا است که کاشی کاری آن نهان است اینها دارد و در پشت سر آن محل مدینه ملک تاج است  
 که در آن مدرسه کلبه طلای نادری تازی تازی بنیت میرزا کلبه طلای نادری شاه و الله خاقان خلد اشپان  
 کرده است

مدرسه میرزا جعفر که از بناهای سبب اعالیه و در عهد اوز بیکان ساخته شده است در کتبیر ایوان منبلی از نام شاه  
 سلطان حسین ضبط است و معلوم نیست که مرحوم شاه سلطان حسین معمر یا بنی این بنا بوده  
 (حجره میرزای ناظر) (شما عخان حضرت) (کشتیخانه مؤذن) (مکتب خانه ایام) (کشتیخانه در بانان) (مجلس خانه حضرت)  
 (حجره میرزا حسینعلی وزیر) (کر عادت وزیر نظام) (دار التولیه عند الملک)

سمن حجابان پانین بالای در پانین حجابان تقاره خانه حضرت شاه که مرحوم حاجی قوام الملک ام فوده  
 سفاخانه وسط سخن موسوم بسفاخانه طلا که سنگ با نژاد رعنه در آورده اند و اصل عمارت و طلای آنرا اسمعیل خان  
 طلای در عهد خاقان خلد اشپان ساخته است

سخن جدید که سخن شریف باشد معرفت سخن خاقان که در پانین پای حضرت واقع است اصلان از بناهای خاقان خلد اشپان است  
 کاشی کاری آن که در کمال اینها است از مرحوم میرزا موسی خان و از آاره سنگان قدری از مرحوم معزی الیه و قدری از  
 عبدالباقی نجم باشی و تمام آن از میرزا فضل الله وزیر نظام شده حوض و مطهر از مشا و الیه است آن سخن را چند است  
 دردی مقابل ایوان موسوم بکنز امانده در حجابان پانین دردی بیازان زر که آن دردی بطرف مغرب مرحوم شیخ بهائی عمارت  
 و اذنه در سخن علاوه بر عمارت تخانی و قوافلی که محل وطن طلا با است زان بنفر است

ایوان طلای مبارک که ناصر علی اصل بنای آن از خاقان مغفور و طلای آنرا بر حسب شاهنشاهی حیا مرحوم میرزا جعفر حسین  
 الملک را با هم حکومت خسام السلطنه از منافع ملکی حضرت فیض اثار ساخته است از این ایوان دردی بدار السعاده است  
 در جنبین آن دو کفش کن است که بخود ایوان منتهی میشود  
 (کافخانه و شریف خانه خدام) (سفاخانه کاشی کاری و سطان بنای حاجی میرزا محمد رضای سنوفی است)



مخبر بود که در مقابل حضرت واقع است مسجد کوه شاد است که یکی از بناهای بسیار عالی و معروف است خاصه کاشیهای  
 معروف و غیره آن که بلندیهای بسیار مناز میخوانند بر روی کند و با این بناهای عالی کوه شاد در برابر منبر و منبر کورگان است و نیز  
 در چهار ایوان و شبستان است در میان آن بناها است در ایوان بزرگ در میوه و معروف است بسیار با که مفرح و  
 شاد است در میوه و معروف است در ایوان بزرگ در میوه و معروف است در ایوان بزرگ در میوه و معروف است  
 (ایوان مضمونه با کندی بسیار عالی و دو کلاسه بلند کاشی هنرین ایوان دوازده ضلع و ارتفاع آن بیست و پنج ذرع و نیم  
 طول آن سی و چهار ذرع است ارتفاع کتیبه که در وسط آن واقع است چهل و یک ذرع و قطر پهای ایوان بیست و دو ذرع و ارتفاع هر  
 پناز کلاسه ها چهل یک ذرع است نیز از محسنا این ایوان آنکه از سنگ مرمر است و بیست و یک بنای آن شدالی حال همچو  
 محراب بسیار کشیده)

ایوان سمن حضرت معروف با ایوان دارالسهاده که در مقابل حضرت دارد در جنبین آن دو کشتن است

ایوان شرف (ایوان بزرگ) (شبستانهای اطراف) (محوطه مسجد معروف مسجد پرهزن)

**علائق و احوط**

(سمن بزرگ که طول واقع شده دارالسهاده است که از سمنی مسجد کوه شاد و از سمنی سفالخانه و ایوان طلای نادری مشی  
 میشود از بناهای کوه شاد است) (سمن شرف دارالسهاده است که از بناهای اصفالدوله است پایین پای حضرت واقع است  
 بالای آن محوطه پایین است سمن پایین ایوان طلای نادری (سمن شمالی بویخانه) (میان غرب و شمال سفالخانه و دوازده  
 کلاسه طلای شاه عباسی است) (سمن جنوبی در الحفاظ که سمن بالای آن محرم مطهر است سمن ایوان مسجد کوه شاد این بنا  
 عالی نیز از کوه شاد است این بنا کاری بر اثر انجاسام السلطنه کرده است) (میان شمال و شرق کناجانه حضرت و کتید  
 الله و بر پنهان است این کتیبه قوی اساس که سابقا که با سحر مطهر بود از این بنا الله و بر پنهان است این بنا  
 که در زمان سلطان صفوی ساخته شده و کاشی کاری آن در کمال است (میان شرق و جنوب مدینه عالی حضرت  
 که در این بنا علی رضای مشی همه آنجا نه محفوی ساخته است در حقیقت این مدرسه حال جهات کتیکه آن است در پهلوی  
 آن کتیکه اندام و فوهه خانه و راه رو کتیکه آن معروف است یکسند و یکسند و نیز خوانه مبارکه که در آن دار الحفاظ است) (سمن  
 میان جنوبی مغرب بویخانه و فوهه کلاسه و بویخانه فراتر است که در هر دو از دار الحفاظ است)

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام و الفخر الشافعی است مربع که در وسط اعلا ایان حضرت محمود  
 حضرت امام علیه السلام است چهار دیوار این بنای عالی مقدار از فرار معروف از بناهای اسکندرانست که با دوزی  
 از این زمین به شش این عبور کرده و واقع خاندان عادی مشاهده فرموده سید از این زمین تا اوجی کتیکه از اجناس  
 معلوم نموده که این مکان مدفن یکم از اولاد خانم پیغمبر خواهد شد پس بدوی بخاطر کردارند و بعد از وصوطلب

چهار دیواری حکم در آن مجرب نموده که تاکنون بهمان اسم باقی است هر روز در زمان خلافت که غالباً خراسان و ماوراء  
 النهر بفرسالتت بداشت و مرد و سرخیز و خلافت بود هوای طوس را ملایم حالت و مناسبتت بد و روزی از طوس  
 بان محل رفیع آمد و این بنای منیع را مشاهده نموده از حقیقت آن بجا کشتن حکا کشتن شد باز شش کشتن است منان  
 شخص که از خانواده رسالت و خلفه پیغمبر است و این مکان از برای مدفن من معین شده پس امر نمود که بر آن چهار دیوار  
 عالی بنا کرد و در آنجا دیوار دیگر رفت جسم او را در این محل دفن نمودند از آن پس در زمان خلافت مامون روح پاک و کوه  
 ثابناک امام علیه السلام در فرسنا یاد که هنوز بعضی از محلات شهر مشهد باب فناء مشرب است عالم قدس در  
 مرکز اصل خرابی است مامون الرشید حیدر مطهر را درین کتیکه بجای که بالای سر هارون است بحال سپردند و غیا  
 ان مکان را نوبیای بدید و رضوان کردند چون مقبره هارون در وسط واقع بود لایمی باشد مفرح مطهر منو بالان  
 ان باشد پس صدوقی مبارک بضمی و افسد که وسعت سمن بالا بسیار کرد و نزدیک بدوار کتیکه حرم مقفوشاه  
 عباس صفوی حیدر الله علیه بالای این کتیکه ظاهر با طلا نموده و داخل کتیکه مبارک را در عهد شاهنشاه حجه عالمین  
 پناه مهر ناصدق قائم مقام اندیکاری کرده است کاشی ازاره وسط کتیکه سر کوی چینی سفور است و قسم ساخته  
 شده فنی در کتیکه که خطوط رفیع و اسلمی برجسته دارد و میتوان دعوی کرد که تا امر و زینتی و اصف و صنعتی این  
 دقت نشده است بگر خشتهای سمن سفید است که با خطوط طلا با پایت و احاد پست تر بین بافته اند بجز حقیقی  
 پیوسته خبر این کاشی اعلا از معنی که بالفعل در نواحی مشهد موجود است اصل میشود حرم مطهر از دو سمن یک  
 از سمن پست سر و دیگری از سمن بالای سر و فضای شاه نشین مانند است که اولی مسجد زاننه و ثانی که حرم محمد  
 و طبرستان ساخته است مسجد ایشان موسوم و معروف است از این دو مسجد یکدیگر با همی است اندیکاری از اعیان سفالخان  
 میر خیر بسینا نموده اکنون محل نشین فرآه کلام است ضریح مطهر مربع طول آنست سطح آن از خشتهای بلور مفر و شرف  
 و این ضریح است ضریح اول طلا است که حرم شاه عباس سرجت مکان در سفر یک پیاده باستان ملائک پاستیا آمد  
 بر حسب نفع و مبلغ هفت هزار تومان انجام داده و نامی طویله برای نواده نادر شاه افشار دزدیده و بعد حکم نادر میرزا  
 بجای خود عقی داده اند و طلای کیمشان در حمل و نقل مضمون است حال کیمشان نفره و سمن طلا است  
 دوم فولاد در صحن است که از فرار معروف نادر شاه برای فر خود ساخته بوده است چون چنین ضریحی در این ایام نبود  
 بعد از فوت نادر شاه بسعد در صحن کار فیض آثار رسیده است ضریح سوم فولاد است روی شرفانی ضریح فولاد  
 صحن نفره و بر روی آن صحن طلا استوار کرده اند حرم مطهر را ساخته است در ایوان الحفاظ و در میانه این یادری  
 بویخانه

**در بیان طلا و نقره و مروارید و وضع مطهر**







نظر پارس خد مانت و خوقا نمر حوم مفر فرمودند جمع وزیا و لیجان که ملزمم رکاب مبارک بودند شرف و تالیف  
 نمایند و با خرام هر چه تمام نزد علی که در سخن مفید خود نمر حوم انتخاب کرده دفن کنند و مواظب باشند که چیزی از  
 اموال او نبردند و روز هجدهم در دو پوناخانه مبارک که بعد و احکام دامور ملکی اشتغال داشتند و سالی صالح  
 کرد بچه سر نپ که از سبستان بجزم تقبل استان مبارک آمد بود بنو سبستان به بلالک بجای ای مبارک مشرف  
 کرد بدو حکم بفرمود که در سبستان بفرستد و آنوقت معاینه فرمودند و مفر شد که بدو هائی خانها را که موضع  
 پیشی بود بفرستند و بسبب در بجایهای شهرها معبران از نده سبواناال فرانسوی چهل چرای از مرغ آنهاست  
 امپاز مثل نظره و بخت بود بحضورها بون آورده باغای شاپان نایل کرد بدو مفر شد از چهل چرای را بالاله ها  
 کار مشهک که کمال امپاز را داشتند هم چو آنخانه مبارک که حضرت نمایند روز نوزدهم ابتدا بعضی علمای باریت حال  
 مثال مفید و سبب و مایه شدند بعد ها و سبب را که موت و کولان و غیره که بجزم تقبل عینه علیه آمده بودند  
 جناب ظاهر الدوله باین موضع عظم نایل شدند چون دو ساعت بعد از آنکه مانده شده ذات معدک صفات هابون متوجه  
 زیارت و در وضع منوره شدند و ابتدا بجایخانه مبارک که حضرت و رود فرموده کتابهای خطی عنان و فرمایشهای کرم  
 کر اینها را مطالعه و ملاحظه فرمودند روز بیستم که روز نوزدهم بود از خراسان فرزای در صفحات هرات بسر بردند بنو سبستان  
 طبر و اچر سبستان خانی و برادرش که مدینه بود از خراسان فرزای در صفحات هرات بسر بردند بنو سبستان  
 الدوله در فریاب خاکپای مبارک و موقوفه قضاوت شاهانه کردند بدینچون هوا گرم شده بود رای مبارک چنین افضا فرمود  
 که با معدودی از خواص خدمت به سیلابی گلستان شریف فرستادند تا عظم ملزمین رکاب علی چون امین الدوله و دیگر  
 الملک و معیر الملک و امین الملک و سرکردگان افواج و غیره از این سفر معان شدند و مفر شد عکاسی عکاسی عکاسی  
 محترم و صحیفها و ابیه مفید سبب فرار در روز بیست و دوم شریف فرمای پلانی گلستان شدند از شهر نایبلا و گلستان  
 سفر حج انفرجه چهل خانوار و عینه و رودخانه ای باغات مشجر با صفای دارد باج هوای آن نهایت خوب است  
 روز بیست و ششم از گلستان شهر شهید مقدس معاد و شرفه بودند روز بیست هفتم محمد حسنخان ماموکلان شد  
 در نظام امور سواره هزاره و اسفان احکام محکم شرفضد یافت و پونسخان هزاره و دیگر که مصلحت  
 و در نظری شده در نظام امور سوار و رساندن مواجبت رسواینها و بالان کرده بودند مفر شد و محمدخان  
 هزاره با بل یکی که با هزاره منصوب شد بعد از آن زیارت و وضع منوره مفر شد بیست و هشتم عراض و زاکه  
 از راه الحلافت رسید بود مطالع فرمودند روز بیست و نهم چایاری از اسفان وارد رسید از جمله اخبار این بود که  
 نایب از افغانه در میان طایفه جعفری آمده و شبیه خود را بنیغیر داده و بلبغباشی که از افغانه پیشوایان  
 است مصلحت کرده و مصدر شرارت شده است بران سرحد مکرری و لا بجهان معروض افتاد که حمزه افای مشکور  
 بسیار که از شرارت غفلت نایل فرایا یافت ناخن بسیاری آکشته و یکدیگر را بغارت کرده و بجاک و دم کر خسته

از غرض

از غرضشان بجزر رسانیدند که مرضی شبیه بطاعون در بصره و حمزه و نهر هندی بر و نهمود ما سبارت خشت  
 و بلاغ مردم شده است دفع این آفات را احکام مفیده صادر کرد بدو روز سلخ بزار خواجهر بیع شریف فرستادند (خواج  
 بیع از اخلاص یکیشان مولای شیفان و از افغان او پس فرزند و هرم بن جهان و طاهر بن عبد نفس بوده و از جانبان  
 حضرت در روی عراق و با سبب شکر عرب داشته در جنگ صفین با چهار هزار نفر از وی بکوفه با مداد حضرت رفته و کما  
 جان فشان را نموده فرستاد بفرستد در کنار رودخانه طوسراست) چون مرحوم سلطان فتحعلی خان حیدرآباد شاهی  
 بنزد خواجهر بیع مدفون است فخر خوانده و بفرستد حکم فرمودند و وقت عصر را حبس بارک شد در بنوفا اعتقاد الدوله  
 معروض داشته که مراد ملقب با ایشان بازرگان بسمت آن قلعه ناخن و با نواب ملک و اجنک را با ناخن و جناب حاجی ملا رضا  
 رئیس العلماء در جنگ بدر عهد شهادت فایز کرده و خود ملک را با معدودی در خانه آدینه خان که از غنمه ملکان دولت  
 است مشخص کرده و محمد میرزا شریفی را که در خم کول و شمشیر داشته و چون جمعیت نواب ملک را که در چندین هزار  
 نفر اندیشی برای او شده خاطر مظهر از استماع این خبر آشفته و متوجه دفع غالبه بود که دو ساعت از شب پیش از آنکه  
 از راه الحلافت رسید کرده داد که نواب ملک را تعالی تر کرد و نفرم و ایشان به نبرد خود نواب عظم کشنده شده است این خبر  
 مرتب کرد بدو مع ذلك احکام آکیده در نظم صفات اسرا با دو حد و در جزر و نوبه کامل از طایفه مطروده شرفضد  
 یافت روز نهم و بیع الاول بسان خدام استان مبارک حضرت رضو سلام الله علیه و تعدیل جمع و خروج موقوفه اسنان  
 منبر که و باز بدینجهه کتابخانه پرداختند و اوراق قرآن کریم که بخط میرزا بای سفراست نظر مبارک رسیده مفر فرمودند  
 به جابسیا و نایب و اوراق این قرآن را با باند بجایخانه مبارک که موصول دارند و بوصول انعام سرفراز کردند و در  
 دوم و سیم و بیع الاول و اوقات مبارک مصرف تمام ملکی بود روز چهارم محمد ابراهیمخان مظفر الدوله که مدت زمان  
 مامور عهدت بستان بود و از شهر جدید ناصری که در انصامان بنا کرده اند با سواره و پیاده ابو اجمعی خود بنیقل  
 عینه علیه آمده بجای ای مبارک مشرف خود او و پیشتر مورد مرادم ملوکانه شدند امیر شاعران خان لیر حوم سلطان  
 احمدخان خاگه هرات با عبدالله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علی کدانی و خردا و دیگر طوایف افغان که از راه سبستان  
 طبر ای مظفر الدوله و بجهه شرفیابی استان همان آمده بودند بنو سبستان خراسان و نایب مایه که بدو و مبلغی در این زمان  
 اسفان شهید سرکار اعظم شاهنشاهی بلال و انعام فرمودند و جمعی با بوطیقه و ستمی در احوال و دیگر که در کوا  
 و اسوده نمودند و عزم سیاحت و تفریح سیلابات شاندر با انصیم دادند روز نهم ماه بمطالع نوبه شیفان مرحوم  
 مشغول بودند و میرزا علیخان منشر حضورها بون (جناب امین الملک) محض روز فامداد روی که چون شکوه معلی را که از  
 بدو حرکت و کوبه حضور در دارالطباعه اردو طبع میند بجز حضور مظهر و رسانید مقبول خاطر افغان  
 روز ششم ماه به سیلابات شاندر پیشتر فرستادند از شهر شهیدان بنو سبستان و اکثر آباد و معوره است و نصیر

شاند







از صواب سهام الدوله را و نکند و شب هشتم رفت سحر ای شوغان بسینه مقصوره و آنکه کردند

واسامی نو و سوار گردگان و صاحب منصبان از این فرستادند

(سهام الدوله) عبدالرحمن افغانی سر از قشون مامور (شیخ الدوله) ابر حنیف افغانی (کلیه حنیفان امین نظام و سرگرد نصر) (حسین افغان سر کرده سوار مخصوص) (صفر افغان سرنوب) (زین العابدین خان سرنوب) (صادق خان سرنوب) (عباد الله خان غلام پشیمان) (حسین افغان سرنوب خود سیکلو) (سجاف افغان برادر سهام الدوله) (شیر علی خان پادشاه) (علی افغان پوزباشی غلامان مخصوص) (فراخان سر کرده سوار دره جوی) (محمد خان بیکلر سیکلر هزاره) (خان سوار خان سر کرده هزاره)

سوارهای مامور

از ملزمنین و کابلهای پوز غلامان مخصوص (غلامان نصر) (سواره مهاجر) (سواره در پرن) (سواره اپسانلو) (سواره قورن سیکلو)

از سواره خراسانی (شادلو) (ذغراقلو) (ده جوی) (هزاره) (جونی) (جارجی) (علی خان کرچی پشیمان خاصه پانز با ما مویر حکم طیار می فرودند

روز هشتم موکب فرود از بخیر و در شرف فرمای فرود کردید از بخیر و در فرسنگ است و در نیم از فرود چهار روز و با اجلا فرمودند از فرود تا چهار بیست و چهار فرسنگ می باشد و در چهارده شخص و مضرب و جام می کردید از چهار تا چهارده بخیر فرسنگ است چون یکی از معابر حقیقی ترا که در بسینه عباس آباد و بسطام و غیره میرود از دهنه سخا ص و ازین بسایان فاصله جاجرم و اسفر این است که منتهی بکابل و کلا نفاکشته از دهنه در بسینه پانز هفت و دو با از دهنه اباد و کلن بمیان دشت عباس آباد و با از شیخ مرتضی علی میدان عبور نموده بمغز و کلان و از آنجا بخیر اباد و دهک زیر بسایان میرود حکم همایون شد در تمام آن گذرها از آنجا ها و قطع جات بنا نمائید خاصه رسیده بند و گذر معروف که سحر ای شوغان می آیند یکی موسوی بدشت یکی بر باط عشق و یکی بارمل لوموسوم است در هدهه السلسله بنا کنند و فراتخانه های معبر بسازند و چنانچه نواری در آن قلاع ساکن نمائید تا راه از شواپ بخیر منو ماند و در باز هم موکب علی جاجرم شرف فرمای کردید از چهارده بجای هم هشت فرسنگ است شرح جزئیاتی آن در حرف جیم بیاید پس راه پوزار جیم سر کرده سوار جاجرم و میرزا فتحعلی نایب الحکومه جاجرم و یکصد نفر سوار جاجرم و بیست و یک کابا علی سر بلند کردید بندها و جها نسوز میرزا احاکر شاه رود که در این او ان در نزدین بود در بارناستان همایون مبادرت نموده بنوسط اعناده السلطنه حاجی علی خا که و کالتا پالت شاه رود و بسطام و نزدین و جاجرم داشتند چنانکه همایون شرف شد و در از هم در جاجرم اقامت فرمودند و عطا العرف بر کازان و الخلافة و سایر بلاد رسیده بود

مشغول گردیدند و در ضمن جواب جناب آقای مشغول الملک معلوم فرمود که طریقی معاودت موکب همایون از راه چشمه علی منزل و فرود کرد که است از جانب حکومت و الخلافة بهر حال لازم باشد قبل از رفتن بنهید و سپور سات بر سادت و حاضر نمایند روز سپوز هم از جاجرم بفرمایند و در شرف فرمایند از جاجرم بدره دو فرسخ میباشند و فاصله در فرسنگ اندکتر باز در سلسله کوهها است بلند و سخت که بسینه فرمایند با فاصله درین سمت چند فرسخه و در شرف است که یکی از آن دو کوه بر باروی همایون است موسوم با پور است و در چهاردهم نزدین بمقدم مبارک فرزند کردید بدان دره نزدین هشت فرسنگ است شرح جزئیاتی نزدین در حرف فرعون بیاید در میان راه دره و نزدین چون راه کردید نه و کالسکه نیست مگر در داشتند کالسکه ها را از راه کبابها بکلا نه خج برده منظر حکم باشند و در نزدین مرده فتح و غلبه سپاه منصور که مامورند بهر ترا که بموت و ککلان بودند رسیده معلوم شد مامورین شب اول بشوغان کردید در فرسنگ بخیر و در است فتره روز دوم بر باط عشق که شش فرسنگ شوغان است شب سوم بهار مودلی که هم شش فرسنگ است شب چهارم هفت فرسنگ طی نموده بکابل پوس رسیده شب پنجم نیز هفت فرسنگ طی کرده و از فاصله فرسنگ و فاصله سپان گذارنده در دهنه کرکان منزل کرده اند شب یکم بعد از آغاز مغرب و عشا سوار شده هم در آن تاریکی شب یک چهار فرسنگ جنگل گذارنده وارد صحای کرکان گشته اند عازدی کیند فابوس عبور نموده هنگام نماز صبح با و بد های کرکان نزدیک شده اند (کیند فابوس در کنار رود کرکان و هشت فرسنگی است) اسرا با د واقع و از این بنده فدیها است بنا بر قول معروف فابوس شمس اللعالی حکمرا اسرا با دو مانندان بوده است) خلاصه بعد از نماز صبح نشون ظفر نمون بالاچه های ترا که ناخن و مشغول نهب جلال شدند و تا چهار ساعت و نیم از طلوع اذتاب گذارنده تا بر عویبا اشتعال داشتند بکلی آن مدار محذول و سپاه منصور غلبه کلی یافتند و زباده از هزار اسپرود و بیست هزاره سردار کلا از چند طایفه نوچون و تانار و فان بخیر چهار و او چور زهدید سواران جلال در نشان شده از در بند گذارنده و بنوده رسیده اند روز پنجم موکب همایون در نزدین توقف کرده بسپاحت چمن کاپوش که چینی است بنظر نوچه فرمودند آن کاپوش تا نزدین و فرسنگ است در شمال نزدین واقع صفای این چمن معروف روح ان موصوف هر سو چشمه ساری نمایان و نهری چمن سلسله جباری عیان و از طیور و خر و گوسفند و ماشای اصناف باهین و کلکهای و نکار رنگ طبع و دانشاطی خاص طری مخصوص میخشد و درین چمن دور و در عظیم است که از کوه جاری میشود علاوه بر چشمه سارها روز شانزدهم موکب علی از نزهت بکاشی در نهضت فرمایند پس راه سهام الدوله و شیخ الدوله و سایر سرگردان بر کابا علی پوس شدند و هر شد سواری و سراسر ای که بدست آورده بود ندر معبر ملوکانه حاضر ساخته همگی بعواطف خاصه خسران سر بلند کردید بنده خلاصه در این منزل مفر شکره اعضا الدوله را بحکومت اسرا با د سر از نزدین و نواب جهانسوز میرزا بنیادین جناب ایشان محلا با ستر ابا دور و خوبی اعضا الدوله از منزل خوش پلای از از کوه



هابون حجرت کز به با فوج خاصه یکصد غلام و یکصد نفر از قایق فاجار و یکصد نفر سواره نظام بمفر حکومت وان  
 شوند روز هفدهم بیک در منزلگاه اردوی هابون کرد پلاز کاشی دار به پلا و در سفر سنک است و در هجدهم از پلا و  
 بخوش پلان آنها من فرمودند از پلا و بخوش پلان و چهار فرسنگ است لی موبک هابون از راه در دایه که زیاد بزرده  
 فرسنگ است و پیچیده و در پین راه شکار جو که فرمودند از پلان و بخوش پلان و بخوش پلان و بخوش پلان و بخوش پلان  
 بجای حکومت خود یافت و زوز فرمودم از خوش پلان بکلا نخرج بسطام کشر پنهان شدند از خوش پلان بکلا نخرج چهار  
 فرسنگ است و این محل جدید پلان سهام الدوله و بخوش پلان و بخوش پلان و بخوش پلان و بخوش پلان و بخوش پلان  
 یافت و در بیستم از کلا نخرج بکر مبر و طغر نو و هفتصد نفر کرد پلان کلا نخرج بکر مبر و طغر نو و هفتصد نفر کرد  
 و یکم و بیست و یکم در کمره اقامت فرمودند و اینجا مقر شد که اردوی هابون هفتصد نفر کرد در اسفار کوچک  
 و شکارگاهها همواره در رکاب با علی بوده اند باز در موبک هابون باشند ششم بکر از قرار شیخ ذیل و ولان من حضرت  
 مهملها از راه شام در دوسمان و دامغان بدار الخلافة روانه نشوند ششم بکر که مامور استرا ایدانها اعضضا الدوله  
 بجای ماموریت خود روانه نشوند ملزمین خدمت حضرت مهملها از قرار ذیل است  
 (شاهزاده ملک منصور میرزا) (حاجی رحمان صدوقدار و هالی سند و فغان مبارکه) (حاجب الدوله باجز اعظم اشرافا  
 و سرپرده چبان و فراتخانه و غیره) (مظفر الدوله) (افواج حشم) (نوجوانه) (کالکس خان) (زینب و کخانه و نگاره خانم)  
 محمد پلان حسام الدوله که در تمام مدت سفر ملتزم رکاب با علی بود از اینجا مخرج روانه دار الخلافة شدند و بیست و یکم  
 ابریس بسطام نزول اجلا فرمودند از کمره بابر بیست و یکم سفر فرسخ است و در بیست و چهارم بناش کشر پنهان شدند از ابریس  
 بناش بیخ فرسنگ است و در بیست و یکم شاهکوه مضر بنجام معلی کرد پلاز نا ش شاهکوه چهار فرسخ است شاهکوه  
 دو فرسخ است که یکی شاهکوه علیا و دیگری شاهکوه سفلی می نامند و فاصله میانند و فرسخ بیست و یکم است و در بیست  
 ششم چهارده کلان منرا که اردوی هابون بوز شاهکوه بچهارده کلان شش فرسنگ است در اینجا باغ شاه  
 از باغ بیست که با رخاگان مفعول و طاب الله ترا احداث شده مترل فرمودند این باغ نهایت با روح و صفاد و خنهای صنوبر  
 عظیم الخشک و بلند دارد روز بیست و هفتم در اینجا اطلاق شد زین العابدین خان سرپرده مفر علی خان سرپرده تاشو  
 و عبد القادر خان سرپرده هاجر با سواران خود از اینجا مخرج روانه دار الخلافة شدند و در بیست و ششم حشم علیا  
 کشر پنهان کرد پلا و در پین راه بنماشای چشمه بادخان دامغان توجه فرمودند این چشمه در وسط حصاری واقع و  
 طویل بد رنگ و با عفت و ذوق پائین تر از سطح زمین از آن چشمه جریان دارد چنین بنمایند که آب از او بگریزد  
 عینده مردم اینست که اگر چیزی نامیزی در این چشمه اندازند طوفان شدید در هوا پیدا شود و نادار چشمه قریب آنستند  
 از طوفان آرام نگردد و چهارده کلان نا چشمه علی سفر سنک است شکی که بر حسب داده علیه در هنگام کشر پنهان  
 اردو هابون بخیر اسان مفر شده در وسط حوض چشمه ساخته شود با هنام حسنجان جا که ساخته شده است و در

بیشتر بادخان بواسطه  
 جادویش و این باط باهر  
 فرغ از طوفان میناید  
 و در صدمه طوفان  
 بیست و شش نفر  
 و فنی بود که اوده  
 کردید و این را عوام  
 بنداشته و طغنی  
 مشاد مشرب بکشد  
 اند و شربت داده اند  
 که در وقت چیر پاک  
 در پین چشمه اشد طوفان  
 میناید

بیشتر هم و صلح در چشمه علی اطلاق شد و اینجا دستخطی با امین الدوله شرفصد و در یافت که چون نافو لاد محل مسافتی  
 پیدا است پیشانی نمیدانند که نا فذ عن نما بند سرخنده و یکشنبه را بجای سپوسان مینامند و بنده مؤلف جمالان دستخط مباد  
 بود غره جمادی الاوی شریف فرمای سرخنده شدند از چشمه علی تا سرخنده سفر سنک است و در دوم فولاد محل و مضر  
 مبارکه کرد پلاز سرخنده و نا فولاد محل و در فرسنگ و نیم است فولاد محل از هزار جریب فرسخ معبر است و در سیم منزل خرم  
 توجه فرمودند از فولاد محل بکر مبر و طغر نو و هفتصد نفر کرد پلان کلا نخرج بکر مبر و طغر نو و هفتصد نفر کرد  
 چهارم کشر پنهان شد و در پنجم منزل عربی بنام باغ و مستوفی الممالک رسید از جمله ممرض داشت که ممرض با  
 که در دار الخلافة ممرض کرده بود در ماه ربيع الثاني هفتصد نفر را هلاک نموده و در او خواهر ممرض بودند از جمله ممرض تمام  
 با محاط نهاد است خاطر مبارک منال شده بکاز طولوزان حکیم باشی مخصوص اعلم حضرت هابون و حکیم الممالک فرمودند  
 پس از مراجعت و کبا علی با اسخضار و صوابد بدجنابای مستوفی الممالک و ممرض علیه و زبرد از الخلافة اسبابا حفظ  
 صحت شهر را فراموش کردند از خرد با شتران سفر سنک می باشد روز پنجم کوه سفید نزول اجلا فرمودند و اینجا نا ش  
 یاد دارد و بر و کلان از فرسخ معلوم شد آمدن افواج از سمت سمنان و دار الخلافة بوده از شتران بکوه سفید سفر سنک  
 و نیم راه است و در ششم اردوی هابون ششم و سمنان و جلگه فرسخ کوه اشماض فرمود حاجی فیر علی خان سعد  
 میر فتح و جان محمد خان سرپرده فوج علی از رکاب با علی مخرج روانه دار الخلافة شدند بواسطه نلکرافه فرسخ کوه معلوم شد  
 ممرض با هنوز در دار الخلافة یافت اسمعیل خان خزانة دار نظام بان ممرض در کلا شسته است کوه سفید بشور سنان  
 چهار فرسنگ است و در هفتم تنگه و اش فرمودی معلی کرد پلا و در هشتم و نهم و دهم در تنگه و اش اطلاق شد  
 صاحب با اول سفارشا تکلیب که از ابتدای این سفر خبر سپا اثر ملتزم رکاب با علی بود از اینجا اجازت یافتند دار الخلافة رفت  
 بیخی خان زبال اجودان حضور هابون بیک قطعه نشان و حایلا از در جبر امیر تومان سرافاز کرد پلا فاعلی اشپانی پیشینه خاصه  
 ملقب این حضور ملقب کرد پلا علی خان فاجا پیشینه خاصه شرفیه که حامل خشتهای طلا کیست مظهر امین هابون بکر  
 علیها السلام بود بعد از انجام این ماموریت بکر مبر و طغر نو و در اینجا کجای مبارک شرف و مور در مخرج خاصه لوکانه کرد  
 روز بازم در ممرض پلا و در کشر پنهان کرد پلا و در دهم منزل ارجند و در پین منزل امیرزا علیخان پیشینه و منشی حضور هابون  
 و ناپس اول وزارت خارجه که بر حسب امر علی مشغول نکارش احکام و روزنامه جرات و غیره بود بجلخت هابون مفر کشته  
 و روانه دار الخلافة شدند روز سیزدهم منزل نا شرفیه است و در چهاردهم در چشمه انکار در اینجا یکی از بنات سلطنت  
 کبری ممرض و با شکر کرد پلا و لی محمد الله ناز و زدی که مبرودی و شفا یافت و در پانزدهم بخاک لاریجان توجه فرمودند  
 روز شانزدهم چشمه لای و ماوند بقدم مبارک ممرض کرد پلا و در هفدهم و هجدهم در ماوند اطلاق شدند و اینجا یکی از بنات  
 سلطنت بلخوش و باد و چار شد و لی محمد الله او نیز شفا یافت و روز نوزدهم شمس مبارک اباد و ماوند ممرض فرمودند در پین  
 روز چایاری از دار الخلافة رسید جنابای مستوفی الممالک عراض محمد اسمعیل خان و کبلا الممالک و ممرض علی خان حشم الممالک



ایرانیان و سبستان را بجز و مبارک فرستاده اند از آن برض معلوم شد که فلعه ناد علی که انست و در هم بند و از قلاع محکم است  
 نشون طغرغون بعد از چهار ساعت محاصره و محاربه بفرغ و غلبه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و منصرف شده اند و در  
 بیستم رسان من بحال لواسان نزد اجلال فرمودند و در بیست یکم لبنان و کنار رود جاجر و در محل اردوی هاپون بوکشین  
 بیست و دوم جمادی الاول با لکن و السعاده وارد سلطنت اباد کردند در بین راه بسپار از شاهزادگان و رجال و اعیان بزرگان  
 جالمه مثال مقدمان فرستادند و از روز و روز موکب هاپون بمجده و تبره زو بار و بنمای کند است ناد هم جمادی الثانی دیگر  
 هجرت از اعدایان ماند و روز هم جمادی الثانی در شرف حضور و شان پنه کرد بدند روز پانزدهم شهر مزبور شهر دار الخلافه  
 بمقدم هجرت مقدم تر کرد بدینجا با نای مستوفی الممالک ریزه بر ما شد و در سرفراز و با عطاء ی قلمدان مرصع و جبهه الماس  
 کاز علامان این منصب جلیل است معجز کردید شاهنشاه زاده اعظم و بعهده و لکن علی پسران فرمانفرمای از دیار بجزان الحضا  
 بلاد الخلافه فرمودند هجرت شاهنشاه زاده اعظم پسران الدوله حکمران اصفهان را بیدار و هاپون احضار فرمودند

هم از واقع اینسال آنکه روز و دوم سپید در دار الخلافه آمده بعضی از خانه های بیرون دروازه محمدیه و چند بابخانه نیز در کوفه و کربلا  
 خراب کرد در شاهزاده عبدالعظیم هم خرابی نمود در سرحد هله نیز سیل عظیم آمده است بر زانهران مشیر لشکر اعیان  
 لشکر یاقوت و نیشان سر نپس از درجه اول و جمایل مخصوصان سرفراز آمد میرزا علی اکبر خان اجودان باشی فوجخانه مبارک  
 نیشان و جمایل از درجه سرهنگی معجز کرد بدینجهت از حدیله لشکر نویسی لقب بشیر لشکر شد چون در عراق عرب با خوشی طلوع  
 بر نکرده حکم شد در سرحدات قرنین گذارند که سرانجام اللد محروسه نماید و از آن غراسان از ابعده جناب بظهور آمد  
 و گذار و و کالنان ابات را با امین اللد مقوم فرمودند حاجی میرزا محمد خان بلیغ محمد الملک منصب جلیل عنولی  
 باشکری حضرت امام تامن علیه السلام سرفراز کرد بدینکومت بلوچان بپیر الملک و مهمان و زوکوه و ماوند با امین خلوت  
 و گذار شد پیشکار و حضرت شاهنشاه زاده اعظم و بعهده دولت علیه و کار گذاری مملکت از دیار بجزان و انوار الدوله  
 مقرر فرمودند امین لشکر بجزان و فوج امور مالیاتی و رسیدگی بکارهای نظام مامور از دیار بجزان کرد بدینمحمد رضا خان فرزند  
 پسر محوم به بلخان در افواج نو بجزان همدانی منصب سرهنگی یافت حاجی میرزا بختیاری منشی بکفطعه نشان از درجه اول سرهنگی بلخان  
 ان معجز کرد بدینماه جمادی الاخره دستخطی با فتحار جناب پیر الملک شرف صدور یافت که صوت آن از فرمانروا است

سواد در خط جها نطاع ملک

چون انظام دارا لانشاء دولتی سپرده بلایر الملک است هواره منظور نظر است انخوا انظام اینعل با عظم احکام صادره و بپوش  
 است لهذا حکم پیش از تاریخ جمادی الثانی و ما بعد احکام مکه صادر میشود از قبیل فرمان لقب فرمان منصب  
 فرمان حکومت و فرمان نشان و مواعبت مستمری و غیره و احکام رسیدگی بفرمان و عادی مردم سوای آنچه در دیوانهاست  
 صادر میشود هر دو پیر الملک با بدینویسد و بنظر برساند و بصدور رسد و بعد از آن بهر پلان و ذراتها ان احکام که متعلق

برساند البته همین دستخط را بینه و ذراتخانه ها داده و اطلاع ازین حکم بد همدین شهر جمادی الاخری شد  
 روز چهارم جمادی الاخره در شیراز ابتدا بجیش عروسی حضرت شاهنشاه زاده اجل اعظم و بعهده و لکن علی نمودند و با صلب محوم سرتا  
 ناهفت و ز منوال حسین بود محمد اسمعیل خان و کبیر الملک حکمران کرمان و بلوچستان در اجرای فوائد و اجای از ارضی موافقت  
 جمیله دارد و در باغ نظر کرمان عمارت در کمال خوبی با استحکام بنا نموده است بر زانعی و زهره و الخلافه با عطاء ی بکفطعه عزه الدوله دامت  
 نشان شمال هاپون سرفراز آمد محاسبه دار الخلافه طهران و نواب و بعهده میرزا عباس خان معاون الملک و گذار فرمودند  
 مدرسه دار الفنون از حسن اهتمام نواب و الاعضا د السلطنه انا فانا و در بیست است کتابها که معلین زهره و نایب

کرده اند از فرار و بد است

کینکه میرزا عبدالغفار معلم کل علوم هندسه و ریاضی زهره و نایب کرده (رساله در علم حساب) (علم حساب کامل)  
 (اصول هندسه) (علم مثلثات) (علم نقشه کشی) (علم هجرت جدید) (علم جبر و معادله) (علم جبر و معادله)  
 (علم تیکرانی) (رساله ابعاد بلاد) (رساله در استخراج خط نصف النهار و انحراف) (علم شطرنج)  
 کینکه میرزا کاظم معلم شیمی زهره و نایب کرده (شیمی مطلق و صنعتی و زراعتی و تجزیه جلد اول) (فیزیک) (دو اسازی و غیره)

کینکه میرزا محمود افان معلم علم پیاده زهره و نایب کرده (مشق سراز و مخبران) (مشق باطالان) (کتاب پیر اندازی) (کتاب کالیف  
 سفر جنک) (کتاب غزول) (کتاب جندنا و اخلد) (کتاب جغرافی) میرزا علی و میرزا رضای و کز نیز چند کتاب در علم طب زهره  
 نایب کرده اند

روز شانزدهم جمادی الاخره محمد اسمعیل خان و کبیر الملک حکمران کرمان و بلوچستان داعی خوی را پس از اجابت گفت و سخنان شاه  
 للملک امیر تومان بکوشش کرمان منصوب کرد بدینجا ب سپود و بوند که از جناب دولت فرانسه شیمت زهره بخناری مامور در  
 دولت علیه بود از ابتدای ورود و در حال ابران جمیع شرایط احقر اما در باره جناب عزیزی الیه معمول و روز بیست و یکم  
 جمادی الثانیه بلایر الخلافه با هره عز و وصول یافت فرالله خان سر نپس بنور کخانه با عطاء ی بکفطعه نشان سر نپس و جمایل  
 مخصوصان سرفراز آمد نواب و الاشته الدوله را ب حکومت عربستان و بر وجود منصور فرمودند میرزا اسید حسین

سر رشته دارچا پارخانه مبارکه به پیشکاری شهاب الملک حکمران کرمان برقرار کردید

چون جمعیت آبادی دار الخلافه نهایت رواج و آباد نهاد و شهر کجا پیش جمعیت حاله را ندارد و ای صوابنمای ملوک  
 افضاف فرمود که وسعت مکانی برای اهالی حاصل بدینها مقرر فرمودند که شهر طهران از سمت جنوب و از سمت شمال  
 هزار و هشتصد و از سه جانب دیگر از هر طرف یکمزار ذرع و وسعت هند و کفالتا پسران را بعهده جناب آقای  
 مستوفی الممالک و میرزا عبیدی و زهره دار الخلافه موقوف فرمودند و چند نفر از مهندسان و این مامور تعیین حد و طول

عزیز خان اتابک اعظم  
 از نواب علیه عالم  
 عزه الدوله دامت  
 شوکتها میشود











اعضادالدوله و لشکر اساز فرارند و بای نوبل نوبت بر او نوبت نین شد

حکومت از ندران با عناد الدوله سپر اعضاد الدوله به پیشکاری حاجی میرزا عیسی خان سرنپ نوری (بنای حکومت اسرا با دین علی خان بکلر سیک و کذا شد) (بنای حکومت شام و در بیظام مجد سخنان سپر شرفان و کذا آمد)

**وایع عظیمه که در این سال تمام نقاط سرزمین افطار کرده ارض انفاق افغانه**

**اسپانیا**

شورش در بالنگر ناد نارضای مردم از دولت اخراج نمودن اینرا بملکه همیش خود و شوهر او با تمام سازش با باغبان ضدت سر راهای فسون با ملکه بر زد کینه عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثناء با ملکه ایجاد و تشکیل دولت موفقی برپاست سرانده اهالی اسپانیا در صد این هشتاد و یک وضع دولت را چه بود فرارید هندو درج و نکار کن بکرا از اقوام ملکه سابق بود جمعی از اهالی اسپانیا در حال این هشتاد که پادشاهی از خارج برای خود اشیا بکنند وضع جمهوری با قبول ندانند شناختن دولت تا توفی جمهوری اسپانیا قبول را و بعد از آن شناختن تمام دولت مند رجا این جمهوری را بر ذوق شریک و جزیره کو با منعلق با اسپانیا و همین شورش مقدمه یک جنگ طولانی سخت خون ریزی شد که در ایندیکر خواهم نمود فرار ملکه اینرا بل مملکت فرانسه و پناه یافتن در آن مملکت

**اچریش**

عد دشون تمام ممالک اطرافش در حالت صلح بشصده هزاره فریشت

**افریقا**

مرغش در افتادری سلطان سپید و لاجد با عنکری بعضی بلاد عربی خاصه طایفه ظهیر و عارت اطراف شهرها بر و تر و بای سخت در میان اینطا پند و پرانگنده کردن اینطا پند و

**افغانستان**

منازعه بخارا با امیر شیر علیخان امیر افغانستان و فتح بلخ بدست امیر شیر علیخان

**المان**

کوشش اعلمحضرت پادشاه پروم مسپوینر هارلد صدر اعظم در انفاق و اتحاد دول المان و شناختن انها اعلمحضرت پادشاه پروم و امیر با است خود آفرایشن بمجملو شریکس میزد هب پروم و کستان المان در حشر با حضور اعلمحضرت پادشاه پروم و همه جنگ پروم با فرانسه با کال دفت و سختی در المان دیده شده است چنانچه با نخی کری و ولت انگلیس را مابین پروم و فرانسه که بلکه اخر از ی ازین جنگ فریا الظهور بشود اغلب روزنامه های المان نمی پسندند

**انگلیس**

صدارت دینر ایشلی شورش و انقلاب سخت در ایرلند استعفا ی دینر ایشلی بعد از چند ماه و صدارت کلار سنن و نیس طایفه ولت فتوحات فسون انگلیس بر داری نیبید در حبشه با وجود محاطرات و موانع طبیعی در این نقطه جنگ سخت بود حوالی اگلای پای سخت حبشه پیشتر عساکر انگلیس از بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند تا بالاخره در واسط حمل بودی بیای تخت برده و اچاز ارض فرموده تا درس پارشاه در برین جنگ خود را بدست خود کشت نیبید بر داری بعد ازین فتح لقب سردار نامیده شد اختراع تفنگ و اینجی نوپ ها نری در مملکت انگلیس و قبول کردن دولت این اسلحه را و تقسیم نمودن اینرا بششون خود

**ایتالیا**

از دواج و لیهود با صید و ولد درین موسوم بمبارکرت طغیان کوه انشرفشان اشنا

**پرتوغال**

ضدت مردم با یکدیگر در مسئله اتحاد اسپانیا و پرتوغال و تقویض مملکت اسپانیا با پادشاه پرتوغال

**چین**

فرستادن یکدست از رجال دولت چین عمارت با غلبه بلاد فرنگ بر پاست شخصی نیکو دینان

**دخا نیک**

از دواج و لیهود ایند ولت با دخریاد شاه سود

**روس**

دو چار شدن ابالات شمال بچط و غلا و برود نا خوشی طیفوس در فلاند کشیم تفنگ تر پر عیساکرد و س فتوحات در ترکستان مجار فتح سمرقند بدست ژنرال کفان

**ژاپن**

جنگ و شورش در داخله خیال عامه اینست که مپکا ذکر پادشاه خفنی استبداد و مدخله طیفون مستغلا با مملکت برسد و دستبرد شد در همسها (یعنی بجای مملکت) طلبه هوا خواهان مپکا در هوا خواهان طیفون

**سویس**

طغیان رودخانه ها که از کوه آلپ جو بان دارند طغیان ابد در با چهره ها خرابی غلبا باد بها انقلاب مال و آدم زیاد و رسیدن خسارت مردم زیاد از سر کرده

**عثمانی**



نخله والى من قبله دگر دشا ه خارج شهر بگراد و نصب پلان برادر زاده او بسن چهارده سالگی شود ششخت در  
چهره فندی حرکت یونانها بر ضد عثمانی در حالت دول فرنگ در کار یونان و عثمانی صد و فرمان اعلم حضرت سلطان  
که ولایت عهد خود پیر خد پواست بر خلاف قانون بکر رسم بوده که ارشاد اولاد بخلاف مهر سپیده است

### فرانس

شورش اشکار بعضی از شهر هایدولک عبدالعزیزه سال منبت اسود که اغوا نمودن شورشیان مردم را بوسطه  
وعدنامه و غیره نطقهای سخت و خطبههای خشن در مجلس و کلا از جانب سپو پرتو و لقا و تقسیم نقتک و موسوم  
بشاسپو بشون فرانس با کمال عجله فوت و الفسکه از معارف در گذشتن رسپی معلم معروف علم موسیقی فوت  
بارون متر چلد رتن هفتاد و شش سالگی در عالمی که او با ملک مردم دنیا بود

### مکزیک (ازینگی دینا)

شناختن دولت نا تون دولت جمهوری مکزیک را بر پاست زوار ز

### بنگال (بنای جنوبی)

بنو کم بریزد و بای سخت در این مملکت نماز عید سخت برین پادشاه ایداد گای برین دعای خود در مملکت پر و زلزله سخت در  
پاشر اینسال در اغلب نقاط روی زمین و بواسطه این زلزله در حواله کابریه و شبلی طغیان ایدر با سبب خرابی اغلب  
ایادها و هلاکت مردم کردید

وقایع سال بسینت و بر سلطنت اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خراسان صاحبقران

### خدا لشکر ملک و دولت و طابو سنه هزار

### دو بیست هشتاد و پنج هجری قمری

### شک کی

از ابتدای این سال فرخنده فال ذات پهمال و مثال اعلم حضرتها بون بنجم مکارم و مراد شاهان در باره خاص و عام و رعایا و  
خدام با احسانم منوجه بود علی رضا خان پیشین من خاصه حضورها بون لقب بعضی الملک کردید و نواب الاموال و دوله  
به پیشکاری کارکناری مملکت از با بجان مامور و با عطا و جبهه شمشیر معجز کردید سر در کل غریبان و زپر چیک با عطا  
بکر شنه جابل از دگر و جند اول امیر نوبانی سرافراز آمدن نواب شاهزاده محمد امین پیر نواب حسیب سندی نواب والا اعضا السلطنه  
و زپر علوم بنیاد علی و نو سیرکان نابل مله جناب رضایک و زپر بخار و ولایت عثمانی مامور اقامت در بار علی از اول و رد  
بجان ایران مراسم عزاز و شرایط پیکر و احترام در خوجه اب معز علی بود و بعد از آنکه در روز غره ماه صفر شوهر با حضور  
مبارک کردید و بیست یکم ماه صفر مویکها بون از قصر سلطنت با دعای پیلین فرمود نواب والا احام السلطنه

فرمان

فرمانهای فارس بیکر اسب خاصه با برافروغ جواهر نشان معجز کردیدند کاظم خان سر نوبت منصب فرانسائی گری سرافراز  
امد منعی فلجان فولرافاسی باشی بنویض منصب کشیک باشکری صاهمی شد جیدر فلجان سپهر محوم محمد و فلجان فاجاراد انوار  
دیوانخانه کردید و بخلیفها بون سرافراز گشت حاجی بهاء الدوله به بیکر سیک گری نوبت بر فراد کردید و روز و از دهم بیج  
الثانی لشکر این شهر سنانک نشرفرما کردید روز چهاردهم بیست و نوا شهاض کرده روز بیست یکم از نواب سپاه  
که اول خاک کلا رسناز استنزل اجلال فرمودند و روز بیست دویم دامنه کردید هزار چیم مضر و بیخام معلی کردید  
راه هزار چیم رگه از مسالک معصیه بود حسیب لاجر چنانکه در شرح سنوان سابقه ذکر شد سپهکاستر که مهند سرستاد  
در کمال خوبی ساخته و دروازه از سنگ احداث کرده که از غراب سنجید تا ناست و بطای و فرقه شاهانه و لقب  
خانی سرافراز آمد و بالجه مویکها بون بکلارد گشت نزول اجلال فرمود روز بیست هشتم بیج الثانی از کلا گشت  
بدامنه کردید هزار چیم معاودت نمودند روز بیست نهم نشرفرماهای چمن سپاه پیشه کردید نواب والا اعضا  
السلطنه ذی علوم قطعه ماده نارنجی برای دروازه سنگی فریور بنظم آوردند که در نظر انور ملوکانه نهانست سخن  
افتاد و ان قطعه بیخها در ذیل ثبت میشود

### قطعه نارنج دروازه سنگی من کلا من نواب والا اعضا السلطنه و ذی علوم مختص بنجر

درها بون عهد از ای سترک خرد عادل شهشاه کریم بوالمظفر ناصر الدین شاهزاد کز نظیر شرماد رکنی عظیم  
در کلا بنسخ و نصرت ملوک جریانش شمت کتو بقم امر او جان بخش چون امر مسیح وای و نایبند چون دست کایم  
دید را می سخن چون و اخواه سالکان از خود چون غریب معبر بار یک چون طبع حسود مسکله نار یک چون طبع لایم  
در روز نوبت با چشم عیان صدیخ و افتابا با عظم دیم بر جبالش که پر مرغ خیال در و هادش که رسلا کرم  
دور مردم زین طریقی نظر همچو از با شیطان رجم فاطعان راه در طی طریق خوشتراد پند چون مرد سلیم  
کاروان چندین مسالک کدا کودکانی چندین بر عیشیم ارتفاع قلعه را نا خد است انخفاض دره الله علیهم  
شد زینک ابراه از فرمان سار عیس خند چون شوقم مسکله حکم نهلا از سنگ خا آنکه سنگ خا ک پیشین در سیم  
کنید با سنجین بیاید همچو کشنده زانار قدیم بر فراز ایل بکن و چون در سیر سوره بسیر دیانک و بیم  
کلتی رلکم شکرش بنوی زان خضر و ابر حیم امیریم اینچنین کاری کند عزم ملک خضر و اعظم کند کار و عظیم  
جسد پیر غل نارنج من گفت خدیو صراط المیتیم در هزار دو صد هشتاد و پنج زدرم کلک من از طبع سلیم  
غره جادی اولی کند و ان نواج نور است من لکاه مویکها بون بود روز دهم میدانک نشرفرما شدند  
از اینجا بکل کله که از نواج شهر سنانک است نزول اجلال خواهند فرمود بخلا از نواج انوار کلا از مصفاة و ثمن  
السلطان الملک من خدیو ان اعلی است جلدی احوال حضرت رسول صلی الله علیه و آله میباشد طبع شده و بفروش

هم در این زمان حضرت  
شاهنشاه در معقم  
جلال الدوله حکمران  
خراسان در ان مملکت  
داعی حق و ایدانجا  
گفتند

مهر





مهر و پیمان بنام این طبع خوده اندروز با دم جادی اولی مویک معلی فیض سلطنتنا باد را بمقدم سار و سرین در بود  
 لغوشی و با که چندی بل عجب زوار شهید در دار الخلافه بر ذکر ده و بعد بن خفیف با و شد چون عبداد در بعضی حالات شد خوده  
 مویکها چون پست چها دم ماه بسمت لواسان حرکت فرمود که بعد از چهار شب نوبت در کلند و کفر با ما امر شریفه را کردند  
 شب با دم جادی اولی نیز با پنج ساعت از شب گذشت زلزله شد یک در طهران و کاشان و قم و فرد زکوه شد و روز  
 دم بهین چند سیم نلکراف با هم جا بصوبه عرفین زلزله زلزله بجز در سید که هر وقت زلزله میشد بگرد پیشتر نوبه  
 اکثر زمینها زمین مغشوش میگردد و در صد خانه های فرنگستان بواسطه اسباب مخصوصه سه ساعت پیشتر از نوبت حکم  
 بزلزله بنامند و در شب نیز بود قبل از حرکت کبار من مقدار زلزله حیوانات از دواب و طیور دیگر نیز بعد آمد و بوی مغبغه  
 مثل بوی کبریت شام اغلب مردم میسید که مایه نوح بود چون قوه شام حیوانات زیادتر از انسان است بحمل سبب فرما  
 حیوانات همان بوشه باشکه از اجزای محسوسه وجود زلزله از خاک و فرج زمین بیرون می آید اعطاء  
 السلطنه والده مؤلفه و صلح ریح الاوی حیوانی و السیما اجانب کت



چون وقت وفات اعماد السلطنه بنده مؤلف در کاب نصرنا شتاب ما چون بودم و برادر بزرگه مؤلفه ادیب الملک پسر سناری  
 بود در هر مقام از احوال با خبر بدین واسطه خود چیزی ننکاشتم و موقوف باطلاع اعماد ادیب الملک داشتم و تفصیلا حواله  
 ادا فرمایند که ادیب الملک نوشته و در ذیل ثبت است

تکلیف شاه ادیب الملک

تاریخ رحلت مرحوم حاجی علیان اعماد السلطنه غفر الله له یوم جمع ریح الاوی سنه ۸۰۰ مطابق سال لوی اول و ساعت از روزه  
 گذشت است که در فرجه جاران شملین در خانه جناب امام سید محمد باقر جبارانی بجای باقی پویشته از سن ایشان شصت و سه  
 سال گذشت بود

سلسله احماد از مرحوم علی حسین بن رسول بن عبدالله بن جعفر است که جعفر از هفت پشته واسطه بر کوبلین او زک خان بن  
 خان غول بهرید و تفصیلا احوالات خود می خوان از فرزند است که در کبابه و ضد الصفا و حبیب السیر غیره مسطور است  
 اینکه چگونه شده که در ملاحظه منوطن کردن به و معروف و غیره هستند

در سنه هفتصد پنجاه و هشت بزی ملک که مردی مسلمان و موجد بود بحکم مشیر بن زبیر و در همان سال بزرگ رشک که بحکم فریاد  
 بر فرزند بود از افعال و رحلت نموده و بجای باقی آورده بر وی یک بمقام پدر مر اجعت کرد و در همانجا سبب احکامی کشود و هر چه حرکت  
 بر وی پید در غیر سبب این شد که علاقه در با هم نباشد و اولادش را نوازیست موقوف گشتند و تا زمان جعفر خان که هفت پشته  
 واسطه بر وی پید میسید و غیره منوطن بودند و تا آنکه سلطان سلیمان لشکر محمد داد و با بجان کشید و شاه اسیر

صفوی بزرگوار و جلاله در آن مجاری بر او سپرد و شکستی عظیم خوده بر کردید از آن شکست چنانچه در آن وحشی بی پایان در حال  
 از در بجان بهر سید هر که را قدرش حرکت بود بجای بنوعی فرار نمود و آنکس که قدرش نداشتند رکال زلزله بماند و از جمله جعفر خان  
 راه دار السلطنه فرزند پسر بود و در همانجا نوبت اختیار خوده نامدار و با جلوس نادر شاه در آسمان محظ و غلامی بی پایان  
 محمد پسر جعفر خان لطافت زینت غلامی با کمال استیصال خود را بر امره کشاند و در اخذ دار میسیدند یکی گذشت فرزند استیصال  
 یعنی کثرت مان سبک کردید

همه نوکری سیدین فیاث از مردم در دولت با جاره بعد از آنکه خبر شهادت اقا محمد خان شاه شهید و شوشی بخان مغفول  
 فتح علی شاه طاب الله راه رسیدن شهر از لشکر سید و بمقابل صاحبان شفا فی رسیدند و در آن بین احدای شیخ شریح حاکم  
 که لیسر علی محمد و مدراج علی علی پسران عمل و نقل بان بخارفت میکنند هنگام رفتن شاه شهید بقلعه شوش که محل بارهای  
 سلطنتی را نموده و بلیغ خانی سر فرزان گشته بود بدین جنجال افتاد که در این غلغله اش که امر جهان بانی با صاحبان در کشاکش و  
 خاطر هاشم شورش کرده و پیشکشی نزد مکه هستان روانه نداد و خلاصه کار حکومت و حکمت استیصال و عریضه بیک مضمون  
 با اسم آن در سبکی نکاشته نموده و با پیشکشی نمود و موجود مصحح با حسین پسر محمد رسول ملک که شخص کار دان و با کفایت با  
 استعدا و قابلیت بی بجای مشاجرت ایشان فرستاد و با بار داد که در حول و حوش و وارد و طاعت باشد هر یک را و روز کار گشت  
 و شکست خورد و بجای خود گذارد و آن دیگری که نصرت و خود فتح و ظفر سپید بجای کوسه مصمم و عریضه را تسلیم نمود و پیشکش را  
 تقدیم و جوابی که فرستاد بر اعماد السلطنه همان دو عسکر است میدان مشاجرت نمودند که انا حسین بیکم در نحو آخور با بار داد  
 خاندان مغفول رسانیده و مرابیت و نحو اهی خاک مرا غدر بر شش عرض اخلاص گشته و عریضه پیشکش را تسلیم نمود و معر  
 داشت که اهالی از در بجان خود را رعیت خاندان شهیدی دانند و خطبه خاندانی بنام جهان بانی بنویسند از این تقریر و صد  
 باب عنایت خسرانی بر چهره امید واری خود گشوده کفایت صدقانه فرستاده مضمونی است حکام حکومتها در آن کردید و کافی است  
 او را حکومت سر فرزان کرد و بند و شخص اقا حسین را بعینا بان همانا و بجای آری بر کند و جواب عریضه احمد خان را مرقوم داشتند و علی التام  
 حال باطنی او را ندانند انکاشند و در این بین و لشکر بنای مجاریه گذاشتند و چیزی نگذشت که اردو صاحبان شکست خورده  
 و اقا حسین مندم خود را انجام داده با بیل علم بمقام خود را اجعت کرد و جواب عریضه را رسانید و همان عرض و خدمت صادقانه  
 اقا حسین اسباب نوکری جا و دانه او با بنی و ولایت بدینا که هنگام ماموریت به عهد مغفول عباس پسر نایب السلطنه  
 الله شاه بحکومت از در بجان محض اقا حسین را خاندان مغفول سپرد که بمشارالیه جناب عنایت فرمایند میدان و نایب  
 با در بجان و بجهت بر و اقا حسین را احضار نمود و عنایتها فرمود از شدت خدمت دانت کار اقا حسین بجای رسید محل  
 و ثوق نایب السلطنه کرد و در در حضرت سمع ملازم یافت و اکثر صلوات و امانت اموال مورد و والد محمد شامیر  
 حلال النور که حبیب پسر ناصر خان قاجار بیکر بیک طهران بود با اقا حسین سپرد که کشت روزگار در بهانت واسوگی و فراغت



مبک نشد چندی بدین منوال در شهر با میرزا در ماضی محمد شاه طاب نراه بجو من مراضه بر فرار کرد بد حضرت و بعد جردان  
 حسین را بمقتضای و بان و امانت بخدا شاه مرحوم مامور فرمودند و روانه بر اعرک گردانان اوقات عاجی علیان اعتماد السلطنه  
 سانه بوقلام بجای مخصوص شاه میرزا در سرفرازی حاصل نمود بعد از نیز در شد بمنصب پیشین یعنی مغفرت گشت بعد از مصالحت بارون  
 در حضرت نایب السلطنه میرزا فاضل حسین را بانای خدمات بر پیشخدمت باشی کوی شاه میرزا محمد شاه مغفرت گردانید و اعتماد  
 السلطنه در حضرت بدین باب بد و مخصوص گشت و بعد از دو سال در صلح از سفر کرمان و خراسان اعتماد السلطنه بمصوب  
 صند فداوی سپید در سرفرازی شاهنشاهی میرزا علی قاری کارش از صند فداوی با کار کشید و اعتمادات و نظامات آن در کویان  
 با و محول کرد بدینا آنکه بعد از فوت حضرت نایب السلطنه معقول در ارض اندر شاهنشاهی میرزا علی قاری و بعد از آنکه  
 رسوم نغزین حکم خانان مغفور بدار الحکله احضار و بجای بی روی بجهت بر نرسیدند و از طهران با بد با بجان نرسیدند و در  
 و چندی گذشت که خبر فوت خانان مغفور فاضل شاه از اصفهان با در ایلیان رسید و در کار طریقه دیگر کرد بد در آتوق نواب  
 و بعد از محامد خاندان آن ملک پرورد گشتند و بمناسبت او در معارفه با طاعت بنای نغزین شد بد مناسب شد و خواستد اسر  
 نظارت و خواندند او را به شخصی رجوع فرمایند که قابل و مستعد و صادق و معتدل باشد لهذا شاه میرزا در این منصب خردمند و امض  
 با امانت و صداقت اعتمادات السلطنه را فتنه محض حفظ وجود مسعودی خدمت خواندند او را بد و معوض گشت پس از فرار داد ها و شیو  
 العالی و لو که نام از در با بجان نرسیدند و در معارفه با طاعت بنای نغزین شد بد مناسب شد و خواستد اسر  
 السلطنه از امر سلطان بلقیس خان فریاد حاصل نمود و بعلا و محکوم گشتان بلوکات و وجوهات دار الحکله طهران را نیز نرسیدند  
 کا و خانه مبارکه با و معوض فرمودند و همان اوقاتا فاضل حسین بجای گشتان رفت  
 چندی بعد از خدمت نظارت معاف شد با نواب شریک کوی والد شاه مرحوم بیکه معطر شرفیاب حاصل نموده و مرا حجاب از انجاد  
 از با بجان سر استان نواب مستطاب قیام کرد و در مهند ناصر الدین میرزا نهاد و در رکاب عدلیا دار الحکله آمد شرفیاب حصول  
 هابون کرد بد بر احم خردی سرفرازی شد تا آنکه شاهنشاهی میرزا در این دوران در گذشت و از اقباب وجود مسعودی اعلم حضرت فدا  
 ندرن شاهنشاهی حجابی نایب ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه ملک ایران ضیاء افرا گشت و نظر بایام فرزند امور کلان شد  
 معجز بر روی گشت نواب علیه عالمه عدلیا طایفه شاه را که دران و فخری و فخری امور ملک میرزا خدایا اعتماد السلطنه را بجهت  
 حکومت اشقام اولاد مامور فرمودند بانند زمانه امورا بخار بر شته اشقام گشاینده و مالیات را بوصول رسانیده بران شرفیاب  
 موکب معوض بفرسلطنت با انجام خدمت از چلان مراد گشته شرفیاب حاصل نمود و در مراسم خردی سرفرازی آمد و زمان مسعودی  
 علیان نوابان شاهان بلقیس خان حاجب الدوله کی مغفرت سناز کرد بد و فراتحانه مبارکه و سر ایبار خانه و ختام خانه و مهمانان و مهمانان  
 با قات و خالصا بنگه عمارات و این بدولتی بود سپرده با و گشت امور قشرباشی سفرای دوله را در وجه تحصیل وجوهی که سالها نرسیدند  
 اندرون برده میشدند و در میان این دولتی جمیع مالک محرم سه حکومت خوار نیز با و گذار شده و گشت بفرمان و کب هابون

دوره السلطنه فرزند حکم دولت در دو راه و بازو بعلا و حکومت در کلاشا نامادام نونف و کب هابون در اصفهان اعتماد السلطنه حضرت شد و در  
 که ملا بشعلی نام که بران خلفای میرزا علی محمد باب ملعون با جمعی از مریدان در خانه حاجی سلیمان خان پسر بی بی خان شریعی علی آراشه  
 آسب وجود هابون را با یکدیگر بپیمان بستند تا روز یکشنبه بیست هشتم شهر شوال همان سال چنانکه در جلد دوم کتاب مرآت اللیلان  
 مسطور شد ساعده هابله روداد و اعتماد السلطنه ثقیبه آنقا فقه مطر و دراد و بشکاه افندس معهود شد فریب هشتاد نفر از آن  
 سلسله جنبید و بجهت دین و دولت سبزی خود رسانید

در سنه هزار و هشتاد و پنج از صاحب الدوله که عزول گشت اما زمان گذشت که عرض حساب این حضور در شهر بارون گشت که زیاده از سر کرد  
 و حساب صادفان را شریک با اعتبار دیگر گشت تا حکام حرکت و کب هابون بفرستند از سلطانیه امر و مقرر شد که ملزم رکاب نظر لاشا  
 کرد در بآوردیم شهر نغزین الحرام همان سمرقند بیضا الملکی و حکمران خود سنان سرفرازی کرد بد و بخش فرما شد خود را بفر حکمرانی گشتند  
 نکل شد که کتاب عنایت خردی و شریک سبزه انکار کرد بد و لرستان و نغزین را بضمیمه بان عربستان فرموده و میرزا علی قاری رسید و علاه بان  
 آن سه کلافت بمنصب بفرموده و سرفرازی کرد بد و بفرستاد و جمیع خصوصان فرینامینان آمدند چندی منوال در اصفهان و مشغول خدمت بود  
 تا آنکه بجزایم احضار و در بار معتمدان شد و بمنصب نارت جلیل علیه اعظم و اعتماد السلطنه و خطاب جنایی و در جرد و فدا  
 دارا الشولی گیری در رشته بر نرسیدند و بد و در کال افتاد درین شغل جلیل حکمران خود و بر این چندین معاصی دولتی از این شغل بجا  
 و بیکه منگلیا بجان و خوشنای مامور شد و چنگ نکل شد که احضار بدار الحکله گشته از این شغل نیز معاف و بوزارت و نظایف و عارفان امور  
 سرفرازی فرمودند و بعلا و حکومت شاه مرد و بسطام و سمنان و دامغان و نرسیدند نیز در اداره او بود و در این وقتا درت و نظایف  
 اوقات باقی بودند تا جهان فانی را وداع کرده و درو بجای رفتی آوردند

امینا از اینکه در این دولت ابد این استانشان غثال هابون (فشان و جمایل از درجه اول امیرنومانی) (اکتشری و جاه  
 نکلن الماس) (فر مریح) (کل کمر مریح) (عصای مریح)

بناهای بیکه حکم هابون بسلیقه وسیع و اهتمام ایشان با انجام و اتمام و سپیده از اینقرالنت  
 زند و دون همی کین حضرت عبدالعظیم علیه النجیه و العظیم است بکر کار و خاتجک صنایع در میان ریس و کاغذ سازی  
 و شکر بزی مانند و فانت بکی بنای سبزه میدان در حوالی ارك هابون است بکر عمارت حیدرآباد بنای هشتاد و نرسیدند و  
 که نمونه از خلد برین میباشد بکر عمارت با بکر است بکر عمارت خردی است که الحال موزه مبارکه است بکر در باجه صفا  
 باغ گلستان است بکر جام چهار حوض اند و فنت بکر چنان بان اولک مبارک گشته حالا بفرستاده است بکر عمارت مبارکه  
 سلطنت آباد است بکر عمارت سناوران که محل پلانی سلطنت است بکر قصر دوستان پتد است بکر بفرمان و نغزین است بکر  
 عمارت اندون است بکر سراز خانه های دار الحکله و سایر عمالک محرم سناوران و سراز خانه های دم هر دو وازه است بکر  
 تعمیر عمارت والا فابوی دار السلطنه اصفهان است

دیگر از این باغ است  
گلستان



امپان از شاهای و ننی از فرشتهای آحاد ناس از تصرفات او ستم که نشان از برای کلاه و اسلحه لباس بیکجا عده بجهت آنها از نیک

داد و همچنین فرارش سواره باین فاعده که الان هست از مخزعات او است

چهار نفر او که داشت سه دکور و یک ناث هر یک از یک زوج اولاد بزرگتر عبدالمطعمان ادبیا الملک است که مادرش صفتیه

ملک احمد از علمای مراغه که مسیحی با الدعوه معروف بود پسر مانی عبدالمحسن خان سرحدک فوج خلخال که مادرش از سادات

مزند بود پسر کوچک محمد حسن خان صنیع الدوله است که مادرش صفتیه رضا فلجان فخر که از اولاد مصطفی خان فاجار خوانلو

برادر شاه شهید فاجار شاه فاجار است

شرح احوال ادب الملک تاریخ تولدش در نیم شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۴۳ در سال اول جلوس شاهنشاهی در عهد شاه طاهر شاه اعداد السلطنه

اوران مراغه بدار الخلافه احضار نمود و در خدمت پسر مشغول تحصیل ادب از فنون عجم و عرب بود در اعداد اندرون بحضور

مبارک شاهنشاه میر و شرفیاب بالطاق و اعطای ملوکانه کامیاب به پند نامی بلام بچگی سرافراز گردید و سال اندر از پسر

و در حضور مبارک خندان منمو نامی اعلام بچگی سر آمد و از اندر پسر آمد بمنصب شیخ منی سرافراز گشت بعد از سنه ۱۲۵۱

تقاربت پدر پسر امپان آمد هم در آن اوقات آقا حسین خاوا اهل بلایق بود بجهت ناسان کاری هوای کاشان بمر احضار حکومت

انسانا استعفا نمود و استعفا او مقبول شده ادب الملک بجای او مامور فرمودند بعد از رفتن اعداد السلطنه بیکه معظمه حسب الامر

میر و موافق فرمان مبارک در سنه ۱۲۵۲ به پیشین من باشکری حضرت ولیم هدیکردن همد مقرر شد و هم جا ملزم رکابت از هر چه معتبر

بعد از آنکه حضرت ولیم هدیکر سلطنت مسخر شد از پیشین متها محرم مخصوص بود و چون میل او را با او باب کمال دیدند در سنه ۱۲۵۲

اولیاد الملک بر کردند که عمر بصر جمع ادب او شعر با ماسارالیه باشد با نجله اعداد السلطنه در هر شکل و منصب حکومت بود ادب الملک

او را و کالت معاونت بنا بینه خود و در آن اوقات که در ایام بخار فشرقیان نشان با اعداد السلطنه میبود ادب الملک بجهت وصول صدقات

فرماندهای حضرت امپان باقی بر قرار بود تا هم مقام مامور آذربایجان گردید در آن سفر جهات بزرگ با انجام رسانیده و در حکومت لرستان و بجناری و لرستان

سکنت بهم مدتی از جانب پسر و کالت انسانان داشت اوقاتیکه اعداد السلطنه وزیر عدلیه بود در سنه موافق دستخط اعداد السلطنه بنایند و در عدلیه

شغل با خوشی بود در نهان فرمایشی بکری منمو و جمیع مطالبی بر عرض هر ساند و جواب بکرفت و کمال افتد او را در این شغل و کار داشت در سنه حکومت سرافراز شد

ادب السلطنه الملک در آن سفر هم امپان با و عنایت کرد بدین فو اعداد السلطنه اعلم حضرت اقدس هابو محض استعدا و قابلیت خوش و ملاحظه نمودند

پدرش در سنه بوزارت و ظایف و اوفات بر فرار و خدمات و وضع اشقامش در حضرت شهریار رسیدند به آمد

و بعد از چندی بملاحظه مصالح امور مملکتی از وزارت و ظایف و اوفات معاف شده و در سنه ۱۲۵۷ بحکومت

کلپا بکان و خونسار بر فرار کردید و چندی نگذشت که از این شغل استعفا نموده در سنه ۱۲۵۹ بحکومت

همنان و دامغان مقرر گردیده و در آن سال کراتی انولایت راجیان بر شنید اشقام کشید

که موجب خوشنودی خاطر مظهر مبارک گردید و در سنه ۱۲۶۳ بحکومت و سواد و وزیر شد فرما

و بعد از چندی احضار بدبار معد لندار شد و چندی نگذشت که در بواقعا نه عدلیه جمعی از وزران عظام

صورت مرسوم اعداد السلطنه حاجی علیخان غفر الله له



اورباب



جلسه عزیزی تشکیل یافت و ادب و ادب الملک در آن مجلس از جانب سنی الجواب مدبر و در جمع امور و پوختن مشاغل  
 و مشیرو و تمام عرابی و مطالب متوسط او برضیها چون برسد و کلیه احکام بدست او صادر و بکر بدین  
 انقضای آن مجلس حال باز در کباب مشغول خدمات حضور و اناب ظهور است و منشا اختصاص دارد  
 امینا زانکه در این عهد دولت ابدی با و مرحت شده علاوه بر خلعت و نون پوشهای بدن مبارک  
 ( نشان مرتبه اول سر نیمی با جابل مخصوص آن ) ( نشان مرتبه سیم سر نیمی  
 حامل آن ) ( کحل کمر مرصع ) ( قله مرصع ) ( ساعت قاب طلای ) ( نشان مدال قرن سلطنت )  
 ( خطاب عمده الامراء العظامی )

در سلسله سنی الجواب در فصل احوال او در جلد دوم کتاب مرثا البلدان ذکر شده است  
 پس که چکر مرصع اعتماد السلطنه محمد حسنخان صنیع الدوله است که تفصیل احوالات او در کتاب  
 مرثا البلدان گاه و حقه ذکر شده است امینی امیر الامراء العظام عبدالوله که چندین بیل بکف طعه نشان  
 ابرو نومان مقرر کرد بدینجه که ای کلان منصوب املاصرت لجان نایب الحاکم و محسنه بلیغ محمد الملک سرفراز شد مرثا شیع  
 منشی و زارن خارج را عطا بکف طعه نشان سر هندی از درجه اول با حاملان قرین مقارن نامه و یک هم چون روز و چون  
 چون هوای دار الخلافه رو با اعتدال نهاد از میلانی تشریف فرمای شهر ناصری کرد بدین نظر بر این شهر فایات در مراسم قابل حضرت  
 شاهنشاهزاده امجد الفخر و الانای السلطنه دام اجاله العالی ایشان را بمنصب جلبد و لقب بیل سر در کاشیون سرفراز و با  
 بکوب سرداری و در مردار بد شمس مرصع و یک بفضله شمشیر کلان الماس و فیای ذری میا فرمودند و نوار ای الاحتمار الدوله  
 بنیاب اول و زارن جنگ و مرابین در انشا فی و انشام امور لشکر ما مور و بکوب سرداری و شمس مرصع مقرر کرد بدین امارت  
 و با است فریاد مبارک که رامز بد سپهر شاعرا اغضاد الدوله فرموده بکوب سرداری و شمس مرصع معزی البی فریاد انشا  
 آمد و خان خانان پسر اغضاد الدوله بمنصب نظارت و خواندانی خلعت هم چون درجه اختصاص یافت جناب پسر زانکه  
 دبیر الملک بمنصب نولیا شوکی حضرت رضوی سلام الله علیه سرفراز آمد علیه ضا خان عضد الملک بمنصب نشان در  
 آثار درجه افتخار یافت عبدالرحمن خان ادیب الملک بخصیله نصابه بمنصب جلبد و وزارت و وظایف و اوفای مقرر کرد بدین  
 الدوله حاجی محمد خان حکوم فریادین و خلعت هم چون سرفراز شد و سجد ملک سر لدا که ان باهای قار و درین جفر بیل  
 این بیکار بنای سلجوقی است سبب الامرا با تمام حاجی شهاب الملک حکمران که مان تعمیر شده است همچنین حوض خانرا که اب  
 انار پست خاض در واه خوا سان از طرف که مان مرتبه کرده انقدر رسیده بر ابر اعلا در که مان بجهت نالانده جناب حاجی  
 جواد بجهت که ای از نو ساخته اند بر نایب اسپهبدین و غیر که مان بمنصب بیل و خلعت هم چون نایل شده روز هشتم  
 شاکر مان مدد مبارک که دار الفنون و انشام فرموده مرثا بفرقیات هر یک شهنشاهی و باغامات شاهانه سرفراز کرد بدین  
 این اوقات فراد جدیدی در فرشتون ظفر نون دادند که مینی بر و دفتره است شرح ان فراد بدین است

انوشیروان



فقره اول

۹۵

دایه الشاری اقدس هابون العلی حضرت شاهنشاهی اظم اهد سلطانة از انجا که همیشه بر اصلاح احوال کسوت و لشکر و بر فراری فواید  
 در سوی مشغول و مصر و فنیک هر روز با عیش و بازی و نریختن این مفسد و عده و بزرگ باشند لهذا در این اوقات که انستقا  
 سردار کل سابق عزت خان را از خدمت نظام بر در پیشگاه اقدس لوکانه خود نشان بفرمودند و مفرود فرمودند و خواستند  
 فریادهای ناز و شانه در کلبه امور عساکر حضرت ماثردولک ابدان مفرود فرموده باشند که بدان واسطه منظور از علمیه  
 حضرت نانه بطور اکل و طرز اجمل صورت ظهور بهر ساند بآستانه اخبار کل کشور و موقع نیک و جلیل سرداری کل را  
 بشاهنشاهی داده اعظم کاران مهربانانای سلطنته و مقام بلند و ضعیف بنای کلبه و کارگذاری بالاستقلال ایشان را  
 عیثه الدوله حمزه مهربان و امارت نوجوانه مبارکه و درونی و فنی امور و مهمان عظیمه ترا کاملاً با غنصاً الدوله و مهمان نوری  
 و جیباخانه مبارکه را دعوا بعباده الدوله و آس و ملبوس اعلی علیخان اجدان باشی و خزانه داری و نظام را جمیعاً بر نهان شاهنشاهی  
 امین خلوت رجوع و تحول فرمودند و احکام و اوامر علیه پادشاهی در نفیض هر یک از مشاعر و خطب و عظیمه علیه مهربانان ایشان  
 شرف صد و ریافت علاوه بر فرارهای نریخته دایه نور اقدس هابون افضای این فرموده عساکر مضبوط و لنگ علیه منتسب  
 بشش اید و شوند که مهربانان را در و هادر محل مقرر که بر حسب افضای داده سینه هابون معین شد با شرایط و لوازمی که از جانب  
 دولت مشخص است توقف کرده مشغول مشغول نظم و نظمه لوازم خدمت بجهت نظام داخله شدند آماده باشند که بجزایر  
 فرزندانش و لنگ علیه و اشارت شود و هر آنکه حکم و دستور القاصد مژده و معمولی و مرتب دارند و محل در و هادر و معسکهای نظام  
 دولت علیه اساسی کردگان و ابو ایجمعی انعام علی سبیل الاجمال از فرار است که در ذیل اشارت شده است

اعزوی خراسان خلافت ناصر

افواج ابو ایجمعی مضره الدوله با افواج ابو ایجمعی علی فلجان اجدان باشی

اعزوی خراسان

افواج ابو ایجمعی فیما الدوله محمد میرزا و جهان سوز میرزا و پونجیان شجاع الدوله و حسان الدوله و مظفر الدوله و اناخان و عیسی خان

اعزوی عراق

افواج ابو ایجمعی حشمه الدوله با افواج ابو ایجمعی ملک را و افواج و سواره ابو ایجمعی عباد الدوله و افواج ابو ایجمعی ناصر الملك  
 و مصطفی فلجان و حاجی فزیر علیخان سعد الملك و افواج و سوار خسته کرد در کردستان و غیره و غیره

اعزوی خراسان و بسنتا

افواج ابو ایجمعی مصطفی خان و سواره ابو ایجمعی شجاع الدوله و سواره ابو ایجمعی حیدر فلجان سهام الدوله و افواج و  
 سواره ابو ایجمعی میر علیخان حشمه الملك و غیره و غیره

اعزوی کرمان

سرداری اعضا الدوله افواج ابو ایجمعی حیدر ملک خان با افواج ابو ایجمعی عباس سلطان خان و افواج ابو ایجمعی محمد علی خان  
 پیکر یکی و فوج ابو ایجمعی میرزا کرمان و فوج ابو ایجمعی محمد باقر خان

اعزوی فارس و کرمان و اصفهان

افواج ابو ایجمعی حاجی شهاب الملك با افواج ابو ایجمعی میرزا ابراهیم خان سهام الملك و افواج و سواره ابو ایجمعی الملکان  
 فارس و افواج ابو ایجمعی رضا فلجان عرب

دو سوار کردگان جزو نظامی هم که اسامی ایشان در فواید منتخبات از جاکران و غیره و هندی و سینه سینه و ک  
 علیه و بر بود صدق و ارادت نجان فشان هر یک علی قدر از انهم اراسته میباشند

فقره دوم و نیز از فرات تفصیلات

انتخابی که بمنصب خدمت نظامی بر فرارند اعم از ابناء ملوک و غیره داخل سناک نوکری هستند و علاوه بر آن  
 که با لباس نظام و نشان و جایله هستند میتوانند از جا و مقام نوکری خود بخوار و نما بپردازند و کوچکی و شاعرانگی و  
 شاهزادگی ابدان باند ملاحظه شود در فواید مکران ناز و در وجه منصب

پیکر هابون از صاحب منصبی که فیما این سر کرده اذن ندارد بیک نفر از اخراج کند و فتنه حکم علیه دارد و بجز این خصوص  
 خوش از فرات و غیره و از مکران و که در فواید سلطنت بکفر خود را بخدمت خود نشان دادند و اسلحه بر باز باندان و غیره باشند  
 دولت اسلحه بکس کرده که داده از و سینه بکس که اگر فزید شو غرامت قیمت از سر کرده کل خواهد گرفت و او باید سوسنک  
 و چادر و ملبوس و کل لوازم فتنه را تمام و کمال بقتضای ندان بکسند و بقیهها بکس برسانند هر گاه دیده شود  
 سر بازی یا لباس بر بازی مشغول فیکلا است البته از رئیس او مواخذه میشود  
 تکلیف صاحب منصبان اینست سر پیا اول نوکر و مال زیاده از تفصیل ذیل نگاه ندارد

نوکری

(پیشخدمت و نفر) (نوه و چی نفر) (خراش چهار نفر) (ابدان دو نفر) (در آشپز و نفر) (جلو دارد و نفر) (اشپز و نفر)

(هفت و نفر) (فاطمه و نفر) (ساربان دو نفر) (ناظر نفر)

مال

(اربع و زده راس) (فاطمه چهارده راس) (شتر چهارده نفر)

چادر

(پوش فلندری یک باب) (چادر جزو پنج باب)



تکلیف برید و در کل این ارضه تکلیف برین است اول آنست تکلیف بر منک و نصف تکلیف بر نون و پیم است و سوار هم آنکه  
دو هزار سوار داد و نوبه سریش اول و آنکه هزار سوار داد و نوبه سریش دوم و آنکه پانصد نفر سوار داد و نوبه سریشک داد

پس که بکفوح از اسم نون بر این ارضه بنشیند و مواجب برین هم با داده میشود اما آن فوج دیگر هر منک لازم ندارد اگر منک  
داشته باشد از صاحب منصبان خارج از فوج محسوب خواهند شد صاحب منصبان خارج از فوج کلا مواجب شاه شاه خواهند گرفت و آنکه  
مخدومی ماموشوندان وقت سابقان مواجب داده میشود هر منی از فوج که این اشخاص مفضل و لازم دارند با آنها داده میشود  
(نایب جودان سفیر) (مهندس سفر) (مشاف و دفتر) (طبی و جراح سفر)

اگر صاحب منصبی هرگاه اولاد قابل داد که کفایت منصب را بکند بجای پدرش فرستاده میشود و اگر طفل است که مواجب پدرش داده میشود  
نادیده و مبارک دار الفنون نوبه برین شود اگر در جنگ کشته شود امپاد با اولاد داده میشود که در محاسن نظامی با او رفتار باشد  
منصب نظامی برین شود و عارف با حد داده میشود و صاحب منصب نظام و غیر نظام و چنانچه منصب برین باشد شغل و عمل برین نمیشود و نون  
ار و ها و نوبه های نظامی از فرزند کتایب های علییه است که بعد ازین طبع خواهد شد امی

هماسیات اسلام که کثرت روابط از هر مقله مابین دولتین علیین اسلام در پیشگاه نظر هابون اعظم شاهنشاهی افغانان  
نموده نسبت به دولت عثمانی و شخص اعظم عثمانی لوله و سنی و اخترم گذارن از آن نام فرزند هابون در نوبه شریف الدوله  
حاجی نواب خواجه از آنکه موقعا اجازه کسب شرف حضور اقدس هابون یافته در مدینة قافه در باران دولت از حسن برود  
مسیرانه خود بر تپه بلای و داد بین دولتین افزوده و آثار و علائم از آن در نوبه اولیای نظام هر دو دولت بمنصه شرف  
آورده بود از درجه و نوبه ممتازی الی کبری مخصوصا در نظام و بنفوس بنده سفارت کبری هر دو عزم و اعتقاد داده بود  
دو شاد و دانش هر چه پیشین جبهه نوبه ششمه مرتجع بالماس محلی فرمودند

روز شنبه دوم شهر شعبان المعظم موی کبری روزی کوب هابون شرف فرمای نورخانه و جیباخانه مبارک کشته شد  
الدوله در نظام و نوبه های صنایع جیباخانه و نورخانه و راه انداختن بیخ ام الاسباب کال سعوی اهتمام راجع  
آورده پسند خاصه خطیر هابون شده مغزی الهه و با عطا نشان شمال پمثال هابون سرافراز و فرزند هر که نوبه  
طاعن فرمودند ازین موهبت عظمی و عطیه کبری که در حق مغزی الهه میدون افتاد سره فاخرت و مباحات  
بر اوج سموات ساقند

چندی که حیدر خان افغانی سهام الدوله بشهد مقدس رفت و بعضی از آنکه فرست عینت شرفه بقلعه حیدر اباد  
کرد و در حد عثمان و افغانان خنجر برده بعد از آنکه افغانان با جمعی از فوج نظرمون بقلعه را که سرحد است فرستادند  
بنای قلعه که مسکن و محکم کل طوایف ترکان است سی فرسنگ مسافت از کیشانه و در اینجا کرده در اینجا بعد از جنگ سخت  
نهمی نین از طوایف طاعنه نموده است نواب و الاموید الدوله پیشکار ملک از باجمان بکفله نشان ذی شان  
نواب فرزند افغانان و نوبه غلام حسین خان پیر حرم حلیق افغان نایب جودان با شیعیان منصب سرافراز کرده بد کتاب محتمه

الناسیر مشتمل اشعار و نثر عریض شده و بفرودن هر سداضام کتاب اندرز فابوس با عجايب الدوله بطبع رسانیده است و در  
نهم رمضان در شکارگاه دوستان پیر بلنکی شکار شست مبارک شد این وقت اعضا الدوله داعی حق و الیه اجابت گشته  
حکومت اسرا اباد را بعهده اعتماد الدوله سپردند و کذا فرمودند و محمد علی خان بیکر یکی بنیاد حکومت اسرا اباد قرار

گرفت و عین الملوک در بیکر حرم اعضا الدوله بمنصب نظارت و خوانداری لقب عین الملک سرافراز شد و حاجی میرزا  
پسرخان کافی السابق بنیاد نذران مباحی میباشند نواب والا معز الدوله بیکر یکی و لایب غریبان و بر وجود و اعطای  
بکوشی ششمه مرتجع سر بلند آمدند و میرزا ذک مستوفی وزارت نواب اعظم الهه و خلف هابون نایب امدا نظام افواج و

سواره و نوکران نذران و اسرا اباد را بنیز مخصوصا بر عهد کفالت نواب والا حتمه الدوله نایب سر دار کل و وزیر جنگ و کذا  
فرمودند نواب والا معز الدوله حکمران کردستان بیکه قطع نشان امیر فرمانی مکمل بالماس فرزند اخضر کرد بدینجهت  
پسند من خاصه بمنصب خود بلداری و جوه نظام سرافراز آمد محمد مهدی خان که بمنصب کشکی باشکری مسیوق بود بعد از این منصب

مفخر کشکی این و نواب محمد دا شجاع الدوله امیر حسن خان افغانی شاد و و حیدر علی خان سهام الدوله افغانی زعفران بود و محمد  
انک آخال بر طایفه تکره مرغی افغان نشین ناخدر یکی بنیاد طایفه طاعنه و موهوبه نایب بود ندا احتشام الملک پیر حرم  
احتشام الدوله بجو متکاشان برافراز آمد این بنده مؤلف که در نوبه بمنصب پیشین در خاصه و جزال اجودانی حضور

مبارک سرافراز بود در فرجه کبک نوار خج و جزایا و انکشتا یکی در پنا مسامی موهوبه نموده حکم هابون شد که بعد ازین  
روز نامه های دولتی بر جبهه های فدی مدیله باشد پسکما حقان سر نوبه اول افتار حکومت و سرداری اسرا اباد سرافراز کرده  
میرزا علی اکبر خان از اداره وزارت علوم بنیاد حکومت ملا بر و نوبه کران و لقب غریب افغانی مفخر کشکی نواب والا حتمه  
الدوله نایب وزیر جنگ بلیغ حلیل امیر جنگی درجه اختصاص یافتند نظام تمامی اجبا و جراحان نظام بعهده کفالت نواب  
والا اعضا الدوله و نوبه علوم موهوبه امیر زاعبد الرحیم خان وزیر مختار دولت علیه که مقیم بلخ بود موقت نایب

الملک شد حاجی میرزا علی مشکوه الملک حکومت همدان منصوب کرد بد محمد افغان افشار پیشینت خاصه امیر خود اصطبل  
نویچاند بیکه قطع نشان از درجه دوم سر نوبه و حاجی بلخ حرم سرافراز آمد  
روز شنبه ششم ماه ذیحجه ده ساعتی در فقه و حیل و سه تا نیند و و کذا ششمه پیر از برج حوش محلی بخوبی نمود و سلام خاص

در نالار مثل العاده انعقاد یافت و روز یکشنبه هفتم سلام عام در نالار بخش مر و منعقد گشت حضرت شاهنشاهزاده انعم  
اکرم والا نایب السلطنه دام اقباله العالی را بمنصب حلیل و لقب نایب امیر کبر و درجه امپاد عسائیر فرمودند و با عطاء یکوش بر نوبه  
ششمه مرتجع و بیکه قطع کل که کل بالماس حضرت زاشرفنا حرم اعظم الهه مباحی کرد بد نوبه نواب والا حتمه الدوله بیکر یکی ملک خراسان  
منصوب عیسی خان سر دار کل کافی السابق سرداری کل نظام و غیر نظام سرافراز کرد بد میرزا محمد رئیس دفتر خانه و نایب اول دولت  
امو و حاجی با عطاء بیکه قطع نشان شهر و خورشید از درجه اول سر نوبه با حاجی بلخ حرم ان مفخر کرد بد محمد افغانی سر همتک نایب



بسم الله الرحمن الرحيم

اول سفارت دولت علیه مقیم در دربار دولتش انکلیس با عطاء منصب سرینچی از درجه سیم و عاقل حضوران سریندامه که  
بجای ما مورب خود روانه کردیم و میرزا محمد علیخان اصفهانی شمس الشعرا مروج شد  
و قایم علیه سواست که در این سال تمام سرتی زین و افطار عالم  
ساخت و ذائقه گردید  
آقا تو بنی کنی دنیا

اشحاب رعیت ذلیل گران را بر پاست

### اسپانیا

پایت سلطنت اختیار کل دولت را و رعیت بار سال سزا که شد شورش هالی جزیره کوبا با کال شدت و با و ب زرد نیز درین  
جزیره شایع است

### انکلیس

خارج جنگ همیشه که مجلس و کلای ملت هم ضد داشتند مجید کرده که هر لیه عبارنا از بیست و پنج هزار است سیده است فوت  
کرد در این طایفه نور نهاد رسن هفتاد سالگی

### ايطاليا

نولدرین به عهد دشمن ناپل و ملبه نمودن او را بشا هزاره ناپل

### بلژیک

فوت و به عهد پسر امپراطور شاه در سن نه سالگی

### روس

شورش طایفه قالموق و فرقی و تصرف نمودن آنها شهر اولاکس را در حواله داشت و بعد از شایع نمودن فستون روس  
انفار اینه برین آنها بجان جنوه فرستادن امپراتور را نیز خود را بطور کردی و بطرز بویغ و کاستن شوکان امپراتور ایا  
تصرف روس نیز با نصف ملک او را و هر سال نیز مجبور است بجهت خراج جنگ بلغی بکار گذاردن روس تسلیم نماید و نیز  
نیز با عیسی است بخش اعظم نامرطور نقصان شمشیر با

### ژاپن

اجرای قواعد و قوانین جدید به اجازه دخول فرنگها در اغلب بنا و در فرار دادن شهر پلدار سبایا و نینجند دولت سفرای  
و انکلیس و ایتالیا و هلند و پروس و انا تونی در این پایتخت من بعد سفارتخانه خواهند داشت ایجاد مجلس شورای

دولتی که ایران تمام دیوسها یعنی بخا و اجیان هشتاد

### شرح وقایع سال بیست

و بسم سلطنت و تاجداری اعلی حضرت اقدس خورشید  
صاحب جفرا نردام ملک و عزت نصره مطابنوبا  
سند هزار و صد و بیست و هشتاد  
و شش هجری بیلانریل  
نرجی

درین سال فرخنده فال عموم رعایا و برابا و صنوف خدم و حشم از ارباب سیف و قلم مشمول توجیهات خاطر خطم لوکانه بود  
حکومت اصفهان را به مستغلا میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان موقوفه مغزی الیه را مملکت بخا و مغز و با عطاء یکتوبه جبهه  
پولک و زشمه وضع سرافراز فرمودند نظریات حیات مروج محمد اسمعیل خان وکیل الملک رضی فیلیخان در سر مروج را بلیف وکیل  
الملک و حکمران کرمان و ابو حسنین سرافراز فرمودند میرزا خانلر مشغی زار و حارجه که در امور پندیدن و نظریات و زار و حارجه  
بطور شایسته از عهد برآمد منصب کداری هم خارج کیکلان و نشان و حمال از درجه سرهنکی سرافراز شد میرزا نظام  
مهندس معمار شناسر ما مور پیدا نمودن معک شده و بعضی معادن هم پیدا نمود در دوششم شهر صفر المظفر که عید و ولوسو  
ها پودنت و فال تخت مهر سلام عام منعقد و شاهزاده سام میرزا که از مدحت سرایان خاص ایند و لنت جا و بداخته اصل  
بلیف شمس الشعرا سرافراز کرد بد تو اب و الا نصره الدوله که با نظام امور تو بخا ندر فرار بودند بمنصب پاست و وزارت  
جنگ سرافراز کرد بدند سواره و ابل کرد و نرک ما ز نرک نرک بخا سر نیل بوا جمع فرمودند میرزا جهان معدی بخا نرک ما مور  
انگشتان معادن کرده و بعضی معدنها پیدا نمود محمد رحیم میرزای صبا الدوله که از شاهزادگان کافیت نظم و نسق  
امور شمران ماه و کرد بد بلیف منصب میرزا ملک را بر حسب سندهای امپراطور و سلیخان معیر الممالک امپراطور سلیخان و لده مشا  
الیه بر حش فرمودند علیخان پیشین من خاصه مملکت با مین صره کرد پناقا خان سر نیل مملکت بصمصا الدوله فرمودند خلیفه  
خان سر نیل اول ننگانی بلیف ساعدا الدوله سرافراز آمد علیقلخان سر نیل و نیس کل نکر انخانه های ملک محروسه  
مملکت بخا نرک ما مور و لده کرد بد میرزا حسینخان شیر مروج حاجی میرزا مسعود وزیر و بخا حارجه سابق پنا و زار و حارجه  
موکب ها بون کشر بفرهای شهر پستانک و فریه دوناو کچیر میا شد میرزا کچخان سرهنک نورخانه مبارکه بمنصب  
سر نیل نورخانه سرافراز شد فوج سپلا خوری بر و جرد که سه سال قبل خراج شدند بخا نرک ما مور و لده حارجه

بفرزد







کردند و بعد از آنکه با پادشاه و سفارت دولت علی بن مقیم لندن بود و بنا بر خلافت با همه احضار شده بمجلس شاهی و خلعت  
 همایون سرفراز و در آن مجلس ما مورین خود کردید و بخواهید اعداد و در حکمران که ما دشماهان و لرستان و وفادارند و احضار بنا بر  
 الخلافت نمودند و در آن مجلس بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 بجایب الدوله کردید و حسینقلی خان و مد مغزی که در کربلا یکصد نفر از سواران و در آنجا بواجبی حسینقلی خان سربس  
 افزایند و حاجی میرزا علی شاکو الملک منصب کمالی را بپای کل مالک محمد سر بر فراد کشتند که طولوزان که بکاشی مخصوص  
 همایون با عطای یک قطعه مثال بمثال مبارک فرین افتخار کردید بدین حضور پیشینت خاصه شرفی و امور نظیفات و  
 انتظامات شهرت الخلافت و حوالی آن فرمودند و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 نمود و فارغی و طرین و قلعه و موسوم بقوشه که از قلاع بزرگ طاغی طاعنه است فتح نموده اند غلام محسن سپهدار بوزارت  
 عدلیه برقرار و منصوب کردید بچگونگی بجهت بر خج و او در حله بدو و ما بین در ولایت علی بن ابراهیم و عثمانی با یکدیگر  
 مامور و در آن سرحدش و بجهت ناظم فرزان مبارک که در جزیره سفارت کبری لندن و سفارت اسلامبول و غیره  
 خدمات کرده بود با عطای خلعت همایون سرفراز و بجهت مقصود مزبور مامور سرحد شد نظر آنکه در سفارت نمایندگی  
 در ماموریت بطریق بورخ و پارسی در وزارت خارجه خدمات کرده بود بمنصب ارتدادی و اقامت در وزارت  
 و خلعت همایون و نشان شیر و خورشید از درجه سیم برشته و حایل مخصوصان سرفراز شده که در آن محل ماموریت خود کردید  
 میرزا عبداللّه نایب اول سفارت بلخ خان و سفارت و سفارت برقرار کردید بدین احمد خان نایب و هم سفارت بنیاد  
 اول نایب کردید بدین معنی بتائی صاحب الامر دسترا با کرده اند از جمله آن قلعه مشغول تعمیر میباشند و بخواهید بخواهید  
 بود که با تمام آن اهتمام شود این اوقات پیشینت چهار چشمی که یکصد و بیست و پنج طول و شش و نیم عرض دارد و کمال  
 استحکام ساخته شده میرزا که پیشکار عربستان و بر وجه ملقب بنیاب الملک کردید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 در دار الخلافت و داعی و بالیکان امانت که جناب شیخ عبدالکحیم محمد بن محمد در همین ماه در عینا عیال با بجا آوردند الهی  
 پوسه و کب همایون روز یکشنبه بیستم شهر شوال از دار الخلافت با همه بجزم سفر خونی با ترک کلان اشها من فرمودند  
 موکب سعوی شاهانه حضرت شاهنشاهزاده امجد اکرم نایب السلطنه امیر کبیر و جناب اجلای مشیو الممالک بهام ملکی  
 میرزا ناز و زاری عظام نواب الاغضا و السلطنه و زبیر علوم و وزیر مأمور و حار جبر و ظهر الدوله ملترم رکاب اعلی  
 میباشند و تفصیل این سفر خونی باین سرفراز فرار و باین است  
 موکب غلس و روز رکن و دور و در عمارت سلطانی که جاقامت فرمود روز بیست و پنجم شوال سفر اباد مغرب خیم  
 جلال کردید روز بیست و هشتم بقشلاق که اشهای خاک سا و جلاغ و ابتدای خاک فرزندین است شریف و در آن روز فرمودند  
 روز بیست و هشتم بعبد اباد و روز بیست و نهم ساختن هزار جریب بود و مسعود شاهانه نیزین کردید جناب علاء الدوله  
 حکمران

سخن این طاقان  
 منقول

حکمران بن ملک و در شرفیات مقدم مبارک مساعی جمیع نموده بود سلخ شوال نیزین و غیره ذی بعد از نیزین بفرمایا با  
 شریف شاهانه و در هم فرمایید که از انواع فرزندین من نگاه آرد و وی همایون کشته بکرد در اینجا اطرا نشد روز چهارم  
 بدر ملا علی که از خاک طارم سفلی است نوحه فرمودند و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 و در علوم است و بجواز خاک طارم لوازم شرفیات مقدم مبارک داد و کمال خوبی فراهم آوردند امراء العظام مجدالدوله که باین  
 کردید یکدیگر و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 محال بود و همایون بود روز هفتم شریف فرمایید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 مواست و لاجلا فرمودند و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 معرفت رخ زبون بنی در اینجا بیست است و در نهم ماه بر سنم اباد شریف و در آن روزانی فرمودند و حسین عبوان بن  
 جناب جلیق ملا رفیع بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 چشمه ها حدیث بنیاد بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 کبروی فرایند دولت علیه حساب امرا فرزندانشان این باع و حمل نموده اند از لحاظ آنکه در گذشته مقرر فرمودند بخواهید  
 و الاغضا و السلطنه و زبیر علوم اسباب مذکور در آن دار الخلافت کنند و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 قران جاری مامور شد که در آن اسباب با عاده و بارکش در دار الخلافت نیزین و در دهم ماه جنگل از آنزاده هاشم و کار در  
 خانه سفید و در دور مسعود شاهانه زینت یافت ساعدالدوله در اینجا شرفیاند و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 باز دهم ماه ذی بعد از السعاده شهرت دار المرز شریف و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 در این پاری مقدم خسروانه حدیث دمانی و جانفشانی را بعمل آوردند از روزیکه موکب افسان از حوزة و بیدین سمت مخصوص  
 عزیمت فرمودند بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 تمام این شانزده فرسنگ خیابانی سطح بود و بجای جهنم دره معروف بهشتی مصفا و بهر کونه صفاه و صوف میبود در سمت راست  
 هر جا رود خانه سفید بود و جنگلها و کوهها و سبزی بلوک در عشا اباد و در سمت چپ جنگلها و کوههای اخضر  
 زار و بیابان بلوک زینون رود بار و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 برشت بود و زلال خولی بکین جا که با کوه و بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید بخواهید  
 موکب افسان بود و بار حضور هر ظهر و مغرب یافت و در همین روز فوئوسلهای دول نماینده فرانسوا انگلیس که متوقف  
 بودند شرفی با حاصل نمودند و روز دوازدهم ابتدای کپلان و لاجبجان و فوئوسلهای با درت جمال مهر مثال شاهانه فایز کردید  
 بعد از آن تمام اعیان و ارکان و مستوفیان و عمال و نجاران و سرکردگان و خوانین طوائف منعلق کپلان شرفیاند و بخواهید  
 مبارک شد و در سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در شرف اقامت بهام ملکی نوحه فرمودند و درین سه روز علی التوالی برف برآمد  
 دوازدهم



دوستان در ماه بزم انزلی نشستند و در حباله امیر جهانگیر و در دعای بویکها چون در دست مشغول  
 انظار امیر بود جبار علاء الدوله به پیران از روضه که در آنجا کعبه کبری و در حباله ملزمین باشد راه پیران را با آنکه با  
 از کعبه سنک پیشین بفری ساقی برین بد بود که در روز عارین را معطل کنی این ذات حکمها چون از اساخته اند و فرس پانجا  
 و نه باستان و بر اجسامد و شمشیر و طلا بدای و در خانه پیران از سرکار اعلم حضرت شهرای نام ملکه در نوید مناری  
 که خدیو امیر مخصوص جو مبارک ساخته بود نشسته و قیاب والا اعضا السلطنه و در علوم و جناب مؤمن الملک وزیر  
 امیر و خواجه و خدیو و عضد الملک و معین الملک و امین الملک و امین خاوند و امین حضوری و حاجی الدوله و حکم الملک  
 و میرزا عبد الوهابخان نائب البواریه (جناب نصیر الدوله) و محمد علیخان پیشین مناصبه درین باره باقی در عهد پیران پیشین است  
 امین السلطان و فخری و ساقی و اهرنمای هاشمی و این بنده درگاه در آن خدیو شرف انوارم حضورها چون مشرف بودیم بالجمله  
 در امتداد رودخانه مزبور که فریب و فرسنگ می باشد ذات کامل الصفا شاهانه تفریح فرقی در اول دهنه دریا تری  
 نزال فوی بکن با کشتی کوچک بخار و موسوی کاسر با استقبال امده اعلم حضرت شاهنشاهی با ملزمین حضور بان کشتی نقل  
 فرمودند و نزال مغزی الیه و سایر صاحب منصبان بجز یک با او همراه بودند عواطف ملوکانه سرافراز فرمودند و اوله در باب  
 نایب انزلی که نظرها بچشم سنک است و می داند که چهای دینا بود که عمل بار و نیند هالی اند و معنی منتهی بزرگ با سکنه  
 انزلی کشتیهای بخار که حضرت اخا در دولتین ایران و در سراز جابند و لث در بر برای سواخی خدمت سرکار آندس اعلی اند  
 بودند صد ها بجز و بلند کرده اظهار شغف شادی نمودند اسامی آنکشتیها از اینقرار است

کوی کاسر کوچک بخار (کوی بزرگ بخار مخصوص سوارهای ماهیون موسوی نیشاه) (کوی کشتی پستی) (کوی کشتی موسوی بخار)  
 خلاصه و ساعتی بجز و بمانده بهار شد و لثی واضح در فضا انزلی شریف فرما کرد بدیدند روز هفتم که روز دوم  
 بود و موکبها چون با نزل بود با جمعی از خواص ملزمین رکا با علی کشتی بزرگ بخار سوار و سایر بجز خزان و خواجه  
 صاحب منصبان بجزی از مقدم بجهت ششم خسروانه پیران نشانی بعمل آوردند و کشتی بزرگ دیگر که حامل صاحب  
 روس و بعضی از چاکران اسنان مقدس بود در دوطرف کشتیها چون بمسافتی در کمال سرعت پیشین و در آن  
 صاحب منصبان روسی شغف از ظهور بلند بنمودند و مدتی سپهر شاهنشاهی در دریای خزر در ساعت بود  
 بچهار ماه علای انزلی شرف زیارت جمال پشمال شاهانه را اسندت نمودند بزرگان و اعیان انزلی نیز شرفیاب  
 خاکبای مبارک کرد بدیدند هم درین روز پنج ساعت بجز و بمانده کشتی بخار کوچک بمشای صید ماهی و شیل شریف  
 فرما شدند و در نیز روز زاده از چهار هزار ماهی صید شد روز نهم حباله امیر نواب والا اعضا السلطنه و  
 جناب مؤمن الملک و معین الملک در چادر بواختانه نشسته بجز امیر مردم از طول الشو غیره رسیدند و در ذات  
 ملکوتی صفات مقدس در درشکه نشسته با چند نفر از خواص جناب در سینه از ساحل دریای بزرگ بطالش دلاب  
 میرد شریف فرما شدند روز بیستم فقط خاطر مبارک منوچه امیر و لثی بود روز بیست و یکم حاجی محمد یحییان حاکم

ادریس

ادریس نقیقل رکا با علی نابل کرد بدید و چون در بارام بود اعلم حضرت شاهنشاهی در کشتی بزرگ بخار نشسته قدری  
 بسیر بجز در پراختند روز بیست و دوم مجدداً الدوله از حکم کابلان استعفا نمود و زمام این امر بزرگ و بکف کفایت  
 جناب مؤمن الملک وزیر امور خارجه داده جناب مغزی الیه را بحکومت کابلان سرافراز فرمودند روز بیست و سوم با درشکه بخار  
 دریای بزرگ نشرفیدند و درین شب عمل نورخانه مبارک در درو کرد دریا استیازی و چو اغان بیستمان از ی نمودند  
 روز بیست و چهارم نواب والا اعضا السلطنه و جناب مؤمن الملک و امین الملک بحکمها چون بیان بدید باستانها  
 فاضیان و نزل رفتند سفر شد که لوازم نهم و سایر بساط نظام آنها را فراهم آوردند روز بیست و پنجم علما و اعیان انزلی  
 وارد بیل و غیره بخلاصها چون سرافراز کردیدند از آنجا نزال فوی بکن و سایر صاحب منصبان و لث در سدر و درش  
 شرف فرمائی موکبها چون بدین ساحل کمال خدمتگذاری با بعل آوردند نزال مغزی الیه بستان نمثال بمشال  
 مکل با لباس سرافراز و سایر صاحب منصبان بزرگ بستان و جمایل از درشکه در خود بود مفرح کرد بدید مخصر شدند که  
 با وطن خود معاودت نمایند سبفاً الملك حاکم طولش بستان شریف خوشید و جمایل و خلعتها چون میاهای بدین  
 علی اکبرخان دریا یکی بستان سرهنکی و خلعتها چون نابل کرد بد لطف الله میرزا سرهنک نونجان بستان و جمایل  
 سرهنکی سرافراز شد بفر الله خان سرهنک خارج از فوج بستان و جمایل سرهنکی و شمشیر کل و نر طلا و حکومت کرکان رو  
 مفرح کشت امان الله خان بحکومت طالش و ولایت غیره و اعطای شمشیر نر طلا سر بلند شد و جمجم خان بحکومت شاندرین  
 شمشیر نر طلا سرافراز آمد سایر اعیان و بزرگان و صاحب منصبان نظام و غیره نیز بجز و بمانده شاهنشاهی میاهای کردیدند  
 بیست و ششم از راه منکوده که کنار رودخانه مبارک آباد واقع است به راه پیران از وصل پیشین موکبها چون غام  
 و شکر کردید این راه داد را با حکم مجدداً الدوله حباله امیر با خارج کرانی ساخته اند و رودخانه مبارک با  
 از آنجا و اجار طودی پاک کرده که کرجی از آن به ولت عبور نمایند بالجمله دو ساعت از روز بیست و ششم گذشتند  
 بندکان اعلم حضرتها چون در کشتی بخار کوچک نشسته و خواص رجال اسنان معلی شرف الزام رکا با علی مشرف کردند  
 نزال فوی بکن هم در کشتی ملزم حضور مبارک امده ناد هنته و مبارک آباد طی مسافت نمودند در آنجا از کشتی فرمودند  
 بقای سوار شد نزال مغزی الیه بعد از بذل مراسم خاصه مخصر فرمودند شش ساعت بجز و بمانده فایقها چون در کتا  
 منکوده ایشانده از فایق بد درشکه نقل و شرف فرمائی شهر بست کردیدند روز بیست و هفتم علما و اعیان انزلی از  
 بعواطف و خلایع ملوکانه قریباً خصاص و مباهات فرمودند و انعامات شایسته هبات و طلا بدیدند روز بیست  
 و هشتم بجز ناصیه شریف فرما شده تا وقت عصران نواحی مقدم مبارک مزین بود روز بیست و نهم بفریح اصطن  
 عینک که بفرسنگی شهر در طرف شمال و سر راه فومین و طولم واقع است شرف فرمائی کردیدند روز سیخ ذی بقعه کردند  
 اخر نونف موکبها چون بشت تمام اعیان و رجال کابلان و مامورین مؤلفان سامان بخلاصها چون و عواطف  
 خسروانه تر بلند شدند و کارگذاران دول صاحبان بقیه رشت با نیز بخلاص فخره و اشیا نقیسه فرین مفاخر شرف فرمودند

و فرد







وفایع  
 سال بسنت و چهارم  
 سلطنت ابدایت اعلم حضرت  
 فوتشوکت افدک شاهنشاهی  
 حرم صاحبزاده خلد الله ملک و دولت  
 مطابق سنه هزار و دویست و  
 هشتاد و هفت هجری  
 بونب بیل

در این سال خندمال کتبه رعایا و بربا بوظائف لوکانه سر بلند و شمال بقی در جناب مؤمن الملك که حاکم این خند  
 روزی در یکلن اقامت داشت امام اشظام ان ولایت را بر عهد میرزا عبدالوهابخان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله)  
 واکدار نموده خود بجایای مبارک مشرف آمد حکمران دارالعباد نیز در انوبات الاحسام السلطنه نفوس فرمودند و نیز  
 ابوالفتح میرزا ولد نواب عظیم البریه بوزارت میرزا محمد حسین مستوفینا بینه حکومت انولایت رفتن در خان سردار کل  
 بوزارت و پیشکاردی از با بجان سرافراز گشت معین الملك بمنصب مستوفی باشی که وی حضرت رضو علیه السلام سر بلند  
 آمد محمد فلجان شاطر باشی ملقب بصبارم الملك شد سر ابداری باشی بدرجه سر نوبی هم و نشان و حجاب مخصوص نایب  
 کرد بد فوج فراغان را که یکی از افواج ابوالجهمی نصر الملك است طبع ب فوج کامران نمودند نقشه اراضی شهر جدید دار  
 الخلافه ناصی و طبع فلجان رئیس مدد سه مبارک کرد و الفنون و میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی با بسنت نصر  
 مهندسین کشیده بنو سونواب الاعضاء السلطنه و در علوم مخصوص مبارک برده سیه هزار تومان انعام سرافراز شد  
 یکی از طوائف بود علی جعفری از طوائف نیز که چون براه شرافت میرشد سلیمانخان صاحب اختیار حکمران استر ابادها  
 بنسبه نمود محمد حسنخان سر نوبی نو بجان شیر مرچوم حاجی پیرن خان مرچوم شد حاجی اعقاب و سرف خواجه باشی در عیاش  
 عالی باشی حنظلندی پیوسته میرزا فضل الله خان نوابی نیز در گذشت تاریخ مختصرا بیلون برزک امیر طور فرانسوی  
 مسیو دینار خان فرانسوی معلم ترجمه کرده و طبع نموده اند نیز رساله زبده الحکمه ناصی و راهبیت و خواص کند که و  
 رساله بلایع الحکمه ناصی که هر دو از مصنفان دکن هولوازان حکیم باشی مخصوص حضورها بنویسند طبع رسیده و در  
 سنه

میرزا الفاتح

الاقام  
میرزا ابوال

شهر فرد شکارگاه دوستان پته بلکی شکار شست بارک شد امیر الامراء العظام بحال در نه بسنت بر  
 مبارکه سرافراز کرد بد علی خاندان عضد الملك بلعطای نشان شمال بمشال همایون درجه اختصاص با نه حکومته همدان  
 ضمیر حکومت کرد نشان فرموده بنواب الامیر عبدالوله واکدار فرمودند و امیرزاده سلطان اولیس میرزا ولد نواب عظیم الدوله  
 جلب ایشان بحکومت همدان رفت انامهدی ملک التجار مرچوم شد انامهدی کاظم ولد انمرچوم بمنصب ملک التجاری این مفسخر گشت  
 علی قنچان سر نوبی فوج کرانی ملقب بصمصا الملك شد محمد حسنخان سرافراز کوز لوپس مرچوم علیخان نصیره الملك بلقب حسام الملك  
 کرد بد میرزا محمد حسنخان نایب الحکومه اصفهان ولد صاحب دیوان بلشان و حجاب سر نوبی سرافراز آمد حاجی محمد فلجان اصغر الدوله  
 وزیر فرانسوی بکفطه نشان شمال بمشال همایون فرین مفاخرت و انرا گشت بعضی زعفرین بلوچستان از ابراهیم باشی نایب شوالیه  
 وکیل الملك حکمران کرمان و بلوچستان بنسبه نموده است امیرزاده اسمعیل میرزا ولد نواب الامیر الدوله که در اشظام  
 سپلا خوری اهتمام نموده بود نشان و حجاب سر نوبی سرافراز حاصل نمود میرزا ابوطالب خان نایب الحکومه لرستان  
 مرچوم شد محمد حسنخان حاکم سمنان و دامغان بلقب اغضا الملك سرافراز شد بوخان شیخ الدوله حاکم خوی و سلماس  
 واری سرحدات که بله بار معدله مدار اختصاص شده بود با عطای بکفطه نشان از درجه اول امیر نومان و بکر شسته حجاب  
 مخصوص آن فرین مفاخرت کرد بد و فوج خوی و نیز علاوه سه فوج افشار ابوالجهمی مشارالیه فرمودند نواب الاعضاء  
 السلطنه و نیز علوم بکفطه نشان در نشان امیر نوابی مکمل بالاس با بکر شسته حجاب مخصوصان درجه اختصاص با  
 میرزا سپید احمد مستوفی حکومت ولایت غرازمند میرزا علیخان منشی حضور و نایب اول و ذاریت خاں بجه جناب امین الملك  
 بنشان از درجه نایب خاں بهر مباحی کرد بد بنده مؤلف با عطای بکفطه کل کل بالاس سر بلند شد میرزا سپید احمد  
 سر شد در مالیات خراسان بمنصب سنیفان در درجه چهارم بر فرار آمد میرزا محمد حسین پیشکار حسیه نیز همی بنسبت سرافراز  
 امان الله خان سر نوبی طباء الملك لغیر یافت علیخان پسر سلیمانخان صاحب اختیار حکمران استر اباد بمنصب سرهنکی فوج  
 اخلام افشار اسد آباد مباحی کرد بد میرزا حسنخان پسر ارشد مرچوم زامسوق و نیز مرچوم خاں بجه نسیابت اول و ذاریت خاں  
 نایب امیرزاده اسد الله خان نایب اول سفارت علی مقیم بطرن بود بخاں پیرازی اول غلبه ناموشد میرزا عبدالله که در  
 بغدر عباسی مسقط خنده کرده بود بمقام بنسبت مخصوص بندر عباس سرافراز و بنشان و حجاب اول سرهنکی نایب  
 گشت جناب سلیمان خان حکمران اصفهان بکر شسته حجاب ایوبی نیز امین از آمد حلیه بنسبت ناسخ النوار بنسبت سیده نیز کتاب  
 مجموعت الوسیال در علم طب نایب انان حاجی انابا بای ملک الاطباء طبع شده است

از درجه سیم

عشق



حضرت نیر و نعیم مطالب این کتابیان خلاصه و فایده ان اسفار من البدای الی الختم در واز خود ذکر پیش  
 پوشیده نباشد که از سلاطین عظیم الشان و خروان با حشمت توان مالک ایران وجود مبارک اعلم حضرت شاهنشاهی دام  
 اول شهریار پیش که در عالم مسلم مسافری اندیش چرب غز از غور و مالک خود بخا و زخمی و در مالک خار جریه و عذبه  
 خاطر مسافرت و کردش نموده اند و سفر زیارت عینات عالیات و عراق عربی و سفر اعلم حضرت ها بون بمالک خار جریه  
 و ابتدای این سفر سعادت اثر روز جمعه بیستم شهر جمادی الثانیه این سال خیرین مال بود که از سفر خلافت عظمی بقصر ووشان  
 قیام نقل کان فرمودند شرح روزی و از این مسافرت خیرین آب از فراز است

**شرح مسافرت اعلم حضرت ها بون و مخالفه بغیانت عالیات و عراق عرب**

روزی بیستم ماه جمادی الثانیه چنانکه ذکر شد نقل کان بقصر ووشان پیش فرمودند و محض اینکه مقررین کتاب اعلی از قبه راه  
 فرات حاصل نمایند بخیر و در آنجمل توفیق شد و زیست پنج چشمه علی کرد و نزد یکی از او مقدسه حضرت عبدالعظیم است  
 مضر بیخام با الحشام معنی کردید ذات ملکوت صفات مقدس ابتدا نیز بارش اما مزاده واجل العظیم توجه فرموده بعد ما  
 اردوی کویان شکوه بمقدم مبارک من کردید در اینجا نیز مسرت و از اطراف شد و با است حراست کرد و دو علی بنو اب و الا  
 حسام السلطنه و اکنار فرمودند و غیاب و کب ها بون حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده و الایاب السلطنه جناب اجل  
 مستوالمالک وزیر اول بمهام ملکه رسید که بنیاد اغلب از جلال دولت و خواهر علی خلود ملتزم رکاب اعلی میباشند  
 و اسم هر یک در جای خود ذکر پیش و خدام و جلال نیز با این سعادت مستعدانند که مولف نیز غالباً خاطر مهران مبارک را  
 نیز چه در نامه ها خار جریه حاصله بخار مغلفه بچنگ فرانسه و سر مشغول مبداء خلاصه و زیست هشتم فاسم ابان  
 منزله اردوی ها بونست و زیست نهم باط کریم شریف فرما کرد بدند روز و شب مسیح در باط کریم اطراف شد و  
 ستر شنبه غره و جیب بریم با دزدند ملکی محمد اراخان سریند وندی نزدیک اجلال فرمودند راه شش فرسنگ بود بین  
 راه جان محمد خان سریند علی و محمد صادق خان حاکم زدند و فخر علی خان سرکرده شاهپس و بغدادی بنفیلد کاب اعلی فرمودند  
 ناظم افتد سازد و فر عثمان و مسوکر بل نایب اول سفارت و سر هم است و دهم ماه با میرا بد شریف و واران  
 فرمودند راه و فرسخ و نیم بود از امرا با دنا خانی با دزدند که منزله کاه فواظ است زیاده از یکمیلان نیست و دهم  
 اباد ساوه مضر بیخام با الحشام ها بون کردید راه شش فرسخ است و چهارم دو عبدل اباد اطراف شد در اینجا اعلای  
 ساوه محض مبارک شش فرسخ شد روز پنجم بشاه می سوگند و شریف فرما شدند راه چهار فرسخ منسکین بود و  
 ششم نوبت که از خاک ساوه و اول خاک هرانست منزله کاه اردوی کویان شکوه شد راه زیاده از پنج فرسخ و خود نوبت  
 فخر ساوه است و نوبت چون نکرانخانه هشت صد و سی و شش بود و نوبت نکران از حضرت اجداد فخر شاهنشاه  
 و الایاب السلطنه جناب اجل افای مستوالمالک و سایر در احوال پر هو نمودند بعضی احکام بنو سلطان نکران

**صورت جناب جلال الناب اجل اکرم افای مستوالمالک وزیر اول**





صد روز و بیست روز هفتم ماه در نوروز اطرقتند روز هشتم ماه بفره فرادای ملکی حسینخان حسام الملک فرزند ابراهیم  
 راه شتر فرسنگ بود نهیم نزدیکی خوش اباد از محاله در جزین روی و علی منزل غوغا شرب زده که منرا کاه کاوانست  
 دندم شریف فرمای ببولند اباد شدند نواب والا معتاد ولد و له حکمران کردستان و همدان شرفانند و زحاکای میبارک شدند  
 راه چهار فرسخ بود بعد از دم در ببولند اما ما شرفه بودند و از دم در بخرج اباد شرف و رود و نجشیدند راه پنجم فرسنگ  
 بود و سپهر دم و جبکه عید مولود مسعود حضرت امیرالمومنین علی بن اسیط علیه السلام بود شهر همدان هند و مویختند  
 مبارک مزین آمدن جبار حسن خان وزیر بخارا از کر و سر آمد امر در بنی بولند کابری علی فایز شد راه سفر فرسنگ بود علما و اعیان  
 وزیرکان همدان را استقبال و شکر گذاری در و مویکها بون جانفشانیها کردند و چهار دم در همدان اقامت شدند و  
 پاشا خان و جلول پاشا خان ماکو که از اوز با بجان بطهران و انظران بهمدان آمدن بجاکای مبارک شرف شدند و بعد از دم  
 علما و اعیان همدان و خوانین بلا بر فو لیرکان بز بارش جمال مهر مثال معدن شرف شدند هنگام معین از علما چون فاضل  
 کردند ذات ملکون صفات مبارک ملاطفه مطابقت فرمودند فاضل همدانست علما و خود فاضل نیز با حفظ امر با دست پند  
 اشاره بجاکای که شیخ سعد علیه الرحمه در گلستان ذکر نموده و ابتدای ان اینست که فاضل همدان از اینست که با نعلین شیری  
 سر خوش داشت لطف این عبارت بر باب و ف معلوم است هر زاده سلطان او پس میرزا احاک همدان ملقب با ختم اللد  
 که پدید روز شتر دم بفرج و سپرده عباس که با پنا صفا و از زده هاشم بنو ظاه همدانست شریف فرما شد و از اینجا  
 بر او که در شهر سنان که ببولیرکان میرود توجه فرمودند و بالای کرد نه سلطان سلیم میرزا اسامه هات فو لیرکان که  
 نمودار بود بر زمین بر سپاند و همدام مشغول بهام دولتی بودند و ز همدام از همدان اشها خرفه و نیم زاعه کرسه  
 فرسنگی همدانست و لاجلا فرمودند روز نوزدهم فیسر اسدا با د متر کاه اردویها بون شد جانبا با خان پسر  
 سلما خان صاحب خشار با خوانین و دلین همدان افشار در راه بقیل ر کاب مبارک سرافراز شدند روز بیستم  
 منزل اطراف شدند و بیست یکم شریف فرمای فیسر کنگور شدند راه پنجم فرسخ سنگین بود علا معلجان برادر سار  
 اصلان نایب الحکومه کنگور با جمعی از خوانین افشار بقیل ر کاب علی مخزن کشند و بیست دوم در کنگور اقامت نمودند  
 روز بیست و سوم از کنگور نهضت فرما کرد به ابتدا بنماشای نیای که اعراب از قصر الاصور میبایستند توجه فرمودند  
 ازین حضرت شرفی زاده باقی ماند و شرح جزلان در حرفه با پند پس از باز بدین بنای بطنی بحد و اندرین  
 در پانزدهم که در سب سب سب نواب الاعمال الدوله و امیر زادگان نواب عظم البه و حسب قلیخان والی نیش کوه لرستان و  
 محمد حسنان پسر پیکم محمد رضا خان سربلند که در بخارا در خان سر کرده فوج امرای برادر فتح الله خان امرای و سایر  
 بزرگان کرمانشاهان و کلمه و غیره بجاکای مبارک شرف کردند و در راه پنجم فرسنگ سنگین است و بیست و چهارم در محله  
 اطراف شد و بیست و پنجم شریف فرمای راج کرد در جلوشک دینور واقع است شدند راه زاده از شش فرسخ است و  
 بیست و ششم و بیست و هفتم در راج اطراف است و بیست و هشتم بیست و نهم در و و هابون شده راه سفر فرسنگ

کتابی در تاریخ و جغرافیای ایران

















فرمودند و جناب شهبازالدوله بوزارت علمیه اعظم و وزارت وظایف و اوقاف منصوب کردید روز دوم شوال بعزم سرینای  
 آنهاضرت فرموده در منزل دخاله در حواله نطسار پرده و معارفراشته شده راه زباده از شش فرسنگ بود روز پنجم غازیانه شریف  
 کردید راه چهار فرسخ و نیم بود روز چهارم خان بخارا و کوهها بونست و شش فرسنگ میباشد روز پنجم بصورت ساروج  
 فرمودند راه از خشکی شش فرسنگ است اما چون از روز شش شریف فرمایند و کشتی که محلی که جزیره حادث و راه دو مشعبه شده  
 بود راه را غلط کرده و کشتی بکل غرق شد و معطلها رخ نمود لهذا هشت ساعت از شب که شش بار کوهی که در بیرون شهر بود  
 ساحل جلد بوق رسیده این بکشتی ساروج و منزل خان بخارا مردم خیلی سخت گذشت که راه را از بیرون بیست و پنج فرسخ  
 و بدست تمامه ساروج هم بین فاس بود روز ششم وارد شهر شده و نیز بارت پرداخته کسب عسکری بن علیها السلام کرد  
 اعلی طلبه شکوه و اعتداف تمام داشت خدام با علما و ادای که دارند با استقبال آمدند بعلنا ز پارت حضرت عسکری بن علی  
 الله علیها از مقام عبید بن جریان امام عصر عجل الله تعالی فرجه کسب میباشند بعلنا از ان بیاض بدیغبارت و وضع طلبه شدن  
 کسب و غیره که در ساروجها بود ز پارت تمام با شرف بود پرداخته نگاه بنامشای بنی کسب و بنی بکلیفه منوکل عباسی است ان  
 جمله مناره ضخیم بلندی میباشد توجه فرمودند روز هفتم بمشاورت و پادشاه و پادشاه که پیشتر در شمال و غرب  
 ساروج است مشغول بودند روز هشتم شوال از ساروج عزیمت جار الخاندان با هر دو تقسیم آمدند و بعلنا از پارت و شرف و عار  
 نهادند منزل خان بخارا و غیره پاشش فرسخ راه است و در نیمه غازیانه منزلگاه اردو کوهها بونست و در هم شریف فرمایند  
 (یعنی) کردید محمد رحمان سرینای و مصطفی قلچان بر شکار و بعضی دیگر مرض شدند که مکه معظمه مشرف شوند

پازدم در بقیعوسیه اطراف شدند و روز دهم از بقیعوسیه بقیعوسیه نوجوه نمودند روز سیزدهم در شهر روان اطراف شدند و  
 چهاردهم قزل و با مضر جناب سپهر اجنتام کردید و زیارت هم بجای نینزول اجلال فرمودند روز شانزدهم در خان  
 توقف شدند در این روز برای پاشایان و عامونین که از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی آمده بودند و منصفه خدمت شده  
 انهمه دران مرصع و انگشتری سالی و وجه نقد بقدریکه شایسته بود ارسال داشتند و مدحتی پاشا کمال پاشا و انا  
 اهدای بجنوب طلپسند در باب هم سرحد فرمایشات فرمودند روز هفدهم فضیلتی بن محلی اردو خروانی کردید پاشا  
 که نادیده از راه و الزام رکاب اعلی داشتند بعلنا از ادای لشکرات و اذیت و طوع مرخص شده معاودت کردند و  
 نزدیک نیه قصر شوی بن اسرطیح باغی فرمودند روز هجدهم فرابلاغ جا بگاه اردو کوهها بون بود روز نوزدهم شریف  
 پای طاق شدند روز بیستم در پای طاق اترق شدند و اینجا بواسطه نگرانی جز دادند که شب چهارشنبه هجدهم شوال  
 عزیمت ساروج کردید و نیز بیستم شده است و بیست یکم بکرنزول اجلال فرمودند روز بیست دوم در کربلا  
 شد نواب و الامداد الدوله در منزل بجنوب مهر طه و مبارک مشرف آمد و بیست و یکم ساروج اباد و روز بیست و یکم  
 ماه شش ضربه جناب کردید و اجنتام کردید روز بیست و یکم در ماهی شش طرف شد روز بیست و ششم عمارت عظیم

مبارک

مبارک منزل کردید چند روز در اینجا بقیعوسیه رسیده با مورد و بعضی عراض مردم نوقف فرمودند و فوج دوم بصورت و با سوار  
 شاهسوار اینجا مخصر کردند که از راه همدان باز دیاجان برزند روز بیست و یکم نواب مستطاب معتمد علیا که در خانها  
 صارم الدوله منزل داشتند از آن ملکونی صفات مقدس را دعوت نمودند روز غره و زبغه و بنفراج طاق و سظام  
 اشتغال داشتند روز دوم شریف فرمایند بیست و یکم بکرنزول اجلال فرمودند روز بیست و یکم ساروج اباد و روز بیست و یکم  
 و عاکر خوی در اغره بود در منزل سید و در سیم ماه محرم منزلگاه اردو کوهها بون بود روز چهارم کنگا و در شریف و در  
 مسعود شاهان نیزین شدند و پنجم و ششم از خاک نوبسیرکان منزلگاه موکبها بون نواب و الا اعضاء السلطنه  
 و نیز علوم که از دار الخاندان عزم شرف اندوزی از خاکهای مبارک نموده بودند در اینجا بر کابل علی پو شدند و ششم  
 شریف فرمایند فرسخ شدند در میان راه نواب الامداد الدوله و امرخص فرمودند که محل حکم از خود معاودت نمایند  
 هفتم در فرسخ اترق شدند و روز هشتم جمله اباد محل اردو کوهها بون بود در بین راه نواب الامداد الدوله حکم کردند  
 و امرخص فرمودند که محل حکم از خود روانه کردند و راه دو فرسخ و نیم بود و در نیمه حسین اباد مضر جناب معالی کردید راه  
 فرسنگ بود روز نهم بدولت اباد علیرز و لاجلال فرمودند راه چهار فرسخ بود جناب صاحب دیوان که از اصفهان  
 آمده بود بجای ای مبارک مشرف شدند و شرحی از کوفی اصفهان معروض داشتند فرسنگ از کابل و حوش بقدر  
 کفایت عین اصفهان محل نمایند روز یازدهم در دولت اباد اترق شدند و روز دوازدهم بمنزل پری شرف نزل از زانی فرمودند  
 پری شهای خاک ملا و اول خاک عراق است راه چهار فرسنگ بود قبل از سواری جناب میرزا خردالد بن بر و جردی و امام  
 جمعه علمای ملا برین پارت جمال مهر مثال مبارک فایز شدند و درین راه میرزا سید احمد نایب الحکومه عراقی و علی قلی آق  
 ملقب بجه صا الملك بن قیقل کاب اعلی سرفراز کردیدند و بیست و یکم بمنزل فرحضا شریف فرمایشند راه پنجم فرسنگ  
 بود و چهاردهم فرسنگ کوه منزلگاه موکب منصوب شد راه سرفسنگ بود و زیارت هم سلطان اباد که مرکز  
 حکومت عراق بمقدم شاهنشاهی نیزین آمده راه سرفسنگ بود علمای عراقی و طبقات ناسر با استقبال مبادرت نمودند  
 روز شانزدهم و هفدهم در سلطان اباد اترق شده در هم امام ملکی توجه فرمودند روز هجدهم زبغه و شریف فرمایند  
 مصلح اباد شدند راه چهار فرسنگ بود روز نوزدهم پاشایان نزل اجلال فرمودند راه چهار فرسخ و نیم بود روز  
 بیست و یکم پاشایان اطراف شدند و بنامشای قصبه آشتیجان و اطراف آن پرداختند و بیست و یکم بمنزل دستخیز شدند و  
 اردانی فرمودند قبل از حرکت علما و اعیان آشتیجان بجنوب مبارک شریف شدند و بیست و یکم فرسنگ فاضلی  
 اردو کوهها بون و راه چهار فرسخ بود روز بیست و یکم شهر فرسنگ مقدم مبارک نیزین آمد علما و اعیان و منوکیا شریف  
 اهالی شهر شرف کامل با استقبال موکبها بون آمده بودند روز بیست و چهارم در فراتر و نیز پارت و در ظاهر  
 حضرت معصومه سلام الله علیها پرداختند و در مغربه خانان مغفور (فضل شاه) الیه حلال التور و غیره شهر  
 میرد (محمد شاه) ادا الله فی باض الشرف فاشرف فرمودند روز بیست و یکم نیزین در فراتر و شرف شدند و چون کی غله

در اغلب

راه سرفسنگ  
دوم بود



نویس

دو اعلیٰ تر از حال عباد است خفای ز یاد بقم امده مقرر فرمودند تا حسین مجتهد از غله دیوانی نذر کند نان کره با پنجه روز نهار که شماره هزار نفر میشود تا طعام کنند و بعلیجان پسر مرحوم محمد و لیجان فاجار بنیاب حکومت هم سرافراز شد و در بیست و ششم منزل پل لاک و در بیست و هفتم محض سلطان شریف فرما کرد بدند و در بیست و هشتم کناره کرد منزل که اردو کجا بون بود و در بیست و نهم حضرت عبدالعظیم و بزارت زاد به مقدسه میادرت نمودند و در سی و ششم غره و پنجه با هم امن سعادت اقبال مبارک خلافت با هر دو مقرر خلاف عظمی و لاجلال فرمودند و عوم و ذرا و خدام اسنان هم بون و علما واعیان دار الخلافت بزارت جمال افتاب مثال شاهانه فرزند شرف و مرتب و موفور شده بدعای جو مبارک و طبیب اللسان که در این سفر خبر بسیار شادمانه ختام یافت

تذییل

در روز و روزی که سعوت باار السلام بغداد از جانب سنی الجوانت بامیونی باعلحضرت سلطان عبدالعزیز خان باسلام نکر افتاد بگرد و وصول بغداد واجب تر از هر بدم که در اد صمیمی خود را بواسطه نکر افتاد بظواهر شاهانه معلوم کنم و نیز اظهار خشنودی از مدحت پاشا و کمال پاشا و مامونین با غیرینان اعلحضرت و اجزای آنها تمام در حال ان اعلحضرت بحمد الله بوجوه و مدح خاصه در روز بغداد بسیار خوشتر گذشت نظم و کفایت مدحت پاشا جای خشنودی پیدا کرد و در احوال و مزاج ملوکا نیز بسیار خوب بود با شد بخبر آن بکجهی ابات نکرانی باز یاد مشتاقیم بیست و هشتم شهر شعبان العظمی ناصر الدین شاه) ترجمه جواب نکر افتاد از جانب اعلحضرت سلطان

نکر افتاد و الا که جدا به تعالی و در بغداد را بکمال صحت و عافیت بیشتر حرکات و معاملات بعضی مامونین را منضم و موفقی صمیمی را در خوش خالصانه و موکد بود و اصل است خلوص شد تخمین فرعون نام همان بطرف از اساعی مدحت پاشا و کمال پاشا در مدحت شریف فرمائی ممالک و در عیال ما بجمعه اسراحت سهولت سیاحت مسته که اقدام افکار و تخیله از دست و وجوب بنویست نازه و اسباب و علت از یاد تو جبر ما در خوشتر افتاد نمیشد علیه اظهار بکر که حضرت نا کبد وفاق و اتفاق و ولایت علی بن اسلام از دو طرفین و بقای عزت و عافیت شاهانه و دعای ان نکران و نیز بکر مردم شاه ابتدا میشود غره شهر رمضان ۱۲۱۷ عبدالعزیز خان

بعلان نکر موکب فرزدی کوکب ها بونی باار السلام بغداد در سپید در هنکا مکه سیلا منی و اجلال و اهنه اقبال از دروازه قصر ناصر شریف فرمای خضر بستانند در سر دروازه مزبوره ابن مصر اع و انکاشنه بودند

ند و منتهی باار با سعوت

محمد امین منشی بغدادی در وصف قصر ناصر و شریف فرمائی خند بوهان فرخ خرد عدالت کس در ان قصر که از قدیم همیشه در مشرب شک روضه رضوان بون و پند عریه را عرض و انشاد نمود

ناصر الدین قصر فرید علا و سما بلا مقصود فحاکم فینه الفلک  
نری المصابیح فیه نجوم بدت لیل و کالشمس فیه طلعه الملك

محمد زهای افندی منشی بغداد بنر فصدیه فارسی بیکرانه و روزی که سعوت و اتحاد دولین علی بن علی عرض در حضور ساطع النور خسرانی انشاد نموده در مقرر شد که آن قصیده سنن انطباع باید و فصدیه مزبوره بعینه اخذ و بجز در دین و در ثبت مندرج شد

هر زمان که کز فضل و عطای این مردمان شدان شریف بشه بغداد در شک جمل ابا  
چو آمد شاه ایران یاد شاه روم را هم از ان شریف شد اکنون تمام اهل این  
ان بون و این عالم ازین شریف شد عوم که میناشد دلیل اتحاد شاه با سلطنت  
بیار در شان خدا همین همیشه بیکدیگر بیکجا بجدی یکدیگرند و متحد با هم که می باشد  
ز غر اسلام را شاه بیکدیگر بر اسنان ساید که از شرف درین ایدن سلطان عزت پاشا  
که این روز فرما هم در غل غشند چون انوار چو ایا هم بنباشند اینچنین بیکدیگر می باشد  
جهانی را بشرفش مشرف ساخت تا باید شرف از امامان هک و حکمت و عرفان در و چون پیرن هر چه هست از موفور

مقام از خالق که بیای با در ایشان

در روز عید سعید فطر از جانب اعلحضرت ناصر الدین با اعلحضرت سلطان و الاجامه ای نکر افتاد الحمد لله بزارت اماکن مقدسه و را علی در رجه خوبی با بل شدم و در مشوایان ذات همایون شاهانه و شما را سهم بزرگ میدادیم چرا که اعظم سندیات از درگاه خداوندی از یاد شوکت اسلام و بقای استحکام و داد و اتحاد و سلامتی جو همایون ملوکانه بود در امری بغداد که مصلحت ایچین عید بزرگ اسلام شد و روزی که ما را از تبریک این عید عظیم را با اظهار خوشوقتی از خدمات و زحمات مدحت پاشا و کمال پاشا لازم تر از هر قسمی که با اطلاع خاطر شاهانه بر سایرین امید و ارم از دو کا صمیمی ماد و ارم و شرف در دست و بکجهی در آمده بدرجه حصول مفرودن شود (ناصر الدین شاه)  
صوت نکر افتاد از جانب اعلحضرت سلطان عبدالعزیز خان

بجز بزرگ و شریف عید سعید فطر در شرف موش نام فرسندان بوم که ذات معالی صفات شاهانه شایسته فرمودند القصل التقدیم و این وسیله جلیله که نکر افتاد خانانی بعنوان اخلاص شعار و رسال فرموده اید و بشارت صحیح و عافیت وجود شاهانه بخاری بقی در رجه نمون و منت دار شدیم که تفریب و بیان نمونم کرد خصمکانات عالی شاهانه را نیز بدر لجهی اینچنین شریف و سربان عذبه مستعد و در سپر عزت و جلالت برقرار فرمودی و از درگاه الهی مکر با نغمی منبهم از اینکه مدحت پاشا و کمال پاشا در تحصیل ادا ده خلد شاهانه موفور شده اند و حسن نظر همایون در باره ایشان بوجبات خالصانه از این جهت دیگر در خوشنویسید و نا پند عوم چونکه اصل از وی همان ماد در سن سیاحت مبارکه تا در مالک ما شهنشاه و در پایان بقیهها



سفر به وجوه ابون شمارا بقدر امکان غریب نمودن اسامی کس در مختصیل این مفضول اهتمام و غیرت نماید مثل اینست که مخصوصا  
بنات و شخص خود من خدمت نموده است (عبدالغفرخان)

چون جناب پیشوای دولت و سفر کبیر دولت علیا بر آن که ساطعاً بقیم اسلام بود درین سفر خیر بنیاد شایسته ای خدمتگذار و  
جان نثاری بلعلا و محض ظهور و مرحت و وفور مکرمت پاس خدمان سابقه و لاحق و مغزی البی و نظیر بی روی مغام و درجه  
که در حق و نظور نظر عدالت کسرها بونست این اوقات وزارت عدلیه اعظم و وزارت و وفات و وظائف را بعهده کفایت  
و کفالت مغزی البی مفضول و مرحت فرمودند و باین موهبت بین الاماثل و الاقران مباحی و در جمند و مفردن هزارا کونته معافرت  
و اعزاز کشتی با عطا یکتوی جبهه شمس و در یک حلقه آنکسری الماس اعتبار و اختصاص یافت که حال انصیده مؤلف بود

سواد منخطها بوقی بافتخار مشیرالدوله

بنابر ذلت عید که در ممالک خارجه خاصه در دیار دولت علیا عثمانیه مخصوصاً در آمدن ما بسفر عربی زبارت بود  
مطهره منوره انور همدک علیهم السلام از میرزا حسینخان مشیرالدوله سمیت ظهور یافته است بنابر اثنافتح مخصوص که  
شبهت شخص و باین کلام شد بلنا اثنافتح خاص نسبت باو بفرمایم که جوهر کار دانی خود را دران روز بروز بمحض ظهور  
برساند و بافتخار خود را عاقل و باطل نکند از لهذا از تاریخ بیست و نهم رمضان سنه ۱۲۸۷ بوقت بیلا ورا بمحضت وزارت عدلیه  
اعظم کل ممالک ایران بجلاوه وزارت و وظائف و موقوفات ایران هم ضمیر وزارت عدلیه کرده سرفراز فرمودیم باید  
النشاء الله بعل این سر و زار بخانه کمال نظم را بدهد از بغداد نوشته شد

هم در این سال نواب و الا معتمد الدوله فرهاد میرزا حکمران کردستان را با عطا یکتوی بکفایته مشیر مرصع مکلل بالماس قرین  
مفاخرت و اختصاص فرمودند حاجی رحیمخان صند و قدار خاصه و لطف مجازن الملک کردید جان محمدخان سرنشین فوج  
خلجستان که در جنگهای قاری قلند و سایر مواضع خدمت کرده بلیقبت پفا السلطنه سرفراز آمد هم در این سال نشا  
العهد اعظم ظل السلطان دام اقباله العالی با عنا پشادی تقا و لدی دکور عطا فرموده بلیقبت جلیل جلال الدوله و اسم  
کرامی سلطان محمود موسوی و ملقب کردید سلیمانخان صاحب اختیار بنشان و حمالا میر نوغانی مقرر کشت میرزا حسین  
که در خدمت امیرزاده ابوالفتح میرزا حکمران نبرد وزارت این ولایت دار در حبس سعادتای نواب و الاحسام السلطنه  
بلیقبت ناظم الملک مباحی اید میرزا جعفر نایب الحکومه ملایر و میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه نوبیگان بلیقبت جانی و خطاب  
مقرر الخاقانی سرفراز آمدند میرزا عبدالوهاب رحمان و لدمرحوم میرزا محمد علیخان و ذری امور خارجه سالیست اول  
ذریه لوم بافت جناب عثمان الملک میرزا سعیدخان و ذری امور خارجه بیکه قطع در اثنافتح مرصع بالماس درجه اختصاصا  
بافت میرزا عبدالوهاب بخان نایب الوزاره و نایب الحکومه کپلان (جناب نصیر الدوله) با عطا یکتوی بقطع نشان بمثال

هاون مکلل الماس مقرر کردید میرزا عبدالوهاب مشیر کپلان بنشان سرنشین دوم با حمالان مباحی آمد نعمت الله خان  
حاکم و سر کرده نوکر شفت و رحیمخان حاکم و سر کرده نوکر شاندرین و جوادخان حاکم و سر کرده نوکر ماسان و معاف هر یک بنشان  
نایب کردید ندمیرزا کی ضیا الملک بنشان و حمالان از درجه سرنشین دوم سرفراز زد و از بنشان شد و میرزا بن العابدین پیر شانا  
البی بمجلس شکر نویسی با جادیه بر فرار کردید سر ششتری غلات خالص جرات و لایات ممالک و سرتیبه عده حاجی شیدخان مشو  
و اکدار فرمودند میرزا هدایت پیر نیک لسان الملک بمصیبت سفا سرفراز و میرزا عباس غلامی پیر و بکر مشارا البی بمصیبت شایخص  
مباحی کشت میرزا عبدالباقی بنجم باشی کپلانی در ماه شعبان در گذشت نصیر الله خان پیر امین الدوله مرحوم شد میرزا اسدالله  
مشو پیر مرحوم میرزا موسی نایب عمر من سکنه و فاقث کرد لطف الله میرزا حاکم سبزی و با سندی عای نواب و الاحشمه الدوله  
حکمران خراسان ملقب بشجاع الدوله کردید فزانت کبند راه نبرد که در مرحوم حسینخان نظام الدوله احداث کرده بود بواسطه  
عدم نفی خشت شده ناظم الملک با مراد و لای دولت با جوار و نفعی ان پیرا خنده است حکومته کره و نواب و الاحمال این میرزا  
فرمودند هاد بخان پیر مرحوم حاجی محمد و لیمیرزا ابوالقاسم میرزا و لدمرحوم کفایتا در میرزا مرحوم شدند آن علا مان خیر بر که  
در این سال جزیرال ضمیر سایر ماژر سبب این شهر بار تا جدار دام بلکه کردید بکی اینست که راهها صعبه دار الحلاله را حاجی  
و افضل از غریب عزان عربی غیر فرمودند سبک و اسنکرخان مهندس سناوی که در خدمت این دولت جوارید ملذات است باژ  
وسطی و هموار و کاسکرو و نماید و مشارا البی در انجام این خدمت بدل بجهت نموده و الحق این آثار ابدالدمر موجب است  
و سهولت فرود و قوا فل و زوار و بهترین وسیله و اسباب عاکوئی و جو مبارک است

و فایع معظمه که در این سال در تمام المرب افطار کرده ام رضی سابع و واقع شد

است

انا توفی بیکه درینا

غداد نفوس اهل انا توفی هفتاد و هفت کرد و و چهل و شش هزار نفر سپا شد چهارده شهر در انا توفی هفت که  
هر شهری علاوه بر صلوات سکنه دارد

اسپانیا

اسنغقای ملکه اینرا بلیان حقوق سلطنت خود با اسم پیرش دن القنوس در پادشاهانده هوه من ز لوبواسطه ضدیت  
فرانسه که بنی خلیف پیر سر فرانسسه شد سلطنت فرانسسه بر دوه و خواهان دنگار لسن که داعیه سلطنت داشتند و با  
نوار داوطلب شدت دولت داو سینه پیر ویم اعلم حضرت پادشاه ابطالیا برای سلطنت اسپانیا ضد بق نمودن دولت  
اطریش پیر و سول اینچال او را پادشاه شدن او باین مملکت قبل از ورود سپای نخت ز نوال پیر که درک داو سینه پیر  
پادشاه شده بود دیدند نظر اجنبی مقبول میگردد و بعد از درو سپای نخت و گذارستن نواج سلطنت بر سر موسوم  
باید دوم میگردد

اطریش







وتمام این سال در حالیکه پاریس هنوز در بند محاصره است و کثرت روسیه با طغیان خود را در قوه عیان پر و میسر ظاهر میسازد و نشانی  
سنتی و زکات نشان مخصوص دولت روس است که برای هر بارهای فسون پر و میسر انفاذ میسازد و بارضا و نفاق پر و میسر بعضی از  
فصلی عهدنامه هزار و هشتصد پنجاه و شش بلکه در مجلس کنکره پاریس منعقد نمودند بهم میزند بگرز اندیشه نیست که حامی حاکم  
عثمانی و ضامن انقضاء باشد و در نفاطیکه در سواحل قزاقستان ممنوع بود فلحظه بسازد بعد ازین خواهد ساخت و مستحکم  
خواهد نمود چون دولت روس و اطرافش بکنین این حال روس را کردند دولت انگلیس هم لابد تمکین نمود مرآده و رجال دولت  
جهت آنکه در شهر نور منوقف بودند با اهالی پاریس بواسطه باون و کبوتر جلد کار از کی از طرفه طوری مخصوص پاریس  
سخت شده بود که با اذیت و ستم کویانان در یکشنبه نهم روز سنه یکصد و پنجاه و شش در فتن اجزای دولت و جمعیت موقتی از شهر نور  
بشهر برد و مقیم شدن اهالی فرانسه برای جهاد

### انگلیس

فوتی در کلازان و زهرامور خارج در سن هفتاد سالگی بصله گرگان و بلجای او دولت انگلیس جنگ کامل برای وضع منازعه  
ما بین فرانسه و روس نموده ولی مغموری نشد یکی از کشتیهای دولتی در سم غرق اسپانیا با یا با ضلوفت نام که در آن بود  
غرق شد

### ایتالیا

بعضی اینکه اعلان جنگ ما بین فرانسه و روس پیشتر با وجود اینکه پاریس در مجلس شورای بزرگه و کشتیها و قسطنطنیه ایشان مشغول  
خود نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت فرانسه خارج شد و این دولت بواسطه جنگ با روس خود مشغول گردید  
و عساکر خود را از دست طلبید اعلیحضرت پادشاه ایتالیا را و در رابدون مخصوصه پاریس از طرف عساکر پاریس صرف کرد بگو  
معروف بمبسنی که حد و سد ما بین فرانسه و مملکت ایتالیا است سیصد و سه سال تمام بود که آن کوه را سوراخ میکردند  
دو اوبان مستان این سال با تمام وسیده کاسکهای راه آهن از دست مملکت ازین سوراخ کوه عبور میور و میبکند

### دانمارک

تعداد نفوس تمام این مملکت در این سال بیکصد و هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنجاه رسید

### عثمانی

اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنگام شب کشتی از هر دولتی که باشد بدون ممانعت وارد و بیجا بگذرد و در  
شوق بافتن سخن و اسلامه در عمل از آن فریب که هر روز و در وقت نفلت میزند و شصت هزار نفر بچانه ماندند  
شورش اعراب و حوالی نجد

### یونان

تعداد نفوس این مملکت در این سال و کرد و هشتاد و پنجاه و هشتصد و نود و چهار نفر میباشد

شرح  
و نایع سال  
بیت و نایع سال  
افد خسرو و صاحب فرزند شاهنشاهی حاکم ارومنا  
فداه طابو کسند هزار و در وقت  
وهشتاد و هشت  
همی قوی  
نری

دو اوبان این سال خیرال دای صوابهای ملوکانه بران علاقه یافتند که شاهزادگان عظام و وزرای کرام که اسامی آنها در ذیل  
مسطواست هفتاد و دو روز که روز شنبه سه شنبه باشد در دارالشوری کبری حضوری بهم رسانند و در هر یک ملکی شاور و نایب  
و گذشتن از این دو روز هم اگر امری می روی نماید بموجب اخبار جناب معتمد الملک که ناظم امر مشوقیخانه مبارکه است در دار  
الشوری حاضر شوند و فرمایشات ملوکانه را اجرا نمایند و اسامی شاهزادگان و وزرای معتمد بهم از اینقرار است (نواب والا  
مؤیدالدوله) (نواب الاملاک) (نواب الاعضاذ السلطنه و ذریع علوم) (نواب والا نصر الدوله و ذریع جنگ)  
(عبدالدوله) (مؤمن الملک) میرزا سیدخان و ذریع و خارج (جناب میرزا حسینخان مشیرالدوله و ذریع دوله و نایب  
و اوقاف) (نظام الملک) (فوام الدوله) (غلام حسین خان سپهدار) (جناب میر الملک) (دیو سنجلیان معیر الممالک)  
(جناب علاء الدوله) (پاشا خان امین الملک) (جناب ناصر الملک) (جناب حسنعلیخان و ذریع مختار)

اداره و نایب جان دولت علیه دارالطباعه حکام الملک محرمه سردار و ازجه بر لئی را بر بنده مؤلف و گذار و در زمانه دولتی را  
باسم این موصوفه فرمودند حکم این خراسان علاوه بر حکومت نیز بر عهد کفایت نواب الاحسام السلطنه و کول را شدند  
و حاجی شیفا الدوله بنیاب نواب معتمد الدوله خراسان شد امیرزاده محسن میرزا عابد بمبصب میرا خوری سرافراز  
گردید غلام حسین خان سپهدار حکومت فریب یافت حکومت از نذران را بجناب معتمد الملک علی رضاخان قاجار رحمت  
فرمودند حکومت عراق و کرم بجناب معتمد الملک تفویض شد حکومت شاهرود و بسطام و نری و با این خلوت میرزا  
هاستخان و گذار نمودند پاشا خان امین الملک بمبصب ناز حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه و  
پیشکاردی در الحاقه بر فرزند کردید اداره چایا رخا نهی کل ممالک محروسه را بمیرزا علیخان غنچه حضوری (جناب امین الملک)  
سپردند و قزاق لشکر که بجز می از اداره وزارت جنگ بود این اداره ملحق گردید جناب میرزا پوسف مستوفی الممالک

جناب علاء الدوله  
فوتی باشی بمبصب حلیل  
فراموشی کبری  
شد

تبع







دو ششم بخوار و با نای اینجند که قطعه نشان باوردی با و مرعش شده در خراسان کار نشین و غلابا که گرفته است  
دستگاه ربيع الثاني پس از چون خدمات و صدق چاکری بنده درگاه یعنی مؤلف مشهور و مقبول پیشگاه افغان  
که در بدکار بلیغ صبیح الدوله و در خط هابون فرق مباحث بفرمان سوسو و خط مبارک از فرار نبل است

سواد خط هابون مبارک

چون فریاد حاصله در اطباع هابونی از حسن مراتب و اهنامات که مله محمد حسن خان پیشینت و فرم مخصوص در پیش  
دلا الطباع علی مالک پسران مشهور افتاده خاطر مارا که ملا خوشنود داشته شد و بلیغ جلیل صبیح الدوله مخاطب  
فرمود که مویب اینان را و فتخار او شده بشمول الطان علی پیشین در خدمت محوله بخود اهنام نماید در شهر ربيع الثاني ۱۲۸۸  
میرزا زکریا اللہ جلوه منور بنیان و بچیناری برافرازد بدینسان لایحه ای امیر اشرف شاکر صاحب از اجله بزرگان و  
امرای دولت قریب الاکان و از محول مضمین معین و ناگزیر علوم و سپر بوجار کل با خبر و صاحب صفات غلبه کثیر بود  
گذشته از اینکه در مراتب مقامات عالی عرفان و درجات و شرف و رفیع سلوک و ایقان مقامی صبیح و محلی رفیع و مشرف چنان  
و مسلک کجاست را و مطاه ربيع الثاني بن سال طایر و خوش سده نشین که بدین زمان نوری مستنور بدینجهت اول از  
منصب شایسته افتخار و طور و طرز و اجرای احکام عاده که در قطع و فصل کارها و احقان حقوق در دیوانها نه غلبه عظمی از  
توجهات که مله علی حضرت هابون شاهنشاهی دام ملکه و بشارت جلی میرزا حسین خان مشیر الدوله و در غلبه چنانست که مرکز  
نظران دیده شده و در این وان محض بیضا و معدلت در تمام ممالک محروسه بلاد در وقت زین فرائین فضا این مجمع  
حکام بلاد و ابالات و ولایات انفاذ شده و ما بسواد یکی از آنها که خطاب حضرت شاهنشاه کرده اجل اعظم و بپدید  
دولت علی است اقتضای منبایم

سواد ملفوفه فرمان هابونی

مصباح مشکوه روح و مفتاح ابواب رفوح فرزند امعدار شد که مکار و بلیغ مهد و نشانی با شمال و صاحب اختیار مکت  
اندر ایچان بوفور مراسم و عنایات بجهت نهایات ما و کانه مفرح و سرافراز بپوه بداند از آنجا که تمامت ملوک کافه معصوم  
ارامش بلاد و حصو از پیش عباد است که در ناحیه مملکت کافه رعیت که حضرت بار بپنجام و قد من را و در بعضی انداز هرگونه  
هدیه و اضطراب مثل و عذاب که در غیر خود و در وجوب خارج از قانون شرع مستطابست قریح و اسوده باشند  
و پس از این هر کسی که معمول حکام پیش بوده که باندک تفصیر و حرکت خلاف که از رعایای نادان ناشی میشد  
ایالت و حکومت در اجرای حدود بمکانات و مجازات باندازه میر خند که مایه مقرر واقع بی سیاست حامی شد  
و در مان مرتب تقصیر گرفتار بوند خواستیم کلیه این رسوم منقطع شده اختیار مجازات هر یک از مقررین عباد در  
لبی ای بلاد فقط با ذات کامل الصغانت اقدس هابون سلطانی متعلق باشد لهذا از همه السنه مسعوده قوی بیاید

معدلت ملوکانه چنان افضا فرمود که بهرین حکام ممالک خارجه فروداریم که در سبب و فضا و مقرران هر طبعه که باشد خواه میانشند  
نفوس با منظر مال و ناموس که باقتضای شرف نظر بناد و اقدام بجنابت و جنایت میبایند نفس را با حاکم و حکومت قبل از توثق  
و وضوح نظریه ایجاز و مادون در سپاست فضا نباشد و ازین تاریخ هر چه میگردید است افتاد و هر مقررین کرد  
و کاتب بهم سپید فوراً مجوس نموده بجز خلیس حکم دیگر هیچوجه نکند و مراتب و ابالات و اسباب بوضوح و اثبات توسط  
جناب جلالتاب خوانا اللہ لایحه العالیه که وزارت علی عظمی و املا و امور و وظائف و اوقات و جملها و  
مرجع و خاطر معدلت ظاهر بجز اسن ندر پاره و اید و استقصا او در کلیه امور و اعتماد حاصل است بجا که ای مبارک معلوم دارند  
تا بعد از غور روی کامل آنچه در حضور هابون فرین اثبات افتاد و حکم مجازات از مصدر خلاف شرع ضد و پافتن جناب حضرت  
ملول حکم هابون را انعام نموده از انفرار اجراء و انفرار نده سعادت بخوبی مقرر در فتنه معمول داشته اند و الصل  
تلف و اغراض نور و در عهد شناسد شهر ربيع الثاني ۱۲۸۸

ابوالحسن خان ولد امیر حسین خان شیخ الدوله زعفرانی و ما که فریاد از آنکه که فضا اخذ و ناز اسپندان و آن  
حدود داشته اند نموده عوض مراد خان سردار را با هیجده نفر از منابین او دستگیر کرده و شیخ الدوله سردار بپوه  
را بشارت خود رسانید میرزا عبدالواها بجان ناپس او زاره که در امور پست خارجه آذربایجان و حکومت کپلان معدلت  
نمایان نموده و کمال کفایت و کار دانی خود را مشهور و خاطر خطیر فریاد داشته بلیغ جلیل نصیر الدوله ملقب که پدیدار از غیر  
مرکزین مشیرین السنه خارجه و دانستگان علوم غریبه و فضلا و ادب با فرار و بنده مؤلف برایش بپنجلس امور و میرا  
آمد و در خط هابون درین باب شرع ضد و پافتن که سوادان از فرار نبل است

سواد خط هابون مبارک

تاریخ تربیت دولت و دوز افزون که جمعی بر آوردگان عهد هابون دارای علوم و دانای السنه مصطلح از غیر پدید شده اند تا امروز  
موافق مخطوطات ملوکانه حاصل شده است اینها و فائزاده علیها افضا کرده است که با نقاد دارالترجمه دولتی خواهد  
مترجم این امر حاصل شود و چنانکه در سایر دول اینکار در تحت فاعله معتبر است در این ملک محروسه نیز فایده ان از انست  
علوم مفیده و کسب اطلاعات لازمه شایع فرمایم محمد حسن خان صنایع الدوله مترجم حضور هابون در این  
تاریخ فرخنده برایش دارالترجمه دولتی اختصاص دادیم که مترجمین از هر زبان و هر فن در عمارت که حضور اینکار  
معین شده است مجمع داشته بطوریکه بالمشاهده العلیه فرمایش شده است همه اینها را بخدمت مقررین باز دار مقرر  
انکه عموم مترجمین و دانندگان السنه خارجه از نبعه دولت علیه ایران بلا استثناء خود را جز بپنجلس مترجمین نداشته  
و از سنه العلیه صنایع الدوله خود را خارج ندانند فی شهر ربيع الثاني ۱۲۸۸



امیرخان ولد محمد صالح خان کرد بجه سر نشین کردگی ستوان کرد بجه بر فرار کردید حاجی محمد حسین امین علمای  
 فرزین بجای از درجه سر نشین و حاجی محمد ولد معری بدین نشان و حاجی سر هنگی و زبانه زدم جادی اولی و کوهک افند  
 کاندن پلاقی که معاودت مقرر مؤلف سلطنت باطل جلال نمود حکومت همدان را ضمیمه سایر مشاغل و مناصب جناب علامه  
 فرمودند بعد از فوت مرحوم میرزا محمد حسین ناظم الملک پیشکار اصفاهان حسینقلخان مافی به پیشکار اصفاهان افزون  
 شد میرزا احمد علی الله ولد مرحوم میرزا شکر الله لشکر نویسنده منصب لشکر نویسی مقرر کردید جناب میرزا فتحعلی خان رضا  
 دیوان به پیشکار دیوانه باجان و وزارت حضرت شاهنشاهزاده اعظم و لایحه و ولت علیه ایران مباحی کردید بمیرزا ده ابراهیم  
 میرزا کور در جردان شام السلطنه لقب یافت محمد باقر خان سر نشین مملکت شیخ السلطنه شمره فرعی خلیفان و کمال الملک حکمران کرمان  
 و بلوچستان ابطالی نشان شمال بمشال هاپون مقرر کردید

چون اعلم حضرت امیر طود درین بیست نفیس تقسیم عزم داده اند اعلم حضرت شاهنشاهی نام ملکه برای  
 وصول اعلم حضرت امیر طود و باغچه و مقرر فرمودند و ابوالاحسنه الدوله امیر جنگ باجمعی از صاحبان بزرگ از راه کماله  
 رعانه نفیس شوند و ابوعظم حامل نام مرع علامه و ستانه و امور با بلاغ حضور اعلم حضرت امیر طود و سر کردید و اساسی  
 صاحب منصبان بود از فرار دیوانه

(شاهزاده عبدالله میرزا رئیس سابق فئودن خراسان) (علیخان سر نشین اول جزایر فئودن و امور سابق نفیس سر نظام الدین  
 امیرزاده همدان سر نشین کارپرداز سابق بغداد) (میرزا مهدیخان مهندس مخصوص) (میرزا پیر و سرخان مریم مخصوص و زارت خارجه که  
 چندی هم در سفارت بطریونوغ مامور بود) (میرزا تقی طبیب که در مریه و ستره الفنون و باستانی حکیم باشی مخصوص حضرت  
 شاهنشاهی دکتور طولوزان در علم طبابت و لسان خارج مهارت برسانیده) اینان دو مرتبه در تبریز پستلاده است مبعوث  
 مزار نومان نقد و یکصد پنجاه هزار جنس در هذه السبب عینت فرائیم تخفیف دادند همچنین شش هزار و هفتصد تومان بعضی از  
 مناهای در الحلافه تخفیف مبدول فرمودند میرزا فتح الله خان سر هنگ که در مریه و ستره الفنون تحصیل علم هندسه و بیچاره نمود  
 بمعلی کل انواع و بیچاره ظاهر بر فرار کردید و دو بیست نفر بوی خلیفان نیز با سپرده شد میرزا پوسف خان مستشار

وزارت علم اعظم بر حسب سندهای جناب مشیر الدوله وزیر علیه اعظم بر بنبر سرتیبه اول خارج از فئودن و حاجی و نشان شهر  
 خورشید سرافراز آمد تا خوشی و باکره در تبریز بروز با فخر و نور و نجف نهاد در نحو نیز تا خوشی و نور و زکره و ولی که شد است  
 شاهنواز خان خاری بکرمان آمده که فرار توکری خود را بکنار دهرآرد و ششصد سواره و پیاده ترکان در حوالی خرس قرار  
 شده و عازم ناخن نماز اشد و بود اند سهام الدوله ایلخانی بحکم نواب و الاحصام السلطنه بر اینها تاختن نموده بسیار از  
 آنها را مقتول و بقیه را مغرب ساخت همچنین از کلان خبر داد که در دهرآرد سواره و پیاده از حوالی چچر عبور کرده بقلعه رشتم  
 سر کوب قلعه را بنکان و بنیه هراسگر و با نجا مستو شده و اطراف قلعه را بنکان را محاصره نموده و منای جنگ نهاده سرانان شدند

فرشوی پیداکان دلیر چولانی و اهل قلعه سیصد نفر از آنها را بنفر کولوازی یاد داده باقی فرار کردند و در هر دو واقعه از  
 ترکه جمعی اسیر شدند

روزی سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امام المومنین علی رضا علیه السلام است سلام عام منعقد و ذات ملکونی  
 صفات هاپون در آن وقت مرزبانی چلبوس فرموده نطق مسطور در ذیل بیان فرمودند

نطق هاپون در سلام مخصوص وزیر عبد مبارک

البته از زجال میکند که چرا من ملتین بلیا را هل نظام ستاده ام علت آنست که چون امر و زور و زعم بود امیر المومنین علیه السلام  
 و روز فرخنده و مبارک گشت است کله فئودن را بعهده خود گرفتند ام و از امر و زباید داخل خدمت فئودن محسوب خواهم بود

وسیله ای از انبیا پیدا کند درین سنوا که گشتند نطق بیکه باید و ستایشه و کتایر است و ان قصبه که منظوم نظر ملو بفرمایند  
 در شعبات نظامی و غیر نظامی حاصل شده مخصوص ان تر قبا بیکه در اسلحه جدید بود و در قواعد شوق و در علم نظامی که

آنانا ناد در نر پد است سر با بران نکرده و سر کرد کان و صاحب منصبان از بزرگ و کوچک کالیف حد و خدمات خود را کرده  
 شان و احترام نظامی از میان رفته بود و سر کرد کان و رؤسا و کسانیکه داخل در خدمات عسکری بودند و بعضی اعمال ناشایسته

عادت کرده و قوانین نظامی را فراموش نموده بودند و در و هایشکه دایم در مشق و حرکت با پدایشه در سر حدان چه در داخله  
 و نقاط معین حرکت مانند که فراموش شده بود و همچنین بعضی معایب بیکه در وضع آنها الزام آورده و لیس است این است که

رپاست نظامی را بنفیس بقدر لازم دانستیم در کار فئودن و اشتغال امر بجهده خود گرفتیم چون بکفر تو کرد و لغوه صدق و فاعل  
 لازم که واسطه میان ما و مؤفقون باشد لهذا میرزا حبیبخان مشیر الدوله را که حاضر خدمت است انجا بخت خود ناپس کرده

ملقب بسپهسالار اعظم و وزیر سپه اعظم عسکریه منبر هاپیم و ایند و کتاب قانون نظام و کده سا با فائوشه شد و هفتون اجوا  
 بنا قریب بود و خودمان با و میدهم که انشاء الله تعالی فی نقطه اخر مجری آرد و نکته فرنگدار و ازین روز بعد الفایده فقا

نظامی را تحققات باید باشند بواسطه و در است و از امر و زباید خدمت یاداشتی بیک خواهم داد و هر چه  
 نسبت به سیاست گذشت و اغماص بچو جیخواهد شد خادم محرم نخواهد ماند مفضل ناد نخواهد کردید

عرض مشیر الدوله در جواب فرمایش ملوکانه

خانی صفخرت و کمال مباهات افراد و احاد فئودن ایران را حاصل است که از امر و زباید اجرامان کالیف و اکرامان مستخف خود  
 و اصله با بخواهند کشت مقدار عنایت در تقدیم خدمت انستند اندازه سیاست در فئودن چنانست شناخته اند کالیف

و امور معین بیک معدن و محد و کشت انشاء الله بهمین سبب از فایده نظونه خاطر مبارک عنقریب بیکت ظهور و برود خواهد یافت  
 عبدا ان تمام نطق هاپون هم در زار و شاهزادگان و امر و صاحب منصبان نظام و غیر نظام مرخص شده با سپهسالار اعظم

باطاق نظام رفتند) (میرزا ملک در اطراف نظام ابلاغ و مخط مبارک را خود



سواد خط مهابوت

۱۴۵

چون ملاحظه خاطر ما در نزد دولت خاصه مشرف و نظام است و عملاً بقوام که بکفر و اذیت نظام ناز و دعایین امر بدیهی می باشد و شایسته  
تسلی و تامل باشد انشاء الله تعالی جزیه و کلبه و عسکر به موافق دستور العمل باید تحت فاعله و قانون باشد لهذا در واسطه  
فوق بلخ حضرت پهل مشیر الدوله از جانب شما را که بکلی از فداء حاضر دولت از دولتخواها ایند لکنست و از عظم عساکر  
منصوب نظام و غیر نظام و بلیغ پهل سالادی عظم ملیغ فرمودیم که در اجرای قوانین مستحق عسکر به خدا کمال اشدان جانبنا  
انچه صلاح دانسته حکم بکندها حکم ماست بکلی مخالف شد

و هم بدین مبادی که در نظر حضرت ظاهر و صدف و نور یافت معراج ملک و نیز خزانة عامه معظم البلیغ نظام الدوله  
و بمصیبت ناز و ماله بحرح و سیران سر فرزند فرمودند و خطها بود در اطراف و سونو بنفای شان با حضور جمیع ارکان دولت را

سواد خط مهابوت

مبطل اللذ و شعله خازن چون در حدان خود کمال اهتمام را کرده است و خاطر ما در از طرف خند مشکاری خود خوشنود از در بنویشت  
که بواسطه هذه السنه قوی بلخ حضرت پهل است و رابلیغ نظام الدوله و وزارت ماله که از اعظم مناصب دیار پست است  
فرمودیم که در نهایت امید واری مشغول خدمت خود باشد

حضرت شاهنشاه افراجه اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس که احضار بدارها بنوشده بودند و بیاتر در هم وجب وادی دار الخلافه شدند  
در ده ها که با نشانی ناخوشی و بام و زکرده در که عرشنا حسب الامر بعضی فاعله ها بسازند و سبیل شارژ از فر فرانس که تاز  
مامو امانت ببارد و لک علی شده سینه همید هم رجی میخیزد هم ظهورها بون مشرف شد کتایف فرهنگ انجمن ای نامری  
از مؤلفات مرحور رضا افغان الباشی و قبح الله روح طبع شده و بفرودش می رسد حاجی نهم الدوله البشیک افا سی باشی بوزارت  
عده سر فر از کرد بد چو بواسطه خستگیا سنواتی فقر و وضعاً اطراف ممالک محریس بدارها بود و نموده جناب پهل سالادی  
محض و لشوهر فرادادند که محمد علیخان مرتب بکس نظریه ضعف و فقری و لایب از غریب بوی جمع او کند در فاعله تصرف آباد  
ملکی در سکنی دهد سارا البصیر لکنها در امکان جمع کرده بوجوه فرود و وعده نان و کوشش میدهند همچنین اطفال

فکر که در معین و پیر شتابی ندیجه هر یک لباس نظامی ترتیب داده و در مدرسه مخصوصی بجهت ایشان اخراج معین کرده بر باشت  
مراقبت حاجی پهل پهلستان کار پر از مشغول تحصیل ادب علوم هستند از روی چهار شنبه هم شتابان جشن و عروجه حضرت اجل اعظم  
نایب السلطنه امر کبیر و شروع نمودند و تواب الاحسا السلطنه بزارت حضرت اجل معظم فر بن اعزاز آمدن از آن تجارتها  
نواب الا اغضا السلطنه زبیر علوم و تجارت و صناعت و معاد انظام و رونق تمامی بار در روز پانزدهم شهر شعبان که  
عید ولادت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه می باشد که بفضله شکر کمال بالماس کرده هزار تومان قیمت داشت بمذول  
مرحوم فرمود حاجی سعدالدوله فیر علی خان بمنصب امر قومان سر فر از کردید

در این روز  
در این روز  
در این روز  
در این روز  
در این روز  
در این روز  
در این روز  
در این روز  
در این روز  
در این روز

در این روز  
در این روز

روز بیست و نهم شعبان اینسال جناب جلالتنا پهل از جانب شما سپه سالار اعظم را بمنصب بزرگ صدر اعظمی دولت  
علیه بر فراد و منصوب فرمودند و عصر همین روز با حضور جمیع شاهزادگان عظام و رجال دولت و اعیان و اشراف و ارباب  
مملکت جناب محمد الملک و نیز مخصوصاً حضرت شمس مرصع که از لباسهای خاصها بود بود یاد ستخط مبارک مسطوب  
در وزارت اعظم عسکر به از طرف فرزند و ملوکانه ابلاغ نمود

سواد خط مبارک

چون در هر دولت و در اینست که بکفر از نوکران کافی و رجال دولت را مسئول امور دولت نمایند و نظم جمیع امور از لشکر  
و کشور و مالیات و جمع و خرج و اسوق کمال رعایا را از او میخواهند و چون این امر در ولت ایران مشرک و مهمل مانده بود و بدین  
واسطه بعضی اختلال را مورد و لکن پیدا شده لهذا در بنویشت که قوی بلخ حضرت پهل است و خط مهابوت  
که فاعله مند اوله سابق با بحری ششمه شکر کافی و دولتخواهی مسئول کرده امورد و لکن کلید با و پیمان بر مرز احسین  
اعظم از آنجا که انموده دولت است بلیغ صدر اعظم سر فر از و بیک و بد جمیع امور دولت را از فاشون و مالیات و حکم  
و ولایات و کلر و قوی و قوی دولت را از او خواهم خواست امیدوار هستیم که انشاء الله تعالی فاعله ناز و ملوکانه ما را امداد  
بندگانه اندس مهابوت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانند دستور العمل نظم و قوی و مهام مملکتی باید ستخط مبارک را از  
فراد فرمودیم که اندک جناب پهل صدر اعظم از همین فراد بحری دارند

کلید را موانع دولت خواه کشور خواه لشکر خواه داخل خواه خارج بایده صدر اعظم بشخصه خود رسیدگی نمایند و امور  
دولتی با از بنفر بحری دارند

اولاً امر ارسال و مرسل نوشجات و لایب است که از مهام عده دولت است جناب صدر اعظم از روی خدمت دستور العمل پهل  
علیخان منشی محض و در کسب چایا رخا نماید هند که بلیغ این باشد که چایا پاران در غره و بنه ماه بد و ن خلافت و ناخر  
رواندر ولایات شوند و از ولایات نیز عازم در بار کردند

ثانیاً احکام ولایات ممالک محریس و ممالک خود را بجزا بر صدر اعظم بنویسند و از جانب معز ماله جواد بخوانند  
نه مبتل سابق که از هر یک از هر جزئی عرض و طلبی باستانها بون عریضه نکار شده سزای خاطر مبارک میشدند جناب صدر  
اعظم بعد از مطلقه نوشجات و ولایات و اطلاع ان مطالباتنا چیزی که بر من ما باید برسد خلاصه کرده بحضور بفرستند و هر  
طور جوابی در حدیثی از ان فراد انصدار عظمی احکام لازم صادر نمایند ولی در همان عریضه که بابت در مافرنشاده شود  
جناب صدر اعظم باید رای خودشان را در حاشیه بن مطلبی اظهار کنند و در صورتی است که جناب صدر اعظم در کار  
مبارک باشند و قنیه در و از حضور مبارک باشند جواب نوشجات نباید قنیه ناخر بنفند بعد از ارسال جواب سواد آنها  
در هر جا که اردوی مهابوت منو فاعله سالان دارند

در این روز



قالا مفضلان مطلبان که ذکر شد انبست که جمع احاد و افراد چاکران در باره از خدم و حشم از فسون و غیره شون ایجا  
و رعیت جهان الوجوه برضه بجای ای باره نباید بولسند عرض مطلب که دارند با بختیاب صد اعظم اظهار کنند بجای  
از جناب سنطاب معظم البه بخواهند

**رابعاً** آنچه فرمان و برات و احکام نظامی و احکام دیوانخانه و اسناد خرج و غیره که می باشد بجهت مبارکه برسد از تاریخ  
بعده بجهت خاطر مبارک خود را بر حمت نوشتن صحیح مشغول نمیزمانیم آنچه متعلق بدفترخانه مبارکه است فوام الدوله و غیر  
محاسبات عبادان که خود شان کمال مواظبت در دفع آن برات بان فرمان کردند و مهر نمودند باید بهر جناب سنطاب صد  
اعظم برسانند هر صد اعظم در عوض صحیحها بولسند بعد بعضی بکنه خاطر مبارکه که اطلاع از صد و فرامین برات بهم رسانند  
خلاصه را بطور فهرست بولسند و جناب سنطاب صد اعظم هرگاه بپند حضور فرستاده شود

**خامساً** و ذریه و وفادار و مطالبه باره خود را با اطلاع صد اعظم برسانند باینجهت جواب سوالیکه با سفرای خارجه معتم  
طهران میشود و نوشتن چنانکه رد و بدل میگردد در ابتدا و زبر امور خارجه باید با اطلاع صد اعظم برسانند بعد بحضور  
و همچنین مطالبه نوشتن چنانکه از سفر و مامورین دولت علیه بران کرد در صفحات خارجه معتم هستند با در سرحدات می  
و ذریه امور خارجه اول بنظر صد اعظم برسانند بعد بحضور بفرستند اما اگر مطالبه فوری فوری باشد و زبر امور خارجه  
کرده مثل اینکه سابق بحضور مبارک بفرستند از صد اعظم بفرستند ایشان ملاحظه کرده حکمی که لازم است بولسند و  
تکلیف زبر امور خارجه امرای اعلم است بعد زبر امور خارجه مطلقاً باینجهت اطلاع خاطر مبارک بحضور بفرستند

**سادساً** در باب اول که امضای امین منصب دار عظمی جناب صد اعظم در حقیقت تقویت عمل فسونت هر قدر رئیس  
فسونت معبر باشد البته پیشتر فسونت در امور زیادتر است جناب سنطاب صد اعظم پیش از پیش باید در وقت در عمل فسونت نمایند  
و عملتکران کارهای عهد مخصوص خود باشند و هفته دو مرتبه فهرست خلاصه فسونت را بخدمت خود نوشته که در پوت نظامی باشد  
و بکفر لیبیان و زلف اعظم عسکریه فرار بدهند که هفته دو مرتبه بان را بپوت را بحضور بیاورد و جواب بکیر و آنچه از ولایات  
نوشته و طالب نظامی هر سه چون خاطر مبارک زیاد ما باین نظام اداره عسکریه هفته دو مرتبه جناب سنطاب صد اعظم  
اصل خلاصه همان مطلب بوسط همان جوان بفرستند که بنظر مبارک برسد

**سابعاً** امور وزارت عدلیه و فسونت است بکی عمایر مختصر است که خواهی ظهور الی و له میکند داند بکیر از فسونت هر ماهی که  
باید جامع ظهور الی و له خلاصه کرده بوسط فوام محمد خان امین دیوان تری صد اعظم ارسال دارد جواب صد اعظم بولسند  
محمد خان بلحاظ مبارک برسانند از آنرا که صد اعظم نوشته است بجهت بدارند

**ثامناً** مطالبه مغلون بوزارت علوم است حد رسد از الفنون و نگارخانه و تجارتها نظیر بکه اعضا السلطنه نشانی  
بهرین امر برسانند و جواب بکیرت بر صد اعظم برسانند و احکام صد اعظم بجهت بدارند

**ناسعا** در وجهان مال بان جناب سنطاب صد اعظم با بختیاب مراکت نماید که انشا طاز و لا بان بزودی بخوبی  
و بوضع وارد دار الحلافت شود بعد از وصول خبر از نه عامه با اطلاع نظام الدوله و زبر مالیه بخارج دولتی برسانند  
بعد از وصول فسطور رساندن بخارج لازم صورت اصل

تخواه و بخارج را باید بنظر هابو  
طبرسانند

**عاشراً** مطالبه فقره ذیل از بنبل حرم خانه مبارکه بوسط میرزا کی نایب وزیر در بجم نظارت خانه شنکندار  
دیوانی اصطبل خاصه صندوقخانه و رخسارخانه و جوه صرف جب بخوبی امین حضور ذرا شخانی در بن خانه اصطبل  
توچخانه و آرا طباع خاصه و آرا ترحیمه فاطره خانه شرفخانه بنا خانه سرلپارخانه باغات دیوانی فنوآت دیوانی و غیره  
اشباع میرشکار و غیره کلا باید بمرض جناب سنطاب صد اعظم برسد و از صد اعظم جواب بکیرت شود حکومت طهران  
باید و وز نامه شهر حومه را هفته دو مرتبه بنظر جناب صد اعظم برسانند

که بعد از ملاحظه ایشان بمرض حضور  
مبارک برسد  
در آنها ای بزم سنو العلی بدستخط مبارک مرفوم شده بود

**دستخطها پون**  
عجلان دستور العلی است که در امور دولتی جناب صد اعظم نوشته شد  
از اینقرار معمول دارند انشاء الله  
تعالی ۱۲۱۱





محمد بهدخان اعضاد الدوله با بلخانی کری ابل جلیل فاجار سرافراز شد امین حضور پیشخدمت خاصه شرفیه خان  
 صر فوجی ها چون کرد بد حکومت عثمان و دامغان را بعهده کفایت عبدالرحمان پیشخدمت خاصه شرفیه و گذار  
 فرمودند جناب سبوا البسوزی پرتخار و دولت انگلیس و زشم رمضان المبارک بانفان جناب وزیر امور خارجه  
 شرفیاب حضور باهر النور مبارک کرد بد از مسبوا بنده که از طرف دولت انگلیس بجهت فوئسو لکری مامور بودند و بار  
 ها چون استعزیز نمود رضا فلجان ناپس اول نسفی باشی مستشاری دیوان علمیه برقرار آمد عبد الحسین خان سرهنگ  
 پسر محوم اعتماد السلطنه در سن سی هفت سالگی در شب شنبه شمس شعبان برض مطبوعه و محرفه بر حمله از دی پوس  
 نواب الاچتمه الدوله امیر خلیفه که بجهت هفت مقدم اعلم خضر شایر طور و سردوانه نقلیس شده بود سطح شعبان ترا  
 بدار الخلافه کرده نامر مرم علامه حجه اعلم خضر معظم البه که در جواب نامه محبت خاتم اعلم خضر شاهنشاهی فرمود  
 بود ابلاغ نمود حاجی محسن خان وزیر مقیم دولت علیه مامور با فاضل در بار دولت انگلیس با عطا و لیت نسبت وزیر مختار  
 سر بلند کرد بدایق اوقات از معلمین مدرسه مبارک که در القنون نموده هر یک از معلمین و متعلمین را بایشان  
 و اضافه و واجب انعام و خلعتی که سزاوار بودند مورد عواطف ملوکانه فرمودند در این امتحان مریز علی اکبر کاشانی بلیغ  
 نقاشی ملیک کرد بد و میرزا جعفر خلیفه شاکر دان نقلشی با عطا لیت خانی سرافراز شد و مسبوا بشار معلم زبان  
 انگلیسی و خیره را نیز بلیغ خانی درجه اخضا مرید اند جعفر فلجان رئیس مدرسه مبارک با عطا لیت نشان و جمال سر بلند  
 مباحی و مخترک کشت نواب الاعضاد السلطنه وزیر علوم که مساعی جمیل در کلیه امور مدرسه مبارک که مبذول نموده بود  
 خاطر همه ظاهر ها چون از مجاهدان ایشان زاهدان کان فرزند خردمند کرد بد نواب معظم البه را یک قطعه کل و مکمل  
 بالاسر کرا و عواطف ملوکانه مورد مرعش فرمودند حاجی محسن خان کومانی از اجله علمای شیخه در راه عثمان عالی  
 بجوار حشمت الهی رفت این اوقات مجلس شورای نظامی برقرار کرد بد چون میرزا محمد حسن میرزا امیر خود بواسطه بر زمین  
 نفرین توانائی التزام و کار مبارک کرانداست بر حسب استدعای مغزی البه محمد حسین میرزا و لدا ایشان بمنصب جلیل میرزا خود  
 برقرار کرد بد این اوقات که بواسطه خشکسالی از وفه در بعضی از ممالک محروسه کبابیست و مردم بیضاعت از اوطان خود با  
 مرام ملوکانه در ویدار الخلافه مرهای چندین هزار تومان نفس نفیس مبارک وجه الاعانه بفقرا وضعفا و ارام  
 ایام مرعش بفرستید و شاهزادگان و امرای و وزرا و رجال دولت جاوید شوکت علیه از شخص جناب مستطاب پسر  
 الدوله صد اعظم ناسا پر و زرا و امرای غیر هم افتد البچه سینه شاهانه نموده هر کونه اعانتی بخواهند مینمایند و غریبان  
 از فقر را در اماکن معینه جا داده و بنوسط مباحترین محضوم با آنها از وفه میرسانند و از برای اصلاح این بخله مجلس  
 معین برقرار داشت فوج نظیه را با اللهبار خان سر تپ فوج و سواره حرغان و گذار فرمودند که فوج حرغان بفرستد  
 اول مبارک و فوج نظیه بر سپیدی نظم شهر دار الخلافه بر زبان میرزا حسن خان منشی بفرستد که از اجرای

مستطاب



سابقه سفارت کبری اسلامبول و در آن صفحات مصد خدمات کرده و صاحب بکفطعه نشان افتخار از جانب دولت تونس کرده و در سال هزار و دویست و هشتاد و چهار یک بار پیرازی از نزهت الترم بر فرار بود و یکسال بعد از آن بکفطعه نشان و چهار از درجه و هم سر بیله و دو پست نومان اضافه و واجب سرفراز شد و یکسال قبل از هذه السنه با سن مجلس اجرای حقوق در اینسال بمنصب سردی جناب جلالتا بصدراعظم نایل آمد

دار الخلافه

حکمران طهران و نواح را مستقل بعهده کفایت حضرت شاهنشاه کرده اعظم نایب السلطنه العلیه امیر کبیر را ام ابیاله العالی مفضول فرمودند و پیشکاری حضرت معظم و وزارت مستفله شهر دار الخلافه و نواح موکول و محو میرزا علیسه وزیر کرد بد حکومت سواد کوه را ضمیمه حکومت مازندران نموده بجای عضد الملک رحمت فرمودند و سرفرازی وجود مسعود مخصوص همایون که با فوج سواد کوهی است خاص جناب سنطاب صدراعظم کرد بد ایشان از جانب خود جناب عضد الملک را بر سپید کی امور فوج سواد کوهی فراروی همایونی گذاشتند محو خان سر نایب فومنی اعطای بکفطعه نشان شیری و خورشید از درجه ثالثه خارج سرفراز و بهماناری سفاری دول شجابه که از کبلان بدربار معدنمداری آنگدی بر فرار کرد بد میرزا ابوالقاسم معین الملک منوط باشی حضرت رضو سلام الله علیه در رمضان اینسال مرحوم شد علمبردار خان سر نایب فوج زنجیری در گذشتند و پاست سنه حیات سواره افشار ارومی سواره چهار دولی و سواره چلبیانلو و سواره ایلات خراج دروغ و سواره شتافی و سواره اردبیل و مشکین را بحد نفغان افشار میرزا خوراصطبل نو بجان مرخص فرمودند حاجی سلطان محمد میرزای سفا الدوله بنو اینسانه مقد حضرت رضو علیه السلام سرفراز کرد بد در بار الخلافه و اکثر مالک محروسه باری کههای کاملاً نافع شده و امیدوار حامی شده که در بهار آینده مردم از زحمت چند ساله خشکسالی فارغ شوند آبهای بخار بکه بواسطه اسباب بخار در نورخانه مبارکه دار الخلافه ساخته شده و با تمام جهات بخار خان سر نایب اول اجود اینا شتی را بر کرده مورد محسن و موجب مرام مخصوصه اعلم حضرت همایون نسبت بجها نیکر خان است بعضی عمارت دیوانی بنو سطا و آنها جناب علاء الدوله ساخته شده که نهایتا مشایخ از هر جنبه دارد

و از آنجا که چنان در دروازه دولت در پیشه

موسویان همایونست که نایب عالی

و ممتاز و بسیار با شکوه است

شده است

اداره باغات مبارکات سلطنتی بیلا فانت و عمارت مبارکه دوستان قیصر را با من حضور بشیخ مت خاصه شرفیه و الکتا فرودند این بام تعلیف جناب سنطاب صدراعظم منهی از مکتوبات خاطر خطیر خسروانه بحکام و لایات مالک محروسه مرفوع نمودند که سواد آن از فرار دیلا است

سوال تعلیف جناب جلالتا امیرالدوله صدراعظم

از جمله بدیهات است که اعتبار و عظمت دولت منوط و بستند و چیز است نظام در امور آن در باری و سایر رتبههای دولت و ثروت رعیت است که ایند و فقر در دست مستحکم باد بر یکی از اجزای او اختلال بهم رسید از عظم و اعتبار دولت که همیشه و وقوع اختلال هم از طبع با غرض کرد در حقیقت غرضهم از اینست طبع است بظهور مبر سلطنتی بدارت عقلی و نقلی بدین و بالا از بیلبلی بجهت تجزیه دولت طبع است ناد و دولت بطور جد و یقین بدین و بیخ این عرض مملکت مسری ننگد مینو انداز باقی شان و عظم خود مطین و اسوده شد سر کار اقدس همایون شاهنشاه عادل و ظلاله فی الارضین خلد الله مملکت و سلطنت در و بیخوایم و اکل ملت این ضربه شده اند و اینکه شغل و منصب جلیل صدارت عظمی را با این بنده درگاه آسمان جاه مرحمت عنایت میفرمودند اول فرمایش او امر ملوکانه در قطع و تمام این عرض مملکت که در باران عالم کبر شده است فرمودند و بعد از آن الهی و نوجوان اعلی در جات شاهنشاهی و ایندند بیجا اقل در دربار همایونی کار سهل شده است که میتوان گفت و نیا نمودار و شوق و تعارف و هدیه پیشکش که با سامی مختلفه نیجه واحد دارند اسمی باقی نماند مناصب مامور و تنهای دولت علیه بلیاقت و استحقاق داده میشود و مال خزانة دولت که در نفس الامر اموال بدین المال مسهلین است بنما و غارت نمیرد و شوقی که از ملت از اینان در یافت میشود هر دو خود آنها و حفظ ثنوی مملکت و بیضه اسلام کرده چیزیکه عجز از باقیانند است حد بد حد دنیا این حکام و رعیت است و تحصیل رفاه این بچارها که در بدین الهی میباشد بک بشهر بجهت حکام عارض شد که انشاء الله بعد از رفع این شبهه میدارم این فقره هم در تحت نظام و قاعده بسیار بد این شهر است که هنوز بعضی الملک محکم ملتفت نشده اند و در دست خاطر نشان آنها نکرده است که سلطنت با اولاد و اقربا و دوست خصوصیت بد بلکه در سنکاری معقولی در صحت در خدمات دولت و در طبعی و سبله التفات پادشاهی میتواند بشود و اولاد و ارضی سلطنت نشوند رعیت هر که با آنها بطریق ظلم و تعدد رفتار نمود غضب سخت ملوکانه را بدین شخو از برای خود دعوت کرد و استحقاقی در سلام عام روز یکشنبه پیش از پنج شهر شوال سر کار اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی در فداه بلفظ مبارک فرمودند و بیضه جلالتا بر وجو مبارک خود نشان نموده اند که در این شهر حکام که علاء برهالیا بدیوانی با بوسیله دیگر بجهت نفع خود ننگد رعیت غلبه کرد چه بسا ظلیل باشد با بقای مال و جان و ملک و رعیت او فقره ایند و بدین عقوبات او را معافی نمایند از راه اخلاص و مهربانی که بشما دارم لازم دانستم که قبل از وفات پست پاک همایون شما را اطلاع بدهم و بنویسم که دولت از مال حلال خود و از عین مالیات بر هم واجب است اصولی



و غیره بعد از آنکه گذران شتاب آید و بشو مرتب فرموده است علاوه بر محض نفضل و وسعت عیش و شادمانی که موجب آبادی و کثرت است برای تمام مملکت فرموده اند که بهر قدر کفایت و هنر در بندگی و تحصیل منفعت از پادشاه شریف و بزرگوار باشد و آن آبادی و خالصی و دایر کردن معادن و احداث فنون جدید در زمین بلا مالک و لا شیخ حکومت خواست هر قدر کفایت دارد و این امور بکار برده بشود و خود بفرماید بگوید و لذت من اینست که شما میل دارید چه در دست پادشاه داشته باشید یا در مجلس شامانیت فدح صورتی چه شود یا خود بچند پارچه ملک شش دانگ اکتفا نماید یا بچند پارچه حکومت خودتان حاضر کنید بیست اگر همان موجب استصوابی و مرغی قناعت دارد بدین طبع و بعد بر اینها بنویسد خودتان در دنیا نعم الملوک الا اصلاح در امور خلیع خودتان از حکومت است زیرا که گرفتار خواهد شد و بدین گرفتار میشوید بگفته بگویم هست که جهان مینواید اسباب تشنگی خودشان فرارید هند و آن است که بگویند چنانچه از این دنیا جزوها ساقی است که عقیق کتبه که بیست و مجازا دهند که لهذا از اینها تمام محبت مینویسیم که در هر جا و هر وقت چشم دولت با شماست و آن رفتار و اطوار شما از روی حقیقت و بی غرضانه مطلع است اگر در راه و در خلافت اینچنین در این دفتر نوشته شد از شما بصدق و وفای بر ستمت پادشاه اسلام پناه را بجزای خود و بدین و شریعت محمدی صلوات الله و سلامته علیه چنانست موی با شما که اگر بقدر خیر و خیر از اغراض اسکووت تمام مگر اینکه خود را عرض نکند که مبارکها بوی رسانیده و مجازا شما را بطور استعدا امور استعدای خواهد کرد بدین حاله نقد برات آید شما بعد از وصول این خبرها در دست خودتان خواهد بود

جناب الله جل جلاله انجانانی که سالها در خارجه رسید بر حسب استعدای جناب مستطاب صدر اعظم اخذ ابدار الحلاله در راه ذی قعدة باستان مبارک آمد و در عهد هم ذی قعدة در شکارگاه درستان پتیه پلکی شکار شست مملک کرد بدین عبادت رسول خان سرتیپ حکومت ملایر و تو سیرکان سرفراز شد و حجتان پیشکش خاصه خود بدار نظام شد جناب معتمد الملك بمصیبه جلیل سرکشکی با شکر و صیحه امده و با جها نسو میرزا سرتیپ اول حکومت شاهرود و نظام مقرر گشت پاشا خان امین الملك بوزارت جلیله علیه عظمی منصوب بگردید حاجی میرزا علی مشکوئه الملك بحکومت همدان سرفراز شد

سواخ عظیمی که در زین سال در تمام کره ارض و اطراف عالم واقع شده  
انانقونی (بنکی دنیا)

شهر شبکه که که صد ده هزار سکنه داشت در مدت پنج شبانه روز علی الاضمال مشغول و بواسطه این بختی محزون پیشو پانصد نفر آدم تلف شده و زیاده از صد که در نومان ایران خسارت مردم و ارضی پدید

نقوی بیزارش و زارش و زار خارجه به کنشاند و سو که بجز از اهل بخارستان است

المان و فرانسه

پنجاه و نهمی اعلیحضرت پادشاه پروس در قصر سلطنتی و در سال حوالی پاریس در اول عید فرنگی که مقرران او اسطریش است محاصره پاریس و قلعه جان اطراف آن با کمال شدت بیست و یک روز تمام نارنجک و توپخانه پروس شهر پاریس بسیار بدفقوس امیر طوری تمام ممالک المان بمیل اهل آن مملکت با اعلیحضرت پادشاه پروس تاج گذاری ایشان اهل شهر پاریس یعنی جمعی طلبان بخت در صد و اهدام و حرفه در حکومت شهر پاریس هستند مراد و مسپوز و لقا و با مسپوز بزرگ در و در سایل و خواهرشان که نمودن از مسپوز بزرگ و قبول و لشرط اینکه اهل فرانسه وضع دولت معنی اختیار کنند انتخاب کلاسیک فرانسه پاریس یعنی فنون در پاریس توسط عساکر المان و جرم نمودن امیر طوری المان اهل شهر پاریس را بمحیطه کرد و نومان اوان عده عساکر که در بنو فت و ول المان در خاک فرانسه حاکم کرده بودند بنهصدت شصت هزار مرد و در پست هزار اسب و سینه بود و از ابتدای جنگ تا اکنون صد و هفتاد هزار و بیست و نوزده نفر از فتو المان تلف شده بودند هفتاد و نوبتی و پنجاه هزار هشتصد و هفتاد و نوبتی صد و هفتاد و نوبتی و نوبت پاریس و چهار صد هزار اسب از فتو فرانسه بفرستند المان در راه بود بقیه وضع دولت جمعی در مملکت فرانسه بر باست مسپوز بزرگ و لقا و روز ارت خراج کشتگی او با مسپوز بزرگ

خبر علی صاحب الامر در بیست و هشتم فوریه امضا عهد مصلحت از طرفین در و سایل شد بشرط مفصله ذیل

اولا که گذشتن با البین الساسون گرن با اعلیحضرت امیر طوری المان تا بنام عادل قرار کرد و نومان خسارت جنگ با دارن تا لاشا قلعه جان مشرفا ستر از بورگ و مملک طوق دولت المان دانستن بعد از انقراض مصلحت جمیع سلاطین کوچک المان از خاک دنیا معاودت با وطن خود نمودند اعلیحضرت امیر طوری المان نیز در بهار بعد از انهمه فتوحات نمایان بپولن پای تخت خود وارد کرد و با پاپوسیم امیر طوری سابق فرانسه با از مجلس خلاصی داده نسبت انکلیس روانه کرد و در قصر سلطنت خود ترحالی شد تا انا جنت افتتاح مجلس پارلمان المان بنوسطه اعلیحضرت امیر طوری بخصه دادن لقب شاهرا که با مسپوز بزرگ از طرف اعلیحضرت امیر طوری المان و گذشتن و ول المان اختیار عساکر روی بجزی خود را با اعلیحضرت امیر طوری جدید بگویم پادشاه پروس جمعیت تمام ممالک المان در این سال هشتاد و دو کرد و در صد و هفتاد و هشتصد و چهل و نوزده نفر است

انکلیس

در مجلس کلای دولت گرن و پل و زبیر امون خارجه چندان اهمیتی برای خالات و لشرط و در اینک در پای پست برای عبود مرد کشکتهها و از ادش و فرار نداده که فی الواقع یکی از فتو عهد نامه موسوی پاریس که بعد از جنگ فرم منعقد شده بود دولت روس اهل مپلسان دنیا خوشی بخت توای لبعهد و لاش انکلیس در شان این سال نقاد نفوس سحر بره انکلیس در این سال شصت و سه کرد و در صد و هفتاد و هشتصد و چهل و نوزده نفر رسیده است







نسخان وال حکمران فارس شیباز دهم تبریز حیدر گدشت جلال الدین میرزا ولد نغان مغفور (فصل ششم) مرحوم شد علی بن  
 صادرالدوله ولد نواب والا عمادالدوله وفات نمود حجابا فاعبد الله محمد که دانشمندی بر حلالی پیوست کلیه سخنان این قضا  
 داعی حق با لیتکاجایت گفت حکومت که دانشمندان و نواب را سبقت کفایت نواب والا مؤیدالدوله واکتاف فرمودند حکمرانی خود  
 ولسان نواب والا حیدرالدوله حزه میرزا امیر جنگ مرمت فرمودند چون در موقع عید ولود همایون که روز ششم ماه صفر  
 استعجاب مستطاب بشیرالدوله صدر اعظم دولت علی حشرین ولود همایون در دو شب بگردن زاید اماکان با جلوه و شکوه رفت  
 و مبلغ با نژده هزار تومان بخارج این جشن سعید رسانیدند پاس خد مات جناب معظم بگردد فلذان طلا مکلل الماس بر پلکان زجا  
 سقی الحوائت همایون برای جناب مستطاب صدر اعظم انفاذ و مرمت فرمودند حکومت بر وجود نواب بعهد نواب والا اعضا السلطنه  
 وزیر علوم و بخارج مرمت شد حکومت با آن کیلان را بدو و سلطنت نظام الدوله وزیر مالیه نفویض فرمودند توجیه سر در آن زمان که با دو  
 هزار سوار که بزم ناخند و ناز لیر حرات خواسان آمد بود سپاه منقوب بدستور العمل نواب والا احصام السلطنه حکمران خواسان بر اثر  
 ناخند توجیه سر در را با سپه نفر از هر هان او براه عدم فرستاده باقی منورم و مفرق شدند امر در کچه خانه مبارک که با عهد غلام  
 پیشخدمت خاصه شریفه واکتاف فرمودند و دستخط مبارک درین باب شرفصد و بافت

### سوادی خط مبارک

امر کچه خانه مبارک که از اینک غالباموکب همایون در حرکت است و تقابیس جواهر و جلا بل ذخایر و لقی در آن مکتون و مدخر شده از امور سلطنت  
 که در پیشگاه آن در حضرت سپهر سلطنه ملکانه کاملاً مرعی است غلام حسین خان پیشخدمت خاصه که از مبادی سن و با بد حال در استان اعلی  
 ترین پایه در آن کمال امانت و حسن درایت و کفایت خود بخاطر عار از فرین اطمینان و مسرت داشته است در هذمه السنه بی بی ۱۲۱۹ بر جوع  
 این عهد مناسبت و افتخار دادیم که موافق منظومات علیه با نظیبات لازم بر امر را منصفک باشد مقررانکه جناب اجل اکرم صدر اعظم  
 ملزومات رکیزانه را از اسباب موجوده و وجوه عاید و محل و متعلقات کلیه عدغن نماید بخلا محسن خان مؤید شده دستور العمل الا  
 در حفظ نظم امر و تکالیف نصدک این عهد مناسبت و بد هد و مشغول حذمه من جوعه شوی و شهر صفر المظفر ۱۲۱۹

مسئله بشو و زب بخار و ولنا نکلیس که سالها در دربار دولت علیه موقوف بود شیب شنبه بیست یکم شهر صفر وفات نمود و در شیب  
 جنازه اولاد مر احترام بعمل آمد که بجان شریف فوج سپه اخوری که از عربستان بلاد الخلا نه احصا ر شده بود درین راه مرحوم شد اسر  
 کشیکانه مبارک و منصب جلیل کشیک باشی کوی با جناب علاء الدوله واکتاف فرمودند و دستخط مبارک درین باب شرفصد و بافت

### سوادی خط مبارک

کشیکانه مبارک که معظانان مورد ولت و محل اعتبار و اعتماد شتمن سلطنت است همیشه طرف رجوع این خدمت اشخاصی بوده اند که  
 خاطر با کفایت و دقت و تقوی آنها مطمئن بوده است این وفات که معنی الملك و وزیر محض مر از نصدک این خدمت استعفا کرده چاکر و لایق

علاء الدوله شیب باشی که از هر جنبه در پیشگاه مبارک محل و ثوی طرف مرحت است برای شغل جلیل کشیک باشی انتخاب و بر جوع این  
 خدمت اشخاص را دریم و بعلا مشا الطاف علیه بکفینه ششمین مرتبه از اسلحه خاصه اعطا و مرحت فرمودیم که با کمال مباحات و دلگرمی  
 بوجیبات نظم و نسق این عهد مشا اشتغال نماید مقررانکه جناب جلالتا با اجل اکرم صدر اعظم توازم منصب برود را بعمری الی بر جوع و محول  
 داشته مراتب الطاف علیه شاهانه را بعمری الیه ابلاغ و او را بشمول این مراسم فرین افتخار دادند در ششمین ماه صفر المظفر  
 میرزا صادق فایم مقام که چند سال بود بنا خوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در این دان بر حلالی پیوست در ماه ربیع الاول این سال  
 را بوفت جناب مستطاب بشیرالدوله صدر اعظم بحجری بعضی تغییرات و ابداع رسوم جدیدی نوشته نظر انوار اقدس اعلی رسانیدند  
 و ذات ملکوت صفات همایون بقلم مجز فر در صندان را بوفت فرمودند (بسیار صحیح است انشاء الله هینطو بحجری شوی)  
 و ما سوادان را بوفت را بعینه در این محل من کابیم

### سوادی پورت جناب مستطاب صدر اعظم

خداوند عالم جمیع نعمات را بجا و با اهل بران عطا فرموده است ولیکن بچندین سببیه قدر این نعمات را چنانکه باید دانستیم و نه  
 هزار یک نوابا نفا هم برده ایم معادن و منافع ثروت و خزان ارضی و استغنا شخصی و هرهای ذی خود را اکثر تحجول و در  
 و معطل گذاشتیم نغمی که در این از جمیع نعمات الهی بیشتر صنایع و پامال شده است وفت و عمر است از سؤر برین بدیع و  
 ممالک مشرف و فیه هیچ قدر و قیمتی نداشته است حال اینکه اولین سرمایه زندگی وفت و عمر است چنانکه مکرر ذاتا فانس ملوکانه  
 شفاها با بن غلام امر را داده فرموده که وقت بیاید ضایع گردد این نعمت را بالا نرود زیاد نرود در سایر نعمات خداوندی دانست  
 اوضاع حکمران در این ممالک از قدیم چنان تربیت یافته است که لا بد هیچ امری نباید بگذرد مگر پس از نول زمان و تصدیق وفت با  
 عامه اهل این هنر زبان منوانند معروض ببارند که از بن عیب بزرگ چه قدر ضرر و چه قدر خرابیها پدید آید از طرف دیگر  
 محض مبدایم که بکی از اسباب اشتظام و رونق ممالک خارج جله نیست که مضی و قدر وفت را چنانکه باید بافته اند و بواسطه  
 ندابردت و چنان وضعی برین پدید آمده اند که از سرمایه کرامت های وقت مثل سایر نعمات طبیعت هر نوع فیض و نوابا بر میدانند چو  
 اعلم حضرت اقدس همایون همیشه بر نایب ملاحظات توجیه نام داشته اند در این وفات که رای جهان آرای شاهنشاهی این اتفاق

فرمودند بافته است که اوضاع ایران بر منظم جدید و آبادی ممکن بر نایب محکم تربیت با بدامور در بخانه بوجب کفایتی معین شود  
 نامردن بعضی الانا داره سابق و مخصوص این بلبه ها با نخطی که در وقت و حواس و لای و لنت را محض کمصوف نقطه واحد داشته عجا  
 آن نبود که بکلله مو و با اساس تنظیم و توجیه اقدامی بشود اما این روزها از فضل الهی از قدرت همت اعلم حضرت اقدس شاهنشاهی  
 مصایب طرف و باخطا و امید و چشم داشت خلق مثل این بهار چمن بخش و بخیر و نایب خلق تشنه آسایش ماری معنوی  
 دیگر هیچ ملاحظه و دراجل و منظور عالی همایون در قیسه ناخبر و اغوا بود لهذا بجهت شروع با بن اقدامات تازه که انشاء الله تعالی



از بهر جهت بلند شاهنشاهی باید و ضعیف از نو و نوکی حکم کنی کشفه احداث نماید و اوقات خدمات در بخت را بر طبق دستور العمل  
و اشاره شاهنشاهی نهم و معین نموده حکایک ایام در هر ماهیون مسدود هرگاه فراموش بود پسندای مبارک و بیشتر امانت  
موتیخ شود اجزای آن بر عهد عموم بندگان واجب خواهد بود

### فرار اوقات حرم خانها

در دایره صدارت عظمی ایام و ساعات اجزای امور بر این ترتیب معین شده

هر روز بجز از جمعه سه ساعت از روز گذر شده تا دو ساعت بجز و بعد از آن دو ساعت بجز و در این روزها در وقت  
تخصیص و زها از برای امور دولت از این قرار است

- شنبه شورای وزیرا
- یکشنبه امور عسکریه
- دوشنبه امور مالی و دفتر
- سه شنبه خارج و عدلیه
- چهارشنبه خلوت و بیوثان

پنجشنبه با رعایت از برای مطالب که خارج از این امور است معینه باشد و هر کس بخواهد مطلبی با حاجتی مکتوب یا شفاهی  
اظهار دارد مفید و باشد

هر شخصی که کار خود را خارج از روز مخصوص آن عرض برساند <sup>مطلب</sup> مشغول نخواهد بود و شخص دیگری نخواهد شد

کسانی که بخواهند کار در روز مناسب دایره صدارت حاضر میشوند محرم احوال طاقی بزرگ نشسته ایشان را یک یک با طاق مخصوص  
بجو خواهد خواستند هر کس در خود را بدون عجلت از غیر واضح و بی پرده بگوید و جواب شافی و مسکن نشود و لکن بر آن  
شخص لازم است که بعد از ادای مطلب ششیدن جواب بگوید بجز خود تا نوبت دیگری نواند رسید

هر کس مطلب خودی که داشته باشد نمیتواند هر وقت که باشد بخواهد بر مقام صدارت عظمی معروض بدارد بجز در وقت مخصوص  
که بر دایره این نوع عراض یک لفظ فونی بنویسند بجز در وقت که فونی نباشد و بخواهند بجز معروض بدارند با بدبختی روشن  
و بپای محترم بنویسند و در روزهای دوشنبه در دایره صدارت با طاق عراض برسانند جواب این نوع محرمات روز  
چهارشنبه صبح بصاحبان عراض و مطالب خواهد رسید بجز کسرا ذون نیست که بجز عرض خلوص با بعضی ملاقات شخصی  
بلیا در صدارت عظمی برود حضور ایشان در این دایره با بدبختی و آتم با بدبختی و زمزمین باشد

صبح هر پنجشنبه و شب هر یکشنبه صدارت عظمی در منزل شخص خود بجز ملاقات معینین که با ایشان در وقت مخصوص دارند حاضر خواهند  
هر دیشب خواهد رفتند که در عایش این شرایط از برای عامه را با رجوع مضمین چند نفر در وقت خواهد بود

هر کس محسنات و لزوم این شرایط را درک نکند و برخلاف آنها حرکت نماید کار او معوق و شخص او مردود خواهد بود انشائی  
نظم اهل جلیل فاجار را بعبارة اعمی منصبی الخانی کری این ابل لازم البجیل را بنواب والاغزاله عبدالصمد بن امر حشره بود  
و دستخط مبارک درین باب شریف صد و بیست

### سواد دستخط مبارک

اهل جلیل فاجار که منشأ سلطنت جاپاد و اصل این شجره ها بودند در نظر ما چندان مورد عتاب و طرف توجیه و مرعناست که  
غالباً ملاحظه جزو و کلا امور آنها را خود بنفس نفیس مبارک نفعده فرموده ایم و هر یک از اعظم جاگران بر پاست الخانی کری آنها  
ما مورد شدت کفینه از جانب سنی الحجاب ستم ناپا شده بود ندان اوقات که معتمد الملک وزیر مخصوصه صورت از دست  
این شغل جلیل استعفا کرد و استعفا می معزی البیتر حکایک ایامی مقبول افتاد الخانی کری فاجار را با الاستخفاف بنور <sup>شاه</sup> نامک  
عزالدوله عبدالصمد بن امر جمیع داشتیم که در نگاهار و سر پرستی آقان و اقبال مر سوم دیوانی آنها بودند و موقع و حفظ  
موجبات نو بر این سلسله و نظم امور آنها جهد بلوغ ظاهر کند و هر روز در منزل مخصوص خود در بختانه حاضر شده بر فوق  
و نظم و نسق این مشغول نماید و محض زبدا فخر نور حتم معزی لایه یک قطعه نشان نمثال بممثال مبارک با اعطای <sup>شاه</sup>  
جناب اجل که مر صد اعظم شرح مراسم علیه را با و ابلاغ نمایند شهر بیج الاول ۱۲۸۹

محمد تقی جان افشار پیشخدمت خاصه که اصطلح تو بختانه مبارک که نیز بعهده معزالیه است بلیغ حاجب الدوله و منصب  
فرایش با شکر بر فرار و با عطای کفینه عصای مرصع سرافراز کرد بد و دستخط مبارک در این باب

### سواد دستخط مبارک

شرف صد و بیست اداره و انتظام خدمت فرشتگان مبارک که از مهم معظمه دولت است احساب و انشان موقع سلطنت کبری و سده سینه هم  
این منصب معقول و مربوط است در این وقت که علاء الدوله لیس فی باشی از نفعدها بن شغل معاف کرد بدیده بر بنیه جلیل کشتی کشتی  
نایل شد محمد تقی خان پیشخدمت خاصه همیونی را که در حضور ما بکمال صداقت و امانت معروف و حسن کفایت و کار دانی او پذیر  
مبارک معلوم است حاجب الدوله لیس فی باشی کبری سرافراز کردیم که موافق حسن ظن ملوکانه در اداره این خدمت و  
انتظام آن را با امانت کفایت خود را ظاهر سازد و محض زبدا اعتبار و افتخار او بکفینه عصا مرصع بمشارالیه اعطای  
کردید جناب اجل که مر صد اعظم شرح عنایات علیه شاهانه و امیشارالیه ابلاغ کرده ملزومات خدمت فرموده و در حسب  
الفرق با و مرجوع دارند بیج الاول ۱۲۸۹

ملک آرا و لدخانان معقول (فخیر الشاه) بر جناحی رفت حضرت شاهنشاه از اجل اعظم ظلال السلطان حکمران فارس که احصا  
بدین بار معدن دار شده بودند با عطای کفینه نشان امیرنویایی از درجه اول مباحی کرد بدیده اعانم محل حکمرانی خود شدند  
و حامل این نشان در پستان مینا مؤلف بود روز بیستم بیج الاول چون هوای طرا الخلا فر کرد و موقع بیلان در رسید بود







و جناب صیفاقدی بجای و بر فراز کردید و چون روانگی اشرف پاشا جناب غریب الیه را بنشان اول شهر و خورشید و جمالی سیر  
و عطای بقطعه قوطی نفیسه کلک بالاسن اطغرای ملوکانه مباحی فرمودند و قوطی نیز بر صله فضیله غزالی بود که در مدح اعلی حضرت  
هایون افشار کرده بود حضرت سنطاب اسعد و لیه مکر دون مهذب اجازه اعلی حضرت هایون در ولایت محل فرما فرمای و حکمرانی  
خوبی بملکت آذربایجان کردیدند حاجی شهاب الملک امیر نوبختانه مبارک بحکومت خراسان سرافرازی حاصل نمود در اوایل ماه  
ذی قعدة الحرام اینسال لایحه جناب سنطاب مشیر الدوله صدراعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته معروض حضور مظهر و هایون  
رسایندند صد آن لایحه بدستخط جهانمطاع مبارک مودع کرده و ما بنمنا ابتدا صورت دستخط مبارک را نگاه داشته بعد  
سوار لایحه را ثبت بنمایم

### سوار دستخط جهانمطاع مبارک

جناب صدراعظم بن نفیسه و زراود در بار که نوشته اید بسیار بسیار سپاسگزاریم و انشاء الله فرارش را بزودی بدید و محمول  
بباریکه هر قدر شعور و افتد باعث ضرر دولتست بخیر باقی ۲ شعبان ۱۲۱۹

### سوار لایحه مبارک

محسنت تشکیل دربار اعظم را مکرر بنندگان اقدس هایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و دولت بیان و نصیب فرموده اند بافتضای هما  
فرمایشان ملوکانه ایند و لکن ابد مدت باید مکمل هیت رسمی داشته باشد و اینچنان هیت رسمی با منظور است بدین شاهانه  
ان برای دولت علیه ایران محسوس است خصوصاً از برای این عهد که بنندگان اقدس شاهنشاهی عازم مسافرت فرنگستان هستند  
در عیاب هایون زیاده از حد لازم است که دولت ایران بک هیت رسمی بک صورت با عظم با شکوهی داشته باشد  
خلاصه صول دربار اعظم را عرض کرده ام چون این معانی را بن صفحات چندین بر خیزد و ظهور کند داشته اند بنظر خیلی ساده و سهل و بی  
بغیر خواهد آمد همین قدر عرض میکنم که انتظام کلام و دولت بنسبت این چند فقره مطالب ساده است تا بی اینطالبا باید را احتیاطاً  
سازد و دل مشاهده کرد امیدوارم که از این زمین و نفوس همت شاهنشاهی بر این اساس ساده یک بنایی ساخته شود که نام نامی  
شاهنشاهی را انفاض فرایح مایه تشکر ملت ایران و موجب تجلیل آنگان بسیار

### تشکیل دربار اعظم

سرکار اعلی حضرت اقدس هایون شاهنشاهی کلام و دولت را در میان نه وزارت و یکصدار تقسیم خواهند نمود

### اسامی نه وزارت از این قرار است

وزارت داخله

وزارت خارجه

- وزارت جنگ
- وزارت مالیه
- وزارت عدلیه
- وزارت علوم
- وزارت قواصد
- وزارت بخارف و زراعت
- وزارت دربار
- صدراعظمی

اجرای جمع اوامر پادشاهی و اداره کل دولت ایران بر عهده این نه وزارت است

اداره این نه وزارت محمول بصدراعظمی است

در بار اعظم عبارتست از هیئت اجتماع این ده وزارت

صدراعظم شخص اول دولت و رئیس دربار اعظم است

عزل و نصب صدراعظم مخصوص فرموده پادشاه اقدس هایون شاهنشاهی است

عزل و نصب سایر وزراء بحکم اقدس هایون شاهنشاهی صورت میگیرد بصدراعظم است

### در باب مجلس وزرا

کلیات امور دولت را بحسب لزوم و حضور صدراعظم است

صدراعظم شخص اول دولت و رئیس مجلس وزرا است

مسئولیت کل دولت و لایحه بر عهده صدراعظم است (با اینچه که ارجاع خدمات و صدق فرمایشات علیه بلا واسطه شخص صدراعظم خواهد شد و صدراعظم هر آنیکه منوط به اداره است رایج خواهند داشت)

سایر وزراء که لایحه مخصوصاً در محضر صدراعظمی مسئول امور وزارت خود میباشند

هر ذریعه را مورد وزارت خود کاملاً مستلط است

هیچ وزیر و عیال خود داخله با امور وزارت بگردد و اما کل وزارت در شور و کلیه امور دولت و لایحه را با اعمال همگی و عموماً

مسئول امور دولت هستند

### در باب نشر ابطه مشورت وزرا







اعلیحضرت این بنده بی نهایت بدین ماموریت مغرور و خشنودم زیرا بوسطنایان ما موروثاً اکنون در محاذات فخری بنام دارم که الحال  
سیر هزار سال است بر پا داشته و در میان ملت هفتم که در شهرت و نام معروف و آفاق و ایام است سند عی از بانه هر چه بر سر  
هزار سال هشتم که مرعی شامل فرمایند تا از عهد تکلیف خود بطریق شایسته بفرمان برآمد

**پادشاهها** امیران و مسو و پادشاه عیارستان چون قضاها بون شامیاسا فرزند نیکسان و سپاحت باز در بعضی و کاپار مغیره  
پای تختهای عالیشان اقلیم محض کیشد مخصوصاً سفارش فرمود که خدمت اعلیحضرت را بون شام معروف در مکتوف دارم که با کمال شرف  
خشنود هنگام افتتاح اکیسوس بوز موکی اعلیحضرت شاد و بانه بیدار خواهند نمود و بر علاوه پذیرائی هر آمیزی که از موکیها بون شام  
خواهند نمود اعلیحضرت شام برای العین ملاحظه خواهد فرمود که در عالم نزهت در حضرت کسب صناعت که اسباب فخر و مباهات بونی نوع انسان است  
بچرا بپایه و انداز و سیل است

**اعلیحضرت** اینک نوشجایان که دلالت بر ماموریت این بنده دارد و هدایا بیکه حاصل کسب صنعت با نداشت اعلیحضرت امیران و عی  
محض اظهار محبت مخصوص خود بخدمت اعلیحضرت شما انقاد داشته اند از لحاظ مبارک و نظر انورها بوشما مکتوبم

**مضمون جواب اعلیحضرت** هابوت که بنده مؤلف نیربان فرزند زهره کرده  
ما بانه شایسته و فیم که بنازه سفارت دائمی از طرف اعلیحضرت امیران و مسو و پادشاه عیارستان در برابر بار فرار شده و مخصوصاً از آن حضرت  
امتنان داریم که شخص شما را بسفارت خود مقرر نموده اند و امید داریم که بواسطه قابلیت شخصی شما در حقیقتی ما را با اعلیحضرت امیران و  
بیشتر است حکام و انتظام حاصل آید بصرفه و ولایت بدین است حکام منظر و مرطوب است بوسطنایان با امیران و در اغلب ملاحظه  
و بانه بوده ایم که در منقوشان فرج معروف و مشهور است اکنون که اعلیحضرت امیران و مسو و پادشاه عیارستان ما را دعوت نموده اند  
ما بانه بانه شایسته قبول می نمایم و امید داریم که انشاء الله بپایه و دفتر با امیران و ملاقات نمایم هدا بیکه از جانب همزین دوستان ما  
آورده اند قبول کرده مانند یاد کار عزیز حقیقتاً خواهیم نمود اما شما بالافان بلا نقایات ما نسبت بخود نان مطمئن و مصیقتنا باشد  
بودی خود امر فرموده ایم که تکلیفات شما را که مطابق عدل و موافق و سنی باشد بپذیرند

میزان بوسطنان مستشار سابق بون عدالت بنیاب و زار و خوار چه میباشند تمام خادجه از در با بجان برقرار کردید مبرر انضامه خان  
منشی خاصه زار و خوار چه بنیاب و زار و خوار چه نابال آمد بر آن خود و کمال بکار پر لای حامی نیرخان مامور کردید چون نزد پادشاهین  
سال خیر مال حقوق ببولی عمو طلفات نوکر ارجمند و موافق علق الدواب بر حاضر شده و این از خدمات عمده و اصابت های جناب  
مستطاب رسد اعظم میباید سخطی مبارک با فتحار جناب عظم شرفضد و بافت که صورتان از فرار دپایه میباشند

**سواد خط مبارک**  
جناب رسد اعظم معتمد الملکک اسانید و سایر در محانه و صاحبان دیوان با بقر رسانید که در هذه السنه بچرا بپایه ما دو ما با خیر  
مانده بانها رسانیده ابدان بقره واضح است که شما ارفا خود را تماماً از در مصداق و امانت و در لغو احوال و تقصیرات کلی و جزئی

دولت نموده اید و در فیض آسودگی و فراغت نشاندن و تدارک و تمل و زوری و مایه بچرا لای شخصی بخواه کمال بجز نباشد در هیچ  
نه شهادت و لذت خود مان بلکه در از مندر سابقه نیز هرگز دیده نشده که تمام حقوق دیوانی طبعاً از قسوت و غیره باین زودی و حقوق  
رسیده باشند این بنسبت مکران کمال کفایت شما و انشاء الله امید است که در کل شعبات دولت روز بروز نرزد حاصل شود خاطر ارا از  
خدمات شما کمال بفرستند و رضامندی بپوشد سنه ۱۲۸۱

در ماه ذیحجه اینسال امخاف از منعلین مکتب محبتی که با هتمام بنده مؤلف داپر است عمل آمده حسن و محاسن این مکتب که در آن السنه  
مختلفه و خیراتی و غیره ندر پس مینموده مشهور جناب مستطاب رسد و اعظم و سایر اولیای دولت علیه کردید به بعد از بچرا لای شایسته  
جناب عظم مکتب مزبور را بلباب جلیل خود موسو و مکتب مشی به نامیدند و نسبتاً از منعلین با بمبدال و نشان نقره و مسو و مسو  
فرمودند و در خور این اقامات مبدول داشته شد روز هفدهم ذیحجه بکفایت نشان اقدس که اول نشان این دولت است ابدان  
از جانب سنی الجوانیه بون بجناب مستطاب رسد و اعظم اعطا و مرحمت شد پاشا خان امین الملک و زهره علیه در بین ماه شاهراد  
عبدالعظیم روز هجدهم ذیحجه از در شکر پر شده و بهمان صدر روز نوزدهم مرحوم شد نواب والا معتمد الدوله حکمران  
کردستان را موفقی از محل حکمرانی خود بدار الخلافه احضار فرمودند که در جناب موکیها بون و او ان تشریف فرمائی بفرستند  
مجاورت حضرت اجل اعظم شاهنشاه را ده والا نایب السلطنه امیر کبیر بهام کشور و لشکری رسیدگی نمایند و نواب عظم  
ذیحجه وارد دار الخلافه شدند

**و قایم و سواخ عمده که در اینسال در نماز که ارض و افطار عالم واقع و سواخ  
کردید  
انا توفی بنکی دنیا**

در ظرف مدت سهزده سال فصد و ده هزار و چهار صد و بیست و پنج هزار امانت و یک که در دو شش هزار و هشت صد و سی و یک هزار و بیست  
و هفتصد و پنجاه و یک هزار و هفتصد و شصت نفر از کلید بچرا انا توفی بجهت نموده در اینجا سکنی و جای گرفتند خشکالی و بارند  
نشاندن و بالان نور که هلاک شدن جمع کثیری از خدمت حواری را بنسبت شش هزار و هشتصد و پنجاه و دو و میل مانند آنها  
آهن انا توفی است

**اسپانیا**  
در بابالات اسپیکای ناوردن کارلس نایب شاهزاده اسپانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را بد و رنج و جمع مینماید و دیگران شایسته  
نابینان جمیع فصدت پادشاه و ملکه را نمایند ولی مدینه اسپینا با نهار و بنیاید  
**المان**



در دویم ماه مبارک معارف با و در اضماع عهد نام صلح ما بین المان و فرانسه منعقد در سال قبل بود جتنی در برین و سایر بلاد المان گرفتند به پیشتر از سران بزرگ که در آن معرکه جلادان و رشادین برود داده بودند از طرف اعلمحضرت امیر طووس علیه السلام بر اینهم انعامات بنال و اعطاشند از جمله برین بزرگ شادان و کنت مملک و زرنال رون و زرنال منقلع معادن چاهها هزاران تومان ایران که هر نفوس صد هزار تومان باشد انعام داده شده مسافرین اعلمحضرت امیر طووس المان بمالک جوق المان بمحضر کشتی آن ممالک ملاقات اعلمحضرت امیر طووس و اعلمحضرت امیر طووس را با اعلمحضرت امیر طووس المان در برین و مستحکم نمودن مبنای دوستی فیما بین را

### انگلین

نزاع عساکر هندوستان با طووس باغی در طرف شمال شرقی آن مملکت قتلاد ما بوفرا قمرای هند بدست شخصی از مسلمانان نصب شد زین بر کوه بفرمانفرمانی هند جیش اهل انگلین بمحیره سلاطین نواح و بعد طووس انداختن شخصی بمقت اعلمحضرت پادشاه انگلستان و محفوظ ماندن اعلمحضرت معظم البها از ان اقبال نمودن دولت انگلین بعضی منصرفات هلاک داد و فرقی را بر آید اینست و خبر دادن از سلامتی لوئیس مسافر معروف دولت انگلین شکر کرده و بدست پیغام هزار لیره بدولت انا توفی یکی دینا خسارت کشتی موسوم با آما که بنیاد را انگلین ساخته شده و در جنگ ما بین اهلین شمال و جنوب انا توفی اهل جنوبین کشتی را ابلع نموده و بمجاورت آن خسارات کلی با بالان شمال رسانیدند میدهد

### ایتالیا

فوت ما زین معارف طغیان کوه افتر نشان وزود

### روس

افتتاح راه آهن نفلین به بند پو طی انقضا د عهد الفت و دوستی با خان کاشغر لرز و اندیش خاں خوه از عساکر روس برود و یاد با بالان جنوب و مرکز مملکت

### ژاپن

بانتیخت در شهر بند پای تخت فوت سپید پیغام نفوس بمسکن و ماوی ماندن سی فرار بقرا اقتدار سلطنت صمانی در وحان مپکاد و فرستادن جمعی از جوانان بمالک فرنگ بمحیره تحصیل

### سوئیس و نریج

فوت شادان پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکارد و پیم برادر بجای او

### عثمانی

عزل و نصب کلید رابن مملکت بفرمود و روزی جنگ بنوا حذارث مدعی پاشا انعام محمود پاشای صدر اعظم سابق باخذ پول زیاد از صرافان فرنگ فتح عساکر عثمانی طوعه سخت سعادت عربستان اختیار نام دادن در جمیع امور از طرف اعلمحضرت سلطان محمد مصر نماز عساکر مصری با امیر طووس حبشه

### فرانسه

فوت مارشال واپان از سرداران خیالات رئیس جمهور در نظامات داخله و دادن وجهه مفرده خسارت جنگ رابن و لک المان که در ممالک فرانسه را تحلیف نمایند

### مکزیک

فوت ژواریس رئیس جمهور و نصب لری کورتازا بجای او

شرح و فایع سال بیست و هفتم سلطنت شهریار اعلمحضرت افدکس شاه فیلسفای اچا خسرو صاحب فرزند ادراسه شاه سلطنت ایام ملکه مطابق سند هزار و پنجاه و هشت و نود و هجرت خاقوی پیل ترکی

کلیه امور دولتی در این سال خبرهای بوجوه خاطر خطرها بون منظم و اهالی ممالک محروسه جمعا در خصیصه و مهیا نمودن حاجی محمد قلیخان آصفالدوله بوزارت عدلیه عظمی منصوب کردید بمرکز احوال قوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد و جناب میرزا هاشم الله وزیر لشکر سابق بوزارت فر بر فرار آمد جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک عملا و برو وزارت رسایل بوزارت داخله با همی و نایل کشتن امور چهار خانهای ممالک محروسه بامر پادشاه مهتدی علی میرزا ولد مرحوم حاجی محمد ولی میرزا و اگزار فرمودند جناب پسر طلوع و وزیر مختار دولت انگلین مامور افتادند ببار دولت علیه با شرفیافت معمولی وارد دارالخلافه کردید جیش عمده ولود مسعود اعلمحضرت شاهنشاهی جناب سنطاب سدراعظم با کمال شکوه مانند سال قبل گرفتند بنده مؤلف با عطای یک قطعه نشان از درجه تانیست بر بوزارت فرزند جناب میرزا کاظم خان نظام الملک بکوه مشرفه منصوب کردید و ششعلیخان نظام الدوله در سن پنجاه و چهار سالگی بر مرض محرم مرحوم شد بخاندان سیمان پسر مرحوم فتحعلیخان ملک الشعراء رحمانی پسر پوستان و وفات کرد زمان غیبت سفر فرنگستان نزدیک شده فشیو نظیر نمون حاضر کار با علی غلاما بکر و زبیر همایون در برین روز و دولت حاضر شده و ذاکر مکتوب صفات مقدسین باز دیده عساکر منصوبه نشریف فرما کردیده ملفوفه فرمان همایون خطاب با حاد و افراد سیمیا ظفر همراه شرف صدور یافته بوجوب سنطاب مشیر الدوله صدر اعظم با و از بلند فراموش نموده هر از ان مضمون موهبت مشخون ان باخبر عمده داشتند و مواد ملفوفه فرمان مبارک از فرار ذیل است



سوار و موقوفه فرمانها بون

عموما صاحب منصبان و آحاد و افراد سران ارشد و در انحلاف بناست که غریبه و کبها بونی بسا خضر نکستان و ملافا با سلاطین و  
 ناچاران با عز و تمکین که دو ستمند ما هستند نیز یک شده و امر و ز که چهار دم شهر صفر ششماه است محض بی و مشاهده حالت  
 شما با بنوع آمده ایم شما آرزو و میلها بون ما نیز می آید و عسکر و انتظام کارهای این ریشه معطر و فاقا و اسوکی شما ها بوده  
 و خواهد بود چنانکه در این محفوف عسکر هر چه وقت و موقع خود بد و ن ناخبر اید با شما شده است در آینه نیز بدینوال بلکه  
 انشاء الله خلی منظم و در بند باره شما هم می خواهید شد از خدمات و مواظبت شما ها در وظایف نوکری خاطرهای بون ما را صنی و خشنود  
 و حالها با طینان صدف نامه مواظبت کماله که فاطمه عساکر منصوبه سرای داریم که در غیابها بون ما از ابداعی اسب و بر مدارج  
 و صدف خود خوانده اند و در نظم مملکت در تخت و امر و دستا خود حفظ خواهند نمود این مسافرت را بحیثیت قلبه بدست اختیار فرمودیم  
 خاصه شما ها که اسوار و در انحلاف هستند با بد کمال افتخار و مباهات و لذت داشته باشید که ذات اقدسها بون ما پای تخت و جمیع  
 ملزومات عسکر و دولتی شما سپرده و با طینان شما گذارده حرکت بفرمائیم و ازین سفر خیر پیاثر با جمیع افکار و خیالاتها بونی خود ما را  
 صرف تکمیل اولزم عسکر و دولت از قبیل اسلحه و معین و غیره خواهیم فرمود و از فکر شما ها خاطر مبارک خود ما را نافع خواهیم گذاشت  
 در غیابها بون ما فرزند عزیز خود نایب السلطنه را بنیاب خود مان و ربنا شکیر و چون صلح اعظم بشری الزام رکاب مبارک ما مشرف  
 علم اکرم معتمد الدوله را با اختیار نامه در نزد فرزند معز ما لیه میگذاریم ناصر الملک هم از جانب جناب صدر اعظم بر پاست تمام است  
 همان اختیار و افتد و کردار جانبها بون ما در امور عسکر و غیره جناب صدر اعظم مرحمت شده است ایشان در غیبت خود بنیاب الملک  
 داده اند اطاعت و بر جمیع صاحبان مناصب نظام و نظارت عسکر و واجب لازم است هر گونه اختیار از غزل و نصب سایرین بدست  
 با و داده شده است تصدیق و نگرسی با اطلاع و تصدیق معتمد الدوله در باره هر یک از شما ها در حضورها بون ما موقع قبول  
 خواهد یافت و واجب جیره هر آحاد و افراد لشون را ناصر الملک خواهد رساند این فرماییشان و او امر ملوکانه را در شما صفا  
 نموده تخلف نوزند و در کمال رحمت شمار و داع میکنیم حسب الفرم معمول و در عهده شناسند بخور پرازی چهار دم شهر صفر المظفر  
 حاجی شهاب الملک و خراسان بعضی از ایشان را که را بنیاب خوده است بر زار رضا خان اجودان صدارت عظمی منصب بر پستی هم مشرف  
 کرد بدینجای سرتیپ شازد دافر سابق و ولت علیه مقیم لندن که بد با و معدله دار احضار شده بنیاب اول و زارت نواید  
 فرار کردید

از وفای معتمد انبساط سفر خیر پیاثر اعلم حضرتها بون نشکر نکستان که سابقا نیز بدان اشاره نموده ایم و اگر چه شرح این سفر  
 نیز چون سایر اسفار ملوکانه بقلم معجز رقم خسر و نه فرمود و بعد با کرات در ممالک بفا رسو و السنه مختلفه طبع و منتشر کردید  
 و از بناج و غوا بدینظیر آن بسپاس از او با جبریت و دوابت بر میزند و مستفید شده اند و ما با از خلاصه فایع این سفر عظیم و  
 اثر کرم را زبور و زینت این کتاب از این دانش و هوش او لوالالباب فرار داده بطور اختصار در این وادای و بیج مینمایم

سال بیست و هفتم

شرح سفر خیر پیاثر اعلم حضرتها بون شاهنشاهی خا مملکت بفر نکستان در سال  
۱۲۹۰ هجری

چون موکب فرخنده کوبها بون با ما این اقبال نیز وال روز افزون عازم سفر فرنگ شد و منخطی با افتخار نواب و لامعند الدوله  
 شرفصد و د یاد که سواد آن از فرار در بلا است و ایند منخط مبارک ازین راه مرقوم و مرحمت

سوار و منخط جماعت طاع مبارک

معتمد الدوله از باب کمال اطمینانیکه بدو و لخواهی و کفایت کار دانی ان عم کار داریم زاید بشماریم که امورات را بنوع غیره  
 بفرموده مرقوم و انضباط کارها را سفارش و نا کبدر مائیم ان عم کار دارم بسطو البیفرمودیم انشاء الله تعالی از فرار  
 حکم فرمان مبارک که بکل ممالک بحر و سیه با افتخار حکام و لایات مرقوم و ارسال شده است دستور العمل مکتوبه شفاهی مرتب  
 شده است با کمال خوف قلب شغول رفیق و فوا امورات دولتی و مملکتی بوده و فایع انفا فیه ظاهر و زویه بالکراف نماید هر کس از  
 او امر و نواهی شما تخلف کند اعم از حکام و لایات و مامورین دولتی و چاکران درباری سایر قطعا بمواخذ و منخط پادشاهی گرفتار خواهد  
 شد چون عرض آن عم کار دار عرض راه رسید این دستخط مبارک را محض افتخار ان عم کار مرقوم فرمودیم بیستم سید الاول ششماه

روشنه بیست یکم صفر المظفر اینسال خیر مال باید در عون و عنایت قادر معمال علی الصباح از دار  
 الخلافه با هم و مقرر خلاف عظمی شهاض فرموده نشر بفرمای فر هر کس که بدیدند جناب صفا اقتدای علی دولت عثمانی که تازه وارد الخلا  
 شده در کن شرفیاد حضور مبارک شد روز شنبه بیست و هشتم از کن بنکه سولقان شریف و رویتشیدند سه شنبه غره بیع  
 الاول کبرج مضرب جام علی بنو چهار شنبه و بیفاسم اباد پنجشنبه سیم کاروان سنک جمع چهارم عبدالله اباد شنبه نهم فرزند  
 یکشنبه ششم افا اباد و شنبه هفتم خزان سه شنبه هشتم لوشان چهارشنبه نهم منجیل پنجشنبه دهم رستم اباد جمعه یازدهم امانزاد  
 هاشم شنبه و زدهم رشت بود و مسعودها بون خرمین کرد بد امر خدیو بنس منجیکوف که از جانب دولت روس ما مور بهمانداری  
 موکب علی سنت از پلزن بودغ با هم را عبد الرحیم خان ساعد الملک سفیر دولت علیه ما مور فامست بسند بطرز بودغ قبل از عدو  
 بر شتاب و هوا بون پیوسته حکیم الممالک ما مور پذیرای مهاندان دولت روس را شرفیاد منجیکوف جنرال اجودان مخصوص  
 اعلم حضرتها بون رومل سنت کلنل پیراک اجودان مخصوص اعلم حضرتها بون پیرا با و همراه مهاندان راست و نیکبینه سپردیم  
 بعزم اترک انماض فرموده از پیر با زار بلنکه نشسته قدری دور از د و دخانه سه فرزند کشتی بخار کویک ایشاده بود که  
 بکفر و ندان نانه حکمها بون ساخته شده و نهایت عمارت و مرتز است ساعتی سه فرسنگ راه طی مینمایند و در فزونند از دولت روس  
 میباشد ذات عدلک صفات مقدس و کشتی بخار که با ما را علیه ساختند ان نشسته در یکی از کشتیها روسی جناب زبیر بخار و روس  
 و امیران سپونیکین و دیگر طوفانان حکیمان مخصوص اعلم حضرتها بون جای داشتند در کشتی دیگر موزن پانچمان روسی بودند



دو شب چهارم ریح اول بعد از آنکه جناب حاجی ملا رفیع مجتهد عای سفر خواند باید رفته و راست حفظ حضرت باری تعالی کشتی بخاری و دولت علیه نفسند از نماندن ناگشتی قسطنطنیه که مخصوص مسافرت هایتی دولت روس حاضر نموده بود سپید و بدان نقل فرموده پنج ساعت بزیب مانده لنگر کشیده کشتی پناه افتاد چند فرزند کشتی جنک روس که در اینجا حاضر بود متصل تپک سبک رفت کشتی قسطنطنیه اطرافهای خوبه ارد هم زین و نماز پیشینهای اعظمی بنا میرا بود روس با اسبابه قهوه خانه و غیره از بطریق بویغ آمده بود ندا ساسی ملزمین رکابا علی در سفر خیر اثر زنگشان از این فرار است

### اشخاصیکه در کشتی اول موسوم بقسطنطنیه که مخصوص اعلم حضرت هابون است بودند

جناب مستطاب صدر اعظم حاجی میرزا حسنخان (جناب معتمد الملک) (جناب عبدالملک) (مفتی حقوق) (امین السلطان) (امیر السلطنه) (هدیه پهلوان) (شیخ خاصه) (دکتر طوفان حکیمباشی خصوصاً) (عکاشی) (غلام حسنخان زین دارباشی) (مجتهد خان محقق) (امین خلوت) (فرخ خان) (امیرزاده و جیه الله میرزا) (جناب طنجاب افغان و جیه پاشی) (افاضای و باشی) (میرزا عبدالله فراتخلوت) (میرزا عبدالرحمان ساعد الملک) (سلطان حسین میرزا) (افان علی) (افان صیقل المبارک) (افان باقر) (جناب رفیعی) (نوکرها جناب مستطاب صدر اعظم سفیر) (بنده مؤلفین در کشتی بشرف الزم رکابا علی میامی بویغ)

### اشخاصیکه در کشتی نهمینگی بودند

نواب کاترالد و لیه عبدالصمد میرزا (نواب لا اعنضا السلطنه و نواب الاحسام السلطنه) (نواب الاضر الدوله) (نواب الاحام الدوله) (جناب علاء الدوله) (جناب حسنعلی و ذریه فواید) (جناب الله طنجاب افغان) (میرزا فخران امین لشکر) (حکیم الملک) (امیرزاده اعنظام الدوله سلطان اوچون میرزا) (نور الملک سرینیا اول) (جناب بحر الدوله) (شیخ السلطنه) (حسنعلی خان زینالاجودان) (امیر رضاخان سرینیا جودان سدارش) (امیر ابراهیمخان نایب) (میرزا احمدخان ولنجاب علاءالدوله) (جلودار دوزنفر) (مفتی کچهر) (نوکرها لنگرین هشت نفر)

### انزف نهمینگی که کشتی نهمینگی بودند

جناب سپیدیکه در نهمینگی (جناب سپیدوسن نایب سفارت انگلیس) (سپیدیکین حکیم انگلیسی) سینه پانزدهم ریح اول اول طلوع امشب در ساعت ایشادان رسیدند از دو ساعت بظهر مانده در پانصدتک طوفان شد و نامدیده این انقلاب و ام داشت یک ساعت نیم از شب گذشته کشتیهای کجای رسید که معرفت غیر این است کشتی بزرگ داخلانجا نموناند شد و باید کشتی کو یک شش بجای طرخان رفت ساعتی بعد مسبو بی بین حاکم حاجی طرخان بحضور مبارک مشرف شد و اجازت

حاصل نمود که شانه بجای طرخان رود و همای پنهان مقدم مبارک باشد خلاصه از دو بار در دو نگاه شده و ناچار ساعت نیم بزیب و دو چهارشنبه شانزدهم ریح اول کشتیها در روز و در حرکت بود و ساعت سه و سه و چهار بجای طرخان بود و مسو خسری نیز آمد صبح شانزدهم میرزا ملک خان و وزیران خان و میرزا اسدالله خان فوسول و میرزا مکیا بلبل برده میرزا ملک خان از حاجی طرخان بکشته آمدند پیرای کار گذاران دولت روس و حاجی طرخان از مقدم مبارک باعلی و صبر کاند طاز نصر خوبی ساخته بودند کلا تر شهر چنانکه در مالک دوم رسم است که هنگام ورود امیر اطور و پادشاهان لاختر هم در شهر میبارند نان و نمک جلو آورد و بران نمکدان طلا و در مغز مطلقه نان و نان نهاد و نایب ورود مسو اعلم حضرت هابون را بشهر حاجی طرخان نقش کرده بود ندا را حکوم این سهر کرای منزل معین شده حضرت شرفیات ندوم سعادت از دم مقدس نابدا کوه نیت با ناله با کله برین میخکوف و کلنگه بزرگ با نقان جناب مستطاب صدر اعظم از حاجی طرخان اجازت هابون از جلو سبک رفتند نلیچه های این شهر مشغول بود و حضور مبارک کردند و در پنجشنبه هفتم ابتدا مسجد مخصوص مسلمانان شهر بعد مسجد امام که متعلق باهل سنت است شرفیاب در ندایس از آن بجاری که بعضی از اسباب بطر کپور در آنجا ضبط است و جرم فرمودند و فانی نیز که در اینجا بنظر انور رسید که بطر کپور بدست خود ساخته مخصوص صابکی از انوار ایشیا حو به منبت کرده است و در بطر کپور و کابین امیر اطور این هم آنجا نقش کرده اند بعضی از اسباب بخاری بطر کپور از قبیل آنه و کلنگ و غیره دو این عمارت بدو ارها و چندین از این امان بعد از ظهر این روز نشرفیابهای اسکله شده بزم ساریتسین در کشتی بخاره و مسو بالکسند که از کپالی است شست کشتی مز بود و در دو و لگا بره افنا داین کشتی بسپایسین و وسیع و مندر و است و در آن ساعت در ربع بزیب مانده بشهر ساریتسین ترول اجلال فرمودند این شهر در بلندی و در کماره و در لگا واقع شده و از اینجا ابتدا راه آهه است که ساد طوف که شهر ساریتسین جزو حکومت است حاجی حضور مبارک آمد امشب گاو کین و اراهنکی است و اینجا طاز نصر خوبی ساخته بود ندعبان ملاقات استقبالین مجددا بکشته سعادت فرموده یک ساعت از شب بفره راه آهن ترول فرمودند کالسکه های راه آهن از کالسکه های مخصوص اعلمی بنا میرا بود و وسیع و مزین با اطرافهای متعدد از سفره حانه و خوابگاه و اطمان پنهان هم به هم وصل با چراغ و غیره و صدای و تخت و نیم تخت خلاصه عمو را باالت نامستوسند این الفور یکی حاکم شهر مسکو باستقبال و کوبه هابون آمد و مسبو کماز و فرم اعلمی بنا میرا بود که در اجابت اعلمی بنا میرا بود که بود مخصوص مبارک شد شد بعد از آن بشهر مسکو و در فرمودند و شرح نشرفیات را اگر بخوایم در هر جا بنامه بکاریم آن خود از نوکنا و مسو شود و بری آن دو سفر نام مبارک که هابون مسو است لهذا ما بر فایع هم در بنسازرت افصار و پنجاهم منزل اعلمی بنا میرا بود و رکابا علی در مسکو عمارت کرملین است که از عمارات سلطنتی معروف بنا میباشد و پورتهای زیاد این عمارت که هر یک در موضوع و نیز بنیترین است ملحوظ نظر بود که در بدایع عمارت کرملین جواهر آلات و ناچهای قدیم پادشاهان



و غیر با چیده و از چینه های قدیم و طلا و نقره آلات و اسباب تحفه و عنایمیکه در جنگ گرفته اند در این مجلس بجا است و در روز  
 و نماشاخانه و معونه این شهر نیز ملحوظ نظر شاهانه کرد بدعا جمعیت و اجزای نظامی مؤلف مسکو با سر در کار نشوون مسکو  
 بحضور مبارکه آمدند و مورد تفضل کردند بکشتیم در خانه پریش الهور یکی بیال تشریف فرما شدند و در شب بیستم بیع الاول  
 بکار بکار که سر راه آهن بطرز بوع است و بعد از اعطای نشان مثال هاپون جاکر مسکو از این شهر تهاض غوغه و در شب  
 چهارم شهر سن پترزبورگ بالین و الاقبال نزول فرمودند اعلم حضرت امیر طوکل مالک روس انگشت دوم با نواب لعمده و دیگرها  
 دیگر اعلم حضرت معظم و نواب کراندول بنگلابه سالاد کلا عساکر و من نواب کراندول قسطنطنیه بنگلابه بوج برادران اعلم حضرت امیر  
 دو کار با استقبال حاضر بودند و اعلم حضرت شاهنشاه ایران با کال کره پذیرفتند صاحب منصب زیاد ی بالباسهای  
 سر راه بود نه خلاصه با شریک اعزاز و خارج از خیر بیان وارد عمارت سلطنتی شدند بعد از تشریف فرمای با جان مخصوص  
 منزلگاه هاپون بفاصله کشتالید ریکه و زبرد و بار از جانب اعلم حضرت امیر طوکل نشان سنند که اعظم نشانهای دولت است  
 و مکل بالاسل بنا با ایل آبی آورده با اعلم حضرت شاهنشاه ایران تقدیم نمود بعد از ذیفره اعلم حضرت شاهنشاهی بیاز بدی علی  
 امیر طوکل تشریف فرمایند ساعتی بعد عازم باز بدی نواب و لعمده شدند و فرمودند با اعلم حضرت امیر طوکل تشریف فرمایند شاهنشاهی  
 آورده منفصلا بنا شاخانه توجه نمودند صبح بیست و نهم پریش کر چاکف صدر اعظم دولت روس بحضور هاپون آمد و بعد از  
 معاودت پریش اعلم حضرت امیر طوکل تشریف فرمایند شاهنشاه تشریف آورد با اتفاق تشریف فرمای میدان شان مدس یعنی میدان  
 مشق شدند و سان خود پاده شده و باره از بیست هزاره سوار و پیاده در این میدان بود بعد چون نهاد را بجان پریش  
 او بنویس همان بودند روانه آن ساحه شدند مفاد نصف شب استیجالیس بال بجای تشریف فرما کردند اعلم حضرت امیر طوکل  
 مجلس تشریف داشتند و در شب ششم ابتدا سفرای خارجه بحضور مبارکه مشرف آمدند بعد بنامشای موزارتی خارج فرمودند  
 نیمی از شهر نیز در این روز مشغول خوب بودند و مشغول آنها ملحوظ نظر انور کرد بدی عصر این روز در منزل اعلم حضرت امیر طوکل  
 موعود بودند و در این شام صد و هفتاد نفر دعوت شده صرف غذا کردند هم در این روز از پارسی خبر دادند که مسوول  
 و پس جمعی از این شغل استعفا کرده و مارشال کامون سردار در پیس کرده اند و در شب هفتم از نواب کراندول قسطنطنیه  
 برادر اعلم حضرت امیر طوکل و نواب کراندول بنگلابه برادر دیگر اعلم حضرت معظم و پریش کر چاکف صدر اعظم و باری بنویسکی کرد و  
 اعلم حضرت امیر طوکل و مردم بیست و پیر محمی است بدن فرمودند این شخص بکوئی حکم ففقا زبوه است و در شب ششم ابتدا  
 امیر طوکل در کالسکه نشسته میدان مشوق فته نامشای مشوق سواره نظام و غیره نمود بعد بقلعه و بانکه و لئی تشریف فرما کرد بدی  
 و در لیا که در همین قلعه میباشد از دید فرمودند با بجا ابدال طلا یز که بکفشان آن صوت اعلم حضرت امیر طوکل  
 دیگر خطای نایب و در واسم مبارکه اعلم حضرت هاپون نکاشته در سم شده ضریغ و در شب از پریش دوم اعلم حضرت امیر طوکل

دیدن فرمودند و در منزل ایشان با اعلم حضرت امیر طوکل و نواب و لعمده و جمعی دیگر از رجال و اعیان شام صرفه نمودند و  
 بیست و نهم یکدش و نماشای بطر هوق و کت نشاند کنند و در غره شهر بیع الثاني پریش کر چاکوفت محو و در فرموده شیت  
 در شهر سار سکو سلو که عمارت و باغ مخصوص اعلم حضرت امیر طوکل در آنست چهار فرسنگ کمتر باشد مسافت دارد و باره آهن در عمارت  
 از راهی پیشو بشام موعود بودند و در این شب اعلم حضرت امیر طوکل و ملنر بین رکاب علی ثفا و نشوون نشان و تشریف فرمایند  
 و غیره دادند و اعلم حضرت هاپون اسب سوم بجای با اعلم حضرت امیر طوکل و صاحبخانه بجز وجه نواب لعمده هدیه دادند و در نیم  
 بعد از دوام با اعلم حضرت امیر طوکل و زاده و پلنگ که شهر و من کو نیکس بویغ که شهر پریش است غیرت المان و پریش فرمودند  
 و در نیم عمارت سلطنتی شهر کو نیکس بویغ منزلگاه اعلم حضرت هاپون و ملنر بین رکاب علی است از اول حال پریش و شرا بط  
 تشریفات مقدم مبارک کاملا معمول پیشو رئیس همانا دان کرد و در این پریش فرمودند و در آنجا بودی معترف و پیشو  
 و در چهارم عازم برن کر پده از شهر بار با نوبغ عبور فرمودند و در آخر این روز و در کابرین شدند اعلم حضرت امیر طوکل  
 نواب لعمده پریش ایشان و نواب پریش متار لبراد را ایشان و فرید یک متار لبراد را اعلم حضرت امیر طوکل که فرستادند و شاهر  
 دیگر از خانواده سلطنتی مثل پریش همون و لرن که شاهراد جوان است و جنگ المان و فرانس در سر زمین شاهزاده شده که فرانس  
 راضی نبودند که پادشاه اسپانیا شوی پریش برادر صد اعظم و لئال المان و مارشال رون و زپر چیک و صد اعظم پریش است  
 جنرالها و صاحب منصبان و فوج خاصه و فوج کابری فوج سوار نظام و غیره و جمیع پاده از حد هم سر راه آهن بودند و در این شب  
 خوب نشانای کردند و نگاه اعلم حضرت هاپون با اعلم حضرت امیر طوکل در کالسکه سر باز و نشسته قسطنطنیه زکریا و منزلگاه موکب  
 معلی معین شده بود تشریف فرما کرد بدی و بعد از گذر در این عمارت و صحبت اعلم حضرت امیر طوکل و غیره نمودند و نیمه بعد  
 اعلم حضرت شاهنشاه بجان اعلم حضرت امیر طوکل رفتند و ایشان نایب استقبالی کرده بعد از دیدن و چند دقیقه صحبت معارف  
 فرمودند و در نیم ساعت شهر بیستاد که خارج برین است حضرت فرستاده در این شهر از ملکه قدیم یعنی نوچه پادشاه سابق  
 پریش که برادر اعلم حضرت امیر طوکل و عالتی بود بدی فرمودند و از نوچه پریش متار لبراد را اعلم حضرت امیر طوکل  
 المان و صادر فرید یک متار است و عمارت پلانته بدی کردند بعد از صحبت پریش فرموده شیت در عمارت منزل اعلم حضرت  
 هاپون اعلم حضرت امیر طوکل شام مخصوص در بیامنازی دادند و در ششم بیباخ باغ وحش برین و بعضی اماکن دیگر شهر لرن  
 و در هفتم شب را کو آرتوم یعنی جایکه حیوانات و نباتات در بان را بجهت نماشان نگاه میدارند توجه فرمودند هم در این روز از امیر  
 و در چهارم نواب لعمده که حضرت اعلم حضرت پادشاه انگلستان بدی فرمودند شیت اعلم حضرت هاپون با شاهزاده کان ایران  
 از شاهزاده ها و شاهزاده خانها پریش در عمارت فوقانی منزل اعلم حضرت شاهنشاه همان اعلم حضرت امیر طوکل بودند و در ششم  
 بیاز دید میدان مشوق و نماشای مشوق فواج و سوار و باز و بجا خانه مشوق بودند و شب امیر طوکل اعلم حضرت هاپون و







که در شهرهای اعظم پادشاه است برای مزگاره اعظمی هم چون و ملزمنین را با اعلیٰ عین شده بود که بدین موم  
 اهالی لندن از اهل مسکن کامل از دو مسعود شاهانه میکردند هنگام غریبه بود اعظمی پادشاه انگلستان و امیرالمؤمنین  
 هند و سنان در قصر و نیز در که در شرف سینه شهر است و باره آهن در نسیب اعظمی مسافت مزبوره میشود بودند و  
 بیست و پنجم رجب الثاني بیاز دیدن نواب و بعد از شرف بر نواب و بعد از دولت روس و زوجه ایشان که خواهر زوجه  
 نوابی بعد از ولایت انگلیس و مرد و دختر پادشاه داماد که انداختا بودند بعد از نوبت بر نوبت الفرد که ملقب بود و در بیرون  
 و شد از آنجا نماند و در کابل بر پنج پیر عوی اعظمی پادشاه که سپه سالار کل کشور انگلیس است بعد از آن خواهر پسر و  
 از آنجا شرفی برای منزل کرد و به سفری خارج و در آنجا انگلیس کرد و در وقت از دست و پانچ میباشند بالرد کلا در سنون صد اعظم  
 و در کابل و در بر خادج حضور مبارک نشین و شد و شب در منزل نواب و بعد از آنکه در کابل و در جناب مستطاب صد اعظم  
 و غیره موعود بودند بعد از شام نیز بخانه دوند و سوختند که از آنجا نماند و سالیک کرد و در مدخل او در شب نشینی موعود  
 شدند روز بیست و چهارم با جمیع ملزمنین را با اعلیٰ بقصر و بند زور بدین اعظمی پادشاه انگلستان شرفی بر نوبت و چون  
 در پای پیر پسر پادشاه شده اعظمی پادشاه تا پای پیر اعظمی ها چون در استنباط کردند جمیع شریک مودت و اعزاز ملحوظ شد  
 بعد از آنکه امیرالمؤمنین و پادشاه نشان در این مکه که بر نوبت معروف و از نشانیهای غیر انگلیس سوا اعظمی  
 پادشاه انگلستان که رئیس اداره این نشان اند و شاهزادگان انگلیس سلاطین خارجه کسی در این نوبت اعظمی پادشاه  
 آورده اعظمی پادشاه انگلستان و امیرالمؤمنین هند و سنان بر خاسته بدین خود ان نشان پیر پسر که نور ملوکانه زدند و در حال پیش را  
 انداخته جو را ببندد و هم دادند (نشان زار پیر) و در دهم پادشاه انگلستان در دست هر فرد و مسجده و چهل و نه  
 علیحد در قصر و بند زور اختراع نوره بعضی کوپنهاگ اسباب کار فرغ کرد که قلب چهارم پادشاه فرانسه است که در این نشان را هم  
 کرد بر عی بر نوبت که در یکی از مجالس بال جو را ببند کنش سال سی و شش و مشوره او را فائده اسباب خنده حصار شده پادشاه  
 از کابل غیرت و علاقه که با او داشت جو را ببند و راست گفت منصفیاد که سپه سالار است و همین عبارت در نامه نشان زانو  
 نشین گفت همین بنام جو را ببند و محرم خواهم کرد که هر برای محفل آن وقت بکشد این شد که از ان نشان اول و در فرادام  
 اعظمی ها چون در نشان و در پابل اناب کلل بالاس با نشان تصویر و نظیر مقدس همایون با اعظمی پادشاه انگلستان  
 دادند بعد از آنکه در فرمودند پس از آن قدری در آن نواحی که در شرف کرده و مراجهت شهر شد شب در خانه در بر خادج  
 لندن همان شب نشینی موعود که شام بعد از نصف شب است بود و در سه هزار نفر مشیت عوف شده بودند روز بیست و پنجم  
 بنامشای کارخانه جات و نوبت که حبه خانه و آهنگر خانه و ولایت انگلیس است و نوبت که در حقیقت شهر است و چون با اعلیٰ  
 بل از محلات لندن می باشد بعد از نماشای کارخانه جات و باز در پیش نوبت بخانه مراجهت مبر از فرمودند در محل نشین نوبت

و تو چنانچه

بیشتر

بیشتر حضور مبارک کردند و در بیست و ششم بسیار باغ و حشر گذشت و در بیست و هفتم بر روی کشتیهای جنگی غریبه  
 بر نوبت که یکی از بنادر مغربه جنگی انگلیس است فرمودند و از مشورت جنگی را باقی و کارخانه جات که اسباب کشتی بخار و محرم  
 نماشای کامل مجلد آمد و شب مجلس کثیر بعضی ساز و آواز که در عمارت انزال است شرف بر نوبت در بین راه اغلب کارخانه  
 صنایع منفرد ملحوظ نظر انور همایون کرد بدین مجلس ساز مزبور طودی بود که از اول عالم تا ان زمان کسی نظر آنرا ندیده و در  
 این مجلس دوازده هزار نفر مستمع و کمال سکوت و آرامی با شماع نغمات بسیار خوش مشغول و ملحوظ بودند روز بیست و هشتم  
 در چند ایامی خود حضور مبارک نشین و شد اهالی شهر انگلیس نیز از بعضی جنبش شرفی شدند و ساعت بعد از ظهر  
 بجهت مسان نشین که اعظمی پادشاه انگلستان خواستند بدین عازم قصر و بند زور شدند در میدان مشق که در پیش  
 بود هشت هفت هزار نفر سواره و پیاده در کمال خود مشغول کردند و پس از نوبت با اعظمی پادشاه انگلستان بنامشای  
 در بیست و نهم بکن و پنج که در متصل شهر و نه خارج و در کنار رود طرس واقع و در حقیقت از محلات دور دست است شرف  
 بر نوبت در سحری انگلیس در اینجا مستحوظ نظر آمد که در بدین عصر صد خانه شرفی بر نوبت آنجا را نیز از بدین فرمودند و در  
 رجب الثاني بسیار شرفی بر نوبت و در وقت تمام که مال دوک و دو سوختند که در شب و در جمعه غزه جادی اولی عازم شهر مجرب  
 شدند و بعد از نماشای کارخانه جات پارچه و در همان رسی این شهر که نوبت معروف است بقصر تمام معلود فرمودند روز بیست و نهم  
 شرفی برای لندن شدند و عصر در شرفی بکلی کرد و در صبح و عصر در همان نواب و بعد از آنکه پادشاه انگلستان  
 هم با نوبت آمدن عمارت و باغ عالی و در دو و شش است که از مشورت بسیار و اما نوبت شرفی بر نوبت که در پابل ان نشان  
 در اینجا در نوبت عمارت همایون بیاد کار بدین عمارت فرمودند این عمل در فرنگستان بکلیت احترام بزرگ است  
 نسبت با نواحی نزدیک روز بیست و یکم در بعضی مواضع شهر که در روز چهارم بعضی بعضی در انماشای مشق نوبت چنان  
 و بویک (شست و پنجم) مشغول بودند شب در عمارت بلور که اول اکسپوزیسیون فرنگستان در هجده فوزه سال قبل آن  
 بر باشد موعود شام بود و باغ عمارت بلور به نوبت انماشای انگلیس است بعد از شام انماشای میزد و در نیمه شب  
 بانک و برج سپه لندن و کلیسای صفت پول و و ست مشرف پارک و خانه کلا در سنون صد اعظمی شرفی بر نوبت که در روز بیست و ششم  
 برای دایع با اعظمی پادشاه انگلستان فرمودند و در شرفی بر نوبت و بعد از تقدیم رسوم شرفی بر نوبت و اعزاز عسکر حال هم نشان  
 در بیاد کار با اعظمی پادشاه انگلستان دادند اعظمی پادشاه انگلستان نیز عکس خود را با عکس بر نوبت که در پابل ان نشان  
 با اعظمی ها چون دادند از آنجا بخانه پرنس هلینا دختر اعظمی پادشاه انگلستان که زوجه پرنس کریم پشان از شاهزادگان  
 هولندین المان است فلک بعد از عزمی غیره پرنس البرت شوهر اعظمی پادشاه فرمودند در مراجهت در بین راه و در وقت شرفی  
 کو بیاد کار بدین عمارت در محل فرمودند روز هفتم عمارت بلور شرفی بر نوبت که در بعضی اسبابها را درخت بعد



بمباشه عا رنکه از روی نظر الحاکم اعراب هنگام تسلط خود شان در اندلس و تغلب در اسپانول بنا کردند ساخته اند و غیره  
 از آنجا با همی خان رفتند و بعضی سبله های دیگر نیز شدند و نهمین ابتدا بدین توابع بعد انکلیس نرسیدند بعد بر بعضی نرسیدند  
 نو ما سر کرد و مقابل پارکنت واقع است از آنجا بخانه لر در کیل و زهر هند و پس از آن باز در سیبیا حاکمان و انبیه و نما سنا  
 کند از آندهم بانی و اعزاز و احترام و شرفیات در دولت انکلیس از شخص اعلم حضرت پادشاه انگلستان تا وزیر و اعیان و احاط  
 و افراد ناس نسبت بوجود مسعود اعلم حضرت همایون و ملتر پسرین رکاب بدو رجه بود که بجز بقدرت پادشاهان و فرستادن جمادی اول  
 غریب بند ر شربوع فرانسوی در کار و بکفوری با توابع و لیم همد و داغ کرده با کالسه بخار حرکت فرمودند و بعد از سه  
 ساعت وارد بند ریور نشووت شدند و از آنجا در کشتی فرانسوی که سابقا موسوی با کلاواز ناپلیون پستم بود که برای سوار  
 خود شان ساخته بودند و حال را پسند نام دارد داخل کرد پند و وقت غروب با قناب در بند ر شربوع کشتی افتاد کرد  
 روز دهم صبح سوار غایب شده بطرف ساحل فرود آمدند بعد در کالسه بخار نشسته از مملکت نورماندی عبور شدند و نیم  
 ساعت در شهر کان پای تخت نورماندی توقف کردند از شربوع ناپارسی از راه اهرست ساعت باه و نو در فرسنگ  
 دارد یک ساعت غریب و بیابانهای پاریس رسیدند از پل روخانه رسن که در خارج شهر واقع است گذشتند داخل شهر پاریس شدند  
 در محلی که موسوی پاسی است هم در حال و اعیان دولت فرانسوی حاضر بودند که کار با امثال کاهون رئیس دولت جمهوری و دولت  
 دویر و کل که ناز و زهر و خا بر شده نثار فرمودند که از پلا بفرستد که اعلحضرت همایون است و روز و امسب بعضی  
 و انبیه غیره پاریس را سپاحت فرمودند و با مسیو نو فرانسوی و بعضی دیگر از بزرگان ملاقات یافتند و اتفاقا  
 سفیران باغات و مواضع که از جمله باغات و حوش و طیور و ماهی خانه بود ملحوظ نظر آنور کردید شبهم بگردش بازار سر پوشیده از شب  
 فرستادند خلاصه دار و نسبت به سیم موکب علی در پاریس اقامت داشت و بیاز دیدن اماکن مغربه و کارخانه جات و مدار و غیره  
 پس از آن جمل روزی بمباشه عمارت و باغ و رسایل شریف فرستادند و شب از آنجا به طرف نرسیدند و چو اغانی و انشایدی  
 منازعی بود روزی غریب پاریس که مفره ناپلیون اول و سایر پسران و برادران ناپلیون و سرداران قدیم ایام لوی چهاردهم  
 و غیره در آنجا است فرمودند و در آنجا با او نشان که چمن و مسیو است ای سان نشوون شرفیه برده اند و فریب صد و بیست و پنج  
 نظام که هر نوع چهار صد پانصد نفر بودند و سپید چاده توپ و از کجا نظرها را از همایون گذشتند و روزی برای اسب و اف  
 بونشان فرمودند و شب از آنجا به طرف نرسیدند و در آنجا با او نشان که چمن و مسیو است ای سان نشوون شرفیه برده اند و فریب صد و بیست و پنج  
 و دانشندان پاریس آنجا بودند شرفیه فرمودند و روزی بیانی که پانزدهم یعنی در آنجا نام دارد بسپاحت مشغول شدند و در آنجا  
 حال جنگ فرانسوی و محاصره پاریس چنان نمودار بود که کوپا الاک صوژ و وقوع دارد روزی بکلپای نرسیدم و مدتی  
 معادن و در آنجا بگردش عمارت مسیو که در بنویف ما را الحکوم شهر پاریس میباشد و بعضی باغات و عمارت دیگر و کلیساها در شرف

بروند شبی پاره ر قبال که جائیست وسیع و در آن چهار صد پانصد دکان دارد که هر چیز از جواهر صلبیا خوب و بدله  
 اسباب خرازی بلور و چینی و غیره میفروشند شرفیه فرستادند بعضی چیزها خریدند و در آنجا بمباشه عمارت و باغ و رسایل  
 عالی را فرستادند و عمارت لوور و دور و دور بود ساپل و کارخانه چینی سازی و رسایل و دارا نشوون و در آنجا باغ و حوش  
 و بنا ناث و شبی در عمارت دارا بخار جبهه عود و سپو و بر و کلی و زهره و خا بر شرفیه برده اند و در آنجا بگردش که ساعت  
 جنوب پاریس و خارج از شهر است و صحرا بود و چمن و جنگل و ناپلیون پستم در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا  
 و همین بعضی در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 کامل روز بیست و پنجم شهر جمادی اولی از پاریس عزیمت کردند که یکی از شهرهای فرانسه است شده در کالسه بخار نشسته و وقت  
 غروب با این شهر در فرود آمدند در پاریس پای تخت مملکت بود که آن است و نسبت به چهارم اردو بزرگ حرکت فرمودند و غروب شهر نشوون  
 رسیدند همانند آن فرانسه که در آنجا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 است و بعضی در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 بیست و پنجم روز در پاریس بود و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 و انشایدی خوب کردار و با نو و کشتی کردند و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 هونک لایه بنهار موجود دولت موسوی بودند و بعضی اماکن و موزه و غیره ملحوظ نظر اغانی با شرفیه برده اند و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 بزرگ باغ و پیلای مسیو و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 واقع است معان بودند روز بیست و هشتم از نو پاریس فرود آمدند و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 در بین راه از شهر شامبرو که میکان شدند شرفیه برده اند و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 و بکفوری اما اول تالی پادشاه ابطالیا و توابع پاریس و غیره و بعد از آن پاریس و غیره و بعد از آن پاریس و غیره و بعد از آن پاریس و غیره  
 سلطنت نموده بعد از آن پاریس و غیره و بعد از آن پاریس و غیره و بعد از آن پاریس و غیره و بعد از آن پاریس و غیره و بعد از آن پاریس و غیره  
 پذیرفتند و اعلحضرت همایون با اعلحضرت پادشاه ابطالیا و کالسه بخار و بانی نشسته عمارت و لایه که برای متر کاه اعلحضرت  
 ها بودند اعلحضرت پادشاه ابطالیا نیز در همین عمارت متر لایه اند شرفیه برده و وقت شب بود و کوچه ها را با اغانی  
 بودند همان چند نفر بیاز پدا اعلحضرت پادشاه رفتند و نسبت به تمام دو نون اقامت شد و میان پدا اسلحه خانه  
 و بعضی اماکن دیگر گذشت شام را همان اعلحضرت پادشاه ابطالیا بودند و بعضی اسباب که پاریس را پاریس اعلحضرت شرفیه  
 با اعلحضرت شاهنشاهان فرمودند روز سلج جمادی اولی بمباشه عمارت و باغ و رسایل و دارا نشوون و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته  
 و طیور و کردش شهر میدان مشق مشغول بودند شب چو اغانی و انشایدی خوب کردند و در آنجا خا باها و در باجیه با صفا ساخته



دعای اعلی حضرت پادشاه ابطالب و بدو در ایشان نادم کار عازم شهر میلان شدند و دو ساعت بجزب ماندن این شهر رفتند  
 فرمودند در همین روز کلبستان این شهر را که نظران در مقام عالی نیست چهار هزار حصه بر هر یک کلبهای مختلف دارد نماشا  
 نمودند و اگر چه این کلبستان شایسته است که شرح داده شود اما چون وصف آن بوجه اکل در کتاب مستطاب سفر نامه هاپون  
 باقیم بجز در مقام مبارک نکاشته و مسطور شده ما از آن گذشته فقط بویا و تاریخ میری ازیم با کلمه نواب و بعدد و لشکری ابطالب  
 که از روز قبل میلان برای پذیرائی مقدم مبارک آمده پذیرائی کامل نمود و شب همان او بودند روز دوم غریب شهر سالیست  
 بود که جز ملکات اطریق است فرمودند و از شهرهای متعدد عبور شده لشکرها کماله جاجعل آمد در آستانه سالیست که حد  
 دولتین ابطالب و آستر به است که اسکله های آستانه ماموسین و مه انداران اطریق حضور مبارک آمدند و یکس مه انداران کنت  
 دو کربوبل شخصی جنر و پیشین شایسته اعلی حضرت امیر طور آستر به است منصب نظامی هم دارد از اینجاکند شنبه هم در راه بودند  
 فردا بشهر سالیس بویا عزول فرمودند روز سیم بقصد مکه و مکه سعید خرد و آنه از آنجا فرود آمدند و در پین راه از شهرهای متعدد  
 عبور کرده لشکرها کلبه بجای آمدند و بک غروب با آستانه سالیست پانزنگ رسید که اسکله ایستاد اعلی حضرت امیر طور منسه  
 فرانسواز و ز فدم کال سکله آستانه مشظر بودند بانواب و بعدد و لشکرها از آن ملک که دو فرسنگ شهر با استقبال  
 آمده بودند پایش آمده با اعلی حضرت امیر طور پیشرا بط مودت و اخلا در ظاهر مباحثد و با کال سکله بخار روانه منزل که قصر  
 لاکسا بویا است شدند این قصر شایسته و بنیر بخیر سنگ مسافت دارد منزل اعلی حضرت امیر طور قصر شونیر و آن است که شهر  
 تر دیکر میباشد روز چهارم بقصر شونیر وین بازید اعلی حضرت امیر طور لشکر بفرستد روز پنجم ملاقات نواب و بعد  
 و کردش در همین اماکن گذشت و در ششم بعضی از شاهزادگان و کنت اندا سوسی صدر اعظم و بعضی سفیرهای حارج حضور مبارک  
 لشکر و جسد بعد از آن با کال سکله بخار بقصر شونیر وین لشکر بفرستد و در همان رسمی اعلی حضرت امیر طور هستند شونیر و  
 قصبه ایست خانهای آن وصل بخانه های هر طرف شهر و بنه است چندان از شهر دور نیست و این روز اعلی حضرت هاپون  
 نشان غمناک مبارک خود را که مکل بالاس بود بنواب بعدد دادند و در هفتم بنامشای شهر و بنه و باران آکسپوز پسپون  
 چرا خند و بسپاز از مواضع نا آکسپوز پسپو و غیره که باز بدین فرمودند اعلی حضرت امیر طور همراه بودند دولت ایران  
 مناع و اجناس این آکسپوز پسپو آورده و با هم هاپون اعلی حضرت شاهنشاهی نام ملکه عارف بنر بسیک ایران در کال امپا  
 ساخته اند و در هفتم بگرش باغ و در پاچه گذشت و در نهم اعلی حضرت امیر طور هاپون را بشکار دعوت کرده شکار بسپاد  
 خورد هم درین روز باغ و حوض و طبع و مویا کردید و در همین روز کور و بیلو مایک و بنیر حضور مبارک لشکر و جسد در  
 بگردش و عکس و غیره گذشت شیلر و نماشا خانه بنامشای بنیر که حال او پوری حاجت جنگهای بنیر و بهار و بعدد مالت قصب  
 و کوهها باغ و مواضع آبخار امین و مشغول بودند روز بار دوم برای میان شونیر وین لشکر بفرستد و اعلی حضرت امیر طور

پانزده هزار فسون دویزدان سان نظر مهر از اعلی حضرت هاپون کند پانزده روز و از دم شب این روز چون علیا حضرت  
 امیر طر پس که بجهت علت مزاج به میلان رفته بود ندر اجنب شونیر وین کرد در اینجکله همان بنیر باخوبی نموده ذات ملک و صفات  
 مقدس لشکر بفرمای شونیر وین شدند و اعوانی و انشیازی بنیر باخوبی هم شدند و روز سیزدهم بعد از و طاع با اعلی حضرت امیر طور  
 بشهر سالیست بویا که در بند روز چهارم شهر انشیر و لو بود و مسعود شاهانه مزین شدند و روز پانزدهم غریب  
 شهر بولون ابطالب فرمودند و بنیر لشکرانی منبر اظهار شتر و انسان از اینکجه اعلی حضرت هاپون بجاک ابطالب و روز  
 از اعلی حضرت پادشاه ابطالب که در شکار راه کوه آلیس پیا شدند و روز شانزدهم در بولون توقف شد و بگردش را بشهر  
 پراخشد و روز هفدهم عازم بنیر شد که آنرا بنیر ابطالب است اینجا کشتیهای دولت عثمانی حاضر شده که مویا علی را با سلا  
 ببرد شدند و فریاد این روز که روز هجدهم باشد بنیر و روز بیست و یکم و کشتی از دولت عثمانی یکی مویا سلیطانی مخصوص  
 سواری اعلی حضرت سلطان عبدالعزیز خان سلطان عثمانی و یکی مویا بطبعه در اینجا حاضر و مشرف پاشا که سابقا بنیر وزیر  
 مخاری در دار الخلافه است این کشتیها بود دو ساعت بجزب ماندن اعلی حضرت هاپون با بعضی حوام در کشتی سلطان  
 و سایرین داخل کشتی بطبعه شده و روز نهم عازم اسلامبول کرد و بند شام و نهاد را آستین اعلی حضرت سلطان در کال امپان  
 طبع میکنند و زین پس از سواحل یونان عبور فرموده روز بیست و یکم از خلیج آتن پای تخت یونان گذشتند شش ساعت بنیر از کشتی  
 تر دیکر بخار داران شدند و روز بیست و دوم بعد از نماز بیجا ز دار فائل رسیدند محمد رشک پاشای صدر اعظم مشغول بشیر و ان را  
 با رجال و صاحبان بزرگ دولت عثمانی از اسلامبول از جانب اعلی حضرت سلطان بچنان قطع با استقبال مویا هاپون آمدند  
 کشتی سلطانیه مقابل قلعه سلطانیه لشکر انداخت محمد رشک پاشا و همراهان او بحضور مبارک لشکر و جسد از اینجا تا اسلامبول  
 ده ساعت راه است که ساعت پنجم فرود مانده لشکر کشید بطرف اسلامبول روانه شدند روز بیست و یکم سه هزار نفر از بنیر  
 که در اسلامبول بودند در کشتیها نشسته با استقبال مویا علی آمدند اینجا بخار جبهه بنیر در کشتی بخار نشسته با استقبال آمدند  
 خلاصه کشتی آمد تا عادی و از مشهوره بیکر بیکر که برای منزل اعلی حضرت هاپون تعیین شده اینجاکه طرف نا نا لول لب بخار واقع  
 است از عمارت بسپا امتاز دولتی میباشد و چون در محله بیکر بیکر ساخته شده با این اسم می نامند اینجا که جویان آب بخار  
 از جرفه نکر مبارک و از این بنیر اندر و کشتی ممکن نشد که بخاری عمارت لشکر بنیر از آن عمارت گذشتند هزار قدم بالاتر  
 ایشاد بعد از چند قفله اعلی حضرت سلطان که در عمارت بیکر بیکر بود ندر سوار فاقو مخصوص مویا و اعلی حضرت هاپون حاضر کرده  
 بودند که سلیطانی آمده از اعلی حضرت شاهنشاهی بنیر پاشایان نموده پس از ندر سی صحن از کشتی پایش آمده اعلی حضرت  
 شاهنشاهی ایران و اعلی حضرت سلطان عثمانی منفقادر فاقو نشسته بسکله لشکر بفرستد و اعلی حضرت سلطان اعلی حضرت  
 هاپون را ببارش برده اطافهای منزل و عمارت را نشان داد و ببارش خود نشان مر اجنب نمودند و روز بیست و یکم مویا مویا



شرفیات بوجه کمال آمد بعد از نیم ساعت اعلی حضرت شاهنشاهی با جناب مشیر الدوله صدر اعظم و جناب محمد الملک و علی بنید  
 شرفیاتی باشی هم از طول به باغبان بازید اعلی حضرت سلطان رفتند اعلی حضرت سلطان ناپای لیه با استقبال آمدند و اظهار کمال و در وقت افکاد  
 نمودند و بعد از آن در صبحت منزل معاودت فرمودند روز بیست چهارم سفرای خارج مقیم سلام بود و وکلای دولت عثمانی بحضور مبارک  
 شرف جسد نرید پاشان جناب والده اعلی حضرت سلطان باحوال پرسیدند و بخت روز مسعود مبارک آمدند در روز دهم بکرش  
 مساحت گذرانند روز بیست پنجم در عادت بالی جوغان نهادند همان اعلی حضرت سلطان بودند روز بیست ششم نیز اسلامبولی پاشا  
 مسجد با صوفیا و سفارتخانه ایران شرف فرما شدند نواب پوسفرا الدین آقندیل اعلی حضرت سلطان که شانزده ساله می باشد در روز  
 بیست اعلی حضرت ها بون آمد مشیتام در عمارت بشکاش مشعوف رسمی بود روز بیست هفتم شبی از جواری کشتی عزیزیه عزیزی  
 گذشت و بیست هشتم در باغ والده اعلی حضرت سلطان با حفا اعلی حضرت عظم نهاد و عوف بودند در باغ و حوش و طوهم  
 ملحوظ نظر آنور کرد بد شب این در حضورها بون کاد های عزیزی که روز بیست هفتم تمام با شارسوار دولت  
 بحضور مبارک مشرف شدند نیز زیالی صد اعظم شرف فرما شدند روز غره رحیم بعد از دوای اعلی حضرت سلطان در کشتی سلطانیه  
 عزیزیه بودند و چون کشتی طلوع کرد و وقت آمدن با کشتی سلطانیه بوحیدان امتیازی نداشت کشتی موسوی و بسوی جای آن بر آمد  
 و کابا علی معین شد و چهارم بر بند پوفی رسیدند و پیرس پیکوف و کلنایرک هماننداران سابق دولت روس که ابتدا با آن  
 آمده بودند با بچا آمده مسعود پنداری مقدم مبارک شدند و از کشتی سلطانیه کشتی بخار کوچکی که از طرف پونی آمده بود  
 نقل کان کرده و در وقت داخله و جابنگ ازین کشتی خارج میشدند لیب و دخانه اطاف کوچکی موجود بود و نواب  
 کراند و ک پیش برادر اعلی حضرت امیر طود روس که جانسین و فرمانفرمای بیغفا است با صاحب منصبان و زنیان همادام اسکا حاضر بودند  
 بعد از هفتم بقار فانت شرفیات با کالسکه بخار راه افتادند و فریاد صبح بقلیب رسیدند و با بیغفا نیز شرفیات کامله بجا آمد و در  
 این روز نواب کراند و ک پیش برادر اعلی حضرت نواب عظیم نیز با نوجه خود بیازید اعلی حضرت ها بون آمدند و بعد از بعضی مواضع در روز  
 و در شب نیز در ملحوظ نظر هم از شاهانه کردید روز شنبه ششم شاهزاده بهمن میرزا که از فراغ آمده بود با بیغفا خود بحضور  
 مهر طوهم مبارک مشرف شدند شب نیز در در خانه جانسین شام موعوف بودند جوغان و آستیناز لیبی با خوبی هم کردند روز هفتم از  
 نقلی بنی میثاد که بود فرمودند روز هشتم شرف فرمای کجی کردید و در نیم طرف نوابان چای که از حال کشتی است و بجهت شرف  
 باز هم دو ساعت از شب قدر شهر شامی بود و مسعودها بون مزین کردید همه جا را جوغان کرده بودند روز دهم نیز در  
 ساعت شش شرف شهر یاد کوبید و فرمودند و بعد از صرف شام بکشتی قسطنطنیه که در ابتدای سفر خیرین شرف در آن نشسته  
 داخل شده و بعضی ملزمین با کاب نظر نصابها بون نیز در کشتی موسوی پناه نشسته براه افتادند روز دوازدهم اگر چه در  
 با تر شدند و لوطوفان و انقلاب در پامانج بود که وارد اسکا نیز نشوند روز چهارم هم جیب نیز شرف و روز دانی فرمود

عموم اهالی الکبحر سزای صلاحت معاودت اعلی حضرت شاهنشاهی شکر کمال و مستر وافر کردید و سفر خیرین  
 فرنگستان سعادت اختتام یافت

تذیبات

بعضی روز که فریب یار و ناخند نواب جهانسوز نیز اسواره نیز پنی را مامور کرده سواره مروری که از ناپس کرده آنچه فریب خود  
 بودند و ایشان مشرف ساختند و تا به حزن انگیز اینسال رحلت نواب علی عالی خند عظمی مشرفی که می مهد علی والده محترمه  
 اعلی حضرت شاهنشاهی است که روز ششم و بیع الثانی در دار الخلافه طهران بجوار رحمت الهی پوشیدند و در بطنه بطنه  
 در بقعه مبارک حضرت معصوم سلام الله علیها در مقبره شهر بار میر و رضای مدخون کردیدند عیال بختان سردار لاریجانی بیست  
 هفتم ریح الاول رحوم شد نواب خیر الدوله عمه اعلی حضرت ها بون شب بیستم شهر هادی الاول بر عیال زدی پوشیدند جناب  
 حاجی سید اسد الله عیبه صافهان ولد رحوم حاجی سید محمد باقر از اجله علای اصفهان در پین راه عیال عالیان و در کت  
 شب صلح جمادی الاخری داعی خیر الیکن جناب حاجی میرزا حسین خان مشیر الدوله صدر اعظم مبارک و کسوف  
 بجا که این از پنجم حلیا استعفا کرده در شش منو ضکر کردید روز صلح رحیم صاحب موکبا قدس اعلی که از سفر خیرین  
 اثر فرنگستان معاودت سفر نمودار الخلافه با هر با مقدم بیستم مبارک نیز نمود و ذارت جنگ و امارت نوجوان مبارک  
 و قورخانه و کعبه امور و متعلقه با داره عسکر که کافی السائق بجهت کفایت نواب الاضره الدوله موکول آمد مجلس و بار  
 یا اجزای مسطوره در ذیل تشکیل یافت (جناب اجله میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر داخله و رئیس کل دفاتر و محاسبات و  
 خزانه و غیره و رئیس دارالسود و ناظم دار الخلافه و خالص حیات) (نواب الاضره الدوله وزیر جنگ) (نواب الاضره  
 السلطنه وزیر علوم) (نواب الاعمال الدوله وزیر علمیه اعظم) (جناب میرزا سعید خان مؤمن الملک وزیر امور خارجه)  
 (جناب نصیر الدوله وزیر بخارت) (جناب مجمل الملک وزیر وظایف) (جناب میرزا علیخان منشی حضور وزیر رسایل) جناب احد  
 آقای مستوفی الممالک با عطا و قلمانی مرصع بجواهر میاه کردید و تختی جهات مطلق با قضا و جناب معتمد شرف و صدور یافت  
 که سواد آن از فرار در پلاست

سواد خط جهات مطلق مبارک

و جناب قادر بخانه دولت لازم است از آمدن جناب پاشان کمال خیرین خوشحالی بادست و انشاء الله تعالی امور  
 و سپرده بخود را بعد از اینست فاعده و نظم خواهد آورد  
 از امر و زکرم و زغر شعبان العظم است بخواسند خداوند تعالی مؤمنان و معتبره را بختان محول و موکول میفرمائیم  
 که آنچه در قوه دارد با شطام آنها بکوشد و در این امور و احوال خدا تعالی امداد فرماید تا اینها ماکال نقوی و انشاء الله تعالی



نویسندگان خاقانی و سایر کاتبان نوشته شد

وزارت داخله که حدود معتبره دارد و تفصیلا داده خواهد شد ریاست دارالشوری و لایحه رسیدگی بکجا سیات دولت و مملکت در ریاست قزاقان استنباط و جمع و خرج نظم خزانه و بیانات دولت کاتبه رسیدگی با مورد دار الحلاله باهره و خالصیات مخصوص طهران و بلوکات آن

جناب علماء الدوله که علاوه بر منصب کشیک یا شکر در سفر خراسان و قزاقستان موقتاً بسمت ایشک آفاسی یا شکر می رفتند در این وان اداره قزاقستان مبارکه و باغات و عمارات دیوانی دار الحلاله باهره و سایر بلاد مالک محروسه را فرزند سایر مشاغل جناب عزیزی لایحه نموده با ایشان و گذار و باعطای بقبضه عصا مکتوبه بلباس برپایان مباحی از بدافارضا عکاسی و پیشخدمت مخصوص خازن صورت جیب همایون کردند و دستخط ملوکانه در نیابت شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سوال دستخط مبارک

آثار ضایع کاسیاتی پیشخدمت خاصه از عهد صبی و اولاد حال در استان اعلیٰ فرستاده و در رجوع هر خدمت غالبین خود را ظاهر کرده خاطر ما را از ارضی دانسته است این اوقات بجنبه بخوبی در این جبهه صرفه جیب مبارک و جنسی با عهده او محول فرموده محض خدمت اطراف ما را و از سمت اجودانی مخصوص حضور مبارک اختصاص دادیم که این موهبت فرین کمال مباحات و در فرزند بوده در خدمت محوله شرایط امانت و صداقت معرفی دارد فی شهر شعبان المعظم ۱۲۹۰

چون نواب و اعیان الدوله بوزارت عدلیه اعظم برقرار آمد دستخط چهارمطاع مبارک از قرار مضمون مسطور در ذیل شرف صدور یافت

سوال دستخط چهارمطاع مبارک

چون نظم امور عیال و عرض حاضری و مله و فتن همیشه منظور نظر ما بوده و هست لازم است که شخصی امین و نوکری و دلخواه نظام این شغل را بر بزرگ بکاریم که بعد از تمام دفع ظلم را از مظلوم کرده بر مرتبه عا کونی و آسوی عموم را با عین ابدی اعدا الله که دارای صفات حسنیه است منجبت فرموده این شغل بزرگ را بعهده کفایت در این است میگذاریم و امید داریم این منظور نظر ما استان قوه فیعل آرد و درین ماده از طرف ما کمال تقوی بر نظام این شغل با خواهد شد انشاء الله تعالی ۱۲۹۰ خاقانی و یل

بنده مؤلف منصب معلون دیوانخانه عدلیه اعظم مغفور و سوار از آمد دستخط مبارک شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سوال دستخط همایون

عماد الدوله برای ابلاغ احکام همایونی بدیوان عدالت عظمی و عرض مطالب این وزارتخانه مخصوص مبارک و کفر فتن عراقی در سواد محمد حسن خان صنیع الدوله را معین فرمودیم که در سفر حضور و وظایف بخدمت بنویسند خاطر آن عم اکرم را از این فقرات است دارد و بموجب این دستخط کسبت معاونی دیوانخانه عدلیه اعظم برقرار و با انجام و اجرای کاتبه مغفور مامور است در شعبان ۱۲۹۰

برای هر یک از ولايات ممالک محروسه نیز مقرر شد عدالتخانه موصوع و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عدلیه دار الحلاله معتبر کرد روز هجدهم شعبان موکب علی نشرف فرمای مدینه مبارکه دار الفنون و مریضخانه دولتی شده وضع انشام این دو دایره جلیله را بدو وصف پسند خاطر مریضخانه شاهانه کرده دستخطی با قمار نواب و اعضاء السلطنه و نیز علوم شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است

سوال دستخط چهارمطاع مبارک

اعضاء السلطنه مواظبت نماید در خدمت دولت همیشه ملایم و مطبوع ما بود و اینکه در عیال خود هم بجزن اداره و کفایت خود طوع و عامر مدینه سایر جنات مقرر در نگاه داشته اند که امر و کار مدینه در مریضخانه را با این خوبی مشاهده کردیم که بیشتر خاطر ما را ارضی شد بعلامت این رضایت خود مان بکتاب سرزاری از ملبوس مخصوص فرستادیم که بر عیال کامله ما ماز با امیدوار باشید زیاده فرماییش نیست

حکمران عراق و پنجاب و بیابان و اکناف فرمودند جناب میرزا علیخان وزیر سابق بلقیه جلیلی امین الملک ملقب کردید دستخطی نزال اجودان بکوکوند لاپاتارد پیل و شکی و ایالات شاهنشاهی این دولت سرافراز فرموده این شغل را علاوه بر سایر افواج سپرده با فرمودند جناب صدق الملک را علاوه بر منصب جلیلی خواستار ای و خانقاه مهره آثار بجنبه ایلخانی کری ایل جلیلی فاجار سرافراز فرمودند دستخط همایون از قرار شرح شرف صدور یافت

سوال دستخط مبارک

چون نظام امور فاجار به همیشه منظور نظر ما بوده و هست لهذا در هذه السنه خاقانی و یل و معابد ها ایلخانی کری کل فاجار به علاوه بر نظارت و مهر داری بعهده عضد الملک و اکناف فرماییم که در دار است که نوکران و نظم امور نشان مساعی جمیله بکار برده کوناهای نکتند فی شهر شعبان المعظم ۱۲۹۰

جناب کنت و بیسک و غیر بخار دولت منقسم در بار دولت علیه ایران که چندی قبل بجهت پذیرائی مقدم مبارک اعلی حضرت همایون بونیبه معاودت کرده بود مکرر بعد اولی بموجب ماموریت سابق و لاخو خود بدیاری دولت علیه عود کرده روز پنجم رمضان با شرایط نشرف یافت وارد دار الحلاله کرده و روز هشتم بحضور مریضخانه و شرف کسبت محض خدمت مخصوص



ارجان سنی الجوانت همایون دربار حضرت مستطاب اجل شاهنشاهزاده معظم و بجهت دولت علیها بران سلطان مظفرالدین شاه  
ادام الله اقباله بکعبه شریف مشرف مع مکلا بالاسر لیسوا کرا بیا بافتخار نواب مستطاب معظم مرعش فرمودند و این بنده آن  
مبارک در اینجا صاحب پوان وزیر مملکت از دریا بجان ابلاغ داشت که ایشان خدمت شاهنشاهزاده اجل اعظم ببلوغ تمام  
و جاب صاحب پوان نیز بمصیبت و لقب جلیل وزیر نظامی و بکوشش بجهت شرف مع خلعت آفتاب طلعت همایون سرفراز گردیدند  
دستخط همایون بشرح ذیل بافتخار جاب مغز و البته شرف و ریافت

سوار خط جها نطاع مبارک

چون صاحب پوان در خدمات محوله خود در آذربایجان کمال سعی را کرده است مخصوصا در امر مشورت در این اوقات که از کمال  
مرخص شد با ذریع این امر و در این منصب جلیل و وزیر نظامی مقرر فرمودیم که با کمال دلگیری مشغول خدمات محوله بخود  
باشد شکر خداوند تعالی

ابلاغ او امر علیه مجلس شورای کبری و غیره در این خصوص و ذریع تمام بجا کجای مبارک بر عهدہ امین السلطنه پیشین من خاصه فرمود  
آمد و دستخط همایون از فرار شرح ذیل شرف و ریافت

سوار خط همایون

اعظم واحدا و ذریع از انشورای کبری بر عهدہ امین السلطنه است که سمت پیشینک آقا سی باشکری وزیر خواهد شد  
در ایام شنبه و سه شنبه و چهارشنبه و در اوقات دیگر حسب الاوقات که مطلبه باشد و حضور و ذریع لازم اقتضا در مجلس  
در بار اعظم حاضر خواهد کرد و موافق و موافق با صورت مشورت و مسئله مقرر با اینها ابلاغ خواهد نمود و خاصا مشورت  
حضور خواهد رسانید شهر شنبان ۱۲۹۰

جناب سید و ملین که از جانب دولت شاهنشاهی در بخارا و ماورد دربار دولت علیها بودند در واسط رمضان با شرایط  
تشریفات معموله وارد دارالحکومه کرده روز سیم روز بخضور باهر انور اقدس شرفیخت نواب شجاع الدوله بکومت  
همان سرفراز آمد نواب محمد امین میرزا بکومت کلپا پکان و خواستار مبارک کرد بد انجام خدمات مسطور در ذیل بجهت  
میرزا فخران امین شکر موقوف کرد بد (وصو و جوه نظام از دولت ممالک محروسه) (نصدا امر بلبوس کل شتون) (رسیدگی باحو  
جناب خانه نظام) (محاسبات نظامی و رسیدگی با امور محاسبه فور خانه ممالک محروسه)

حاجی میرزا بیچرخان نایب قریب یکی از نوکرهای و بزم حیاره از یاد آور امیر علیخان حشم الملک امیر فرمان که در پیشین  
خدمت کرده بود بکعبه شریف مشرف مع مکلا بالاسر مقرر کرد بد قوج بهادران نیز با علا و به قوج ششم اقبال جمعی بجا افتاد  
شجاع السلطنه میرزا ابوالفتح فرمودند و ذرات عسکر تیر با هنام حضرت نجل اعظم شاهنشاهزاده والا امین السلطنه

امیر کبری اقام الله اقباله العالی و نواب والا حسام السلطنه و نواب والا معین الدوله و جناب ناصر الملک و میرزا موسی بنس دفتر  
شکر بجا بکعبه شریف مشرف مع مکلا بالاسر مقرر کرد بد قوج بهادران نیز با علا و به قوج ششم اقبال جمعی بجا افتاد  
دردین بیا از فرار شرح ذیل شرف و ریافت

سوار خط جها نطاع مبارک

چون و در ارت امور خارجه اعظم امور دولتش نظام آن پیوسته منظور نظر است طه داد بر اوقات اداره و منصب ذرات  
امور خارجه را بعهده کتایب جناب میرزا حسینخان مشیر الدوله و کذا فرمودیم که آنچه در قوه خود داشته باشد صرف  
انتظام اینکار نماید شکر خداوند تعالی

امیرزاده هوشنگ میرزا ولد مرعش ملک آرا با بلخانی کبری بکفرار سوار افشار و در پرن و غیره و لقب بلخانی سرفراز فرمودند  
مظفر الله خان حاکم کرمان و در منصب شریف سیم و اللهیار خان حاکم اسلمه بمصیبت هندی صاحبی آمد خدمت نواب آستان و کلا  
پاسینا حضرت رسوی سلام الله علیه با جناب میرزا سعید خان مؤمن الملک رجوع فرمودند عبدالمظفر خان سرکرده توکر  
اشرف بکقطعه نشان سرهنگی از درجه اول با حاکم بلان سرفراز آمد و ذرات بخارت بر عهدہ جناب نصیر الدوله میرزا  
عبد الوهابخان مقرر است حکومت در جرد بکتابت نواب والا عز الدوله عبدالصمد میرزا موکول استا بر اهرم میرزا امیر حو  
حاجی ابوالفتح میرزا بنیاب حکومت بخجندی و غلامحسین میرزا میرزا حویم احشام بنیاب بیا بلو بر فرار کرد بد میرزا عبد القادر  
معلم کل علوم ریاضی که حضور صادر علم نجوم و هند و هند سه مرتبه کمال آرد بمصیبت محکم باشکری اعظم همایون  
و لقب نجم الملک و خلعت هر طلعت همایون سرفراز شد عبدالحسین خان ولد مرعش خان با خان سردار بلو بک مصیبت نزال  
اجودانی و اعطای بکقطعه نشان و جها بل از درجه دوم سر شریفی مبارک کرد بد سده تولف بلیغ منصب مقدم التشریح  
سرفراز آمد اداره عمارت عمارت و باغات مبارکات را با عله احشام میرزا بجا کرد و کذا فرمودند و دستخط جها نطاع  
مبارک از فرار شرح ذیل شرف و ریافت

صورت خط مبارک

محمدحسین صنیع الدوله که بر آورده شریف عیانت است در مدت خدمات حضور همایون کتایب و صداقت و ازان بجا  
در عهد السنته تحاموی بل و ما بعد ما علا و به خدمات سابقه از فرار تفصیل خدمات داره باغات بیوانی را بعهده کتایب  
اومرجوع فرمودیم

عمارت و باغ نکارستان عمارت و باغ کالار باغ و حوش و طهور عمارت و باغ بلخانی عمارت و باغ سلطنتی با عمارت  
باغ افند سب عمارت و باغات بناوران باغ مرعش میرزا علیا طالب شراهدر بناوران جنابان سرکرده بناوران عمارت







سویس

فوت و کوه درین روز پند و پنجه شدن معادل چهار کرد و ایران از املاک خود را با هالی شهر

عثمانی

نصیب عدلیا شاد و عزت محمد رشک پاشا و درو علی حضرت شاهنشاه ایران در هجده ماه او با سلامبول

فرانس

ایجاد و کلاه و کت که در زمان سلطنت رسم بوده موسوم بچلیس سنا استغفای سپو پرازد باست جمهوری  
وزیران که بقعه او بودند در او انوار و پیل و نصب مارشال ماکا هون بر باست و درو علی حضرت پادشاه  
ایران در ده ماه ژولیه بسیار پس مدت ریاست مارشال ماکا هون هفت سال مفر شد مارشال بازن کرد  
قلعه ملش محصور بود و آن قلعه را بقصرت عساکر پرور داده بود حکم عزرا و از سرداری با حکم قتل او از  
شورای عسکر تصاد شد مارشال ماکا هون بواسطه حق عفو که دارد از قتل او در گذشت لیکن مفر شد  
مدت بیست سال تمام در جزیره سن مارگریت که نزدیک ایسواحل فرانسه است محبوس باشد

مکزیک

لرزه و زلزله در این کشور در قناتح مجلس رسیده این است که بلکه بنوا اند شنه الفت و دوشی که سابقا با فرانسه شد  
حکم کنه هالی ملت روز فوت زوار زریس سابقا روز عزرا و روز فولدا و مفر داشتند روز عیش برای تمام ملت  
باشد و برای ولاد و فریای او وظیفه فرار دادند

هلاند

ابتدای منازعه بین ایند و ک و سلطان انچین که بکشمنا از جزایر سومانرا سلطنت دارد اهالی مذ هب اسلام دارند  
شکت قشون هلندی و قشون انچین بواسطه زخم خوردن زئران کفر سردار قشون هلندی

شرح و فایع سالیست هشتاد و هشت سلطنت علی حضرت اقدس پادشاه شاهنشاهی  
خسرو صاحب نظر شد الله تعالی بامر ملکه مطابقت شد در روز و اینست

نود و یک هجری مخافوی پیل که بعد از نگاه

تقریباً پیل

ملشود

کنند

کلیه امور و بهامد و لونی و ملکی در این سال جز مال نبوجات خاصه علی حضرت هابون مخصوص من باشظام تمام و زرفیات کامله  
است بر اثر ابراهیم خان سهام الملک ملقب بهام الد و لکر دید بهر زان سپید رضی برادر مرحوم میرزا سپید عبدالله ناظم میران منصب  
استغفار در جبهه پیم نایل آمد حکمران دار العیاض در اینجانب معتمد الملک وزیر مخصوص حضرت فرمودند و حسن فیلیخان مافی  
وزیر سابق اصفهان اینجانب جناب معتمد بنیاب حکومت رفت حاجی حسینخان شهاب الملک والی خراسان بلیغ جلیل نظام الله  
و خطاب جناب میرزا زان آمد بهر نکجو ادخلان سهند و در پسر نکر افغانه اذر با ایجان بمنصب نری می مفر گشت و انبگری پالت  
کرد سنار اضیم حکمران که مانسهاان فرموده بنواب لاکه مؤبدالد و لمر حمت کردند حکمران عراق و بر وجود با عبده کهالت  
نواب والا نصره الدوله و لکانا فرمودند بهام امور و لونی و لایح بوزلی سنده کرد بدود منخط مبارک از فرار شرح مسطور و ذیل  
شرح و ضد در یافت

سواد خط مبارک

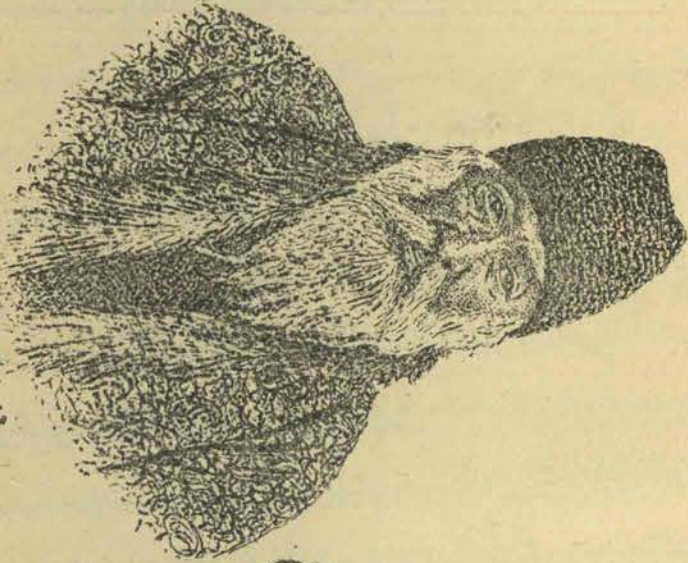
از اعضای دولت و اعضاد مملکت شش امارات مهمه و لونی و لکر جناب مستوفی الممالک و جناب مشیر الدوله و نواب اعضاد  
السلطنه وزیر علوم و نواب عماد الدوله و وزیر عدلیه و جناب علاء الدوله و وزیر جنگ و جناب عضد الملک الحاقی و خازن  
مبارک است انچه فرموده و زواری و بار اعظم الفیت و دیم و کلیت امور ملکی را که مفر با عبده هر یک از آنهاست مستغلا بنده  
و مجمع گذاشتیم بانبعی که هیئت مجتمعه مزبور که وفار و بخار در بار نامیده شده است از این تاریخ که شهر ربیع الاول است پیل  
هزار و دویست نود و یک هجری است انجز و کل مملکت ایران مستولست تکالیف این مجمع و مجلس را که نظیر جمع و تزیع و انتظام  
قشون و وضع هر گونه اختلال داخله و تعدد حکام و لاپات و مباشرت بیوفان وصول و جو حواله و اشغال میران اجزای بعضی  
مقاصد عالیله هابون است جدا کند در ضمن او و چند بدست خود مرفوم و مفر داشتیم که من بعد فقط امهر این مجلس که  
بلفظ صحیح و ذرای در بار اعظم است و انام و نفاذ احکام کافی خواهد بود و در حواله میران هر یک که مشیر ادا می و جریقت  
وضع شده است محل حواله زده میشود تغییر و بند بل مقصد بان امور با دلا پیل و رجحان مختار هستند و با اختیار از  
خو که بلا استثنی را مورد و لونی و لکر در هیچ مورد و مقام و سببه عذری نخواهند داشت این اعضاد ششگانه کنش واحد  
هیئت متحد دارند و در وی و رویت آنها ذره اختلا فخواهد بود

وزارت مختار در بار معنی بکفدرت و لانی اثر قوی ظاهر خواهد بود که هیچکس نهد و در لایط تصویب یا و در که صورت متحد و  
مفرد به بر بنسند و این و زو که با این مقام اختصاص یافته اند بمواحدت و معاضدت و اتقانی با یکدیگر قدرتی را که با آنها  
افاضله بوده ام حفظ کنند و اشکالات امور را با این وسیله تسهیل نمایند و در مسائل و امور مهمه را بجمع عرض کنند بهار





فخري الاعظمي الكندي وزير علوم



جناب عبدالقادر شينواري الامام

امير اعلي

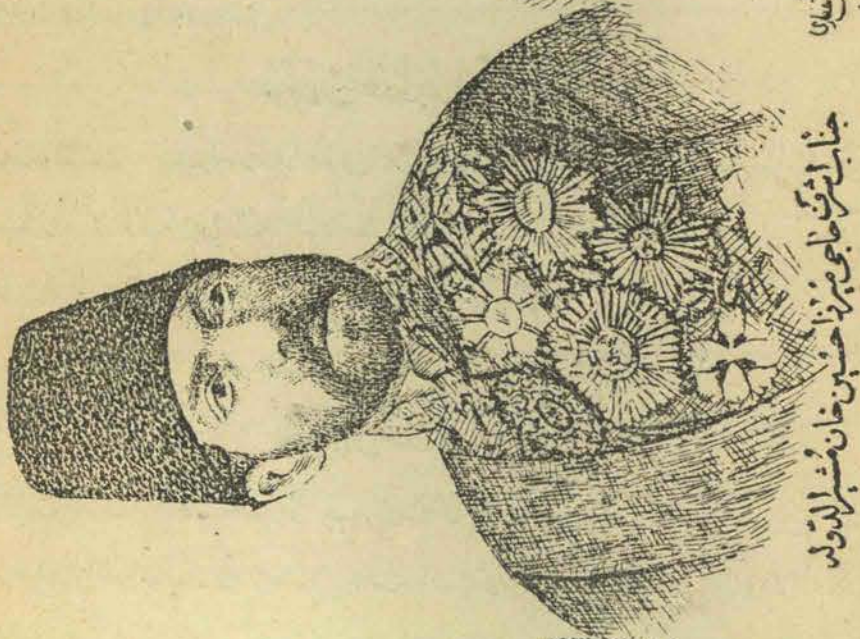


جناب محمد شيرازي خان علاء الملوك

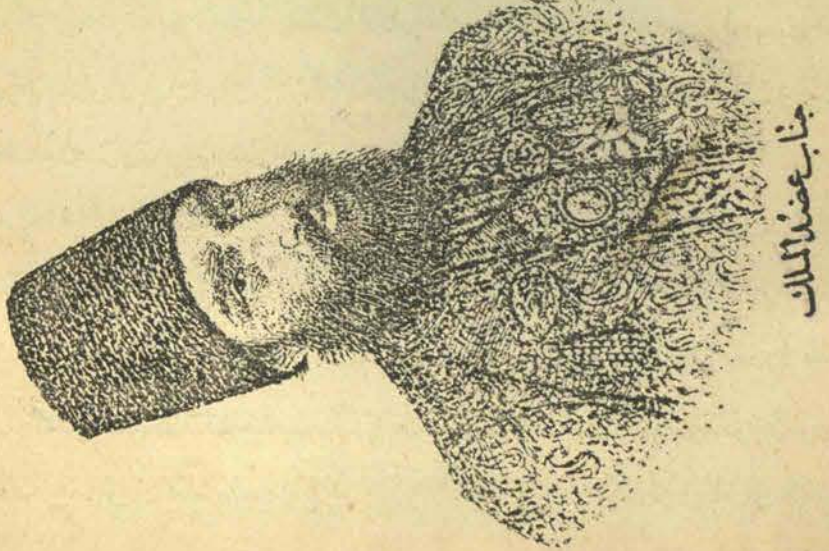


فخري الاعظمي الكندي وزير علوم

امير اعلي



جناب محمد شيرازي خان حيدر علي



جناب عبدالملك



کارها را که خود قطع و فصل میکنند لای الاضنا بطور روزنامه معروض خواهند داشت بجمع و لايات کتبه باین مجلس  
و جواب باین مجلس بادر پیشو سایر وزرای دربار که بلفظ مختار اختصاص بدانند اعضا و مجلس عوی خواهند بود خلاصه بر حکم  
اینست که ازین تاریخ بعد کلاً مورد دولت راجع بوزرای مختار سنده است بجز و اینها نفس واحد هستند و از جانب کمال تقوی  
در انتظام عمل آنها بخواهد آمد و آنچه در مورد دولت صلاح بداند فوراً بجمع و مداریم و احکامیکه در شرف مملکت از طرف  
میشو فوراً باید بجزی بمانند و از این تاریخ بعد مسئولیت کلاً مورد دولت بعهده وزرای سنده مختار است شهر ریح الاول  
این پیل ۱۲۹۱

بسم شایان حسنه و عمول و اجوی آن بعهده نواب و الاعضا فالتسلطه و موکول آمد دستخط مبارک در شرف و ریافت  
سوادان عبادان باین مجلس ریح میشو

سوال در خط مبارک

اعضاد السلطنه کتابچه کرده در بار اعظم نوشته شده است از امری بعهده شما محصل اجرای تمام فقرات قانون ان کتابچه  
مستند که در لايات عین فقرات کتابچه قانون حسنیه بجزی نمایند و نگذارید احدی بملفت نماید هر گاه از شما و اهل مجلس  
مأمورین و لايات هالی ظاهر شود مواخذة سخت خواهد شد در شهر صفر ۱۲۹۱

جایگاه الله و له محمد و آله و صحبه اجمعین خان بوزار جنگ سرفراز در دستخط مبارک در شرح ذیل شرف و ریافت

سوال در خط هاپون

محمد حیدر خان علاه الدوله از بدایت فکر و خورشید هر خدمت شد بخوبی از عهده برآمد و در هر موقع و مورد بکمال کفایت و قابلیت  
امور محوله را ان طوری انجام داد که میل خاطر ما بود چقدر ریاست شون عراقی بعهده مغزی البه محول بود از امری در وقت شرف  
از بدایت بجان راه ضمیمه کرده او فرموده و بموجب این دستخط او را ریاست مستقله و اختیار نامریدیم در عزل و نصب و در قبول  
او بایب منصب بجان و مختار و وزیر جنگ دولت براه است باید خود را مستقله باین خدمت مکلف مملو دانسته در انتظام  
تشریفاته امانت بعهده مبذول دارد شهر صفر المظفر این پیل ۱۲۹۱

نواب تقی میرزا حاکم الدوله که زبانه از هشتاد سال زندگانی کرده بود بر حشاشی پویش آنکه مرد و سالتور و سالتور و آقا  
و اگر غریب ناخوش و ناخراسان داشتند شجاع الدوله امیر حسن بجان حاکم قوچان و اللهبار خان حاکم در جزیرة شون العی  
تظام الدوله و الخراسان نبیهی نیز فرموده اند موکب هاپون در ماه جمادی الاولی عزیمت کار فرمود و در روز ششم بباد  
الثانی از کار معادف و قبضه بنا و در آن شرف بفرموده از زانی فرمودند تا ارضای اجودان مخصوص بکفطه نشان شیر خورشید  
از درجه دوم و پانصد تومان اضافی بواجب سرفراز آمد اعلم حضرت پادشاه انگلستان بکفطه عکس شما بل خود را که بسیار

خوب شبیه انداخته بودند و در چهار چوب عالی نصب کرده بر سر باد کادی بلی اعلم حضرت شاهنشاه ام ملکه فرستادند و فرمودند  
فاجار لقب شهاب الدوله شد بر سر موسی خان سرهنگ فوج سواد کوهی بکفطه نشان شیر خورشید با جا بل سرهنگی از طرف  
امان جانبیم و در پیرمان سفارت نامه هدا پادشاه در بار عدل نهادند نواب محمد مهکمبرزا ولد نواب کامو بیالدوله از جانب نواب  
معظم البیضا بلی حکومته کرستان کردید و در هجدهم رجب حکماتی کرمانشاهان و کرستان از انبواب الاعمال الدوله و له مرحمت  
فرمودند جناب میرزا کاظم خان نظام الملك بوزار عدلیه اعظم منصوب و مباحی شده دستخط مبارک از فرار شرح ذیل شرف

صدور یافت

سوال در خط مبارک

نظام الملك و زار عدلیه اعظم از هم جلیل دولت و محل توجه ملاحظه خاطر خطیر است از آنجا که ان دولتخواه را در موقع  
خدمت کافی و صادق و مایلیم و بافضای زینت و بجهت که از ما دیده است اقدامات خود را تابع میل و اراده ما دانند ما نود است  
این مهم خطیر بعهده ان دولتخواه مرجوع بمداریم که از دو و کال مجد و سعی و فاشیانه روز خود را صرف احقاق حقوق  
و حصول مویحیات و عا کوفت و لذت و زلف و زلف نماید و امر صند و قضا و عدالت موضوعی در ولايات محروسه و اوقاف و زمینها  
چند که فرموده ایم ملاحظه کرده بجهت که از شرایط این خدمت بزرگ با نزل نکند و بیزیدنوجات و مراسم مابشکوه و شوکت  
این امر بفرمایند در شهر رجب المرجب این پیل ۱۲۹۱

جناب میرزا علیخان امین الملك و وزیر سیال خاصه شرفیه باعطای نشان ممتاز در مثال هاپون مکلان الماس سرفراز شد بر سر  
موسی رئیس دفتر لشکر منصب جلیل و وزیر لشکر و مفتخر آمد حسن بقلیان سر نایب سواره شاهسپه نوری بکلو منصب سرتیپی  
اول بجای کشت نواب بی بیع الملك میرزا ولد نواب الاعمال الدوله بلیغ جلیل حتمه السلطنه ملقب از جانب نواب معظم البیضا  
بجکومت کرستان منصوب و سرفراز شد جناب آقا میر سید محمد امام جعفر ولیف سلطان العلماء فرمودند از آن نکرانخان را  
بلا واسطه بخیرالدوله و له و انکار فرمودند دستخط مبارک در شرح ذیل شرف و ریافت

سوال در خط مبارک

مخبر الدوله امیر نکران فرزند در داخله ایران مرجع کتبه دارد و غالب اخبار آن دولت و مختصات امور مملکت منوط بکلمات نکران  
و باین حال امر فرموده تا بلی ملاحظه و محل اهتیب و دقت کامل است محض رعایت جلالت و اهمیته اینکار ازین تاریخ ادا  
نکران دولت علیه را بمراتب نفس نفیس شخص خود مان که مراد امور مختصه باین سلطنت قرار بایم و باید وجهان الوجوه احد  
مداخله بجز و کلان نکرده ان چاکر از طرف فرزند شرف ما مستغلا مشغول بترتیب انتظام این امر باشد و ان طور ها که مضمون  
خاطر است در انتظام این خطیر و احفظ کند در شهر رجب المرجب



عبدالرسول خان نایب‌الحکومه کپلان نواده مرحوم صدراعظمان بمصیبت قوی اول سرافراز احمد حسین خان مافی وزیر بزرگ  
 سعادت‌الملک مباحی امدان قاضی دهباشی بلقیه ناظم خلوت و باعطای یکسلسله نشان بشو و خود شپاز در جبهه سرافراز کردید  
 میخیز از خط المان برای بدین گذشتن زهره از مقابل امتیاز بخلاف آمده و روانه اصفهان شدند حاج میرزا صفا  
 از اجله عراف در دار الخلافه مرحوم و تتر بک چشمه علی میانه راه شاهزاده عبدالعظیم مدخون شد و بقعه برای او ساختند  
 بیجا هزار فیضه نمنک انبیا از دولت المان برودیدار الخلافه میرسد بکلین نظام حسنه را غلبه لایات برقرار است در ماه  
 شوال اینسال مورد شخط جها نطاع یکی بافتخار جناب اجل آفای مستوفی الممالک و دیگری بافتخار جناب اشرف حاجی میرزا حسین  
 مشیرالدوله شرفصدور یافت که سواد هر دو از فرار ذیلاست

**سواد شخط هاپون بافتخار جناب اجل آفای مستوفی الممالک**

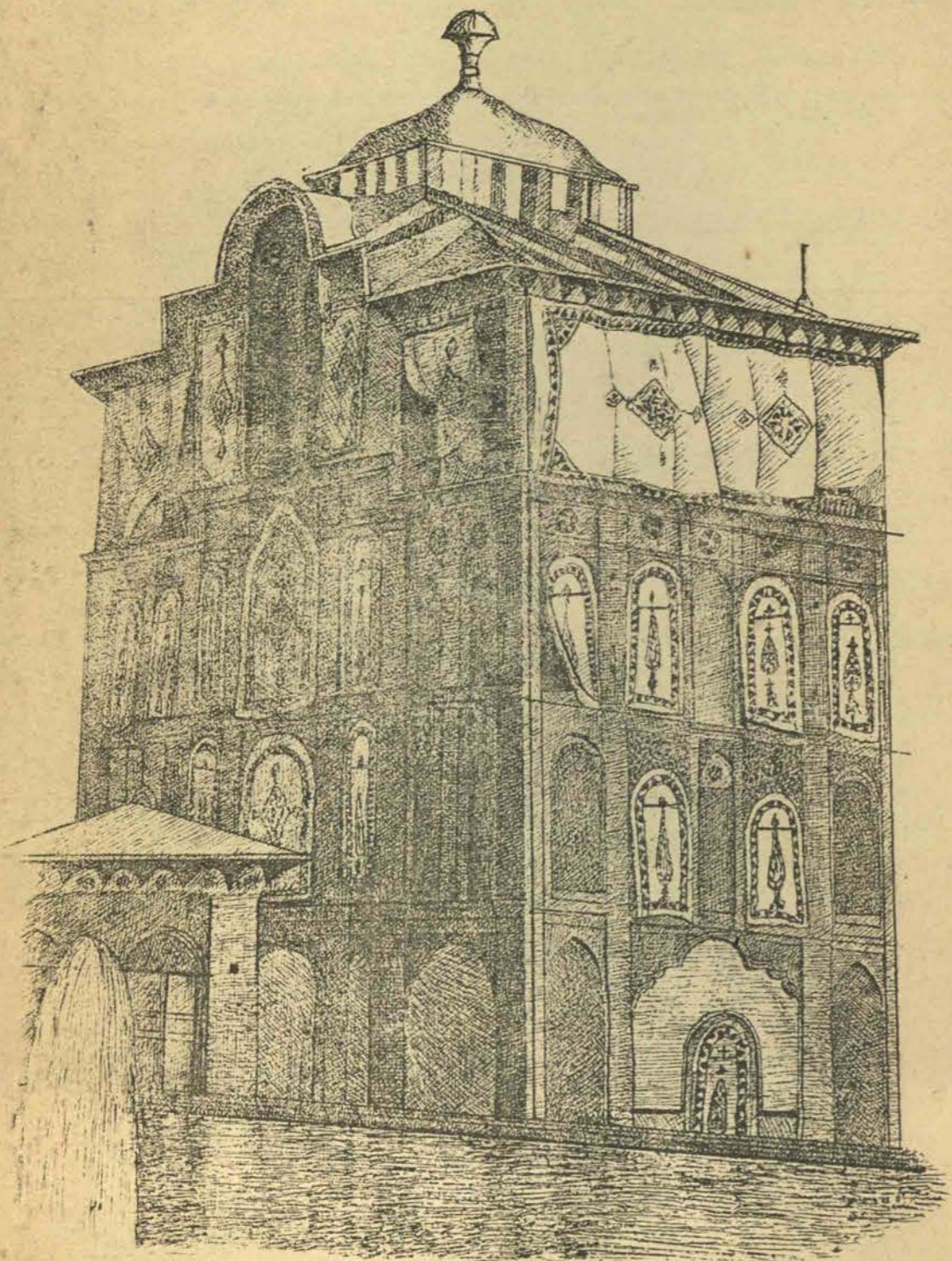
چون نظم امور ملک و رعایا بران و نگران و حکام از لوازم است و شخصی کفایت دولت خواهد بود لازم است که منصب این اعمال باشد  
 لهذا حال که نصف از سند پیشین است کلام و حکام و کلا با ما را از بلا استثناء و امور خزان و حوالا از حیوانی و غیره  
 و غیره و غیره را بعد از کفایت جناب نامو کول فرمودیم که افشاء الله تعالی و وزیر نظم جمیع شعبات خزان و رعیت پیشین  
 و خاطر ما را خیر و سعادتی دارد

**سواد شخط هاپون بافتخار جناب اشرف حاجی میرزا حسین مشیرالدوله**

برای نظام امور کشور لازم شد که بکلیت از محبتی داده شود در این اوقات که واسطه سنه خیر است ببلد این پیشین است  
 برانزاید و استثنای احدی از هر طیفه سواره و پیاده و توپخانه و فورخانه و جبهه خانه و ملبوس نظامی و چادر و فدا  
 نظام ببلاده منصب نفاذ را شام و خوار و جبهه جناب حاجی میرزا حسین خان فرموده او را ملقب به سلاطین اعظم فرمودیم  
 که ازین دقیقه بعد از تقمیر امور کشور و غیره خود را معاف ندارد و حسن ظن ما را در باره خود بنویسید  
 روز بیست هشتم شوال اینسال چون طرح باغ عشرت آباد ریخته شد و دیوار و بنا ساخته بنای مشیر خودن است  
 بندگانه العلیختر شاپون شاهنشاهی نام ملکه شریف فرمای این باغ کرد در میان قصر جار و نکارستان واقع است  
 و چهار اصله درخت بدست مبارک حضرت و آن در بین باغ غرس فرمودند میرزا محمد حسین ادیب صاحب که منشی بود نالده  
 و در صحبت مؤلف است قطعه تاریخ این درختکاری عرض کرده با مقامات و مراسم ملوکانه سرافراز شد و سوادان قطعه  
 عیار در ذیل ثبت میشود با مرهاپون کتبه شده بدیوار قصر عشرت آباد نصب کردند

نامرچ غرس  
 هاپون

مازیف



قصر عشرت آباد



بادست خویش خرد در قمر عشرت آباد

فرمود از عنایت راد درخت کاری

ای باغبان فرحوس نام خوش بود ضوا

کوثر بهار کاینک شد و فشا آبیاری

اصلش بود عدالت فرغش بود کرامت

تا بر فلک کشد سر این شاخ عدل اما

شاخ ملک نشان از صد بار بر توان گفت

از این شهرها بیند اهل عالم

زود که عشرت آباد همچون سپهر گردد

بر جای میخوشید آری باین درختان

تا اصل کرامت با آورد فنون

اصلش از افسان فرج انجمن عالم

در باغ عشرت آباد ازین دست خرد

شماره پب باشد در مدح شاه شاهان

شاخ فشا کی گشت نارنج غرس خرد

سوی صبیح دولت امجد پو اعظم

چون آفتاب روشن مانند آبیاری

کی خرد و آشنای شاخ امیداری

بخشید این بنا را آذر استواری

شایخ کرش نشان بادست شهر پاری

بکیند زودتر باش ای بر بوی بهاری

از در حه همیشه از سر بجوی بازی

بر زنجبیری بهر ز کام حکایت

هم مشرف کواکب هم مطلع داری

از فرط جنتیاری از فرط جنتیاری

دست ملک نشان شاخ بز کواوری

از اصل فرج در آباد پیوسته استواری

با داشت کف دایم کلهای نا جاری



دادا لشواری کبری در بار اعظم برقرار است بر زاده محمد حسین ادیب الملک مغرب یعنی فرمودند حضرت اجل اعظم و الاطلاق حکمران اصفهان و مضافات بزم نصیب استنان معلی بدان محل خلافت آمدند اداره صندوق و فهای عدالت و لا پات را بجا میزند الملك نفویض فرموده در خط جها عطا عها بون بشرح ذیل شرح داد در بار

سوال در خط هابون

عضد الملك از وضع صندوق عدالت و اینهمه را ثبت که بشخص هابون خود در حفاق خود و اجوی عدل مینمایم هنوز طبق خود آورده و مطین نوانش را بر فرموده که نتایج حسن بنیت مادر آسایش خلق و رفع ظلم و جور صورت و توقع و وجو خارج داشته باشد چرا که تا کنون برای وصول عراض منظرین و اجوی احکام هابون بر تپ می نمود و ایجا که را با مانت و دینداری و دولخواهی شایسته اداره این خدمت بزرگ را که مشتمل بر رضای جمعی است و اسایش خاطر عدالت و ظاهر ما و راه و راحت بندگان خداست عهد مرا و اهتمام ایجا که محول میفرمایم انظور که بیطرفه و مقصود خاطر ما که ای دارد این امر را محل خطی اهتمام و مراغب فرار داده حسن انتظام و زینبیا را موجب کمال رضا و رحمت مایند که ایجا که بخواهد در نظر بود اینست که شرح داده میشود و البته خود نیز شریک آن در کار و حاجت شرح و تفسیر میداند

حاجی برزنجستان و اجرای مجلس صندوق عدالت طرز خود آورده و مامورین خود را با آنها معلوم دارد و زینبیا بیکدیگر در این باب انقباض مستحسب قرار کند و اسباب این خدمت در آنجا که بخواهد نشان دستور العمل کافی بدسد

عراضی که از بدو استفرار صندوق و فهای لا پات رسید بر طبق آنها احکام صادر رشتد و مامورین رفت و انعام عملها را شایسته غالب نظر آنها صورت یعنی و خطمی ندارد و نمیتوان آنها را فصلی باخته دانست عضد الملك از روی ثبت فایز این مجلس را بجزیه نظر کرده و عراضی را با احکام صادره و انعام عملها مطابق نماید هر چه ناقص و غیر مجری است تا بنای برین نویسد بجز من مایر است و اجرا و اهتمام آنها را بعهده مامورین و لا پات گذاشته نظام قطعی هر فقره را معرفی دارد

سابقا مامورین موقفا از عمل خلوت و تفنگداران و اهالی کشیک خانه بولا پات رفتن بود که بعضی معاودت بعضی دیگر را بر اجابت عضد الملك باید با عمل آنها رسیدگی و غور کند که هر یک در مامورین خود چه قسم سلوک کرده خوب از عمل بر آید و الا بجا آنجا که تکلیف خود بد رفتار و قطعکاری خاطر خواهی کرده اند و نگذار خوب و بد آنها را بجا آنجا که بگذرانند از جمله مریه بجا آنجا که خمسة بیکدیگر بجز بر سر رسیده خوب حرکت نکرده اند با بدبا تحقیقات بجز صانه خود حفاق آنجا که معلوم کنند مامورین جدید که حکم یکساله افامت و لا پات رفتن اند آنچه بنظر من سدا لیا قابل رجوع این نوع خدمت نبوده اند عضد الملك ملاحظه کنند و موافق با اینهمه خط مامورین را بارج و تعدیل نماید و اشخاصی متخرج مامور کنند که حقیقت شایسته نبوده اینچنین باشند

در مرکز معین هر ملک و نقاط اصلیه و لا پات صندوق فرستاده شده است بقواعد مفیده باید دو نویسی از هر عمل که بکف عراضی بشیر رسد حکام و لا پات در صندوقان کفها اتفاقا عدالت و مباشرین جای پارخانه هاراف بنیستند باید عضد الملك فرزند مامورین و لا پات هر ماه دو مرتبه کف عراضی را بجا پارید و نگذارند که بکفها در عمل خود انقدر ممانند که بکف عراضی چندین خاطر را خسته کند و آنچه در لا پات خارج از خطوط جای پارخانه هاست و اخذ احکام سابقه مامورین بلر حاصل است فاصد و وسایل مکتبه کف طر بنای خط جای پارخانه بر سندان اینطرف هم عضد الملك کفهای عالی شده را بمعیط محل خود دهه که موقوف ان حالی و معطل ماند و اگر کف عراضی بقدر کفای حاضر یا شادان نویسد نیز و کف عراضی سابقه ساخنه آماده شده باشد

کفهای عراضی را بعد از ورود عضد الملك سر بنیست حضور خواهد آورد در حضور مهران بر داشته شده اجمالا ملاحظه و بشو هر چه عراضی است که فقط عمل خطه و مخصوص است حضور ضبط میشود سایر عراضی عضد الملك بد فرخان عراضی را بنویسد بر او یادداشت عراضی خلاصه عرض بطوریکه از مقصود عراضی خارج نباشد یاد داشته میکنند که در عراضی حضور ماکار مشکل بعد احکام صادر و عراضی مرتب عضد الملك داده میشود که بوقوع اجرا و ثبت مینویسد بگذارد

بجز از عراضی بلج با دارا و وزارتخانه های دیاری اشخاصی است که در مال الحاکم حاضرند عضد الملك با مشورت و مرافقت خواهد گذاشت که دقیقه ناخبر شده در زینبیا مخطی به باید

احکامیکه بر طبق مستدعیات عراضی صادر میشود از هر کویز رسوم و خواهش معاف خواهد بود مامورین مختلفه که برای انجام و اجرای بعضی فقرات و مواد مخصوصه فرستاده میشود باید اشخاصی در این مجلس باشند و آنها انجام مامورین را در نظر بگیرند نه فواید و عواید مامورین و عضد الملك در این نوع مامورین هم مخطی دنیق شود و در عیاب آنها خود را مسئول بداند

عراضی صندوق و فها غالباً طبع انعام و وظیفه و شرح دعاوی گفته بود و میتوان تصور کرد که آن نوع آزادی برای صندوقها نیست که توانند از ظلم و ستم که مقصود بالذات بود آنها را بکنند مامورین و لا پات در عیاب اینک باید معارض نظم حکومت بنایند و آزادی صندوقها را ثبت نمایند

این فقرات بنیست که در نظر بود و درین دستخط مندرج شد عضد الملك سایر شرایط و لوازم پیشتر منظران هارادانه مارا ملاحظه کرده مجری مری دارد و این حکم را در عداد فرایض و واجبات دینیه معدود دانسته از حسن مرافقت و

اهتمامات کا بنده خود خاطر را اصرار دارد و در عهد شناسد فی شهر ذیحجه الحرام ۱۲۹۱ و قایع عظیمه سواد عمده که در این سال تمام مری و مری و افطار کرده از نظر نقل افکار











و در خط مبارک حاوی شرح و مضامین شریفه در باب که صورت آن از فرزند پل است

صورت خط جها عطا عبادک

در باب چه واقع در نزد بکر فرزند مومرا که در خط کوهی است دوران از سماوی چهار هزار فرسخ و اربابان فقط از چند چشمه است که

از زیر میجوشند سیاحت فرمودند شایسته هم بزم بل کلارک از راه معروف بجز این چه که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شایسته

الیکار در با امتداد دارد عبور فرمودند هفتم منزل امروز کار در با تریک دهنه چالوس بود که داخل در با میسوی هجدهم منزل

اقامت شد روز نهم منزل چتر و دکار حرکت فرمودند بیستم بصلاح الدین کلا شریف فرما شدند بیست یکم در منزل

اقامت شد روز بیست دوم بسوله ده و بیست و پنجم بجز غده و بیست و چهارم محب آباد تلک که سر که در اهلم رسانا است

شرف فرما کرد بدت بیست و پنجم از آن شد بیست و ششم فرما کرد در منزل گاه اردوی هابون کرد بدت بیست و هفتم غنیمت منزل

اجلال فرمودند و نا بیست و نهم از آن شد بیست و نهم غنیمت از آن فرمودند صلح شهر مضا از آن بفرج آباد شرف فرما کرد بدت

غره سوال در اینجا اقامت شد و بیست و نهم منزل نوذر آباد و بیست و نهم قلعه بلنگان که در ابتدا و شیب جزیره میان کاله واقع است و توقف

از دو مبارک آمد روز چهارم پورث و بیست و نهم در وسط شیب جزیره فرموده میباشند مضر بچام معلی کرد بدت و روز نهم

اقامت فرمودند و هفتم بقعه بلنگان معاودت فرمودند روز هشتم منزل چهارم امام و نهم شهر اشرف شریف فرما کرد بدت

و روز نهم شهر موکب اعلی توقف داشتند و روز دهم منزل بلنگان بمقدم مبارک منزل آمد روز نهم شهر

ساری غر و روز نهم فرمودند و در باغ مرحوم ملک آجا بکا موکب معلی معین کرد بدت و ملز مین رکا ب اعلی در حوالی بلخ

چهار روزند

موکب هابون ناز و هجدهم شهر شوال در شهر سار و توقف بود در نزد کوه کرده منزل علی آباد مضر بچام کرد و نهم احتشام کرد

روز نهم شهر بار فرزند زول اجلال فرموده عمارت بمرام مقرر حضرت کرد و نهم بسط خسر و نهم کرد بدت و هر یک از این بلاد که

بقدم مبارک فرزند بیکر دبا هالی واعیان و علمائش صفات و تعلیمات ذات ملکوتی صفات مقدس را با علی درجه منظور غوده

انظار لشکر اندازند از توجه موکب اعلی بدنا ساحت منو ند خلاصه روز بیست دوم در بار فرزند اقامت شد روز بیست

دوم منزل کاظم بیک شریف و روز بیست و نهم شهر امل بود و مسعود منزل آمد و روز بیست و چهارم در امل

توقف شد روز بیست و پنجم از امل بمنزله پس شریف بردند روز بیست و ششم منزل کرد و روز بیست و هفتم در حوالی جزیره

که از بلوک لاریچا نشین و لاجلال فرمودند روز بیست و ششم در اینجا از آن شد جاب عضد الملک حکمران ماوران که در حوالی

آسایش ملز مین رکا ب اعلی با ستراحت جو مسعود هابون و نظام امور حکمران خود کمال خدمتگداری و مراقت با علی کرده بود

بکثرت سرداری هر ششمه مع مفر آمد و شنبه بیست و نهم بچشمه لای ماوند شریف فرما کرد بدت و شنبه غره دینفرد در حوالی

از آن شد چهاردهم بیومین (بوم هند) شریف و در عنایت فرمودند بچشمه سیم ارد و در زیر بل حاجی میرزا بیک قرار داشت

جمع چهاردهم هفتم و شان پنجم و شنبه پنجم مفر حلاف و عظمی و مقدم بچشمه مبارک آراشد

جانبی همسارا اعظم الحمد لله تعالی از و نیکه خدمات نظامی و شوقی را بعهد کفایت شما و گذار و مر حفر فرموده ایم روز

بروز در شرف و انتظام است از این جهت خاطر ماکال سرتن را دار و مجبور و انتقاد در و نا بیست و نهم کمال مراقت و نظام

مشق و حرکات شتون دیده شد و انشاء الله امید کلی هست که در اندک زمان کلیه شتون بحالت اردوی طهران برسد

انکه علامتی از صنایع خودمان لازم بود بطور برسانیم لهذا بکفایت شمشیر که از شمشیرها مخصوص است برای شما فرستادیم این

التفات داشته باشید کمال مر حمتا دانسته بشود پیش از نظم امور و تحول خود ساعی باشید سنه ۱۲۹۲ شکر ز پل

میرزا فخران امین لشکر با عطا و مثال هابون و لقب جلیل جنایی سرفراز آمده و خطها هابون بشرح ذیل شرف و پادشاه

صورت خط مبارک

از او پل این عهد هابون میرزا فخران امین لشکر در سلاک خدمت و لنت بود و با نظر تربیت و مر حمت با بر جویعات دیوانی اتحاف

شده قابلیت جلی و صفات مفضول خود را وسیله کسب عبادت و نیل در جانت کرده مرام ملوکانه را بیشتر بخود منوجه داشت

فاد این اوقات که بصیبت ارت کر که دولت علیه منصوب شد برای احصای افتخار مغزی الهی بکفایت نشان صورت هابون

که از امینان جلیل است و لنت اعطا و عنایت فرموده او را بقتید نیل جنایی مخاطب استیم که با این صاحب خانات ملوکانه

فرین امید واری سرفرازی بوده مدارج خدمتگداری خود بفر اب شهر شعبان شکر ز پل ۱۲۹۲

موکب فرزند موکب هابون غنیمت سفر جزیره شازمان ندان فرموده روز بیست و چهارم شعبان از افسس بفر پراوشا

شرف فرما شدند

شرح سفر جزیره شازمان

دو شنبه بیست و ششم شعبان موکب فرزند موکب علی از او شان روانه شهر شازمان کرد بدت و شنبه بیست و هفتم در اینجا از آن

بیست و هشتم کیر و بیست و نهم در منزل اقامت فرمودند جمع سلا از کردند که در آن که سر حد خاک عراق و مانند را

عبور فرموده منزل و نا شرف فرما شدند شنبه غره رمضان منزل امل که از نواج خوراست مضر بچام کرد و نهم احتشام کرد

روز نهم هابون اقامت شد روز نهم از کرد نه معرفت فز انوس گذشتن بودی که نزد بیک فرزند فز انوس است بچشمه موکب

علی کرد بدت و روز نهم از آن شد روز نهم منزل بل که از نواج کجور است شرف فرما شدند هفتم جلگه کجور بیک

فرزند خال محطد رحال اردوی هابون کرد بدت و نا با زدم در اینجا توقف شد روز دهم منزل امل معاودت فرمودند

چهاردهم شرف فرمای داشت نظر شدند یا تریک از راه کلا در و خانه چالوس است شرف فرمودند و در روز

در باجه



دارالشوری که در مجلس و زید اجماع شده و بنسبت قلیس هاپون در مجلس افتتاح شریف فرما کرد بدو و نظری فرمودند

مقام این امام در دار الخلافة در مجلس است در میان ناصر بن برای مدو سه سال که حوالا قانون ساخته شد

صورت نظوق هاپوت

امروز خود همان باین مجلس آمدیم که افتتاح مشوقخانه دولت و خود مان کرده با ششم با اینک فی الحقیقه دایمیت هم مجلس و زید  
نیز در وقت بود لیکن با آن ترتیب منتهی منظور بنظر نمی رسد و البته تا این مجلس مستقل در مقام مخصوص و حد و محفوظ بماند  
و هیچ کار خارج و شخصی بیرون وارد نشود فایده بتوان گرفت در این طایفه که از سابق مجلس و زید و دارالستود اخصاص شایسته  
هفته دو روز شنبه سه شنبه مسفر بدون تعطیل باین مجلس مشور و معتقد شو و اگر گاهی کار لازم و فوری پیش آید در سایر ایام  
نیز روزها این مجلس منعقد میشود امین الملک بنظم و ترتیب مجلس وقت حکام ما را در مجلس تقریر نماید و رای مجلس را بجز این برساند  
در سایر اول این مجالس در کمال قوت و دوام و بر فراز است با بدعا و بهر تکلیف دولتی حکم مذهب تا کلمات شرع شریف مشایخ  
در امور و حفظ مجلس شودی با نظر و اجابت بدایم البته فکر و عقول و فصول بسیار در هر جزو کار چیزی های بنیاد که مرکز از یک عقل  
کامل اند چه بینای و منصوب نیست این همان مجلس است که در هر جا با اصطلاحات مختلفه شمشیر کرده اند و ما دارالشوری و مجلس  
و زید میگوئیم این مجلس هیچ کار جزئی و کلی را نرسد که در اختیار حکم میدهیم باید تا نقطه آخر و حدیله برساند و هر وقت  
که مقررات و فرمایشهای مجلس فرستد مهلت بدهد با بخودشان در آنچه منقضی صلاح دولت و اصلاح امور مملکت است  
کشور کنند و آراء و عقاید خود را بجز مابین رسانند امین الملک ما موافقت و مجلس را بر وفق فرمایشش محافظت کند و نگذارد  
ساعتی از مجلس معطل شود روزها معین از صبح تا غروب مجلس با حضور تمام اعضا بر فراز خواهد بود و امین الملک از هیچیک  
عذر و تاخیر باین حضور قبول نکند از آنجا که حاضر است که نخواهد شد و لدی الاضطرار عذر اجرا خواهیم افزود و اساسا  
مجلس بکمال راستی و دلخواهی و ترک هر قسم ملاحظاتی لغو است با باین مجلس را داعی و مستحکم و دارا و حقوق خود و  
معین دانست  
نیز در مختصر مبارک مشرعبود و حقوق این مجلس خطاب بجانبا امین الملک و زید سایر اخصاص شریف و در باب که صورت این  
از فرار قبلا است

صورتی مستخط مبارک

امین الملک انفراد این مجلس چنانکه مکرر شفاها و بنویسند حکم و مقرراتش از لوازم امور حاله دولت و کمال میل دایم  
و انشطام آن دانیم و کمال تقویت در هر بار حاضر هستیم بعلیه با ویم بعضی فرمایشات تازه بنظر آمد که لازم شد مجددا  
حکم بشود در مجلس فرات شد جزو نظایم و فرار داد مجلس بشود (اولا چون فرمایشات زیاد و مطالب و لایق روز

بروز را زید است و هر دو مرتبه انفراد مجلس کافی میباشد باید هفتاد و سه روز مجلس بشود (شنبه) (شنبه) (پنجشنبه)  
ثانیا اهل مجلس در گفتگو و حرف از دست هر چیزی با باید بدون شایسته هیچ غرضه با بدون هیچ شرم و با هر نفس بر نماید  
فی المثل از صفی عال اگر شخصی بر چیزی در زید و زید ابراری دارد و بیاید و بگوید تو فلان کار را نمیکند که با این دلیل  
آنقدر که دردی حاصل کند بلکه هیچ حرف ندارد باید که بگوید جواب آن شخص را موافق فاعله دارد نماید با اذعان نماید  
هر یک از اجزای مجلس بخیر در شب و روزهای تعطیل در خرید و دلک خاطر نشان بیاید با داشته کرده در مجلس مذکور نماید  
ثالثا آنچه از رای مجلس بپاسریمان بزم و کلی فرار گرفت باید بنویسند و هر غای اهل مجلس باشند این نوع امور بر بیغام با عرض نماید  
چهارم بجز فرقه نیست حتی حکام که بعد ازین بولایات تعیین میشود با بکفر مزبجایی میرود باید حکمی فوفالعا و غیره صادر  
بشود باید مقصد فروری اهل مجلس باشد

پنجمانه مالک محمد سزایان در نسیال بوضع پنجاه های فرنگستان کرد بدو خود فرموده از آنکه که با جمعیت پادشاه  
سردان خراسان آمده بود خود با جمعی از همراهان او بدست سپاه منصور مقبول و بقیه السیف صفی شدند جناب اهل مجلس  
الطیانی را بحکومت همدان سر بلند فرمودند

وقایع و سوانح عهد که در بنسبت تمام روزهای این افطار که از سر و نمود  
اناقی و بنکی دینا

فوق این سن و پیش سابق

اسپاینا

در جزیره کوزال کوزا مردم داد عوالت بنسبت پادشاه جدید القس منما بد و در اعلم حضرت پادشاه جدید در نیم زمانه  
بارسلون از بنیاد اسپانیا منازع سخت هواخواهان و کارلس با عساکر پادشاه تقات مابین کارلسها و نفر فرمان آنها  
فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلسها منصرف بودند

اطرش

مسافرت اعلم حضرت امپراطور بملک دالماس و ملاقات اعلم حضرت امپراطور با اعلم حضرت پادشاه ایتالیا در شهر پیز ملاقات  
والی مشنگ و با اعلم حضرت امپراطور در کاتانار اقتساح کشتی را بی در شعبه از دانوب که حکم امپراطور نان حاضر نموده از وسط شهر  
و پنهان عبور داده اند ملاقات اعلم حضرت امپراطور با اعلم حضرت امپراطور و در روز وفوت امپراطور فرزند عموی اعلم حضرت  
امپراطور حاله که از سلطنت استعفا نمود و سلطنت را باین امپراطور تفویض کرد در بنسبت نیم روز در شهر پراگ  
پناه جستن با عیان مملکت عثمانی بجا که اطریش







شرح نیایک سال سلطنت و تاجگذاری اعلیحضرت افدک شاهی شاهنشاهی خراسان  
صاحبفرز خلد الله ملک و دولت و طابو بنده هزار و دویست و نود

و سه هجری نیکو نیایک که تفریب باجد

دو ماه سپهجان پیل

میشود

گنبد بهام ملک و اموری و بی درین سال فرخنده فال بوجهان اعلیحضرت ما بون و امانا و لبای دولت و دافرن فرین  
تغیر و انتظام است و در ملک خراسان و از هر جهت بخیر است بطریق مشیرالدوله سپهسالار اعظم و کذا فرمودند  
و در خط مبارک بترجیح بدین شرح در یافت

سواد خط جها نطاع مبارک

چون جناب سپهسالار اعظم در هر فرمایشی و خدمتی که از جانب ما رجوع شد و پیشو کمال اهتمام دارد و در نظم ان کار و در لغو  
خود را بطریق مسابند از نارنج و اخر سینه نکوز پیل و مابعد ها امور و ملک خراسان و اسیر اباد را از هر جهت با ایشان و کذا  
میفرمایم که اینچنین که گفتم و در لغو اهل است و انتظام امور و حدت و رعیت فسون آنجا بجا آورده خاطر ما را آسوده  
دارد

جناب حاج میرزا محمد باقر علی عارفی سپهسالار اعلی بجهت محل سکای لاده و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بنا نموده اند  
چشمین پلاد سعادت بنیادها بون را جناب اشراف محمد سپهسالار اعظم با علی وجه کمال کوشش تمام بلاد ممالک محروسه نیز  
شرایط این چنین و عهد مبارک بخوبی منظور و تقبل شد لکن آنهای دوستانه از روی کمال و داد و انقاد از سلاطین عظیم الشان  
فرزادگی بی نهایت عهد پلاد اشرافانه بجزو ما بون بلیغ شد و اعلیحضرت شاهنشاهی نیز با جویه و موافقت آنرا با هر پلایان  
سلاطین معظم اظهار توفیق و محالست فرمودند چون در نوزدهم ربيع الثاني هزار و دو بیست و نود و دو جناب اکو سبین  
اوشوک هر که از طرف حضرت پاپ با هدا پانامه بجزو مبارک نشرفت حضرت جواب ان نامه را از جناب اعلیحضرت شاهنشاهی  
بدین صورت که عینا در ذیل مسطور میشود بلیغ شد

صورت جوابیک از جانب سنی الجوابین ملوک خراسان بپای فرموده

حضرت سپهسالار اعلی بجهت ما بون و کمال اهتمام با حق و عدل و توفیق ما بون (نامه مؤید با شنید) (نامه مؤید علامت اعلیحضرت ملک  
که از کثرت محبت نکاشته و با تحفه هدا پانامه بجزو ما بون که در و دایع پادکارهای عزیز و ملاحظه آنها هوار و موجد با و  
مؤید باطنی است مصحح جناب اکو سبین محترم ارشود هر که فرستاده خود در سال داشته بود بجزو محالست و خود ما

واصل که در پاره برای بر احترام و اعتبار اکو سبین ارشود و نامه هدا پانامه بجزو ما بون و کمال اهتمام با حق و عدل و توفیق ما بون  
و از حالت محالست و دست خالصانه بشما بطوریه اینست حضور با و نموده لازم شمردیم بصدق این لغو و محبت او فرموده  
قلیدر شعفا باطنی خودمان را از اینکه اظهار مؤید و صفای بر پای بنما ظاهر ساختن خاطر دوشی اشراف ما مطمن  
سازیم که چنانکه مرضی طبع و خواهش نیان خالصه بشما است کما فی السابق ما بون ملت محترم کاتولیک و آحاد و افراد  
این ملت در نظر شفقت اشراف عزیز در در ذل و لبای دولت علیه ما ممتاز و بر کز پله و محل آفر کون رعایت و مورد اعلی در رعایت  
بوده و خواهند بود علاوه بر رعایتی سابقه بعد از ظهور این مراد و مطلوبه احکام آگیده در رعایت و حمایت از ادای  
کاتولیکها و رعایای خودشان میرا فرای حکام صادر نمودیم مادری حقیقت آحاد ملت مزبور و رعایای دولت ایران را  
و در اعلیحضرت پاپ ما بون و معلوم است دایع شما را کمالا بجزو ما بون چنانکه شخص شما را نیز کزین مرتبه ها حضرت مسیح علیه  
و بان درجه لازم الا حترام میباشیم و خواهش داریم که از صفای طبع خودتان ما را در مقام استیجاب و دعوت از خاطر خود  
فراموش ننویسید و پیوسته مراد و اعلیحضرت پاپ ما بون (در قصه ملوکانه در الحلاف طهران شهر ربيع الثاني)

جواب نامه که حضرت پاپ نکاشته اند

بجزو اعلیحضرت پادشاه و امیر اطو سپهسالار با احترامات و ارادتی که بجزو ما بون و کمال اهتمام با حق و عدل و توفیق ما بون  
مبارک میشود با اعلیحضرت ما بون ظاهر سازیم این نامه را الحاق نموده تا باین وسیله محبت خلوص قلبی خودمان را مشهور و  
مبارک نمائیم بنهادان و بواسطه از شرف و عزت اندک که شان آنها بواسطه محبتی است که بجزو ما بون آنها را تقدیم حضور ما بون  
میشانیم بر ما واضح است که شما پادشاه خیر نامور و سپهسالار الطاف بجزو ما بون و مراد ملوکانه خودتان را هوار و  
شامل حال ما بون کاتولیک و مرتبه ها حضرت مسیح که در ممالک مؤید ما بون پاپ ما بون خاص نسبت با ایشان بسبب  
کردیده که در کمال از ادای محبتی که بجزو ما بون کاتولیک را که بان علاقه دارند پدید نموده مراسم از اجری در ذل لیدرین پیل  
که هیچ چیز جز این فقره بیشتر موجب بر در و نشنا طلب ما بون کرد بجزو ما بون و ان نامساعد که پاره صدای ما را کز  
ساختن چیز هیچ چیز نمیتواند بهتر از صفات خفیه ما بون شخصی شما را که با نهایت میل مشاهده میکنیم اشکار سازد  
باین محظور کمال شعف سرد خلوص مناسبت که از محبت الطاف ما بون ایشان داریم مشهور نظر مبارک اعلیحضرت ما بون  
شما می سازیم بجهت مقام خلوص و ارادت ما معلوم خواهد گشت بجزو ما بون و فینکه رضو فر ما بون که جمیع بنی و القایانکه  
با هر کاتولیک ممالک شما خواه از جانب ما بون با بواسطه اشتیاقی که با جرای ما بون اعلی اشتغال ما بون بدین  
کو پادریاره خود ما بون است علاوه بر این اعلیحضرت ما بون شما خوب مستحضر اند که ما بون مذ هب کاتولیک ما بون کاتولیک



مذمبه که انقدر از مرام ملوکانه شایسته بود باید و در زیاده و کمال بفریبها اظهار داشته اند و در روز آخر از مرام  
 وجهه استعجاب آورده تا بواسطه اطاعت ایشان که در شخصها بود شتاب لازم است خود را بیشتر از توان مرام سازند و مخصوص  
 و بی که ایشان بیرون دارند بر آنها تکلیف گذارد که سبلا طین روزی در هر باره که برخلاف عطف خداوندی باشد اطاعت  
 ایشان داشته باشند چنانچه از برای ایشان فایده اش بیشتر است آنستکه در ازای مرام و لطافت ملوکانه شتاب و فدا و از خود  
 ظاهر سازند اجرای تکلیف باستانند همی خود میدارند که جوارش و روزی بطول ناکند جمیع کانونیکها آنکه در مالک محروسه  
 نوبت دارند بستانند و اسناد عاقلانم که در بندل حمایتها بود خودشان نسبت با ایشان عاده فرمایند بعلوه از انبوهی  
 مستوحیر مرام خضعا کرده اند و نفعی بجوهای خود شتاب و محفوظ و مالک وسیع نان را حواست خواهد فرمود بر کوشش  
 ادشوک هر کله که ماموق دیدارها بود شتاب فرموده ام که بوضع اکل جمیع خلوص ارادت ما را با اعطرتها بود شتاب عظام  
 در آورده مصلحت اینست که او مستوحیر مرام ملوکانه شتاب کرده و در آنچه تعلق بخصما و سلاعی نفوس ارد در اجرای ماموق  
 خود اعطرتها بود شتاب او را حواستند جفای که خلوص ارادت خود مان را با اعطرتها بود شتاب مبداریم از خدای رحمن  
 استغاثه مینمایم که مرام خود را شامل حال شما جمیع خانواد سلطنتان داشته طول عمر شما گرامت کرده و ممالک شما را  
 محافظت نماید و بعلوه دعاهای گرامانه مان است که شما با ما در شتاب خدایند متفق باشید در شهر و معتد حقوق  
 سن پرورد خدای ۱۹ ماه سینه سینه ۱۸۷۴ در سال ۲۹ سلطنت مذهبی ماموق کشت

حضرت اجل اعظم شاهنشاه فراده والا و پهلوانم که در ولایت علیبران ادام الله اقباله العالی الحضر مبارک الخلد  
 روز بیست و دوم صفر در دار الخلافه که در پنده در باغ دولتی موسوم بباغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل اعظم معین گردید  
 علیقلخان مخبر الدوله و لر رئیس اداره نکرانخانه بوزارت نکران و اعطای لقب جنابی سرافراز شده و بخط مبارک بشریح  
 ذیل شرفند ریافت

سواد خط مبارک

غیر الدوله علیقلخان سر نیک که بدو لغو اهو صدقات منحانات شایسته داده و بخدمت گذاری طرد رجایت بلند نموده  
 این اوقات که در سلك و زرای دولت از اعضا مجلس الشوری اعظم برقرار شده و رابلیغ جناب و لقب بوزارت نکران  
 دولت علیه مخاطب فرمودیم مقرر دانستیم که عوم چاکران دولت و زرافزون معزایه با این سمت شناخته درجه و مقام او را  
 رعایت نمایند ۱۲۹۳ صفر

روز دوشنبه بیست و نهم شهر صفر ساعت شش و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشته موافق جمعه بیست و یک  
 افتاب عالی نایک بر حوت محل بخوبی نمود حکیم الملک پیشین باشی سلام حکومت بر وجود منصور کرد بدو اب الارک الله

حکمران بالانت خراسان و سبستان مفتخر کرد پادشاه الملک پیشین خاصه شرفه بحکومت و سوا و وزرند سرافراز آمد  
 حاجی میرزا نفعی و کمال الزعابا که سابق بیک خدای محل عو کلاجان بر قرار بود بمنصب کلانتری را خلاصه بر قرار کرد بدو و بیها  
 محمد حسین شیر معزی الهی بیک خدای محل مسطویه مباح شد محض ظهور عواطف خاصه حسرتانه در باره حضرت اجل اعظم  
 شاهنشاه فراده و مجد اکرم و لمعهد و لک علیبران ادام الله اقباله العالی بکفایت شش بر صرع بجواهر شنبه و فروزه از  
 شمشیرها خاصه سلطنت بدست مبارکهای خود بجزر منطاب معظم مرتبه شرفه شکر آفا بالک عربستان و لرستان و ابواب  
 والا حشمة الدوله معوض داشتند این خصوص پیشین خاصه شرفه بحکومت کاشان سرافراز شده سرافراز اسد الله مستور اول  
 بر پیشکاری از ندان مفتخر آمد و ابوالاعتماد الدوله فرهاد میرزا که بمکه معظمه شرف شده بود نذر و ربع الثاني بل الخلد  
 و در نوده بجاکای مبارک شرفیاب موزی مرتبه حضور کرد بدیند حاجی میرزا محمد رضا مستشار الملک پیشکار خراسان  
 فلدان دوان و جمع و خلفها بود سرافراز آمد حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک بکفایت نشان شمال بمینال مبارک  
 مفتخر آمد بجمع از نکرانکه با عاشقون نکران که یکی از سرداران نکران است ادته نفس که آن نیز از روسا نکران می باشد شتاب  
 و بان سردار خراسان آمده مصطفی نعلبان میر بیگ در خراسان با شتون ظفر غوغ سر راه بر آنها که نذر جمعی را مقبول  
 و عاشقون نکران بکشتند ادته نفس با ده نفر سوار دستگیر کرده باقی بفرقت کرد بدیند بعضی را وقت بکر نکران بتر سپاه  
 همراه بنیبر کرده اند حکمران و فرمانده مملکت فارس را مزید سایر مشاغل جناب سنا با شرف سپهسالار اعظم فرمودند  
 و بخط مبارک از فرار شرح ذیل شرفند ریافت

سواد خط جناب اعظم مبارک

نظر بعضی مقننین و لکبه و رعایت از پادامینت آبادی مملکت فارس چنان صلاح میدانیم که اشطام ان مملکت کلکله از جناب  
 سپهسالار اعظم بجوایم موافق این و بخط حکم میشود که از امر و فرارها نیکه لازم است ای اشطام ان مملکت در فاهیت و اب  
 رعایای آن و نظم سردان و بنیبه اشرا و پلات و بجزه بدهد اقدامات سرعوانه نماید و ان مملکت با آباد و دایر کرده بهر چه در نظم  
 آن نواحی خود داری نماید و کل حکام جزء و مبانشین ان مملکت را در انتصاب کار دان با نظم عادل عاقل معین نماید رعایت حقوق  
 رعیت اشطام امود و لغو با بهر چه مقدم دارد ازین تاریخ بعد اشطام کل فارس را بهر چه از و بجوایم و مسئول خواهد  
 بود سپهسالار ۱۲۹۳

و نادرش عادن ممالک محروسه سیدنا بر عهد و ابوالاعضا السلطنة و زیر علوم فرمودند حضرت اجل اعظم شاهنشاه  
 والا و پهلوانم که در ولایت علیبران ادام الله اقباله العالی روز چهارشنبه هفتم جمادی الاولی با اجازه هابون غزنی محل حکمرانی خود  
 که مملکت آذربایجان باشد نمودند ریاست مطبل و بچانه مبارک را بنوا بجهانشون میرزا مرتضی شوندار محمد خان ایلخانی



شاد و شنبه در سرحدات مجبور دانز که نموده است محمد خان والی حکمران بزرگ محراب جناب سرافزا آمد بر آسین علی طیب  
از اهلای حضورها بون بلیغ شیخ الاطباءی ملقب کرد بدو کتبها بون در ماه جمادی الثانیه غریب علیان کار فرمود حکومت  
فرمانفرمای فارس بنوایب الامتدالده واکذا فرمودند محمد حسن خان ولنجایب علاء الدوله وزیر دربار و اعظم منصب <sup>شکری</sup>  
سرافزا شد سیم تلکراغراسان بمشهد مقدس صل آمد آره ملبوس خدام خانه نظام را بعهده مراتب حاجی میرزا عبدالله خان  
علاء الملک و کول داشتند در ماه شعبان این سال نظر بخدمت جناب سرافزا مجد سیه سالار اعظم بکوی بهراری مقبول و  
نظامی شمس رقیع از ملا برین خاص بن پوش مبارک <sup>ایشان</sup> فرموده در خط جها نطاع مبارک شرفصد و ریافت

سواد خط جها نطاع مبارک

جناب سیه سالار اعظم چون در این سال از کتب خدما بیکه بشما محول شد خاطر ماکمال خوشوقتی یاد دارد و در اجرای او اثر  
احکام مادی دفتر خود را در نگه داشته است خاصه در نظم و انضاد و در تقوای بیلائی مسائل و فرستادن اردو و کما متعدد  
بکران و سایر سرحدات و بوفت و موقع رساندن آنها بجهای امور بنظرا بکساری مقبول و در نظامی شمس رقیع  
از ملا برین خاصه ها بونی برای نشانه التفات برای شما فرستادم  
مجلس تحقیق علیه در مجلس تونی کبریت مجلس خاص و در برابر فرار و دایر کرده و اجرای این مجلس از فرار ذیل میباشد

اعضا مجلس تحقیق دولتی

- (نواب الاعضا السلطنه وزیر علوم) (نواب الاحصام السلطنه) (نواب الاضرة الدوله) (جناب حاجی ظهیر الدوله)
- (جناب ناصر الملک) (جناب حاجی میر الملک) (جناب حسنعلی خان) (جناب نصیر الدوله) (جناب امین اشکر) (جناب مجیر الدوله)
- (جناب امین الملک مدبر مجلس) (میرزا محو خان منشی اسرار و کاتب مجلس)

بعضی بناهای بلبع رفیع را بنیاد سلطنه دار الخلافه فرزوده شد بآ لاضرة الدوله بحکومتها بالشرکزی که عیار از عراق  
و همدان و ملایر و تبرکان و کلیپکان و خوسار و نهند و برورد باشد منصوب و بلیغ فرما فرمای ملقب کرد بدین  
و در خط مبارک در بنیاد بیخ ذیل شرفصد و ریافت

سواد خط جها نطاع مبارک

عمر کم نضره الدوله که در رجوع هر کار و نصد هر خدمت بر صاجونی خاطر ما و رفاه خلق و صلاح مملکت را پیش نهاد کرد  
در خبر خواهر این دولت روز افزون انظوراتا مانات صادفانه دارد که مقصود خاطر معدلت مظاهر ماست باین وسیله  
در جانت که بخدمات نموده و هر قدم مرتبونی نازه یافته است ای اوقات که حکمران با لائشرکزی عراق بعهده عم معری آیه  
محلست با فضایی رای حشمتای ها بون و را بلیغ جلیل فرما فرمای ملقب و مخاطب فرمودیم که این عاطفت جز بایر اسرمانه

مزید اخبارات و ترقیات برتری خود داشته خدما دولتی را بوجوه مستحسنه تفهیم رسانند و مورد شمول مراسم

دیگر آید ۱۲۹۳

حکمران ابا لئین کرمانشاهان و کردستان بعهده نواب و الاحصام السلطنه مفضول دانستند و روز دهم شهر ترموال  
این سال جناب صیفا قندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که حامل اعلان نامه رسمی جلوس اعلیحضرت سلطان  
عبدالمجید خان بر تخت سلطنت بود بحضور <sup>عثمانی</sup> ظهور مبارک مشرف سند با لائتم و کاستان و ساره و زرد را صمیمه  
مزید مشاغل و حکمرانی حضرتنا جلای اعظم شاهنشاه زاده والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دار الخلافه  
ادام الله ابنا له العالی فرمودند و زارت علی با اعظم را بجناب میرزا کاظم خان نظام الملک که مسبوق باین بود نفویض فرمودند  
مده مولف بیکر شنه جالب سرخ و نشان سر شیره سرافزا آمد بیکت خط ماه فارس نیز بلی بندر بوشهر منسوق کرد بدین مجلس حاوط در دار  
الخلافه ریاست نواب والا اعضا السلطنه و بر علوم و معادن در کمال نظم دایر است و در بیست سیم ذیقعد الحرام کتب  
ها بون غریب بشکارگاه مسبله فرمود چون او ایل عشر سیم ذیقعد الحرام این سال سال سیام سلطنت شهراری اعلیحضرت  
شاهنشاه عجا بود و این فرزند سعید با فرزند صمد سلطنت سلسله ابد بوند تا جاریه افزان داشت جناب سرافزا مجد <sup>سینه سالار</sup>  
اعظم جشن فرین ها بون را در چند روز و چند شب بوجه اکل گرفتند از بیستم ذیحجه الحرام شروع بظیافتها و چراغانها و مجالس  
و سرود آتیناری و غیره نمودند و سلاطین عظیم السان فرنگ بواسطه تلکراف نه بنها گفته اجوبه مؤن آمیز از جناب اعلیحضرت  
ها بون بواسطه تلکراف تلغ شد جناب مسعود بنویف و وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس ما مور با فامش دربار دولت علیه  
که از اول و دو هجالت اسرار شرابط اعزاز و تشریفات معمولد در باره سفری بزرگ دولت محاسنه در باره جناب عزیزی اله بوجه اکل  
آمد و ز شانه هم در محراب دار الخلافه ذکر بدو و در محرم حضور مخرج و نشرو نبشت

وقایع و سوانح عمده که در این سال در تمام شرق زمین و افطار کرة الارض ساح کردید  
اناثونی (بنکی دینا)

در چهارم شهریور که سه شنبه و از دهم جمادی الثانیه باشد جشن سال صد آزادی اناثونی را در تمام ان مملکت کردند  
(مخفی نماید که قبلا از صد سال ممالک منبع السالک اناثونی جزو مملکت انگلیس بوده و آنان نارنج بعد از آد شده دولت  
مستقل بزرگی کردیده است) و رود امیرالمودیر ببل در بهار این سال به بنورک پای تخت مختار چکه شخص رئیس اناثونی  
مهدادند از طرف دولت آن مختار و لائتم کران رئیس بنصیف خود امتیاح اسپو بیو صنایع عمومی برای جمع دول و مملکت  
نوبن در شهر میلاد دولتی در اواخر بهار

اسپانیا







الحاق مملکت خوسف بمصر فاش روس در کستان و موسونودن این ایلان با بایان غزانه قوچان و غلبه نزال اسکلف  
سردار بر طایفه فراتر رفت

### ثانی

مسافرت میکاد پادشاه این مملکت با سفارین جنگی با طرف هر چه خود موقوف داشتن بشکست یافتن بمصر در این مملکت  
سورش ایلان مغربه قتل باغبان

### سوم و تریج

قوت عمار اعظم پادشاه در تابستان

### سویس

دخا این مملکت در این سال هشت کرد و در وینت چهل و یک هزار و پانصد و پنجاه و دو تومان و شش هزار و پانصد و پنجاه  
و تریج هشت کرد و در چهار صد و بیست و هفت هزار و شصت تومان

### شیلی (پنکی دینای جنوبی)

بنسوان خود داده شد که مثل جمال آنها نیز در مجلس پارلمنت حق تعیین و یکدل دارند

### عثمانی

جنگ سخن دولت با باغبان هر زکون و بسنی کتانداسی صدر اعظم اطراش دستور العمل و پاداشتی برای استمال باغبان  
هر زکون و بسنی که با مضای دولت روس المان و انگلیس سپیده است با سلامبور وانه میبازد و اصلوا پندستو العمل پاداش  
منی بلین بقر آزاد نام و تمام اهالی در مد هی کپری می کنند (قانونی در وضع اخذ مالیات که غلغی باغبانست) (شوقی  
نارین و ملاحان) (یکمشتی از مالیات معینه که این دو ایلان باغبان بدولت عثمانی میدهند هر ساله خرج خود ایلان  
شوق یعنی مصرف ساختن ملاس و راهها و بر بنخانه ها و غیره برسد) (ایجاد مجلسی در این دو ایلان مرکب از عیسوی و مسلمانان  
که معاداران مجلس نشسته فرامای لازم برای راهی عیب بدهند) دولت عثمانی قبول این تکالیف نمینماید و چنان  
هفته باغبان مهلت میدهد که اگر در نظرنا پندنا اسلحه برین گذاشته ایلان اختیار کنند آنها را عفو کرده نیز سلطان  
برای خرابی که با هالک سپیده مفر بسیار که در طرفه و سال تخفیف کلی در مالیات آنها داده شود ملاقات نزال در تریج  
حاکم الماسوی من ایلان اطراش با عالی پادشاه و مختار پادشاه در ان عثمانی در شهر با کوز باغبانهای بسنی باغبانست  
برضه دولت هشت مختار پادشاه هفت هزار فستون با باغبانهای هر زکون و بسنی در جنگ استیلای نورس در لیلان  
استعفا محو پادشاهی صدر اعظم و بیض محمد رسک پادشاهی و بلبش او در فونشولهای فرانسه المان که در سال

بند عثمانی مقبول شده بودند و قبلاً رسانیدن آنها در اسلا بلو خلع سلطان عبدالغزیز خان از سلطنت روسی ام  
که ششصد و شصت و شش شهر جادی اولی باشد و نصب سلطان مراد پنجم بجای او در چهارم ماه ژون که یکشنبه باشد هم جادی  
اولی باشد عبدالغزیز خان شهران خود را با مقرض در بده خود را هلاک میبازد در شانزدهم ژون که شنبه است  
جادی اولی باشد حسین عوف با شای در زهر خک و اورشید پاشا در زهر امور حاد جبهه را حسن نام چرکس در خانه مدخیا  
صد بلعظم قبلاً رسانیدن در جتی که در لیلان شان و هر زکون و بسنی فستون دولتی با طفاء ناپوه شرارت باغبان مشغول  
بودند ان ایلان را منظم کرده ایلان سردی بهانه اینکه میخواهند حد و سنو خود را محمولان دست بر و تحلی باغبان  
باشون منظم دولت عثمانی نمایند عساکر زبادی حاضر می کنند و بر این میلان والی سردی سرداری این فستون را بخصه قبول میکند  
در اول ژو که شنبه هم جادی الاخری باشد شنگر و سر و عثمانی اعلان جنگ میکند سر و عساکر سردی نزال در ایلان  
می باشد قوچان مختار پادشاه و مننگر و از طرف دیگر شکست دادن فستون مننگر و عساکر عثمانی با و جلس کردن عثمان پادشاه  
عساکر عثمانی در سرداری را کریم عبدالکریم پادشاه و زکون مننگر و عثمانی میباید فستون عبدالکریم پادشاه در سر و میباید کردی  
دولت انگلیس که اسباب اصلاح میان سر و عثمانی را فراهم آورد در سی و یکم ماه او که در شنبه هم رجب باشد فستون شیخ  
الاسلام که سلطان مراد خان پنجم مرض و مجنونست قابل سلطنت و فرمانفرمای نیست از سلطنت خلع شده برادر کتار و عبد  
الحمد خان بجای او منصوب کردید در هفتم سپتامبر که پنجشنبه است هم شعبان باشد سلطان عبدالحمید خان رسما جلوس  
سلطنت میکند تکلیف صلح نمودن دولت انگلیس دولت عثمانی را با سردی و مننگر و با شرکت سایر دول فزنگ و جوامع  
دادن دولت عثمانی و در اعظم مختار پادشاه بر زبیل با سلامبول ایجاد پارلمنت عثمانی مرکب از صد و بیست و شش نفر  
عبدالکریم پادشاه در سر و و استمداد نمودن سر و از دولت روس و در صاحب منصب بر از زبادی با اسم داوطلب مملکت  
سر و بطرانه اختیار کردن ایلان بغدادی قبول کردن دولت عثمانی بکلیس کفر اثنی که اجزاء این مجلس سفرای کبار دولت  
فزنگ باشند بجزه فرادادها جدید در داخله عثمانی استعفا نزال جرنایان سرداری و عساکر سر و دولت روس  
بنهانی مطالبه یک صانته از طرف دولت عثمانی میکند که بوعده آنها اکتفا نموده باید ضامن شود که فرارها جدید بیک  
مامورین دولت خواهند گذاشت از عهد آید و مامور با وجود اینکه این مجلس برای او منعقد است خود حضور در این مجلس را  
نداشته باشد دولت عثمانی جنگ مدحت پادشاه هم پادشاه را از طرف خود مامور نموده باین مجلس میفرستد افتتاح مجلس  
کفر اثنی در و از هم سامبر که ششصد و شصت و شش پنجم دینقده الحرام باشد بدون قبول حضور مامور عثمانی بر است  
نزال اکتفا بقیه کپری و رسک رسک پادشاهی صدر اعظم و نصب مدحت پادشاهی و دولت عثمانی پنج تکلیف  
تکالیف مجالس کفر اثنی با قبول نمیکند



فرانس

۱۲۹۴

باش سپوگر هی مجلس بارلمان و دو اعلم حضرت پادشاه انگلستان به بندر شرپورخ و دو دیار پارس و خلافت امارت  
اکاهون و دو سفرای مرعش پارس

مکزیک

شورش اهالی پوگراند پوکریک زلزالی و شکست یافتن باغبان از فسون دولت

هلاند

آزاد کردن غلام و کینز یاد دولت هلندی و جزیره سومانا

بنکی و بنای جنوب

نزالی پراد بر باش جمهور منتخب کردید

یونان

ورود اعلم خیر نامیر اطور بر پادشاه یونان بعد از کثرت و سپاه نظام فرنگستان

بملکت خود استعراض دولت و ندادن فسون فرستادن چند کشتی جنگی به بندر ساتونیک

شرح و قایع سال سه و یکم سلطنت و تاجد کبر اعلم حضرت قوشونک شاهنشاهی  
خبر صاحب فرزند دلاور کاشونک و دولت مطابقت سندهزار و کسوت

و نوز و چهار هجری پچمان بیلز که

که نرفت با بعد از دو ماه

او در بیک موشی

ابتدای این سال خیر مال محض زید نظم و انتظام امور دولت و فاه و آسایش حال رعیت جناب شرفناجیب پیمشان پادشاه علیه

ملوکانه قانون برای تعیین حدود و تکالیف حکام و دستا فسون که در خلافت مالک محروسه هستند نوشته با مضای

ملوکانه موقیع و صورشان از فراد بشری که در ذیل مسطور شود بولا پادشاه افاد شد

صورت قرار داد و قانونیکه جناب شرفناجیب پیمشان پادشاه عظیم نوشتند

اولا تعیین دو نفر که هر دو مجید انجام خدمت دولت معین میشوند بایکمال اتفاق و اتحاد بوده بوجهی از وجوه بایکدیگر

مخالفت نداشته باشند

ثانیا حکام هر دو قانون خودتقدم بر رئیس نظام خواهد داشتند

ثالثا در موقعیکه خدمت دولت افتضا نماید و حاکم بجز دفع منکر و با امنیت و لا یتسئون عسکرا بیک از نقاط و لا با یتسلا  
به بنید بیدکتو بر رئیس نظام تکلیف معلوم نماید و رئیس نظام باید اطاعت حاکم را در اینر حلد بدون سوال نماید و اگر  
اینر کت بدون موع و واقع شده مسئول در نزد دولت حاکم خواهد بود

رابعا رشتنه ایند و اداره کلینر از یکدیگر موضوع و جداسی با بنی که رئیس نظام بطبع و سبیل و بهانه با موران و لا یتس  
فیل مالیات و تعیین ضباط و نواب سایر کارها بیکدیگر عهده حاکم است نباید مداخله نماید و همچنین حاکم بطبع و سبیل  
باموران فتنی نباید مداخله نماید جمیع امورات معلقه بشیون باقراده معلق بر رئیس نظام اوله یتس

خامسا شخواه نقد و جنبی که در کتابچه دستور العمل مخرج ان و لا یتس آمده است تمام اوزا باید بدون هیچ قسم مداخله باموریکه  
از جانب وزارت عسکر به معین میشود تسلیم نموده و فیض ان ماموران سند مخرج خود بدانند و غیره و اگر مداخله جزو نماید و خود  
بخواهد بخواه نقد و جنبی فتنی دخل و تصرف نماید فیض جزو را سند مخرج خود فرار بدهد و در غیر حسابیک  
ابدی مقبول و مستوع نکشته و ان قدر بیکر خود مداخله جزو نموده است خماید و نعد از او استرا خواهد شد

سادسا حاکم و لا یتس باید بخواه بیکدیگر در کتابچه دستور العمل بیوانی نوشته میشود با هم فسون و سایر مخارج و مصاروفه  
داشته و ان قدر و جو جمعی خود و لا یتس خواه فسون را برساند و هیچ عذری از قبیل فاضل کتابچه دستور العمل با کسوت  
ولا یتس استند تا تخفیف بخواه فسون را نباید معون و معطل بکند و بلکه بخواه متعلق بشیون را مقدم داشته و از بر  
معاذیر مستدعیات خود سایر مصارف و مخارج و لا یتس را محل فرار بدهد بخواه فسون را واجبلا داد داشته تخلف  
جایز ندارند

سابعا چنانکه در فصل چهارم ذکر شد که ایند رشتنه حکومت نظام از یکدیگر کلینر موضوع و جداسی بپوست که  
اینرا و اسباب کار ایند رشتنه خدمت و لشکر مختلف جدا خواهد بود ممکن است که دولت بجز مصلح خود را باستاند  
رشتنه را بشخص واحد مفوض فرماید انتظام این هر دو کار را از ان شخص بخواهد بکن انکار که هر دو عمل با و رجوع شده است  
باید ایند و کار را از یکدیگر موضوع و جداسی بپوست این قانون نامر را در مقله خود رجوع نموده و در سوس مسائل با مخرج  
هر یک از دو کار رجوع و اظهار نماید

ثامنا اگر از باب بشرف اختلافی فی مابین حاکم و رئیس نظام بوقوع برسد این اختلاف را بچه چه اسباب تقاضت و  
علاوت فی مابین خودشان فرار نداده در کمال ادب و انسانیت و معقولیت بایکدیگر رفتار کرده مابین اختلاف با بر و سا  
و موجهای خود نوشته هر قسم حکم رسید رفع اختلاف نمایند

ثاسعا اگر بری فی مابین اهله از تمام فسون با اهل و لا یتس در عین اختلاف و محابره واقع شود حاکم و رئیس نظام منفقا

داشته و خدمت  
دو شعبه را با مخرج



و مشرک با بد و سپیدگی غور روی موده احفان خو کنند

مضر بچناب معلی کردید بعد از معاودت سفری پیرمان از دار الخلافه بان مملکت میرزا فضل الله خان کاویر از بجهت  
مامون با لایحه ای سفری پیرمان فرار دادند مشارا البدرین مامون را از رو کفایت با چناب رسا بنده معاودت کرده این  
اوقات عمر بنیان مسافرت و شرح سفارت خود بخاکهای هاپون ارسال داشت میرزا شفیع خان برادر مرحوم میرزا  
سرتیپ نوبختانه مبارکه بمنصب سرهنکی نوبختانه نایل گردید پیرزاهاشخان امین الدوله مرحوم شد میرزا محمد خان امین خا  
ولد مرحوم میرزاهاشخان علاوه بر ریاست فنکاران خاصه بر ریاست خلوت هاپون سرافراز گردید سپهسالار سنجو  
جانب سپه پدیدار رئیس کل بیستخانه های مالک محرم سدرجه بنایب کل یافتند داخل این اداره گردید مجلسی از اجرا  
محرر مسطوره ذیل برای رسیدگی امور بدو باخانه عدلیه اعظم بامر هاپون تشکیل یافت

رئوس الاعضا السلطنه (جناب نظام الملک) (جناب نصیر الدوله) (منشأ الدوله) (میرزا ذک نایب) (ادیب  
الملک صدر مجلس) (میرزا محمود وزیر طهران) (حاج میرزا حسنخان) (صدر نوبختانه) (اعتماد الملک) (حیدر خان)  
(مفتی اعزای بکر) در ماه رمضان اینسال تکبیر و لیلی محل و جایگاه نوبه داری استماع مواعظ است در غزوات آن  
جواهر فرودشان دار الخلافه و بخار و آذربایجان و صناعه و محرم فرزند نموده بکسیب خود مشغولند نصر الله خان نصر الملک  
سرتیپ اول بکفطعه نشان شمال هاپون سرافراز گردید میرزا استیغلی جناب نصیب نایب نظام العلماء یافت نواب  
جهان سون میرزای امیر نومان حکمران اسر اباد با عطای نشان شمال بیچال هاپون سرافراز آمد حسرتعلیخان ولد جناب علا  
الدوله بمنصب غلام پیشخدمت شکر می مباحی کرد بدکستور بر باست نواب والا اعضا السلطنه وزیر علوم و معان  
برقرار کردید که اجزای آن امعه افشده و اجناس لا بقدر اینرا محینه کسب و شستو که درین سال آئیده در دار الملک پان  
افتتاح حج با بد جمع آوری حاضر نمایند و میرزا جواد خان که مامور حمل این امعه بر پا رسیده است بمنصب سر تپه ویم  
مفتخر گردید میرزا محمد علی ناظم بیستخانه بعلی پکر شده حایل و نشان از درجه سرهنکی نایب آمد بعضی از آنرا که سرتیپ  
که بخاک خراسان بناخت و ناز آمده بودند مصطفی فلجان پیر شیخ رئیس نظام خراسان آنها را ندهی بستر نموده است  
همان حکمران خراسان و سپهسالار اسر اباد از پیرزاهاشخان استیغلی شرف سپهسالار اعظم فرمودند محمد علیخان  
امین السلطنه جامه در خاص بکفطعه نشان و حایل سرخ از درجه دوم سر تپه سرافراز آمد میرزا اسد الله خان  
حیرال فتنه دولت علیّه و قیوم نفلین با عطای نشان و حایل سر تپه اول مباحی گشت

سواخ و قایع عمد که در سیال مرغان و نیزه و فطار که از ارض واقع گردید است  
انالی نیکو دنیا و نیکو دنیا شمالی  
در بهار اینسال ریشاد های برپا شد همچو کبر فرار و ذنرال گران ازین محل خلع گردید سالی پنجاه هزار دینار بر زمین

عاشرا چنانکه در فصل پنجم و ششم ذکر شده و ناگه در اتصال وجوه متعلقه بفتوح کردیده است این فتره هم واضح و بدیهی است  
مالی اینکه افراد و صاحب منصب نظامی باید در جزو مالیه کل و لا باجاکه بدهد بکده بکده بملی با نهادار در حاکم با بد بربس  
نظام محل داده و نهم وجهه متعلقه بفتوح مطابق مدلول و مندرجات در فصل پنجم و ششم کار سازی دارد

میرزا سنکلاخ که تقریباً یکصد ده سال عمر کرده شیعیه همد هم داعی خود را بلیک اجابت گفت عهد ولود مسعود اعظم حضرت  
شاهنشاهی دام ملکه را جناب اشرفناجی سپهسالار اعظم با علی درجه کال با شکوه و زینتی تمام گرفتند تمام بلاد ممالک  
محمود سرتیپ این عهد بعد با شرفیات کامله گرفته شد بعضی استخوانهای مامون داد در اسفهان میرزا نوری خان حکمباش  
حضرت حاج اعظم شاهنشاه داده و الاطلا السلطان حکمران اصفهان و مضافات آنکشاف است مامون جوان نیست کردید

از طوفان خوی رکه ارض وجود داشته بشبه بنیل و کفر و روز شازدهم صفر در شکارگاه جاجرود بدینکلی عظیم کعبه  
شکار شست مبارک شد روز سه شنبه چهارم شهر بیع الاول بعد از نه ساعت بیست هفت دقیقه و سی و شش ثانیه  
بجست بزج حد بفرنگ از روز گذشته بزر اعظم از بروج حوش محل بخوبی کرد سلام خاص در عمارت عاج در پیشگاه  
حضور هاپون منعقد گردید و روز چهارشنبه که روز عید نوروز است سلام عام در نالار تخت مرمانقباد یافت حکمران  
مازندران بجهت کفایت جناب محمد الملک وزیر مخصوص موکول نشدند مجلسی برای تحقیق اشیا معتد و فلزات

بر ریاست نواب الاعضا السلطنه وزیر علوم و معادن دایره برقرار گردید میرزا ذکرت بعد از مراجعت از سفر فرنگ  
که برای تحصیل رفته بود از اطباء و حضو هاپون و بمنصب معلی علم طب بعد رسیده که دار الفنون سرافراز آمد سپید  
با سوزر بیستان و لرستان را بجهت کفالت جناب علا الدوله وزیر مالیه و در بار اعظم موکول داشتند نیز اداره

کیلان را امر نوبت سار مشاعل جناب اعظم فرمودند و ضیاء الملک بکومت کیلان منصوب شد حکمران خراسان نواب والا  
عزالدوله عبدالصمد میرزا و آذار فرمودند میرزا محمد حسین پیر میرزا جعفر و قایع نکار بمنصب پیر سراسر از آمد و کب  
هاپون پاتر دم جامه اولی شرف فرهای بیلاق لار کردید و وزیر دی مراجهت فرمودند پیر شیخ سکه و صنوبر اجانه  
دولتی در محلی که مشهور بکارخانه و سیمان رسی است بر ریاست جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر رسایل خاصه

مباشرت سبوسنجی بمنشأ و تکمیل و جابر منشو آقا محمد ابراهیم امین السلطان بلیغ جناب ملقب از اجزای دار الفنون  
گری کردید هم و امون دولتی با درخت و وزارتخانه فرار داده جناب اجلا قای مشغول الممالک را وزیر  
کشور و جناب اشرف سپهسالار اعظم را و پیرامون و لشکر جوانند و ایل شهر رجب موکب هاپون مجدداً از م لار و  
نمارستان شد میرزا زکی رشتی وزیر ربحم جلالت بخاطر جناب مفتخر آمد در سطح شهر رجب شهرستانک

اما بعد از طوفان دیگر  
ازین مجلس جوان و نحو  
بنامه است



مواجهت مرسوم داده میشود

(هرات دلا معارلتا بیخبران پول ایران)

بغیر از این که مذکور است بدو احوالات و دشمنی نام پیغمبر بود است بحکم دولت بقتل میرسد تمام فتنون انا فونی بری  
بجری نیست بیخبر است مسافرت رئیس سابق نزال کران نسبت فرنگ و وروا به لوبول بندرانگلیس شکست عساکر  
دولتی از طایفه سبوسو کس که از وحشیها فدی می بینی دینامی باشند

### اسپانیا

موافق امان دنگارلس که بخارج فرار کرده بودند بحکم اعلمحضرت پادشاه با وطن خود بر میگردد تمام باغیهای جزیر کوبا  
مطمع و منفاد دولت شدند

### اتریش

ملاناث پرنس بزهارک صد اعظم المان و کنتاند راسی صد اعظم اتریش در شهر سالسبورگ

### المان

کرفتن اعلمحضرت امپراطور جتشی در موقع سال هفتماد داخل شدن ایشان بخیمت فتنه و سال هشتم عمر اعلمحضرت  
معظم پرنس بزهارک بواسطه علت مزاج و وقتا چندان کارنامه مجوی ملاقات اعلمحضرت امپراطور المان با اعلمحضرت  
امپراطور اتریش در شهر ایشل

### انگلیس

دوق سفرای چین بطندن کشتوی بحکم در مجلس پارلمان در مسائلی که راجع بعثمانی است الحاقی جهو و ترانس وال فرنی  
فریب بر آساید بمصرفات انگلیس در آن ناحیه سفایر جنگی انگلیس در پی بخلیج بزیکانزد یکی اسلام میکنند

### ایتالیا

پی نهم با چشمن سال پنجاهم سلطنت و حانی و جتشی خود را میکند  
بر نزل از بنکی دینای جنوبی  
بواسطه خشک سالی نیامدن باران در پالات شمال مردم ببلت فحطی مبتلا میشوند

### پرتغال

بطریق ایندولت در جنگ روس عثمانی

### چین

فوتبولی عهد در سن بیست و هشت سالگی

### روس

صدراعظم ایندولت پرنس کرچاکوف بدول المان و اتریش و فرانسه و ایتالیا پاداشتی میفرستد که دولت عثمانی  
بهمی وجه تکالیف دولت روس را در مسائلی که راجع بر فاهیت سبویان ان مملکت است قبول نموده و با این بجهت دولت  
روس در تهیه فتنون است آمدن اعلمحضرت امپراطور به کشتیو با نقاشی نواب لبعهد و سان دیدن فتنون و در آنجا  
اعلان جنگ کردن بعثمانی مشارک و افر عثمانی با تمام اجزای سفارت خود از بطر نسبت مملکت خود حرکت میکنند اعلمحضرت  
امپراطور با نواب ولبعهد بشخصه در عساکر روس که بجاک عثمانی و روس میکنند حاضر هستند

### مشراین

ایجاد راه آهن جدید و افتتاح آن با حضور پادشاه از اناکا بریک

### عثمانی

سرداری سلیمان پاشا بجای بخمار پاشا در هرز کوبن صفوت پاشا در مجلس و کلان از طرف سلطان اظهار میدارد که تکالیف  
مجلس کفر انش دول را که در اسلامبول منعقد شده بود چون ایشان و شوکت عثمانی خلی فاد می آید و اعلمحضرت سلطان  
قبول نکرد و در غنچه اند مجلس کلای دولت عثمانی تمام تکالیف مجلس کفر انش دول فرنگ دارد کردند رفتن مامورین دول  
که در مجلس کفر انش حاضر شده بودند از اسلامبول عزل نمیدادند پاشا از صدر نشین منصوب هم پاشا بجای انعقاد محاکمه  
ما بین پرنسستان و عثمانی سرداری کل سفایر جنگی عثمانی به پرنس پاشا نام که اصلا انگلیس است فتنون شد مشارک و افر  
با اتباع سفارت پرنس خود با بنده از اسلامبول خارج شدند در بیست چهار ماوریا مطابق ستر شنبه دم دبیع الثلث  
عساکر روس در پی بجرده عثمانی خود ندا با کت افلاقی بخدانی فتنون روس اجازه میدهند که از مملکت ارجو نموده  
جاک عثمانی بروند و والی افلاقی خدیان پرنس مشارک سرداری عساکر خود را قبول کرده بر ضد عثمانی بر میخیزد نصرت  
عساکر عثمانی تخم قلعه را از بنادر روس در هفدهم مطابق پنجشنبه سیم جادی الاولی شهر اردهان در روس منصرف شد  
شیخ الاسلام فتوحی از میده در چهارم زون مطابق دوشنبه بیست یکم جادی الاولی عساکر روس شهر فاروق  
محامه میکنند در بیست و نهم همان ماه عساکر روس از دوق و افریو عبور مینماید و عساکر روس در سمت اوپ به پرنس  
خاک عثمانی پیش نزال فتنون روس سرداری نزال کوزکوز از کوه بالخان عبور میکنند شهر بنکیلی بصره عساکر روس  
در می آید شکست از دست روس بدست عثمان پاشا سردار عثمانی محمد علی پاشا بجای عبدالکریم پاشا سپهسالار کل عثمان  
عثمانی در سمت اوپ پیش عثمان پاشا در یونان محصور شده در حمله اول عساکر روس بان نقطه ده هزار نفر فتنون در کشتن



مشو در شکسته بزغال کور کور در حوالی فانان لوق دو مید هده پیمان پاشاد و کلمه باروسها بجهت چنگ آوردن دره مشیکا  
دو هزار نفر بکشتن مید هده عساکر افلاق بغداد با عساکر روس متحد شده در محاصره بلو نا حیا مشغولند و سرداری این  
دسته فشنون یا پرنس شارل حاکم افلاق بغداد است لقب چا شرف روس برآمد در حمله دوم عساکر روس افلاق  
به بلو نا پشته از فراق عساکر روس کشته پیشو سنگت مختار پاشاد و لشکر خود را بقعه فارص انداختند در هجدهم  
نوامبر مطابق یکشنبه یازدهم ذی قعدة الحرام قلعه فارص تصرف فشنون روس را بد و عساکر روس بیست و نه از حرکت  
درد هم در سایر مطابوق و شنبه چهارم ذیحجه الحرام عثمان پاشا با فشنون ابواجی خود در بلو نا تسلیم عساکر روس مشو  
و در همان وقت پالتسریا با وجی عقده صالحه یاد و لشکر عثمان بقض عهد نموده با فشنون روس منفق مشو با وجو سر  
سخت و بر فنیاد عساکر روس از چند نقطه کوه با لخان عبور میکند

### فرانسه

دباست سبوی کردی مجلس وکلای ملت فوت نزال شان کانپن از سردارهای معروفه در سیم سنه امیر کرد و شنبه پیش  
و چهارم شعبان باشد سبوی پسر سبوی دولت همه وقت فرانسه فوت میکند

### مکزیک

دباست یاز نام در مکزیک

### هلند

فوجات عساکر دولته در این فوجت ملکه این مملکت در ناپستان

### یونان

با کمال عجله دولته در غنیه حاضر کردن فشنون است کارخانه جانش اسلحه سازی ایجاد مشو بیست هزار فشنون علاوه بر فشنون  
مغول حاضر میکنند و در نواب بعهد و لشکر کلینس بر این پای تخت یونان

شرح قایع سال و در و بر سلطنت نا جدر اعلم حضرت افند شاهنشاهی  
خسر و صاحبقران عزیز و دامر لکه مطابق سنه هزار و دویست و نود

و پنج هجری او دیل ترکی که تقریبا

بعد از دو ماه و نیم با شد

ملشود

کلید بود و لغی درین سال فرخنده فال از نوجوان کماله سیدکان اعلم حضرت افند شاهنشاهی صان الله تعالی ملکه عن الناهی زاید

با مقام سید سلطان  
محقق

ملکان فرین نظم و انتظام است حبس میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب اشرف و احد سپه سالار اعظم بوجیه کل فرین شایان  
گرفتند کتاب مستطاب منتخب شوی که بقلم مجری مرمیاریه انشا شده بطبع رسیده است کوه کوه کرمان و بلوچستان را با جاجی غلام  
خان شهاب الملک مفوض فرمودند بر نواح مشو و در حاج میرزا بابای حکیم شایع بصلت پنهانی نظام سرفراز شد شنبه ششم  
ربیع الاول بعد از شش ساعت با تیره دقیقه و دو تا نه از شب محاسبه پنج جدید فرنگی افنای الزمان از بهر حوض حجاز  
نموده سلام اص در عمارت حاج معتمد کردید و چون روز هفدهم فروردین بود معتمد حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین  
عید نوروز فرزند یابن روز فراد داد و در نالار تخت مرمر انعقاد پافشا داده و نزارشامور بنای دار الخلافه با هر و شای  
بمالک محمد سید بر عهد نواب الاعضا السلطنه و ذریه علوم و معادن موکول فرمودند حکمرانی بر وجود و کلیایکان و خوشنار  
ضمیمه حکمرانی صفهان نموده حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده و الاطل السلطان حکمران اصفهان امام الله امیر العالم العالی و  
فرمودند نواب و الاعیان میرزا کریم پسر سالار و عثمان مالک و عزادری بر میر میر بند عواطف و مراسم ملوکانه ایشان را با  
احضار فرموده و مشمول نفقات بلا نفایات نموده مبلغ شش هزار تومان وجه نقدان خوانه علمه بر سیم سبوی غالی و موافق  
خونوای عظم و بکفراد و پانصد تومان در حق نواب محمد میرزا و نوابشان مفرد و بر فراد فرمودند علاوه بر این موهبت نواب  
و الاعیان میرزا بلیغ جلیل الملك آرائی و حکومت خسته زنجان مباحی شدند نواب الامیرالدوله بهرام میرزا نوزاد عدلیه  
عظمی مفخر و منصور فرمودند حکمرانی ملا بر نوبکران و وفادار بر عهد کتاک نواب الامیرالدوله موکول داشتند جناب  
الله فلجانا لجان بکومت همدان منصور و مباحی کشت حاجی محمد و جیحان فاجار شامبانی را باست مجلس مظالم عامه کل مالک  
بر فراد آمد امیر و سید خان معیر الملک با عطای نشان شمال پیمان همایون سرفراز کردید بر نواح نوری و لایه پز ابراهیم  
بمنصب پنهان درجه سیم نایب الامیر حاجی میرزا علی بنی منشی باشی نظام بلیغ سبوی لشکری سرفراز آمد حاجی آغا جوهر خواجده  
بلیغ معتمد لکم مفخر آمد کل فراد و نواحهای دار الخلافه را بعهد کفایت امیرزاده و جیه الله بر نواب پشیمان خاصه خزان دار کل  
و جوی نظام و لکار فرمودند نایب فارسای اجودان مخصوص حضور همایون و خازن و جوی صبار لکه با عطای بکف قطع نشان  
از درجه اول شیری و نایب سبوی مفخر آمد اصفهان رخان سربل بکف قطع نشان شیری و خورشید و بکر شده حاجی با حضور  
آن مباحی آمد

از قایع عمده این سال خبر مال مسافرت سیدکان اعلم حضرت افند شاهنشاهی که شرح آن در سفرنامه  
مرفوعه بقلم مجری مرمیاریه مستطاب و مشهور شده و انطباع با اعتبار است ما محض نیمین این کتاب خلاصه آنرا  
زیوایان در لاق فراد و سبوی مفخر اظهار مبداریم که چون معصوم و خیال حقایق شمال خسران ازین سفر خیرتر است  
دقائق نکات عمده علوم و فنون و صنایع و بدایع اظلم او و پاسبان سفر مبارک را بدون سمت و سبب فراد دادند



و تعظیم آن سلاطین و روز را در بکان دول و دوسای ملک مانع بنام فصد علی مطلب منظورم نگردد

شرح سفر خیراترا اعظم همایون فیروزکشنا

چون موکب سعید مقدس عزت پناه خیراترا فرمود بنام مخصوص و جو موکب سعید شاهانه داد در مدت عبودت آن ملکوت  
 صفات اقدس حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده انجم والا نایب السلطنه العلیه امیر کبیر ادام الله ابوالعالی ففوز فرمودند  
 و جناب اجل آقای مستوفی الممالک داد در کلیه کارهای کشوری مشارک دای و جناب آن حضرت شرف معظم فرمودند و جناب  
 معتمد الملک دوزخ مخصوص نیز از جانب جناب شرف اعظم همایون معتمد مشغول رسیدگی بکار لشکری نظامی و امور  
 و دارالخوارجه کردید و بعد از وضع این ترتیبات در پنجشنبه سلخ ربیع الاول که پانزده روز از عید نوروز گذشته بود  
 موکب همایون از دارالخوارجه با همراه شاهزاده فرمودی و شرف همایون در حسین آباد حاجی سلیمان خان شدند جمعه غره ربیع الثانی فرمود  
 کعبه و شنبه دویم بیست و یکم بگذشتیم بکازان سنک و دو شنبه چهارم بظاهر فرمودین در هزار جوین زول اجلال فرمود  
 در پنجشنبه و ششم در اینجا اطراف شد و بعد از ظهر روز ششم شهر تبریز بمقدم مبارک نرسید که در روز هفتم نیز به پادشاه  
 که آنرا خاک فرودین است ضرب خیم کرد و در آنجا آمد جمعه هشتم بقصد بهر شهر تبریز فرستادند تمام در اینجا اطراف شد  
 در آنجا باین قلعه خالصه که بنام اصطبل خوانند است فرمودند و در آنجا فرمودند و در آنجا ملک حکمران کلان بستان  
 مثال همایون مغز آمد روز پانزدهم تسلط این زول اجلال فرمودند شرح جزای سلطانه در آنجا انشاء الله باید  
 دو روز هم ظاهر شهر بستان مغز بیخام معالی کردید سیزدهم نیز در اینجا اقامت شد و در چهاردهم نیز به تبریز فرمود  
 که در پند پانزدهم نیز به تبریز و در آنجا ملک نظر الملک شرف و در آنجا رسیدند و در آنجا رسیدند و در آنجا رسیدند  
 و شقایق است و بجهت هم میباید مغز اورد و یکوان شکوه کردید بدین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده و الا ولعهد و  
 علیه بران صاحب اختیار و حکمران ملک آذربایجان و جناب صاحب جوان و وزیر نظام و پیشکار آذربایجان و صدر  
 الدوله و علای جناب حضرت معظم حکمای مبارک شرف شدند و در آنجا فرمودند فرمودند فرمودند فرمودند فرمودند  
 معالی کردید بیستم نیز بکان جای بیست و یکم نیز بکان زول اجلال فرمودند بیست و دوم نیز بکان زول اجلال فرمودند بیست و  
 فرمودند حاجی اقامت نگاه موکب مقدس بنام و اعیان نیز بکان با استقبال آمده بودند در اینجا حضور مبارک نشین شدند  
 بیست و چهارم بمنزل باسج نیز به تبریز فرمودند و در شنبه بیست و پنجم شهر تبریز بود و در آنجا حضور مبارک نشین شدند  
 زول اجلال فرمودند ما موکب مقدس بنام و اعیان نیز بکان با استقبال کرده و حکم همایون اعظم  
 شاهنشاه ادام ملک سلیمان کردید نیز آن روز و در مسعود سلام هم منعقد کردید و نواب و الاحسن علی بن خلفان و جمیع حضرت  
 مستطاب اجل اعظم و ولعهد و علی ادام الله ابوالعالی که این روز حضور و مهر ظهور مبارک نشین شدند از استقبال

استان اعلی مستعد و معاصر آمد بیست و ششم جناب خیراترا سبغ کبیر سقانی که از راه حلبت دیار بکر و وان نیز آمده  
 و در روز بیست و نهم شهر سعید و محضو با همراهان و مقدس مشرف کردید و در آنجا بیست و هشتم را و صرف نهار و بعد از صرف  
 اجل اعظم و ولعهد ادام الله ابوالعالی که در شهر است نیز به تبریز فرمودند و از آنجا بدو اقامت نمودند حضرت نایب السلطنه  
 مغفور و عین بنی طالب الله زاه شرف و در آنجا فرمودند و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 سید پیر محمد حاجی میرزا جبار و اهل بیت بیکای مبارک مشرف کردند و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 خوی و در آنجا حضور و مهر ظهور مقدس نشین شدند و علی نیز به تبریز فرمودند و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 فرمودند و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 روز دوم بکلین بکان و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 خانم حفیظان شد بر این منجکوف که از جانب دولت و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 ایستاده بودند بر این منجکوف که از جانب دولت و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 ابروان رسلا و لطف و صاحب منصب کلشون ابروان بر این منجکوف که از جانب دولت و در آنجا بیست و نهم  
 مشغول کردید حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده انجم والا ولعهد و ولعهد و ولعهد و ولعهد و ولعهد و ولعهد  
 مرضی شد بجان خود معاودت فرمودند و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 مخوان بمقدم مبارک نرسید که در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم

اسامی طایفه نیکوکاران اعلی در سفر فرزندکشنا از فرار در پادشاهت

- (جناب خیراترا اعظم) (جناب عبدالملک) (جناب امیر الملک) (جناب امین السلطان) (دکتر طولوزان حکیم بختی مخصوص)
- (اعلی حضرت همایون) (حکیم الممالک) (مهدی علیخان پیشین معتمد بر تبریز) (آقا رضا الجودان مخصوص و خازن مرصع همایون)
- (محمد علیخان امین السلطنه) (امیرزاده سلطان حسین میرزا) (خلایق حسین زیندارباشی) (محمد سخان محقق) (فرخ خان شایخ)
- (خاصتر تبریز) (جعفر علیخان غلام مجیدباشی) (آقا رضای ناظم خلوت) (آقا محمد علی ابدارباشی) (آقا میرزا محمد) (حاجی حسن ابدار)
- (حاجی علی) (سید مؤلف نیز شرف التوام) (کابو مبارک شرف از تبریز)

پنجشنبه ششم با شرف و شایسته که یکی از دهات حال شرف در ابران است نیز نگاه اورد و همایون شد جمعه هفتم غایت ابروان فرمودند  
 حال آنکه شهر و سرکرده شرف و ساکنان و ابروان نیز بکان کاملان موکب معالی فرمودند و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 و در این روز بیاید مسجد جامع ابروان و بعضی مواضع دیگر و اوج کلیسا نیز به تبریز فرمودند و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم  
 صلح و نصیحت نظامی و حکم همایون ابروان عمل نمودند و در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم در آنجا بیست و نهم

ناظر الهمام



از پیشم عازم ولجیان کردیدند دو شنبه هم آن کتبت منزه که موکب هاپون شدی که کارین جا که فلی شهر نعلیس که با استقبال  
 آمده بود روز درین راه بر کاب اعلی پوینت سه شنبه بزم غریب نعلیس نمودند درین راه جناب امیر المملکت که چند اقبل  
 مامور فرنگستان شده بود با فستق <sup>زیر</sup> ابران مقیم نعلیس بنعلیل و کاب اعلی فایز کردیدند در کنار شهر هر راه فرزند انداخته و طاق  
 نرفتنه بودند و شرفیات زیاد در روز مسعود شاهانه بشهر نعلیس بجای آوردند بر این سرسکی با جانشین جمیع صاحبان  
 نظامی و فلی ففازاد در حضور باهر النور اقدس معز کردید و نوا یکراند و کب پیش جانشین ثقفان از اینجا بودند و کب و پسر  
 ایشان که در پیشم توفیق داشتند بحضور مظهر مقدس شرف جسد شب چراغان و انباشاد و خوبی شد کار گذاران  
 دولت روس نمایندگی ادی با بعل می آوردند و از دم در نعلیس اقامت شد و از شاهزادگان پیش جانشین باز بدین  
 و عوزه و بعضی جاهای دیگر نعلیس با سیاحت نمودند و امشب نیز چراغانی بود و روز پنجم بعد از آنکه بشاهزادگان پسرها  
 جانشین نشان و جابل ابران عطا فرمودند و سایر اعیان و صاحبان صفا را نیز بقدر شرف و کرامت ملوکانه داشتند از  
 نعلیس انشاهن فرموده منزل حلیت شرف فرما کردیدند روز چهارم شرفیغهای شهر کاد ففاز شده از وسط شهر  
 با کاسکه کشندم کار پیاده کردیدند فوجی با موزیکان صفا کشیده حاکم و صاحب منصبیاد و جمعی پادای از زن و مرد  
 فرنگی و روسی و غیره سر راه ایستاده بودند نظرا از بر عظام ابران مقیم پارسیم از پارسی آمده بحضور مبارک مشرف شدند  
 داخل کاسکه بخار شده ناشن ساعت از شب که شرف و این محل توفیق شد آنکه کاسکه راه افتاد و ناسه شبان روز کاسکه  
 پیرن بنامه منصل در حرکت بودند روز دو شنبه هفتم جمادی الاولی و ساعت پنجم بزوی مانده بشهر مسکو و روز فرمودند  
 در این روز قاضی و وزیرم حاصل اعلی حضرت امیر طور که از پیر مامور شده بود و میرزا ملک خان ناظم المملکت با مقیم لندن  
 بحضور هاپون شرف شدند در روز یکار پرنس الفور که حاکم مسکو با هر صاحب منصبی و خیرالها با استقبال آمده بود در کاه  
 هاپون در مسکو مقیم ملین است شنبه هفتم در مسکو اقامت شد و بیازد و به عوزه این شهر و بعضی اماکن دیگر که شرف  
 فرود هم تا غریب و مسکو توفیق فرموده بعد از صرف شام براه آهن شرفیغ فرما شده عازم پیرن بویع کردیدند و در این  
 بشهر پیرن بویع فرود آمدند لباس روسی و کلاه نشان دولت روس را به پیکر مبارک آورده و دستها سپردن آوی که بااری  
 لو بان بود کاسکه ایستاده مامورین اداره شرفیغ و زارت خارج بحضور مظهر مبارک شرف جسد چون بکار و روز  
 فرمودند اعلی حضرت امیر طور با لباس روسی نشان ابران و همه شاهزادگان خانواد سلطنت و جمیع صاحب منصبان با نشانهای پیران  
 ناکام با استقبال آمده بودند و این بعد از اقدام و انجام رسم عودت و محالفت اعلی حضرت امیر طور و اتمام شاهزادگان خانواد  
 خود شاهزادگان معز کردیدند آنکه با اعلی حضرت شاهنشاهی در این در شکر میرازی نشسته عیادت مسافران این اوج که منزل  
 اعلی حضرت هاپون شرف و روز فرمودند و زیاده از آنچه بنصوب اید اعلی حضرت امیر طور امیر اعیان خوارم و شرفیغان و پیرانی که

میرزا محمد خان

هاپون تا فرام آورده اند جمع بیست یکم در پیر اقامت شد میرزا ملک خان ناظم المملکت بر حسب ماموریتیکه داشت از مسکو  
 روانه برین شد درین روز از اعلی حضرت امیر طور و نوابان برادران اعلی حضرت معظم بازد بد فرمودند شام را امشب مخصوصا  
 در منزل اعلی حضرت امیر طور موعود بودند شنبه بیست و دوم در میدان شان دو مادر سان بسپنا خوبی از فستق منوقف  
 در پیرن بویع داده شد و درین سان جمیع فرمان را خود اعلی حضرت امیر طور میدادند امشب نیز در منزل مخصوص اعلی حضرت  
 امیر طور بشام رسمی دعوت شدند بکشنه بیست و سوم بکروج کلدان چینی بسپنا ممتاز اعلی حضرت امیر طور برای اعلی حضرت  
 هاپون فرستادند سبب نیز در دو خانه نوابت لجهده و کت روس بشام رسمی همان بودند و در این شب نشان مثال امینا  
 هاپون مکلن با لباس برای نواب کراند و کت الکی اهدی فرمودند و شنبه بیست و چهارم شرفیغهای پیرن شرف شدند با کاسکه  
 بخار سربع ساعت راه است شرح صفا پیرن روز و سفر سابق فرنگستان مسطور است و زیست نیم بعد از آنکه اعلی حضرت  
 امیر طور و جمیع نوابان خانواد امیر طور و اظهاری محالفت های کامله از جانبین با کاسکه بخار غریب در شام فرمودند  
 روز بیست و هفتم یک ساعت پنجم بفرمودند و وارد شهر شدند منزل اعلی حضرت هاپون در پیشم حضرت کازنک است حاکم  
 صاحب منصفان توفیق این بلد و اعیان و دینداران و کتب اعلی کمال اهتمام با بعل آوردند شب چهار شنبه بیست و هشتم بخشنه  
 بیست و هفتم در و شام اقامت شد و عوزه و سپرک و بعضی مواضع دیگر این شهر را نما شام فرمودند جمع بیست و هشتم  
 عازم برین شدند و شب یکشنبه صلح جمادی الاولی وارد برین کردیدند شرفیغان کامله از مقدم مبارک بعل آمد و روز صلح  
 اعلی حضرت امیر طور یکموم بدیدن اعلی حضرت هاپون آمدند و اظهار محالفت و وداد کامل از جانبین منزل اعلی حضرت هاپون  
 همان عیادت و ولایت است که در سفر سابق فرنگستان در آن منزل داشتند خلاصه بعد از نیم ساعت اعلی حضرت هاپون بیازید  
 اعلی حضرت امیر طور شرفیغ پیرن در عصر این روز در حالیکه اعلی حضرت امیر طور برای کت شرفیغ از شام در کاسکه و بازی نشسته کت  
 میکردند شخصی کت شادان بنشینک نام از خاندان معروف از طبفه موسوی بسپنا ایست مکررات با فتنی که با چهار پار  
 پر کرده بود و بر پیرن اعلی حضرت معظم خالی نموده چون کلاه خود بسپنا شد سر ایشان محفوظ مانده ولی حوالی شان در کت  
 ایشان مجروح کردید و این ساعت فریاد مابین اعلی حضرت هاپون و جمیع ناسر کردید سه هفته پیش از اینهم بکفر اطمینان  
 مذکور طراخی شرف اولی با اعلی حضرت امیر طور انا خذ اما آسپس با ایشان فرساده شین غریب جمادی الثانیه دو ساعت غریب  
 مانده بعزم دادن باد شاهان فرمودند و روز پنجم با پیشم وارد کردیدند روز پنجم بنباشای بعضی قضایا و آبادیها  
 آن نواحی گذشت روز چهارم و پنجم در همین ساعت شبکاد و تفریح مشغول بودند روز ششم نیز بیازد بدعا کت همین  
 نواحی گذشت و روز یکشنبه هفتم یک ساعت بطهر مانده با کاسکه بخار عازم پارسی شدند و درین راه شهر استراحت بویع  
 را قماش بازد بد فرمودند و شنبه هشتم صبح بسپنا زد و وارد دار المملکت پارسی کردیدند در کت اندوه و غم

مخانه



بزرگ منازل و اطافای خوب برای اعلحضرت هاپون و ملتر مین کابا علی اجاره و معین شده بود هر بادشاهان که  
 بیار پس می آیند در همین ماهخانه منزل می کنند و جابار سال ما کاهون و ملتر مین کابا علی اعلحضرت هاپون آمد بعد از آن  
 بیازد با کسپو پسون شریف فرما شد که روز دوم و فرد مسعودی بعبارت الهیه سازد بدجناب مارشال ما کاهون رفتند  
 بعد سما با کسپو پسون شریف و دو نجیبند و هم جا را که در شرف باز دیند فرموده از جمله بنای که حکم هاپون بسبب ایران در  
 نهایت خوب ساخته اند ملاحظه نظر انورا فندس کردید و امنه منازا ایران را که در با عتبارت مبر من ملاحظه کند و ملاحظه  
 فرمودند با کسپو پسون شریف و کسپو پسون روزی به یونان شومون که تفریح گاه بسیار خوب است و زی بر آن گن  
 که قصبه زهر کبکست شریف فرما کرد بدیند از سواحل این پام آنکه پادشاه سابق هاپون که مملکت از اول سال  
 شریف کرده و عموئی اعلحضرت پادشاه انگلستان است مدتی در پاریس بوده و غفلت و غافتمی نماید  
 روز شنبه سیزدهم نواد به بعد ده لنگل کس از اعلحضرت هاپون دیدن نمود مسپو پسون و در مختار فرانس که بعضی  
 طهران بود و قبل از موکبا علی بیار پس آمده امر و حضور مبارک شریف و نجیب بعضی دیگر نیز شرفیاب شدند آنکه موکبا  
 هاپون بیازد بدین بعضی اماکن پراحت روز چهاردهم در لنگلستان اسب وانی بود و اعلحضرت هاپون با جناب مارشال  
 بنامشای اسب وانی شریف فرما کرد دیدند روز پانزدهم از در کله داخل ماسپو پسون با کسپو پسون داخل شد  
 ماسپو پسون فرانس انگلیس و روس بزرگ و غیره را باز دیدند شریف برای شام همان جناب مارشال ما کاهون  
 بودند و شام شام هم بقلعه موند و الوین و حیره خانه پونو شریف بر دند بگره دیند و لوستان بود بولون سان قشون  
 بزنی که فریب نچاه فرار فر بودند در حضور مبارک داده شد یکشب در خانه و قصر باونی لیسکی که مال ملکه اسپانیا  
 موعودیشام بودند روز جمعه نوزدهم عزیمت قونین بلو فرمودند شنبه بیستم بعد سه نوحانه شریف بر دند بعد  
 بنامشای عارت ندیم و الوین پراختند بگره دهم باغ وحش با بود بدین فرمودند روزی بنامشای هونل دیو که در نضای کبکست  
 شریف فرما شدند و از آنجا بد رس کور هار فشد روزی به رسن در من که باره اهن کفر از یکساعت باه است شریف  
 بر دند روزی به رسن در من و وقت بسفان خانه ایران و دور ما گان و و لوورد که چندین طبقه و چندین دالان است  
 و هزاران بیج و خم و اطافها و نالارها دارد که هر پرازمق و اجناس است شریف فرما شد و چون روز او راه رفت  
 شد و عید عید با الاباع و انسهاد در رسید و اسب جین و عیش و چراغان و انشیان می فرام آمد بشی که چراغان و انشیان  
 بود با جناب مارشال ما کاهون بالای آرد که در نوبت که وسط شهر است از بالای آن همه شهر و چراغان و انشیان بها  
 اطراف شهر مردم پیدا شدند شریف بر دند و عید و شنبه بیست نهم جاده و انشای شریف فرمای الهیه شد جناب مارشال  
 را و دل فرمودند بعد از آن با کسپو پسون توجه فرموده فدری کردی که در روز شنبه عزه و حیان بار پس با الهیه و انشای

عازم ایران شدند و مارشال ما کاهون و اعظم آن مملکت موکبا علی را بدر فر کردند و وقت شب از استرازا بون فرغ  
 فردا عصر شهر سال سون و روز فرمودند نوایا انشای کبار را اعلحضرت شامیر اطوار شریف که از جانب اعلحضرت شامیر اطوار با سبب  
 آمده بودند و اینچنین مبارک شریف شریف کمال از فرمودم بچند روزم مقدس بجل آمد روز سیم در اینجا نوبت شد است  
 در عازم پلازه خارج از شهر همان نوایا شریف و کسپو پسون روز جمعه چهارم عزیمت و بنه فرمودند و چون بکار و بنه رسیدند  
 اعلحضرت شامیر اطوار با کال خصوصیت مبرک و مودت دست دادند و بعد از تقدیم رشوه و شرفیاب با اعلحضرت شامیر اطوار در کال  
 روز بیانی شنبه عازم و الوین مویس و نیالده بود و شریف فرما شدند منزل اعلحضرت شامیر اطوار هم در همین عازم بعد از دفعه اعلحضرت  
 هاپون بیازد بدین اعلحضرت شامیر اطوار شریف بر دند روز نهم بقاشای همین عازم از خزانه و عوزده و غیره گذشت شام  
 اعلحضرت شامیر اطوار بود هر شاهزادگان و وزیرکان و وزرای اندولت و ملتر مین کابا علی سر شام حاضر بودند روز نهم  
 از وزرای مختار و وزیرکان و بنه حضور مبرک و مشرف شدند روز هشتم حیره خانه و نوحانه شریف شریف بر دند شریف  
 در قصر شونرون همان اعلحضرت شامیر اطوار بودند روز نهم باره اهن بقصر کاسا موعود شریف فرما شدند و در آن وقت  
 که شرف فرمودند روز دهم با کسپو پسون در خانه داووب شغول کرد شرف شدند و نهار هم در کشتی خورد شد روز پانزدهم  
 بسپاحت کالرف انشای فرمودند روز دهم اعلحضرت شامیر اطوار و داووع فرمودند بعد بقصر شونرون شریف فرما کردند  
 باغ وحشی که درین قصر است ملاحظه نظر انور شاهانه کردید بعضی مواضع و ابنه دیگر نیز از لحاظ هاپون گذشت و دفعه  
 سیزدهم در حیره عید و لوود مسعودی حضرت شامیر المومنین علیه السلام است و بنه بطرف ایران حرکت فرمودند و اعلحضرت  
 امیر اطوار بمنزل اعلحضرت هاپون آمده بعد از فندی صحبت در حالیکه صاحب منصبان و وزیرکان دولت استو به حاضر بودند  
 با اعلحضرت شامیر اطوار در کال مسکند شسته بطرف شرف رفتند و در گار حله اعلحضرت شامیر اطوار و داووع کرده روانه شدند  
 فرما قبل از ظهر وارد مسجد و در شندناز آنجا گذشت چون بر روی بلوف که استاسپون و سها بود رسیدند صاحب منصبان  
 روس و اینچنین حاضر بودند و از آنجا با کال مسکند ها و نرس مخصوص اعلحضرت شامیر اطوار روس داخل کردند و از آنجا که پیش  
 ناخوش بود زوال اجودان مویس و کوشلوف بجای از جانب اعلحضرت شامیر اطوار و هماننداری موکبا علی ماموش شده بود و  
 خدمت پیشینتها سابق و غیره و مپلوین لیر و زینجک هم در اینجا حاضر بودند خلاصه روز پنجشنبه هفدهم در حیره  
 بود و دفعه شرف و داووانی داشتند قبل از روز بود و فقط زحمت علی مرزا اولد همین مبرک حضور مبارک شریف کردید  
 دو شب بود و دفعه شرف و شرف شرف کمال از چراغانی و غیره بجا آمد شنبه نوزدهم از ولاد دفعه شرف حرکت فرمودند  
 بیستم بگره نوایا بیست یکم از اینجا انشای فرموده با کال مسکند تا بندر بطرف فسنکی طی راه شد از اینجا در کشتی موسوم  
 بالکسند سزای پوچ و روز فرموده و در چهارشنبه بیست و نهم رجیانه را بمقدم فرخنده ششم مبارک فرستادند و این سفر

و کسپو پسون  
 و هم صاحب منصبان  
 دم کار بالطن رسمی  
 حاضر بودند اعلحضرت  
 هاپون با اعلحضرت  
 امیر اطوار  
 روز ششم بنامشای بعضی  
 و عکس و پرتوهای نمایشی  
 و غیره مشغول گردیدند



عین بر آنکه از طرف خیر از عیال اقبال بزرگ خردانه بجا و ناختم یافت و قدیم شهر شجاع العظم بدار الخلافه باهره و مقرر خلافت  
عظمی و اول احوال فرمودند و عوم اهالی بزار و جهان هم مثال مقدر سر بلند آمدند و سربدار الخلافه چو اغالی و جشن بود  
ممكن و طایع مملوک  
نعا و مرام مملوکانه  
بود و چند سال  
قبل از خلافتشان میرزا علیخان سرهنگ و رند نکر اخانه اذربایجان بمنصب نوبی سرافراز شد حاجی آغا جوهر مقصد الحرم بمنصب نوبی  
بی اجازه همایون  
باسلام بول فراد  
کرد بدعوضه  
خان آجودان باشی نو پیمان مبارکه بواجع نمود چون خط نکران عربستان کشید شد جناب بجز اوله و وزیر نکران  
استغفار بدربار  
با عطای بقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حایل سبز که مخصوص است مقرر فرمودند و حسن بقلی خان سرهنگ  
اطحرف شایسته  
عرض کرد معقول  
در پیش نکران اخانه و اوله جناب معزی الله بمنصب نوبی سیم و نشان و حایل آن مبارکه کرد بد روز پنجشنبه چهارم جماد  
ویدر با همایون  
الثانیه جناب خردی یک سقر کبیر عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه باشرا بطریق مشرفان معموله وارد دار الخلافه کرد بد  
احضار نمود  
عنايات خاصه شد  
امیرزاده و جبهه الله میرزا سرتیپ اول با عطای نشان نمثال همایون سرافراز کرد بد الله و بد پیمان سرتیپ اول نو پیمان با عطای  
و حق فراد بود  
نشان نمثال همایون معزز آمد موسی خان سرهنگ فوج سواد کوهی بمنصب نوبی سیم مبارکه کشت با فرخان سرهنگ  
تومان موجب  
اشاره فراد فرمودند  
اشاره فراد و مخصوص بمنصب نوبی سیم نایل شد اسمعیل خان سرهنگ فوج فرزند کوهی را بمنصب نوبی سیم سر بلند فرمودند  
و عطف ملک آوا  
هنکام اقامت و کب همایون در بطن بود بقطعه نشان سنت استانیس لاس از درجه دوم با ستاره و پلاک از جناب  
کرد بد حکومت  
دوس به بند مؤلف اعطاشد و قطعه نشان طغرای غرای نام مبارک مکلان بالماس که از بزرگان نشانهای  
ولايات همسایه  
نیز با و نفویض  
ایند و کجا و بد شوکت است مجابا شرفا مجد سپهسالار اعظم مرسته فرمودند و دستخط مبارک بشرح نیک شرف  
داشتند اینها  
از جمله مکران بود  
صد و بیست و یک  
از راه ناسپاسی  
جناب سپهسالار اعظم  
سفاقت فراد بطرف  
تفقاز نمود

تذیل

میرزا علیخان سرهنگ و رند نکر اخانه اذربایجان بمنصب نوبی سرافراز شد حاجی آغا جوهر مقصد الحرم بمنصب نوبی  
بی اجازه همایون  
باسلام بول فراد  
کرد بدعوضه  
خان آجودان باشی نو پیمان مبارکه بواجع نمود چون خط نکران عربستان کشید شد جناب بجز اوله و وزیر نکران  
استغفار بدربار  
با عطای بقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حایل سبز که مخصوص است مقرر فرمودند و حسن بقلی خان سرهنگ  
اطحرف شایسته  
عرض کرد معقول  
در پیش نکران اخانه و اوله جناب معزی الله بمنصب نوبی سیم و نشان و حایل آن مبارکه کرد بد روز پنجشنبه چهارم جماد  
ویدر با همایون  
الثانیه جناب خردی یک سقر کبیر عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه باشرا بطریق مشرفان معموله وارد دار الخلافه کرد بد  
احضار نمود  
عنايات خاصه شد  
امیرزاده و جبهه الله میرزا سرتیپ اول با عطای نشان نمثال همایون سرافراز کرد بد الله و بد پیمان سرتیپ اول نو پیمان با عطای  
و حق فراد بود  
نشان نمثال همایون معزز آمد موسی خان سرهنگ فوج سواد کوهی بمنصب نوبی سیم مبارکه کشت با فرخان سرهنگ  
تومان موجب  
اشاره فراد فرمودند  
اشاره فراد و مخصوص بمنصب نوبی سیم نایل شد اسمعیل خان سرهنگ فوج فرزند کوهی را بمنصب نوبی سیم سر بلند فرمودند  
و عطف ملک آوا  
هنکام اقامت و کب همایون در بطن بود بقطعه نشان سنت استانیس لاس از درجه دوم با ستاره و پلاک از جناب  
کرد بد حکومت  
دوس به بند مؤلف اعطاشد و قطعه نشان طغرای غرای نام مبارک مکلان بالماس که از بزرگان نشانهای  
ولايات همسایه  
نیز با و نفویض  
ایند و کجا و بد شوکت است مجابا شرفا مجد سپهسالار اعظم مرسته فرمودند و دستخط مبارک بشرح نیک شرف  
داشتند اینها  
از جمله مکران بود  
صد و بیست و یک  
از راه ناسپاسی  
جناب سپهسالار اعظم  
سفاقت فراد بطرف  
تفقاز نمود

سواد خط مبارک

احضار شخص شایع امان خدمت او با بطل و در باطن معنویه که بحسب صداقت و دولخواهی  
خود در تمام احصا کرده این ترا و از علام مخصوصه است که بالاخص ما به امتیاز آنجناب باشد و قطعه طغرای مکلان  
بالمس که باسم همایون ماست بی وضع آن در دو شان و نیز بهین لباس نیم رسمی خود را بان طغراها مرسته کردیم که این  
نشانه لطف عنایت امیرزاده و امتیاز و افتخار آنجناب بوده همیشه نوجوهات و اراستین بخود پاد آوری کند شهر  
رمضان المبارک بار س پیل ۱۲۹۵

میرزا علیخان پیشینت خاصه شرفیه نشان نمثال همایون سرافراز شد همایون سرهنگ و رند نکران اخانه اذربایجان بمنصب نوبی  
بی اجازه همایون  
باسلام بول فراد  
کرد بدعوضه  
خان آجودان باشی نو پیمان مبارکه بواجع نمود چون خط نکران عربستان کشید شد جناب بجز اوله و وزیر نکران  
استغفار بدربار  
با عطای بقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حایل سبز که مخصوص است مقرر فرمودند و حسن بقلی خان سرهنگ  
اطحرف شایسته  
عرض کرد معقول  
در پیش نکران اخانه و اوله جناب معزی الله بمنصب نوبی سیم و نشان و حایل آن مبارکه کرد بد روز پنجشنبه چهارم جماد  
ویدر با همایون  
الثانیه جناب خردی یک سقر کبیر عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه باشرا بطریق مشرفان معموله وارد دار الخلافه کرد بد  
احضار نمود  
عنايات خاصه شد  
امیرزاده و جبهه الله میرزا سرتیپ اول با عطای نشان نمثال همایون سرافراز کرد بد الله و بد پیمان سرتیپ اول نو پیمان با عطای  
و حق فراد بود  
نشان نمثال همایون معزز آمد موسی خان سرهنگ فوج سواد کوهی بمنصب نوبی سیم مبارکه کشت با فرخان سرهنگ  
تومان موجب  
اشاره فراد فرمودند  
اشاره فراد و مخصوص بمنصب نوبی سیم نایل شد اسمعیل خان سرهنگ فوج فرزند کوهی را بمنصب نوبی سیم سر بلند فرمودند  
و عطف ملک آوا  
هنکام اقامت و کب همایون در بطن بود بقطعه نشان سنت استانیس لاس از درجه دوم با ستاره و پلاک از جناب  
کرد بد حکومت  
دوس به بند مؤلف اعطاشد و قطعه نشان طغرای غرای نام مبارک مکلان بالماس که از بزرگان نشانهای  
ولايات همسایه  
نیز با و نفویض  
ایند و کجا و بد شوکت است مجابا شرفا مجد سپهسالار اعظم مرسته فرمودند و دستخط مبارک بشرح نیک شرف  
داشتند اینها  
از جمله مکران بود  
صد و بیست و یک  
از راه ناسپاسی  
جناب سپهسالار اعظم  
سفاقت فراد بطرف  
تفقاز نمود

مرسته فرمودند و دستخط مبارک در مشمول این عنایت شرفی و در یافت که عیال در نیکو بیاید

سواد خط مبارک

مقتضیات مقام شما و معقدات صادره و آنجناب زوار علامت رحمتی است که بالاخص ما را از وجود اقبال  
ما صادر شده باشد نشان قدر از ابداعات شخص همایون ما و احترام ان نالی احترامات علام خاصه سلطنته  
آنجناب با عطای بقطعه نشان خردی و مکلان بالماس مخصوصه میفرمایم که از الطاف خفیه ما آتی ظاهر و علافتی  
با هر بوده همانطور که شخص آنجناب بصدق و دولخواهی همایون است به نیکو این مرسته نیز فرین امتیاز باشد عده  
شوال بار س پیل ۱۲۹۵

عمارت سلطنتی که در پیلان شهر سنجان بختیاری و مرتین با همایون جناب امین السلطان بنا میاید نیز در تمام  
بافت است حضرت اجل اعظم شاهزاده والا نایب السلطنة علیه امیر کبر ادم الله انبائه العالی بقطعه شمشیر  
مکلان بالماس از شمشیرها خاصه سلطنته مبارکه کرد بد پیمان محمود مستوفی و وزیر دار الخلافه بلطف جناب سرافراز شد  
محمد حسینیان رئیس عیال حکومت دار الخلافه بنیشان سرتیپ از درجه سیم نایل آمد این اوقات زاده علیه همایون  
احضار نمود که شریفان سابقه ادارات و لغتی با تکمیل فرمایند و تکالیف هر چه مشغلا محدود باشد در چنین  
ترتیب نیاز و فوایدیکه همیشه مقصود خاطر خطرها بپوشش سپهسالارین و جبهه حاصل شود نو ایشرف والا امیر کبیر نایب  
السلطنة دولت علیه ادم الله انبائه العالی و جناب اجلا فای مستوفی الممالک و جناب ایشرف سپهسالار اعظم مجسود  
مهر ظهور خردانه احضار و بد بگونه خطاب فرمودند که نظام مهم مملکت اگر چه برافین و دولخواهی و زرا و کار  
گذران دولت خصوصاً ندارد لکن هنوز خاطر ما فایده و راضی نیست که معاذیر و بطی اقدامات شما اصلاحات فوریه  
امور را تا آخر کرده و منظور را بلند ما را بتمام انجام بیاورده است

چون نایب السلطنة را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی رجوع خدمات امتحان کرده ایم و می بینیم بفرش و دانش فطری  
چند بخت و دولت مایل است و در بینه شاهزادگی پایه وزارت هم داده و در بن خطا بیاشما شریک میکنیم و اداره  
امور مملکت چنانکه بود با چندین مرتبه استیلا و استقلال استیلا فو فیض میشود بشریط و حد و دیگر خواهم نوشتن شما  
سرفرا با جرای این تکالیف مامور و مستوفی فرار مبد هم باید و زرای مامور و مستوفی باشند باید در کارها بطرز و  
اسلوبی که فایده نشوند با پناز دستگاه و زرا اسباب فقر و حواس مقصد و سواس طسوخ شود کذا که در خصوص  
ما و سایر و وسایط مختلف نظام احکام و غرض از این است تمام نوجوانان از هر قیل و مرستم با مین الملک برسد و او  
مخصوصاً آورده عرض کند و جواب هر اداره را و بفرستد شوق العیال تکالیف شما را می نویسم و باید خود را بنام آنچه مین







رسیده احکام علی بن خنصر اجاب معری الیه بادار انا بلاغ خواهند کرد و جواب خواهند گرفت

اصول مطالب خلاصه مختصر است طرف از بد و نوحش و واید و نوحشانی را که شرح ان قابل ملاحظه و حاوی مطالب است  
است عیان نزد جناب امین الملک خواهند فرستاد  
جناب امین الملک در اجرای تکالیف از ان طرف فرین الشرفها بون مواظبت مخصوص دارد و باید همیشه انجام واجبات  
اوامر علی بن تکالیف هر باره را مطالبه کند

باید وزرای مسئول خود را کفایت واحد فرض کرده در بیک و دیگر کارها و شریک و سهم بدانند و در واقع امور را برای احد  
از ایشان مشکل و در وقت دیگر با او امداد کرده تا ان جزو کار با صلاح بنیاد آید نگیرد  
همچو مفسد تمام در تتر این وزیر خواهد داشت اجابا ان اگر از احد روایت فتنه آفریند پسند علا و برده وضع نیکو بخت  
کنند و این رسم را یکی از میان بردارند

حد و کارها خود را همیشه ملاحظه کرده تکالیف فرفره را بهیچ نوع تخطی و تجاوز محفوظ خواهند داشت و دخالت کار  
تکلیف بیکدیگر را حرام خواهند داشت بالفرض اگر سهوا کاری متعلق با دارالتجاری دیگر جوع شده باشد مرتکب سلفت  
نمونه مسئله را بجای خود راجع نمایند

در مخارج و کاپات و سایر وجوهان فقط اسناد احکامی را محل اعتقاد اند که بصیحه امضای هایتو مشع است  
در آخر مهال حساب کاپات و وجوهی خود را بلا عذر در دفتر بکند دانند  
با مال هر کار و مبادی خرج کند خدا و بلوکا بشمار آید باشند و از رفتار آنها روزنامه صحیح داشته باشند که بلدی از  
رعایا و وزیرستان نقدی نشود

اوامر و احکام دولت را فوری اجرا بکنند یا در اشک نظمی و فساد را بنا خیر بکنند  
معنی اداره و مفضو از این نیز بدی فقط مال دیوانست نکاه در حکام و منع تعدا آنها بر عین ایجاد فواین و قواعد جدید  
که منضم آبادی و کاپات باشد و حفظ رعیت انشاء صنایع و رواج تجارت و انکشاف معادن و ساختن راهها و پلها  
و نگاهداری بنیبه و عمارات گذاشتن نظم در سکه مردم از مال و جان خود ایمن و ناموس خلق محفوظ باشند نظم طرف  
شوارع نادیده قع اشرا و تشریفات خرج بجمع برای دولت زیاده کردن منافع مملکت که در مخارج بهیچ وجه ایصال  
حقوق مردم رساندن حقوق خزانة دولت برقرار کردن دیوانخانه ها مظالم در شهر که بکمال استقلال و بی غرضی  
مظلومین آن ناحیه رسیدگی شود فرستادن اطباء حاذقین بهر جا و تشکیل مجالس حفظ صحی و تکمیل و تفسیح دیوانخانه ها

در شهر آبادی و رسیدن روزنامه جات صحیح مجلس حافظ الصحه طهران اهتمام زیاد در اجرای قانون المله کوی خود  
میان طوایف محرابین هم این رسم ترک نشود رعایت نظیفات شهرها و آبادیها بطوریکه در هیچ جا اسباب فساد هوا  
جمع نشود

معنی مسئولیت اینست که مکرر در ضمن قرارداد های دولت لفظ مسئولیت گفته شده است چون معنی و تفسیر این است  
نظر سهل ملاحظه کرده همیشه از منظور نداشته اند در وقوع خلاف تعهد جمع حدت و مدبر امر مسئول است این  
معنی که قصور غیرت و عدم کفایت خود را ظاهر کرده وقت دولت را ضایع و کار مملکت را معطل نموده است یا زای این تفسیر  
مورد پیش و مواخذة کرده اند ان تمام اعتبارات و امتیازات محروم خواهند شد

بعد از فرات شرح مزبور ناظم خلوت وارد مجلس شده و دستخط های مبارک را که بعنوان وزیرای تخته صادر شده بود  
ابلاغ نمود و بزبان آنها که خلاصه شواکمل و منضم حد و تکلیفات هر یک بود افتخار حاصل نمودند در مقام مجلس  
جناب امین الملک دشمنانه که ما بین دولت منظره برای منصفان تمام خطره دولتی رسم است ایشان تکلیف نموده بر  
و درستی قبول حدمات محوله و حفظ مفرده را سوگند یاد کردند

صوت دشمنانه که بمهر وزیرای مسئول در دفتر مخصوص هایتو ضبط است بشرحی است که در ذیل ابرار پیش  
خداوند عالم منقسم را بعد از خود شاهد خواسته نتایج و بخشها بون و خوشنماید و لذت و زلفرون و منم باد میکم که  
و تمت غرض و خیال خود را بچیز خواهم شاهنشاه و صلاح دولت و مملکت و آسایش و امنیت رعیت منحصر کرده جز این  
چنانی بخاطر خوراه ندم از طمع غرض شخصی کتب پرهن بنام و اگر غیر از این عهد و شرط از من صادر شود در پیش خدا و خلق  
شومند و در حضور شاهنشاه معافیت مواخذ باشم

ضد



صورت خضر اجل اعظم شاهنشاهزاده معظمنا پي السلطنة العلية بکبر اهل الله اقباله العالی

وزارت کربند

در موقعه مخاطب خطیب



چون بعضی از تالیفات بنده مؤلف دربار پسر بطل العجائب سپهوشتر منیر جم باشی دولت جمهوری فرانسه و رئیس مدرسه السنه  
شهره و سایر علما و دانشمندان خیر و بصیران مملکت که وقوفی کامل و مهارتی نام نیربان فارسی و عربی دارند رسید  
ذابها لوصف نمید نمودند و جناب امیر لار و نسبه نوری رئیس مجلس خیر انجمنی فرانسه بنده را جزو اجراء آن مجلس  
شرف جناب سپهباد و وزیر علوم و صنایع و معادن دولت فخر پسر این اظهار بر حال دولت جمهوری فرانسه از منیر جم  
العلوم که بالا ترین مقام و نشان فضل و دانش است با فرمان مخصوص آن از طرف وزارت علوم دولت جمهوری  
فرانسه برای این بنده اخصان داشتند و از خاکهای همایون اجازه استعمال آن یافتند و کاغذی که جناب سپهوشتر درین  
موقع نوشته اند از فرار شرح ذیل است

سوار کاغذ جناب سپهوشتر

از پاریس تاریخ پانزدهم ژوئیه ۱۸۷۱ (جناب محمد حسن خان صنایع الدوله منشی و مترجم باشی مخصوصا علی حضرت فوئد شوکت شاهنشاهی  
ایران و رئیس دارالطباعة دارالترجمان مملکت محروسه)

آقای من رئیس شرفدارم که در سمانتان و فرمای که در تبر علوم و صنایع ادیان بجناب شما تاریخ اول ژوئیه امضی نموده است  
برای جنابک سال دارم و با کمال افتخار قبول این ماموریت که از طرف وزیر علوم دارم منتهای و مخصوصا بمن ماموریت داده اند که از  
طرف وزارت علوم از شما اظهار امتنان نمایم که در هر جا که شما کلمه بهین سبب کامی و اطلاع اهالی ایران که هم وطنان شما هستند  
است بر این علم و دانش علما و دانشمندان فرانسه و مخصوصا جناب وزیر علوم نمایان منان و در صوابت ان سواد اندک کتب  
مؤلفه خودتان را که راجع تسهیل تعلیم و تعلم زبان فرانسه غیره است صنایع و مشتم ساخته اید و ماها نیز کلمه در علوم و صنایع  
ممارست میکنیم امیدوار هستیم که در این راه دست بجاده مستقیم که جناب شما با این همه اهتمام و مراقبت پیش کرده اید و منیر جم  
افتخار و شرف و فایده است و سستی نکند و شایع افکار با کار خودتان را کاملاً اظهار ساخته بخاتم برسانید و این التماس  
بیایان برید که فواید آن نام و منافع آن عام است مخلص حقیقی شما رئیس مدرسه السنه شرفیه شتر

محمد علیخان امین السلطنه جامه در خاصه شرفیه و خازن مخزن ندارد کاتب عسکر ته بنصب صندوق و قنادی و خانه  
مبارک سرافراز شد

و قایع و صنایع عمدتاً که در این بنا است تمامه منیر جم باشی و افطار کرده ام منیر جم باشی  
انا لله و بهی که دنیا

بروز بزرد با نهایت شدت در بعضی ایالات انانوف

اسپانیا

عروسی علیختر پادشاه با پرنسز مرسله دختر دود که دمونت پانسیه که خاله زاده اعظم منیر جم بود شورش اهالی کوپا بر



این دولت رفع شده آنجیزه بکلی مطیع میشود فوت ملکه جدید زوجه اعلیحضرت پادشاه در بیست و هشتم ذی قعدة مطابق چها  
شنبه بیست و چهارم جمادی الاخری این ملکه که پناه وادی بود عرض کرده در فرار و هتتد و شتت سچی منولد  
شده بود جمعه بیست و هفتم شوال شتت جلک سازی چپاچه بطرف اعلیحضرت پادشاه خالی کرده ولی با پشان غور

### اطرش

گشتاند راسی و نیر اعظم اطریش بدول المان و انگلیس و فرانسه و ایتالیا اعلان رسمی میفرستد که ما مورین در مجلس کنگره  
که از برای فرار مسائل شریفه متعهد خواهد شد بوسیله پای نخت اطریش روانه دارند و دولت المان تکلیف میکند که محل  
انفقاد این مجلس درین باشد حصول عهدنامه در سان استفانو و این روس و عثمانی را گشتاند راسی قبول نمیکند  
و در عساکر اطریش بهر نکوپین و سیتی ایالات عثمانی مجبوره بضرع نمودن این دو پالت را رضی بودند اهالی در ششم  
رمضان اینسال عساکر اطریش شهر تبریز را در هر نکوپین و سیتی بضرع نمود و با بنوا اسطرد و لنت اطریش از تبریز  
کردن این دو پالت و جنگ با اهالی اسوه کرده بد سفارت کبری مسعود بشتت طرف دولت اطریش بفرانسه اشر کرفت  
موسویا سفنگس در محبط و تلف شدن پانصد نفر استقر اضرت و لنت معادل دوازده کرو و پاران بجهت خارج  
لازمه شتت متصرف نمودن عساکر اطریش شهر تبریز را که شوشپان هر نکوپین و سیتی در آنجا جمع بودند

### المان

در افتتاح مجلس پارلمان اعلیحضرت امیرطور شخصه خطبه خوانده و کوشش خود را در دفعات مصلحی پرین روس و عثمان  
و حفظ صلح در تمام دولت فرانک اظهار میدارند در شنبه هشتم جمادی الاولی اینسال در کویچه برلین مراسم میل اعلیحضرت  
امیرطور با صبه حق و الیه یاد در کالسکره و بازی از کردتت مراجهت میگردد هدیه ناموزنها چپاچه نسبت اعلیحضرت معظم  
خالی میکند ولی هیچکدام با پشان بختت کشتت جنکی زره دار بزنگ المان موسوی بکرتت کوشش در حوالی انگلیس  
بکشتت جنکی موسوی کینک و بلهلم بر خورده با سپه صفه فرعه که در آن کشتی بود ندغرف میشود در سلج جمادی الاولی  
بتر در کویچه نیل برلین هنگام رفتن اعلیحضرت امیرطور بکرتت ش و نیر فنک سمیت اعلیحضرت معظم خالی میشود و چند پارچه  
بیاز و و شانهای اعلیحضرت امیرطور میخورد صادر بکه موسوی بنگت است با طپاچه فصد هلاکت خورادار دلپکن  
زخم شد بکه با و نرسپلا و نیمید در دویم جمادی الثانیه بواسطه جراحات سختی که بید اعلیحضرت امیرطور رسیده زمام اختیار  
سلطنت موفتانبوات بعهد میدهند بازدم جمادی الاخری مجلس کنگره دولت برلین افتتاح شده و ما مورین دولت المان  
واطریش و فرانسه انگلیس و روس ایتالیا و عثمانی در مجلس جلوس کرده و در پانت مجلس پرین برلین بمرارک داده میشود  
شنبه دوازدهم رجبیا مورین و لعهدنامه برلین را امضا مینمایند اختتام مجلس کنگره پنجشنبه دهم ماه ذیحجه اعلیحضرت

را طووسلا از ملاقات و شهرهای آبهای معدنه که جدید در آنجاها سفر کرده بودند برلین را اجیت و در آنجا  
فصله مشغول رسید که با موسولت فوت در زیاد شاه هانورد در چهارشنبه دهم شهر جمادی الثانیه در پاریس

### افغانستان

بول نکردن امیر شیر علی خان امیر افغانان ما مورین انگلیس را در مار رمضان و قبول نمودن ما مورین و روس را  
که انتشار این خبر در لندن مدیاضطراب کردید رفتن امیر <sup>شیر علی</sup> خان از کابل بعینه کشتان و زمام اختیار  
بپرخود سرطاریعضو سخان دادن در دوازدهم ذیحجه

### انگلیس

ما بین ایندولت و دولت روس آتارکد ورت پیدا است و اغلب بلاد انگلیس اهالی با دولت موافق در جنگ باروس  
نیشند و در عساکر روس در حوالی اسلامبول اسید کال و خشت جبال دولت انگلیس در این جهت کشتت جنگی  
انگلیس از سمت ریای ایالات عثمانی در زبان وزارت خارجه بنهفته شتت انگلیس رضی نبود از خطبه که اعلیحضرت  
پادشاه انگلستان در افتتاح مجلس پارلمان میخواند و نوشجا بکه در سال پس بود که نازه بوزارتش موخارجه  
انگلیس منصوب شد چنین معلوم میشود که دولت انگلیس شیخو صبه رضی بفضول عهدنامه سان استفانو متعده ما مورین  
روم عثمانی نیست با کال شتت دولت انگلیس خسته جنگ می بیند استقر اضرت و لنت دوازدهم رجبیا مورین  
عساکر برتت عجمی و ذلی عثمانی اظهار کمال امتنان را از رعایت و حمایت انگلیس اند نامزد نمودن مواجب برلین  
اعلیحضرت پادشاه انگلستان فرس ما در گرتت صبه برتت در یک شارل بنی عم اعلیحضرت امیرطور المان را در مجلس کنگره برلین  
کت بولکنتت اظهار میدار که بنا بر عهدنامه سختی مخصوصی که ما بین دولت انگلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر  
انگلیس جزیره قبرس برین جزایر عثمانی را در صورتیکه در سال بود بعد از مراجعت این مجلس کنگره برلین بجهت زیادان  
نتایج این مجلس میکند بجهت اینکه عهدنامه سان استفانو را بهم زد مخصر نمودن دولت انگلیس عساکر بکه ناز جمع کرده بود  
کشتی موسوی برلین در چهارم رمضان با کشتی دیگر در رود طرس که از وسط شهر لندن میگذرد بر خورده کشتی  
پرس الیس در آن واحد غرق شده ششصد نفر مسافر هلاک میشوند احضار هفت هزار فشتون از هند و سنان ما مورین  
انگلیس در این راهها مساعده داده میشود فرشتان نهله پد نام از طرف فرانتزهای هند با امیر شیر علیخان امیر کابل را  
ذ بقعه هم در این راه مساعده اعلیم انگلیس بکه از مجالس خطبه میخواند و اظهار میکند که فرشتان عساکر هند و سنان  
بجهت افغانان بواسطه بعضی رفتار خصم نه امیر شیر علیخان نسبت با ایندولت واجب کرده بد پنجشنبه بیست و پنجم ذیحجه  
عساکر انگلیس از چند نقطه وارد بجالت افغانان شد و فرمای آن روز فلغره علی مسجد که در دهه زنکه خیرت

و خود دولت انگلیس  
کامله را از این جهت  
حدود و سنو  
میگرد



منصرف شد و فتح قلعه در سپهوار افغانستان به مدت نزل سرداران انگلیس در دو شنبه هفتم ذیحجه فوت کشت و وصل از معارف

### ایطالیها

فوت اعلیحضرت و پسر امانول دقیر پادشاه این مملکت در ماه محرم و جلوس همسر اول و ولد ارشدان پادشاه بیخست سلطنت ایطالیها فوت پنجم پاپ اعظم در چهارم شهر صفر انقضا مجلس کنکلا و یعنی شورای بزرگ کشتیان بجهت انتخاب پاپ تازه در پانزدهم صفر و انتخاب نمودن کشتیان کار پاپی را با پاپ در پاست کافولیکر و اودا ملب بلون سپردم نمودن صدراعظم و کپولی در مملکت ایطالیها در بیست یکم ذیحجه شخصی باستان نام در شهر باکار و حمله اعلیحضرت پادشاه کرده ولی با ایشان بنجورد اما کپولی صدراعظم که در صندلی جلوسا لسه کشتیسه بود و انش از آن منربن مخرج میگردد بعد ازین مقدمه در چند شهر از بلاد ایطالیها مردم شورش میکنند

### بلژیک

در شنبه بیستم شعبان اینسال اهالی بلژیک جشن سال بیست و نهمی اعلیحضرت پادشاه و علیاحضرت ملکه را گرفتند

### روس

دولت روس اعلان میکند که اگر کشتیهای جنگی انگلیس در حوالی سلابول بمانند و نیز شهر سلابول را تصرف میکنند طغیان ضعیفی از سفایر جنگی انگلیس بحوالی کالی پولی رفتند غرض محرم شهر صوفیا از ممالک اروپای عثمانی بنصرف عساکر روس درآمد برای شداید را که بلا نهایت بود فسون روس مد خود ساختن از نیکه سپیکای کوه بالخان که فتنه فسون عثمانی بواسطه برودت هوا خنجر کرده بودند گذشتند حاجت اعلیحضرت امیر اطور بعد از فوجات نمایان در حاکم عثمانی بطبریز بود و در عساکر روس شهر ادرنه بیست یکم صفر نواب کراندوک پنکلا سردار عساکر روس در فریه سان استیفان بنصرف سخی اسلامبول در دو شنبه بیست و نهم سابع الاول نواب کراندوک پنکلا بشهر اسلامبول رفت و با اعلیحضرت سلطان ملاقات نمایند و نزال اکتابیف که از طرف دولت روس امور بعضی کشکوها ما بین روس و اطراشین بونپرد شد و بپزل عضو مخرج میگردد معاودن نواب کراندوک پنکلا از خاک عثمانی و بچین نمودن نزال تلین داد بیست و نهم سابع الثاني <sup>یکتا</sup> فسون نمودن عساکر روس بندر و شهر باطوم داد و جمعه هفتم رمضان نصر فسون روس شهر عثمان بازار و نچوق و ارزنة الرهم را رفتن فسون روس از سان استیفان حوالی اسلامبول در شنبه هجدهم رمضان مخرج ساختن نزال تربیف حاکم شهر بطبریز بود و شخصی از طایفه نهبلیست در شانزدهم شعبان نزال تربیف زور و نیکل حلسه بخفی روس را

در یکی از کویچهای بطبریز بود و در روز و شنبه قبیل رسانیدند و قائل بخفی کرد پدسان دادن فسون در بطبریز بود با حضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران

### عثمانی

اصطرا با اهالی اسلامبول و عرضیه دادن با اعلیحضرت سلطان در انعقاد مصالحه فرار دادن بعضی از اصول مصالحه را در شهر ادرنه فوجات منکر و عساکر روس در نیش فوج شهر فلیپلی فسون اخلاف بغدادی و دین و انصرف میکرد انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استیفان در بیست و هشتم صفر و این عهد نامه منعی بر بیست و نه فصل است موقوف داشتن منصب صدارت در مملکت عثمانی سفاری عثمانی در لندن و وین و بدول انگلیس اطراشین و سما اطلاع میداد که اصول عهد نامه صلح بین عثمانی و روس مضمون شد سفایر جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر یونان لشکر انداخته دولت یونان را تهدید میکند که عساکر خود را که در خاک عثمانی مخفی نموده اند بطلبیدن بندر را بضرر بکلوله معدوم سازند جمیع دولت انعقاد مجلس کرده و بجهت حل مسائل شریفه قبول نمایند مکر دولت روس المان که در محل انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس در وین منعقد شود بچین خسارت جنگی که دولت عثمانی بر عهد کرده که فوج عهد نامه سان استیفان بدولت روس بدهد و هزار و هشتصد و بیست و یک و در مذاکرات ابالات بلغارستان و در چا و از مملکت روس و خود بخبری دانستند در سمت اسپانیا و صرب باطوم وارد هان را ملک طلق دولت روس میداند و شنبه هجدهم جمادی الاول جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطنت امیر را بجهت سلطنت جلوس داده اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان را خلع نمایند حتی جرأت نموده خواستند این فصد را بموقع اجری رسانند و فصدین که قرار شد مورد تظیفات سخت شدند مسلمانهای باغی و ملی در ظرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخن با عساکر روس نموده در اغلب فوج و نظیر با اغبان بودند و دولت بلغارستان که بوجه عهد نامه سان استیفان از خاک عثمانی مجری شده بود بایند دولت برکت و فرادیکر از برای عبور و مرور سفایر جمیع دولت آزاد شد و با این بدولت عثمانی مسترد شد و آنچه راه بخارت با ایران از او باز شد با بچین سخن در باب عالی ایجاد منصب صدارت نمودن مجاری با شخص شدی با شایا و بعد از شش روز عزل نمودن آن صدراعظم را و منصب نمودن صفوت با شایای

### فرانسه

افتتاح اسپینو بیست و نهمی صنایع با نسیفات زیاد در اول ماه در مطابق چهار شنبه بیست و نهم سابع الثاني در تمام ممالک فرانسه علی الخصوص در پاریدس و سوماه زون با اسم عهد و جشن جمعه و جشن بزرگی گرفتند و بیست و نهمی بخارشان نکران در فرانسه کلیه بیخ سانیم مقرر شد بکفرانک صد سالیم است در بیست و هشتم صفر دارا نکران و چیرخان را



دو فرانسس برکنی بوده در تحت وزارت مالیه فرار دادند شورش اهالی نول کالونی استرالی در دهم رجب سنه ولت  
فرانسس و کشتن جوان اهالی فرانسس بدان جزیره در بیست و نهم شوال درین جمعه فرانسس بمبودین و ارباب حرف و  
صنایع که اسفند از هر دولت با کسب و بسپو آورده اند نشان و مدال میدهد سفارت کبرای سپو فو درین طرف  
دولت فرانسس با نام اسلامبول انتخاب کلای ملت در دولت فرانسس مساعد وضع جمهوک بود اغلب کلای ملت  
جمهوک طلبند سلطنت طلب

### هلاند

مراجهت و بعهده این دولت با یکی از شاهزاده خانهای پروس

### یونان

با عنای ایالت مقدونیه که بر ضد عثمانی هستند پیلر بیعت یونان دارند دولت یونان بدولت عثمانی اطلاع  
میدهد که الحاق عساکر خود را با ایالات پروس تسالی مقدونیه

من ایالات عثمانی خواهد

فهرست

صورت زهره عهدنامه منعقد در مجلس کنگره برلین که در این کتاب ببارک ثبت و بیچ شده است  
ببینماید و نقطه حرج و تعدیل و کسر و تکثیر از روی دفتر شماره بیست نه از روزنامه موسس باختر منطبه دار  
الخلافة اسلامبول نقل و استنساخ شده است مسئولینک و بلنرجه و غت همین عبارات و اصطلاحات باج  
بهمان جریده است نیز نگارنده این کتاب ببارک

### عهدنامه برلین

روزنامه این هفت خلاصه عهدنامه برلین را از وی اخبار نامه ها و این ترجمه نقل کرده بودند ولی ناقص و مجزا  
غیر معین بود برین اخبار نامه معین (دفت) اصل عهدنامه را از دفتر نسخی که از جانب رخصت هاد ولت علی عثمانیه  
امضا شده است نقل کرده ما هم چون او را معتقد میدانیم ترجمه اش را ختم  
اعلیحضرت شوکت ماب سلطانی و اعلیحضرت امیر انور المان و اعلیحضرت امیر انور و ستر با و جناب رئیس الجمهوی فرانسس  
و علیحضرت ملکه انگلستان و امیر آتریس هندستان و اعلیحضرت پادشاه ایتالی و اعلیحضرت امیر انور در بملاحظه نگاهما  
انظام وضع اروپا و وفق احکام عهدنامه پاریس مورخ ۳ مارس ۱۸۵۲ خواسته طالبی بلکه اوضاع ساکها پیش  
و از عهدنامه اولیه با استفا نوس از جنگ ختام یافته حاصل شده بود انجام و فراری بدهند و انعقاد کونکره و برای آسان

کردن این مهم بهترین وسیله دانسته متفق الرای شدند  
بنابر این اعلیحضرت پادشاهان مشارالیه هم در رئیس الجمهوی فرانسس رخصت هاد ولت علی عثمانیه  
شوکت ماب سلطانی انگلستان در دفتر نووری پادشاه و زرفوائد و محمد علی پادشاه مشیر و سعد الله بیک مفر کبر برلین  
و امیر انور المان و امیر انور المان برلین بسمارک رئیس وزارت و زرفوار جبهه و مسپوار نشت بو لوف معاونت  
وزارت خارجه برلین هوهنلو و هیالچی پاریس

و از جانب اعلیحضرت امیر انور و ستر با کونستانداس و زرفوار جبهه کنت کارول الیچ برلین و بارون هیو الیچ روما

و از جانب جناب رئیس الجمهوی فرانسس مسپو و دینکون و زرفوار جبهه و کنت سن و الیچ الیچ برلین و مسپو دیره مدیر پورت  
در وزارت خارجه

و از جانب علیحضرت ملکه انگلستان و امیر آتریس هند و سنان کونت بیکو نسفیلد رئیس زرا و مارکی و سالتیر و زره  
خارجه و لورد اودور و سسل الیچ برلین

و از جانب اعلیحضرت پادشاه ایتالی کونت کورن و زرفوار جبهه و کنت ولونه الیچ برلین  
و از جانب اعلیحضرت امیر انور روس برلین غورچا توف و زرفوار جبهه و کونت شوا لوف الیچ لندن و مسپو و بریل

الیچ برلین

بمخصی معین و بیوجیه و هوش و لثا و ستر با و دعوت و لثا المان در برلین اجتماع کرده اعتقاد نامهای خود شامرا بقا  
مقرره مبادله و در میان ایشان فرار مادانی الذکر اتفاقا افکار حاصل و بینا بدانگونه قرار دادند

### ماده اول

بلغارستان در حقوق حکمرانی سلطنت سینه عثمانیه بداره بخناره مانند بلن امارت مالپانی بدو شکل شده  
است حکومت بلغارستان با حکومت عیسویه بوده عساکر ملیه نیز خواهد داشت

### ماده دوم

امارت بلغارستان عبارت از اراضی مفصله ذیل خواهد بود  
حدود آن شمالا از حد و در صربستان قدیم ابتدا شده از ساحل راست و در خانه نرونه و در تابیکه نقطه که در هشتاد  
سلسنه از جانب کومپسون اروپا معین خواهد شد و از آنجا بطرف دریای سپاه از جنوب متغالیای که باراضی  
رومانیا ملحق میشود خواهد گشت

حد جنوبی آن از مصیبه حد و بالا از نریمانی و در خانه بالارفته از حوالی دهان هوجره کوی و سلا مگوی و ایوانی



و وصلی خواهد گشت خط حد و از محاذی صحرائی تا محوطه گذشته از جنوب بلبله و کمالی و از آنجا بحد در ۲۰ کیلومتر  
 و این نظر بر آنست که از شمال حاجی محله مرور خواهد کرد و بنقطه تیره که در میان تککک و ابدوس مروره سا است در فتره از  
 بالکان فرین باد و بالکان برود و بنصفه و از شمال کوهل از بالکان فره غال گذشته به تپه و قیو خواهد رسید و از سلسله  
 اصلیه بالکان بزرگ گذشته در حالیکه بر وجه مساحت آن مندر خواهد بود به تپه قیو بقیه خواهد رسید از آنجا و بالکانها  
 را ترک نموده بسفین جنوبی همان فرینها پیر نوپ و دوزخی رفته پیر نوپ در سمت بلغارستان و دوزخی در سمت دره  
 شتر خواهد آمد و از آنجا برود خانه طوزلی دره و بجای این نهر نامصبک بنهر طوپو بنچیره فته و از آنجا تا نهر اسمو سکودو  
 که در حوالی فرین پیر چوه با این نهر میریزد خواهد گشت و بقدر دو کیلومتر از آنجا در بالایی دره مذکور در مایل  
 شتر ترک نموده بجهت تقسیم آبها در میان نهرهای اسمو سکودو و فامینق رفته و از تیره دوزخیان بجهت جنوبی غیر بر گشته  
 و مستقیماً بنقطه ۱۷۵ نقشه هبنا در کان حویا و ستر یا منتهی خواهد شد خط حد و در سمت بالایی دره هبنا را بجهت تقسیم  
 بریده از میان بوعدینه و فره ولی گذشته بجهت تقسیم آبها بیکه مبدی نهر بر میخورد در میان اسفر و قری و حاجیلو جا  
 میسازد خواهد رسید و از تپه های و لپنا موغلا بجهت مذکور رفته بگذرد که در نقطه ۳۱۰ نقشه است و بالکانها  
 و در و سوما بقدر فتره از میان سپور طاش و فادر تیره گذشته بحد و از آنجا بحد (یعنی محاذ) صوفیه خواهد رسید  
 خط حد و از تیره تیره جنوبی غیر رفته از میان مبدی های ابهای سنه فره صوا ستر و عافره بجهت تقسیم آبها در سمت  
 تیره ها کوهستان اردیکه موسوبه بالکانهای تیمور قیو و اسقوفینیه و فاضلیمار است گذشته بحد و در مایل سپینان صوفیه  
 متصل خواهد شد خط حد و بلغارستان از بالکان فانبوق و میان صحرائی بلبله و فاضلیمار تا بجهت تقسیم آبها  
 رفته از تیره و بنچیره پلان بنا بحد یکی شدن نهر استر و ما با اب رلسفاد تا بصحرائی استر و ما رسیده فرین بر اولی را بدو لک  
 عثمانیه و گذار خواهد کرد از آنجا از سمت جنوبی غیر به بلبله بگذرد بالا رفته بکوه نا بخرین خطی بسلسله غولما پلانها و تیره  
 غنیفه خواهد رسید و در آنجا بحد و در صحرائی صوفیه قدم منتهی و منبع صوهار فارانما مبدی عثمانیه خواهد کرد  
 خط حد و از کوه زینفا بجهت غیر بکوه فرغه و دره و از کوههای قارونا با جوفه و از حد و صحرائی صوفیه قدم بر گشته از سمت  
 بالای مجرایهای کوه صوا و بنقطه گذشته به تپه های با بنا بولانا بالا رفته بکوه فرغه و دره منتهی خواهد شد  
 خط حد و از تیره کوه به تپه های استر و در و پله غوصو مسید پلانها گذشته از میان استر و ما و در او بجهت تقسیم آبها  
 رفته از روی غاسینا و فرین طراوه و دار فوسفه و در این فتره پلان و پسرانان دوشانی قلا و تاق و مستقیماً از خط  
 تقسیم ابهای صوفیه و مور او بالایی با استول رفته از آنجا پانین آمده از راهی که از صوفیه پیر بیت (یعنی شهر کوی)  
 میرود در شمال غرب فرین سنوسه هزار کیلومتر مسافت قطع کرده از ویلیه پلانها بجهت مستقیم بکوه راد و چپاندر سلسله

بالکان

بالکان بزرگ بالا رفته فرین به دو بقیو بصر بلبلان و فرین سنافوس را به بلغارستان خواهد داد پس از تیره راد و چپان بحد  
 عزیزان بالکان سپردی و از آنجا سواره پلانها تپه های بالکانرا گشته بحد و در تیره قدیم به صربستان در حوالی کولا اصلیه  
 فوتره متصل شده از آنجا همان حد و تا نهر طوپو رفته در راهی بجهت نهر طوپو منتهی خواهد شد  
 این خط حد و معرفت کوه میسپو و اوپ که مرکبان نامورین ذلتهای امضا کنند خواهد بود و در مجلس تبیین و تخطی خواهد  
 شد منقو علیه است که اولاً این کوه میسپو اچا با با محافظت و مدافعت سلطنت سینه عثمانیه راد و در مایل روم اولی شتر  
 بفرعنا خواهد رسید و تا سواد و اطراف صماق و فطر یک کیلومتر زمین استی کامان ساخته خواهد شد

ماده سوم

پراش یعنی حکمران بلغارستان از جانباهالی بطور اذی متخلف شده بموافقت و ولتها از جانب باعالی تصدیق خواهد شد  
 از اجزای خانقاده هاد و ولتهای او و پیکه الان اجلی حکمران میکنند کسی حکمران بلغارستان نتواند شد چون مقام حکمران  
 منحل بشود امر انتخاب پراش دیگر بعینه مانند شرط و عملیات سابقه عملی او خواهد شد

ماده چهارم

پیش از آنکه حکمران بلغارستان معین بشود معین بلغارستان در شهر (طرنوی) مجلسی منعقد کرده نظامنامه اساسی  
 امارت بلغارستان را تصویب خواهند داد در جاهاییکه در میان بلغارها ترک و رومانیایی و روم و سایر جنسها بوده  
 باشد چه در امر انتظامات و چه در تنظیم نظامنامه اساسی حقوقی و منافع اهالی مؤثره نیز مرعی شده داخل حساب  
 خواهد بود

ماده پنجم

فقراتانی الذکر اساس حقوق عمومی بلغارستان خواهد بود برای بهره مندان حقوق مدینه و سپاس سپهر فرین صوفیه  
 این هیچکس در هر جای که باشد و سبب استثناء عدم قابلیت نشده این چیزها مانع از دخول حدمات عمومی و رسیدن  
 بنصاب اجزای صنایع نتواند شد  
 این خارجی و عربی و ذاهب مختلفه را که خارج را از این وجهه امینند داده شده است شکلات مذهبی مناسبان را  
 روحانیه را بوجهی مانع نتواند شد

ماده ششم

تا وقت تمام شدن نظامنامه اساسی بلغارستان اداره آنجا بواسطه یک کوه میسری از جانب دولت روم و فاضلیمار خواهد  
 شد یک کوه میسری و کوه سلاهای که از طرف امضا کنندگان این عهدنامه مخصوصاً تبیین و توجیه خواهد شد مامور

میل



برسد که در پیش اداره مؤثر کوی بسوزد و س بود معاوت او را خواهند کرد در صورتیکه در میان کوشلای و کپل شده اختلافی حادث شود یا کثیر بشود راه فرار داده خواهد شد و هرگاه در میان اکثریت و کومیسر روس یا کومیسر عثمانی اختلاف پیدا شود ایلیچینا اولیهای امضا کننده در اسلامبول مجلس مذاکره منعقد کرده فرار خواهند داد

ماده هفتم

اداره مؤثره بلغارستان زیاده از مدت نرماه از تاریخ تصدیق و مبارزه همین عهدنامه امضاء خواهد پانزدهم از تاریخ برتر انتخاب و در جای خود نشانند شد شکلات و فرار دادگاه ناز مرعی لاجر شده امارت مختاری اداره دامالک خواهد بود

ماده هشتم

احکام معاهدات و مفاد لایحه در میان باجالی و دولتهای خارج در خصوص تجارت و ترند کشتیهای منعقد شده و لان معول و معین هشده امارت بلغارستان نیز کاکان جاری و برقرار خواهد بود و احکام ان بهره و لغتی که تعلق دارد و اما از جانب ان دولت موافقت نشده است بوجهی غیر آنچه پذیرفت مشاعتهای را که در داخله بلغارستان بجایهای دیگر حمل و نقل بشود بوجهی هم ترانسیت یعنی خورد و راز آنها مطالبه در پانزدهم خواهد شد در باره بند و تجارت هر دو دولتها در بلغارستان بقاعده مساوات کامله رفتار خواهد شد حقوق و امتیازات تبعه خارجی و کاپیولا سنی کوشلای (یعنی حقوق محاکمات و حقوق همان آنها که بموجب معاهدات و معاملات جاریه دارند) مادامیکه از جانب دولتهای که علامه دارند موافقت کرده نشود تغذیل و تغییر داده نخواهد شد

ماده نهم

امارت بلغارستان سال نیال مالیا فی بد و لغت منوعه خود خواهد داد این مالیات بسانکی که در تالی از جانب باجالی معین خواهد شد باید داده شود و معقدان در اخر سال اول اجوی شکلات نازه معرفت دولتهای امضا کننده این عهدنامه معین خواهند شد و این مالیات از روی واردات متوسط امارت فرار داده خواهد شد چون بلغارستان قسمی از دیون عمومی عثمانیه را در عهد دارد در ان اشنا که دولتهای مقدار مالیات را معین میکنند بیک شتم نسبت عادلانه حصه دیون را که بضمیمت بلغارستان خواهد داد بنظر اعشا خواهند پند

ماده دهم

از تاریخ مبارزه همین عهدنامه حقوق و وظایفی که دولت عثمانیه در مقابل کومیانی راه آهن و بجز و دارنده داشته باشد بلغارستان راجع باشد بحساب گذشته مختصرا با بقای باجالی و امارت بلغارستان و کومیانی محول کرده شده است از عهد اینکه باجالی یاد و لک و ستر یا - بخارستان و با خود کومیانی کارکنی راه آهن روم اهل بسنه است آنچه از جانب

تمام کردن خطوط راه آهن یا راه انداختن ششند و فرخنده بلغارستان بوده باشد امارت بلغارستان بر عهد خود خراجها <sup>کند</sup> برای انجام فرار داد این مطالب بر ان انقاد عهدنامه هرگونه مغایره که لازم باشد در میان دولت و ستر یا بخارستان و باجالی و امارت های رومینان و بلغارستان ترتیب تنظیم خواهد یافت

ماده یازدهم

دیگر عثمانیه در بلغارستان اقامت نخواهد کرد قلعه ها فندیم هر خراج امارت در مدت یکسال و اگر ممکن باشد بکریه و خراب خواهد شد حکومت محلیه در خصوص خراب کردن این قلعه ها ندابلازمه بکار برده است حکامی هم از نو می توانند ساخت الا شجک و غیر آنها که مال دولت علیه عثمانی بوده و بوجوب احکام شماره ۳۱ ژانویه سال ۱۸۷۱ میلادی (۱۲۹۵ هجری) در قلعه ها طو نده باشهرهای شقی و وارنه مانده است باجالی می توانند حمل و نقل نماید با اینکه بفرود شد

ماده دوازدهم

در صورتیکه مسلمانان یا دیگر صاحبان املاک اقامتگاه شخصی خود شان را در بیرون امارت بلغارستان فرارید هند املاک شخصی در بلغارستان نگاهداری توانند کرد و خواهند باجاریه میدهند و یا آنکه بواسطه و کپل اداره می نمایند بیک کومیسر عثمانی و بلغاریه مامور خواهند بود که در عرض دو سال املاک امیر بهر و وقفه را بفرود شد و مطالبی را که متعلق باصول اداره و استعانت ان است کارهایی را که تعلق بمناخ احاد ناس که در این چیزها علامه دارند صورت و انجام بد هندها های بلغارستان که در دیگر ممالک عثمانیه سیاحت اقامت کنند تابع حکومت نظامات خواهند بود

ماده سیزدهم

ایالتی در جنوب بالکانها بنام (روم اهل شرق) تشکیل خواهد یافت و این ایالت بشرط مختاری اداره مستفاد از حکومت سیاسی و عسکریه دولت عثمانیه بوده و ای این ولایت علیس خواهد بود

ماده چهاردهم

حدود روم اهل شرقی از جهت شمال و غرب شمالی محدود به بلغارستان بوده در داخل دائره ای الذکر دارای اراضی خواهد بود حد و در روم اهل شرقی از برای پیا آغاز کرده از بالای منصب و دخانه که در نزد یکی دهان موجب کوی و سلام کوی و ابواجی و فولیه و جلیانی میباشد بجای نهم بالا در فتره انخازی صحرای دلی ناچو گذر شده زمین جنوبی هات بلبیه و کحان و شمال حاجی محله بقاصله و کپلو متر دیم از بالای چنگه خواهد گذشت از انجا بیک پنه که در میان شکلت و اپد و ستر یا است بالا در فتره از بالکان فرین اباد و بالکان بره ز پوچیه و از بالکان فرغان در شمال فونلک به پیور فو خواهد رسید و از انجا سلسله اصلیه بالکان بزرگ را تا ماگشته به تیره فو بفرستند خواهد شد



در این نقطه حد و غیره روم اهل از دره بالکان جدا شده از میان فریب های سرب و بلغارستان و در دوازدهم  
بسمت جنوب پانین آمد بطول دره مرسد تا اینجا یک تیر در خانه طو بولجا یکی بشود بطول اجامند شده در حوالی قریه  
پزیر و ایجای یکی شدن این آب با (سمو و سقودره) مر و دوید بن طرف بقدر دو کلو متر زمین بر روم اهل شرقی میسکند  
باقضای خطوط فاصله آنها بطول رود های سمو و سقودره و فاصله با لار فتر در پتیه و آنرا از جنوبی بجز به میل کرده نقطه  
که در نقشه ارکان حریبا و ستر یا نبره ۸۷۰ نشان داده شده است مرسد

خط حد و مذکور بالای مجرای رودخانه ایچان دره و بطور عمود قطع کرده از میان بوند بنا و فار و لا میگذرد و خط  
فاصله دره های اسفر و مار بقادر میان کورلی و حاجلر متصل میشوند ان پتیه های دولسا موز بلا و جای که در نقشه بسمت  
(۸۳۰) نموده شده است و ما بلقا دره و سوما نیفا بطول خط گذر شده در میان سب و کورطاش و فادر پتیه میاید و او  
سجانی صوفیه مرسد حد و روم اهل شرقی از حد و بلغارستان در کوه فادر پتیه سوا شده از یک طرف بحد و فاصله  
مجرای مار و ایچان و از طرف دیگر مجرای مازفره صو و نواع از ابردی کرده از پتیه های (د سب و طغانی) بسمت کوه  
کوش و ارفتر جنوب شرقی و جنوبی میل میکند که این کوه ابتدای خط حد بود که در عهد نامه ایاسفانوس معین شده  
بود از کوه کوش و ایچان خطی که در عهد نامه مذکور معین بود تابع میشود یعنی از سلسله های بالکان سپا و پتیه ها  
کوهستانهای فولانی طاع و اشک چلی و فر و کولاسی و اشکلر گذر شده از این پتیه اخی و نامت جنوب شرقی و پتیه اریدا  
میشود و بطول مجرای آن در نقطه که در تر بلقا طهر قطع است مرسد (اطر طلع) یعنی طلع جزیره مستقیم در دست

۷

خط حد و از این نقطه پتیه اداره دولت عثمانیه خواهد ماند  
طاعنی لار فتر از اجاسر از  
خط حد و از در بندرک از میان رودخانه ایچانکه شمالا بطول مجرای جنوبی بمرید خط تقسیم بهار فتر پتیه فیلا بالا  
شده بفاصله پنج کلو متر  
از بلقا صوفی با شا بالار فتر  
میرود و فیلا شرقی در سمت روم اهل خواهد ماند پس از آن حد و بسمت جنوب فتر از میان ابها و کوه جنوبی در میان  
میرود و حوالی دره رود های مرج و دهات بلورن و النلی مستقیم ابد ریای سپاه مرید و از جنوبی فتر المالی خواهد گذشت از اجان سمت شمالی  
کوشی که برود خانه مرج پتیه فراتی پتیه های و سنه زوا را کشته بحدی که ابهای و فتر از ان بخره آغاج جدا سازد فتر در میان فتر های و فتر  
بمراکه کوه و در خط تقسیم ابها  
رودتال خواهد گذشت  
و فتر آغاج بد ریای سپاه منتهی خواهد شد

ماده پانزدهم

سلطنت سینه عثمانیه حقوق محافظت و مدافعت این ایالت را بر و بحر مالک بوده در حد و مذکور است حکامان ساخته شد  
بزرگ نموده خواهد شد خود را اقامت خواهد داد اسایش داخلی را در روم اهل شرقی میان عساکر مله و عساکر ضبطه جلایه نگاهداری خواهد  
ده و بندر درک با صوحانی  
در حال حد و خواهد ماند صاحب منصب این و فتر از جانب سلطنت سینه عثمانیه ضبط معین خواهد شد و در هنگام ترتیب و تشکیل عساکر مجله شرقی  
مذهب

مذهب اهل نیز با قضای وضع بحساب آورده خواهد شد  
سلطنت سینه عثمانیه فتر که در آن حد و در نام عساکر محافظه لشکر نظامی از هر کس غیر اهل نگاه ندارد عساکر نظامی  
برای محافظت حد و است بهر حال در حاکمات اهل ایالت اقامت خواهند کرد در هنگام عبور از داخله ایالت نیز در حاکم  
ایالت نخواهند نمود

ماده شانزدهم

در صورتیکه اسایش ایالت داخله با خارجا در موقع بیم و خطری باشد عساکر عثمانیه از جانب والی دولت خواهد شد  
در این حال با بعالی فرار در خود را و دلالت این فرار را در اسیفاری دولت مخایه اطلاع خواهد داد

ماده هجدهم

والی روم اهل شرقی از جانب با بعالی بواقفت و ولتای بحساب معین و فیض خواهد شد

ماده هجدهم

پس از مبارزه و فتنه ها همین عهد نامه را تاخیر بواقفت با بعالی کوه میسور او و بی شکل خواهد شد که نظامات اسایش  
روم اهل شرقی را تنظیم نمایند این کوه میسور در طرف شرقه و جنوب و وظایف والی با وصول اداره و محکمات و ایالت را معین  
خواهد کرد برای این نظامات نظامات معینه و ایالت و کمالی که در مجلس هشتم کونفر اسن اسلامبول کرده شده بود تکلیف  
خواهد بود نظامات که برای روم اهل شرقی فرار داده شده در ضمن یکدیگر همان ها چون پادشا می بود و این نظامات  
از جانب با بعالی اعلان و بد و ولتای تبلیغ خواهد شد

ماده نوزدهم

تمام شدن فرار داد هلی تازه امور عالی ایالت را کوه میسور او و بواقفت با بعالی اداره خواهد کرد

ماده بیستم

هر کوه معاهدات و مفاد است و عهدان و ولتیه که در میان با بعالی و دول خارجه منعقد شده است با بعالی از خواهد شد  
احکام آنها مانند دیگر املاک عثمانیه و روم اهل شرقی نیز مرعی الاجا خواهد بود در ایالت مذکور حقوق و امتیازات بینه  
اصحیه را بهر حال رعایت خواهد شد با بعالی فتر میکند که احکام نظامات عمومی دولت عثمانیه را که در خصوص ایالتی مذکور  
وارد بان و اجوی اینهاست مرعی الاجوی مبارد

ماده بیست و یکم

حقوق و وظایف با بعالی از مجله راه های این که از روم اهل شرقی میکند و تمام باقی در فرار خواهد بود



ماده بیست و نهم

شون روس که در بلغارستان و روم ابله شرعی اقامت خواهد کرد عبارتند و فرقه پیاده و دو فرقه سواره بوده از پنج  
هزار نفر بیشتر نخواهد بود و مصر و اینها از جانب مملکتی که اقامت دارند داده خواهد شد این شون روس به محاربت خود  
موافق و ملائمت در میان دولتین خواهد شد از راه روم و اینها از لنگرگاههای بحر سیاه و وارن و غیره غوس نگاهدارند  
کرد لشکر روس برای اقامت خودشان در لنگرگاههای بحر سیاه ابارهای لازم را خواهند داشت مدتها اقامت لشکر روس  
روم ابله شرعی و بلغارستان نرماه از تاریخ مبادله این عهدنامه فرار داده شده است و لشکر روس پس از تمام شدن  
ان مدت در طرف مدت سه ماه از روم بماند گذشت مارت روم با پارام تماماً تخلیه خواهد کرد

ماده بیست و سوّم

با عالی عهد میکند که تمامی احکام نظامنامه سامی جزیره کرد که در سال ۱۶۶۸ نوشته شده است با تمام اصلاح و  
تغییرات که موافق حفظانیت بوده باشد مجری نماید برای دیگر ممالک روم ابله که بموجب این عهدنامه صورت داده و مخصوصه  
معیّن نشده است موافق احتیاجات حلیه و با استثنای امپراتورن ممالک آن که بجزیره کرد داده شده است نیز نظامنامه  
خواهند شد با عالی در هر دو لایحه فراداد مغفرت نظامنامه سامی مذکوره که پیشینونها تشکیل خواهد کرد و ضمن  
اعظم این که پیشینونها از احوال همان محل اعضا خواهد بود

پاداشتهای آنکه این که پیشینونها خواهند نوشت با عالی داده شده با عالی پیش از اجرای احکام انفرادی و صوابید  
کو پیشینونها و روم ابله استفسار خواهد نمود

ماده بیست و چهارم

هرگاه در خصوص فرقه صبیح عد و دیوانه نشان در میان با عالی و دولت یونان اختلاف و اتفاق حاصل نشود موافق احکام  
صیغه نامه بیست و نهم که در دولتهای المان و اوستریا و بلغارستان و فرانسه و ایتالیا و روس برای اسان کردن مذاکره  
حق و سطر امختر خودشان می سازند

ماده بیست و پنجم

با الهای روسیه و هر چه از جانب دولت اوستریا و بلغارستان اداره خواهند شد و دولت مشارالیه با این دو پاداشتهای  
خواهد فرستاد اداره سخنان (یکی با زبان) که از میان مرسیان و فرقه طاع از جهت جنوب شرقی تا با نظر شرق و جنوب  
منتهی میشود دولت اوستریا حق است بجهت خود بیکر لهند این سخنانی در زمره اداره دولت عثمانیه خواهند بود  
باقتضای وضع حاضر سیاسی و محافظت طرف و معابر داین سخنان دولت اوستریا حق داشتن فرول و ساختن موارد

عسکره

عسکره و بلغارستان خواهد داشت خصوص مغفرت این طلبک و لنگ عثمانیه و دولت اوستریا و بلغارستان حق مذاکره و اتفاق  
و باقی مبادرند

ماده بیست و ششم

استقلال فرط طاع چنانکه از جانب با عالی تصدیق شده است و لایحه منعاهده که نا حال استقلال اینرا نشان خواهند  
نیز تصدیق میکنند

ماده بیست و هفتم

دولت معطر معاهده شرایط آنی الذکر را منفی فرادادند برای بهره مندی از حقوق مدینه و سیاه سپهر فری و مغایرت  
مذهب این بیکس را در هر جای که میخواهد بوده باشد وسیله استثنای عدم قابلیت تواند شد و این چیزها مانع از  
قبول در خدمات عمومی مامورینها و مناصب اجرائی و صنایع نتواند بود احوالی مذاهی مختلفه و بعضی خارجیه را در هر طاق  
از جهت آزادی این و مذاهی خارجیه امنیّت داده میشود تشکیل مذمبه ملل مختلفه و مناسبتهای آنها با کار و تجارت  
بوجهی مانع نباشد

ماده بیست و هشتم

حدود نازده فرقه طاع بدینقرار معین شده است

خط حد و از المینور دو (دو) آغاز کرده بسمت شمال فلورین و از روی فرقه پنجم نیز بفرسنگار و خواهد گذشت فرسنگار  
در داخل هر سلسله خواهد ماند خط مذکور از فرسنگار تقار و سیالاز فرقه نقطه که یک کیلومتر بالاتر از رودخانه که بسلیقه  
میریز میرسد از اینجا به پلانوه و فرقه این فرقه در سمت شرق طاع خواهد ماند و از پته و اینجا به شمال و از راه بیکر (تورن)  
و عاقبت بهیدرامکان به اصله شش کیلومتر گذشت بگذرگاهی که در میان سویا پلانوه و کوه تور بله است و از  
شرق فرقه وارنقویچی را هر سلسله گذارشته بکوه اورلین مندر خواهد شد از اینجا روانه و بفر طاع گذارشته است  
شرق خواهد گذشت و بکوه نا هرین خطی به سویه رسیده و فرقه در میان فرقه و پته و پته (ناره) خواهد  
رسید از این نقطه تا موژ قواری بالا فرقه تا بسقوژ و دوبه رسیده بفرقه صوفولا و در اینجا مجدداً خط حد معین  
خواهد شد

خط حد و نازده از اینجا به پته های فرسنگار پلانوه فرقه فرقه در سمت شرق طاع خواهد ماند و از اینجا از سلسله  
تا گذرگاهی که در نقشه ارکان عربی و اوستریا (۶۱۶۶) معین است از طرف دیگر از روی خط تقسیم ابها کرد  
میان مسبونه (زم) واقع است خواهد شد پس از آن خط از میان فرقه قواریچی از یکطرف و قوسفا از طرف دیگر



و عروای از طرف دیگر گذاشته یا حد در حالانی یکی شده بجزای بود غویب غیر یابد و قبیلہ های خلع غنی و غری و صو  
داد و سمت ان و دستان گذاشته یا و بفره خواهد نشان حوالی جزیره کوچکی غویب بقدر طویل نام دریاچه اشقو  
ده را گذاشته از غور بقدر طویل مسبقا به پنهان خواهد شد و در میان مسعود و تایلند بخط مستقیم آنها  
رفتره بر توبقی را بقدره طایغ ترک نموده در فریه فریجی بدو پای و ندیک منتهی خواهد شد  
خط حد و قمره طایغ در شمال غربی از میان فریه تا سوسانه و زو بسواحل گذاشته در الای پلا اینها بمنتهای  
نقطه جنوبی شرقی حد و در حالیه متصل خواهد شد

مادۀ بیست و هشتم

بلد (بار) و اراضی غیر عمران بشرط ایند بقدره طایغ و اکنار خواهد شد بدین طریق که اراضی جنوبی (بار) موافق حد و  
در الای معین شد علاوه و در لسیخو تا جویان بد و لک عثمانی خواهد اند بطوریکه در بیان نامه مفصل حد و معین شده  
است (اسیفا) تا اراضی شمالی حد و در الما جیا افزوده خواهد شد و در فریه تا فریه طایغ را از جهت رد کشندها  
ازادی کامل خواهد بود

بجز استیحاها اینکه برای محافظت شهر اشقو دره لادم است و اطراف شهر مذکور استحکامی ساخته نخواهد شد و استحکامات  
شهر مذکور پیش از پیش کلونر بیشتر نخواهد بود فریه طایغ کشنی جنکی و بر کشنی جنکی نتواند داشت کشنی هیچ و لک لنگر  
بار و عموم نهرها اینکه گذرگاه فریه طایغ است لخل نخواهد شد

هر چه استحکامات در میان دریاچه اشقو دره و سواحل و جابها اینکه الان خاک فریه طایغ شمرده میشود هست همه خراب و  
هدم شده بجای آنها استحکامات دیگر هم ساخته نخواهد شد دولت او ستر با دیوار و سواحل فریه طایغ بواسطه کشندها  
سلب مخصوص سواحل محافظت ضابطه بحریه و صحرای خواهد کرد

فریه طایغ قوا بین بحریه را که در الما جیا معول است قبول و پیروی خواهد کرد  
دولت او ستر با و بحارستان نعهد میکنند که منافع بخارن بحریه فریه طایغ را بواسطه کوشندهای خود نکاهند از وجوه  
ساختن راه شوسه و راه آهن و نگاهداشتن آنها در اراضی جدید فریه طایغ امارت مذکوره با دولت او ستر با و بحارستان  
اتفاق خواهد کرد موارد ذیل در این راهها بقاع ازادی کامل خواهد بود

مادۀ نسی ام

مسلمانان و مسائرن که در اراضی جدید فریه طایغ هستند هر گاه بخواهند در جای دیگر سکنا نمایند اینچ عفار و املاک و اکنار  
میتوانند آنها را بکس دیگر اجاره بدهند یا بواسطه و کپله ادا نمایند هیچکس بجز سائلی که قانون برای منافع عامه معین

کرده است اینخو بفرضا ملاک و عفار خود محرم و ممنوع خواهد بود مگر آنکه بدلیل اتفاق داده شده و بر عهد کرده شود  
بلکه کو میسپو مکران مامورین عثمانی و فریه طایغ معین خواهد شد که در عرض سراسر اراضی امپریه و وقفیه با بحسابات  
بفرود شد و فرار داده آنها را بدهد یا بکسی اجار نماید و همچنین اینخو را از حقوق شخصیه که از اینفرات متولد میشود قطع و فصل نماید

مادۀ سی و یکم

در خصوص فرایعین آخت و کپلهای فریه طایغ در اسلامبول و جابها اینکه از مالک عثمانی لازم باشد در میان باعالی و  
امارت فریه طایغ مستقیما اتفاق خواهد شد االی فریه طایغ که در مالک عثمانی سپاحت با انا منگ کتده و انا منگ کتده و انا منگ کتده  
عمومیه و لبره و اصول و عادات اینک در فریه طایغ اجار میماند تابع قوانین عثمانی خواهد بود

مادۀ سی و دوم

شون فریه طایغ بفاصله بیست و زیل زودتر امکان باشد از تاریخ مبادله این عهدنامه جابهای را که در خارج حدود انا  
مذکوره است خالی خواهد کرد عساکر عثمانی نیز جابها را که بقدره طایغ و اکنار شده است در مدت بیست و نه مذکور  
خالی خواهند نمود مع ذلک برای ترک نمودن موانع مستحکم و حمل و نقل از و فریه که در اینجا هست و حرکت دادن الات جنک  
و ثبت فکر کردن اشیا و ادواتیکه فوراً نمیتوان بر داشت یا نزره روز بر مدت مذکور افزوده خواهد شد

مادۀ سی و سوم

مقداری از دیون عثمانی بواسطه و اکنار شدن اراضی که بقدره طایغ و اکنار شده است بر عهد امارت مذکوره راجع خواهد  
بود و مقدار آن بجهت نیش از جانب سفیری خارجه در اسلامبول با اتفاق باعالی معین خواهد شد

مادۀ سی و چهارم

دولتهای معظم متعاهد استقلال مرهستان را تصدیق و بشروط مفصله در فضل از مره بوطا کردند

مادۀ سی و پنجم

برای بر مندی از حقوق مدینه و سپاس بختلاف و فرقه مذہب این هیچکس را در هر جابها بیکه بوده باشد و سبیل  
استثنا و عدم قابلیت شده این چیزها مانع از دخول خدمت عمومی ما و مرهستان و مناصب اجرای صنایع نخواهد بود

مادۀ سی و ششم

اکنار مرهستان اراضی معین را که در داخل حد و مفصله دریا است مالک خواهد بود  
حد و دنا مرهستان بطول خط حالانی حد و در شده از جابها بیکه نهر در بنابر سوا امپریه و بحریه مستقیما متعلق مالی  
تاز و در بنق و زخار را در سمت امارت خواهد گذاشت و تا نا پونین بخط حد و دنا مرهستان خواهد رفت در روز



کوه فابونق از آن خط جدا شده از سمت جنوب فابونق بطول حدود شش فرسخ بخان پیش کشیده از تپه های کوه های مارپنا  
 و مراد پلا پنا خواهد گذشت این پنه در همان محل های نهرهای پلبار و سپینقا از یک طرف و نهر طویلینا از طرف دیگر  
 خط فاصل ابهار تشکیل خواهد کرد پره بولا بد و عثمانی خواهد ماند از آنجا در میان پره و پنا و مد و جابه پره وی  
 خط فاصل ابهار مستقیما نسبت جنوب فترده مد و جارا تا ما در سمت مریشان گذارنده است پنه تورتق  
 پلا پنا مرید و از طرف دیگر خط فاصل ابهار پنا و نهر پنا و مودا و از تشکیل میکنند از آنجا و بر وی قرار پلا پنا  
 ناچای اتصال نهرهای فوانقا و مودا و از فترده در آنجا نهرها را گذارنده در حوالی نهره و در سر خط طول فاصل ابیکه نهر مودا و  
 میریزد منتهی میشود در سمت بالای نهر غولیش پلا پنا ای بکر متصل میگردد از این نقطه از دزوه کوه ایگرم ناندو کوه  
 فلتر و املا دافنه از جاها بیکه در نقشه شماره (۱۰۱۶) و ۱۵:۷۹ نموده شده است از بابینا غوره گذارنده بکوه عا  
 و در منتهی میشود حد و نانه مریشان از کوه فترده که فترده با حدود نانه بلغارستان بیکه میشود یعنی از تپه ها است  
 سپر و و بلوغلو و منسید پلا پنا گذارنده خط مستقیم میانه که در میان استر و مودا و استر و در بغاسپنا  
 و غیره تراوه و در فوسقوه و در این پلا پنا منتهی میشود پس از آن از وی شانی فلاتونق بجز تقسیم میانه صورت و  
 مودا و مستقیما با استر خواهد رفت و از آنجا پنا آمد در شمال غربی فرب سفوزه راه پیرودت را هزار کپلو تراوه  
 قطع خواهد کرد از آنجا بجز مستقیم به پلینا پلا پنا با کوه فترده در سلسله بالکان بزرگ از وی کوه را دو چنان گذارنده  
 فرب و فوجی و ابصر مریشان و فرب و سناسا فوس بلغارستان خواهد داد پیر از دزوه کوه را دو چنان نسبت شمال غربی گذارنده  
 از بالکان سپر و و استار پلا پنا بد زوگا بالکان بالاد فترده در حوالی فولا اسپله و فوفه مجرد و فدر بهر شرفه امارت  
 مریشان متصل شده بجز حد و فدر بهر نامر طونه رفته و را توچی پنه طونه متصل خواهد شد

ماده سی و هفتم

مادامیکه مقاولان جدیدی منعقد نشود مناسبان تجارت امارت مریشان با دولت سائره تعیین خواهد یافت و از  
 منافع اینک از مریشان میگذرد رسم و رویه و ناسبتی که فترده خواهد شد حقوق و امتیازات تبعه خارج حقوق  
 محاکمه و محاکماتیکه الان کوشلها دارند مادامیکه با اتفاق امارت و دولتها بیکه علاقه دارند تعیین و تعدیل شده  
 است بطور سابق تمام در مریشان مرعی الاجر خواهد ماند

ماده سی و هشتم

بایا لیکه با دولت استر و بلغارستان و کومپانی کارشوند و فریوم ایلی در خصوص تمام کردن راههای این و متصل  
 کردن آنها بجز استر و بلغارستان و کومپانی کارشوند و فریوم ایلی در خصوص تمام کردن راههای این و متصل  
 کردن آنها بجز استر و بلغارستان و کومپانی کارشوند و فریوم ایلی در خصوص تمام کردن راههای این و متصل

دارد هر چه از این بابها بجز مریشان بقیه امارت مذکوره راجع خواهد بود  
 برای قرارداد این مطالب پس از امضا شدن این عهدنامه بلا تاخیر در میان دولت استر و بلغارستان و با بعالی مریشان  
 و بلغارستان از همه حصه که بلغارستان راجع است و مواظبت که لازم است تنظیم و ترتیب داده خواهد شد

ماده سی و نهم

مسلمانانیکه در اراضی افزوده شده بجز مریشان املاک دارند هرگاه بخواهند اقامتگاه خودشان را در خارج مریشان  
 فرزند دهند میتوانند املاک خودشان را با جاره بدهند بوا سطر و کپله اداره نمایند  
 کومپانی مرکب از مامورین عثمانی و مصری در عرض سه سال مطالبی را که متعلق بفرش و استعمال املاک امیر پره و فقیه است  
 و کارهای متعلق بمنافع کسانی که علاوه بر این مصالح دارند انجام خواهد داد

ماده چهلیم

در خوبتر مریشان که در مالک عثمانیه سیاحت با اقامت کنند تا بینه شدن معاهده در میان دولت عثمانیه و مریشان  
 موافق قواعد کلی حقوق دوله رفتار خواهد شد

ماده چهل و یکم

جاها پراکده در داخل حدود نانه امارت مریشان نیست نشون صریح در طرف مدف پانزده روز از نارنج مبادله تصدیق  
 این معاهده ناچار با بدعالی کنند و نیز در طرف همین هفت عساکر عثمانیه جاها پراکده مریشان و گذارنده است خالی خواهد  
 کرد ولی برای خالی کردن مواقع مستحکم حمل و نقل مهمات و اشیا و ثبت فتر کردن چیزهایی که فوراً حمل و نقل میشوند  
 علاوه بر هفت عساکر عثمانیه داده خواهد شد

ماده چهل و دوم

چون مریشان از جهت اراضی تازه که بر مریشان افزوده شده است متحمل منعی از بیون عثمانیه بقدر حصه خود خواهد بود  
 لهذا این حصه سفر ای اسلامبول با اتفاق با بعالی از روی یک اساس عادلانه تعیین خواهد کرد

ماده چهل و سوم

دولتهای بزرگ معاها استقلال روم با پنا را بشود طومند و جرد در ماده ای الذکر تصدیق میکنند برای اینکه هرگز در وقت  
 از حقوق مدینه و سپاس بدهر مند شوند مفر است که فرق مذکور این هیچ کس را و در هر جا که باشد و سبیل استثنای  
 و علم لیاقت در حد و امت عمومیه مامورین و منصب اجوی صنعت نبوده مانع از قبول آنها نخواهد بود

ماده چهل و چهارم

دارد



این مذهب و مذاهب انا دی مذهب برای اهالی مذاهب مختلفه مردم خود رومایا و بیعت خارجه امینند اده میشود نشکلات قدا  
ملاع مختلفه و مناسبه و سالی و جانبدار بوجهی مانعش نواندند در رومایا در حق بیعت هر دولتها خواه بخوار و خواه غیر آنها  
باشند بلا استثناء بطور مساوی و کامل رفتار خواهد شد

ماده چهارم و پنجم

اگر در رومایا یا جیرا ارضی بسازد بسوا که بوجهی همدانم ۱۸۵۱ پارلس از مالک روسیه جدا شده بر رومایا داده شده بود  
با عنصری دیگر انور روس دو اعاده مینماید و در قطع مذکوره غزای مجرای مغرب و جنوبی است که کلیای طونیه و مصب  
اسنادی اسلامبول است

ماده چهارم و ششم

جزیره ها که مصیبت طونیه است جزیره های محلات و سبخاها و کلیا و سنه و محمودیه و ایپانچی و طولچی و ماچین و باباطاغ  
و خرمسوه و کوسینچی و جیرا به بامارت رومایا و اکتا کرده شده است خط حدود معرفت کومیسپون و اوپکه برای تعیین حدود  
معین خواهد شد تنظیم و تعیین خواهد کرد

ماده چهارم و هفتم

قفره تقسیم میاه و قفره جاها بیکه شکار ماهی کرده پیشو بکومیسپون طونیه که از جایته و نتهای اوپه مستعمل خواهد شد

ماده چهارم و هشتم

مناعهاتیکه از خاک رومایا خواهد گذشت رسم مردم و نترانینت خواهد داشت

ماده چهارم و نهم

در خصوص تعیین امپاراتر و حوهایت کوشلها در داخل مارت رومایا و وظایف ایشان مفاد و نامهها منعقد نواندند  
حقوقیکه الان هستند اما بیکه در میان مارت با نفاق دولتها بیکه علاقه دارند غیر منافع استکلان مرعی الاجرا خواهد بود

ماده پنجاهم

مادامیکه در میان دولت عثمانیه و رومایا در خصوص تعیین امپاراتر کوشلها معاهد نشد است بیعت رومایا که در ممالع قدا  
سیاحت قدامت میکنند و بیعت عثمانیه که در رومایا سیاحت قدامت داشته باشند از حقوقیکه بیعت رومایا داده شده  
است بهره مند خواهند بود

ماده پنجاه و یکم

حکومت رومایا در جاها بیکه بر رومایا و اکتا کرده شده است حقوق و وظایف باجالی را که از جهت انشاء اعموی و اقلانما

باعمال نافه دارد در عهد خود خواهد داشت

ماده پنجاه و دوم

برای اینکه بر امینت ازادی نزد کشتیها در طونیه که از منافع اروپا بودن ان تصدیق شده است افزوده شود دولت مغرب و معانی  
فرار دند بر اینکه طعمه ها و استحکاماتیکه از قبور قونا مصیبت های نهر طونیه است هر خراب شده بعد از این نیز طعمه و استحکامات  
ساخته نشود کشتیهای جنگی در نهر طونیه در پائین تر از نیور قیو ها نرد خواهد کرد و کشتیهای کوچک که برای انضباط نهر  
کرکها لازم است از این حکم مستثنا خواهد بود و کشتیهای فرار و دولتها که در منصبها طونیه میباشند آنها ناظر  
نواند رفت

ماده پنجاه و سوم

در کومیسپون طونیه از جانب حکومت رومایا بنا بر اعضا خواهد بود این کومیسپون در امور بی خود بر فراری میاند کومیسپون  
بیر از این بطور استقلال از حکومت های ان حوالا نفاذ امر جاری امور بی خواهد کرد ایضا مفاد و معاملات و فرار آنها  
با اسنادها در خصوص حقوق و امتیازات و وظایف کومیسپون طونیه هستند هر فرار و مرعی الحکم خواهد بود

ماده پنجاه و چهارم

بکسال پیش از آنکه مدت ماموت کومیسپون طونیه منقضی شود دولتها در خصوص نفاذ کردن مدت ماموت کومیسپون  
اجرای خدیلا بیکه لازم باشد در میان خود شان فرار خواهند داد

ماده پنجاه و پنجم

نظاماتیکه در خصوص نرد کشتیها از قبور قیو ها نفاذ امر بی با انضباط امر نهر لازم باشد معرفت کومیسپون تنظیم  
خواهد یافت و کلی حکومت ساحلیه در این باب کومیسپون معاونت خواهد کرد نظامات مذکور با نظاماتیکه برای  
جاهای پائین تر از قلاص گذاشته خواهد شد تنظیم خواهد داشت

ماده پنجاه و ششم

کومیسپون طونیه برای اماره قناری که در جزیره پیلان آطله می هستند بیکه لازم باشد رای خود را یکی خواهد کرد

ماده پنجاه و هفتم

وظایف اجرائی عملیات برای دفع موانع سپر سفایر در نهر قیو ها و شلاله ها بدولت اوستری و اوچارستان تودیع شده است  
حکومات ساحلیه که در ان قسمت هستند برای اجرائی این اعمال شش ساله لازم بر کار خواهند کرد احکام ماده ششم  
لندن که در ۱۳ مارچ ۱۸۷۱ در خصوص استقرار سم مونی برای مصارف اعمال مذکور فرار داده شده بود بدلیل آنکه



مفتحه و لنگ و ستر یا ابعاض خواهد شد

### ماده پنجاه و هشتم

باجالی در آسیا اردهان و فارصی را ضعیف با طومر با لنگرگاه ان و اراضی که در میان حد و قدیم روس و جاباها پیکه در نزد  
بیان میشود بدو و سواکنار کرده است چنانکه حد و نازه موافق خطی که در عهدنامه با استغافونوس تعیین شده بود از  
سیناوان بکفقطه که در شمال غربی قوروده و جنوبی با نوبک واقع است ابتدا کرده بخط مستقیم بهر چو در لنگرگاه  
شده نه میگذرد از مشرق استنش گذشته بان خط مستقیم بسمت جنوبی خواهد رفت و باحد و در وسیله در عهدنامه  
با استغافونوس تعیین شده است بکفقطه که در جنوبی زمین واقع است خواهد رسید و فاصله لونی باید و لنگرگاه  
خواهد کرد خط حد و دازان نقطه شرقی برکنند بسمت غربی بیک رفت محل مذکور در طرف روس مانده منتهی برود  
پنک خواهد شد از آنجا بجای نهر با دین رفتن از آنجا بسمت جنوبی خواهد گذشت با دین و یکی کوی در طرف روس  
ماند از سمت غربی نهر پاره او رغان راست بچینگر در فتنه بخط مستقیم بدو و فاصله طایع بالا رفتن در میان آنها پیکه  
بهر روس و جنوبی بهر ادرین خط تقسیم باحد و قدیم روس منتهی خواهد شد

### ماده پنجاه و نهم

اعلیحضرت امپراطور روس اعلان میکند که با طومر را برای آنکه اساس لنگرگاه تجارتی بشود در صورت این هشتاد که آنجا را  
لنگرگاه ازاد (پورفران) قرار میدهند

### ماده شصتم

صهرای لشکر در شهر با این پیکه بوجوب فضل اعهده نامه با استغافونوس بدو و لنگرگاه شد بدو و لنگرگاه پیکه پس داده  
خواهد شد باجالی شهر خطور و اراضی از اموافق بصدق و کومیسرها انکلیس روس که ماسور بیعیب حد و عثمانی و  
ایران بود ندیده و لنگرگاه این را گذار میکند

### ماده شصت و یکم

باجالی نهم میکند که در اقلیمهای مسکون از امنه صلاحات و تنظیمانی بلکه احتیاجات محلیه مقتضیه است بلا تاخیر اجراء  
لغبتی امانه از اگر ادوچر کسها نکا همدار و نماید باجالی از ندابیر بیکه در این باب بکار خواهد بود و وقت بود بدو  
اطلاع داده و بدو لنگرگاه اجراء ان نماید و انتظار نخواهند کرد

### ماده شصت و دوم

باجالی این حقوق را در خصوص نباد و سندان بازار آزادی مذهب و فایز این آزادی را بیان کرده و در معااهده این بیان

اخباری را بنظر اعتبار بدینند هیچ منتهی از ممالک عثمانیه برای استعمال حقوق مدینه و سپاس خدای تعالی  
و مامورین صاحب اجرائی صنعتها فرقی مذهب هیچ مگر با وسیله استشنا و عدم قابلیت نتواند شد بدو و استشنا که  
در خصوص حکمها اجرائی شهادت نتواند کرد

از چنان آزادی همه آنها و اجراءات خارجیه آنها همگان را استشنا شده است بنا بر این تشکیلات روحانیه ملائمه  
و مناسب با رؤسای و معاینه آنها هیچ مانعی نتواند بود و اعبان و زوار و گنبدشان هرگز که در ممالک اروپا است  
عثمانیه سباحات نمائند از حقوق و فوائد و امتیازات مذکوره بهره مند خواهند بود

حق حمایت ستمگر و ستمها و مامورین دول اروپا در باره اشخاص مذکوره و برای مؤسسات مذهبه اماکن خیریه  
کرده شده است حقوق و موجوده فرانسه بطور مخصوص تقدیم شده و وضع حاضر بیکه در مواقع مقدسه یعنی در قدس شریف  
هستند و هیچ اختلال نخواهد شد و اعبان را با ورود از هر مملکتی باشد ممالک و امتیازات سابقه آنها برقرار و بدون استثناء  
از محض حقوق و امتیازات مظهر مساوات خواهند بود

### ماده شصت و سوم

اعلیحضرت امپراطور روس که در ۳ مارس ۱۸۵۲ و عهدنامه لندن که در ۳۱ مارس ۱۸۷۱ منعقد شده است بجز آنچه بوجوب  
مواد و شروط این عهدنامه منقح و تعیین شده است کماکان باقی و برقرار می باشد

### ماده شصت و چهارم

این عهدنامه تصدیق شده تصدیقنامه های آن در طرف مدینه سه هفته و اگر ممکن باشد زودتر در برلین مبادله  
خواهد گردید این عهدنامه را برای اینکه تصدیق کرده شود و مشخصا دول مشاهده امضا و مهر خود ندانند  
در برلین در تاریخ ۱۳ ماه ژوئیه ۱۸۷۸ میلادی منعقد شد

### مخاطب

مرخصا دول مشاهده بصفحه که در عنوان عهدنامه نام ایشان ذکر شد بیکان ذیل عهدنامه را امضا کرده اند

قدتر باختر و العاصمه

فی تاریخ شهر ربیع الثانی کتبه العبد

الانف الحجازی امیر محمد میرزا اسد محمد رضا احمد الطیبات

الادریستانی سید محمد شریف

عبداللطف















# فهرست اسامی سلاطین و پادشاهان

مدفن	عمر	مرحلت	مد سلطت	جلوس	ولادت	السلطان
خواجه رشید مدفن مقدس	چهارده سالگی	۱۱۳۹	شش سال	۱۱۳۲	۱۰۹۷	فخرخان
مدفن خضر عبد الغیما	چهار سالگی	۱۱۷۲	شش سال	۱۱۶۴	۱۱۲۷	محمد حسن شاه
مدفن اسراهای	عمر بیست و نه سالگی	۱۱۹۱	هفت سال	۱۱۸۴	۱۱۴۴	حسین قاسم ملقب بجهان سوزن شاه
مدفن بختیار	عمر پنجاه سالگی	۱۲۱۱	هجده سال	۱۱۹۳	۱۱۵۵	افان محمد شاه محو
مدفن در شهر	چهار سالگی	۱۲۵۰	سی و شش سالگی	۱۲۱۴	۱۱۸۵	فخرخان مرو
مدفن مشهد مقدس	عمر چهل و نه سالگی	۱۲۵۹			۱۲۰۳	ناب السلطان عبدالمجید محو
مدفن در شهر	عمر چهل و یک سالگی	۱۲۶۳	چهارده سالگی	۱۲۵۰	۱۲۲۲	محمد شاه طاب شاه

نام	ولادت	جلوس	مد سلطت	مرحلت	عمر	مدفن
شاهان	۱۰۹۷	۱۱۳۲	۳۵	چهارده سالگی	۳۵	خواجه رشید
شاهان	۱۱۲۷	۱۱۶۴	۳۷	چهار سالگی	۳۷	خضر عبد الغیما
شاهان	۱۱۴۴	۱۱۸۴	۴۰	عمر بیست و نه سالگی	۴۰	اسراهای
شاهان	۱۱۵۵	۱۱۹۳	۳۸	عمر پنجاه سالگی	۳۸	بختیار
شاهان	۱۱۸۵	۱۲۱۴	۲۹	چهار سالگی	۲۹	در شهر
شاهان	۱۲۰۳			عمر چهل و نه سالگی		مشهد مقدس
شاهان	۱۲۲۲	۱۲۵۰	۲۸	عمر چهل و یک سالگی	۲۸	در شهر
شاهان	۱۲۵۰			عمر چهل و نه سالگی		مشهد مقدس
شاهان	۱۲۶۳	۱۲۵۰	۱۳	چهارده سالگی	۱۳	در شهر



# سلطنت عظمی

السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان  
 نواب اشرف والاظلا السلطان مسعود میرزا دام الله اقباله  
 ابن الخاقان ناصر الدین شاه صاحبقران بن  
 تولد یوم بیستم شهر صفر المظفر سنه یک هزار و دو بیست و شصت  
 محمد شاه بن ولیع عباس میرزا ابن خاقان فخر علی شاه  
 و شش من الهجرة  
 ابن حسینقلی شاه بن سلطان محمد حسن شاه بن فخر علی شاه  
 نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دوله علی کاران  
 خان بن امیر شاه فلجان بن محمد فلجان بن محمد  
 میرزا دام الله اقباله العالی  
 فلجان فاجار خدا الله تعالی و دوله  
 تولد و روز نوزدهم شهر ربیع الثانی الحرام سنه یک هزار و  
 دو بیست و هفتاد و دو من الهجرة  
**مولد های بون**  
 شب سه شنبه ششم شهر صفر المظفر سنه یک هزار و  
 دو بیست و چهل و هفت من الهجرة المقدس النبویه  
**جلوس های بون تخت سلطنت**  
 یوم یکشنبه هجدهم شهر شوال المکرم سنه یک هزار و دو بیست و شصت  
 و شصت و چهار در دار السلطنه تبریز  
**جلوس بابرک بر تخت سلطنت در دار الخلافة ناصر**  
 در شب شنبه بیست و دویم شهر ربیع الثانی الحرام سنه یک هزار و دو بیست و شصت  
 و دو بیست و شصت چهار که الحال سی و دو سال تمام  
 که بالاستقلال مع الشوکه و العظرة و الاجلال سلطنت  
 وجهان بنی میفرمایند  
**انباء سلطنت**  
 نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیع محمد و ولیع شاه  
 مهد ظفر الدین میرزا دام الله اقباله العالی  
 تولد بیست و چهاردهم شهر جمادی الثانی سنه یک هزار و دو بیست و شصت  
 و شصت و نه من الهجرة المقدسه  
 نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دوله علی کاران  
 حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا نواب الاحسان السلطنه سلطان فرهاد  
 میرزا دام الله اقباله

نواب الامیر الدوله احمد میرزا نواب الاحسان الدوله فرهاد  
 میرزا فرهاد میرزا نواب الاحسان الدوله فرهاد میرزا نواب الاحسان الدوله فرهاد  
 شعاع الدوله لطف الله میرزا  
 ذبیح الله میرزا شمس الشعرا اسم میرزا سلطان محمد میرزا  
 حبیب الدوله لطف الله میرزا  
**اولاد خاقان معفور**  
 نواب الاحسان الدوله لطف الله میرزا و نواب الاحسان الدوله فرهاد  
 سلطان سلیم میرزا نواب محمد امین میرزا نواب عبدالدوله جناب عبدالملک خوانسار و خان مهر میرزا  
 سلطان احمد میرزا نواب محمد هادی میرزا نواب ایمان الله میرزا  
 نواب مجانبوز میرزا امیر ثومان نواب نیر الدوله پرویز میرزا  
**اولاد محمد علی میرزا ایرجو**  
 امیرزادگان و غیره که در جز و طایفه و خوانین فاجار  
 نواب نصر الله میرزا والی نواب محمد رحیم میرزا  
**امیرزادگان کز امر و عنبر**  
 ادیب میرزا محمد شریف میرزا محمد صادق میرزا حبیب الله میرزا  
 حاجی سیف الدوله میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید  
 الدوله کبیر میرزا ابوالفتح میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید  
 احسان الدوله سلطان اویش میرزا احسان الدوله  
**بنی اعمام**  
 بدیع الملک میرزا ناصر الدوله سلطان محمد میرزا ابو محمد رحیم خان رئیس غلام حسین خان حاجی شکر الله خان  
 نصر میرزا ولید میرزا احسان الدوله لطف الله میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید  
**حاجی مهدی قلیخان**  
 محمد حسن میرزا ولید میرزا اسد الله میرزا احسان الدوله حسین قلیخان رئیس نجف قلیخان ولید  
 محمد مهدیخان احسان الدوله لطف الله میرزا حاجی علی میرزا حاجی علی میرزا حاجی علی میرزا حاجی علی میرزا  
 الدوله ساسان میرزا حاجی حسین میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید  
**فرز باغ**  
 میرزا حاجی مسعود میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید  
 خرد میرزا اسمعیل میرزا اسحق میرزا عبدالله میرزا نصر قلی غلام حسینیان احمد خان محمد صادق خان  
 میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید میرزا ولید  
**طایفه دولو**  
 ایضا کاران میرزا محمد باقر میرزا داراب میرزا پسر مرحوم حاجی محمد حسینیان رئیس محمد فی خان حاجی محمد رضا خان  
 ضیا الدوله سلیمان میرزا عبداللطیف میرزا نایب الاقباله فخر علی خان حاجی قلیخان حاجی حسینیان



طایفه عزالدین لو

آقاخان رئیس محمدجعفرخان محمدلیخان محمدفاسخان  
حاجی خاندان محمدلیخان محمدرضاخان

طایفه شامیان

حاجی محمد رحمان رئیس حسنخان محمدفاسخان  
اللهویردیخان امامقلیخان محمدحسنخان اللهقلیخان باباخان

طایفه سیپانلو

حاجی مشهد  
محمد یقینان رئیس محمد رحمان اسداللهخان حسینقلیخان

محمد طاهرخان

میرزا باقرخان

شاه بوداغلو

محمدخان رئیس محمدلیخان احمدخان حاجی محمدخان  
حاجی خانلرخان

طایفه فاجلو و غیره

محمدصادقخان فاجلو محمد رضاخان فاجلو محمدلیخان رئیس  
خرنبدارلو طهرلیخان رئیس کهنه لو محمدخان رئیس کروی

سیا ولان

امیرخان بساول باشی ساپر چهار نفر

ساپر خوانین

دو پست و سی و نه نفر

ذایر دولت

نویس امور دولت بطور دینگیه در سالنامه سنه ما ضمیمه مسطور است فقط برای تسهیل امور باراده علیت  
ادارات دولتی و ایالات مملکت سیه بره مقرر داشته اند که مرجع کلیه امور سیه ز پر و مسئول دولت این سیه من هستند

اسامی وزراء و ثلثه و غیره

نواب شرف والا امیر کبیر نایب السلطنه | جناب اجلا فای مشهور الملائک | جناب شرفیه سالا را عظم و وزیر امور  
دولت علیه ایران | خارجه دولت علیه

جناب امین الملک واسطه عراض و صدور احکام و مرتبه مجلس محترم در الشوی کبری

اسامی وزراء در باره دولت از شاهزادگان فخامه و غیره که از آنها یکم مدبر چاپر از  
دو ائمه دولت در امرای شغاف و منصبی از مشاغل و مناصب کشیدند اینک شد

نواب والا امیرالدوله وزیر علیه عظمی | نواب والا اعضا السلطنه وزیر علوم | جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم  
جناب عضد الملک خوانسار الا و الخاقانی | جناب نظام الملک | جناب وزیر دفتر استنفا

نواب ناصر الملک مشیر حضورها بون | جناب حاجی دبیر الملک | جناب معاون الملک  
جناب محمد الملک وزیر نظامها و اوقاف | جناب حسنعلیخان وزیر فواید عامه | جناب زبیر لشکر افامیر ناموسی

جناب نصیر الدوله | جناب امین لشکر وزیر کمرک | جناب محمدالدوله وزیر لشکر اف  
لذا امر از اجابت نواب شرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه در امر

اقباله العالی و الا پان و ممالکی که راجع و مفوض

بنواب شرف معظم

الیه

اداره علماء اعلام و اوقافان و سادات و محترمین اداره مهم | شاهسون بغدادی  
شاهزادگان فخامه و منشیین خاندان سلطنت عظمی | اجراء حکومت و علماء اعلام و اعیان

ذکور و اناثا حکومت دار الحلافة باهره طهران | و معارف دار الحلافة طهران  
وزارت تجارت ایلان دار المرز کپلان ایالت دار المرز | اجراء حکومت

مازندران قشم کاشان ملایر تویسرکان | جناب میرزا محمود وزیر صدوق الدوله مباشر خالص  
نقانوند ساوه وزرند دماوند فیروزکوه | دیوان اعلی فرآشباشی خان نایب رئیس مستخفین اینست

نکته



عاشق شهر کشتان توان دو وقت فرست مساقی احتساب  
الملك ميرزا حسن حاجي ميرزا نوري گلانش ميرزا بزرگ كدهداي ولد ابيضا

محلته الملبدان ميرزا سيد يوسف كدهداي محله سنج  
ميرزا حسن كدهداي محله درب دولت ميرزا سيد احمد  
كدهداي محله بازار اسمعيل بك كدهداي ارك مبارك

### علماء

جناب ميرزا زين العابدين امام جمعه جناب صدر العلماء  
جناب حاجي ملا علي جناب فاسيد صادق جناب آقا  
ميرزا صالح عربي جناب حاجي شيخ موسي جناب جلبي سيد  
حسين جناب فاسيد عبدالله جناب ملا محمد نفي جناب  
آقا شيخ جعفر ميرزا مرحوم حاجي شيخ محمد جناب فاشيخ محمد  
برادر مرحوم شيخ عبدالحسين جناب حاجي ملا آقا بزرگ  
جناب حاجي آقا محمد

### اعيانك اشرف وامراء و خوانين دار الخلافة

جناب ميرزا محمد خان نظام العلماء نايب نظام العلماء آقا شيخ  
علي جناب اعتماد الدولة حيدر قليخان ولد اصف الدولة  
آقا سردار ولد سپهدار عين الملوك محمد ميرزا ولد جناب اعضا  
الدوله عباس ميرزا ولد ابيضا فتحعليخان ولد ابيضا محمود  
خان ملك الشعراء ميرزا جعفر حكيم الهي سلیمانخان ولد مرحوم  
حاجي الدولة حسيني قليخان ولد مرحوم اعتماد الدولة رضا  
قليخان عبدعليخان ولد مرحوم سلیمانخان محمد نوريخان  
ولد سهرابخان اسمعيلخان بشير الدولة ميرزا محمدخان  
غلام حسينيخان ميرزا صادقخان ولد مرحوم ميرزا حسينيخان

### وزارت تجارت جناب نصير الدولة وزير تجارت اجزاء وزارت تجارت

وزارت تجارت  
جناب نصير الدولة وزير تجارت  
اجزاء وزارت تجارت

رؤسای تجارت دار الخلافه

حاجي محمد کاظم ملك التجار مالک مرحوم سردار ان حاجي ميرزا نوري آقا  
حاجي ميرزا ابراهيم امين التجار حاجي محمد صادق امين التجار  
ملا محمد حسين ميرزا نوري حاجي احمد ميرزا نوري حاجي علي اکبر شيرازي

حاجي محمد حسن اصفهاني حاجي علي بنفسي کاشاني آقا محمد امين  
ارباب طهران آقا عبدالباقی ارباب طهران آقا محمد ابراهيم  
طهران حاجي محمد ابراهيم ارباب طهران حاجي عبد اللطيف

شيرازي حاجي علي اکبر هدا شيرازي حاجي محمد حسين ارباب  
طهران آقا محمد حسن ارباب طهران حاجي آقا موسي ارباب  
طهران آقا محمد حسين ارباب طهران آقا علي باي طهران

حاجي محمد صادق ناچر کاشاني حاجي محمد حسين ناچر کاشاني  
ميرزا باقر جليلي حاجي آقا محمد ناچر کاشاني حاجي علي  
ناچر ميرزا حاجي ملا حسن طهران آقا ميرزا محمد علي شيرازي

حاجي سيد محمد ميرزا نوري  
رئيس التجار و مأمورين ولايات  
شيرازي حاجي ميرزا محمد آقا نوري نواب  
عبدالدهله حاکم حسره آقا خان فزوين نواب جعفر ميرزا  
کيلان نواب يحيي ميرزا مازندران ميرزا علي بنفسي ملك التجار  
هدان ميرزا احمد برجرد خواجهر محمد باقر کرمانشاهان آقا

کرمانشاهان ميرزا سيد ابراهيم باخيار نواب ابو الفتح ميرزا  
مردگان جناب اعضا الدوله حاکم اصفهان محمد جعفر  
خان شيرازي و بوشهر باخيار نواب والا معتمد الدوله  
ميرزا آقا کورک ملك التجار کرمان حاجي شهاب الملك حاکم  
خراسان حاجي ابو القاسم ملك التجار استرآباد ميرزا جواد  
خان سمنان و دامغان اعضا الدوله حاکم شاهرورد

جناب ضياء الملك نايب الحکومه ميرزا  
علماء

جناب حاجي ملا محمد علي امام جمعه جناب حاجي ميرزا عبدالباقی  
جناب حاجي ملا فاسم جناب حاجي محمد ابراهيم معروف حاجي  
محمد جناب فاسيد حيدريه جناب آقا شيخ جواد  
جناب آقا محمد نفي آقا زاده جناب ملا محمد حسين

اعيان



اعیان

میرزا محمد علیخان امین دیوان میرزا عبدالوهاب مشوش  
محمودخان سرنپ میرزا موسی خان نجم باشی حاجی میرزا  
اکبرخان سرهنک

مختار

حاجی محمد عسکری مختار آقا محمد ابراهیم کمان آفاسید  
فاسم کاشی محمد آقا فاسید رضی میرزا موسی

طوالشیرتولی بدی فاسم و آقا نایب السلطنه  
امیر کبیر

نصرت الله خان سرنپ جوادخان سرهنک آمان الله  
خان سرهنک نصرالله خان اللهیارخان سرهنک  
نعمت الله خان سرهنک

ماننداران

امیرزا نواد الله میرزا حکمران کل

هزارچریپ

ابراهیمخان سرنپ و دو آنکه هزارچریپ نصف یا نصف فلجان  
سرهنک نصفه بکر الطغی خان سرهنک

حاکم یار فرزند چهار فلجان فاجار حاکم اشرف عبدالحمین  
میرزا حاکم امل محمد ابراهیمخان حاکم محال ثلاثه ساعدالدوله  
حاکم بند و عبدالحمین خان سرنپ حاکم لاریجان  
خان باباخان سرهنک

ملا پری و نویسیکان و نهان و سند  
نواب لاعزالدوله عبدالصمد میرزا حکمران کل  
قره کاشان باجناب اغضادالدوله

قره خودشان نایب الحکومه کاشان میرزا سپید پوسف  
میرزا حسن برینداز و لایث کاشان  
ساولوزررند

حاکم معمار باشی نایب الحکومه عبدالله خان  
شاهسون بغداد حاکم میرزا محمودخان  
حاکم دماوند حاجی میرزا جمعی خان  
حاکم فرنگکوه اسمعیل خان سرنپ

علم جانشینان

حاجی بهاء الدوله سرنیاول و پیشکار مخصوص محمد زمان  
میرزا ابشیک فاسم باشی حاجی میرزا محمد حسن خان  
فراسیاشی عبدالله خان پیشخدمت باشی حاجی نصرالله میرزا  
میرزا خورشید میرزای صاحب جمع امیرزاده آفاسرودار  
پیشخدمت خاصه اکبرخان ناظر عبدالقلیخان مترجم و  
صند و قدار میرزا محمد حسین کاتب السلطان میرزا علی  
پیشخدمت خاصه و فتنه مخصوص

مستوفیان

میرزا علی میرزا هادی سایر مستوفیان

مفتیان

میرزا محمد مفتی باشی قزوینی میرزا علی اکبر مفتی باشی  
میرزا علی

کشیگان

محمد اسمعیل خان کشیکی باشی و فنگدار باشی رضا فلجان  
پوز باشی هدا پناه خان شاطر باشی  
رجب علی بیک ده باشی  
خلوت

ادارات متعلقه بجناب اجل افای مشهور المالك

دوایرهای کرد و انتفاعی و راجع بجناب اجل افای

وزارت دفتر اسبقا دیوان عدالت عظمی اداره خلوت  
وزارت نظایف اوقاف اداره کشتیخانه و انتظامات دربخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره نکر الخانه مبارکه صندوق  
وزارت خانه خاصه مبارکه و زینخانه و سایر بیوتات دولتی  
مقنن و باغات و عمارات مبارکه دولتی امور خزانه عامه و نظم  
و تربیه و الحاحات فنگداران خاصه جارچیان شاطران  
کالسکه خانه مبارکه اصطبل خاصه اداره چا پارخانه مجلس  
ادارات ممالک و لایحه مستوفیان بجناب اجل افای  
فارس اصقهان و نزد کرمان و بلوچستان کرمانشاهان  
و کردستان و لرستان و لرستان عراق و برورد کلیان  
و خوانسار کره و نظریه و جوشقان و محلات همدان و آسناد  
و کنگاور

ادارات خاصه جناب اجل افای

جناب معاون المالك حاجی میرزا رضا فتنه مخصوص  
مفتیان و اجراء وزارت جناب معاون المالك  
کرد و بیوتات و اجراء احکام دولتی  
میرزا صادق خان فتنه حاجی میرزا عبدالله میرزا مهدی  
کلانی میرزا امین میرزا محمد ساوجبلاغی میرزا علی محمد  
کاشانی میرزا علی میرزا فاسم میرزا قزوینی و کلان  
وزارت دفتر اسبقا  
جناب میرزا هدا پناه و وزیر دفتر اسبقا  
مستوفیان حاضر در کاب



مرزا محمد ولد مرحوم میرزا محمدی میرزا رضای البرز میرزا سید محمد  
 میرزا محمد و رضای نوید کافی میرزا حسن میرزا زکی نایب میرزا فتح  
 میرزا علی میرزا محمد ولد حاجی میرزا علی قلی میرزا عبد العلی  
 میرزا حسن میرزا ابراهیم میرزا حسن علی خان ولد مرحوم میرزا  
 نظر علی میرزا هدایت پسران الملك میرزا شکر الله پسر نصر الملك  
 میرزا جعفر

### امور بین

مشیر الملك مستشار الملك ضیاء الملك میرزا حسن خان  
 پیر حاجی صاحب دیوان میرزا مسیح میرزا شفیع خان کرکاتی  
 میرزا شفیع مستوفی نواب جسام السلطنه میرزا محمد حسین  
 میرزا محمد حسین سراج الملك

### وزارت عدلیه عظمی

نواب والامیر الدوله وزیر عدلیه عظمی  
 امنا و اجزای دیوانخانه مبارکه

### صدور دیوانخانه اعتماد الملك

حاجی خازن الملك آدیپ الملك حاجی آدیپ الدوله محمد حسن  
 حسن مستوفی دیوان اعلی حاجی میرزا علی رئیس نایب اول  
 وزارت عدلیه میرزا عبدالغنی نایب الوزاره نایب اول  
 وزارت عدلیه میرزا محمد حسین نوری فتح الله خان ناظم  
 دیوانخانه عدلیه میرزا سید احمد سر رشته دار میرزا  
 ابوالقاسم منشی میرزا عبدالحمید منشی باقی ناظم خلوت میرزا محمد

### صدور دیوانخانه مبارکه و خندان

میرزا علیخان منشی اول پیر مرحوم میرزا محمد مستوفی میرزا  
 ابراهیمخان منشی اول میرزا علی رضا منشی حاجی میرزا  
 ذین العابدین منشی میرزا ذین العابدین منشی میرزا  
 محمد علی منشی میرزا عبدالغنی نایب نوری میرزا سید محمد

برایست صنایع الدوله مترجم مخصوص حصوه ها بون مسبو  
 دبستان خان سر نوب مترجم زبان فرانسه و انگلیسی میرزا محمد رضا  
 مترجم زبان فرانسه میرزا علیخان مترجم زبان فرانسه و انگلیسی  
 میرزا علی بی خان سر هنک مترجم مخصوص زبان فرانسه مادر  
 خان مترجم زبان روسی و فرانسه بدون زبان مترجم زبان المانی

### اطباء خاصه

دکتر طولوزان حکیم باشی ملکا لاصبا میرزا کاظم شیخ الاطبا  
 میرزا احسن علی میرزا نصر الله نیکانی میرزا ذین العابدین  
 کاشانی میرزا القان ولد ملک الاطباء مسبو هیدنه دندان ساز

### فرستادگان و پانچا در کرباط ها بون

میرزا محمد کریمی میرزا کریم محمد صادخان فرستادگان  
 دیوانخانه مبارکه  
 غلام علیخان قهوه چینی باشی افا جبار رفوه چی

### تفصیلات از خاصه

رضا علیخان محمد زمان خان رسم خان مصطفی خان  
 آقاخان فریح خان میرزا باقرخان علی اکبرخان  
 میرزاخان جدرخان محمد کریمخان حسرتخان پیمان  
 آساده خان اسمعیلخان محمد خان کریمی نصر الله خان نور  
 رضاخان نادریک میرزا ابوالفتح حاجی نعمتخان حاجی علی خان

### خواجگان سرایان

معمد الحرم حاجی آغا جوهر خواجهر باشی آغا عرب حاجی سرد  
 حاجی آغا فرید آغا حسن حاجی غلام علی آغا سید اسمعیل  
 آغا بهرام آغا فتح الله  
 آغا فریح

### وزارت وظایف و اوقاف

حاجی محمد الملك وزیر وظایف و اوقاف

### وایضا مستوفی امور دیوان

از میرزا باجان  
 خراسان  
 اصفهان

### اجزاء دفتر وزارت عدلیه وظایف

میرزا مهدی نایب الوزاره وظایف آقا سید مصطفی جسام  
 السادات نایب الوزاره اوقاف میرزا نصر الله سر رشته دار کل  
 مستوفی ممالک محمد رسد میرزا مصطفی خان منشی وزارت  
 وظایف میرزا محمد علیخان خلاصه نویس میرزا الله علی خان  
 سر رشته دار اوقاف ممالک محمد رسد  
 استخا صکر بابان و صاحب منصبی رجوع مستوفی

میرزا احسن علی فرستادگان ها بون



فارس

میرزا رحیم خان

دارالخلافه طهران

میرزا کریم فراتخوان خاصه هابون

عراق و کربلا و سایر البلوک و محلات

میرزا محمود منشی

فروکاشان و ساواک

میرزا سید حسین

ملایر و نوسنگان و نهاوند

میرزا اسحق منشی

همدان و اسداباد و کنکاور

میرزا فتح الله فراتخوان هابون

مازندران

حاج میرزا رحیم فراتخوان هابون

بهر

میرزا اجواد منشی

کبلان

علی اکبرخان فراتخوان هابون

کردستان و کروس

محمد حسین خان نایب ایشیک فاسی منشی

فروزی و طالقان

افا محمد حسین نایب

نطنز

حسین خان فراتخوان هابون

کرمانشاهان

میرزا حسن اجودان و ذوات رسائل

کرمان

حاج میرزا صلاخان بیک فراتخوان

عربستان و لرستان

میرزا اسمعیل منشی

دهانند و فیر و کوه و خوار

میرزا طه باسقی

وزارت کربک

جانبابین لشکر وزیر کربک مالک محروسه

سررشته دار کل و مشرف

معین التجار حاج میرزا حسن

مامورین و ایالت و محالک محروسه

میرزا محضه سررشته دار میرزا علی اکبر سررشته دار میرزا آقاسی

ادب باچان

منشی میرزا شفیع

میرزا آقاسی میرزا مهنگ سررشته دار کل فراتخوانه سررشته دار

تجولدار افاغلی

میرزا ان میرزا جان مقوم سررشته مشرف و نفر تجولدار و نفر

مستشار و معاون و منشی

علیخان آذربایجان و غیره پیرانفر

بوشهر و شیراز

اصفهان

رئیس افاغان تجولدار مشرف نفر

مازندران

عیطقلی خان رئیس بیزان و نایب الحکومه محال پازوار میرزا

ضراوه و میرزا یوسف مباشر بنایر

کرمانشاهان

رئیس زکچان تجولدار مشرف عمده نفر

همدان

رئیس کل میرزا احمد تجولدار مشرف عمده

بهر

مباشر کرده نایب یوسف سررشته کل میرزا علی بنی تجولدار عمده

ایشیکان و صبارک

کرمان

رئیس کل میرزا زاده مرتضی طه میرزا تجولدار مشرف

بروجرد

مباشر اسمعیل خان مشرف حسن

کاشان

رئیس میرزا جان تجولدار مشرف

فروزی و خمسه

رئیس افارجم تجولدار حاجی نعمت الله مشرف

مرشد و انزلی

رئیس تجولدار مشرف

خراسان

رئیس تجولدار مشرف

کلیایکان

مرحوم میرزا فضل الله خان غلامحسین خان حاجی حسین

خان بروجردی محمد علیخان نوای میرزا محسن

اداره باغات و غلات و فواکه و حبوبات و حبوبات

حاجی ظهیرالدوله جعفر علیخان ولد نور محمد خان سرنوب

برپایست صنایع الدوله فرجه مخصوصه هابون حلبی

میرزا حسین بن میرزا آقاسی صالح منشی باشی

اداره باغات

محمد سخان نوری نایب ایشیک فاسی باشی مصطفی علیخان

فاجا و نایب ایشیک فاسی باشی محمد علیخان برادر مرحوم

خان ابوالفتح خان برادر مرحوم ضرور محمدخان ولد مرحوم

عبدالمک عباسعلیخان ولد مرحوم محمدخان

امان الله خان نایب ایشیک فاسی باشی مهد علیخان

میرزا ابوالقاسم مشرف



وزارت تلکراف

جناب مخبرالدوله وزیر تلکراف

صاحب منصب اجرائی تلکراف خانہ مبارک دار اسرار ابو شہر چہار نفر

الخلافہ ناصر شصت و ہفت نفر

صاحب منصب

حسین خان سرنپ ناظم ادارہ نصر اللہ خان سرہنگ مھولیار

مسبو ستارک سرہنگ دفتر دارخار جہا پرفا امیر زادہ شامراوی

نصر اللہ خان سرہنگ تلکرافچی مخصوص محو خان سرہنگ رشتی

نقحان واسم جیل خان دو نفر تلکرافچیان بیست و ہفت نفر

امریاب قلم ساز دہ نفر

میرزا سلیم مرشد دار مشہد ہشت نفر بحرین ہفت نفر

غلام رسوا فرانس بیست و ہفت نفر

سوارہ و پیادہ مشش نفر سوارہ چہار نفر پیادہ دو نفر فرانس

خوی صاحب پنج ہفت نفر بیانیج دو نفر تلکرافچی نفر

فرانس فرانس خوی پنج نفر تلکرافچی نفر غلام و فرانس چہار نفر

مزد و جلفا چہار نفر مزد و فرانس تلکرافچی نفر فرانس

نفر جلفا دو نفر تلکرافچی نفر فرانس نفر

رشت و منجیل شانزہ نفر

رشت صاحب منصب چہار نفر سوار وغیرہ دہ نفر ابو الفتح

میرزا رئیس تلکرافچی و منشی ستہ فرانس سوار سوار و پیادہ

مشش نفر منجیل دو نفر تلکرافچی نفر فرانس نفر

خط خانقین مغاند و شش نفر

خان آباد و عنبر و شانزہ نفر

خان آباد سرہنگ تلکرافچی نفر غلام و فرانس و فرانس چہار نفر

تلکرافچی نفر فرانس و غلام سہ نفر دہ چہار نفر تلکرافچی نفر

فرانس و غلام سہ نفر ککا و پنج نفر تلکرافچی نفر فرانس و غلام

کشیکی چہار نفر

میرزا ابوالقاسم رئیس تلکرافچی و منشی پنج نفر فرانس نفر

ابادہ تلکرافچی نفر فرانس نفر

کازرون تلکرافچی نفر فرانس نفر

شیراز صاحب منصب پنج نفر میرزا ہدایت اللہ رئیس فرانس و غلام

تلکرافچی و منشی چہار نفر فرانس نفر

ہدان شانزہ نفر صاحب منصب ہفت نفر سمنان و دامغان دوازہ نفر

میرزا جعفر خان سرہنگ رئیس تلکرافچی و منشی شش نفر سمنان مشش نفر حاجی بابا خان رئیس تلکرافچی نفر

فرانس چہار نفر غلام پنج نفر فرانس و غلام چہار نفر

گرا شاہان نہ نفر صاحب منصب چہار نفر دامغان مشش نفر عبدالحمید خان یاورد رئیس

محمد صوفی پراسرہنگ رئیس تلکرافچی و منشی سہ نفر فرانس و غلام پنج نفر

فرانس دو نفر غلام سہ نفر

قصر و کربلا وغیرہ ہفت نفر صاحب منصب سہ نفر

تلکرافچی و فرانس دو نفر جلیقہ پیرا رئیس و تلکرافچی خارہ تلکرافچی سہ نفر تلکرافچی مہامی و مہمان دشت جہا پرفا

خانقین نفر فرانس و غلام چہار نفر

ملا پرتش نفر صاحب منصب دو نفر پنج نفر غلام نوزدہ نفر

میرزا طاہر رئیس نفر منشی نفر (ساہر چہار نفر) فرانس

تلکرافچی دو نفر فرانس و غلام مشش نفر فرانس و فرانس

بروجرد دوازہ نفر صاحب منصب سہ نفر عبد غلام چہار نفر غلام ماش دو نفر

الحسین خان رئیس تلکرافچی و نفر (ساہر نہ نفر) فرانس

چہار نفر اعجاز خان سرہنگ رئیس تلکرافچی و منشی سہ

عرف پنج نفر حبیب اللہ میرزا رئیس تلکرافچی نفر

فرانس فرانس غلام دو نفر

نہاوند پنج نفر حاجی مہدی خان رئیس نفر تلکرافچی نفر

فرانس دو نفر غلام نفر

خط فراسان

ابوان کبک و خوار وغیرہ دہ نفر

ابوان کبک چہار نفر تلکرافچی نفر فرانس و غلام سہ نفر

خوار چہار نفر تلکرافچی نفر فرانس و غلام سہ نفر

حضرت عبدالعظیم میرزا رضی یاورد تلکرافچی

فرانس نفر

خط کرمان

میرزا فضل اللہ سرنپ رئیس تلکرافچی و منشی پنج نفر فرانس

پنج نفر غلام دو نفر

میرزا حسین یاورد رئیس تلکرافچی و منشی چہار نفر

فرانس نفر

میرزا حسین یاورد رئیس تلکرافچی و منشی چہار نفر

فرانس نفر



غلام خرم آباد و قلاع نوزده نفر فرانس چهار نفر

کردستان و فروغ بازده نفر میرزا اسمعیل

رئیس نگرانی و میرزا سه نفر غلام چهار نفر فرانس

دو نفر است و دو نفر صاحب منصب سه نفر میرزا

حیدر علیخان سرنشین محمدجعفر میرزا نفر نگرانی

فرانس چهار نفر غلام هشت نفر ننگی صفت نفر

شوشتر نفر میرزا علی محمد باورد و اسامی اجزاء مرکز کلاط و دار الخلافه

رئیس نفر نگرانی و غلام دو نفر فرانس نفر

مامورین خط نیز و کرمان

مسئولین صاحب منصب نفر علی اصغر خان سرهنگ

محمد نو جان قاجار نفر

محمد هاشم خان جارچی باشی حسن خان نایب میرزا

ابراهیم خان ابضا غلام حسین ابضا

ساطران

برایست فضل الله خان ساطر باشی

کالسکه خانه مبارک

برایست میرزا مالک

حاجی علی بیگ کالسکه چی باشی نایبان جز و هشت

میرزا یعقوب مشرف کالسکه چیان یکصد و سی و نه نفر

اصطبل خاص مبارک

امیران و مهند تقیخان پیشخدمت حضور همایون

اجزاء

میرزا رضا قلی سر رشته دار حاجی میرزا و اولاد

ناپیان

رشدخان میرزا ابراهیمخان حاجی نایب مراد بیگ

محمد بیگ سایر ناپیان هجده نفر

اداره پستخانه مبارک ممالک محروسه

برایست جناب امین الملک

میرزا علی محمد باورد و اسامی اجزاء مرکز کلاط و دار الخلافه

لکسند و سواتستان رئیس کل موسی و نیکلا نایب اول

پستخانه های ممالک محروسه میرزا محمد مستشار پستخانه ها

ممالک محروسه میرزا احسن ناظم پستخانه های ممالک محروسه

میرزا ذبیح الدین صدر الکتاب و منشی باشی میرزا هادی

سر رشته دار میرزا اسد الله مؤید دار میرزا ابراهیم کرمان

نوشخان رسمی میرزا سر کسب کرمان و نوشخان سفایه

غلام چا پار سازنده فرانس طاق سه نفر

اسامی پنجه و محلات شهر دار الخلافه

پنجه حله چابان سر کسب خان با دو نفر فرانس پنجه حله

میرزا با یک نفر فرانس پنجه حله چالبدان مسج خان با یک نفر

پنجه حله سرخ میرزا حسین با یک نفر فرانس پنجه حله

دروازه فروز بن مشهک علی اصغر با یک نفر فرانس پنجه حله

سنج میرزا علی پاشا با یک نفر فرانس پنجه حله

العظم میرزا صادق با یک نفر فرانس

اسامی اجزاء پستخانه مبارک

موسوی و نیکلا اشغال رئیس پستخانه های اذربایجان

میرزا زین العابدین رئیس طاق برین میرزا حاجی آقا میرزا ایاطا

میرزا ادانس غلام چا پار بازده نفر فرانس سه نفر

جلفای رس

میرزا مسیحی رئیس فرانس یک نفر

میانج

میرزا یوسف رئیس فرانس یک نفر

ادریل

حاجی میرزا عبد الکریم رئیس فرانس یک نفر غلام دو نفر

دلبان

میرزا غلام رئیس فرانس یک نفر

مراغه

میرزا قاسم رئیس فرانس یک نفر مامورین باب یک نفر

خوی

میرزا رضار رئیس فرانس و غلام دو نفر

امر و صبه

میرزا نیکلا رئیس غلام یک نفر فرانس یک نفر

اجزاء پستخانه تبریز

میرزا ابو ترخان رئیس میرزا و فرانس دو نفر

فرهین

میرزا محمد علی رئیس میرزا و فرانس دو نفر غلام چا پار یک نفر

رشت

موسوی و اندران مسیحی رئیس فرانس یک نفر

قصر

میرزا فضل الله رئیس فرانس یک نفر غلام چا پار دو نفر

سلطان آباد

شیراز

نظر علی بیگ رئیس میرزا و فرانس دو نفر غلام چا پار دو نفر

قاصد راه بو شهر و نیز دشمن نفر

اباده شیراز پیشی یک نفر

اصفهان

میرزا کریم مسیحی رئیس فرانس یک نفر غلام چا پار دو نفر

کاشان

میرزا هاشم رئیس فرانس یک نفر غلام چا پار دو نفر

کرمان

میرزا اهلر صار رئیس فرانس یک نفر غلام دو نفر

یزد

میرزا محمد علی رئیس فرانس یک نفر غلام چا پار چهار نفر

استرآباد

میرزا اردبیل مسیحی رئیس فرانس یک نفر غلام یک نفر

ساری

علی مردان بیگ رئیس فرانس یک نفر

همدان

میرزا محمد علی رئیس فرانس دو نفر غلام شش نفر

سندج

میرزا محمد علی رئیس فرانس یک نفر غلام دو نفر

کرمانشاهان

میرزا علیخان رئیس فرانس یک نفر غلام دو نفر

خانقین

میرزا

میرزا



میرزا محمود رئیس فرانس بکفر

خراسان

حاجی ابوالقاسم رئیس فرانس بکفر غلام چا پارد و نفر

سبزوار

میرزا محمد علی رئیس فرانس بکفر

شام رود

میرزا نصر الله رئیس فرانس بکفر غلام چهار نفر

سمنان

حسین خان رئیس فرانس بکفر

بروجرد

میرزا عبدالعزیز رئیس فرانس بکفر غلام بکفر

دولت آباد ملایر

اسدالله خان رئیس فرانس بکفر

جلفای اصفهان

میرزا یوسف سنجی رئیس فرانس بکفر

مجلس محترم بهنایا

جناب امین لشکر میرزا عبیدوزیر حاجی میرزا نصر الله مستوفی

حاجی میرزا شفیع مستوفی امین حضور میرزا طاهر سررشته دار

یا شاپور فراتخون میرزا محمد سررشته دار میرزا هاشم سررشته دار

ولایت حکام مالک و لایات مختلفه مجایب اجلا

ولا باناصفها و نیز در بروجرد و پنجابری و کلیایکان و خوانسار

نواب شرف والا شاهنشاهزاده افخم ظل السلطان ادام الله

افزالد العالی حکمران و صاحب اختیار کل ولایات مرفومه

پیر احمد ابراهیم خلیل خان نایب الحکومه

بروجرد و پنجابری میرزا اسدالله میرزا نایب الحکومه

کلیایکان از کاشانک مخصوص نواب شرف و معظم الیه

خوانسار و فیض کاشانک مخصوص نواب شرف معظم الیه

ملک فارس

نواب والا معین الدوله درها نفرهای ملک فارس

ایالت کرمانشاهان و کردستان

نواب الاحصام السلطنه والی و حکمران ایالت کرمانشاهان

و کردستان و سرحد عراقین

امیرزاده ابوالفتح میرزا نایب الا باله کردستان

ایالتین عربستان و لرستان

نواب الاحتمه الدوله والی و حکمران ایالتین عربستان

و لرستان امیرزاده عبدالله میرزا نایب الا باله لرستان

همدان

جناب الحجازی الهمفلیحان حکمران ولایت همدان

جوشقان حکومته کاشانک نواب الامیرالدوله

اسداباد

حکومت خان باباخان سرنبد پیرسلیمان خان صاحب خنیا

عراق حکیم المالك حکمران عراق و کمره

نظر حکومت نواب والا اصمام السلطنه

حلات

حکومت کسان جناب محمد الملك و ذریه مخصوص

کنکار

حکومت محمد الله خان ساری اصلان

وزارت

وزارت ادارات جلیله و مختلفه مجایب شرف امجد و شیریالدوله که همسار اعظم

وزیر امیر و وزیر خارجه  
وزارت جلیله جنگ

جناب شرف مشیرالدوله سپه سالار اعظم رئیس کل لشون از نوبخانه و فورخانه و زبورخانه و افواج فاهر و سوز

و پیاده نظام و خارج نظام

جناب وزیر لشکر میرزا موسی

مجلس نظامی

خراند نظام

میرزا عبدالحمید میرزا مهدی نوری حاجی میرزا شرف پیرزا

ابوالقاسم میرزا اسدالله میرزا مهدی کجوری میرزا سپید علی

امیرزاده و جبهه الله میرزا پیشرفت حاصره و خزانده دار نظام

میرزا محمد علی میرزا زمان

سردرشته داران در دفتر لشکر و غیره

سردرشته داران در دفتر لشکر از بابت سردرشته داران و غیره

میرزا ابوالقاسم میرزا محسن میرزا بنی میرزا حسین میرزا سپید

محمد علی میرزا محمد علی آشتیانی میرزا امامقلی میرزا آقا میرزا احمد

میرزا هادی میرزا اسمعیل میرزا محمد علی نوری میرزا محمد علی

کرکافی میرزا ابوالنور میرزا زکی میرزا عبدالکریم میرزا علی

میرزا بنیاد میرزا عنایت میرزا طاهر میرزا باقر میرزا حسنخان

میرزا اسحق میرزا صادق

سردرشته داران تقیچانه و فوجخانه

توقیچانه و اصطبل

جناب میرزا خرمیران امین لشکر میرزا مصطفی وکیل لشکر میرزا

شفیع میرزا یوسف میرزا اسمعیل میرزا محمد تقی میرزا علی ولد

میرزا حبیب الله میرزا بنیاد میرزا محمد علی توقیچانه میرزا بن

العابدین میرزا علی میرزا رفیقخان میرزا شرف میرزا عبدالحمید

میرزا حبیب الله میرزا ابوالقاسم میرزا محمد تقی میرزا عبداله خان

میرزا حبیب الله خان میرزا حسینعلی میرزا محمدقلی میرزا علی صفر

میرزا اسپد تقی میرزا آقا میرزا حسن میرزا انور

فوجخانه



زینب کجانه

از باب میرزا هادی سرشنه دار

مهاجر

از باب میرزا الطغی سرشنه دار

مخزن

از باب میرزا سید حسین سرشنه دار

منشیان

میرزا محمد خان منشی باشی مخصوص میرزا محمود خان منشی میرزا

کلیط میرزا مهک میرزا ابوالحسن حاجی میرزا عبدالکریم لشکر نویس

میرزا محمد خان میرزا سید رضا میرزا عبدالرحیم خان میرزا

میرزا شفیع میرزا اسمعیل و ز نامه نویس میرزا هلاکت میرزا

نویس میرزا سید حسن خان

عزیم باشی و عزیم نیر لشکر

میرزا محمد علی عزیم باشی میرزا علی اکبر میرزا اسمعیل میرزا

اسمعیل ابضا میرزا جعفر میرزا حسن میرزا علی اصغر

مامورین و لایات

از بابچان

لشکر نویسینان

میرزا احمد خان مؤید الملک لشکر نویس باشی میرزا غلام

ناظم لشکر میرزا محمود خان مستوفی نظام میرزا سید نصر

میرزا علی رضا حاجی میرزا یوسف میرزا علی اشرف میرزا

میرزا علی حاجی میرزا حسن میرزا احمد میرزا محمد میرزا احمد

سرشنه داران

میرزا عبدالعلی میرزا علی میرزا فرید علی میرزا محمد

خراسان

میرزا سید محمد لشکر نویس باشی خراسان

سرشنه داران

میرزا یوسف سرشنه دار میرزا رضا ابضا

فارس

میرزا الطغی خان لشکر نویس باشی فارس میرزا مصطفی

لشکر نویس

اصفهان

میرزا محمد حسین لشکر نویس میرزا محمد سرشنه دار

عربستان

میرزا رضا لشکر نویس

عراق

از باب میرزا تقی لشکر نویس

مازندران

از باب میرزا غلام حسین لشکر نویس

استرآباد

از باب میرزا مقیم لشکر نویس

کرمان

میرزا حسین لشکر نویس میرزا عبداله سرشنه دار

کرهاشاهان

از باب میرزا حسین علی لشکر نویس

همدان

از باب

از باب میرزا محمد لشکر نویس

بسطام

از باب میرزا احمد سرشنه دار

اطباء و جراحان نظام

علیخان میرزا سید رضی حکیم باشی عالیجناب میرزا سید محمد

توحیدخان عالیجناب میرزا سید علی باب حکیم باشی عالیجناب

محمد تکلیفی ابضا عالیجناب میرزا رضا قلی جراح باشی

اطباء و جراح حاضر در کاب مامور و لا بان مشفق و بخیر

صاحب مصیبان

امراء توان

نواب جهاننور میرزا جناب ناصر الملک جناب وزیر

فواد امیر الامراء العظام مصطفی خان امیر الامراء العظام

سلیمانخان صاحب اختیار عمدة الامراء العظام میرزا

حسنه الملك

سرتهبان اول

احسانام الدوله ناصر الدوله انوشیروان میرزا و جبهه الله

میرزا حاجی بهاء الدوله ختمه السلطنه عید الله میرزا

شهاب الدوله واعضا الملک حسام الدوله سهام

الدوله نصر الملک صار الدوله ساری اصلان و کمال الله

مظفر الدوله اللهیارخان اجودا باشی اعظم السلطنه

اقبال الدوله محمدخان والی حاجی جابرخان نصر الملک

سعاد الدوله نتجیح السلطنه مصطفی قلخان جهان پیکو

علیخان مشیرالوزار حاجی میرزا صادق خان سیف السلطنه

صمصا الملک شجاع الملک میرزا یوسفخان مستشار

حسینخان افشار برادر سار

صلان حسینقلیخان فورن پیکو عبدالحمید خان ولد

مرحوم علیقلیخان اجودا باشی محمد آقا شیب فرج میرزا

سرتهبان دویم

سواى آنها پیکه جزو افواج و سواره نوشته شده

عالمشاه میرزا عبدالحمید خان ولد مرحوم سردار امیر نظام

حاجی غلامحسین خان ولد مرحوم نظام الدوله اکبرخان برنجان

جمشیدخان حاجی برنجان

سرتهبان سیم

سواى آنها پیکه جزو افواج و سواره نوشته شده

عبدالله میرزا نایب الدوله سلطان محمد میرزا داراب میرزا

سلیمان میرزا کامران میرزا حاجی یوسفخان حیدرقلخان

ولد مرحوم آصف الدوله بهاء الملک حسینقلیخان فاجا

سرتهبان سوار و خواجند مهدقلیخان دینلی حاجی

هادیخان محمدعلیخان قطب امیرقلیخان ابوطالبخان

عطاء الله خان میرزا کریمخان میرزا علیخان افشارعلیخان

کریم حیدرقلیخان مرادعلیخان ابضا عجمقلیخان شیب

حسینقلیخان ابضا رضاقلیخان میرزا رضاخان احمدخان

مهدیخان فاجا حاجی اسمعیل پاشاخان ماکوئی آفرخان

افشار سیف الله خان لاریجانی میرزا نصر الله خان

غلامحسینخان لاریجانی

سرهنگان خارج از فرج

حاجی محمد میرزا رحمة الله خان شفاقی محمودخان کرکی

علیقلیخان جوانشیر جعفرخان فرجی داغی خرمخان افشار







فوج دوم محمد جمعی لطف الله مرزای سرهنك

فوج چهارم افشار بکشلو جمعی بافرخان هنك

فوج هشتم کردی جمعی علی رضا خان سرهنك

فوج هشتم سیلان خور و غیره جمعی دستخان هنك

فوج اول بهار لوجی صفر علیخان سرنیپ

فوج سیم اردو جمعی فرخ الله خان سرهنك

فوج پنجم خونی جمعی تقیخان سرنیپ

فوج هفتم شقای جمعی جلیل خان سرنیپ

فوج مخبران مقدم جمعی صاحبان امین نظام

فوج اول افشار جمعی محمد رضا خان سرنیپ

فوج سیم فرزند فرزند لوز جمعی مرزا شیخ خان سرهنك

فوج پنجم مدنی و نهادی جمعی مرزا ابراهیمخان سرهنك

فوج هفتم کرمان و قیطان و شیرازی جمعی عبدالحسین خان سرنیپ

فوج مخبران شقای جمعی اصلا نخان سرنیپ

فوج قورخان سرنیپ اول و رئیس قورخانه مبارکه

سرهنگان محمد علیخان بافرخان مرزا عبدالله خان عبدالله خان

سرهنگان عبد اقا مرزا محسن یاوران

سرهنگان حاضر کباب دوازده نفر مامور و کاپان دوازده نفر

سرهنگان زینبوری کخان سرنیپ مرزا الله خان سرنیپ عبدالحسین خان سرهنك

سرهنگان علی بیگ پاور اسمعیل خان پاور

سرهنگان موزیکاپچیان ابو جمعی امیرزاده و جید الله مرزاسر نیپ اول و خواجه

سرهنگان نظام صاحب منصبان

سرهنگان شکر الله خان موزیکاپچی باشی محمد حسن خان سرهنك نواده مرحوم سردار صفر علیخان باور و غلام حسین بیگ پاور

سرهنگان دستجات موزیکاپچی موزیکاپچیان نو پخانه مبارکه

سرهنگان موزیکاپچیان زینبوری کخانه

سرهنگان ارنگه و رود باری

سرهنگان لورانی و شهرستانکی

سرهنگان انحصار حضرت ولید عهد

سرهنگان ارواحیه

سرهنگان اصغریان

سرهنگان سپلاخوری

سرهنگان کزازی

سرهنگان و ج اقبال

سرهنگان سمنانی

سرهنگان فوج خلیج ساره

فوج بهادران شجاع السلطنه سر نیپ اول ابراهیم خان سرهنك

فوج اول خاصه حسام الدوله سر نیپ اول حاجی نقد علیخان سرهنك

فوج دوم پیر خاصه حاجی پیرزاد خان سر نیپ اول حسن خان سرهنك

فوج سوم پیر نصرت رحیمخان سرنیپ احمد خان سرهنك

فوج سیم مظفر مراد مظفر الدوله فرخ خان سرهنك

فوج چهارم مرزبان افغان سرنیپ بافرخان سرهنك

فوج پنجم ایلات مراد اعنی علی بیگ خان سرنیپ رحیم دل خان سرهنك

فوج ششم قراقرز حسام الملک سرنیپ فضل الله سرهنك

فوج هفتم افشار جمعی اقبال الدوله اوردشیرخان سرنیپ مهدیخان سرهنك

فوج هشتم افشار اقبال الدوله سر نیپ اول لطف علیخان سرهنك

فوج مخبران شقای صادم الدوله سر نیپ اول رضا خان سرهنك

فوج نهم تومسان درویش فوج بهادران دره خونی

شجاع

فوج نهم تومسان دره خونی

رسنه



شجاع خان سرتپ ابو الحسن خان سرهنگ  
**فوج اول خمر خونی**  
 محمد جعفر خان سرتپ علیخان سرهنگ  
**فوج دوم شتر اقبال**  
 ابو اجمعی شجاع السلطنه سرهنگی پوسفخان  
**فوج سوم جدید مراغه**  
 فاسخان سرتپ فتح الله خان سرهنگ  
**فوج چهارم نخند فای**  
 ابو اجمعی حاجی پیرزاد خان سرهنگی اول سرهنگی جعفر خان  
**فوج پنجم شقای**  
 ابو اجمعی صادم الدوله سرهنگی خلیل خان  
**فوج ششم شقای**  
 محمد افای سرتپ مرتضی قزاقی سرهنگ  
**فوج هفتم خلخال**  
 میرزا علیخان سرتپ علی خان سرهنگ  
**فوج مخبر از ماکو**  
 بهلول پاشا خان سرتپ محمد پاشا خان سرهنگ  
**قومان سیم**  
**فوج بهادر از قهرمانیه**  
 علی خان سرهنگ  
**فوج اول کرسی**  
 جناب زین العابدین خرد خان سرهنگ  
**فوج سیم جدید افشار**  
 جمعی شجاع السلطنه سرهنگی پوچخان

**فوج چهارم جدید مراغه**  
 سرهنگی فضلخان  
**فوج پنجم امیر تپ**  
 محمد افای سرتپ احمد افاسرهنگ  
**فوج ششم اریل و مشکین**  
 سرهنگی میرزا ذکیرخان سرتپ  
**فوج هفتم شقای**  
 عبدالرزاق خان سرتپ حاجی فضلخان سرهنگ  
**فوج هشتم قراکوزلو**  
 سرهنگی حسام الملك علی اکبرخان سرهنگ  
**فوج مخبر از قراکوزلو**  
 سرهنگی احمدخان سرتپ  
**قومان چهارم**  
**فوج بهادر از کرمان**  
 ناصر الدوله سرهنگی اول محمد طاهر خان سرهنگ  
**فوج اول جدید طهران**  
 سرهنگی و جبهه الله میرزا سرهنگی اول  
**فوج دوم خلیج فاهر**  
 سیفا السلطنه سرهنگی اول دوست محمد خان سرهنگ  
**فوج سیم زچلو**  
 جمعی محمد خان سرتپ  
**فوج پنجم سید انور**  
 جمعی ناصر الدوله سرهنگی محمد حسن میرزا  
**فوج ششم سربندی**  
 سرهنگی

سرهنگی مصطفی خان  
**فوج هفتم سواد کوهی**  
 جمعی امین السلطان  
**فوج مخبر از کرازی**  
 همصا الملك سرهنگی اول ذوالفقار خان سرهنگ  
**قومان پنجم**  
**فوج بهادر از خشم سنجا**  
 جمعی و جبهه الله میرزا سرهنگی اول سرهنگی محمود خان  
**فوج دوم بهار لاری**  
 سرهنگی عسکرخان  
**فوج سیم لاریجانی**  
 سرهنگی خان بابا خان  
**فوج چهارم کمر**  
 عبدالله میرزا سرهنگی اول جمعی خان سرهنگ  
**فوج پنجم کلیا بکانی**  
 سرهنگی کاظمخان  
**فوج ششم فد چمنه**  
 جمعی نصر الملك سرهنگی مظفر الملك  
**فوج هفتم جدید چمنه**  
 جمعی نصر الملك سرهنگی علی قی خان  
**فوج مخبر از جبار جنگ بیات زرنند**  
 ابو اجمعی و جبهه الله میرزا سرهنگی محمد حسن خان  
**قومان ششم**  
**فوج بهادر از اخلاص افشار**  
 سرهنگی عبدالحسین خان  
 جمعی صاحب اختیار خان بابا خان سرتپ علی خان سرهنگ  
**فوج اول قدیم قزوین**  
 جمعی نصر الملك سرهنگی اول  
**فوج دوم جدید قزوین**  
 جمعی امین السلطنه سرهنگی مصطفی خان  
**فوج سیم افشار و کیشلو**  
 اللهیار خان اجودا بناشی افغان سرهنگ  
**فوج چهارم فرزند**  
 سرهنگی مصطفی قلیخان سرهنگ  
**فوج ششم چهار محالی**  
 سرهنگی ابو القاسم خان  
**فوج هفتم عرب و عجم**  
 جان محمد خان سرتپ علیخان سرهنگ  
**فوج مخبر از قزوین و کوهی**  
 جمعی اسمعیل خان سرتپ  
**قومان هفتم**  
**فوج بهادر از ارومند**  
 علی بنو خان سرتپ محمد حسین خان سرهنگ  
**فوج اول خلیج فندر**  
 جمعی و جبهه الله میرزا سرهنگی حاجی امین خان  
**فوج دوم بهار و بندک**  
 سرهنگی علی اکبر خان  
**فوج سیم بندپی**  
 سرهنگی عبدالحسین خان



فوج ششم خرفانی

جمو اللهباز خان اجودا باشی لبرهنکی علی محمد خان

فوج هفتم قدیم کرمانی

جمو و کبلا الملك سرتیپ اول نقی خان سرهنک

فوج سپهر شوکت کرمان

جمو و کبلا الملك لبرهنکی سلیمان خان

فوج نهم جدید کرسپر

جمو ایضا لبرهنکی ابراهیم خان

فوج مخبران در جزیره

جمو سیفا السلطنه لبرهنکی خرد خان

قوم ان هشتم

فوج بهادران

کویان قلعه زنجیری لبرهنکی حسین خان

فوج اول کتند

لبرهنکی نصر الله خان

فوج سپهر کلهر

لبرهنکی محمد حسن خان

فوج چهارم زنکنه

جمو ظهیر الملك

فوج مخبران کردستان

لبرهنکی محمد علیخان سرهنک

قوم ان نهم

فوج بهادران قراقرم

اعتماد السلطنه سرتیپ اول عبدالله خان سرهنک

فوج اول امرائی لرستان

لبرهنکی بر خور دار خان سرتیپ

فوج چهارم بر افروند

لبرهنکی اسدالله خان

فوج ششم سراسری

میرزا عبدالوهابخان سرتیپ نواب جلال الدوله سرهنک

فوج مخبران توشهری

مصطفی فلجان سرتیپ اول مهدیخان سرهنک

قوم ان دهم

فوج بهادران قرانی

جمو مصطفی فلجان سرتیپ اول

فوج اول فانی

جمو حشمته الملك میرزا اسمعیل خان سرتیپ جامی وزیر خا سرهنک

فوج دوم سراسری

جمو ایضا

فوج سپهر شکابنی

جمو سعیدالدوله لبرهنکی و فلجان سرتیپ

فوج مخصوص حضرت نایب السلطنه

حاجی بهاء الدوله سرتیپ محمد خان سرهنک

فوج مهندسین ملایری

جمو ذوالفقار خان سرهنک

قوم ان دهم

اندر باجانی

غلام نصرت جمی ساری اصلان

دست

میرهادی شاه خان سرکرده

دست

میر ذین العابدین خان ایضا

دست

علیقلی خان سرکرده

دست

حسین خان سرکرده

دست

ابراهیم افغان سرکرده

دست

اسکندر خان سرکرده

دست

سلیمان خان سرکرده

سواران

سواران حاجی ابوالحسین عبدالقادر خان شجاع الملك

عبدالقادر خان شجاع الملك حسنعلی خان سرتیپ جمو

حسن خان سرتیپ میر اسمعیل خان سرتیپ محمد علی خان

اسکندر خان سرهنک علی محمد خان سرهنک حسن خان سرهنک

سواران

افشاران و سپه جمی بافرخان سرهنک

دست

افشار صابنقلعه جمی علیفلجان سرکرده

دست

چاردولی جمی نووز خان سرتیپ

دست

چلبیانلو جمی محمود خان سرکرده

دست

فراسوران خلیج جمی اسدالله خان سرکرده

دست

خونی جمی امین بیک سرکرده

دست

شاه سون اردبیل مشکین جمی بافرخان سرکرده

دست

شقایق جمی علیخان سرکرده

دست

کلبری جمی بافرخان سرکرده

دست

ماکونی جمی نصرالله خان سرکرده

دست

مکری جمی حاجی آقا بیک سرکرده

دست

مقدم جمی محمد صادق خان سرکرده

دست

فراپایان جمی نجفعلیخان سرتیپ

دست

حاجی علیلو جمی دستخان



فراجہ داغی ابوجعی علی بن علی خان امین اوزارہ  
**خراسانی**  
 امیر اقدس  
 جماعت درہ جزینی  
 اللہ پادشاہ سرکردہ خانہ زاد خان سرکردہ  
**جماعت بجنوری**  
 جمعی یار محمد خان ایلخان  
**جماعت خوانی**  
 جمعی لطفعلیخان سرکردہ  
**جماعت باخرزی**  
 جمعی عبدالباغخان سرکردہ  
**جماعت بزرگ**  
 جمعی فتح اللہ خان سرکردہ  
**جماعت مہائی**  
 جمعی حاجی آزاد خان سرکردہ  
**جماعت پشنگوہ**  
 جمعی سعادتعلیخان سرکردہ  
**جماعت حاجی لہر**  
 جمعی نصر اللہ خان سرکردہ  
**جماعت خوردہ اہمان**  
 دستہ بار محمد خان دستہ چدرخان  
**جماعت اردلان**  
 جمعی محمد خان سرکردہ  
**جماعت نیمور**

علی پادشاہ میر عطاء اللہ خان بہر شکر اللہ خان کرد  
**جماعت فوج چانی**  
 جمعی امیر حسینخان شجاع الدولہ  
**جماعت مرد و رانی**  
 جمعی محمد جعفر خان  
**جماعت دزدانی**  
 جمعی ملا علی عرب سرکردہ  
**جماعت سرجامی**  
 جمعی حسینخان و سخان  
**جماعت چولابی و ہار شک**  
 جمعی سلیمان آقای سرکردہ  
**جماعت عنایت باری**  
 جمعی صدیق محمد خان سرکردہ  
**جماعت فرائی**  
 جمعی محمد خان سرکردہ  
**جماعت فٹاد**  
 جمعی رضی فلجان سرکردہ  
**جماعت سبزواری**  
 حاجی فرامر زخان سرکردہ سعادتعلیخان سرکردہ  
 امان اللہ خان سرکردہ حاجی میرزا فضل اللہ سرکردہ  
**جماعت خوردہ اہمان**  
 سبزواری جمعی چدرخان سرکردہ  
**جماعت عرب**  
 جمعی بابا خان سرکردہ

**جماعت مروی**  
 علی پادشاہ سرکردہ محمد شریف خان سرکردہ  
**جماعت لرستانی**  
 حسن خان سرکردہ صدیق محمد پیک سرکردہ  
 جمعی آزاد خان سرکردہ  
**جماعت سپستانی**  
 جمعی کل محمد خان سرکردہ  
**جماعت نریشتری**  
 جمعی محمد حسینخان سرکردہ  
**جماعت نیشاپوری**  
 باقر خان سرکردہ حاجی خان لڑ سرکردہ  
**جماعت جامی**  
 جمعی علی رضا پیک فراولباشی  
**جماعت فابنی**  
 جمعی علی اکبر خان سرکردہ  
**جماعت نیمور**  
 جمعی زین العابدین خان  
**جماعت چشمک**  
 جمعی اللہ پادشاہ و محمد امین خان سرکردہ  
**جماعت هزارا**  
 پوسنخان شریف اسماعیل خان سرکردہ سرکردہ بکفر  
**جماعت ہرنک**  
 میرزا مسعود خان سرکردہ محمد حسنخان سرکردہ  
**اسرا بادی**  
 جمعی پوسنخان شریف

جماعت اسرا بادی

جمعی علیخان ابو زبانی

جماعت نریشتری

جمعی آغا سہا بخان سرکردہ

جماعت بسطامی

جمعی علی اکبر خان سرکردہ

جماعت نذرانی

جماعت کرد و ترک

جمعی میرزا علیخان رئیس

خدا مراد خان سرکردہ فتح اللہ خان سرکردہ موی

سرکردہ عبدلخان ایضا ابراہیم خان ایضا

ذوالفقار خان ایضا ہاشم خان ایضا

حسن خان ایضا محمد حسین خان ایضا

جماعت خواجوند

و عبد الملک جمعی امین السلطان

علی اکبر خان سرکردہ فلجان ایضا حسن خان ایضا

عبد اللہ خان سرکردہ جعفر فلجان سرکردہ

جماعت شیخ کشتی

جمعی علی اکبر خان سرکردہ

جماعت نریشتری

جمعی ساری اصلان بیوزباشی سرکردہ علی فلجان

جماعت شاہسون

جمعی پوسنخان شریف



جماعت مجنبارے

جمعی سفند بارخان سرتیپ

جماعت عرب دستا

جمعی مصطفیٰ علیخان سرتیپ

جماعت افشار استراباد

جمعی محمد کریمخان سرتیپ

جماعت شاهسون

جمعی یوسفخان سرتیپ

جماعت حسد

جمعی ذوالفقارخان سرتیپ

جماعت شاهسون ایبانیلو

جمعی عزیزالله خان سرتیپ لبریزی حاجی لطفالله خان

جماعت شاهسون خیلک

جمعی فتحعلی خان سرتیپ

جماعت شاهسون دروین

جمعی وچپه الله میرزا

محمد حسینخان سرتیپ غلامعلیخان ایضا غلام

خان سرتیپ ولیمخان سرتیپ پوسفخان باور

جماعت شاهسون

فورث بیکو جمعی حبیبخان سرتیپ اول

جماعت خرفانی

ابواب جمعی اللهبارخان اجودا تباشی

جماعت پیرانوند

جمعی حسنخان سرتیپ

جماعت اصائلو

جمعی سفیالله خان سرتیپ

جماعت قلیچر لوی خوار

جمعی عزیزمحمدخان سرتیپ

جماعت افشار ساوجیلان

جمعی حسنخان سرتیپ

جماعت کریمچیر

جمعی نصرالله خان سرتیپ بنورکخانه کبیرکی محمد طاهرخان

جماعت هداوند

جمعی رحیمخان

جماعت شاهسوار

جمعی نصرالله خان سرتیپ بنورکخانه

جماعت پلات

جمعی نصرالملک لبریزی محمد نظرخان

جماعت افشار دیکشلو

جمعی اجودان باشی سرتیپ محمد کاظمخان

جماعت چکینی

جمعی نصرالملک لبریزی محمد صادقخان

جماعت احمدوند

و پشونی لبریزی کی حسینخان

جماعت نانکلی

کرمانشاهان جمعی خدامرادخان سرتیپ

جماعت نانکلی

شهر باری جمعی حسینعلیخان سرتیپ

جماعت کریمچیر

جمعی علیخان سرتیپ

جماعت عرب

و ناصر جمعی محمد حسنخان سرتیپ

جماعت مجنبارے

جمعی اصلاخان سرتیپ

پادشاهی خراسانی و کرمانی

پادشاهی خراسانی

از بابین شجاعچیان جمعی حسینعلیخان سرتیپ

پادشاهی کرمانی

جمعی محمد رحیمخان سرتیپ

پادشاهی استراباد

پادشاهی سکرکی

جمعی میرزا علیشاهی خان سرتیپ

پادشاهی کتول

جمعی علی محمدخان سرتیپ

پادشاهی فصولو

جمعی عبدالصمدخان سرتیپ

پادشاهی ادریشنا

جمعی فضلخان

پادشاهی شاهکوهی

جمعی آقا عبدالرحمن سرتیپ

پادشاهی شاهکوه

جمعی محمد علیخان سرتیپ

پادشاهی سکن سستانی

جمعی محمد علیخان سرتیپ

پادشاهی سکن

جمعی محمد علیخان

پادشاهی سکن

جمعی محمد فاسیحخان سرتیپ

پادشاهی سکن

جمعی جعفر علیخان و آقا رضای سرتیپ

پادشاهی سکن

و سید میر جمعی اسدالله خان سرتیپ

پادشاهی سکن

جمعی میرزا باباپیک و علی اکبر پیک سرتیپ

پادشاهی سکن کیلان

پادشاهی سکن

جمعی نصرالله خان لبریزی کی اللهبارخان

پادشاهی سکن

و طولانی جمعی جعفر علیخان

پادشاهی سکن

جمعی جوادخان سرتیپ

پادشاهی سکن

جمعی امان الله خان سرتیپ

پادشاهی سکن

جمعی میرزا یوسفخان سرتیپ



دست‌نمائی

جمعی نیشانه خان سرکرده

دست‌نمائی

جمعی جبار نیکان سرکرده

مازندانی

دو دانگ

ابراهیم خان سرنیپ دو دانگ لطفعلی خان سرهنک

بخفعلی خان سرهنک حبیب‌الله خان سرکرده

اشرف‌خواهی

میرزا محمد خان سرهنک عباس قلی خان

علی اکبر خان سرکرده مهد چکان سرکرده

عربستانی

جمعی شیخ عیسی خان سرهنک

ولد نصره

الملك

نشون حاضر در کاب

از پیاده نظام و سواره نظام و نوچانه و غیره یکصد

و پنجاه هزار نفر

در خیابان

پنجاه هزار

نفر

وزارت جلیل‌المراد و امور خارجه

جناب اشرف‌المراد سپهسار اعظم و وزیر امور خارجه

اجراء وزارت خارجه و سفراء

ملک و وزیر کاب

دفتر مخصوص جناب اشرف

محمد عثمان ضعیف الدوله مقدم السفراء محمد ابراهیم خان

بدایع نکار میرزا نصرالله خان نایب اول و زار خارجه

میرزا حسن خان سرنیپ کاتب اسرار و منشی مخصوص میرزا

محمد خان نیشانه مخصوص میرزا رضای منشی مخصوص میرزا

وزارت خارجه میرزا سلیمان خان نایب و زار خارجه

بخفعلی خان سرنیپ حاکم میرزا محمد باقر خان سپهر یکی حاجی

خان منشی که مامور دیوانه خراسان است میرزا عبد منشی

الوهابخان نایب اول و زار خارجه حاجی میرزا علی اکبر خان

نایب زار خارجه میرزا شکرالله نامرنگار میرزا عبدالکریم

خوشنویس میرزا محمد علیخان منشی میرزا عبدالمجید خان داروغه

دفتر میرزا نصرالله منشی نایب میرزا محمد حسین سرشته دار

وزارت خارجه میرزا علی عزت‌الله و زار خارجه

لخار منشی و میرزا احمد

سفرخانها

اداره نو شجاعت و سفارت روس

دار الخلافه

میرزا عبدالله خان مدیر میرزا محمد نیکان معاون میرزا

اقامت میرزا صادق سرشته دار میرزا محمد حسین سپهر

بخفعلی خان میرزا علی منشی سپهر زار جبار

مخبران احمد سفارت عثمانی

حاجی میرزا سید رضی مدیر میرزا مسیح عمر میرزا عبدالقادر

محرر میرزا عبدالمطلب

اداره نو شجاعت احمد سفارت انگلیس

میرزا ابوطالب مدیر میرزا یحیی منشی شیرازی میرزا حسین

خان سپهر حرم میرزا شفیع خان که مامور صندوق عدلیه

سنان است میرزا بخفعلی عمر

نو شجاعت احمد سفارت اطیش و فرانسه

میرزا حسن خان نایب زار خارجه مدیر حاجی میرزا حسن خان

میرزا حسن خان سرنیپ منشی و نشر فایده میرزا عبدالرحیم



مهندس اسدالله خان مهندس میرزا آقاسی خان سرهنگ مهندس  
میرزا حسین نقاش

اطباء

میرزا ابوالقاسم حکیمباشی میرزا عبدالوهاب طبیب میرزا  
عبدالله طبیب مستوی پیکر

طبقات صاحب منصبان

طبیعه اقل  
حاجی میرزا زمان خان اسمعیل خان فاجار نواده آصف الدوله  
مرحوم نایب الحکومه کرمان میرزا بنیرنگان سزیدول مامور مجلس

مذاکره خالصه جات میرزا خاندان خان عبدالحمید خیرالاجودان  
حاجی محضی انا میرزا ابوالقاسم خان میرزا غلامحسین عبدالقادر میرزا پیکر نایب

کارپرداز سابق شام (طبقة دوم)  
میرزا معصوم خان سزیدول الله خان اجودان علی خان پیر ملک  
الشرع زکیان احمد علیخان سرهنگ محمد حسینی غلام بشیر

میرزا ابوالقاسم منشی نیری میرزا محمود خان میرزا حسین پسر محمد جعفر پیکر  
میرزا محمود خان (نور محمد خان رئیس سفید فرماشان و زار نجاب

ولشکر حاجی شاه محمد خان حاجی محمد خان محمود پلدار اسمعیل  
خان دارای پیکر جوادی پیکر

سفرها و مأمورین خارجیه

سفارتخانه اسلامبولک سابقا کتلت  
سفارتخانه اسلامبول

حاجی محمد حسن خان معین الملک پلای کبیر میرزا جوادی خان مرچم اول  
احمد افان مرچم میرزا افان منشی حاجی میرزا نجفی مرچم ترک

جوادی پیکر افندی نرجهان بخارت دکترا یاماد و کاجکم سفار  
حاجی افان پیکر نرجهان خطبه پوروسف پیکر نرجهان پیر مرچم اول

بغداد

میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپرداز بغداد میرزا طاهر  
نایب عزیز افندی کابینترک میرزا محمد منشی میرزا احمد منشی

اماکن مشرفه

کر بلائی معلی  
حاجی میرزا ابوالقاسم نایب میرزا اسمعیل نرجهان میرزا محمد علی

نجف اشرف

کابینترک دیوانه نایب شریف

کاظین

میرزا بابا نایب

سامرا

مشهدی کاظم امین السفراء وکیل کارپرداز خانه بغداد  
بیوی و بوشهر و اصفهان و کچلان

کارپردازان مصر و غیره

میرزا احمد کارپرداز ریحا افندی نایب بقو یافندی نرجهان  
ارنتر الرقمر

طرابزان

میرزا محمود خان کارپرداز علی پیکر مرچم  
شام

شام

حاجی محمد صادق خان کارپرداز

عراق عرب

مسبک محمد پیکر عماره ابوطالب پیکر حانقین محمد اسمعیل پیکر  
منشی منشی حکیم فاده مرچم  
منشی لاج محمد حسن پیکر سموان حسین پیکر فریاد و شهر

سفارتخانه پاریس

نظر افان وزیر بخوار میرزا احمد خان نایب منشی دکترا بسیار  
مسبک و انهام جنرال فونسلو منسب و مهرا وکیل کارپرداز  
منسب و اولو کار پرداز در دیر و منسب و اول موشهر مار سیدل

سایر ولایات و لث عثمانی

مسبک و اولو کار پرداز در شهر روال  
از میر محمد خان فونسلو حلب میرزا شکر الله فونسلو جده میرزا  
رضی فونسلو بیت المقدس بر نهادی انطاکیه موسی پیکر

کارپردازان خاندان نعلیس

میرزا محمود خان کارپرداز اول میرزا مصطفی نایب مسبک  
فلبه حاجی الله پور طرابلس شام جرجیس افندی سوسیس  
نقا و پیر اسکندر و ن خواجها بر و سا احمد افان عکده احمد

کارپردازان خاندان حاجی طرخان

میرزا احمد خان سزیدول کارپرداز میرزا موسی منشی مرچم سفر  
افان سید علی صامسوم محمد افان حاجی جیب پیکر بالکبه  
حاجی علی

دولت انگلیس

سفارتخانه لندن  
جناب پیر ملک خان ناظم الملک وزیر بخوار میرزا میکائیل خان ناظم  
میرزا علی نایب منشی مترلیج جنرال فونسلو

بلجیک

مسبک و اولو جنرال فونسلو در بر سیدل مسبک و کبیر  
کارپرداز در شهر لیر مسبک و مسبک و کارپرداز در شهر

مأمورین داخله

جناب میرزا عبدالرحیم خان ساعد الملک حاجی میرزا آقا  
نایب فلخان سزیدول هماندار سفرا علیخان امین الوزاره  
رئیس امنای مذکوره آذربایجان میرزا محمد حسین منشی ناظم

کارپردازان عمانی

میرزا فضل الله خان کارپرداز اول میرزا سید علی منشی  
مرچم انگلیسی

دولت روس

سفارتخانه پترزبورغ  
میرزا احمد خان مأمور منشی اول میرزا حسن خان سرهنگ



نایب کارکناری حاج میرزا باقر نایب میرزا محمود منشی میرزا  
 مهدی منشی میرزا علی منشی ساطور و خان منیرم میرزا بطر  
 منیرم و سرپرست نصاری و اطفی و بهرود اورو و سلمان  
 دروی نایب که حالا مامور پینخانه نیرزامت  
**کرهانشاهان**  
 میرزا هادیخان کارکنار میرزا نفی خان نایب  
**کرهستان**  
 میرزا علیخان کارکنار میرزا محمدخان نایب میرزا احمدخان منشی  
**کیلان**  
 مشیرالوزاره علیخان سرنیک کارکنار میرزا حبیب الله امین  
 تذکره میرزا عبدالرسول نایب  
**استراباد**  
 میرزا جوادخان کارکنار حاج میرزا طاهر نایب و منشی میرزا  
 علیغنی و قایم نگار بندر بن  
**مانندران**  
 میرزا مهتک خان کارکنار میرزا کاظم امین تذکره مشهور  
**فارس**  
 حاج میرزا صادقخان کارکنار میرزا محمدخان نایب  
**بندرعباس**  
 حاج میرزا عبدالله خان کارکنار  
**بوشهر**  
 میرزا خان کارکنار  
**اصفهان**  
 محمدجعفرخان کارکنار امیرعلیخان نایب

کاشان

میرزا فرج الله خان  
**یزد و کرمان**  
 ملا کبیر و سرپرست زردشتی  
 سفاری و اول و مخا بیه و صاحب منصبان مقیمین  
**در بلخ و بامیان و سایر**  
**سفارت دولت عثمانی**  
**در طهران**  
 جناب نخری سیک اقدی بغیر کبیر سدادیک نایب اول  
 فواد بیک آتش پتر میرزا حسنخان منشی اول حلی بیک  
 آتش کالاقندی آتش مسیو و نجار آتش سفارنگری  
 و مامور صحبه

سایر ولایات

**شیراز**  
 علیحج بیک اقدی باش شهید میرزا حاجی آقا منشی  
**کرهانشاهان**  
 احمد رضا اقدی شهید  
**بوشهر**  
 خالد اقدی شهید  
**شیراز**  
 حاجی سید ابراهیم وکیل شهید  
**خوی**  
 میرزا اقدی شهید  
**ارومیه**

منصو آقا وکیل شهید  
**ساوجبلاغ و غیره**  
 عبدالحق آقا وکیل شهید  
**همدان**  
 حاج محمد سعید وکیل شهید  
**کرهستان**  
 آقا سعید جابر وکیل شهید  
**اصفهان**  
 حاجی محمد صالح وکیل شهید

سفارتان کلیس

**در طهران**  
 جناب وزیر مختار و لیم طیلر طامس صاحب داتلا طامس  
 مستشار سفارت شارژاد فر و لیم دکن صاحب نایب  
 مکر و صاحب نایب ویم منیرین پروفسور بوخوزف  
 و کس حکیم سفارت محمد حسنخان منشی اول میرزا جان  
 میرزا سعید محمد منشی میرزا شیخ منشی

سایر ولایات

**شیراز**  
 ابن صاحب جنرال فونسول میرزا علی اکبرخان منشی  
**مرشد**  
 چوچله صاحب فونسول میرزا نصرالله منشی  
**اصفهان**  
 مسر آقا نور وکیل البخار  
**شیراز**

میرزا حسینعلیخان  
**خراسان**  
 میرزا عبیدخان  
**کرهانشهان**  
 آقا حسن  
**همدان**  
 آقا سعید حسین  
**استراباد**  
 محمد آقا

سفارت فرانسه

**در طهران**  
 جناب مشیر و وزیر مختار مسیو مارانی شارژاد فر مسیو  
 برنر منیرم اول مسیو لوی دفر دار میرزا پوس سف منشی  
**شیراز**  
 مسیو امرای فونسول مسیو بطران دفر دار میرزا  
 مهدی منشی

سفارت روس

**در طهران**  
 جناب پیشوایان اسطاسک ساو دینک مسیو ویناویف  
 ایلی محصور وزیر مختار نادورنی ساو دینک استبانوفسک  
 نایب اول کاتر سکا اما سر سور مسیو و غیره و منیرم اول  
 نادورنی ساو دینک مسیو بطر و نایب ویم کاتر سکا  
 سکر مسیو فلی بیوف منیرم دوم مسیو باخطونوف نایب  
 دوم کاتر سکا ساو دینک مسیو کوز منسک حکیم باشی



بنا عبدالحجیدخان منشی اول میرزا عبدالله منشی میرزا ابوالفاسح

# سابرهایک

منشی  
کاتبان سواد پیک مسبوکر بل جبرال فسنول فی تولانی  
میسوئو لثرتکی ناپیک لثرتکی سکر مسبوکا نو فسنکی برج  
میرزا عبدالکریم منشی میرزا علی اشرفخان منشی

## صاحبمنصبان

کولونل شو نو سکر بریس صاحبمنصبان کاسنگرخان سرنیکل و  
مترجم ماز و دیارن اسناد واج کاپن مترس پیاده نظام کاپن  
اسنادیک پیاده نظام داکتر کاپن فوچان هول کاپن و  
لوتنان بارون لثرت مهندس لوتنان سلک پیاده نظام  
لوتنان پکوسکی پیاده نظام لوتنان خاک عجزان  
لوتنان شمو اسپاده واجودان کولونل لوتنان کچاوز  
موزیکانچی لوتنان ناخا مامور

ماد و دف سونیک مسبو نو فسنول کالتریک سکر مسبو  
لا سون ناپ و مترجم میرزا عبد الوهاب منشی

## استراباد

میسویناه فی الدین ناپ کوپر لثرتکی سکرز اشچکونو  
مالک و لایانح و سکر ککاداد و ابالت ایفا علا و کبر و ذرات جلیل جنک و خارجین

## خراسان و سیستان

ملکشاه باجان ملک خراسان و سیستان استراباد و کرا  
وزکان فرخین خسه سمنان و دامغان شاهرود و بسطام  
گروس خرفین امور سجد و ندکره بود و سچی و کبر  
فرمانفرمایان و حکمرانان مالک و لایانح

## افریسیجان

حکمران و صاحب اختیار نواب اشرف و الا شاهنشا هزاره اعظم  
لغم و لپه لکرون مهد و لک علی دام الله اقباله العالی  
نواب شعاع الدوله لطف الله میرزا نایب الحکومه

## مملکت خراسان

نواب لاکرکن الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان  
جناب غوثین الملک میرزا سعیدخان منو لیباشی روضه مطهره  
حضرت رضو علیه السلام حاجی مستشار الملک مشهور و بیجا  
مملکت خراسان استراباد و کراکن و ترکمان  
نواب جهاننور میرزا امیرنومان حکمران و صاحب اختیار استراباد  
و کراکن و غیره فریقین نواب الاعضاد الدوله حکمران دار  
السلطنه فریقین گروس حکوم جناب جنط خا و ز فریاد  
محمدخان حکمران خرفانین حکومنا الا بهارخان اجودان باشی

وزیر و پیشکار

تاریخ  
۱۱۹۱  
۱۱۹۲  
۱۱۹۳  
۱۱۹۴  
۱۱۹۵  
۱۱۹۶  
۱۱۹۷  
۱۱۹۸  
۱۱۹۹  
۱۲۰۰  
۱۲۰۱  
۱۲۰۲  
۱۲۰۳  
۱۲۰۴  
۱۲۰۵  
۱۲۰۶  
۱۲۰۷  
۱۲۰۸  
۱۲۰۹  
۱۲۱۰  
۱۲۱۱  
۱۲۱۲  
۱۲۱۳  
۱۲۱۴  
۱۲۱۵  
۱۲۱۶  
۱۲۱۷  
۱۲۱۸  
۱۲۱۹  
۱۲۲۰  
۱۲۲۱  
۱۲۲۲  
۱۲۲۳  
۱۲۲۴  
۱۲۲۵  
۱۲۲۶  
۱۲۲۷  
۱۲۲۸  
۱۲۲۹  
۱۲۳۰  
۱۲۳۱  
۱۲۳۲  
۱۲۳۳  
۱۲۳۴  
۱۲۳۵  
۱۲۳۶  
۱۲۳۷  
۱۲۳۸  
۱۲۳۹  
۱۲۴۰  
۱۲۴۱  
۱۲۴۲  
۱۲۴۳  
۱۲۴۴  
۱۲۴۵  
۱۲۴۶  
۱۲۴۷  
۱۲۴۸  
۱۲۴۹  
۱۲۵۰  
۱۲۵۱  
۱۲۵۲  
۱۲۵۳  
۱۲۵۴  
۱۲۵۵  
۱۲۵۶  
۱۲۵۷  
۱۲۵۸  
۱۲۵۹  
۱۲۶۰  
۱۲۶۱  
۱۲۶۲  
۱۲۶۳  
۱۲۶۴  
۱۲۶۵  
۱۲۶۶  
۱۲۶۷  
۱۲۶۸  
۱۲۶۹  
۱۲۷۰  
۱۲۷۱  
۱۲۷۲  
۱۲۷۳  
۱۲۷۴  
۱۲۷۵  
۱۲۷۶  
۱۲۷۷  
۱۲۷۸  
۱۲۷۹  
۱۲۸۰  
۱۲۸۱  
۱۲۸۲  
۱۲۸۳  
۱۲۸۴  
۱۲۸۵  
۱۲۸۶  
۱۲۸۷  
۱۲۸۸  
۱۲۸۹  
۱۲۹۰  
۱۲۹۱  
۱۲۹۲  
۱۲۹۳  
۱۲۹۴  
۱۲۹۵  
۱۲۹۶  
۱۲۹۷  
۱۲۹۸  
۱۲۹۹  
۱۳۰۰

سایر ادارات در بلاد ولایت که در آنجا آنرا اختصاص دادند و در آنجا مسوولان

# وزارت علوم و معارف

نواب الاعضاد السلطنه وزیر علوم و معادن و غیره

## اجزاء وزارت علوم

مسبوپر و سکی سرنیک معلم شاگردهای خارج و داخل مدرسه  
جعفر قلیخان سرنیک اول و رئیس مدرسه مبارکه دارالعلوم  
نابین زارت علوم میرزا اسدالله خان نابین زارت علوم  
میرزا محمد علیخان منشی زارت علوم میرزا محمد حسین  
رئیس کتاب میرزا سید باقر محاسب میرزا مسیح منشی

## خلفاء

میرزا جعفرخان خلفه نقاشی میرزا حسین خلفه ایضا  
سایر خلفان و غیره

## اجزاء مدرسه مبارکه دارالافتون

محمد حسینخان سرنیک ناظم مدرسه محمد تقی میرزا سرنیک  
اجودان مدرسه محمد آبراهیم خان سرنیک و غولداران  
میرزا اسحق سررشد دار میرزا جعفرخان ناظم مدرسه  
اسدالله خان کتابدار میرزا علی نو سنده کارخانه میرزا

## مدرسه

نقود و ز نامه نویسی  
میرزا کاظم ملک الاطباء میرزا سید رضی حکیمباشی نظام  
میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتز معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

## معلمین و غیره

میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی میرزا علی دکتز معلم طب فرنگی  
میرزا ابوالحسن معلم طب فرنگی میرزا عبد الغفار نجم الملک علی اکبرخان حکیمباشی میرزا مصطفی حکیمباشی  
معلم علوم ریاضی میرزا علیخان همشیره زاده جناب محمدالدین حاجی میرزا ابوالفضل ساوجب میرزا عبدالکریم میرزا عبد

## اطباء ایرانی

میرزا کاظم ملک الاطباء میرزا سید رضی حکیمباشی نظام  
میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتز معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

## اطباء فرنگی

میرزا ابوالحسن  
میرزا علی اکبرخان نقاشباشی معلم نقاشی ملا اسدالله معلم  
فارسی و عربی استاد حدیث علی خا باشی میرزا رضا مؤذن

## فرنگی

دکتز طولوزان طبیب مخصوص حضور هماپون فنی صاحب  
طبیب سفارت دوله علی عثمانی حکیم دکتز طبیب سفارت  
میرزا رضاخان معروف مسبوپر ریشا سرنیک معلم زبان فرانسه دولت بهیه انکلیس حکیم کوزی سکی طبیب سفارت دوله



هیته روس حکیم بیکر طیب سفارت دولت هیه انکلیسین  
اجزای مجلس نالیف کتاب رجال  
امیرزاده طغرل نکیس میرزا رئیس مجلس حاجی میرزا ابوالفضل

میرزا علی اکبر خان حکیمباشی رئیس مریختخانه میرزا علی خان طیب  
میرزا مصطفی حسن خان طیب میرزا ابوالقاسم طیب میرزا  
نصیر داسان میرزا محمد طیب میرزا علی اکبر طیب میرزا حسین  
طیب مؤذن و پیش نماز بکفر مباشر دونفر فرزند علی

اجزای وزارت معارف  
مشتی حاجی علی اصغر مباشر حاجی میرزا عبدالکریم سر رشته دارو  
مامور خراسان شیخ عباس معدنی

اجزاء مدرسه دولتی تبریز  
میرزا عباس شیرازی رئیس مدرسه آقاخان ناظم و معلم  
درس زبان فرانسه محمدجعفرخان معلم علم طیب محمد میرزا  
علم هندسه غفارخان معلم پیاوه نظام نجفعلی خان معلم  
نویسنده میرزا فضلی خان سر رشته دار میرزا عباس علی ناظر  
معلم فارسی بکفرده باشی و فرزند چهار نفر علیخانه دونفر

معارف خانه  
میرزا حسن نایب باشی  
میرزا حسین سر رشته دار حاجی ابوالحسن معارف مخصوص

حکومت طارمر  
خدادادخان سرهنگ حاکم طارمر

وزارت هم بار اعظم  
جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم

میرزا احمد سر رشته دار وزارت مخصوص دربار  
کشتیکخانه مبارک  
عبدالله خان فولادفاسی باشی و لیل اشکر مباشر محاسب  
کشتیکخانه و اشکر نویس میرزا اسر رشته دار میرزا محمد علی

وزیرباشیان از حاضر کابینه  
محمد حسنخان رستخان عباس فلجان عبدالله خان جلد  
فلجان کلبعلجان محمد حسنخان هاشمخان محمد فلجان  
عزتاللهخان حانراخان طهماسبعلجان مامورادربار

غلام پیشخدمان  
حسینعلجان غلام پیشخدمت باشی میرزا اولده نفر از شیه  
دوم بیست و پنج نفر از شیه سیم هجده نفر از شیه چهارم  
هفتاد و دو نفر

فرستخانه مبارک  
محمد حسنخان فرستباشی محمد آقا ناظر حاجی ابوالحسن

خاتم باشی میرزا علی اکبر شرف نایبان  
سرای خمارخانه مبارک  
محمد ابراهیمخان سرای دارباشی نایبان سرای درخانه هشتاد

غلامان مهندسه  
محمد فلجان نایب النظاره میرزا علی غنی منشی باشی حاجی  
قاسم شریف دارباشی ناظم البکاء حاجی میرزا محمد رضا وکیل  
مخولیدار میرزا حاجی مشرف

پوزباشیان و غلامان  
اشادزین العابدین طباطبائی باشی آقا محمد باقر مخولیدار  
افاجانخان پاشاخان حاجی حسنخان میرزا یوسفخان

نسخخانه مبارک  
محمد حسنخان نسخچی باشی  
جهان شاه خان

نایبان  
عبداللهخان فاجار هادیخان فاجار یوسفخان محمدخان  
خان فاجار میرزا آقایی میرزی خان باباخان ابوالقاسم  
فاجار میرزا حسین مشرف محمد رضاخان فاجار میرزا  
محمود علی اصغر بیک

اداره مبارک  
میرزا زین العابدین حافظ مهر مهر آثار مبارک محمد کریم  
بیک خادم مهر مبارک  
اداره صریف و عکاسخانه مبارک که جزو ادارات است  
محمود است  
افاضا اجودان مخصوص خازن صریف و عکاسخانه  
و سایر عکاسخانه های دولت علیه  
میرزا هاشم سرشته دار صریف میرزا زین العابدین باشی آقا  
مخولیدار صریف

اداره جناب ارباب السلطان  
میرزا عباس میرزا و نفر آقا محمد حسن مخولیدار و نفر حاجی  
محمد مخولیدار مسر و پول سپاه آقا مهدی صراف و خراجخانه

اجزای خزانه عامه  
میرزا فضل الله سر رشته دار میرزا هاشمخان سر رشته دار  
آقا هدایت مخولیدار کل پوسنخان مخولیدار کل حاجی  
باباخان محمد صراف آقا علی غنی و نفر

اجزاء خراجخانه مبارک  
هفتاد و دو نفر

ایرانی  
میرزا علی اکبر خیر بکر کن آقا زین العابدین مخولیدار نفر که در  
کارخانه میشود میرزا جعفر نایب علی آن که مشغول کار میشود  
هفتاد و دو نفر باغبان دونفر سرایدار و نفر

فرنگی  
مسیبومار طلا که سرسکه ملباز دمسبون میلر که در چهار اسوا  
محمد علیخان ناظم میرزا ولی سر رشته دار آقا محمد حسن  
مبکی مسیوعمران دفتر دار پوسنخان و میرزا مبارک

اداره مسیوعمران



اداره شرفخانه و فاطمه خانم باری و کلاک  
و تحت خانم مبارکجهان

افا علی اصغر صاحب کل کاظم خان فاطمی باری میرزا  
علی محمد شرف فاطمه خانم میرزا علی شرف شرفخانه  
رضوان پیک نایب کل شرفخانه کلان رشتخان تخت  
میرزا محمد علی شرف تختخانه جوادی پیک درضا فاطمی پیک  
نایبان کل شرفخانه باری

ابدار خانہ و سفا خانہ مبارک

افا محمد علی ابدار باری افابو سفا باری افاسینعلی ابدار  
افا شرف علی ابدار میرزا ابوالقاسم ابدار حاجی حسن ابدار  
سفا و سایر علم پناه نفر

فوج سوار کوه فرا و مخصوص ہا بون

نصرت خان باوند اول علی مراد پیک باورد دوم میرزا  
اسمعیل شرف  
ایلات دار الخلافہ از عرب غیر سپر کوه  
افا علی اصغر صاحب جمع  
عرب

میش سن سمنانی سالاری عامری علی دوسن  
کلکو پیش مشہدی کرمان  
سایر ایلات

اصانلو ہداوند فراچورلو الکاف شقایق اوربا  
نفر کاوباز

حکومت و ایلات بلوک  
زاہر مقدسہ حضرت عبدالعظیم

خدا مرستانہ شہر کلاک

حاجی سیدنا فایزک منوچاسپی میرزا ہدایت اللہ نایب کل  
میرزا محمد اسمعیل مراد میرزا محمد ناظر افاجی سید علی  
فراسباشی حاجی میرزا عبدالکریم صدر الحفظ افاسد  
حاجی افای نایب ناظر افامیرزا زید خادم ضریح طہر  
افا شیخ احمد واعظ اسنانہ شہر کلاک میرزا حبیب اللہ کلپنا  
سرکشیک شرف ساہرچندام یکصد و نوزده نفر

حسین قلیخان نایب الحکومت زاہر مقدسہ

شوار محمد جعفر خان نایب الحکومت

بخار کش صف علی پیک نایب الحکومت

بلوک لشنہ نشاء وغیرہ کلان سپردہ بعلی اکبر خان شہر کلاک

سوار کوه میرزا محمد خان نایب الحکومت

انبار غلہ دیوانی

مباشرعافابو سفا باری میرزا حسن شرف بابا اکبر  
نحو ابدار غلہ سایر اجراء دہ نفر

ادارہ سوارہ و ابا خواجہ ہند

سرہنگ کلا سوارہ میرزا علی اکبر خان ایل پیک حاجی محمد علی  
سرگودہ چہار نفر محمد ظہان (نعت اللہ خان)

افخ اللہ خان باورد و نفر و لجان عسوی خان (مشرود و نفر)  
میرزا اسد اللہ میرزا شکر اللہ (سوارہ چہار صد نفر)

ایلات و ہزار خانو اولودہ ہزار نفر

سوار کلا او صانلو

سپہ اللہ خان سرگودہ علی خان باورد میرزا حسن شرف  
سوارہ دو پست نفر

سوارہ قراچورلو

میر شکار و اشباع

عزیز محمد خان سرگودہ فتح اللہ خان باورد میرزا اسحق شرف  
سوارہ یکصد نفر

سوار کلا ہداوند

رحیم خان سرگودہ دلچان باورد میرزا ابوالقاسم شرف  
سوارہ یکصد و پچاہ نفر

ادارہ دارالصباغہ مبارک و روزنامہ تجارت و لئی و سایر ہا سہ خانہ دارالکھرو

برایست صنع الدولہ منہج مخصوص صورت ہا بون

ادارہ روزنامہ ایران

میرزا سید حسن مشور و زنامہ و دارالطباعہ میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفرزغی منشی و صحیح روزنامہ ایران  
میرزا علی محمد ناظم ادارہ روزنامہ میرزا ابوالقاسم منشی میرزا عبدالرحیم محرر میرزا عباس نقاش استاد  
مخصوصہ مباشرت ہا سہ خانہ مبارک و غیرہ میرزا سید ولی مرید معروف فرنگی و اہلک سایر محررین و نویسندہ  
سہ نفر علمہ طبع دہ نفر فراسخان ہشت نفر پوز باری نفر سایر صفت نفر

مترجمین دارالطباعہ

میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفرزغی منشی و صحیح روزنامہ  
میرزا علی محمد ناظم ادارہ روزنامہ تجارت  
مترجم فرانسہ و روسی

ادارہ روزنامہ مترجم و علی

میرزا سید حسن مشور و مباشرت روزنامہ مترجم و علی  
فراسخان و محصل اخبار و نشر اردل و فراسخان روزنامہ چہا

باسہ خانہ ہا و فرایجان برایست میرزا عباس خان سرہنگ و نویسندہ لکراف





# ممالک خارجی

## اروپا

### پروس

### دولت آلمان و مجاریستان

امپراطور فرانسوا شارل زوزف و فرانسوا شارل زوزف  
 ولعهد آرشو و کولف فرانسوا شارل زوزف  
 پایتخت وین صدراعظم  
 مذهب ولتی کاتولیک و پرتستانی هم دارد  
 جمعیت هفتاد و دو کشور

### دولت اسپانیا

پادشاه آلفونس و لازدم سنش بیست و دو سال  
 وزیراعظم گائوس دل گاسبلو  
 مذهب دولتی کاتولیک جمعیت سی و سه کشور  
 وی و پنجاه نفر پایتخت مادرید

### دولت مغربه المان

پادشاه لوی فیلیپ هفتم فرزند پانزده سنش چهل و یک سال  
 ولعهد شارل فرزند پانزده لوی هفتم وزیراعظم دقتش  
 پر داد ملو پایتخت لیزبن جمعیت دار و پنهان کرد  
 و یکصد و هفتاد و هفت هزار نفر خارج از اروپا  
 شش کشور و دو بیست و هشتاد و یک هزار نفر مذهب کاتولیک  
 و عیسوی و غیره نیز دارد جمعیت از فرانسو و اسپانیا

### اولا باد

جمعیت کابره هشتاد و یک کشور و مذهب ولتی پرتستان  
 و بعضی هم کاتولیکی هستند

### باویرا

شاه لوی دوم آن فرزند یک کیلوم سنش سی و  
 چهار سال پایتخت مونیخ  
 مذهب کاتولیک  
 شاه شارل اول فرزند یک الکساندر سنش پنجاه و شش سال  
 پایتخت استون کارن مذهب ولتی پرتستان و کاتولیک  
 ولعهد فرزند یک کیلوم لوی اول پلنا کوست سنش بیست و دو سال  
 پایتخت گارل سرد مذهب پرتستان  
 پادشاه ملکه و یکپور با الکساندر بن سنش پنجاه و نه سال  
 ولعهد پرنس آلبرن ملقب پرنس دو گال سنش بیست و هشت سال  
 وزیراعظم لرد دینا لوی ملقب به یکسوس فلدا پایتخت لندون  
 جمعیت تمام این ملک از انگلیس و ایرلند و اسکاتلند شش  
 و هفتاد و سیصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک مغربه

## دولت فرانسه

انگلستان هندوستان و غیره و غیره چهارصد و هفتاد  
 و شش کشور مذهب ولتی پرتستان و مذهب کاتولیک  
 ایرلند کاتولیک فرما فرمای هندوستان لرد لیتون  
 ولعهد کربینان فرزند یک کیلوم شارل سنش

### دولت ایتالیا

پادشاه هومبر اول سنش سی و پنج سال ولعهد  
 و یکپور اما نول پرنس دینا سنش ده سال وزیراعظم  
 مذهب کاتولیک جمعیت پنجاه و چهار کشور

### دولت روس

امپراطور الکساندر نیکلایویچ دوم در سنش  
 هجری فولد شده سنش شصت و یکسال

### دولت بلژیک

پادشاه لئوپلدم سنش چهل و چهار سال پایتخت  
 برکسل جمعیت ده کشور و سی و شش هزار نفر  
 مذهب ولتی کاتولیک

### دولت پرتغال

پادشاه لوی فیلیپ هفتم فرزند پانزده سنش چهل و یک سال  
 ولعهد شارل فرزند پانزده لوی هفتم وزیراعظم دقتش  
 پر داد ملو پایتخت لیزبن جمعیت دار و پنهان کرد  
 و یکصد و هفتاد و هفت هزار نفر خارج از اروپا  
 شش کشور و دو بیست و هشتاد و یک هزار نفر مذهب کاتولیک  
 و عیسوی و غیره نیز دارد جمعیت از فرانسو و اسپانیا

### دولت عثمانی

سلطان عبدالحمید خان سنش سی و هفت سال  
 ولعهد هنوز معین نشده وزیر اول خیرالدین پاشا  
 پایتخت اسلامبول مذهب ولتی مسلمان سنی  
 و عیسوی و غیره نیز دارد جمعیت از فرانسو و اسپانیا

### دولت فرانسه

پادشاه کپلوم سوم الکساندر یک فرزند یک لوی سنش  
 شصت و دو سال ولعهد کیلوم نیکلای الکساندر  
 فرزند یک شارل هانری سنش سی و نه سال  
 پایتخت لاندون جمعیت هفتاد و یک هزار نفر  
 مذهب ولتی پرتستان

### دولت یونان

رئیس جمهور ژول گروی پایتخت پاریس مذهب  
 دولتی کاتولیک جمعیت هفتاد و دو کشور و صد و هزار نفر



پادشاه نژاد اول سنش سی و چهار سال  
ولیعهد نسطین پامرتخان

جمعیت دو کرد و چهار و شصت هزار نفر  
مذهب عیسوی یونانیست

### اسپانیا

#### دولت چین

امپراطور گوانگ سو سنش هشت سال وزیر اعظم  
شاهزاده کنگ پای تخت یکن مذهب ولنی بود  
مذهب هشتاد و سه سالن و غیر هم دارد جمعیت کلین  
هشتصد و شصت و هفتاد و پنج رعبه شصت پادشاه  
وزیر کرد و چهار صد و چهل و شش هزار و صد و چهارده نفر  
جمعیتی که زیر عایت هشتاد و پنجاه و هفت کرد

#### دولت بنام

وزیر اول بنا پوزا پاسور پونگ سی  
پای تخت بان گک مذهب بودا مذهب  
جمعیت وازده کرد و سیصد هزار نفر

#### دولت ژاپن

### افریقا

#### جزیره ماداکاسکار

پادشاه ملکه رانا والد دوم  
پای تخت نانا نارو جمعیت بیج کرد

#### دولت طارق

سلطان ملا حسن پای تخت نان ژه  
جمعیت وازده کرد

#### ایالت مصر که جزو سلطنت عثمانی است

خدیو اسمعیل پاشا  
پای تخت قاهره مذهب اسلام سنی  
جمعیت تمام مصر سی و شش کرد  
مشخص نیست

### امریکا



### ینکی دنیا شمالی

#### جمهوری آناتولی

رئیس جمهور نکلا اولانا پای تخت بنوزد  
جمعیت دو کرد و سیصد هزار نفر

#### جمهوری اکوانر

رئیس جمهور این سبوا نینلا پای تخت کی تو  
جمعیت دو کرد و چهل هزار و سیصد هفتاد و یک نفر

#### جمهوری مکسیک

رئیس جمهور خای پای تخت واشین تون مذهب اغلب  
پروتستان و غیره جمعیت هفتاد و هفت کرد و سیصد هزار نفر

#### جمهوری اروکی

رئیس جمهور ی اسمش پور نور بود پاس پای تخت مکزیک  
مذهب کاتولیک جمعیت هجده کرد و دو صد و هشتاد و شش نفر

#### ینکی دنیا مرکزی

جمعیت کل پنجاه و دو صد هزار نفر

#### جمهوری سان سالوارر

جمعیت چهار صد هزار نفر

#### برزیل

امپراطور دوم پدرو دوم پای تخت رتودورا نور  
جمعیت بیست کرد و صد و هشتاد هزار نفر

#### جمهوری بولوی

رئیس جمهور دون نوماز پاس پای تخت چوکی کا  
جمعیت چهار کرد

#### جمهوری باراکا

رئیس جمهور اورتینوار پارت پای تخت اسپین  
جمعیت از فراسوات سابقه دو کرد و نفر

#### جمهوری بری

رئیس جمهور با مود سبوا پاردو پای تخت لپما  
جمعیت بیج کرد مذهب کاتولیک

#### جمهوری شبلی

رئیس جمهور با آنبیال پاسو پای تخت سان تیا  
جمعیت چهار کرد و نفر

#### جمهوری دول متخدا کولمبی

رئیس جمهور  
پای تخت سان سالوادر جمعیت چهار هزار نفر

#### جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهور گواردیا پای تخت سان ژوزه جمعیت  
بیست هزار نفر

#### جمهوری کواتمالا

رئیس جمهور ژوزه روبینو باربیس پای تخت کواتمالا  
جمعیت صد کرد و صد هزار نفر مذهب کاتولیک

#### جمهوری نیکاراگوا

رئیس جمهور دن پدرو شامرو پای تخت ماناگا  
جمعیت صد کرد و صد هزار نفر مذهب کاتولیک

#### جمهوری هندورا

رئیس جمهور مرکواریل پوسنو پای تخت کوما یایکا  
جمعیت صد کرد و صد هزار نفر

#### ینکی دنیا جنوبی

جمهوری آرانتین

ینکی دنیا



رئیس جهورد اکلیو پارا

پای تخت بگنا

جمعیت کل دول مخله کولبی دوازده کرد

جهورد کونترالا

رئیس جهورد دون بنارس الکنارا

پای تخت کاراکاس

زایر

جزیره ساندوچ

پادشاه لک کاخا (خامس) پنجم پای تخت هولولو

جزیره سن درونک

رئیس جهورد کونترالس

جمعیت چهارده هزار نفر

جزیره هاپستی

رئیس جهورد هنوز معلوم نیست

پای تخت پرنایرینس

جمعیت هشتصد هزار نفر

شهر ریح النانی سنه  
۱۲۹۶  
فرستادن

